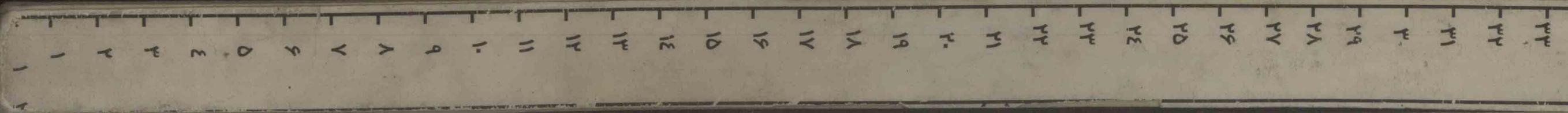


مكتبة  
مجمع  
1971.

1  
2  
3  
4  
5  
6  
7  
8  
9  
10  
11  
12  
13  
14  
15  
16  
17  
18  
19  
20  
21  
22  
23  
24  
25

كتاب  
تاريخ  
الجزيرة

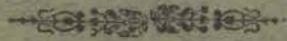


کتابخانه  
وزارت معارف  
جمهوری ایران

۴  
۳۷۴

ترجمه کتاب مستطاب

«تاریخ ایران»



تألیف

جناب . . . . . مستر شوستر امریکائی

در دوره ریاست خزانه داری

دولت علیه ایران

۵۱۹۹۰

اختصاصی  
شوریه

## \* تعمیر \*

اشتیاقی عامه با اطلاع وقایع جدیده ایران و در خواستشان از من نگارش وقایع غریبه عجبیه را که منبع انفصال من از خدمت خزانه داری ایران در ماه ژانویه ۱۹۱۲ شد تا جائیکه در خاطر دارم سبب اصلی و علت غائی تصنیف این کتاب گردید \*

وقایع و مندرجات ذیل از مآخذ و مجاری بسیار مستند مؤثقی تحصیل شده و بلاد داشتنای روزنامه (دفتر بعلی) خود که در مدت اقامت در ایران نوشته ام آن را تکمیل می نماید \* و نیز بعضی توضیحات و اشارات تاریخی که برای تکمیل تفهیم وقایع مزبور لازم بود بانضمام تشریحاتی که اظهار آن را مناسب دانسته ام بر آن افزوده شده است \*

بسیار متأسفم که از انجام دادن آن کار عام المنفعه پستدیده در آن مملکت قدیمی محروم شدم. لیکن تا شرف و تفکامیکه در وقت حرکت از آنجا در دل داشتم اکنون بکلی رفع شده است. آن پذیرائی صمیمی شایانیکه در فویه گذشته هنگام ورود به لندن از من بعمل آمد و نیز احتراماتی که از طرف جرائد امریکا و هم وطنان عزیزم بظهور پیوسته زحمات و مشقتها میرا که در دو ماهه آخر اقامت در طهران متحمل شده بودم بقسمی جبران و از خاطر من محو نمود که اکنون از آن افسردگی اثری باقی نیست \*

ولم دبیر و مضمون نگاری مثل مکالی (Macaulay) یا قلم موی مصوری مانند فرستچاگین (Ferestchagin) لازمست که شرح و نقشه این بردهای سریع حرکتی را که مستلزم و باعث انحطاط و انقراض آن ملت قدیم شده است نگارش و تزیین نماید یعنی بردها و نیز نگارنیکه آن دو دولت مقتدر مسیحی علی الظاهر به صورت تمدن و صداقت و شرافت و در حقیقت بیکاری و قانون بازی نمایش دادند بلکه یکی از آن دو دولت برای حصول مقاصد بولتیک خویش و ما بوس نمودن ایرانیان از تجدید حیات خود از ارتکاب مظالم بسیار وحشیانه هم خود داری نکرد \*

نتایج اصلی و فوائد حقیقی انسانیت و بهترین روابط بین المللی مقتضی و مستلزم آنست که در چنین موارد حقیقت واقع را بیان کنم. لیکن وقایعیکه عنقریب ذکر خواهد شد بدین ملاحظه که مبادا در مواقع دیگر مورد اعتراض و تنقید واقع شود بدان صراحت که شایسته بود نه نگاشته ام \*

این خرابیها و تیاهی سلطنت شاهنشاهی ایران اگر نوجه احساسات عالم تمدن را نسبت باین خداییل غارت گری بین المللی که نشانه و نمونه بولتیک ۱۹۱۱ عالم است فی الجمله منعطف و تند نسازد زندگانی و کشمکش با جد و جهد و به بعضی تعبیرات خونبهای مشروطه خواهان ایران حالیه شاید بکلی بهدر رفته باشد \*

## \* مقدمه \*

بعضی شقوق متعدده مخصوصه در نوشتن حالات جدیده بولتیکی ایران می باشد که فی الجمله توضیحش لازمست \*

امراول اینست که معاملات بولتیکی ایران که مملو از پریشانی و بد بختی ملیونها مردم ییگناه است، مثل يك تیاژ بسیار منظم خوبی صورت پذیر میشود \* بلکه شنیده ام که بعضی آن معاملات بولتیکی را به (ایرابوفه) (Operabouffe) یعنی تیاژ مسخره آمیز، تشبیه نموده اند \* قارئین این کتاب خواهند دید که همان اشخاص قدیمی کهنه رست بلبا سپهای مختلف بی دربی در نمایشگاه آن تیاژ آمده و پس از نشان دادن برد، مخفتری مراجعت می نمایند، مثلاً یکدفعه مجلس بلباس وزیر شاه رست شده و مرتبه دیگر به کسوت وطن رستان معروف جلوه و کابینه های موهومست که بود در بی تشکیل و بسرعت نام منحل میشود \* و مردمانیکه در مجامع ملی و مجالس قومی دارای مقامات عالیه میباشدند در ظرف یکروز بلکه يك ساعت بخصیض گمنامی و محویت تنزل نموده، همبکه گردش بی پایان انتریکها آنها را محبوب القلوب عامه می سازد، باندک فرصتی دو مرتبه باوج ترقی صعود میکنند \* تمام اشخاصیکه از طبقه صاحب منصبان و اموریان دولتی میباشدند از همین طراز بهمین نمونه اند که پیشه و شغلشان منحصر بهمین رویه میباشد، و قطعاً در ایران این صنف از مردم بالنسبه به سایرین امتیازی دارند \* حقیقه در همین چند ساله اخیره، این امره که کسانیکه از طبقه متوسط و بی لقبند، می توانند بهر شغل رسمی مأور شوند، جایز و ممکن الوقوع شده است \* نصیب و امید واریهای ملیونها رعایای آرام بی عدا در غالب امور موقوف است بسلك و میل همان صاحب منصبان کابینه، یا اموریان و حکام و یا جنرالهای از پیش خود (خیالی) که در هر آن هر طریقه و مسلکی که میخواهند اختیار میکنند \* این امر را هم باید ملتفت بود که باسننهای قبلی از اموریان دولتی سایر

صاحبمنصبان و نایندگان، همشان منحصر به معمول گردانیدن خود و دوستان خود بوده است \* از این بیان افعال و اعمال عجیبه، این طبقه محترمین ایران قدری واضحتر میگردد \* بجهت صحت تاریخ معرفت کامل، در باره شخصانیت و اغراض اینگونه از مردم که اقدامات و اغراض شخصیشان در وقایع جدیده بولتیکی ایران تا درجه دخالت کرده و راه یافته، لازمست \* يك امر دیگر که برای بی اطلاعان، خصوصاً اجانب بسیار اشکال و بیچیدگی دارد، اسماء و القابست، عموم ایرانیان فقط دارای اسمی میباشدند، لکن از اموریان بسیار کم کسی را سراغ داریم که لقب نداشته باشد \* ندانستن و نشناختن لقب شخصی امر آسانی نیست که بسببوت اغراض از آن نایند، چرا که باعث رنجششان خواهد شد، مثلاً شخص محترمی در خدمت بولتیکی امریکا باشد و از پیش خود خود را «سیپسالارسپسالاران» یا «متازالدوله» یا «اقبال الدوله» بخواند \* و بعد از اختیار هیچ لقبی و تحصیل فرمانیکه تصدیق آن لقب را بکنند، اسم اصلی خود را ترك کرده و بعد از آن بآن القاب شناخته شوند برای اجانب رخارجیها بسیار مشکلاست که آن القاب را یاد گرفته و بیاموزند، خصوصاً که اکثر آنها یکی از چهار کلمه، ملک، دولت، سلطنت، سلطان، ختم، میشود \*

نایب السلطنه حالیه اول بلقب ناصرالملکی مشهور بود، لکن بعد از آنکه بمقام نیابت سلطنت رسید، لقب بلقب نایب السلطنه، یعنی نایب پادشاه شد \*

يك اشکال دیگر برای ما دانستن حروف نهجی آن اسماء و القاب و تبدیل آن بحروف ارویانیست که مردم غالباً آنها را مختلف نوشته و از اینجهت مختلف تلفظ میشوند، . . . \*

(مصنف بعضی شواهد و نظائر برای اثبات مسئله فوق نوشته است که دانستن آن برای ایرانیان توضیح واضح خواهد بود باینجهت صرف نظر از ترجمه آن شد - مترجم \*)

اکثر قارئین محترم از تاریخ قدیم ایران بیشتر واقف و مطلع میباشدند، ناواقعهیکه جدیداً در آن اشکال عجیبه بظهور پیوسته \* مقصودم بیان حالات تاریخی ایران نیست، مگر و چیزه، مختصری که ذیلاً نگاشته می شود، مدعای واقعات انقلابیه ایران که منتهی شد به تشکیل سلطنت مشروطه در عهدسلطنت مظفرالدین شاه، تا نیم اوت ۱۹۰۶ (سیزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴) \* واقعات بولتیکیکه در این کتاب درج شده نازدترین وقایعی است که خود من شخصاً در تحصیل آنها سعی و کوشش بسیار نموده ام تا مفید تر واقع شود \*

شهادت بسیار قوی که از قرن گذشته، راجع بقدرت و خواستن اطلاع ملت ایران از امور عموم خود بدست داریم، منع و قهر عن مشهور است که علماء اسلام در خصوص استعمال

دخانیات اعلان کرده و مردم فوراً آن حکم را امتثال و مجری داشتند \* در صورتیکه از سنه ۱۸۹۱ م (۱۳۰۸ هـ) آن امتیاز حقیقه رسماً جاری و معمول شده بود \* سال قبل از آن ناصرالدین شاه قاجار امتیاز انحصار خرید و فروش تمام تنباکو و تنونهای ایران را بکپانی انگلیسی در لندن داد. سرمایه این کپانی با هیئت شرکاء ششصد و نجاه هزار لیره انگلیسی بود. امید و احتمال قوی میرفت که منفعت و عایدات سالانه آن انحصار بالغ بر پانصد هزار لیره بشود. بموجب آن قرارداد ربع آن منافع سهم دولت ایران بود. چه خود شاه و چه وزراء و اهل دربار \*

تا آنکه ایرانیانیکه مدتها ستم کشیده و دوچار شکجه استبداد بودند. از این فروختن کلبه حقوق و منافع و صنایعشان عاجز و بیبک آمده. در دسامبر ۱۸۹۱ (جمادی الاولی ۱۳۰۹) بجهت امتثال و اجراء احکام شرعیه. جمیع دکانهای تنباکو و تنون فروشی خود را بسته و باب معاملات را مسدود و قلیانهای خود را شکسته و پاکار گذارده و جز آن ترک استعمال نمودند. در مدت قلیل حیرت انگیزی استعمال تنباکو و دخانیات واقعاً و حقیقه بکلی موقوف و متروک گردید. این شورش بایندرجه ختم و موقوف نشد. تا آنکه شاه مجبوراً امتیاز معهوده را بعد از قبول کردن و دادن منسوخ نمود \* دولت ایران معادل پانصد هزار لیره بعنوان تاوان و خسارت بسود صدی شش فرض نموده بکپانی انگلیسی مزبور رد نمود \* فائده و سودیکه از آن امتیاز جابرانه غاصبانه عاید ملت گردید. معادل سی هزار لیره خسارت سالانه سود آن فرضه بود. که بدمه اینصورت بدبخت قرار گرفت \*

ناصرالدین شاه بیستم سنمبیر ۱۸۴۸ (بیست و یکم شوال ۱۲۶۴) بخت سلطنت جلوس و در اول ماه ۱۸۹۶ (هفدهم شوال ۱۳۱۳) بعد از تقریباً سلطنت شجاه سال بگلوله شخص مذهبی معصبی. میرزا محمد رضا نام کرمائی کشته شد. اگرچه مقصود حقیقی او معلوم نشد که چه بوده است. ولی غرضش. تعلق و ارتباط نامی به این عقیده عمومی داشت. که حقوق ایرانیان را بسرعت تمام بخارجیها و اجانب میفر و ختنند \*

مظفرالدین شاه قاجار که در آنزمان ولیعهد بود. هشتم ژون ۱۸۹۶ (بیست و پنجم ذیحجه ۱۳۱۳) بخت سلطنت جلوس و تا چهارم ژانویه ۱۹۰۷ (هیجدهم ذیقعده ۱۳۲۴) سلطنت و در همان سال فوت نمود. تقریباً شش ماه قبل از فوتش که عدم رضایت ایرانیان بواسطه مظالم سلاطینشان پس در پی ترایده یافته. بنای شورش و بلوی و تحریکات علنی را برای تحصیل مشروطیت گذارند. در ژوئیه ۱۹۰۶ (جمادی الاولی ۱۳۲۴) به تدابیری که

هم عجیب و هم موصل بمقصود بود. کامیاب و نائل گردیدند \*

بعد از آنکه پیشوایان مذهبی آنها را بمطالبه حقوق و مخالفت با مظالم درباریان ترغیب و تحریص نمودند. تقریباً شانزده هزار نفر از هر طبقه و هر صنف از اهل طهران در محوطه سفارت انگلیس و مساجد و امکته. دیگر متحصن شدند. و با کمال نظم و متانت سیور سات و ملزومات معاشیه و لوازم حفظ الصحه در آن امکته برای خود آماده کردند. باین تدابیر ساکتانه. به عزل کردن شاه عین الدوله را که از او شاکی بودند کامران و به آنها سلطنت دستوری قانونی یا مشروطه عطا شد. بعد از کوششهای مختلفه که شاه و وزراء برای درهم شکستن صولت آن طرز اقدامات ملین بکار برده مجبور بقبول شدند. بملاحظه توهین و رنجشیکه برای درباریان از آن طرز رفتار و حرکات ملین حاصل شد و از ترس آنکه مبادا تدابیر عملی آنها در مدافعه سخت تر از این گردد. پنجم اوت ۱۹۰۶ (سیزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴) دستخط مشروطه بایشان اعطاء و مردم بر سر خانه و مشاغل معمولی خود مراجعت نمودند \*

سلطنت استبدادی قزنها پادشاهان ایران باین طرز بلوی و شورش بدون خوریزی. بمبدل سلطنت مشروطه گشت. اگرچه آن مشروطه بملاحظات عدیده ناقص بود. ولی امریکه خیلی منظم بود. بیداری و اطلاع مردم از حقوق حقه خود و عزم بسیار را سخشان. برای اینکه هموطنان خود را از آن راهی که از قرون عدیده سلاطینشان بزرگی و جلالکی آنها را بجانب پراگندگی و متفرقی شدن و تخریب سلطنت میکشایدند. منصرف نموده و نجات دهند \*

از آن حقوق ملی که مجلس بهیئت. نخبه ملت بدست آورده بود که در تعیین وزراء. و وضع یا تدوین قوانین. موقع گفتگو داشته باشند. بزرگترین تغییری در قدرت مستبدانه شاه را یافت. پس از مراسلات و تبادل افکار و تحصن (بست) اجتماع دومی که در محوطه سفارت انگلیس در اوایل ستمبر ۱۹۰۶ (اوایل رجب ۱۳۲۴) واقع شد. در اوایل اکتوبر ۱۹۰۶ (اواسط شعبان ۱۳۲۴) بدون انتظار ورود و کلا. ولایات. اولین مجلس در طهران افتتاح و نطق شاه خوانده شد \*

چهارم ژانویه ۱۹۰۷ (هیجدهم ذیقعده ۱۳۲۴) مظفرالدین شاه فوت نمود و محمد علی میرزای ولیعهد که در تبریز اقامت و حکومت ایالت زرخیز معظم آذربایجان را داشت و شاه شد. این شخص بی شرف هفدهم دسامبر ۱۹۰۶ (ملخ شوال ۱۳۲۴) وارد

طهران گردید \* آتوق شاه بسیار سخت مریض بود \* نوزدهم ژانویه ۱۹۰۸ (چهارم ذیحجه ۱۳۲۴) بیخت نشست \* قبل از آن عهد کرده بود که اساس مشروطه و حقوقی را که پدرش بهت عطا نموده باقی و برقرار بدارد \*

محمد علی شاه قاجار شاید شخص جهان و گمراه و بی آبرو و مودی ترین جاور قریبای ندید بود که تخت سلطنت ایران را ملوث ساخت از ابتدای اقتدارش رعایای خود را به بی عزتی و حقارت نظری نمود و بسبب داشتن معلم روسی بد ذاتی برای باهمال و لگد کوب کردن حقوق ملت بسهولت تمام نائب الحکومه و آله اجرای مقاصد دولت روس و سفیرش در ایران شده بود \*

دوره سلطنت محمد علی شاه بطریقه بسیار مخوسی آغاز و با کمال نخوت و بی اعتنائی مجلس می نمود \* آن بدگمانی و مخالفتهای علی طرفین عمومیت پیدا کرده و مجلس مصمم شد که بعضی از آن اقتدار آتیکه بزحمت زیاد تحصیل نموده بکار بود شاه با همرازان محبوبش که وزراء و درباریان ارتجاعی بودند \* عزم مجزم نمود که تمام قوای جبارانه و مستبدانه سابق خود را که خاندان قاجاریه بآن متصف و مشهور بودند \* بکار برده و بر خلاف رعایا و اهل مملکت خود با ماورین دولت روس سازش و آتویک نماید \* حقیقه باروس و انگلیس برای استقرض چهار صد هزار لیره که موافق میل و رضای خود صرف و تلف نماید \* نعرمانه فرار داد نموده بود ولی آن قرار داد مستور بانندک زمانی مکشوف و بواسطه نمانعت و اقدامات مالاها و مجلس از تکمیل و انجام آن محروم شد \*

و کلا مجلس بیشتر از پیشتر بقین حاصل نمودند که شاه و پارتیهایش ایشان را مخالف اراده و بشرف مقاصد خود میدانند \* باین جبهه و کلا عزم شدند که اقتدارات خود را در اصلاحات لازمه امور بکار برده و مخصوصا سعی و کوشش بسیار نمودند که استقرض جدید از روس و انگلیس را مانع شوند \* زیرا که آنها آن فروض روز افزون ملت ایران را باعث خطر آزادی و استقلال سلطنت میدانند \* باین لایحه کوشش نمودند که بخارج شاه و اهل دربار و اطرافینش را محسوس سازند \* آن تصرفات ناجایز غاصبانه را که با کمال بی دبانگی مثل دزدها در مالیات و عایدات دولتی می نمودند و مثل املاک شخصی اجاره میدادند \* مخفی و اثرات مضر بخش مسیونوز (M. Naus) که شخص بلجیکی \* و از چند سال قبل با عدو از هموطنانش برای نظام گمرکات ایران جاب شده بودند خفا دهند

زیرا سرمایه بزرگی برای خود تحصیل و اقتدار و مداخلات بسیار مضرری در دوقوه بلجیکی و مالیاتی فراهم کرد \* بود \* مجلس در این صدد هم بود که بک بانک ملی که سرمایه اش از سهام شرکا داخلی باشد تشکیل دهد \* تا بواسطه اتکال و اتکاء به آن از استقرضات اجانب رهائی یابد \*

دهم فوریه ۱۹۰۷ (۲۶ ذی حجه ۱۳۲۴) شاه مجبور شد که مسیونوز را معزول نماید \* این اولین کامرانی بود که وقع و اهمیت مجلس را در انظار مردم ایران بسیار ترقی داد \* در این موقع شاه مصمم شد که از امین السلطان معروف به اتابک اعظم \* برای انجام دادن مشاغل ریاست الوزرائی \* خواهش مراجعت بایران نماید \* تاریخ جدید ایران شاید اتابک را مقتدرترین شخصی بداند که با تعالیم بسیار وسیعه اروپائی \* بعد از سیاحت کامل مراجعت نموده \* ولی بکلی مستبد و مرتشی بود \* مالاها او را بواسطه شرکت و مداخلت بی تدبیرانه که در دو فقره استقرض از روس بابت سنه ۱۸۹۹ تا سنه ۱۹۰۰ و سنه ۱۹۰۲ نموده بود مجرم و مقصر میدانستند \* و در سنه ۱۹۰۳ مجبور شد که جلاء وطن نماید \* وقتی که اتابک اظهار رضایت مراجعت نمود \* دولت روس در تجدید روابط دوستی و خصوصیت و گرم گرفتن با او فرصت را از دست نداده و مشارالیه را با کشتی جنگی خود باشایان ترین اعزازات رسمی از بحر خزر به بندر انزلی ایران عبور داد \* همینکه از کشتی پیاده شد اهالی رشت که مقرر حکومت گیلانست \* قبل از اینکه اجازه حرکت بسمت طهران بیاو بدهند او را مجبور کردند که بوفاداری و صداقت با اساس مشروطه ایران قسم یاد نماید \*

بیست و ششم اپریل ۱۹۰۷ (سیزدهم ربیع اول ۱۳۲۵) که اتابک مراجعت بایران نموده و وارد طهران شد \* تمام شعب و دوائر دولتی را بر ایشان و غیر منظم یافت \* خزانه بر حسب معمول خالی و در تمام مملکت شورش و هرج و مرج جاری بود \* اگر چه مجلس کماتیش میدانست که چه باید بکند \* ولی شاه مصمم بود که مجلسیان شیر از فقط تصویب و اجراء خیالات او اقدام به هیچ کار دیگر نکنند \* اهالی اصفهان هم برخلاف حکومت ظل السلطان عمومی شاه شورش و بلوی و شهرتیریزم در انقلاب و بریشانی بود \* در ماه ژون هم آن ابراف دیوانه یعنی شاهزاده سالارالدوله برادر شاه \* علانیه در ولایت همدان باغی و قصد خود را برای تحصیل تاج و تخت بطهران اعلان نمود \* بعد از سه روز جنگ با افواج شاه \* در شان ماه در نزدیکی نهاوند شکست خورد \* و دستگیر گردید \*

امور و اوضاع مملکتی از بدتر \* بدتر \* و دولت روس هم که هیچگاه راضی باستقرار

اصول مشروطیت در ایران نبود . از ماه اوت بمداخلات خود شروع به تهدید مجلس نموده . با عثمانی هم مخالفت آغاز و بکندسته شش هزار نفری از افواج عثمانی از سرحد شمال غربی ایران عبور و تجاوز و بعد از تصرف و قبضه نمودن چندین نصاب شهر ارومیه را آشکارا تهدید نمودند \*

در تمامی آن مدت اتابک مشغول به نقشه کشی و بدست آوردن فرضه دیگری از دولت روس بود . چون خائف بود که مبادا مجلس تصویب نکند و بدون تصویب مجلس هم تکمیل آن فرض مشکل بود . تا او آخر اوت تقریباً در جانب موافقت اکثر وکلا . با خیال خود . کامران و کامیاب گردید . ناگاه درسی و یکم اوت ( بیست و یکم رجب ۱۳۲۵ ) وقتی که از پارلمنت بیرون می آمد . بگلوله جوانی معروف به عباس آقای تبریزی کشته و بلا فاصله عباس آقا هم خود کشی نمود . آن جوان یکی از اعضاء انجمن های بسیار یعنی مجامع و سوسپانیهای پلنکی سری بود که اعضاء آنها به تعداد کثیری معروف شده بودند . ولی بی شبهه قصد و خیال وطن پرستانه وی حفظ دولت مشروطه بوده و از خرابی و حمله هائیکه بتوسط این رئیس الوزراء در شرف ظهور آمدن بود . او را وطن فروش میدانست \*

قتل اتابک شاهد صریحی بود بر تحقق و وجود عده کثیری که قسم خورده بودند که اساس مشروطیت را حمایت نموده و کسانیکه مخالف با نایبندگان باشند از میان بردارند . اگر چه به تحمل زجر و مشقتها سیاسی . یا بکشته شدن مجرمانه منجر شود \*

بعد از آن تا زمانه درازی پریشانی بی اندازه در امور و نا امدتی شاه و مجلس نتوانستند در قبول کابینه اتفاق نمایند . تا او آخر اکتوبر ۱۹۰۷ ( او آخر رمضان ۱۳۲۵ ) که ناصر الملک ( که اکنون نائب السلطنه ایرانست ) به تشکیل کابینه متفق علیی موفقی شده احتمال قوی در باره بسیاری از اعضاء آن کابینه میرفت که حامی اساس مشروطیت باشند . تا ماه دسامبر که آن کابینه مساعفی شد . به مشاعل راجعه بخود مشغول بودند \*

سی و یکم اوت ۱۹۰۷ ( بیست و یکم رجب ۱۳۲۵ ) معاهده بین انگلیس و روس در پتر سبرگ باضا رسید و چهارم سبتمبر ( بیست و پنجم رجب ۱۳۲۵ ) در طهران شهرت یافت و با کمال احتیاطیکه در مواد و عبارات اطمینان بخش آن عهد نامه رعایت شده و با ضمانت احترام و بقاء استقلال ایران که در آن تصریح شده بود . اثر بسیار دردناک حسرت انگیزی در ایرانیان نمود \*

وقع و اهمیت معاهده مذکوره برای وقایع تاریخی که بعد ذکر خواهد شد . بدرجه بی

باشد که مقابست دارد قسمتی از موادش که راجع باهر است در اینجا ذکر شود \*

( معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس )

( اعلی حضرت پادشاه ممالک متحده بریتانیه اعظم و ایرلند و مستملکات ماوراء بحار بریتانیه و امپراطور هندوستان و اعلی حضرت امپراطور تمام روسیه . بواسطه تحریک خواهشهای سابقه . راجع به تصفیه مسائل مختلف فیه . متعلق بفوائد و منافع دولتین در قاره آسیا . منفقاً مصمم شده اند که عهد نامه را تکمیل کنند که غرض اصلی از آن منع و رفع موجبات کدورت و اختلاف بین دولتین بریتانیه اعظم و روسیه میباشد . متعلق بمسائل مذکوره ذیل :-

باین ملاحظه سفره خود را یعنی اعلی حضرت پادشاه ممالک بریتانیه اعظم و غیره و غیره سر آرثر نیکولسن ( Sir Arthur Nicolson ) سفیر فوق العاده و وزیر مختار دولت خود را که مقیم در بار اعلی حضرت امپراطور روسیه است و اعلی حضرت امپراطور تمام روسیه رئیس در بار خود الکساندر ایسولسکی ( Alexander Iswolsky ) را که وزیر امور خارجه دولت روسیه است . برای انجام این معاهده مأمور نموده . و ابثان کلیه اقتدرات و اختیارات خود را که صحیح و مطابق قاعده بود بیکدیگر ارائه و تسلیم و در امور ذیل اتفاق نمودند :-

اصلاحات متعلقه با ایران

( دولتمین بریتانیه و روسیه باهم متعهد اند که احترام استقلال و آزادی ایران را که ملاً رعایت نمایند و چون صادقانه خواستار و طالب حفظ و بقاء امنیت و نظم در تمام آن ملک و ترقی صحیح صلح آمیز آن میباشند ) . و نیز برای برقرار داشتن فوائد متساویه تجارت و صناعت جمیع ملل دیگر . و بملاحظه اینکه هر یکی از این دو دولت بهل و موجبات جغرافیائی و اقتصادی غرض و فایده خاصی در برقرار داشتن صلح و امنیت در بعضی ولایات ایران در نظر دارند . که از یک طرف متصل یا مجاور سرحد روسیه و از طرف دیگر بسرحدات افغانستان و بلوچستان میباشد . و چون خواهشمنند بر هر دو اجتناب از موجبات مناقشات بین ( منافع و فوائد متعلقه بخودشان ) در ولایات مذکوره ایران میباشند . در شرایط و مواد ذیل باهم اتفاق نموده اند :-

( اولاً ) دولت انگلیس یا بریتانیه اعظم تعهد میکنند که هیچ گونه امتیازی برای خود . یا بحاجت رعایای انگلیس . یا رعایای دولت ثالثی جلب و تحصیل نکنند . چه پلنکی باشد

وجه تجارقی، مانند امتیاز راه آهن و بانك و تلگراف و شوارع حمل و نقل و بیمه و غیره خارج از خطی که از قصر شبرین شروع شده و از اصفهان و یرد و خاخ گذشته به نقطه سرحدی ایران، جائیکه سرحد روس و افغانستان باهم تقاطع میکنند منتهی شود و نیز در خواست اینگونه امتیازات صراحة یا کتابة در آن خطه که تحت حمایت روس است، با دولت مشار الیه مخالفت نه نماید. این نکته مسلم است که نقاط مذکور، فوق جزو آن خطه میباشد که دولت انگلیس تعهد میکند که امتیازات مذکور را در آن خواست نکند.\*

(ثانیاً) دولت روس از جانب خود تعهد میکند که هیچگونه امتیازی برای خود، یا بحمايت رعایای دولت روس، یا در باره رعایای دولت تالیی جلب و تحصیل نکند. چه بلتیکی باشد و چه تجارقی، مانند امتیاز راه آهن و بانك و تلگراف و شوارع حمل و نقل و بیمه و غیره، خارج از آن خطی که از سرحد افغانستان شروع و از راه فاریک و کرمان و یرجند گذشته و به بندر عباس منتهی شود، و نیز صراحة یا کتابة در خواست امتیازات مذکور، در آن خطه که تحت حمایت دولت انگلیس است، با دولت مشار الیه مخالفت نماید. و این مطلب نیز مسلم است، که امکان مذکور، فوق جزو آن خطه است، که دولت روس تعهد میکند که امتیازات مذکور، فوق را خواست نکند.\*

(ثالثاً) دولت روس از طرف خود تعهد میکند که مخالفت نکند و تصویب نماید، تحصیل هر قسم امتیازی که رعایای دولت انگلیس تحصیل نمایند در آن، امکنه ایران که واقعتاً بین دو خط مذکور در آرتیکل اول و دوم، در صورتیکه قبلاً باهم تالیی و قرارداد کرده باشند، و دولت انگلیس نیز قبول میکنند مثل این تعهد را، متعلق به تحصیل رعایای دولت روس امتیازات مذکور، را. رهان امکنه سابقه الذکر ایران و جمیع امتیازات موجوده حالیه که در خطه های مذکور، در فصل اول و دوم این معاهده، میباشد، بحال خود باقی خواهند بود.\*

(رابعاً) این نکته مسلم است که عایدات جمیع گمرکات ایران با استثنای عایدات گمرکی فارس و خلیج فارس، یعنی عایداتی که ضامن میکنند تأدیبه سود و استهلاک فرضهای را که دولت ایران از بانك استقراضی تا تاریخ امضاء این عهد نامه گرفته است بمصرف همان محل خواهد رسید که سابقاً بان مصروف میرسیده، و این نیز مسلم است که عایدات گمرکی فارس و خلیج فارس و نیز عایدات ماهی گیری در پای خزر که در کتار ایران واقعتاً و هم عایدات پست و تلگراف، کافی السابق بمصرف تأدیبه فرضی خواهد رسید که بین دولت ایران

و بانك شاهنشاهی تا تاریخ امضاء این عهد نامه قرارداد شده است.\*  
(خامساً) در صورت وقوع بی نظمی در افساط استهلاک، یا تأدیبه سود فروض دولت ایران، که با بانك استقراضی و بانك شاهنشاهی ایران تا تاریخ امضاء این عهد نامه قرارداد شده و در صورت وقوع ضرورتی که برای دولت روس پیش آید، برای برقرار نمودن نظارت خود بر مآخذ های عایداتی که ضامن تأدیبه فرضهای بانك مذکور اول، و در خطه مذکور، در فصل دوم این عهد نامه واقعتاً، یا برقرار نمودن دولت انگلیس نظارت خود را بر مآخذ های عایداتی که ضامن تأدیبه فرضهای بانك مذکور ثانی را نموده و در خطه مذکور، در فصل اول این عهد نامه واقعتاً، دولین انگلیس و روس تعهد میکنند که خیالات خود را دوستانه با رعایت تدابیر و شروط نظارت در مسئله معهوده مبادله نموده و از هر گونه مداخله و تصرفی که مخالف با اصول این عهد نامه باشد اجتناب و پرهیز کنند. (نیکلس - ایسولسکی)

فقرات دیگر این عهد نامه متعلق با افغانستان و تبت است.\*

این عهد نامه فقط بین انگلیس و روس انعقاد و تکمیل یافت، علی الظاهر برای نظم و تصفیه مسائلی بود، که تعلق به فوائد و اغراض متناسبه آنها داشت، جمیع آن فوائد و اغراض چه در مملکت ایران و چه در سایر ممالک، جعلی و از خود در آورده و بین خود شان معهد و مقرر بود، دولت ایران در انعقاد این عهد نامه به هیچ قسم نه سرآ و نه علناً طرف واقع نبوده و دخالتی نداشت، و مجلس نیز حقیقتاً از تکمیل آن عهد نامه ناچارم دسمیر که در طهران انتشار یافت بی اطلاع بود.\*

ایرانیان بی شبهه از این تقسیم مملکشان در شب (در غیاب و خفا) اظهار تنفر بسیار نمودند، حتی از آن خطوط موهومی جغرافیائی که آن دو دولتی که خود شان را با دولت ایران متعابتن میخواندند معین نموده و در صورتیکه صراحة «تعاهد و اتفاق خود شان را برای استقلال و آزادی ایران و خواهشهای صادقانه آنها در بر قراردادن نظم در تمامی آن مملکت و ترقی صلح آمیز آن، اعلان کرده بودند.\*

اعلی طهران خیلی بهمیجان آمده، جوش و خروش و پروتستهای متعارفی در بازارها واقعتاً، روز دیگرش سرسیسیل اسپرنک ویس (Sir Cecil Spring rice) وزیر مختار انگلیس در طهران مراسله رسمی بدولت ایران نوشت که در آن توضیح حقیقت و معنی آن عهد نامه نا پسندیده را به بارت ذیل درج کرده بود:-

ترجمه مراسله رسمی وزیر مختار انگلیس راجع بماهیت و اغراض حقیقی معاهده انگلیس و روس که در چهارم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و ششم رجب ۱۳۲۵) بفارسی بوزارت امور خارجه ایران اظهار داشته بود \*

بد و مستدار اطلاع رسیده که در ایران شهرت دارد که قرار دادی فیما بین انگلیس و روس منعقد شده که نتیجه آن مداخله دولتمین در ایران و تقسیم این مملکت بین آنها خواهد بود جنابعالی مطلعید که حقیقت و ماهیت عهد و پیمان انگلیس و روس بکلی برخلاف عقاید مردم میباشد. چنانچه پیمین نازگی جناب مشیر المملک به بطر سرگ و لندن رفته و با وزیر امور خارجه هر دو دولت در این باب مذاکره و بحث نموده و آنها صریحاً اغراض مطلوبه خودشان را درباره ایران با ایشان اظهار داشته بدون شبهه مشیر المملک آن اطمینانات را بدولت متبوعه خود اطلاع داده است \*

سر ادوارد گری (Sir Edward Grey) وزیر امور خارجه انگلیس مضمون مذاکرات با مشیر المملک را اظهارات مسیو ایسولسکی (Iswolsky) را که رسماً بدولت انگلیس تقدیم و بمشیر المملک توضیح و بمن هم اطلاع داده است. (که سر ادوارد گری و مسیو ایسولسکی در دو نکته اساسی بکلی باهم متفق اند). اولاً هیچیک از این دو دولت در امور ایران مداخله نخواهند کرد. مگر در صورتیکه خسارت و نقصانی بجان یا مال رعایای آنها وارد آید. ثانیاً مفاد و مفهومی که از معاهده دولتمین انگلیس و روس استنباط می شود. هرگز شکستی باستقلال و آزادی ایران وارد نخواهد آورد \*

سر ادوارد گری این نکته را هم اظهار داشته که بواسطه رقابت و مخالفتیکه بین دولتمین انگلیس و روس تا بحال بوده و هر یکی از آن دو سعی و کوشش در منع دوام نفوذ دیگری در ایران می نمودند و اگر این رقابت غیر مطمئنه تا چندی در ایران امتداد می یافت. شاید يك با هر دوی آن دو دولت را مداخله در امور داخلی ایران ترغیب می نمود. تا از استفاد و انتفاع دیگری یا ضرر خود از حالات موجوده بمناعت نماید. غرض از این معاهده بین انگلیس و روس جلوگیری چنین اشکالات بین خودشان بوده و این معامله بوجه من الوجوه برخلاف صریحه و صلاح ایران نیست. چنانچه مسیو ایسولسکی این نکته را بجناب مشیر المملک توضیح کرده است. (هیچیک از این دو دولت هیچگونه چشمداشت و توفعی از ایران نداشته و هیچ چیز نمی خواهند. تا اینکه ایران بتواند تمام قوای خود را برای نظم و تصفیه امور داخلی خود جمع نموده و مصروف دارد). و آن دو وزیر بکلی در عدم

مداخله در ایران متفق (و جای هیچ گونه احتمال شکنی هم در اینباب باقی ننگذارده اند). کلمات و عبارات مسیو ایسولسکی که بیان اراده انگلیس هارا میکنند بر حسب ذیل است: «مسلك عمومی دولت روس اجتناب از هر قسم مداخله در امور ممالک دیگر میباشد. تا وقتیکه امر مضری برای فواید او واقع نشود. و بکلی ممنوع است در اینمعامله موجوده از مسلك خود انحراف ورزد.»

در باب شهرت افواهی تقسیم ایران بین انگلیس و روس اظهار کرده میشود که دولتمین مذکورترین میخواهند در ایران نفوذ خود را محدود و معین نمایند. (سر ادورد گری و مسیو ایسولسکی) هر دو صریحاً اظهار داشته اند که این راپورتهای افواهی بکلی بی اصل میباشد. چیزیکه این دو دولت در نظر دارند اینست که می خواهند قرار دادی برای منع اشکالات و اختلافات آتیّه بسته شود با ضمانت و تعهد این نکته که باید هیچیک از آن دو دولت اراده جلب نفوذ در آن حصص ایران که متصل بحدود دولت دیگری است نکنند. این معاهده نه مضر فواید ایران و نه مانع از منافع دولت دیگریست. زیرا که این معاهده انگلیس و روس را فقط پای بند و مقید میکند (که در ایران هیچ طریقه اقدام به امری نکنند که منجر و منتهی به نقصان فواید و منافع دیگری بشود. و به این وسیله ایران را در آینده از (آن مطالبیکه در از مده سابقه مانع از ترقی آرزوهای بولتیکیشان شده بود نجات دهند) آنچه مسیو ایسولسکی اظهار نموده بر حسب شرح ذیل است: -

«این معاهده بین دو دولت اروپائی که بزرگترین اغراض و فوایدشان در ایران مبتنی بر ضمانت استقلال و آزادی آن مملکت میباشد. فقط برای ترقی و پیشرفت فواید آن دولت عمل خواهد شد تا از این (بعد ایران بتواند به کمک و امداد این دو دولت قوی همسایه تمام قوای خود را بمصرف اصلاحات داخله خود برساند) \*»

از بیانات مذکوره فوق ملاحظه خواهید فرمود که افواهاییکه در این روزها راجع بقبیلات سیاسی انگلیس و روس در ایران شایع میشود چقدر بی بنیاد و بی اصل است. غرض این دو دولت از انعقاد این عهد نامه هیچگونه حمله نیست. (بلکه برای مطمئن ساختن آزادی ابدی ایرانست). نه فقط نمی خواهند عذری بجهت مداخله کردن در دست داشته باشند. بلکه غرض آنها از این عهد و پیمانهای دوستانه این است که بکدیگر را (از مداخله در ایران به بهانه حفظ اغراض و فواید) بمناعت نمایند. این دو دولت امید وارند که دولت ایران همیشه از خوف مداخله اجانب نجات یافته. (به نحوی آزاد شود که امور خود را

بطور دلخواه نظم دهد) و باین قسم هم بجنود ایرانیان و هم به تمام اهل عالم فایده خواهد رسید \*

نادسمبر ۱۹۱۱ (اوایل محرم ۱۳۳۰) این نوشته معتبر رسمی در «بلو بولک» انگلیس ثبت نشده بود (۱) \* لکن در همان اوقات بواسطه سئوالبیکه بعد از تاریخ مزبور در آن باب از وزیر امور خارجه در مجلس و کلاء عمومی شده بود، مشخص گردید که مراسله مذکوره پنجم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و هشتم رجب ۱۳۲۵) از طرف وزیر مختار انگلیس مقیم طهران بدولت اخطار گردیده است \*

حالت پریشانی و بی نظمی ایران بهمان قسم جاری بود. در ماه نوامبر مطابق و جیراند طهران در آرتیکل های سخت حقارت آمیزی مها بانه و تقریباً بی حجابانه ما فوق التصور، بشاه حمله نمودند. چهارم نوامبر (بیست و هفتم رمضان ۱۳۲۵) شاه با شکوه تمام بمجلس رفته و مرتبه چهارم بقراآن قسم مغلظ یاد نمود. که مخالفت با اساس و شروطه نکرده و وفاداری نماید \*

اوایل دسمبر هجده معلوم شد که محمد علی شاه عزم خود را جزم نموده که مجلس را خراب کند. برای انجام این مقصد دودسته قشون داشت. یککاد معروف قزاق ایرانی که جمعیتشان از هزار و دویست تا هزار و هشتصد نفر. و در تحت فرماندهی و حکم صاحب منصبان نظامی روس و از طرف دولت مشار البها برای انجام این خدمت مأمور و لکن مواجب بکیر از خزانه دولت ایران بودند. و جماعت غیر منظمی هم از طبقه نوکرو مہتر و طاطرچی های خود شاه. به انضمام رجاله و آراذل حربص پای تخت. اقواج ایران بواسطه بی پروائی مصادر امور جنگ چنان بخصیض گمنامی تنزل کرده بودند که هیچکس آنها را قابل اعتنا تصور نمیکرد \*

پانزدهم دسمبر (نهم ذیقعدہ ۱۳۲۵) شاه اعضاء کابینه ناصر الملک را که تازه همان اوقات مستعفی شده بودند طلبیده و آنها را جبراً توفیق و رئیس الوزراء هم جزو آنها بوده (۲) \*

در این اثنا الواط و ارادلیکه اجیر شده و از شاه پول گرفته بودند در میدان توپخانه که

(۱) بلو بولک یا کتاب آبی: دفتر بست که سواد نوشتجات پلتیکی در آن ثبت می شود.

(۲) ناصر الملک بواسطه سفارش و تأکید سفارت انگلیس خلاص شد. مشار البه یکی

از همدرسهای سرداورد گری بوده و دوستان بسیار از سیاسین انگلیس داشت \*

واقع در نقطه مرکزی طهرانست. بلوائی آغاز نموده و برخلاف مجلس هیا هو کردند. لکن اقدام کافی برای تصرف و قبضه نمودن بهارستان. یعنی عارتیکه و کلاسه در آن اجلاس و مذاکره میگردند. فراهم نشده بود. روز بعد در موقعیکه مجلس بر حسب معمول منعقد بود. داوطلبان مسلح از تمام اصناف ملت. برای دفاع از تهدیدیکه بنایندگان مشروطه آنها شده بود. فوراً بطیب خاطر حاضر شده و مدخلمهای مجلس را محافظت نمودند. باین جهت بلوائیان شاه و قزاقهای ایرانی جرأت حمله بمجلس نکرده نتیجه این شد که صلح موفی بروی کنار آمد. باین معنی که شاه راضی شد بر حسب تقاضای ملت بعضی از ندماء و وزراء خود را معزول و تبعید کرده و الواط را که باعث سب امنیت شده و سکنه طهران را غارت کرده بودند. تنبیه و بریکاد قزاقی و افواج دیگر دولتی را در تحت اختیار و اقتدار وزارت جنگ فرار داده و مجدداً قسمنامه مهر کرده و بمجلس فرستاد که مخالفت با مشروطه ننماید. در این موقع مردم بواسطه تنبیدن تهدید تخریب مجلس فوراً از جمیع ولایات. تلگرافاً اظهار حمایتهای خود را بوکلاء خویش تتمدیم نمود. و چند دسته فدائی مسلح هم بطرف پای تخت گسیل داشتند \*

بیستم دسمبر ۱۹۰۷ (چهاردهم ذیقعدہ ۱۳۲۵) بعد از عود امنیت از طرف شاه کابینه جدیدی بریاست نظام السالطنه معین و مجلس هم طریقه صلح آمیزانه خود را نسبت بشاه جاری و لکن بی در پی همان قسم وقایع تازه برانگیخته شده و پیش می آمد \*

اواخر فوریه ۱۹۰۸ (اواخر محرم ۱۳۲۶) اراده قتل شاه شده بوده وقتیکه در کالسکه که عقب اتوموبیل سلطنتی میرفت نشسته و از خیابانهای طهران عبور مینمود. باین کان که شاه در اتوموبیل است «بچی» بالای اتوموبیل اؤداخته و بمترق شد. زخم گوی به «شفر» یعنی اتوموبیلچی شاه که مرد فرانسوی موسوم به وارنه (M. varnet) بود رسید و محمد علی شاه جانی سلامت بدر برده و بجز وحشت و دهشت سخت صدمه باورسید. البته از آن سوء قصدیکه مشروطه طلبان نسبت بمجان شاه کرده بودند شاه بدکان شده. روابط و تعلقاتش نسبت بمجلس و مجلسیان نازک و دقیق تر گردید \*

اواخر مه ۱۹۰۸ (اواخر ربیع الثانی ۱۳۲۶) هر یکی از آن دو فریق مطالب و مقاصدی اظهار نموده بودند که بنا بود طرفداران شاه مشروطه طلبان آنها را تصفیه و اصلاح نمایند. لذا اول ژون ۱۹۰۸ (غره جمادی الاولی ۱۳۲۶) شاه خواه بخواه مجبور شد. که عده از درباریان ارتجاعی خود را که یکی از آنها امیر بهادر جنگ معروف که ملتیان از او بسیار

متنفر بودند. معزول کنند ولی مشارالیه بسفارت روس پناهنده شد \*

روز بعد مداخله های عالی سفارتخانه های انگلیس و روس شروع و بطوری صریحاً تقویت و امداد از مغلوب شدن مجلس نمودند که نتیجه آن سه هفته بعد بمباردمان بهارستان بتوسط بریکاد قزاق شد \*

وزیر مختار روس مسیو دهارتویک ( M. Dehartwig ) و شارژدافر انگلیس مستر مارلینگ ( Mr. Marling ) وزیر امور خارجه ایران را ملاقات نموده و دولت ایران را حقیقه تهدید کردند که در صورتیکه مخالفت و ضدیت با خیالات و نقشه های شاه ترک نشود. روس مداخله خواهد نمود. وزیر مختار روس سبقت گرفته. تهدیدات خود و خواهشهای شاه را اظهار نمود. ولی نماینده انگلیس همراهی دولت متبوعه خود را فقط موکول بقبول مقاصد وزیر مختار روس گردانید \*

چگونه ممکن است که این تخویف و تهدید دولتین روس و انگلیس را مداخله جابرانه در اساس امور داخلی ایران. با آن معاهده دولتین و مراسله که «سر سبیل اسپرنک ریس» بدولت ایران نوشته بود توافق داده و جمع نمود. بی شبه این تهدیدات علناً مناقض با عهد هائیمت که در آن عهد نامه درج شده بود \*

آن بیغام مخوس سفارتین فوراً بمجلس اخطار کرده شد و در آنجا هم همان اثر را بخشید. که علی الظاهر نمایندگان دیپلماتی در نظر داشتند. مجلس همیشه از مداخله اجانب خوفناک بود \*

بعد از آنیکه مجلسیان. شاه مفتح جمله جوی قسم دروغ خور خود را عملاً مجبور کردند. که مطابق قانون زندگی کنند. بملاحظه اظهارات آن دو سفارت که غرض اصلیشان بر گردانیدن معاملات ایران بحالت اولیه بود که از آبهای کدر گل آلوده ماهی بگیرند. مجبور شدند که جدوجهد خود را بی نتیجه بگذارند \*

روز دیگر که سوم ژون ۱۹۰۸ ( سوم جمادی الاولی ۱۳۲۶ ) بود خوف شاه او را مجبور کرد. که بجهت محافظت خود از هر قسم مخاطرات متصوره از شهر خارج شده و در باغ شاه که خارج از شهر است اقامت نماید. وقتیکه در این مسافرت کوچک از خیابانهای شهر عبور میکرد. بواسطه رها نمودن دوهزار نفر سر باز گارد «سیلاخوری» که مستحفظش بودند. و حرکت دادن سیصد نفر قزاق یا نویخانه. اوله و هیاهوی غریبی در شهر برپا نمود. شاه باین تدبیر و در پناه این برده شوغا و آشوب. باتفاق کرنل لیاخف ( Colonel

( Liakhoff ) کماندان بریکاد قزاق. بیاعشاه رفت \*

روز بعد جماعت کثیری از مردم. به تصور اینکه شاه خیال حمله دیگری بمجلس دارد. خواستار اعلان خلعت شدند \*

بنجم ژون ۱۹۰۸ « بنجم جمادی الاولی ۱۳۲۶ » شاه بگرفتار کردن عده از مشروطه طلبان مصمم شد و به بهانه اینکه میخواهد با ایشان مشورت نماید. آنها را بیاعشاه دعوت نمود. ولی یکی از آنها فرار کرده و واقعه را فوراً بمجلس اطلاع داده. این اقدام باعث هیجان شدیدی در پانخت شد \*

بین ششم و بیست و سوم ژون ۱۹۰۸ « ۶ و ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ » شاه تهدیدات علنی نموده و تدارکات خود را برخلاف مشروطه طلبان دیده و افواج و اسلحه و قور خانه بسیاری در باغشاه جمع و میا و تلکراخانه ها را ضبط و از این راه مخایرات بین مجلس و ولایات را قطع و بجای مشروطه طلبانیکه مستخدم دولت بودند. از تجاعیون مشهور را بمخدمات دولتی مأمور و بسیاری از مردم را حبس و قانون نظامی را در شهر جاری و ریاست حکومت نظامی را به « کرنل لیاخف » روسی سپرد. بعد از آن قزاقها را با یک اوتیاتوم تهدید آمیزی بمجلس فرستاد که اگر مردم منتشر نشوند مسجد را بمباردمان خواهد نمود و علاوه نمید عده از مدیران جرائد و نطافان مشروطه خواه را خواستار و در آخر بیست و دوتم ژون مجلس و مردم را فریب داد که کسوفی مرکب از ملتیها و دولتیها. برای تصفیه مسائل مجعوت عنه مختلف فیه. تشکیل شود

قبل از طلوع آفتاب روز بیست و سوم ژون ۱۹۰۸ ( ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ ) بیشتر از هزار نفر قزاق با افواج دیگر عمارت مجلس را محاصره کرده و خیابانهای متصله بآن را نیز تصرف و مسدود نمودند. و کلاه و سایرین بمجمله تمام خود را بدان محل رسانیده. آنها را مانع از دخول بمجلس نشده. ولی از خارج شدن ممانعت مینمودند. بکساعت بعد « کرنل لیاخف » با شش نفر صاحب منصب روسی دیگر وارد شد. افواج و شش ثوب موجوده را بتوسی تقسیم کرد که سرکوب به آن محل باشند. بعد از آن کرنل مزبور سوار بر اسب شده و از آنجا رفت. افواج و توپخانه که تحت فرماندهی باقی افسران روسی بود فوراً بعارت مجلس شلیک نموده و در شلیک اول عده از داو طلبان ملی که در آنجا حاضر بودند کشته شدند \*

صد نفر یا بیشتر از ملتیان مسلح که در آنجا حاضر بودند جواب شلیکشان را داده

و ۳ توپ فرافها را بکلی بیسکار ساختند. مجدداً کمک بفرافها رسید. داوطلبان مجلس با اینکه عده بسیاری مخالف ایشان بودند، مدافعه شدیدی نموده و تا هفت یا هشت ساعت جنگ را امتداد دادند. تا اینکه آن عبارات از اثر نارنجک و شربتل خیلی خراب شده و آنها را که در آن بودند یا مقتول و یا گرفتار و یا فرار نمودند \*

بسیاری از ملتپای معروف گرفتار و ایشان را با حبس و با خفه نموده و بعضی دیگر که دولتیان در صدد دستگیر نمودن آنها بودند، فرار کردند. «کرنل لیاخف» و تا اینها پیش تا چند روز خانه های اشخاصی را که متغور شده بودند، بیازد و غارت میکردند. دفتر مجلس را هم ضایع کردند. «کرنل لیاخف» با اینکه مأمور نظامی روس و ملبس به لباس روسی و موجب بکیر از دولت ایران بود، حاکم حقیقی با اقتدار طهران گردید. کابینه روس با نقاد بهائیکه انگلیسها و سایر اروپائیا از اقدامات و مداخلات وی و افعال «لیاخف» کرده بودند، بکلی انکار و تخاصی نمود و متعذر شد که اقدامات کرنل مزبور بکلی در تحت احکام شاه و مجری امر او بوده است. دلایل و شهادتهای بسیار موجود است که ثابت میکند که لیاخف در واقع نقشه تفریب مجلس و اساس مشروطه را بر حسب اراده و میل جماعتی از ارتجاعیون که دورا دورا بطور روس در بطر سبرک بودند و مسیو «دهاد اوبک» وزیر مختار روس در طهران نمونۀ نمایانی از آنها بود، بوقع اجرا گذاشت \*

در خلال این حال شورش در ولایات، خصوصاً در رشت و کرمان و اصفهان و تبریز شروع و اهالی تبریز خلع شاه را اعلان داده و از آنجا يك دسنه سیصد نفری سوار بطهران فرستاد. شد که از مشروطه حمایت نمایند \*

در این زمان امیدواری استرداد و عود حکومت مشروطه در طهران خیلی ضعیف شده بود. جای تعجب نیست از اینکه مردم طهران قطع امید و آری پای خود را احساس نمودند \*

همان روز که «کرنل لیاخف» در طهران مشغول گلوله ریزی بمجلس بود در تبریز که دوم شهر ایران بشمار است بین ملتیان و دولتیان در بازارها جنگ شروع شد. سکنه تبریز از آن زمان که محمد علی شاه و ولیعهد و حاکم ایالت آذربایجان بود، او را بخوبی شناخته و از وی متنفر بودند \*

تاده ماه بعد از تخریب مجلس، مشروطه طلبان تبریز دوچار فشار عسرت و کشمکش بی تناسبی بودند. اوایل گرفتار کشمکش و مقاومت با دولتیان بوده، تا اینکه تقریباً آنها را

از شهر خارج کردند. او آخر، بسبب مسدود شدن راه ها و محاصره، کامل شهر دوچار قحط و علا شدند. در اکتوبر ۱۹۰۸ (رمضان ۱۳۲۶) شهرت نمود که روسها به بهانه اینکه قونسل تبریز احتمال وقوع خطر سختی برای اروپائیهای آن شهر میدهد، اراده فرستادن قشون برای مداخله در تبریز دارند. ولی حقیقت امر مکشوف شد که «مسیو بوخیتا نوف (M. pokhitonoff) با دولتیهای آذربایک کرده که اسلحه و قورخانه بقشون دولتی برساند. افواج ملی برای احترام و محافظت جان و مال اتباع خارجه خیلی سعی و احتیاط میکردند و شهادت کافی از اروپائیا راجع به اثبات این امر در دست است که در زمان تسلط حکومت مشروطه در آن محل، نظم کاملی فرمانروا بوده \*

یازدهم اکتوبر (چهاردهم رمضان ۱۳۲۶) چهارصد نفر قزاق ایرانی با چهار توپ، در تحت فرماندهی افسران روسی بریگاد قزاق، برای مدافعه ملتیان از طهران به تبریز روانه شدند. ولی تا دوازدهم اکتوبر ملتیان بکلی تمام شهر تبریز را تسخیر و قبضه نموده بودند. او آخر نوامبر (اوایل ذیحجه ۱۳۲۶) با وجود ورود قزاقها با توپ، برای امداد محاصرین شهر، ملتیان تبریز متواتراً فتوحات میکردند. مابین سایر ایالات فرصتی برای تکمیل نقشه های جنگی خود بدست آورده و در ظرف چهار ماه بعد از آن بمقصد خود نائل شدند. رشت و اصفهان و لاروس و سیس شیراز و همدان و مشهد و استرآباد و بندرعباس و بوشهر را ملتیان در قبضه تصرف خود در آوردند \*

بختیار بیا بحاجت ملیین مصمم شده و بهمین جهت پنجم ژانویه ۱۹۰۹ (دوازدهم ذیحجه ۱۳۲۶) دو نفر از خوانین آنها مصمصام السلطنه و ضرغام السلطنه با هزار نفر از متعلقین و منسبین خود، شهر اصفهانرا تصرف شده و افواج دولتی را متفرق نمودند \*

در رشت که واقع در شمال ایران است، آن شخص معروف یعنی سپهدار اعظم که چند ماه قبل از آن در تبریز سردار و کاندان افواج دولتی بوده و شهر تبریز را محاصره کرده بود، جنبش ملتیان را معاونت و امداد نمود \*

در خلال ماه ژانویه (ماه ذیحجه ۱۳۲۶) سکنه تبریز در عسرت بسیار واقع شده و بسیاری از آنها از گرسنگی در شرف مردن بوده و بزجر و مشقت یا علف (بچه) گذران میکردند. قابعین وحشی رحیم خان و افواج دولتی شهر را محاصره کرده بودند. استقامت ایشان در این محاصره فقط بواسطه امیدواریها و وعده های یقا و غارت نامحدودی بود که به آنها داده بودند که پس از تصرف و تسخیر شهر به آن نائل خواهند شد \*

در موقعیکه ملتیان عازم بودند که بجهت تحصیل آذوقه برای اهل شهر یکی از راهها را باز کنند. دو نفر از اتباع خارجه با عزم ایشان شرکت نمودند. یکی از آنها مستر مور (M. Moore) انگلیسی بود که بعنوان وقایع نگاری از طرف چند روز نامه انگلیسی به ایران آمده و دیگری مستر باسکرویل (M. Baskerville) امریکائی که در مدرسه پسران در تبریز معلم بوده و از حزب دعاة طرفه «پریس پترین» (pres byterian) امریکائی بود (۱) \*

مستر باسکرویل در حمله بیست و یکم آپریل کشته شد \*

وقتیکه کار تحصیل آذوقه بعسرت و یأس رسید. رأی داده شد که اتباع خارجه از شهر خارج شوند و بفرمانفرمای قشون دولتی اطلاع دادند که آنها را بسلامت عبور دهد. ولی تقریباً تمام خارجیها راضی بودند که از منافع خود صرف نظر نمایند. بیستم آپریل (بیست و هشتم ربیع الاول ۱۳۲۷) روسها مصمم شدند که به پیانه تسهیل رسانیدن آذوقه و محافظت قونسولخانهها و رعایای خارجه و کمک نمودن بکسانیکه میخواهند از شهر خارج شوند. قشون خود را داخل شهر نمایند \*

بیست و نهم آپریل (هشتم ربیع الثاني ۱۳۲۷) عده از قشون روس که مشتمل بر چهار دسته قزاق و سه باطالیون پیاده و دو باطری توپخانه و یکدسته عملجات بود. باطراف تبریز رسیدند و روز بعد وارد شهر شدند. دولت روس ضائتهای موثق و معتبر داد که اقامت و ساخلو بودن آن افواج در تبریز. تا وقتیکه امنیت شهر و محافظت جان و مال قونسلها و رعایای خارجه لازم باشد و نیز تعهد کرد که از مداخله در امور پلتیکی بکلی اجتناب خواهد نمود \*

چنانچه همیشه در مثل این گونه موارد معمول است. تصادف و مشکلات سفتی. بین اهالی بومی تبریز و این چهار هزار نفر قشون روس که در داخل و خارج شهر بودند واقع شد. با اینکه امنیت و نظم کامل در شهر عود کرد. وعده خارج شدن روسها ابتدا وفا نشد. در امتداد ماه مارس احزاب ملی رشت. قسمتی از آن راه که بجز خزر را بقزوین و طهران اتصال میداد. متصرف شدند \*

بیشرفتن ایشان خیلی به کندی بود. زیرا که منتظر ورود و توأم شدن افواج بختیاری اصفهان از سمت جنوب بودند \*

(۱) پریس پترین شعبه از فرقه پراستیان مسیحی می باشند. مترجم

نتیجه مراسم رسمی بسیار سخت سفارتین روس و انگلیس که در بیست و دوم آپریل بشاه نوشته بودند این شد که شاه مجدداً در دهم مه (نوزدهم ربیع الثاني ۱۳۲۷) وعده صریح موثقی نمود که مشروطه را معاودت داده و برقرار نماید. لیدران و نماینده های ملی و مردم ابتدا بوعدهای او اطمینان نداشته و اعتنا نکردند \*

هر دو دسته افواج ملی توأمًا بجانب پای تخت حرکت نمودند. فوج اصفهان در تحت فرمان صمصام السلطنه بزرگ بختیاریه بود. فریب بهفتم می برادر چالاک وزیر کش سردار اسعد که از راه خلیج فارس از اروپا مراجعت نموده بود. یا او شریک شد. شاه عده قشونی برای جلوگیری افواج مزبوره فرستاد \*

در این اثنا حزب ملی رشت. شهر قزوین را که تقریباً نود میل طرف شمال (غربی) طهران واقعست تصرف نمودند. اگر چه ایشان در تحت حکم سپهدار اعظم بودند. ولی روح محرک آن افواج متهاجمه. پورش آور را بقیم خان ارمنی میدانستند. قزوین بتاریخ پنجم مه (چهاردهم ربیع الثاني ۱۳۲۷) تسخیر و در ششم مه عده از قزاقان ایرانی با توپ ما کزیم در تحت کماندانی «کاپتان زاپولسکی» (Captain Zapolski) روسی برای محافظت تنگه و بل کرج که تقریباً سی میل طرف شمال غربی طهران واقع است از طهران حرکت نمودند. عساکر ملی عددشان از ششصد نفر هم کمتر بود \*

در این موقع سفارت روس دو باره شروع بمداخله در این کار نمود و مراسله تهدید آمیزی بسپهدار نوشته. صراحتاً خواهش کرد که پیشقدمی خود را بطرف طهران ترک و موقوف گرداند \*

شانزدهم ژوئن (بیست و هفتم جمادی الثانيه ۱۳۲۷) سوارهای بختیاری که مشتمل بر هشتصد نفر بودند بطرف طهران روانه و چندی بعد بین ایشان و ملیین رشت و قزوین. ابواب مکاتبه و مراسله و استحکام روابط مفتوح گردید. سفارتین روس و انگلیس در کار باز داشتن و متصرف نمودن خوانین بختیاری از خیالات و مقاصدشان بودند. ولی بی نتیجه شد. بیست و سوم ژوئن پیش فراول این حزب بقم که هشتاد میل سمت جنوب طهران است رسید \*

باوجود تهدیدات مکرره سفارتین. سردار اسعد اظهار داشت که بعض خواهشها از شاه دارد و باین پیانه پیشقدمی هانطور جاری بود. دولت روس در ترسانیدن افواج ملی کوشش بسیار نموده و بگرد آوردن افواج متهاجمه حمله آوری در یاد کوبه شروع کرد که بشمال

ایران بفرستند \*

در این موقع شهرت نمود که پنجمزار نفر افواج شاه در سلطان آباد متوقف و هزار و سیصد و پنجاه نفر هم قزاق در طهران بودند که هشتصد نفر آنها در شهر در تحت فرمان « کرنل لیاخف » و سیصد و پنجاه نفر در شمال پای تخت (در سلطنت آباد بیلاق سلطنتی) و دویست نفر هم سمت جنوب پای تخت، منتظر ورود بختیارپا بودند. سوم ژویه (چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) فوجی که در کرج بود بطرف شاه آباد که شانزده میل با طهران فاصله دارد عقب نشست و روز دیگرش هم يك مقابله و جنگ مختصری بین آن افواج و ملتیان که پیش می آمدند واقع و از طرف ملین دوازده نفر مقتول و از قزاقهای ایرانی که با سه عراده توپ در تحت حکم کاپتان «زا بلسکی» و دو نفر افسر نظامی «نان کیشن» روس بودند (۱) و يك صاحب منصب ایرانی و سه نفر تاین مقتول و دو نفر مجروح گردیدند \*

در خلال این منازعات دولت روس موقع را مغتنم شمرد و متوالیا دسته جات افواج خود را از بادکوبه بسمت ایران حرکت میداد. تا هشتم ژویه (نوزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) تقریباً دو هزار نفر از آنها وارد ایران گردیده و یازدهم ژویه (بیست و دوم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) بقزوین رسیدند. سفارت روس بملتیان اعلان نمود که اگر یکقدم بطرف پایتخت بیشتر بگذارند باعث مداخله خارجه خواهد شد \*

کوشش و تدابیر دیگر برای ترسانیدن و منحرف ساختن سرداران ملی بکار برده ولی بی نتیجه ماند \*

دهم ژویه (بیست و یکم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) تصادمی بین بریگاد قزاق و بختیارپا در بادامک که بانزده میل طرف غربی طهران است واقع شد. ولی نتیجه صحیحی نه بخشید و این جنگها تا دو روز متوالی جاری بود. سیزدهم ژویه (بیست و چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) هر دو دسته افواج ملی از بین اردوگاه بریگاد قزاق و سایر افواج دولتی بجبالاکی باریک شده و گذشتند و خصم را بواسطه این حرکت مات نموده و ساعت شش و نیم صبح بی خبر وارد طهران شدند. چابکی این حرکت بدون شك نتیجه خیالات و اقدامات بفرم خان سابق الذکر بود \*

(۱) نان کیشن صاحب منصبان نظامی را گویند که از درجه پست سر بازی یا تاینی شروع بخدمت نمود و ترفیقات آنها هم محدود است \* (منرجم)

تمام آن روز در بازارها و معابر طهران نائزده جنگ مشتعل و مردم شهر با جوش و خروش بسیار جنود و احزاب ملی را استقبال و معاونت نموده و سیزدهم ژویه (بیست و چهارم جمادی الثانیه) را روز نجات و خلاصی خود از استبداد میدانستند. روز دیگر بریگاد قزاق در تحت فرماندهی کرنل «لیاخف» در قراقرخان خود و میدان مشق که وسط شهر است محصور شد. کرنل روسی مراسله بسپهدار که سردار افواج ملی بود نوشته و شرایطی برای تسلیم بریگاد قزاق پیش نهاد نمود. با اینکه تا آنوقت بریگاد قزاق هنوز میدان مشق را از دست نداده بود. افواج ملی در تمام مدت آن انقلابات به نهایت جوانمردی و حزم و مال اندیشی رفتار کردند. یازدهم ژویه (بیست و ششم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) پای تخت را کاملاً بقبضه تصرف خود در آوردند \*

ساعت هشت و نیم صبح شانزدهم ژویه شاه با دسته بزرگی از افواج و همراهیان خود در سفارت روس در زر گنده که چند میل خارج از شهر است منعصن و بدین طریق گویا از سلطنت مأیوس گشته و کنار گیری اختیار نمود. ولی قبل از اقدام به آن حرکت رضایت و تصویب سفارت روس را راجع به آن امر تحصیل کرده بود. از وقت ورود شاه تا افضاء مدت اقامتش در سفارت برقههای روس و انگلیس بر عمارت وزیر مختار روس نصب کرده بودند. در این موقع کرنل لیاخف خود را بافسران ملی تسلیم و رسا و ملازمت و خدمت دولت جدید ایران را قبول و تعهد نمود که در تحت احکام وزیر جنگ دولت مشروطه صریحاً بشغل و خدمت خود مشغول باشد \*

دیری از شب گذشته بود که مجلس فوق العاده در محوطه بهارستان منعقد شده و شاه را رسماً خلع نموده و جانشینی پسرش سلطان احمد میرزا را که دوازده ساله بود بجای وی اعلان و عضد الملک را که رئیس محترم ایل قاجاریه بود به نیابت سلطنت انتخاب نمودند. شانزدهم ژویه ۱۹۰۹ (بیست و هفتم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) ادعای مشروطیت ایران که علی الظاهر از دست رفته بود دوباره دفعه معاودت نمود. بواسطه اظهار جرأت و وطن پرستی و هنرمندی سربازان ملی امیدواریهای آنها نسبت بدولت جدید القاجاری بکوشیه حاصل شده و عود کرد بین کمیته فوری (هیئت مدیره) که از طرف دولت مشروطه تشکیل شده بود و سفارتین روس و انگلیس مبادلات کمی و بیغام بسیاری راجع بشرایط ذیل واقع شد :-

اولاً: محمد علی شاه مخلوع از ایران خارج شده و آن مملکت را ترك گوید \*

نائباً: جواهرات سلطنتی را که با خود برده رد نماید \*

نائباً: قرضه‌هاییکه نموده ادا کند و املاک شخصی خود را که رهن گذارده. باین احتیاط که می‌داد مرهونه‌های مذکوره بدست روسها بیفتند. تفکیک رهن به نماید \*

آخر همه وظیفه سالانه او بود. هفتم سبتمبر (بیست و یکم شعبان ۱۳۲۷) قرارداد های مزبوره. تصفیه و تسویه شده «پروتوکالی» (صورت مجلس) که حاوی شرایط مذکوره بود. بین نمایندگان دولتین روس و انگلیس و فریق دیگر با مضا رسید. وظیفه شاه مخلوع سالی تقریباً هشتاد هزار «دالر» (معادل صد هزار تومان) معین شد. نهم سبتمبر شاه با نواده و متعلقینش (بمراهی قزاقهای روسی و سوارهای هندی سفارت انگلیس) از سفارت خانه روس بیرون آمده و بعزم ادا سا بطرف بحر خزر رهسپار گردید. اول اکتوبر (پانزدهم رمضان ۱۳۲۷) از ساحل ایران سوار کشتی شده و بطرف بادکوبه روانه شد. از بادکوبه تا ادا سا با قطار راه آهن مخصوص که از جانب دولت روس معین شده بود رفت \*

هیجدهم ژویه (بیست و نهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) نائب السلطنه در سلطنت آباد. بشاه جدید تبریک گفته و در بیستم ژویه (دوم رجب ۱۳۲۷) شاه وارد پایتخت شد و برای پذیرائی و احترام او چراغانی شایانی بعمل آمد. چندی بعد از آن دولتین روس و انگلیس قانون مشروطه جدید را رسماً قبول کردند \*

هیئت مدیره ملی شروع بانخاب اعضاء کابینه نموده و نظم پولیس شهر را بفرم خان سپرد \*

مطایع و جرائد آزادی که در دوره اولیه مجاس بوده و بعد از انفصال مجلس توقیف شده بودند آشکارا شدند. در اکتوبر بعد (بین رمضان و شوال ۱۳۲۷) انتخابات وکلاء مجاس کاملاً بعمل آمد. بیست و هشتم همان ماه (سیزدهم شوال ۱۳۲۷) نهضت و چهار نفر از وکلاء در طهران جمع و حاضر شدند. گویا عدد وکلاء سه نفر بیشتر از حد انتخاب مقرر بود \*

پانزدهم نوامبر ۱۹۰۹ (عزّه ذیقعد ۱۳۲۷) مجلس جدید رسماً افتتاح و تشکیل یافت. نمایندگان تمام اصناف در آنجا حاضر بودند. سپهسالار بر ریاست الوزرائی و وزارت جنگ معین شد و او بود که تعلق شاه را فرات نمود \*

در امتداد آن اوقات عدّه کثیری عساکر روس در تبریز و قزوین و رشت و نقاط

مختلفه دیگر شمالی ایران قیام داشتند. ملتیان وجود آن جنود را منشاء سلب امنیت و اطمینان زیاد دانسته و نسبت بمقاصد و اغراض حقیقی دولت روس سوء ظنی کامل داشتند \*

مجلس و کابینه جدید با کثرت حوادث و مواضعیکه دوچار شده بودند با جرأت تمام مشغول به اعاده موجبات نظم و انتظام پولیس و وصول مالیات شده و سعی در امنیت و محافظت جان و مال رعایا نمودند. بی شبهه در آن زمان مملکت در حالت پریشانی خطرناک و اغتشاش فوق العاده و بدتر از همه پریشانی و بی نظمی امور مالیه و قروض سنگین دولت ایران با جانب بوده که او را احاطه کرده بود \*

بیک «جنتلمن» (مرد محترم شریف) فرانسوی «مسیو بیژو» (M. Bizot) آنوقت مستخدم دولت ایران بوده که در امور راجعه بآلیه دولت جدید ایران را معاونت نماید. ولی در مدت دو سال که در طهران اقامت داشت هیچ امری را تصفیه و اصلاح نکرده و حالات از بد بدتر شد. یکی از بدبختیهای ایرانیان این بود که وطن پرستی و احساساتی که بسیاری از مائیان با جرأت ایران را محرک شده بود که برای خلع شاه بچنگند و آن متانت و وقار بسندیده که در زمان فتح خود بکار بردند نمیتوانست کفایت از پریشانیهای خزانه دولتی و منع از تقاب و رشوه و بی دباتی نماید جای هیچگونه شک نیست که مشروطه طلبان و اعضاء مجلس با خزانه خالی و قروض بسیار سنگین با جانب و کسر مأخذ بکه در مخارج دولتی بسرعت تمام توفی مینمود و ویرانیهای استبداد که نمبر آن لازم بود عازم و مصمم شده بودند که طریقه و مسلک جدیدی اتخاذ کنند که ملت و حکومت جدید خود را از براگندگی و پریشانی صریح که باعث و هن آنها میشد محفوظ بدارند \*

با وجود بکه ملین شاه ماضی را پس از نقص عهد مکرره و تخلف از قسمه‌هاییکه برای حفظ اساس مشروطه و حقوق صادفانه ملت خورده بود خلع و از مملکتش تبعید کرده و بمقصد خود مشعشعانه نائل شدند امیدوار بپای آینده شان برای تشکیل دولت مستقل منظم چندان محل اطمینان و قابل اعتماد نبود. بواسطه بیجستگی خیالات همچو مملکتی از حیث ملیت رعایت احترام و حمایت اکثر ایرانیان و مسدود کردن براهه مداخله دول اجنبیه. متعابه در امور داخلی که ادعای داشتن اغراض مخصوصه در آن مملکت مینمودند لازم بود از زمان سلاطین سلف کارهای حکومتی دولت ایران عموماً و امور اداره مالیه خصوصاً بجندی بریشان و از هم گسیخته بود که نه در خارج اعتبار استقرض داشت و نه در داخل بی

قرنیه و پریشانی که آنوقت در امور ایران راه یافته بود وطن پرست باجرائی از طبقات زیرک مردم لازم بود که دولت را از مغالک پریشانی فقر و ویرانی خلاص نماید نه فقط مشکلات و موانع داخلی امیدواری ایرانیان را فریب یاس ساخته بود بلکه مخالفت عالی روس و بیعتناکی مضرت بخش انگلستان از رد کردن و برهم زدن نقشه و تدابیر ظاهره روس بخلاف کامیابی دولت مشروطه مزید بر آن گردیده بود. اینچنین دولت مشروطه جدید از اول دوجار روابط فوق العاده غریبی با بعضی از دول اجنبیه شده بود که آن تعلقات و روابط را بدون رعایت حقوق ملی و سلطنتشان بجز با آنها قبولایند بودند \*

رعایای فقیر ولایات در تحت حکمرانی هر حکومتی مجبور به تأدیبه مالیات خود بودند در صورتیکه یک دینار از آن مالیات هیچگاه بمصرف فوائدشان مصروف نمی شد و همیشه شکار قطع الطریق بیگانه و خودی یعنی صاحب منصبان و مأمورین دولتی که تقدیر آنها را مسلط کرده بود می بودند خود مردم نمیتوانستند تا درجه و سببی حقوق خود را که از حیث رعیت بودن سلطنت مشروطه ایران باید به آنها عاید شد ادراک کرده و احساس میزان مسئولیت کسانرا که میخواهند طریق حکومت دیوکراتی آزادی را تأسیس کرده بنمایند لکن شدیدترین خطر آنها این بود که قبل از آنکه آنها بتوانند تربیت و تمدن کافی که قابل فهمیدن این مسائل گرداند تحصیل نمایند مملکت آنها شاید از نقشه مال سلطنت مستقله محو میشد پس مسئولیت بسیار بزرگ سنگینی بپیرانیهای زیرک و عالم تعاقب گرفته بود که در ظرف این هیجده ماه بعد از خلع شاه مخلوع در آن دوره مسلک جدید دارای اقتدار و مناصب با اثر شده بودند بهمان اندازه که ملت ایران چشم داشت و توقع محافظت حقوق خود در دوره استقرار سلطنت مشروطه داشت بهمان درجه مأمورین و صاحبمنصبان هم مناصب تازه تحصیل نموده وسیله ترقی خود قرار میدادند و این امر هم چندان غریبی نداشت زیرا که مطابق رسوم معموله قدیمه مملکتشان بود \*

چنانکه سابقاً ذکر شد عده کثیری از افواج روس و انگلیس بمقاطع مختلفه شمالی ایران فرستاده شده بود. اگرچه دولتین روس و انگلیس هر دو اظهار کرده بودند که بجز دریکه خطرات محتمله نسبت بمال و حقوق اتباع خارجه مرتفع شود و احتیاج بمحافظت آنان نباشد فوراً آنها را معلودت دهند \*

از یکطرف ورود آن افواج و از طرف دیگر اغتشاشات محلی که همیشه اضطرابات پلیسی را در دنبال داشت چنانچه در ظرف چهار سال گذشته در ایران مشهود گشت

اشکالات مترانده تازه بسلطنت مشروطه تحمیل و دوجار گردید در سپتامبر ۱۹۰۹ آن دزد معروف یعنی رحیم خان به اردبیل که در شمال ایران واقعست حمله کرده و دولت روس حرکت او را فوراً اسباب بهانه خود برای آنکه افواج زیادی به آن حدود بفرستد قرارداد و برگردانیدن افواج ساخلوی قزوین را که وعده کرده بود بکلی بعهده تاخیر انداخت دولت ایران مجبور شد مبالغ کلی برای مصارف قشونیکه بجهت مقابله رحیم خان فرستاده بود متضرر شود لکن بیست و چهارم ژانویه ۱۹۱۰ ( یازدهم محرم ۱۳۲۸ ) بواسطه اقدامات قشونیکه در تحت فرمان یفرم خان بودند رحیم خان بطوری محصور شد که راه فرارش منحصر بعبور از سرحدت روسیه بود دولت روس بمخالفت و استنکاف صریح یا ماده چهاردهم عهدنامه ترکان جای راه داد که داخل روسیه شده و از تعاقب قشون ملی محفوظ ماند و تا ژانویه ۱۹۱۱ ( محرم ۱۳۲۹ ) هاتجا بوده و پس از آن دوباره به تبریز مراجعت نمود که باعث خرج و اشکال تراشی برای دولت مشروطه بشود \*

در دو ماه ( بین ربیع الثانی و جمادی الاول ۱۳۲۸ ) یکی از شهزادگان ایران داراب میرزا نام که بعنوان تبعیت روس در مملکت روسیه متوطن شده و در رژیم قزاق روسی ساخلوی قزوین صاحبمنصب بود سعی کرد که شاید بتواند دولت مشروطه را مغلوب نماید با وجود پروتست و تعرضات ایرانیان که خواستند خودشان آن انقلاب را تسکین دهند افواج روسی مداخله کرده و در صورت ظاهر همچو او نمود کردند که داراب میرزا را خود شان گرفتار و محبوس خواهند نمود در موقعیکه مشارالیه بهمرای روسها مراجعت بقزوین میشد سر بازار روسی در بین راه با قشون ایران که برای گرفتاری او فرستاده شده بودند ملاقی شده و روسها به آنها شلیک کرده و یک صاحبمنصب ایرانی را که سر کرده آندسته بود کشتند اگرچه روسها از شرکت در برانگیختن آن خانه جنگی انکار و تحاشی نمودند ولی ثابت شد که یک کرنل روسی در قزوین به شکرک و معاونین داراب میرزا نامین نامه که امضا و مهر کرنل داشت داده و در نوشته مزبوره اظهار داشته بود که حاملین این ورقه در تحت حمایت امیر اطور روس میباشند و تهدید کرده بود که اگر اتباع ایران به آنها یا بهمرها نشان حمله نموده و یا تعرض شوند مورد تنبیه و سیادت سخت خواهند شد \*

در فوریه ۱۹۱۱ ( صفر ۱۳۲۹ ) عساکر روسی اهالی قریه وارونی ( Warmuni ) را که در حدود آستارای ایران واقع است قتل عام و شصت نفر را که زنان و اطفال هم جزو آنها بوده مقتول نمودند \*

در خلال این حال دولت ایران مصمم شد که خیال استقراری را که در دسامبر ۱۹۰۹ (پنجم ذی‌قعدة و ذیحجه ۱۳۲۷) آغاز کرده بود بفعلیت و انجام رساند یعنی موازی دو میلیون ونیم «دالر» (تقریباً پنج کرویر ونیم تومان) از دولتین روس و انگلیس قرض نماید لکن شرایطیکه آن دو دولت میخواستند به بیانه استقراری بدولت ایران تحصیل نمایند بعدی خطرناک و مخرب اساس آزادی بود که مجلس مجبور شد صرف نظر نماید چندی پس از آن دولت ایران برای انجام قرضه با یک بانک «پریوت» (مخصوص) لندن شروع مذاکره و مراسله نموده و نزدیک بود که بشرايط سهل و ساده که مفید بحال طرفین بود انجام بگیرد غفلة دولت انگلیس در اکتوبر ۱۹۱۰ (مطابق شوال ۱۳۲۸) بهمهراهی روسها آن معامله را خاتمه داده و بکلی اقدام دولت ایران را در این استقراری و رهن دادن جواهرات سلطنتی بی نتیجه و خنثی نمود آن اوقات دولت روس علناً کوشش میکرد که چند فقره امانت قبضتی از بازار آلمان ایران به نرخ خارج کردن قشون خود از حدود شمالی ایران تحصیل نماید روی هم رفته سلوک و رفتار آن دو دولت با دولت ایران بوضع نامهربانی بلکه خصومت بسیار مخفی بود در سنت بطرسبرگ جماعت منهوری از ما مورین دولت روس نفوذ و اقتدار بسیاری پیدا کرده بودند مثلاً شخص (بوخیانوف) فونسل تبریز نمونه خوبی از آن ما مورین بود و بواسطه آتاریک و سازشهای خونین و مخالفت و مخالفت شدید با دولت مشروطه ایران مقرب و ممتاز گردیده و بمنصب جنرال فونسل طهران منصوب و مفتخر شد بواسطه مسلکی که دولت روس نسبت به اهالی ایران اختیار و اتخاذ کرده بود دولت انگلیس شانزدهم اکتوبر ۱۹۱۰ (دوازدهم شوال ۱۳۲۸) آن اولتیماتوم مشهور خود را راجع بشکایت از عدم امنیت و اغتشاش شوارع و معابر جنوبی و طرق تجاری آن حدود بدولت ایران اظهار و درخواست نمود که عده از صاحبمنصبان نظامی فوج انگلیسی هند را در تحت نظارت خود برای نظم و ترتیب مستحقین آن خطوط گماشته و مصارف را از عایدات گمرکی ایران و عثمانی گردید و از طرف بعضی عناصر مسلمانان اظهار نامه بوسیله تلگراف به امیراطور آلمان اظهار و از او خواهش کردند که دوستی خود را نسبت بمسلمانان ظاهر دارد نتیجه مخصوصی که علی الظاهر از شرکت و دخالت دولت آلمان در امور سیاسی ایران حاصل شد این بود که معاهده بوئسدام بسرعت جاری گشته و پنجم نوامبر ۱۹۱۰ (دوم ذی‌قعدة ۱۳۲۸) تکمیل و باعث حیرت و تعجب دولتین فرانسه و انگلیس گردید

(۱) \* نتیجه که از اتفاق دولتین روس و آلمان ملت ایران عاید گشت آنچه از مواد عهد نامه ظاهر شد و نیز آنچه عموماً پس از آن شهرت یافت موافقت سری عجیبی بود که دولت روس را در اتخاذ آن سلوک سخت بدون خوف و احتیاطی از مداخله یا تعرض معتدلی از جانب شریک خود در معاهده ۱۹۰۷ که مبنی بر وضع سلوک انگلیس و روس نسبت ملت ایران بود قادر نمود \*

بیست ونهم اکتوبر ۱۹۱۰ (بیست و پنجم شوال ۱۳۲۸) حسینقلیخان وزیر امور خارجه آنوقت ایران سفارتین روس و انگلیس اطلاع داد که چون دولت ایران از بعضی مراسلات گذر آمیزانه و عهد شکنانه شاه مخلوع با رؤسای طوایف ترکمانیه (در حدود شمال شرقی ایران) مطلع شده است موافق مواد و شرایط «پرو نکال» (صورت مجاس) بیست و پنجم اوت ۱۹۰۹ (هشتم شعبان ۱۳۲۷) مصمم شده است که فسط آینده وظیفه شاه را مسدود و مقطوع نموده تا تحقیقات لازمه بعمل آید آن دو سفارت نه فقط انکار از توجه و اعتناء بآن خواهش متضانه نمودند بلکه وزیر خارجه ایران را بواسطه مامور کردن نوکرهای سفارت با لباس رسمی که بر درب خانه او ایستاده و در هر جا همراهش باشند تا وقتی که پول را او وصول شود در معرض توهین ذلت آمیزی در آوردند این اقدام مطابق قوانین دیپلماتی احجاف و توهین بی نظیر و دور از انصافی بود یک ماه بعد از آن وزیر مختار روس از همان وزیر امور خارجه درخواست و مطالبه نمود که برای توهینی که بگاشته فونسل روس در شهر کاشان شده باید عذر خواهی رسمی نموده و ترضیه سفارت بعمل آید آن گاشته روس ایرانی و مرد بسیار بد تالی بود که دولت ایران در استخدامش اعتراض سخت کرده بود حسینقلیخان بعد از تحمل خفت و توهین معذرت ملتفت شد که غرض اصلی آن دو دولت خلع او از وزارت خارجه بوده است پس مجبور باستعفاء شده و یکجا بعد از آن مستعفی گشت در این اثناء شاه مخلوع علی الظاهر بعنوان مسافرت بارو با برای حفظ الصحه خود و در حقیقت برای نقشه کشی و مغلوب نمودن دولت مشروطه از اذسا خارج گشت و عاقبة الامر بورود او با فوج مسلحی بخانه ایران در ماه ژویه سنه بعد (رجب ۱۳۲۹) منجر گردید اول فوریه (اول صفر ۱۳۲۹) در شهر اصفهان یک صاحب منصب معزول شده بولیس حاکم مشروطه آنجا را مجروح و بر عمومی او را مقتول نموده و در قزاق خانه روس منحصر گردید پنج روز بعد (پنجم

(۱) شرح این معاهده در باب دهم ذکر خواهد شد \* مترجم

صفر ۱۳۲۹) صنیع الدوله وزیر مالیه ایران در خیابان عمومی طهران بگلوله دو نفر گرجی  
مقتول و گرجیهای مزبور چهار نفر پولیس ایرانی را نیز قبل از آنکه دستگیر شوند مجروح  
نمودند. مأمورین قونسل خانه روس فوراً از استنطاق و تحقیق دولت ایران در آن قضیه  
امتناع نموده و قاتلین را تحت الحفظ خود از ایران خارج نموده و وعده و تعهد نمودند که مشار  
الیهما را لزوماً کیفر خواهند داد. بعد از آنکه عضد الملک نائب السلطنه اول در بیست  
و دوّم سبتمبر (هفدهم رمضان ۱۳۲۸) فوت نمود هشتم فوریه (هشتم صفر ۱۳۲۹)  
ناصر الملک نائب السلطنه جدید وارد طهران گردید یکماه پس از ورود ایشان افواج  
ساخلوی قزوین روس باستثنای هشتاد نفر فزاق که در هانجا ماندند از قزوین خارج  
و شهرت نمود که خارج شدن افواج مزبوره برای رعایت احترام ایشان بوده است \*  
اکنون وقایع مزبوره منتهی ب ورود مستشاران مالیه امریکائی میشود \*  
امضا - دلیلیو، ام، اس (W. M. S.)

— \* باب اول \* —

در تصویب دولت ایران انتخاب و جلب مستشاران مالیه از امریکا و آمدن نشان بطهران  
در دو ماه نوامبر و دسامبر ۱۹۱۰ (دوم ذی قعدة و ذیحجه ۱۳۲۸) و کلاه مجلس شورای  
ملی ایران در باب انتخاب و جلب مستشاران مالیه از امریکا بحث و مذاکره بسیار نمودند  
بدین ملاحظه و امید که عمال و کارکنان آن دولت از آلابش اثرات ارویائیها پاک  
و مبرا بوده و بخوبی میتوانند از تجدید تشکیل خزانه ایران که بی صاحب و بی نظم و در  
حالت نکبت قدیمه بود نتایج عملی تحصیل کنند \*

و قتیکه غلبه و اکثریت آراء باین انتخاب فرار گرفت کابینه دولت ایران بتوسط  
حسینقلیخان وزیر امور خارجه بیست و پنجم دسامبر ۱۹۱۰ (بیست و دوّم ذیحجه ۱۳۲۸)  
تلگراف ذیل را بسفیر ایران مقیم واشنگتنون مخابره نمود :-

واشنگتنون : سفارتخانه ایران فوراً به (پیشکار رسمی (۱) وزیر خارجه دولت امریکا  
اظهار نمایند که شما را با کسانیکه در امور مالیه امریکا مهارت تامی دارند معرفی نموده و  
مذاکرات ابتدائیه را برای استخدام یک نفر خزانه دار کل که از مردمان کافی و کاردان بی  
آلابش امریکا و امین و موثق باشد بجهت تجدید تشکیل و پیشرفت و نظم جمع و خرج مالیه  
ایران بمدت سه سال بعمل بیاورید و نیز بکنفر مستوفی و محاسب ماهر و یک ممبر  
برای نظارت و تعیین میزان لازمه مالیات ایالات و یک نفر رئیس برای اداره کردن و تنفیذ  
مالیاتهای مستقیمه ب معاونت یک نفر مفسس کاردان که دارای صفات مبرز سابق الذکر باشد  
لازم ولی قبول مشارالیه منوط به تصویب مجلس خواهد بود وزیر مختار امریکا نیز اطلاع

(۱) مراد از پیشکار رسمی صاحب منصبی از وزارت خارجه است که مراسلات  
و اظهارات دولت مخصوصی را بدولت متبوعه خود رسانیده و بتوسط مشارالیه در آن باب  
مذاکره می شود چنین ماموری را در ایران مدیر تحریرات می نامند \* مترجم

داده که وزیر خارجه برای مذاکرات مزبور حاضر و راضیست پس در این کار به آراه و نصاب دیگران اعتنا نکرده و از دخالت اشخاص غیر مسئول پرهیز و اجتناب نمایند \*

سواد صحیح (مطابق با اصل)

این تلگراف را بوزیر مزبور آراه نموده و دستور العملهای مشار الیه را عمل نموده و نتیجه اقدامات خودتان را مختصراً (رمزاً) اطلاع دهید \*

نمره ۹۸۷۶ «حسینقلی»

نتیجه مذاکرات دوستانه نمایندگی دیپلماتی ایران مقیم واشنگتن با وزارت خارجه (اداره رسی) امریکا این شد که مصنف این کتاب بموجب قرارداد دولت ایران در مدت سه سال بسمت خزانه داری کل معین گردید که تشکیل و تنفیذ جمع و خرج مالیه ایران را اداره نماید و نیز چهار نفر امریکائی دیگر مقرر شد که خزانه دار کل را در این امر سترک معاونت نمایند \*

قبل از انعقاد این قرارداد هیچگاه خیال مسافرت بایران را هم نکرده بودم ولی نطق موثر فصیح و جان گداز میرزا علیقلیخان شارزدافر ایران مقیم واشنگتن همه توهام سابقه مرا رفع و بالاخره عازم شدم ملتبراً که اظهار اطمینان قلبی و حسن عقیده ثابت بقوانین و مسلك ما کرده اند معاونت نموده و بکنتم آنچه را که بتوانم \*

اول کاری که برای پیشرفت و تسهیل این مقصد کردم مطالعه کتاب پروفیسر برون که در شرح انقلابات ایران نوشته است بود بلندی رأی و انصاف طبیبی پروفیسر مزبور برای آن اقدام و جنبش جدید مشروطه طلبان ایران عزم را برقرین به آن مملکت جزم نمود \*

قبل از آنکه حرکت تمام از وزارت خارجه امریکا استیضاح و استفسار کردم که دولت امریکا با دولت ایران در این معامله چه نسبتی دارد و در این باب اطلاع واضح تحصیل نمودم جواب صریح داده شد که این حرکت شما بطرف ایران بهیچ قسم سمت و عنوان رسمیت نداشته و بعنوان نمایندگی از طرف دولت امریکا به این خدمت مأمور و معین نشده اید سپس از اداره مزبوره خواهش نمودم که مفاد مذاکره فوق را کتباً بمن بدهد جواب رسمیکه از طرف دولت بمن داده شد در این جا نقل میکنم \*

بیست و چهارم فوریه ۱۹۱۱ (بیست و چهارم صفر ۱۳۲۹)  
(M. W. Morgan Shuster. Union Trust Building Washington D. C.)  
واشنگتن - D. C. (یونیون ترست بیلدینگ) مستر دیپلومورگان شوستر

مکتوب چهاردهم ماه جاری شما که در باب تعیین واعزام پنجنفر مستشار امریکائی برای تربیب و تنقیح امور مالیه ایران و استفسار از سمت و عنوان انتخاب خود بشغل خزانه داری کل سوال نموده بودید بداره رسید در جواب شما اطلاع داده میشود که در دسامبر گذشته شارژدافر ایران مقیم این شهر بر حسب اظهار و امر دولت متبوعه خود از این اداره در خصوص معرفی اشخاص ماهر وزیرک امریکائی که در امور مالیه اطلاع تام داشته باشند معاونت خواست و اظهار نمود که دولت ایران تصویب نموده که پنجنفر مستشار امریکائی را در امور مالیه دخالت داده و شریک گرداند بر حسب اظهار فوق این اداره صورت اسامی اشخاصی را که حاوی اسم شما نیز بود نزد مشارالیه فرستاده و ایما هم نمود که شارژدافر ایران حقدار در این امر مستقیماً با ایشان به بهترین وجهی گفتگو نماید و اداره را از اطلاع از مکتوب شما و از مراسله سفارت خانه ایران مورخه هفدهم شهر حال کمال خوشوقتی و مسرت حاصل گردید که شما را بشغل خزانه داری کل در تحت وزارت مالیه انتخاب نموده اند \*

از طرف مستر ناگس (M. Knox) رئیس اداره خادم مطیع شما هانتین تم ویلسن (Huntin tom Wilson) معاون وزارت خارجه \*

از محل موثق معتنابیی اطلاع حاصل کردم وقتیکه دولت روس ملتفت شد که ما بین وکلا مجلس شواری ملی ایران مسئله انتخاب و جاب مستشاران مالیه از امریکا مطرح مذاکره شده و روز افزون میشود اولاً يك نظر و توجه رسمی عمیقی در این معامله بطهران کرد اولین اقدامیکه از طرف ما مورین دولت روس بظهور پیوست این بود که چند نفر از وکلای متعلق بد نام بی شرف پارلمان را اغوا و تخریک نمودند که شاید بتوانند تصویب قرارداد و انتخاب امریکائیها را نسخ نمایند وقتیکه دولت روس نتوانست باین سعی خود کامیاب و بدین آرزوی خود نائل و اکثریت آراه وکلا را از مسلك اولیه انحراف دهد معروف است که بوزارت خارجه امریکا اظهار و بانزاکت تمام اشاره کرد که اعزام مستشاران مالیه از دولت امریکا بایران بکلی بر خلاف عقل و مراسم مودت است در صورتیکه دولت امریکا تا آن زمان از آن اراده ایرانیان بی اطلاع صرف بود اداره دولتی مزبور با کمال صداقت جوابداد که «از این معامله اطلاعی ندارد و هنوز در این باب اظهاری ننموده اند هر وقت پیش نهاد نمودند تأمل خواهد شد»

چندی بعد وقتی که دولت ایران بداره رسمی امریکا اظهار نموده و خواهش کرد که در

تعیین و اعزام پنج نفر مستشار مالیه با ایشان معاونت نماید دولت امریکا از دولت انگلیس توضیح خواست که آیا دولت انگلیس هم در اعتراضاتیکه سابقاً دولت روس در خصوص رفتن امریکائیا بایران نموده بود شرکت دارد انگلیسها جواب دادند که «سابقاً این مسئله محل توجه و ملاحظه دولت انگلیس بود ولی اکنون نیست» در این صورت دولت روس مجبور شد که چنانچه در مأموریت امریکائیا اعتراضی دارد یا فاش و علناً اظهار نماید و یا زبان نرم و مؤدبانه در مذاکرات دیپلوماسی استعمال کرده و مانع از پیشرفت آن معامله نشود \*

دوم فوریه ۱۹۱۱ (دوم صفر ۱۳۲۹) وکلاء مجلس با اکثریت تامه و طیب خواطر شروط «کثرت» (قرارداد) ما را تصویب نمودند با کمال وثوق و اطمینانیکه باظهارات دولتمندان ما که بقبول خودشان «اغراض و منافع مخصوصه» در ایران داشته اند تصور اینکه به پیچیده مانعی در پیش نخواهد بود بسمت ایران حرکت نمودیم \*

هشتم اپریل ۱۹۱۱ (هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۹) بهر اصرار مستر شارل مکاسکی (M. Charles Mc Caskey) که از اهل نیویورک بود و مستر رالف هیلر (Hills) (M. Ralph) که از اهل واشنگتن و مستر روس دیککی (M. Bruce Dickey) که اهل جزیره پائین بود از نیویورک سوار کشتی شده که زمام تشکیل و تجدید امور مالیه ایران و نظم آن را بدست بگیریم ماها «مستر مکاسکی و مستر هیاز و من با خانواده و اطفال و متعلقین» جمعاً شانزده نفر بودیم (در اینجا مصنف شرحی از خدمات سابقه هر يك از عملوینش را ذکر نموده ولی چون بی اهمیت بود از ترجمه آن صرف نظر شد \* مترجم)

من نهم و فرار داد کرده بودم که تا مدت سه سال یا اقتدار کلی و اختیارات تامه که از طرف دولت ایران در امور مالیه من داده شده خدمت آن دولت را بسمت خزانه داری کل بنام و دوستان من مستر مکاسکی به شغل ممیزی مالیات ایالات و مستر هیاز بعنوان محاسبی کل و مستر دیککی بخدمت مفتشی عایدات مقرر و تا انقضاء مدت سه سال در تحت نگرانی من بودند و مستر کزیز (M. Cairns) که رئیس گمرک ایلولو (Hoilo) در جزایر فیلیپین بود بریاست عوارض معین و حکم فرستاده شد که با سرعت و سائل در طهران بما ملحق شود. مشارالیه معاون بزرگ خزانه دار کل هم بود اشخاصیکه بمشاعل مذکور مأمور و معین شده بودند هر يك در اینگونه امور ذخیره های کامل کافی از تجربیات و

عملیات دارا و مخصوصاً در تشکیل و ترتیب امور مالیه ممالکیکه هنوز بزور (دیسپلین) (نظم جدید) مزین نشده مهارت نامی داشتند \*

ما از راه پاریس و وینه عبور نموده و بیست و پنجم اپریل «بیست و پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹» بقسطنطنیه وارد و سپس سوار کشتی شده و سوم مه به باتوم روسیه رسیده روز دیرگش که چهارم مه بود از خط راه آهن «تغلیس» بطرف بادکوبه حرکت و ششم مه ساعت چهار عصر سوار کشتی «باریاتنسکی» (Bariatinski) شده و حصه از بحر خزر را طی کرده روز بعد «هفتم جمادی الاولی ۱۳۲۹» ساعت نه صبح در انزلی که بندر «اول خاک» ابرانست رسیده شدیم همینکه با بساحل گذارده و رسوم گمرکی بعمل آمد فوراً در کشتی «لانچ» وقایعهای بادی نشسته و بعد با کالسکه بشهر رشت که حاکم نشین گیلان است رسیدیم (۱) \* تا دو روز در رشت مهمان نایب الحکومه بودیم در این مدت توقف و وسایل حمل و نقل اسبابهای خود و متعلقینمان بطهران که بفاصله دویست و بیست میلی طرف جنوب رشت واقعست آماده شد این قسمت از مسافر تمان در کالسکهای چهار اسبه و زین که بطرز قدیم و کوبه المنظر بود خاتمه یافت در هر «استاسیون» (مهمانخانه) که تقریباً ده دوازده میل با دیگری فاصله دارد اسبها را تبدیل میکردند نهم مه ساعت هشت و نیم صبح با همراهان در چهار کالسکه نشسته و از رشت حرکت نموده و اسبابهای و زین خود مان را هم در دو گاری بزرگ بی فنر پیش فرستادیم تا سفارش کردند که چون (فامیل) زن و بچه همراه دارند بهتر است که قدری آهسته تر قطع مسافت بنمایند روز دوازدهم ماه (دوازدهم جمادی الاولی ۱۳۲۹) ساعت دو بعد از ظهر بعد از تحمل مشقتهایکه تقریباً و روی هم رفته دلچسب بودند به «استاسیون» آخری که رسیده بهر اراست رسیدیم در آنجا احوال و انتقال و صندوقها را دیدیم که منتظر ما بوده و بواسطه باد و باران گرد و غبار و حرکت عنیف سه شبانه روزه گاریهای بی فنر اسبابها در حالت بدی بودند اگر بدستور العملی که آخر وقت قبل از فرستادن اسبابها بنا رسیده که همه اسبابها را باید در غمد های ایرانی پیچیده و بدوزیم عمل نکرده بودیم یقیناً قبل از آنکه آنها را ثانیاً به بینیم همه بی مصرف شده بودند تقریباً چهار میل بدر و از قزوین طهران باقی مانده بود که مستر شارل دیلورسل

(۱) لانچ کشتیهای کوچک آتشی میباشد که در انزلی معروف ببار کاس و مأخوذ از کلمه بار کاش فارسی است \*

( M. Charles W. Russel ) وزیر مختار امریکا را با فامیلش و جمعی از کشیشان امریکائی و جماعتی از ایرانیان که منتظر ما بودند ملاقات و در کالسکه‌های شهری سوار شده فوراً بطرف پارک انابک حرکت نمودیم پارک مزبور که برای اقامت ما ها معین شده بود جای بسیار با روح و خوش منظر و شبیه به اینیه سلطنتی بود این باغ و عمارت سابقاً منزل بیلافی « محل تفریح » رئیس الوزرا و بزرگترین وزیر ارتجاعی بوده که باسم او موسوم گردیده و مشارالیه باعین السلطان ملقب بود که در سی و یکم اوت ۱۹۰۷ « بیست و یکم رجب ۱۳۲۵ » اورا گشتند آن باغ و عمارت و اراضی که در چوار و متعلق به پارک میباشد تقریباً هشت « ایکر » (۱) و در قسمتی از طهران واقع شده که سفره و ارو پائینها در آن سکونت دارند و اکنون ملك يك نفر تاجر زردشتی که بسیار متمول و وطن پرست و امسش ارباب جمشید است می باشد مشارالیه بطیب خواطر عمارت و باغ مزبور را بتصرف دولت داده بود که تا وقتی که ما در طهران باشیم محل اقامت و توفیقان باشد خود عمارت از سنگ سفید ( کج ) و دو طبقه و مشتمل است بر سی اطاق که اکثر آنها وسیع و مرتفع میباشد در پارک مزبور اشجار عجیبه و مبله‌های نفیسه کیانی که از تمام افطار عالم گرد آورده اند و خسته شده است مخموراً چندین تخته قالیه‌های گرانهای کپیاب در آن عمارت میباشد اطراف عمارت را يك باغ بزرگ با شکوه و خوش منظری احاطه نموده و از هر طرف چشمه های مصنوعی و دریاچه ها نمایان و نهرها جاری میباشد باغ مزبور محدود و محصور است بدیوار بلند ضخیمی که از گل بخته ( آجر ) ساخته شده و در طهران منازل محکم شخصی را بهین قسم میسازند هیچوقت نمیتوانم فراموش بکنم آن حالت و کیفیتی را که در وقت ورود به پارک هنگام شام داشتیم بعد از سه شبانه روز متوالی که در گرد و خاک و آلودگی و آزار سفر کرده و گاهی از شدت سردی هوای کوه البرز متالم و بعض اوقات از حرارت صحراهای خشک در تعب و زحمت و خوابگاه ما در مهانخانه‌های بین راه ناراحت و خوردنیهای ما هم منحصر بود بچیزهایی که حمل و نقلش ممکن و بسهولت فراهم می آمد ( حاضری ) بدنهای ما همه کثیف و گرد آلود و پشه‌ها مان از تابش آفتاب تغییر کرده و از صعوبت راه بکلی عاجز و درمانده شده و بدین حالت بشارع عام طهران رسیدیم در حالیکه از دو طرف درختها منظم و چراغها از هر سمت در زیر درختان روشن بود هنوز مغرب نشده و آهسته آهسته هوای مفرح نزهت انگیز خنکی میوزید و در پارک

(۱) هر ایکر معادل با چهار هزار و هشتصد و چهل و دو ذریع مربع است \*

هم جمعی از پیشخدمتانش همه بالباسهای يك طرز و یکگونگی هر يك بر سر شغل خود منظم استفاده و منتظر ورود ما بودند از آن تغیر اوضاعیکه در آن شب ما مشاهده نمودیم طهران به نظر ما مسکن پریشان و نمونه بهشت جلوه نمود بعد از فراغت از شام چند ساعت بالای بشت بام سرسرا ( مهتابی ) نشسته و از استماع نغمات خوش آهنگ بابله‌های ایرانی محظوظ شدیم \*

قبل از آنکه بارهای سفر ما را بگشاییم هر روز دسته دسته مردم از هر طبقه و هر صنف برای ( وزیت ) ملاقات ما می آمدند و تا دو ماه همه روزه از صبح تا قسمت دیری از شب آن سلسله ملاقات جاری و هیچ تخفیفی در آن ملاقاتها مشاهده نشده و بیشتر اوقات ما در گفت و شنود با عشر ملاقات کنندگان مصروف بود ولی بواسطه آن ملاقاتها ذخیره قیمتی از حالات و کیفیات مملکتی برای ما حاصل گشت بما گفتند که ایشان مردمان عزیز و محترمی میباشند و اگر موقع و وقت بانها داده نشود که راه های کار و خیالاتشان را اظهار بکنند که « حوائج دولت چیست و بچه طریق و نهج باید اقدام کرد که تجدید تشکیل و استحکام امور دولت حاصل شود » ایشان به نهایت درجه رنجیده و بیسرفت کار شاق خواهد شد \*

در انزلی با شخص ایرانی مکرم محترمی هرمزخان ملاقات کردیم مشارالیه را دولت ایران برای استقبال و راه نمائی و خیر دادن از ورود ما معین کرده بود هرمزخان کارت ویزیت خود را که در آن تربیت و تعلیم یافته امریکا نوشته بود بما داد انگلیسی هم حرف میزد و بسیار ساعی بود که وطنش ایران در دل ما اثر مقبولی نموده و در نظر ما پسندیده آید صحبت و آوازه خوانیهای هرمزخان ما را از خستگی و کسالتی که از آن راه عارض میشد خلاص و اگر بواسطه مسافرت ساعات بی درین در صحراهای گرد خیزی گیاه آثار خستگی از چهره ما احساس مینمود کوه بعید را نشان داده و نوجه ما را به قدرت و محسنات طبیعی و صنایع ایزدی منعطف میگردانید که چگونه آن کوه خود را برای افاده مسافرتین جلوه داده است اگر چه مشارالیه مسلمان کامل العقیده بود ولی اعتقاد راسخی نیز در مواقع احتیاج و لزوم بخواص نوشیدنیها داشت و فراموش نمی نمود یاد آوری بهمرهان در موقعیکه بخواطر می آورد که از جام سابق مدتی گذشته و همواره وقت را غنیمت میدانست قسمت عمده از راه اشتغال بنوشیدنیها گذشت وقتی که بطهران رسیدیم هرمزخان خیال میکرد که نتیجه خدمات شخصی که تا نموده این خواهد

شد که فوراً او را معاون خزانه دار کل یا رئیس عایدات مالیه خواهند کرد چندی پس از ورود که ملتفت شد اشتباه کرده و ما قادر بر اعانت خیالات و آرزوهای او نیستیم ما یوس گردیده و ما بین ما متار که واقع و هر يك بخیال خود متوجه شدیم \*

روز دوم ورود با مستر رسل وزیر مختار امریکا و جمع دیگر که از آنجمله ممتاز الدوله که در آلمان وزیر مالیه ایران بود ملاقات نمودیم مشارالیه مردی عاقل وزیرك و سابقاً رئیس مجلس بوده و مثل سایر ایرانیان تربیت یافته و تحصیل نموده بود زبان فرانسه را بسیار سلیس حرف میزد و با صداقت تمام اظهار مساعدت و تأیید در پیشرفت کارهای ما کرده و اطمینان کلی میداد که همیشه اوقات برای شرکت و معاونت با مساعی ما در نظم و ترتیب امور مالیه ایران حاضر و آماده است در این موقع ملتفت شدیم که جمع کثیری از ایرانیان با هوش بمشاعل مختلفه در امور شخصی ما ظاهراً بر سبیل استقلال و استعزاز حاضر و همه آنها به انگلیسی یا فرانسه حرف میزدند بعضی از آنها تا چند هفته بر سر کار خود بودند و همواره در وقت ضرورت و لزوم برای تشریح مطالب و معاونت بطریق دیگر نیز حاضر بودند بالخیال که خودشان را در انتظار کسانیکه امید و انتظار اصلاح امور مملکت از ایشان داشته کار آمد و کار دان جلوه دهند \*

بر حسب تئانی که سابقاً بین وزیر مالیه و معتمد السلطنه وزیر خارجه شده بود شانزدهم مه ( شانزدهم جمادی الاولی ۱۳۲۹ ) بهر احوالی مستر رسل وزیر مختار برای ملاقات وزیر خارجه بوزارت خارجه رفته این اولین موقع رسمی بود که رسماً ( بر حسب معمول ) جای صرف شد وقتیکه در خیابانهای شهر سواره و در اینبه و عمارات سلطنتی پیاده عبور می نمودیم ملتفت شدیم که مردم از دیدن ما که برای اصلاح چه امر بزرگی آمده بودیم متعجب می شدند تا حال هم معلوم نشد که کلمه امریکائی چه اثری داشت و امریکائیها چه کرده بودند که باین درجه جوشش و هیجان از مات ایران دیده می شد عصر همان روز در اداره تشریفات خدمت والا حضرت ناصر الملک نائب السلطنه رسیده و ایشان رسماً معرفی شدیم من والا حضرت را شخص بسیار خلیق مهربان با هوش و ذکاوتی یافته و اقتدار کلی در زبان انگلیسی داشتند ناصر الملک یکی از تربیت یافتگان و تحصیل کرده های « آکسفورد » و هم کلاس با سر ادوارد گری وزیر امور خارجه حالیه انگلستان بوده است تا ده یا نوزده دقیقه با ایشان صحبت و گفتگو کرده و در ضمن سرا باین امر متوجه گردانیدند ( بمن گفتند ) که « هر وقت فراغتی داشته باشید میتوانی بدون مراعات و تصور

هیچگونه تکلفی پیش من آمده و در پیشرفت کارهای خود تان با من مذاکره و مشورت بنمائید » \*

همان روز با شخصی معرفی شدم که از عزیز ترین و بهترین دوستان صحبانه صادقانه بود که امریکائیها در مدت توقفشان در ایران پیدا کرده بودند شخص مزبور ارباب کیمبر و تاجر محترم زر دشتی بود که در خارجه تحصیل کرده و با ایران مراجعت نموده بود ارباب کیمبر و با ملتبان همدمت شده و از زردشتیان ایران در دوره دوم مجلس بسمت وکالت منتخب شده بود ارباب مزبور نماینده زردشتیان طهران و تاجری ملأک و حذاب القلوب و محبوب عامه بوده و مهارت تامی در زبان انگلیسی داشت از آن تاریخ به بعد در مواقع امتحان و معارک خطرناک هیچ نزلتی در رأی راسخ و جرأت ثابتش راه نیافت از اول و هله که با ملاقات کردم وعده کرد که هر قدر بتواند مرا معاونت نماید از آن روز تا وقتیکه از ایران خارج شدیم هیچ وقت از اوقات شبانه روزی از پیشرفت مقاصد و اصلاحات امور ما کوتاهی نه نموده و همیشه برای حمایت ما مورین مالیه امریکائی مستعد و در مساعدت با ما از هر گونه حملات دفاع می نمود \*

روز دیگر بهر احوالی وزیر مختار امریکا برای ملاقات شخص محترمی یعنی حضرت سپه دار اعظم که آن زمان بر مسند جلیل ریاست الوزرائی منمکن و زمام حل و عقد امور وزارت جنگ را نیز در دست داشت رفتیم ممتاز الدوله وزیر مالیه و امیر اعظم معاون وزارت جنگ نیز هر دو در آنجا حاضر بودند کسانیکه قسمت مقدمه این کتابرا خواند باشند در خواطر خواهند داشت که سپه دار اعظم که معینش بزرگترین سردار لشکر است اقدام بزرگ نمایانی در حرکت و جنبش ثانوی ملی ( رولسبون ) ایرانیان نموده و در آسپهر طهران و خلع شاه در ماه ژویه ۱۹۰۹ ( بیست و چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۷ ) با جنود متحده ملی شریک و تا مدت قلیلی قبل از آن سپه دار حامی شاه و یکی از اعظم رؤسای مستبدین مقدر بشمار و در دوسه ایالت ایران املاک معتبر و دارای صد ها دهات بود سپه دار مردی بلند بالا و قدری لاغر و نازک اندام با چشمان سیاه ( یعنی غیر کبود ) و کوچک و عمرش بشصت رسیده و علامت پیری از موهای سر و سیلش نمودار و حرکاتش شبیه پیرضای عصبانی و بواسطه کبر سن در افعال و اطوارش ضعف و نکس راه یافته بود از قیافه او جنبه بزرگترین و زیر کترین سازشها تا آثار فاجعت و سرداری بیشتر ظاهر میگشت آن شخص یکی از سرداران معروف ایران بود که نه بانگلیسی میشناخت

تکلم نماید و نه بفرانسه ولی معاونش که مرد بسیار شجیم و لاجیم عفریت هیکی بود فرانسه را خوب میدانست و مترجم ما گشت عات ایتهکومن از این شخص محترم یعنی معاون سپهدار اعظم باین احتیاط معرفی مینامیم برای این است که چندی بعد در زمان اقامت ما در ایران خیلی کارها از اوصاف گذشت چهار روز دیگر هم ملاقات و دید و باز دید اعضا ایرانی کابینه و وکلای معروف صرف شد بر حسب خواهش مدیران محترم جراند ایرانی که در طهران بودند با ایشان ملاقات و در بین گفتگو نقشه اصلاحاتی را که در نظر داشته و بانجام و اختتام آن امید وار بودم با ایشان ارائه نمودم سپس در حمایت منفقته مسائله روز نایجات هم چه روز نامه هائیکه در خود طهران و چه در سایر ولایات طبع و توزیع می شد واقع شدیم یکی از آثار بی تجربگی عموم طبقات ایرانیان در امور سیاسی افعال و تأثر مضحک آنها از تنقید روز نامهها میباشد از فایز السلطنه گرفته تا ادنی مأمور دولتی همواره در این خوف و بیم بودند که میداد روز نایجات بافعال ایشان نکته چینی نموده و ایشانرا در انظار عوام خفیف و تمسخر نمایند با اینکه بوجب قانون مشروطیت آزادی کلی بجراند و مطبوعات داده شده بود بسیار اتفاق می افتاد که اگر اوقات وزیر داخله يك یا چند جریده طهرانرا بواسطه اینکه از امور و مقاصد دولتی تنقید می نمودند توقیف ولی چیزی نمیگذشت که مدیران دلیر و مبرم بانواع مستمسکها اجازه اشاعه روز نامه خود را گرفته و باز جراند را جاری می نمودند روز نامهائی که در آن زمان در طهران معتبر و محل اعتبار بود یکی روز نامه «استقلال» بود که زبان و حامی پارسی اعتدالی مجلس بود و دیگر روز نامه «ایران نو» که طرفدار حزب دیموکرات بود ولی روز نامه دومی بهتر و بیباکترین روز نامه بود که در ایران انتشار می یافت این جریده خدمات خالص و مفید بأمورین مالیه از روز ورودشان نمود \*

بیست و دوم مه (بیست و دوم جمادی الاولی ۱۳۲۹) رئیس تشریفات وزارت خارجه ما را باداره جات موفقی که در دربار برای ما مرتب نموده بودند راه غائی کرد در آنجا معاون وزیر مالیه و بعضی اعضا سایر ادارات با ما معرفی و مقدار زیادی جای و سیگارت صرف شد هر یکی از صاحبمنصبان خواهش داشتند که تا مدت مدیدی با ما سلسله ملاقات دوستانه جاری داشته باشند بدین غرض که تشکیل و نظم اداره را بعقبه خود با حسن وجوه برای ما شرح و هم اظهار اطلاع و معرفت نموده و توضیح دهند که چگونه ضروریات موقع و وقت را فرجه بده و تلفت شده و چگونه دولت در مهیا نمودن

بول که برای گردانیدن ماشین آلات و ادارات مانند روحی است برای خود و سایر مستخدمین ادارات مستاصل شده است ممتاز الدوله وزیر مالیه بعنوانین مملکت به ما معاونت نموده و تا درجه در شروع بکار مستقل شده بودیم که بیست و سوم مه (بیست و سوم جمادی الاولی ۱۳۲۹) یعنی یازده روز پس از ورودمان بجران کابینه شروع و مشار الیه مستعفی گشت چندی بعد معلوم شد که سپهدار رئیس الوزراء و وزیر جنگ احساس کرده بود که وزیر مالیه در امضاء چک و بروات دولتی به آن اندازه که ایشان متوقع ولایق شان و وزیر می دانستند اختیار و بی پروائی نداشت \*

اگرچه این تبدیل کابینه که در ابتداء شروع بکار واقع شد قدری خیالات ما را درهم و بریشان کرد ولی بعد ها بالطبع به آن امور عادیه مملکتی معتاد شدیم \* یکی از صاحب منصبان اداره مالیه که با معرفی شد مسیو لکفر (M. Lecoffre) بود

مشارالیه فرانسوی نژاد و تبعه انگلیس ولی عادات و جنبه فرانسویت در او غالب و مدت مدیدی در ایران اقامت داشته و در اداره مالیه بشغل مهمیزی مشغول بود و قتیکه همه اعضا اداره رفتند مسیو لکفر نشسته و بن نگاه کرد و گفت «مستر شوستراا خیلی خوشوقت شدم که شما بایران آمدید زیرا که من و شما میتوانیم با هم مالیه این قوم را که در حالت بدی است تصفیه و اصلاح کنیم» من از خیالات اطمینان بخش مشار الیه اظهار تشکر نمودم \*

مستر هیلز بواسطه ناخوشی سخت دختر کوچکش در قسطنطنیه از ما عقب مانده بود بیست و پنجم مه (بیست و پنجم جمادی الاولی ۱۳۲۹) با فامیلش وارد شد ولی بدبختانه بچگرد ورود طفل دیگرش مریض شده و ناچار از خدمت خود مستعفی گشت دوّم ژون (چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) مشارالیه طهران و همراهان را در حالت تاسف گذارده و بجانب امریکا رهسپار گشت هنگام ورود بپارک اتابک بانزده یا بیست نفر نوکران ایرانی زرنگ کاردان را دیدیم که شخص ایرانی محرمیکه میبمانندار موفقی بود برای خدمات شخصی ما معین کرده تا اینکه خودمان امور شخصی خود را منظم بکنیم بعد از دو روز که امور خانه را مرتب نمودیم نوکرهای مزبور را برای انجام امور معین کردیم زیرا که ایشان با سفارش نامه های معتبر نزد ما آمده بودند بعد از چند هفته کم کم شهرت یافت که ایرانیان امریکاییها را بهائی پنداشته و میگویند که ایشان برای تنظیم امور مالیه بایران نیامده بلکه

برای ترویج و اشاعه مذهب بهائیت آمده اند (۱) \* آخر کار وزیر مالیه در انعطاف توجه ما به آن مسئله مبالغه کرده و گفت «بهبتر آنست که شما نوکرهای موجوده خود ناظران تبدیل نمائید زیرا که همه ایشان متهم به بایبگری (بهائیت) می باشند» من از آن اظهار خیلی تعجب نمودم چرا که آن خبر برای ما بسیار نازکی و غرابت داشت و هیچ وقت باین خیال مانفت نشده بودم که باید نوکرهای شخصی خود را امتحان عقیده و مذهب بکنم خصوصاً که این حرکت برخلاف اصول و مسلك مستخدمین کشوری (ارباب قلم) امریکاست وزیر مالیه گفتیم که «امریکائینها با بی نیستند ولی من خوش ندارم که دولت و ملت ایران در عقائد مذهبی و نوکران و رنگ دستمال گردن ما تصرف و مداخله بکنند و اگر دولت ایران اقدامات مهمتری برای اصلاحات مملکتی فکر نکرده بهتر است که فکر بکند» این آخر دفعه بود که رسماً در آن باب مذاکره شد ولی این قضیه بواسطه سعادت اشخاصیکه در صدد اخلال کارهای ما بودند روز بروز بجهله شهرت و شایع می یافت و در چند روز نامه هم تصویرهای مضحک «کالیگا توری» ما را کشیده ولی چون اعتنائی به آن عوامل نه نموده و بکار خود مشغول بودیم عوام بزودی آن قصه را فراموش کردند \* در خلال آنحال از منشأ آن (آنتریکا) سازشهاییکه در تخریب امور ما شده بود مطلع شدم تقریباً هر کس که با ما ملاقات می نموده در يك موقع از مذاکره کلمه «آنتریک» را استعمال میکرد مثلاً میگفتند «کالیته بر ضد شما آنتریک میکنند» یا «صاحب منصبان بلجیکی گمرک بر ضد امریکائینها آنتریک میکنند» یا اینکه میگفتند «مستتر شو ستر» این موقع بواسطه آنتریکا خیلی دقیق و خطرناک است «یا ایران سر زمین آنتریک و پاریک (تهمت) است» من برای حفظ شئونات خود مجبور شدم که بهر يك این قسم جواب بگویم که «امریکائینها در آنتریک خیلی خوب نشوونما کرده و زبردست تر و جالا کتر میباشند هر وقت آنتریکی روی کار بیاید خیلی خوشحال خواهند شد» اولین آنتریک و سازشیکه احساس نمودم ساخته و پرداخته مسیومرنارد (M. Mornard) بود که اول مستخدم بلجیکی گمرک و بعد رئیس کل گمرکات ایران گردید این شخص در اداره گمرکی وطن خود بخدمت بسیار پستی مامور بوده و پس

(۱) بهائینها متدین بزمهیبی میباشند که مسلمانها از ایشان نفرت نموده و ناچندی قبل مسلمانان متعصب ایشان را زجر و قتل مینمودند و در آنها سردمان قابل و وطن دوست یافت میشود \*

معاون هموطن بدنام خود مسیونوز شده و بایران آمد مظفرالدین شاه مسیونوز را برای احداث و تشکیل اداره گمرک ایران انتخاب و جلب نموده بود ولی مشارالیه در کار خود بقسسی ترقی حیرت انگیز کرد که بزودی صاحب اقتدار و مقول بسیار و نزد دولت روس محترم گردید اول کاری که و کلاً مجلس دوره اولیه کردند این بود که مظفرالدین شاه را مجبور نمودند که دهم فوریه ۱۹۰۷ (بیست و ششم ذیحجه ۱۳۲۴) مسیونوز را با مشاغل بررگ عذیده که داشت معرول و از خدماتش منفصل کرد در باره مشارالیه میگویند که اکنون در بلجیک از املاک و فصولیکه (از پولهای ایران) برای خود مرتب نموده بهره مند و محفوظ میشود همین جناب محترم بود که در چندین معامله راجعه بخرانه برای دولت ایران مراسله و پیشکاری نمود تعرفه موجوده گمرکات ایرانرا که شرح آن مفصلاً ذکر خواهد شد او ترتیب داده و دو فقره استقراض از دولت روس که اکنون برای دولت ایران مورث اشکال و زحمت فوق العاده گردیده بسی ایشان انجام گرفت \*

مسیومرنارد معاون مخصوص مسیونوز و در تحت حمایت او بود وقتیکه مجلسیان مسیونوز را خارج کردند مسیومرنارد ترقی نموده و بریاست گمرک که یکی از خدمات مسیونوز بود سر بلند شد \*

در هنگام ورود ما تقریباً بیست و پنج یاسی نفر بلجیکی بهمراهی مسیومرنارد در مقام گمرکخانهای ایران مستخدم بودند شنیده شد که مسیومرنارد بیک و همراهی سفارتین روس و بلجیک جهد بلوغ و سعی بینهایتی نمود که شغل خزانه داری کل را ضمیمه خدمت خود نماید ولی گویا مجلس در حد تبدیل کلی بود وقتیکه صاحبمنصبان بلجیکی گمرک به نتیجه کوشش خود نائل نشده و راه وصول بمقصود را بروی خود مسدود یافتند بنابراین دیگر مستمسک شده و نقشه دیگری پیش کشیدند که حتی الامکان اثرات ماموریت امریکائینها را غیر معتاد و بی نتیجه کنند \*

زمان کمی از ورود ما بطهران مراسله و معامله استقراض يك ملیون و دو بیست و پنجاه هزار لیره انگلیسی از بانك شاهنشاهی ایران که در تحت کمپانی انگلیس است انجام یافته و دو هفته قبل از ورود ما شروط متفق علیه قرار داد فرضه مزبوره بکلی انجام یافته بود و کلاً مجلس هم فی الواقع به آن استقراض راضی شده بودند ولی قبل از آنکه اقدام قطعی و تصویب نمایند چند نفر از و کلاً رأی دادند که تا ورود ما تأمل نموده و

از ما مشورت نمایند چون کابینه معامله مذکوره را تصویب نموده بود بسیار مجله و اضطراب داشت که زودتر کار پایان رسیده و معامله بکلی ختم شود \*

مسئوم مرئوس بر حسب اشاره و ایامی بحرمانه چند نفر از نواب و طرفداران معروف روس که در خارج و داخله مجلس و کابینه بودند چندی قبل از ورود ما مسوده مواد قانونی پیشنهاد کرده بود که از آنجمله اختیار کلیه مصارف وجه آن استعراض موکول برای کسبوفی مرکب از پانزده نفر که در تحت ریاست خود مسیومی مذکور باشند و جناب ایشان سردار و نقطه مرکزی آن کسبون باشند و بعد از آن تدبیر خزانه دار امریکائی که برای نظم و ترتیب امور مالیه می آید خود را در حالت تحیر و تذبذب کلی به بیند یا که در تحت اقتدار مسیوم مرئوس و کسبونش که برای نظارت فرضه مزبوره تشکیل شده بود خدمت نموده و یا در جای خود نشسته و آخرین نفوذ کار آمد دولت را که مایه و قایل بشرف و اصلاح بسی کارها تواند شد در تصرف و اختیار اجانب دیده و تماشا کند و فنی از این تفصیل مطلع شدم که آن مسوده مجلس پیشنهاد شده است فوراً يك راپورت مختصری مبنی بر چگونگی حالت حاضره مالیه ایران نوشته و بکابینه پیشنهاد نموده و سوال کردم که آیا میل دارند حجره (رخنه) دیگری در این خانه ویرانه احداث نموده و فی نظمی و هرج و مرج امور دولت را توسعه دهند؟ و يك دستور العمل ساده قانونی هم با راپورت مزبور فرستادم که چون اختیار نسخ و ابطال معامله مزبوره و رد مصارفیکه از قرار داد مزبوره پیدا شده از وظایف خزانه دار کل است باید موقوف و موکول بامضاء او باشد \*

کابینه مسوده مزبوره را امضاء نموده و مجلس فرستاد و ۳۰ مه (عرقه جمادی الثانیه ۱۳۳۹) با اکثریت آراء گذشته و قانونی شد پس باینجه قبل از آنکه شروع بکار کنیم اولین کوشش عناصر اجنبیه آن آفریک که برای اشکال تراشی در پیشرفت امور و بستن دست و پای ما اتفاق نموده بودند در هم شکسته و از هم گسیخته شد و قتیکه مجلسیان نازکی حالت و اهمیت موقع را احساس نموده خیلی اظهار مسرت و خوشوقتی کردند \*

در مدت اقامت در ایران تجربه برای من حاصل شد که مناسب است در این جا ذکر نمایم که چگونه مشرق زمینیان معاملات جزئی اهمیت میدهند از بدو ورود ما بدون اغراق صدها از اهالی ایران و اجانب مرا ملاقات نموده و بموجب رسوم معموله مملکتی و مهمان نوازی بدیدن من آمدند ولی بسیار متعجب شدم از ملاقات جوانی که برای ملاقات من آمده و اظهار نمود که منشی (پیشکار) سردار اسعد میباشد فارغین بخاطر خواهند داشت

که سردار اسعد یکی از سرداران و خوانین بزرگ بختیاری است که در خلع شاه در سنه ۱۹۰۹ حصه و سهم کافی برای خود تحصیل نموده بود جوان مزبور گفت که «حضرت سردار اسعد در انتظار ملاقات شما میباشند و خیلی میل دارند که از شما دیدنی بکنند» من گفتم که همه روزه بعد از ساعات پنج عصر در منزل خود که در پارک انابک واقع است بوده و از ملاقات ایشان خوشوقت و محظوظ خواهم شد روز بعد رفته ببن رسید که سردار اسعد در خانه خود که واقع در کوچه بختیاریهاست ساعت شش عصر همانروز انتظار ملاقات مرا دارد روز بعد یاز منشی مزبور آمده و سوال نمود که چرا من حضرت معزی الیه را که «بسیار غیور و دارای شوکت و اقتدار است» منتظر گذارده و از نرفتن خود ایشانرا ملول گردانیده ام؟ من گفتم در مملکت ما این امور جزئی را اهمیت نداده و جزو رسوم اخلاقی و فوایدین مهمان نوازی ندانسته و بر فرائض خود ترجیح و برتری نمیدهند از سبقت و مبادرت آن حضرت اجل در این ملاقات بسیار مسرور و محظوظ خواهم شد عصر همانروز سردار اسعد بدیدن من آمده و مذاکرات دوستانه باهم داشتیم روز دیگر برای بازدید بخانه ایشان رفته بعد معلوم شد که عرض سردار اسعد از دعوت من بخانه خود بیزعم کسانیکه مشار الیه را تحریک و تحریر نموده بودند یکی حصول عزت و زهداتی شرافت برای خود و دیگر تهتیک و تنقیص احترام و شئونات رفیب خودش یعنی سپهدار که رئیس الوزرای آلمان بود میباشد باین حال اگر سبقت بدیدن او کرده بودم بی شبهه سپهدار را دشمن قطعی خود قرار میدادم \*

يك هفته پس از ورود ما یکی از ملاقاتیان ایرانی فرصتی یافته و با نهایت ادب پرسید که «شما کی فرصت و عزم رفتن بسفارت روس دارید؟» قدری بعد از آن رافعیکه ظاهراً از طرف سفارت انگلیس آمده بود سوال فوق را نمود من جواب گفتم که از سفر دور و درازی آمده و تا يك ماه دیگر ممکن نخواهد بود که اثاث الیه (مبل) خود را مرتب نمایم از آن روز به بعد هیچ روزی نمیگذشت مگر آنکه مستقیماً یا مع الواسطه خبر میرسید که سفراء در انتظار بندیرائی یعنی برای رفتن من بملاقاتشان میباشند بعد از دو هفته که مسئله مذکوره متوالیاً مذاکره و تکرار میشد بواسطه تحقیق ذیل اسر مخفکی واقع شد من تحقیق نمودم که اگر یکی از صاحب مناصب و ما مورین دولتی وارد پایتخت و مرکز شود تکلیف و وظیفه معمولی او در اینگونه امور چه خواهد بود؟ گفتند تازه واردی که از اعضا ادارات دولتی باشد اول او در منزل خود از مردم بندیرائی میکند پس معلوم شد

که قضیه ملاقات بقسمی که پیش آمده خیلی بوقع و بجواب بوده اگرچه مذاکره این مسئله بسیار لغو و نامربوط بنظر می آید اما کم کم آن سوالات که (آیا ملاقات سفر امپروم؟ و کی خواهیم رفت؟) در صورتیکه مقصود از سفر فقط سفارتین روس و انگلیس بود اصلاً و رأساً مضمون و مبحث بزرگی شده که نه تنها دواثر ارتباطی دیپلوماسی اروپاییها را غرق کرده بلکه صاحبمنصبان ایرانی را هم فرا گرفته بود \*

من از سر گذشت اسف انگیز مسیویز و که داکنر (عالم متبحر) معروف مالیه فرانسه بود مطلع شدم که دو سال قبل از ما بطهران آمده و چون دیپلوماتهای روس و انگلیس و سایر دول اجنبیه را مردمان مهافت نواز جذاب القلوبی که همیشه برای مشورت و راهنمایی حاضر و آماده اند شناخته بود بقسمی در صاحبیت و ندیمی ایشان حاضر و فریفته و از ضیافتهاییکه مفرا برای احترام وی مینمودند مفتوت و مدهوش گردیده بود که آن کار جزئی را که برای آن بایران آمده (یعنی نظم و ترتیب امور مالیه ایران) بکلی فراموش و گمان کرد که فقط برای نوشیدن چای و بازی کنجفه و سواری و هواخوری کردن برای حفظ الصحه بایران آمده است وقتی از خواب غفلت بیدار و بخیال اصلاح امور لازمه تکلیفیه خود افتاد که ملتفت شده و دانست که مجلس او را هم از زمره بلجیکهای سابق پنداشته و دید که برای اصلاح اموری که راجع و متعلق بمعاونت ایرانیان و وظیفه او میباشد مراجعت بوطن عزیز خود یعنی فرانسه انسب و اولی است خلاصه مسیویز در هر حالت نسامع و تعال ماهرانه کاملی در اصلاح امور مالیه نمود پس از اختتام دوسال دورد ما موریش بدوات ایران که بسیار صبور و نسبت با جانب زود باور و خوش عقیده بود وصیتی نمود وصیت مزبور عبارت از یک راپورت سی صفحه بود که بزبان فصیح و سلیس فرانسه با «تیب» (ماشین خط نویسی) نوشته (طبع کرده) و رأی خود را ظاهر نموده بود که هر کس بجای مشارالیه منصوب شود باید چه قسم قوانین در تجدید و تشکیل امور مالیه اختیار کند مسیوی موصوف در مدت اقامت در طهران صحت و استقامت جسمانی بسیار ترقی کرده و پس از مراجعت بیاریش ثانیاً بخدمت دولتی سابق خود برقرار ولی اداره مالیه ایران بهمان حالت بی نظمی و تزلزل سابقه باقی ماند \*

آخر الامر والا حضرت نایب الساطنه در موتعی بین گفتگو برسیدند که «آبل برای ملاقات سفارتین روس و انگلیس خواهید رفت؟» چون خیال مذاکره و شرح و بسط آن مبحث نازک را نداشتم بطریقه مشرق زمینان جواب دادم که عجماله مشغول نظم و

ترتیب اثاث البیت و به امور خانه خود بسیار گرفتار و بنوشتن و تدوین قانون اصول مالیات مشغولم که بکابینه و مجلس پیش نهاد نمایم بعد از همه آنها در یکی از جلسات کابینه که اکثر اوقات مدعو می شدم وزیر امور خارجه ایران که شخص ثعلبی بود و محشم السلطنه لقب داشت در حضور اعضاء کابینه با کمال متانت و معقولیت این صحبت را بیان آورد «نمایندگان دول اجنبیه مقیم طهران نمیدانند چرا شما بلافاصله ایشان ارفقه اید و خیلی متعبراند که آیا سبب آن چیست؟ و نیز گفت بلجیکها و فرانسویها و سایر اجانب که برای ملازمت به ایران آمده اند همیشه بملاقات سفار فرسته و اینگونه ملاقاتها را موجب ازدیاد احترام و قدر و منزلت خود می شمارند دیپلوماتها نمیتوانند ملتفت شوند که امر بکائیها چرا رعایت این نکته را نمینمایند» من در جواب گفتم «عالی حضرتان! در این سوال پیچیده دقیق نکته و حکمهای بسیاری است قبل از اینکه نکات مزبوره را بیان نمایم میخواهم سئوالی بکنم که آیا من صاحب منصب و مأمور دولت ایران نیستم؟ اگر هستم آیا نباید برسوم و قوانین معموله عمل نمایم؟» \*

بعد قدری در آن باب بحث و مذاکره شد تا اعضاء کابینه راضی شده تصدیق و اظهار نمودند که بهیچ قسم و عنوان مجبور نیباشید که سبقت و مبادرت در این ملاقات نمایند زیرا که حقیقه این سبقت و پیشدستی در ملاقات بر خلاف رسوم معموله مملکتست اعضاء کابینه از آن خیال و اظهار من مسرور شده و تعجب کردند که چگونه یک نفر اجنبی این طور با خلوص صداقت خود را از اعضاء دولت ما دانسته نه مثل سایرین که فقط بملاحظه منافع شخصی مراعات این نکات را فراموش می نمایند \*

اکنون که آن مذاکرات را بخاطر می آورم بیشتر محفوظ و خوشوقت میکردم وقتی که وزیر مختارهای روس و انگلیس ملتفت شدند که خیال پیشنهاد کردن قانونی برای اجراء مجلس دارم هوا خواهان و کسانی که در تحت حمایت و عاطفت دولت روس بودند علانیة و صراحتاً تهدید کردند که قانون مرا کشته (یعنی بواسطه مخالفت و ضدیت بکلی بی اثر و بی نتیجه کرده) و یا اقلاً ضعیف و خنثی خواهند نمود ولی زود ملتفت شده و دانستند که غالب و کلاء در ظرف سه هفته معاشرت با ما بدرجه مساعدت در پیشنهادها و اعتقاد باظهارات ما نموده اند که باعث مزید حیرت و تعجب دیپلوماتها گردید مشاهده آن حالت برای دیپلوماتهای مزبوره منظره بسیار هولناک و وحشت انگیزی بود که بکفر اجنبی که بالنسبه با ایشان اجنبیت نامه دارد بدون اینکه اول زمین ادب ایشانرا برسیده باشد

چگونه با کمال افتد راه رفته و کار میکنند اگر اقدام بیک ملاقات چند دقیقه کرده و یا افلا « کارت ویزت » گوشه تا کرده خود را فرستاده بودم سازها کوه و رقصها شروع شده و از چهار سمت « دینر » ها ( دعوت شام ) بود که مثل باران بر سر ما باریده و باز دید ها بود که متوالی بعمل آمده و دیپلمهای حسن اخلاقی بن داده میشد که برای زهد هوای دوائر دیپلوماسی مشرفیه قابل ولایت بوده و نتیجه این میشد که قانون من از مجلس نگذشته و باقی مدت ما موریت ایران خود را صرف بازی تنیس و گنجه می نمودم \*

در خلال این حال و باز بجهای فوق ایرانیها بکلی بیکار و معطل مانده و از خواب بیدار شده و چند مرتبه چشمهای خود را بهم مالیده و حواس خود را تیز ( جمع ) کرده و میگفتند که « فرنگی با ما هست که انشاء الله احکام سفارتخانههای اجانب را متابعت نکرده و فراموش آنرا اطاعت نمی کنند بیائید تا معاونتش نمایم » \*

در مشرق زمین افواها و آجیف کفشهای هفت فرسخی دارد ( یعنی اخبار بی اصل بسیار زود انتشار می یابد ) سیزدهم ژون ( پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ) یعنی یکماه تمام پس از ورود ما و کلا متفقا قانونی را تصویب و تنفیذ نمودند که اقتدار کلی در اصلاح امور مالیه از آن قانون برای ما حاصل گشت و با شوق و امیدواری تمام برای شروع بکار خود حاضر شدیم \*

چنانچه اکنون معلوم میشود من خیال داشتم که بعد از تصفیه و ترتیب امور لازمه مثل اعلان رسمی دولت در تعیین امور و مراتب خدمات دولتی هر يك از ماها بملاقات دیپلوماتهای اجانب برویم ولی آن دیپلوماتهای محترم از روز اول ورود ما بطوری هیاهو و همهمه کرده و زلزل و تردد در تمام دوائر افکنده و بدرجه توجه عوام را بطرف این امر جلب نموده و مسئله مزبوره را بطوری بنقطه نازک و دقیق رسانیدند که اگر آنوقت به آن امر راضی شده بودم آنوقع و اهمیت آخری را که برای حصول اعتماد و اعتبار ملت ایران که ( خیلی گول خورده و شک زده بود ) نسبت بخود تحصیل نموده بودم از دست داده و در اقتدارات راجعه بوضع قانون و انتظار و امیدواری که ایرانیان بمساعی من در اصلاحات داشتند نقصان کلی راه مییافت قبل از آنیکه يك سنگدلی را در خانه خویش برای نشستن بجای خود بگذارم طوری آنتر یکهای دیپلوماسی ساده خودشان را جلو راه مقصود من افکنندند که اگر مغلوب آن آنتریکها شده و تن در داده بودم بواسطه آن عمل جزئی همدردی حقیقی و معاونت ایرانیان را از دست میدادم و چنانچه از رفتن در

آندام که از سابق برای ما ساخته و گسترده شده بود نحاشی و امتناع نیورزیدیم جرم و الزام بزرگی بر این خود نایب می نمودیم یعنی بواسطه آن نحاشی نسبت قصوری در ذکاوت و مال اندیشی ما راه مییافت \*

اگر مطالعه کنندگان به پیش آمدهای مزبوره بخندند اجازه خواهند داشت زیرا که خنده ایشان مربوط بمنصف نبوده و تأثیری در او ننموده بلکه خود مصنفم خواهد خندید این قضیه کوچکتر اهم برای اظهار جوهر اصلی و روح ذاتی که در بعضی نقاط طهران سرایت کرده بود درج میکنم چندی بعد یعنی تا مادامیکه ما در طهران بودیم آنتریکهای بی دربی بود که لا تعد ولا تحصى جلوراه مقصود ما من افکنندند که همه برای بد نما کردن صداقت و تکذیب نوشته جات و تدلیله اشخاصی بود که انکار کرده بودند از اینکه آله اجرای مقاصد دیپلوماسیهای اجانب بشوند \*

اول ژون ( سوم جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ) سپهبد اعظم در پارک خود در طهران که خیلی با روح و خوش منظر بود مجلس دعوت « گاردن پارکی » ( عصرانه در باغ ) تشکیل داد معلوم و معین بود که یکی از مقاصد آن مجلس و مهمانی تلافی و تصادف ( یعنی معرفی ) امریکائیها با هیئت دیپلوماسی اجانب مقیم طهران بود خوب در خاطر دارم که وقت عصری که هوا هم قدری گرم بود با زن خود سواره چگونه از خیابانهای گرد آلود بطرف پارک سپهبد حرکت نمودیم در بین راه محازی در سفارت انگلیس رسیدیم وزیر مختار محترم انگلیس را دیدیم که با خانمش سواره و بهراهی سوارهای نیزه دار هندی از سفارت بیرون آمده و از ما گذشته پیشا پیش ما رفتند این اول مرتبه بود که سر جارج بارکلی ( Sir George Barclay ) را دیدیم و قتیکه بیایم رسیدیم هوای تازه خنک میوزید و فوارهای قشنگ در هر طرف جستن نموده ورقاصی ( یعنی در گردش و چرخ خوردن بودند ) می کردند از راه بر تیج و خمی که از دو طرف آن گلها و درختهای منظم بود بخیمه ( چادر ) بدیوایی رسیدیم موزیک دولتی هم در عقب آن خیمه در نوازش بود \*

وقتیکه مقابل چادر رسیدیم میزبان و جمعی از استقبال کنندگان را ملاقات نمودیم بعد از آن بحلیکه خیلی تنگ و خفه و محضوض بدائره زبان و مردان اروپائی بود ما را رهبری کردند در حالتیکه همه آنها بحالت و هیئت بی اعتنائی و نشناختگی عمدی سنگ صفت نشسته و بما که بعقیده خودشان مهان نا خوانده بودیم خیره خیره نظر میکردند اگر چه در دهای چادر از سه سمت بسته و هوا جریان نداشت با آن حال احساس برودت هوایی از مهر سردی

آنها میشد ما یعنی من وزنم و مستر میکاسکی و زنش که همراه ما بدان محل آمده بودند در مرکز و وسط آن جمعیت ایستاده بودیم وقتی که آن حالت را مشاهده نمودم آهسته بگوش همراهم گفتم باید چنین تصور نمود که ما چهار نفر در صحرائی باهم مشغول صحبت و گفتگو باشیم خیالات و اقدامات سپهدار و محتشم السلطنه وزیر خارجه که رئیس تشریفات آن مجلس بود برای ایشان اسباب زحمت زیاد شده بود آنها میخواستند اجتماع تمییزین نموده و عناصر مختلفه اجنبیه را یکجا جمع کنند ولی در آغاز فکر نکرده بودند که اول باید کدام کس را بکدام کس معرفی نمود بعد از تأمل بسیار بهمدیگر میگفتند «خیر انشاء الله» اینگونه امور از قوه ایشان خارج بود \*

ما هانجا ایستاده و با کمال تعجب و حیرت به نمونه و طرز کلاههای دراز مختلف که بسبب (مد) قدیم بود و اعضاء دلیر و شجاع سفارت خانها بسر گذارده بودند نظر نموده و توصیف آنها را میکردیم اکثر آنها غریب و نادر و چند نمره از سرشان بزرگتر بود تا مدتی در تحیر و تعجب از وضع آن کلاهها بوده و فکر میکردیم که جوانان انگلیسی چرا این قسم کلاههای بلند استوانه را بسر میکنند و اگر گوشه ایشان ممانعت نمی نمود سر و صورتشان در زیر آن کلاهها پوشیده میشد بعد ملتفت شدیم که کلاههای مزبوره اسلحه اخلاقیست که در طهران کیاب و عزیز الوجود میباشد (۱) چون حمل و نقل آن کلاهها از بالای کوه البرز کار مشکل بنظرشان می آمد دیپلوماتهای پست زیر دست آنها را از مبروکات رسمی پنداشته یعنی از ما مورین سلف بر سیبل ارث یا یادگار برای اخلافشان باقی مانده بود معلوم میشود که ما مورین سابق بمرض (Megaloc phalia) استسقای سر یعنی بزرگی کلا که مرض معروفست مبتلا بودند (۲) تا ده دقیقه بدون اظهار کسالت و عجز بهمان حال ایستاده و وقت خود را صرف نمودیم ولی بزودی آن حالت مانند بسخ شروع به تحلیل رقان گذارده یعنی مهانها بیشتر شده و بنای آمیزش را با یکدیگر گذارده و چند نفر از دوستان ما هم رسیدند مستر میکاسکی بن اطلاع داد که سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس یا او معرفی شده و خیلی میل دارد که با من هم معرفی بشود من هم در این

(۱) مناسبت توصیف کلاههای مزبوره با سلحه اخلاقی شاید این باشد که

چشمهای کشاده خود را در زیر آن کلاهها پنهان نموده و خود را بنظر مردم با حیا و قدرن جلوه میدادند \*

(۲) کتابچه از اینکه کله شان در نخوت و پر باد بوده \* مترجم

اشتیاق و میل بودم بعد از ملاقات: در اثنای گفتگو وقتیکه رشته سخن بطرف حالت حاضره مالیه و وضع کار و امید اصلاحات منتهی شده بود شخص محترم خوش سیاهنرا دیدم که از تردد و اضطرابی که از بشره اش هویدا بود تأثیری در دل من پیدا کردید که باید آن عالیحضرت محترم شخص دیپلومات جلیل القدر بزرگی باشد تا مدتی نیز تیز بسر جارج نگاه میکرد وقتی که نظر او با چشمهای سر جارج دو چار و مصادف شد اشاره نمائینی کرده و چشمکی زد بعد از آن سر جارج گفت «عزیزم مسیو» تریزور جنرال «( خزانه دار کل) آیا با ایچ یا کلیوسکی کریل (M. Poklewski Koziel) وزیر مختار روس که مرد بسیار خوبی است ملاقات کرده آید؟» من اظهار تأسف نمودم که تا بحال از این عزت و شرافت محروم میباشم سر جارج گفت «شاید از همین جا بگذرد من شما را با او معرفی خواهم کرد» بعد معلوم شد همان شخص محترمی که مضطربانه بفاصله هشت قدم از من دور ایستاده مسیوی معزی الیه بود در آن وقت مسیو یا کلیوسکی مشغول گردش و قدم زدن بود و خوب دستی (تعلیمی) خود را جرخ داده و جمعیت را تماشا میکرد بهمین حال از جا او ما گذشت وقتیکه نزدیک سر جارج رسید سر جارج بازوی خود را بیازوی او زد بواسطه این اتفاق عمدی باهم دو چار شده و بدون وقوع هیچگونه نزلی در موازنه امور پاتیککی باهم ملاقی شدیم وزیر مختار فرانسه هم در آن محل حاضر بود ولی بواسطه فوت شدن وقت و عدم فرصت یا انصراف رائی که برائی مشارالیه حاصل گشت دیگر در تمام مدتی که در طهران بودم بشرف و مسرت ملاقات ایشان نائل نشدم \*

سر جارج بارکلی و مسیو یا کلیوسکی را در آن وقت و در هر موقع ملاقات دیگر خیلی خوش طبع و خوش محضرو با تربیب یافتیم ولی بواسطه تکالیف رسمی سنکینشان در طهران اثر انقباضی از بشره ایشان هویدا و فرائض و وظائف آنان بالنسبه بطنبعشان اکثر نا ملایم و نامموار بود \*

باید مردم در اکثر اوقات بین حالت شخصی و دیپلوماسی امتیاز داده و فرق بکنارند یعنی ما مورین محترم گاهی خوش صحبت و خوش مذاق و بعضی اوقات در موقعیکه تحت احکام دول خود اقدامات رسمی مینمایند دیپلوماسی و «سور» (سخت گبر) مینمایند اگر این قسم نکمند امور درهم و برهم و هرج و مرج شده و بی اعتدالی بزرگی در کارها واقع خواهد شد از برای بعضی دول کم اتفاق میافتد که برای نمایندگان و ما مورین خود

در ممالک اجنبیه خصوصاً در مشرق احکام و دستور العمل جزئیات را نفرستند که چنین و چنان باید کرد یا حتماً فلان امر باید انجام داده شود و صاحب منصبان و مأمورینی هم که در مرکز دولت متبوعه خود بوده و زمام حل و عقد روابط اجانب در دستشان میباشد بحالت اتم انگیزی که از اثر و نتیجه احکامشان بظهور پیوسته اعتنا و توجهی نمیکند \*

یکی از اولین مسائل مالیه که رأی مرا در آن پرسیدند این بود که اداره نمکرا که یکسال است تشکیل شده باید جاری و برقرار داشت با اینکه باید نسخ و منقوض شود؟ ملتهم خیلی شاکمی و ناراضی بودند بعد از تفتیش و تحقیق معلوم شد که عایدات و قیمت ششصد «پوند» انگلیسی (که معادل یکمخروار ایران است) نمکی که از معادن مملکتی استخراج میشد و چهارقران که معادل با پنج دالر و هفت دهم دالر است میباشد در صورتیکه گمرک همان مقدار نمکیکه از خارج بداخله ایران حمل و وارد می شد يك يازدهم دالر (قریب به نصد دینار ایران) بود و باینجهته کنایه که قبل از انحصار مزبور استخراج کرده و می فروختند و هم اشتقاقیکه در دهات و قرا و وسط ایران سکونت داشته طرف ظلم و بی انصافی بسیار واقع می شدند علاوه بر این در مدت یکسال از قانون زر خیز و کج باد آور مزبور مبلغ جزئی یعنی فریب چهل و دو هزار تومان که تقریباً معادل با سی و هفت هزار دالر میباشد عاید دولت گشته و مبلغیکه از ملت گرفته شده بود دو بیست و نه هزار تومان و فاضل مبلغ مزبور بی تناسب بصرف مخارج اجزاء رسیده بود از همه گذشته بر حسب تعرفه گمرک نباید هیچ قسم گمرکی تعلق باجناس و امتعه داخلی بگیرد ملاحظات فوق فوراً رأی به نسخ قانون مزبور دادم زیرا که صلاح و بهبودی ملت در آن متصور نبود و مجلس هم رأی مرا تصویب نمود \*

از آن تغییر جزئی اثر مشروطیت در قلوب اهالی محککتر گردید و حال آنکه بواسطه قانون انحصار مزبور در معرض خطر و ضرر بود و همچنین از آن انحصار بیخ اجزاء و مأمورین آن اداره که از پیشرفت قانون مزبور فریه شده بودند منتفع نمی شد \*

(چون این بنده یکی از مأمورین اداره مزبوره بوده و از اول انحصار تا آخر انقراض در شعبه فصبه گروس بسمت تفتیش مستخدم بوده لازم دانستم که جمعی از اطلاعات خود را بعرض فائزین محترم برسانم تا از حقیقت امر واقف و مستحضر گردند \*

اگر چه ممکن است پس از ملاحظه شرح ذیل بمناسبت استخدام اداره مزبوره نسبت

ظرفنداری بین داده شود ولی چندان فرق و تأییری در من نخواهد کرد اولاً عایدات شعبه گروس را که اطلاع کامل از آن دارم اگر مصدر نسبت قرار دهیم عایدات یکساله تمام شعب باضعاف مضاعف بیشتر از مبلغ مذکور باید شده باشد زیرا که تقریباً عایدات شش ماهه شعبه اداره نمک گروس یعنی پس از گذشتن چهار ماه از ابتدای انحصار که در گروس شروع بفروش و قانون مزبور مجرا شد و قبل از اینکه راه مکاربان و مشتریان نمک بواسطه سرما و برف تا زمان انقراض اداره مسدود شود عایدات شعبه گروس بمنهای پس از وضع مواجب اجزاء و مخارج مسافرت و بنای عمارت و خریدن ملزومات اساسی و مخارج فوق العاده عملیات استخراج و غیره بین پانزده الی بیست هزار تومان شد چون فروش عمده این معدن منحصر باهل جاف و بعضی از عشایر آکراد و مقدار نا قابلی هم به اهالی قرا گروس بوده و علاوه حرکت و ذهاب و ایاب آکراد هم منحصر به چهار پنج ماه موسم گرما بوده این مقدار قلیل شد ولی در سایر معادن که اینگونه موانع را نداشته خصوصاً معادنی که مجاور مرکز یا شهرهای بزرگ معروف بوده و در تمام مدت انحصار مشغول کار بوده اند بطور حتم عمل کردشان باید خیلی بیشتر از این شده باشد ثانیاً بواسطه ارزان بودن قیمت سابق نمک و امیدوار نبودن رعایا باجرا و نفوذ آن قانون و انتظار انقراض آن یا از سابق نمک ذخیره داشته و با کمال امسالک امروز را بفردا رسانیده و با کمال عسرت و مشقت تلف شدن احشامشانرا از بی نمکی ترجیح بر اطاعت از قوانین دولتی میدادند چنانچه اغلب عشائر مزبوره بهمین ملاحظه در اوایل طلوع سالار الدوله بدون هیچ خوف و اجبار مشارالیه کرویده و علناً بنای مخالفت و باغیگری با دولت گذاردند اهالی گروس می گفتند فروش آن سال از حیث وزن يك بیست و پنج سالهای قبل نبوده ثالثاً مخارج فوق العاده که در آن سال یعنی در ابتدای انحصار به تمام دواتر و شعب ولایات تحمیل شد منحصر بیک مرتبه بود مثل مخارج فوق العاده مسافرت و اعزام مأمورین با طرف و بنای ابنیه و عمارات لازمه در هر معدن و محمل و مخارج اساسیه و غیره که در سنوات بعد نمی بود علاوه بر اینها انقراض و نسخ اداره نمکرا اهالی گروس و آکراد آثار مشروطیت ندانسته بلکه نتیجه متابعت سالار الدوله تصور میکردند که رعایا را از دادن مالیات جدید معادن نمک نقاط متصرفه خود معاف کرده بود و اظهار مسرت از نفوذ خود پسنداله وی مینمودند ولی دوا سر مسلم بود و محل انگار نیست یکی قصور و عدم دقت در انتخاب مأمورین امین و انحصار خدمات بزرگ مرکز و شعب را پسلسله چلیله

شاهزادگان با حقوق بی تناسب فوق العاده چنانچه شنیده شد که میگفتند « اداره نمک طعام و طعام خون شاهزادگان شده » و دیگر راپورت های سرسری بی خبران را که فقط برای اظهار اطلاع گفته محل اعتنا قرار دادن در هر صورت بعقیده شخصی خود من اگر اداره مزبوره تا کنون جاری و بتدریج رفع موانع و اشکالات را نموده و احتیاجات نامۀ عامه را بطرف خود جلب میکردند بطور حتم عایدات سالانه این اوقات بالغ بر چندین کروار تومان می شد \* مترجم )



### — \* باب دوم \* —

در شرح حالات سیاسی و جنگونگی امور مالیه ایران که ما هادیدیم اقتدارات نایب السلطنه و کابینه و مجلس مسلك و طریقه دولت و وسائل وصول مالیات قروض داخلی دولت استقرضات از اجانب \*

از روز اول که ما وارد طهران شدیم همواره ما را متنبه نمودند که هیچوقت نخواهند گذارد در باره ایران کار صحیحی بکنیم مستشاران و صاحب منصبان اجنبیه دیگر هم که بطهران آمده وساعی بودند که اصلاحات عملی کنند از همان اول مجبور شدند که یا ایران را ترک و بد رود گفته و یا بطرفداری و حمایت « کسان دیگر » که بر ضد اصلاحات بوده بروند و برای ما هم همین را انطباق میدادند که با آن اعیان مقتدر صلح آمیزی اختیار بکنیم مراد از « کسان دیگر » که زود ملتفت شدیم صاحب منصبان و اعضاء دولتی مفتن و مفسد ایرانی بودند یعنی بقیه السیف و اخلاف دوره استبداد که بر ضد پیشرفت مشروطه بوده و در زمان حکومت سابقه استبدادیه مصدر خدمات بزرگ و صاحب ثمن و اقتدار کشته و به تربیت و تحصیل اروپائی هم آراسته و بیارسته بودند و همه ایشان این نکته را بخوبی ملتفت شده و مراعات نمی نمودند که سلامتی و سهولت پیشرفت امور شان در این میباشد که آله کار و هوا خواه دولت روس شده و در تحت حمایت دولت مذکوره و آثار

و نفوذ قویه اش اغراض شخصی خود را بجرا نمایند این شقی را انطباق و اولی میدانستند از حمایت ابناء وطن خود که با کمال نواقص بی تجربه کئی وجهات در اصول و اصطلاحات دولت مشروطه ( که بمقاصد شان ضرر بزرگ میرسانید ) دلیرانه و متهورانه دست و پا زدند و کوشش مینمودند \*

این مسئله اول مطرح مزاح و تمسخر دوائر دیپلوماسی طهران شده بود که امریکائیا بیشتر از سه ماده در ایران نخواهند ماند خاتم یکی از وزیر مختار های محترم گفته بود که « بیکه دیگر امریکائیا را در راه انزلی مراجعت کنان خواهیم دید » هر قسم سعی بلیغی که در تصفیه و اصلاح امور مالیه ایران بعمل می آمد بیشتر اسباب مضحکه میشد \*

در هنگام مسافرت بایران پنج روز در قسطنطنیه ( استانبول ) توقف کردیم جمع کثیری از مهاجرین ایرانی در آن شهر سکونت داشتند شهر مزبور پایتخت مملکت عثمانی و با طهران همیشه طرف مکاتبه و معامله می باشد در آنجا ایرانیان بسیاری را ملاقات کردیم که تازه از وطن خود مهاجرت نموده و بعضی از ایشان را بسبب امور پلیسی نفی بلد کرده و با خود فرار نموده بودند از آنجمله نفی زاده بود که معروف ترین وکیل مشروطه خواهان تبریز بود مشارالیه ملاقات من آمده و تا مدتی در باب بی نظمی و مشکلات امور ایران گفتگو نمود جماعت دیگری که خدمات نمایان در حرکت روسیونی و وطن پرستانه ایران نموده بودند نیز بملاقات من آمده و بیشتر ایشان تجار و علماء و اعضاء ادارت دیپلوماسی اجانب بودند این اولین مرتبه بود که از حالات رانجه و معموله ایران اطلاع عمیقی حاصل نموده و اعتراف کردم که حالات و پیش آمدهای آینده ایران اطعمینان بخش نبوده و آن منظره ها شخص را مرعوب می نماید \*

ایشان از بسیاری از امور ایران از آنقریکهای اجانب گرفته تا ضرر های شخصی و احتمال مخاطرات جانی مرا آگاه نمودند در نصاب مختلفه که بن نمودند متفق علیه همه صراحت این بود که مجلس یا پارلمان سبب و علت تحریک و ترقی ایران بوده و بواسطه قانون و شهرت ایشان آثار و علائم مثبت و قومیتشان ثابت می شود دوستان و ملاقات کنندگان ما گفتند « اگر اطعمینان و حسن عقیده و کلا را بطرف خود جلب نمائید گویا نصف کار شما انجام گرفته باشد و اگر به تحصیل رضایت و معاونت آنان موفق نیامدید بهتر است که از نتایج مساعی خود آن دست شسته و از اقداماتی که برای تحصیل و تکمیل نتایج میکنید صرف نظر نمائید » \*

بسیاری نگذشت که دیدیم چه قدر بیانات ایشان درست و صحیح بود غفلات عمدی (تجاهل) از اثرات و نتایج آن دستور العملها مانند سنکی جلوراه مستشاران اجنبیه بود که بایشان مصادف شده و همواره کشتی خدمات آنها را ریز ریز میکرد (یعنی هر یکی از مستخدمین اجنبیه ایران که مراعات نکات و دستور العملهای فوق را نکرده و یا غفلت می نمود اقداماتش بکلی بیحاصل و باعث سلب اعتبار مردم از اومی شد) اما در حصول و جلب اعتبار و محرمیت با مخفی ترین دوائر دیپلوماسی اجانب در طهران برای هر یک از مستشاران هیچگونه اشکالی در پیش نه بود و آن محرمیت بسیار واضح و دلغریب و برایگان دعوت و ترغیب می نمود اما اگر با چند تن از نمایندگان بعضی دول اجنبیه دوستی و خلوص ظاهری بدان قسم محکم و استوار میگردد این گونه حالات و سر نوشت مستشاران در آتیه در دفتریکه راجع با اعتماد و اطمینان مجلس یا پارلی و کن پرستان بود ثبت می شد یعنی اطمینان بحساس یا احزاب ملی نسبت بایشان خاتمه می یافت \*

در آن زمان دوائر دیپلوماتی طهران عبارت بود از وزیر مختارهای روس و انگلیس و سفیر عثمانی که هر سه بر ناطق پلتیکی مشغول بازی بودند سایر نمایندگان محترم و وظیفه شان بیش از این نبود که جماعتی از هموطنان و اتباع خود را که از دولت ورشکسته و بی پول ایران مواجب و وظیفه میگرفتند حمایت و نگهداری کنند اغلب آن موظفین بمناصب و القاب عالیه محترم و سرفراز بودند در ایران کمتر کسی بود که منصبش از «کرنلی» (سرهنگی) کمتر باشد و بستر از این منصب را امر عجیب و غریبی میشمارند مثلاً یک شخص ایتالیائی معروفی که مناسبت مختصر و بستگی موهومی با اداره جنگ ایران داشت خیلی خوش وقت می شد که خود را از پیش خود بمنصب «جنرالی» (سرتیپی) ترفی داده و خود را در زمره سرتیپان بشمار بیاورد \*

این تصنیف در صدد بیان جغرافیائی ایران نیست و از وضع زندگانی و طرز عادات و اخلاق ملی مرکز تمدن مشرق نیز سخن نمیراند لکن اگر ذکر این يك فقره را ترك نمانم بسیار ظلم خواهد بود بدون اینکه از مصنفین و مؤسسين مضمون کو که همیشه اروپائیهای طهران را (خوشامد) گفته و وجود آنان را بواسطه آراء سخیفه و بی حقیقت خود زنده نگاه می داشتند اعتراف و تمجید (خوشامد) بگویم خوبست و جداگانه تصور شود دولتیکه به تعجیل تمام رو بزوال میرود در میان این خرابه منزلت جماعتی رنگارنگ بودند مثل صاحب منصبان بلجیکی که رنگ ژاندار مری ایتالیای «سرجنیا» (صاحب منصبان

پست) توپخانه آلمانی علما و مشجین و معلمین و مستشاران فرانسوی مشافان نظامی اطریشی منشیان انگلیس بانک مصاحبان و ندیمان عثمانی و ارمنی در بارها آخر همه ولی بزرگتر و یا اهمیتتر عدّه کثیری از صاحبمنصبان و مشافان روسی فزاینها که در صورت ظاهر فقط مشاق ولی در هر گوشه و کنار متفرق و پراکنده بودند این اخلاط مختلفه روزانه بشغل شخصی خود مشغول بوده و ضمناً دولت شاهنشاهی ایران را بطرف نکبت و افلاس بانضمام حرکت يك پهلوی مخفیانه محتالانه بطرف مقاصد و اغراض شخصی و پلتیکی خودشان حرکت و تکان محکمی میدادند و رود این بکشت امریکائیهای بد بخت بسر زمین ایران نمایشگاه خوش منظر و تماشای خوش مزه بود برای آقایان محترم حتی خوانین معظمه سفارتخانههای اجانب که با کمال امنیت و راحتی مشغول تماشا بودند باین ملاحظه که بسیار غرابت داشت که ایقان یعنی امریکائیان بتوانند در تحت احکام و اوامر دولت ایران بادی وظائف و تکالیف خود مشغول باشند آخر کار از ترس اینکه مبادا لذت و نزاکت آن منظره گم شود ده بازده نفر سویدی را بر فهرست مستخدمین و مشافان نظامی افزودند که محل حقوق و مواجب آنها از مالیاتی بود که از رعابای ایالات اخذ و جمع می شد \*

\* چند هفته قبل از آنکه مجلس قانون سیزدهم ترون ما را تصویب نماید در صدد تفحص و تجسس و اطلاع کامل از حالت مالیه ایران بر آمدیم \*

کتابچه و دستور العملی از مسیو مرنارد در کرب بود ولی دسترسی به آن از قدرت ما خارج و غیر ممکن بود که آن را بورتها را تحصیل نمائیم و هیچ کس هم داوطلب بدست آوردن آنها نشده و خودشان هم بطیب خاطر بطور یقین نمیدادند در شعبهای دیگر وزارت مالیه هم نوشتهجات و «اسناتستیک» (موازنات) مرتبی که حقیقی داشته و بشود چیزی از آنها فعید نبود بجز میز و صندلیها که بزبان فصیح مانند آقایان محترم و حلیم ایرانی ساکت و صامت بیان حال خود را می نمودند همان آقایانی که در اداره مالیه فرضی و تقدیری و وطنشان مشغول ریاست بودند \*

من میتوانم بگویم که مالیات ایران در صوریکه کسی بتواند مفهوم یا وجود خارجی برای تعجید کی فرض نماید خیلی درهم و پیچیده بود اگر کسی میخواست آنرا به بیچاند غامض و مشکلتور میشد خلاصه و مختصر این است که ایران هیچ مالیاتی معینی متعارفی نداشت در وزارت مالیه مذکوره جمعی از صاحبمنصبان و آقایان ایرانی بودند که هر

يك بردگري پيشي و حسبقت جسته و بيشتر اوقات بي در پي تغيير و تبديل مي يافتند در بيان و مهارت و توصيف ادعای اطلاعات همين بس که تمام ثروت و اقود خود را صرف کرده و محتاج اين بودند که چاله و کودال افلاشان را پر کرده و بتوانند کيسهای خود را از مرض نهي بودن رهائی دهند آنوزارات ماليه حقیقه هیئت اجنای بد شکل بی ترتیبی در تحت ریاست صاحب منصبان طبقه پست شعبهای مختلفه بود که آن شعب و دوائر منوط و مربوط با اطلاعات و نگارنی ایشان بوده و برای منعت رسانیدن و خدمت بدولت از راه عایدات داخلی که آنرا مالیات نامیده و همچو شهرت داشت حاضر میشدند در دوائر مالیه هیچ تحصیل کرده و دیدارم گرفته « کلاس سویل سرویس » وجود نداشته و امتحان و محکمی نیز برای قابلیت و لیاقت در کار بود (۱) و وزرای از منته مختلفه سابقه مالیه خدمات و مشاغل اینوزارت خانه را بکسانی میدادند که تفویض خاندانی با کفایت و مهارت شخصی برای انجام آن خدمات داشتند هیچ صاحب منصبی نمیتوانست یقین کرده و مطمئن شود که تا روز دیگر بشل و خدمت خود باقی و برقرار خواهد بود (حالت حقیقی و تصویر خیالات همه اجزاء را این مصراع تشریح می نماید وقت را غیبت دان انقدر که بتوانی مترجم) هیچ وقت اتفاق نیفتاد که یکی از اجزاء مالیه مالیات را در تحت نظم و ترتیبی آورده و بر اساس معنی استوار نموده و یا از برای مالیات « فور مولی » (مفتاحی) قرار داده باشد که بوجب آن دولت بتواند بفهمد که از عایدات مختلفه مملکتی چه مقدار جمع و وصول شده و یا باید جمع شود و چه قدر عاید خزانه شده است اولاً این سعی را عم نکرده بودند که مخارجیکه عمرمانه بصدوقهای خزانه طهران راه یافتند و رخنه میکرد مرتب و منظم نمایند اولین تجسس و تفحصی که برای « بودجه » (موازنه جمع و خرج) عایدات مالیه کردم بودجه مخارج دولتی بود مترصد و منتظر بودم که باین وسیله اطلاع کاملی تحصیل کنم که عایدات دولتی از همه جهه چقدر بوده و چه اندازه از آن مبلغ برای بیشترت و گردانیدن چرخهای وزارتخانههای مختلفه فرضی و ادارات تقدیری و شعب آن بصرف میرسد ولی زود مطلع شدم که موازنه جمع و خرجی در کار نبود یا اینکه مسبول کفر که ذکرش سابقاً گذشت در ظرف مدت دو سال با انواع حوادث و اشکالات مانع چقدر سعی کرد که چیزی تحصیل کند که مصداق بودجه بوده و بتوان اسم موازنه جمع و خرج بر آن گذارد اطلاعات آن (۱) « کلاس سویل سرویس » درجه از تحصیل است که محصل پس از اختتام آن درجه لیاقت خواهد داشت که در خدمات کشوری و اداره فلسفی داخل شود \* مترجم

شخص محترم از منبع و سر چشمهای موهوم و فرضی عایدات و مخارج وزارتخانههای مختلفه و ادارات دولتی بیشتر از اطلاعاتی که از همه دفاتر مشهوره و محاسبات دولتی مستفاد میگشت مفید تر بود از آنروز که مشارالیه اقدام بدین امر کرد که اطلاع قطعی از منشاء عایدات دولتی و محل صرف و خرج آن تحصیل کند که از کجا و بچه صیغه جمع و در کدام محل صرف می شود و وزراء مالیه و مباشرین عایدات دولتی که مصدر خدمت بودند در باره اوسوه ظنی پیدا کرده و علاوه بر این در انظار صاحب مہضان و وزارت جنگ هم خیلی از احترامات و اعتبار مشارالیه کاسته شد زیرا که خود را بلا حظه ادعای استحقاق و لیاقت معموله مجاز و مختار دانسته که نصف عایدات دولتی را بمصارف شخصی خود برسانند در عوض اینکه برای بیشترت مقاصد اداره جنگ مثل هیئت دائره سیورسات جبه خانه حقوق ندما و معاونین سردار کل مرصفاخانه و دواخانه پیاده نظام بریگاد سواره توپخانه لشکر منظم ایران که در حکم ارواح سفلی یا بریهای موهوم که خوابهای ریب و نوبینکل (Rip Van Winkle) را بریشان میکردند بوده بمصرف برسانند (۱) در ظرف مدت هشت ماه که در طهران بودم چهار ماه آن را دولت مشغول فراهم نمودن لوازم جنگ با شاه مخلوع و برادر دیوانه اش شاهزاده سالار القوله بود من هیچ فسون منظم معتد به ندیدم بجز آنکه آخر ماه برای مطالبه مواجب خود آمده و حواله و برانیکه متضمن مبلغ هنگفتی بود و فهرستهای را که وزارت جنگ برای ملبوس و سایر لوازم قشوق تصویب نموده بسروما می ریختند که باید خزانه دار و چه آن را ادا نماید \*

دولت ایران با ایالات و ولایات چند منقسم است که هر يك از آنها دار الحکومه دارد که مرکز و حاکم نشین آن ایالت یا ولایت محسوب میشود معمورترین آنها ذیلا درج می شود :-

ایالات شمالی : آذربایجان که دار الحکومه آن تبریز مازنداران که حاکم نشینش ساری گیلان که مرکز آن رشت خراسان که حاکم نشین آن مشهد است میباشد ایالات جنوبی : اصفهان که پای تحت آن شهر اصفهان فارس که حاکم نشین آن شیراز است میباشد در هر يك از ایالات و شهرهای بزرگ که مرکز امور دولتی ولایات و قصبات کوچک میباشد پیشکار مالیه از طرف اداره مرکزی طهران معین شده و تکلیفش این بود که در عرض سال انواع عایدات مختلفه دولتی را از رعایا وصول کرده و بعد از وضع

(۱) سرگذشت ریب و نوبینکل در خانه کتاب ذکر خواهد شد \* مترجم

مخارج که عبارت از مخارج وصول مالیات و حقوق شخصی خود باشد باقیرا تحویل وزیر مالیه نماید حالت صحیح و تفصیلی طریقه وصول مالیات در باب دیگر ذکر خواهد شد همین قدر از بیان کافی است که وزیر مالیه از این امر سهل و آسان مشعوف و محفوظ می گشت که در عوض پول بروات و احکام (مانند پروانه) به اسم پیشکاران اما کن مختلفه و وصول کنندگان عایدات دولتی صادر نماید و بدین طریق با کمال مسرت برای انجام خواهشهای اجزا و اعضای وزارتخانههای مختلفه مثل وزارت جنگ و وزارت عدلیه و وزارت داخله و وزارت خارجه و وزارت علوم حاضر و معاملات نقدی در این گونه موارد بکلی منغور و ناپسند بود اگر کسی سؤال میکرد که وجه این بروات که وزیر مالیه باین کثرت صادر و منتشر می نماید آیا نمکن الوصول است؟ مسئله و مبحثی جداگانه و دور از واقع بود هر وزیر مالیه طبعاً مایل و ساعی بود که شهرت کند که در امور مالیه رئیس متدبر که یابی بوده و علاوه بر این مطالبات و زرا و همقطارانش را ثابت و محقق نموده و فوراً می پرداخت که در عوض ایشان هم در اوقات معینه از هر گونه مساعدت و ملاحظاتی در باره مشارالیه مضایقه نمایند و بدینقسم ذمه دولت را پاک و باری میساخت بطوریکه در ظرف چند سال گنله بزرگی از این برندگان کوچک کافندی یعنی بروات صادره وزارت مالیه و خزانه مرکزی باطراف و اکناف ولایات و ایالات پرواز نموده و در جیب و بغل طلبکارهای خوش عتیده خوش بپور دولت مانند تاجار و بازرگانان طبقه ادنی و مستخدمین عمومی پست و وظینه خواران جاهل جای میگرفتند وجه بروات مزبوره معادل با چندین مایون «دالر» سکه امریکاشده بود هیچ شخص عاقل زیرکی هیچوقت نمی توانست حساب آنها را مرتب و میزان کل را معین و اعتبار سلب شده و از دست رفته دولت را تحصیل کند پس آن بروات نصف اعتباری بسیار در طهران غیر محسوس و در جزو قروض دولتی محسوب نمی گشت وجه آن بروات يك معمای بزرگ بیچیده شده بود که غیر از دست قدرت شافی طبیعت و قدر مطلق نمی توانست آن را حل نماید \*

بعد از آنکه قانون سیزدهم ژون مالیه مجلس پیش نهاد و تصویب و مجرا شد از حضرت معاون الدوله که در آن زمان وزیر مالیه بود خواهش کردم که بموجب این قانون جدید التفات فرموده تمام محاسبات نقدی بانگرا که متعلق بخزانه عمومیست بن تقویض بفرمایند زیرا که من خزانه دار کل میباشم حضرت همزی البه مثل يك دوست صمیمی خالص تبسی کرده و گفتند که همین انسب و اولی است و نیز گفتند «که مسیوشوستر ۱۱ من

حاضرم که فی الفور این کار مهم یعنی محاسبات جاریه با بانک شاهنشاهی ایران را کلیه و مستقلاً بشا تفویض کنم و یقین دارم که در این زمان فاضل حساب یعنی طلب بانک از ما چهار صد و چهل هزار تومان (تقریباً معادل چهار صد هزار دالر) میباشند این است اختفاریکه بانک کرده و بانک را مطلع و مستحضر نموده ام که از این تاریخ بیعد محاسبات را باسم خزانه دار کل نوشته و شا را طرف حساب با خود بدانند «من از آن حضرت تشکر نموده و بیعت و مبارکی در تحت توجه و تربیت ایشان بفرائض و وظائف خزانه داری ایران مشغول گردیدم این مقدار فرض و يك حساب مطالبات لازمه اعضاء کابینه آنحضرت که همه برای تأکید و مطالبه بروات فوری خود آمده و میگفتند که تأدیه این وجوه فوراً لازم است که دولت ایران را از انقلاب و بهم خوردگی حفظ نموده و برهاند در صورتی که جمع کل وجوه آن بروات معادل هفتصد هزار «دالر» (تقریباً معادل با هفتصد و هشتاد هزار تومان) بود \*

یکی از دوائر وزارت مالیه که از همه بیشتر علاقه و ارتباطی پول داشت اداره ضرابخانه دولتی بود که در چند میل خارج از شهر واقع و در آنجا قرانهای ایرانی (که تقریباً معادل بانود) (نه) سانسکه «ممالک متحد» امریکاست) با ما شینهای کهنه فرسوده از شمشهای نقره که بانک شاهنشاهی بموجب قرار داد با دولت ایران وارد میکرد سکه میزدند چون بانک مزبور احتیاج روزانه بسیاری بسکوکات نقره داشت و در محاسبات عمومیهم قران خیلی محل احتیاج بود چند وقت قبل که مسیودکی را که یکی از معاونین امریکائی بود بضرایخانه فرستاده بودم که آن کارخانه (نهال زر خیز) را معاينه و بازدید نموده و برای نظم و ترتیبش مهیا و آماده شود پس بر حال در اداره و محلی که برای ما معین شده بود نشسته و بطرف معاون دیگر خود مستر میکاسکی که سمت دیگر میزنشسته بود توجه نموده و سعی میکردم که یقین کنم که «تمام عایدات و مخارج دولتی ایران در تحت نظارت ما در آید» \*

«سرکوری» (ورقه متحد السال) بزرگ از بیخ بانگیکه در طهران دائر بود فرستادم که از این تاریخ بیعد تمام اسناد و بروات دولتی فقط در صورتی محل اعتبار و معتنا به خواهد بود که با مضای خزانه دار کل رسیده باشد علاوه بر این به تمام بانگرا اطلاع دادیم که هر میزان محاسبه و «کریدیت» (وجوه فاضله) مالیه که باسم هر یکی از صاحبان متصان دولتی دارند باید به «کریدیت» و حساب خزانه دار کل نقل و تبدیل نمایند که حسب

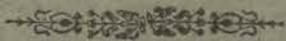
المقرر محاسبات در تحت نظم و ترتیب در آید يك نتیجه این اقدام که تا بحال هم هنوز معمول و ظاهر نشده این بود که فهرست مشروح و مفصلي از محاسبات عمومی نزد ما جمع و مرتب شد که بدون این تدبیر هیچ قسم اطلاع از آن ممکن نبود فهرست مزبور باندازه مطلوب و پسندیده بود که میل نمیکردیم که از آن عطف نظر نموده و چیزی دیگر متوجه بشویم یکی از آن محاسبات « کریدیت » مسیومر نارد مدیر بلجیکی که مرگ که با اسم اف آرسی ( F. R. C. ) نوشته شده و بسیار غیر منظم و بی ترتیب بود \*

مناسب نیست که در اینجا شرح حالت پاتیکای ایران را بتفصیل بیان نمایم ولی همین قدر که دولت ایران مشروطه است شاید کافی و مطابق با واقع باشد آثار و مظاهر سلطنت منحصر و محدود است بوجود سلطانی که دارای تاج و تخت و در زمان مغربین نایب السلطنه فاینده او خواهد بود و هر وقت که بجائی حرکت می نمود آقایی با او بودند که مخارج و حقوقشان بسیار گزاف و تأدیه اش تکلیف شاق بود و ایشان خود را درباریان می نامیدند ولی کارهای مهمه اصلی دولتی در قبضه هیئت پارلمان ( مجلس شورای ملی ) بود که عبارت از هشتاد نفر وکیل بوده باشد که نسبت به سر شماری ولایات و تعداد نفوس ایالات مختلفه ایران منتخب شده بودند هیئت کابینه که مشتمل بر هفت نفر وزیر و در تحت ریاست و نفوذ نایب السلطنه بودند بی دردی برای قبول و تصویب مجلس معرفی میشد ولی چون بموجب قانون اساسی ایران مجلس اختیارات تامه و اقتدار کلی قانونی داشت و علاوه بر این میتوانست در هر موقع بحکم اکثریت آراء تبدیل کابینه را الزام نموده و یا بواسطه عدم اطمینان سلب اعتبار از آن هیئت نماید اختیار کلی در دست نمایندگان بود که کثرت آراء اهالی ایران ایشان را انتخاب نموده بود \*

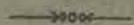
روس و انگلیس دو دولت اجنبی یگانه بودند که بر حسب گفته خودشان ( اتروس ) رغبت یا اغراض مخصوصه در معاملات ایران داشتند قارئین بخواطر خواهند داشت که در سنه ۱۹۰۷ میلادی مابین دولتین انگلیس و روس عهد نامه صلحی منعقد و ممضی شد که در آن حدود جغرافیائی نمود خود شانرا باین قسم که نقاط شمالی منطقه نفوذ روس و جنوب شرقی نفوذ انگلیس باشد معین و مرسم نموده بودند منتها دولت مشروطه ایران عبارت از ملتی بود که اسماً آزاد و مستقل و صاحب حکومت و نایبندگان دول اجنبیه اروپا و نماینده ممالک متحده امریکا در آنجا رفته و تماماً بطایب خاطر شاهنشاهی و استقلال دولت ایران را اعلان و تسلیم نموده بودند و نیز بموجب عهد نامه ۱۹۰۷ هم این شاهنشاهی و

استقلال بین دولتین روس و انگلیس بطیب خاطر مسلم و ممضی شده بود \*  
استقراض خارجی ایران هم عبارت از چند فقره بود که دولت روس بسلاطین مختلفه ایران فرض داده و تمام آن قروض را بتوسط بانک استقراضی ایران که شعبه بانک دولتی روس است در طهران یکجا جمع کرده بود علاوه بر این قرض معروف از دولت هند هم جزو آن قروضی میباشد که در زمان سلاطین سابق دولت انگلیس از بول هند به آنها داده بود آخر همه قرضه ۱۹۱۱ بود که از بانک شاهنشاهی گرفته و قدری قبل از ورود ما بطهران قانوناً قرضه مزبوره را ممضی و معتبر نموده بودند شرح حالات مفصل دیون و استقراضات مزبوره در باب دیگر ذکر خواهد شد علاوه بر اینها هم مقدار معتدبه غیر معینی دعاوی اجانب از دولت ایران بود که بیشتر آن ادا نشده و جمع کل آنها معادل چندین میلیون « دالر » امریکا میشد \*

باری روی هم رفته این بود حالت دولت ایران در سیزدهم ژون ۱۹۱۱ ( پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ) که مسئولیت نظم امور مالیه بن تفویض شد \*



### ✽ باب سوم ✽



در بیان مسالك و طریقه عام النفعی که برای نظم و اصلاحات مالیه اتخاذ شده بود قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ وضع سلوک و روابط دول اجنبیه با دولت ایران قضیه استوکس تشکیل ژاندار مری خزانه غرض اصلی و مقصود حقیقی معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس \* واضح است اشخاصیکه برای اصلاح امور مالیه معین شده بودند مادامیکه از طرف مصادر امور دارای اقتدار و اختیار تامه نمی شدند هیچگونه نظم و ترتیبی در اوضاع معشوشه متصور نبود و کسانیکه برای تصفیه همجو امر ستارگی منتخب شده اند از این هم که محل مشورت وزراء یا اعضاء کابینه ( که مشغول وصول و خرج مالیه بودند ) واقع شوند « دسپلین » ( نظم جدید ) امور مالیه حاصل نیکگشت بجهت اینکه تا زمان انتخاب

و تعیین خزانه دار کل صاحب منصبان و مباشرین مالیه افتداز و اختیار کلی داشتند که تمام مالیات را جمع و خرج نمایند و وزراء و مباشرین مالیه نه بزبور علم و تجربه آراسته و مزین بودند و نه بر حسب عادت و خصائلشان لیاقت و اهلیت همجوکاری را داشتند که تقلاب و اغتشاشاتی که در امور مالیه ایران چه در مرکز و چه در سایر ولایات راه یافته قلع و قمع و اصلاح نمایند \*

بدیهی است که احتمال و امید اصلاح از کسانی متصور بود که از خارج جلب شده بودند در صورتیکه آنها هیچ توقع امدادی و یا امیدوار بشورنی از هیچ يك از صاحب منصبان ایرانی که پی در پی بمناصب و مشاغل مالیه ایران معین و منصوب میشدند نداشتند و بغیر از صوابدید و رأی خود بمصلحت بینی کسی محتاج نبودند امید نائل شدن اصلاحات در صورتی متصور بود که روسای اجنبیه مالیه خود را از تحت اطاعت و نفوذ اعضاء کابینه ایران خارج و آزاد نمایند \*

مقصود من از نوشتن مسوده قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ ( پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ) این بود که اداره خزانه مرکزی مملکت ایران را بطوری تشکیل و مرتب نماید که خزانه دار اختیار جمع و خرج تمام مالیه و عایدات دولتی را بپر اسم و رسم و از هر محل که باشد بمرده خود شناخته و یا اداره مرتب شود که از جانب دولت بتواند هر مبلغی را که صلاح بداند تأدیة نماید در آن زمان عایدات دولتی منحصر نبود بوجهیکه بتوسط مباشرین و مأمورین وزارت مالیه و شعب آن جمع می شد بلکه عایدات ادارات پست و تلگرافات و وزارت داخله و وزارت خارجه و وزارت عدلیه علوم و اوقاف و اداره تذکره نیز ضمیمه آن میشد ولی اعضاء وزارت و خانها و ادارات دولتی بدون هیچ گونه توجه و اعتناء باحدی با یرسش و استفسار از کسی هر مبلغی که میخواستند و هر مقداری که میتوانند گرفته و بمصارف شخصی خود رسالیده و اداره هم نبود که عایدات و مخارج را موازنه نموده و یا اینکه تناسبی در مخارج قرار داده و آن افراطات را محدود نماید باینجهه برای دولت خیلی اشکال داشت که بتواند معلوم و معین نماید که مالیات دولتی چه قدر و با از کدام محل آمده و بکدام محل صرف میشود و اگر صبر میکردیم تا امور اداره را بسر فرصت کاملاً منظم نموده و سپس مسئولیت آن امر عظیم را بعهده بگیریم ممکن بود تجدید رأی یا تغییر در طبایع مصادر امور احداث شود خصوصاً که ریشه ارتجاعیون و کسانی که مخالف این اصلاحات بوده هنوز بحدی نازک نشده بود که بشود مطمئن شد

در این صورت احتمال میرفت که تمام کوششهایی که برای تنظیمات جدید بکار برده شده بکلی عاقل و معوق بماند با موانع و اشکالاتیکه در تصفیه و اصلاحات امور مالیه بود و اغتشاشات داخلی که تا چند روز قبل از تصویب و اجراء قانون مزبور جاری بود در عرض مدت هشتماه که در طهران مشغول کار بودیم قسمت عمده عایدات دوائر دولتی که در پایتخت و سایر ایالات واجب الوصول بود وصول نموده و نیز مخارج و مصارف فوق العاده را که برای دفع محمد علی میرزا ( که بجهت استرداد تاج و تخت سلطنت حمله نموده ) لازم شده بود بی زحمت و تأخیر برداختیم و همچنین حقوق و مواجب اجزاء و مأمورین بلتیکه که در ممالک خارجه مأمور بودند ادا شد در صورتیکه این اولین دفعه بود که حقوق چند ساله بایشان عاید گشت و منافع فروض دولتی و وجهیه که تأدیة اش فرض ذمه دولت بود بانضمام مخارج ادارات مختلفه همه را فوراً کار سازی نمودیم و غیرت صحیح کلبه محاسبات دخل و خرج ادارات دولتی نیز داخل دفاتر اداره مرکزی خزانه گردید \*

فهمیدن این مسئله خیلی مشکل است که قانون مزبوره و اجرای آن چه اثری داشت که دوائر اجنبیه را بضدیت و عناد و آزار نمود بدون تصور اینکه آن قانون چه فوائد و نتایج بی اندازه خواهد بخشید و از اجرائش موجبات حفظ و تأمین حقوق ایشان بیشتر و محکمتر شده و بدون شبهه تضییع یا تنقیصی در صرفه و صلاح طلبکاران چه رسمی و دولتی و چه شخصی حاصل نمیکشت ولی در عوض ایشان بوعیدهای بی نهایت خود افزودند در این صورت و با اینکه قانون مزبوره در چند جلسه مجلس مطرح مذاکره و تصویب گشته بود از هانروز اول شروع باجرائش روس علناً اعلان جنگ به آن قانون داده و آغاز مخالفت و ضدیت را گذارد و وزیر مختار روس اظهار نمود که مستخدمین بلجیکی گمرک هیچ گاه نباید در تحت محکومیت یا نظارت خزانه دار امریکائی در آیند بایندرجه هم آکفا و قناعت ننموده و دولت ایران را تهدید و تشویف کرد که فشون روس تمام گمرکات شمالی را تصرف نموده و صاحب منصبان و مأمورین روسی در آن حدود تعیین خواهد نمود تا دو هفته بعد از این تهدید سفارت خانهای روس فرانسه آلمان ایتالیا اطریش متوالیاً اعتراضات و اولتیمای خود شانرا مثل باران بوزار خارجه ایران باریدند بیشتر آن تعرضات و بهانه جوینها بکلمات و عبارات خشن حقارت آمیز و برخلاف قوانین دیپلوماسی نوشته شده و سعی و کوشش بسیاری نمودند که دولت

ایزاترا بترسانند که از حقوق آزادی و استقلال خود صرف نظر نماید و وزیر مختاران انگلیس و هلند و امریکا و سفارت کبری عثمانی از آن حملات و مداخلات مبرا بوده بی طرفی و سکوت اختیار نموده بودند \*

در بین این حملات کنت کوآت (Count Quadt) که در آن زمان وزیر مختار آلمان مقیم طهران بود موقع را مناسب پنداشته و مراسله رسمی بکابینه دولت ایران نوشته و باین بهانه و مستمسک اظهار مخالفت نمود که بروات حقوق اتباع آلمان مقیم طهران که مستخدم دولت ایران میباشد اگر برخلاف معمول سابق بجای امضای مسیو مرنارد رئیس کل گمرکات ایران امضای مستر شوستر خزانه دار را داشته باشد بکلی منافی و مخالف با صرفه و منافع دولت آلمان خواهد بود بعد از تحقیق معلوم شد که صرفه و منافع دولت آلمان در ایران منحصر بود بمبلغ شش هزار تومان (معادل پنجاه هزار و چهار صد دالر) که دولت ایران بدو نفر آلمانی بعنوان اعانه مدرسه و مرخصخانه آلمانی در طهران میداد این بود فوائد و منافی که یکی از بزرگترین و متمولترین دول اروپا از دولت مفلوک ایران مطالبه مینمود کنت کوآت در مراسله خود ایمای دقیق طنز آمیزی بخزانه دار کرده بود که «یک شخص مستر شوستر نامی» شارژدافر سفارت ایتالیا هم بزرگترین وظیفه سیاسی منحصر باین بود که اسم شخص مسن معروف ایتالیائی را که مشاق نظامی و دارای منصب جنرالی است در جزو موظفین دولت ایران نگاه بدارد در صورتیکه وجود جنرال محترم موصوف از هر گونه خدمات عاری و بیکار شده و تمام اوقات خود را به آرام گرفتن (دراز کشیدن) بر صندلی راحت صرف میکرد شارژدافر مزبور برای اینکه از رفیب و همکار دیپلوماتی خویش یعنی وزیر مختار آلمان عقب نمانده باشد در مراسله خود که بدولت ایران نوشته بکلمات ذیل اشاره کرده بود «شخص موسوم بخزانه دار»

شهرت یافت مسیو مرنارد که مستخدم و مواجب خور دولت ایران و در تحت حمایت دولت روس بود اطاعت قانون دولت را نکرده و خزانه دار کل را تسلیم نمی نماید پس از چندی محقق و معلوم شد که مسیوی موصوف به بهانه و دسائس چندی خیال سرکشی و سرپیچی از حکم مجلس را در نظر داشت ولی از ترس اینکه میباید بمجلس قرارداد شغل زر خیز آن شخص محترم را (بموجب تجدید و سفارشیکه نموده بودم) نسخ و ابطال نماید طوعاً و کرهاً محاسبات و بقیه نقود گمرکی را پیش من فرستاد از نعل و ناخیز مسیو مرنارد در فرستادن محاسبات معلوم شد که چون دفاتر گمرکی در کمال بی نظمی و بی ترتیبی بوده نمیخواستند

است که آن بی ترتیبیها فاش شود و نیز از این نساج بامور دیگر منتقل شدم که بیان و تشریحش بی فایده میباشد \*

این جنک مضطرب و پریشان کن تا اواسط ماه ژویه (اواسط رجب ۱۳۲۹) جاری بود ولی بعد از آن تاریخ مسیو مرنارد اطلاع داد که تمام صاحب منصبان بلجیکی گمرک حاضر و آماده شده که مقابل آن قانون سر تسلیم فرود آورده و اطاعت نمایند علت اصلی آن اظهار انقیاد این بود که مسیوی مشارالیه تا چندی بروات حقوق مستخدمین اجنبیه و گمرکی را صادر نموده و برای وصول بیانک می فرستاد ولی بانک بروات مزبوره را نکول کرده بود پس مجبوراً راضی شد که قانون مرا تسلیم نموده و تن در دهد \* در صورتی که تمام بانگهای مختلفه قول داده بودند که احترام قانون دولت را رعایت و منظور نموده و پرواییکه بدون امضاء خزانه دار کل باشد نکول خواهند نمود تکلیف ما بیش از این نبود که با صبر و سکون تمام منتظر وقتی باشیم که مستخدمین اجنبیه ادارات مختلفه بدون امیدواری بمساعدت و استظهار نمایندگان دلیردیپلوماتی بالطبع خودشان استدعای وصول مواجب خود را بنمایند و برخلاف رضا و چشم داشت دیپلوماتها برواتی را که بامضای خزانه دار است بیانک بفرستند \*

در خلال این حال بین خزانه داری جدید و کابینه نیز مشکلات چندی پیش آمد سپهدار رئیس الوزرا بجهت مساعدت و حمایت از سفارشات من راجع با اجرای قانون جدید مالیه خیلی بجلاکی کوشش می نمود و مکرراً اطمینان میداد که در نحو خیانت و تقلبات مساعدت نام نماید عطفات ایشان بدرجه رسیدن بود که این امر را اعتراف نمودند که اگرچه ایشان در معاملات نظام مهارت تام طبیعی داشته ولی با این حال برای تشکیل اداره جنک ترتیبیاتی لازم بود که ایشان ندانسته و خوشوقت میشدند که من در آن امور معاونت رأی بایشان کرده و ارائه طریق بنمایم این شعبه یعنی اداره جنک ما من و پناهگاه خوبی بود برای اشخاص بیکاره و بی اطلاع صرف و پست فطرتان کاهلی که مجلس بلباس جنرالی و کبیری و آجودانی بودند از همه مفسد تر و جملاً لئو دشمنان دوست نمائی که اکثر اوقات ملاقات با ایشان سر نوشت من شده بود وقتی که سپهدار نیت خود را با کمال صدق و خلوص اظهار کرد و حسن عقیده مرا در باره خود بلند و عالی تصور نمود پیوسته در انتظار و عجله بود که بداند کدام وقت لغو دولت را از بانک وصول می نماید و بی در پی توضیح و تشریح می نمود که بواسطه نفوذ و احترام

شخصی که در انتظار ایرانیان دارد می تواند تا چندی شیرازه دولت را از متلاشی شدن باز دارد یعنی تا وقتی که قدری اسباب معاونت پولی برای اعضای متهور اداره نظام فراهم و مهیا شود چهارم ژون (ششم جمادی الثانیه ۱۳۳۹) (قبل از آنیکه مجلس قانون مالیه که من نوشته بودم تصویب نماید) با مستر وود (Mr. Wood) رئیس کل بانک شاهنشاهی ایران فرار داده بودم که دو بیست و پنجاه هزار تومان برسم علی العجله بر سیل مساعده داده و جزواستقراض آئیه دوائی که مشغول مذاکره بودیم محسوب نماید ساعت هفت عصر همان روز سپهدار کالسکه خود را به پارک اتابک فرستاده و پیغام داده بود که به پارک ایشان که منزل شخصیشان بود بروم زیرا که با وزیر مالیه در انتظار من میباشند قریب بمغرب بود که به آن پارک خوش منظر با سفار رسیده و از ما بین ردیف طولانی سر بازاران و صاحب منصبانیکه دارای درجات و مراتب مختلفه بودند گذشتم قدری بالاتر رفته و بهارت کوچک بیرونی و مهمانی آن که فضای کوچکی داشت رسیدم فضای مزبور مفرش به آجر و باقالیه و میز و صندلی مزین بود وزیر مالیه را که در آنجا متفکرانه مشغول قدم رذن بود ملاقات نمودم چراغها هم روشن بود جای و سیگارت که اقل ما بقنع و کمتر لازمه بزیرائی آن مملکت است صرف شده و در انتظار ورود حضرت سپهدار بودم \*

مغرب آنجا بسیار با روح و خوش منظر بود و از بالای مهمانی کوههای برف دار که تقریباً ده دوازده میل از شهر فاصله داشت از پشت خندق بخوبی دیده می شد در دامنه و پائین آن کوهها عمارات بیلاقی سفارخانهها مثل زر گنده و قلعهک و تهریش و باغات و قطعات دیگر که عمارات و قصور بیلاقی اسراء و اعیان طهران در آنها واقع است نیز دیده می شد \*

یک مرتبه صدای فرمان صاحب منصبان نظامی با آهنگهای خشن و آواز مهممه و بهم خوردن اسلحه و سلام مستخدمینیکه مقابل عمارت ایستاده بودند بلند و از بین پلها قدم سبک تندی شنیده شد سپهدار بزرگ (اعظم) وارد و سلام سرسری بطریق نظامی واقع شد سپهدار در حالتی که آثار تفکر و تبحر از بشره اش هویدا بود در جای خود نشست قبل از آنیکه شروع به گفتگو نمایم شخص ملائی محترمی وارد شده و نزدیک سپهدار رفت و معلوم بود که توقع و خواهشی دارد بواسطه توقف زیاد ملائی مزبور وزیر اعظم یکی از صاحب منصبان را طلبیده و با تغییر تمام حکم سختی باو کرد باین

جهه ملائی بیچاره پس پس رفته و از آن محل خارج شد \*

وزیر مالیه سر و صورتش را بحالت انقباض آهسته حرکت داده و بفراسه گت «مسبو شوستو» این حضر ترامی مینید چگونزه شخص با اقتدار و نفوذی است! ملاحظه کردید که تسلطش بچه درجه می باشد! و چگونزه خواهش آن ملا را رد نمود! و محبوسیکه در باره او سفارش نموده بود فردا صبح بدارش خواهند زد!» وقتی که سپهدار بواسطه چند دقیقه گفتگوی با ما وقت قیمتی خود را صرف نمود بکرتبه بجهه تمام روی سخن را بطرف ضروریات مالیه وزارت جنگ برگردانید ایشان بزبان فارسی مکالمه می کردند زیرا که فراتسه بسیار کم میدانستند و وزیر مالیه که برای مترجمی طلبیده شده بود مطالب ایشان را ترجمه و تشریح نمود و حالت خطر «اگر بزودی پول فراهم نشود جان ما هم سلامت نخواهد بود» این اول مرتبه بود که کلمه پول را که کرارا در گفتگوی ایرانیان شنیده توانستم بفهمم ولی دفعه آخر نبود \*

من به آن حضرت جسارت نموده گفتم اولاً حالت وزارت مالیه هم که نظم و نصفیه آن را خرابه دار متقبل شده بهمین درجه خطرناک میباشند ثانیاً افلاً چه مقدار وجه لازم است که بواسطه فراهم نمودن آن بتوان موقتاً افواج را که مستعد شورش اند ساکت نمود وزیر اعظم پارچه کاغذی از جیب خود بیرون آورده و به وزیر مالیه داد که برای من بخواند وقتی که وزیر مالیه آن صورت را میخواند وزیر اعظم غرق فکر شده و چند دقیقه پائین رفت وزیر مالیه بمقتات تمام مضمون نوشته و جمع کلهش را خواند معلوم شد مبلغ جزوی بسیار ناقابل یعنی چهار صد و شش هزار تومان افلاً لازم و باید بعنوان پیشرفت کار فوراً حاضر و پرداخته شود نصف آن مبلغ هم برای تأدیه پس افت حقوق افواج موجب نگرفته نبود بلکه پیشترش بجهه فراهم نمودن فور خانه و ملبوس نظامی و ملزومات توب خانه و مخارج متفرقه و حوادث اتفاقیه بود \*

من هیچ جوابی نداده و حاشیه بر آن نیفزودم در این موقع رئیس الوزراء متفکرانه مراجعت نمود بنظرم آمد ما بینشان اشاره مبادله شده و با هم چشمکی زدند شاید هم من اشتباه کرده باشم \*

وزیر مالیه گفت «حضرت رئیس الوزراء خواهش میکنند که جواب این امر مهیم را بدهید» \*

من دست راست خود را مأیوسانه بلند کرده و گفتم جنابعالی! این مقدار غیر

ممکن است ( Cest impossible. ) \*

سپیدار از جای خود جسته و تکان سختی خورده مثل اینکه گلوله باورسیده باشد معلوم بود که کلمات فصیح ترغیب آمیز مثل شلیک نظامی بی دری از دهانش فرو میریخت وزیر مالیه که شخص خلیق دوست منشی بود رنگش زرد و متغیر گشته بمن گفت شاید اشتباه کرده باشید؟ با سعی و کوشش زیاد بزبان فرانسه از رئیس الوزرا پرسیدم که آیا طریقه و تدبیر مفیدی بنظر شما میرسد که بشود خون از سنک بیرون آورد (۱)؟ هیچ جوابی بجز اینکه وجه باید فراهم بشود نداد \*

عاقبت بعد از مدت مدیدی مذاکره بعد هزار تومان ختم شد ولی بواسطه تجربیاتی که بعد برای من حاصل شد پیوسته حس دیوانم از نادیده مبلغ مزبور مرا ملامت نموده و خیالم ناراحت بود \*

در موقع حرکت و بیرون آمدن نجوی و سرگوشی بین رئیس الوزراء و وزیر مالیه واقع شد شنیدم که رئیس الوزرا میگفت « این فرنگی مقابله و جنک سخنی میکند اما انشاء الله در موقع دیگر گرفتارش خواهیم نمود » \*

تا یازده روز بعد از آن همه روزه شرف ملاقات امیر اعظم معاون وزارت جنگ را درک می نمودم در حالتی که پیوسته در بیان و تشریح حالات مهیب شورش انگیز خونریزانه که حتی الوفوع بود از فرسجاگن نقاش معروف گوی مسابقت می ربود و نیز میگفت اگر خزانه دار کل میزان معتدل و جوی را که رئیس الوزراء بزرگ وطن پرستان طلبیده و معین نموده مهیا ننماید همه این مخاطرات بوقوع خواهد پیوست این گونه اظهارات درد ناک و خواهشهای الم انگیز را هیچ چیزی نمی توانست رد نماید مگر خزانه تیس و دل سنگین \*

یازدهم ژون ۱۹۱۱ ( هفدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ) یعنی دو روز بعد از اجراء قانون مالیه که اختیارات نامه در عایدات دولتی بخرانه دارد حضرت سپیدار در یکی از جلسات مجلس برخواست و اظهار عدم رضایت نمود از اعتراضات خود خواهانه که قانون مزبور در اجراء مقاصد سنگین رئیس الوزراء و وزیر جنگ نموده بود وقتیکه در کوششهای متهورانه خود برای تحصیل وجه بجهت اداره لشکری اثر نامهربانی و عدم مساعدت از بشره و کلا احساس نمود غضب بر او مستولی شده و متعبرانه با شوکت

(۱) این مثل ما بین امریکاییها معروف و کمايه از امر تعال امت \* مترجم

تمام از مجلس خارج و در کالسکه خود نشسته بهمراهی بکسته سوار گارد که نزدیک در مجلس انتظارش را داشتند حرکت و بکاسکی خود حکم نمود که « بفرنگستان برود » ( مرا به اروپا ببر ) کالسکه صدر اعظم بجهت تمام از دروازه شهر خارج شده و از جاده دو بیست و بیست میلی انزلی بطرف بحر خزر رهسپار شد در خلال اینحال شهرت نمود که شاهزاده سالار الدوله برادر شاه مخلوع شهر تبریز را ( که در شمال غربی ایران واقع است ) تصرف نموده و به اهالی وعده داده است که اگر او را بسلطنت شناخته و شهنشاهیش را تسلیم نمایند کلیه عواید و مالیاتهای دولتی را غیر از وجوهی که برای مصارف شخصیش لازم خواهد شد با تمام نسخ و رعایا را از نأدیه آن معاف نماید آراء و عقاید مردم در باره سپیدار مختلف شد بعضی ها میگفتند که صدر اعظم مغلوب الغضب به برادر شاه مخلوع خواهد پیوست برخی را عقیده این بود که از بحر خزر عبور نموده و بروسیه و اروپا خواهد رفت \*

یک هفته قبل از حرکت سپیدار ناصر الملک نایب السلطنه هم با جدیت تمام اطلاع داده بودند که ایران را ترک خواهند نمود بدین ملاحظه که مجلس بودجه جمع و خرج در باربان را بدون صلاحدید و استصواب ایشان تصفیه و تصویب و بسیاری از مواجبهها را تخفیف داده و کسر نموده بود هشتم ژون ۱۹۱۱ ( دهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ) والا حضرت سرا طلبیده که بمنزل شخصی ایشان بروم و مدت مدیدی مساعی و زحمات و افکار خود را که بدون شبهه تماماً صحیح بود بیان می نمودند و نیز از طرز رفتار و سلوک و کلام سخن بیان آمد من بوالا حضرت عرض نمودم که حرکت یا شهرت حرکت شما نه فقط اصلاحات تازه مالیه را منقلب و دیگرگون مینماید بلکه تمام دوائر و ادارات دولتی را نیز متزلزل و دوچار خرابی و بی نظمی خواهد نمود \*

اگر چه بمن وعده فرمودند که از خیال حرکت منصرف شوند ولی تا مدتی با و کلا مشغول همین مذاکره بودند خیال نمودم مناسبست که خیال حرکت والا حضرت را بسر جارج بار کلی وزیر مختار انگلیس بانضمام این رأی اظهار نمایم که چون والا حضرت با سر ادوارد گری وزیر خارجه انگلیس روابط دوستانه دارند و مشارالیه هم رعایت احترام ایشان را بسیار منظور مینماید خوبست تلگراف دوستانه بوالا حضرت نموده و به منع حرکتشان از طهران اصرار و تأکید نماید اگر چه بهمین خیال اقدام شد ولی گویا خود والا حضرت در این اثنا از آن خیال منصرف شدند \*

همه روز به درك خدمت ایشان نائل میشدم در صورتی که از حالت حاضره ایران خیلی ملول و افسرده و از بی استعدادی مردم عوام و اتفاق و کدورت بین تمام اعضاء دوائر دولتی مأیوس گشته بودند از یکطرف مابین کابینه و وکلای همیشه تقار و کشاکش و از طرف دیگر هم ضدیت و مخالفت سختی ما بین احزاب مختلفه سیاسی رخ نموده بود \* حرکت ناگهانی سپهدار هم بیشتر باعث اغتشاش مملکت و عدم اطمینان مردم شد سایر وزراء با او تلگرافات دوستانه مخابره می نمودند تا روز هجدهم ژون ۱۹۱۱ (بیستم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) که وارد رشت شد ظاهراً قدری غضبش تسکین یافت اگر چه تا آنوقت هم هنوز اراده رفتن خود را بفرنگستان بعنوان حفظ الصحة و برای معالجه اظهار می نمود ولی سایر وزراء مصر و مجد بودند که با باید سپهدار مراجعت نمایند و یا همه مستعفی خواهند شد \*

در این اوقات اکثر در جلسات کابینه حاضر می شدم که ایشان را از حالت نازک و خطر ناک مملکت یا گاهام که از مطالبه وجوه غیر ممکن الوصول برهیز و اجتناب نمایند حضرت امیر اعظم که در آن زمان بشغل معظم معاونت موقتی وزارت جنگ مغمور و سرافراز بود بیشتر از همه پیشگویی نموده و سبب خرابیها را تشریح میکرد امیر اعظم بدرجه در کارهای ناشایسته معروف بود که بسزای اعمالش سزاوار ماندن سالها در محبس بود من شخص امینی را معین کرده بودم که امور مالیه وزارت جنگ خصوصاً محاسبات راجعه بشخص معاون موقتی را تفتیش نماید نوزدهم ژون (بیست و یکم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) در موفقی که من هم در جلسه هیئت وزراء حاضر بودم امیر اعظم اظهار و اعلان نمود در صورتی که مبلغ ناقابل یعنی چهل و دو هزار تومان برای مواجب فشون فراهم نشود فردا شورش و بلوای عمومی افواج ساخلوی طهران شروع خواهد شد من با نهایت ادب از ایشان سوال نمودم که مثل این مبلغ را که ده روز پیش برای مواجب ماه قبل افواج داده بودم بجه محل صرف شد ؟ آنحضرت جواب داد «رفت همه با افواج مفلس گرسنه تقسیم گردید» من پرسیدم که آیا از آن مبلغ چیزی باقی نیست ؟ جواب داد که «یکقرانهم در خزانه نظام باقی نمانده» در این موقع مناسب دانستم که دفتر یادداشت بقلی خود را که آورده بودم بیرون آورده و بایشان نشان دهم که پول مواجب ماه گذشته افواج را با وجوه مصارف دیگر نظایم که جمعا هشتاد و سه هزار تومان می شد یکی از تجار داخله سپرده و در آنوقت عین آن مبلغ پیش شخص تاجر

موجود و شورش افواج را که آنصاحب منصب ذلیر نظامی پیشگویی میکرد صرف تدبیر بود \*

تاریخ و مقدار وجوه مزبوره را از یاد داشت خود خوانده و از ایشان پرسیدم که آیا اینها صحیحست؟ حضرت امیر اعظم معاون موقتی قامت شش فوت و پنج انگلی خود را با کلاه و زینش راست نموده (۱) و چشمهای شهیم خود را کشوده و مغز و رانه دستهای خود را بسینه گذارد و بحضور نگاه کرده و گفت «آیا این امر باعث هتک شرف و خلاف احترام من نیست؟» چون دید انکار او بیشتر باعث تولید شك در دل حضار می شود روی سخنرا بطرف دیگر گردانیده و آخر الامر گفت «اگر هم هشتاد و سه هزار تومان باسم من ذخیره شده باشد منکه اطلاع ندارم» این بیان آخری بیشتر دل اعضاء کابینه را مشکوک نمود بالاخره اتفاق آراء بر این شد که امیر اعظم بحاسب (مستوفی) کل وزارت جنگرا طلبیده تا از او تحقیق شود بر حسب خواهش من همه حضار اطراف مجلس نشسته تا اینکه مستوفی مزبور آمد امیر اعظم برخاسته و از مجلس بیرون رفت و بعد از مختصر صحبتیکه بجهله با مشار الیه داشت مراجعت نمود از تبسم خشمگین مسرت آمیزی (خنده قیاسوخته) که از بشره اش ظاهر شد صحت و صدق قول من بر همه اهل مجلس و برخوردش واضح و ثابت گردید وقتیکه بعد از حیرت تمام معلوم گشت که مواجب ماه گذشته افواج را نپرداخته و باین وسیله سهل و آسان که افواج در شرف گرو (شورش) بودند اجماع طبقات نظامی موقوف و ملتوی گردید \*

عصر همان روز باری ما یعنی معاونین امر بکائیم اظهار مسرت زیادی از ورود مسرت کزیر نمودند مسرت موصوف قبل از حرکت ما از واشنگنگون بسمت مدیری مالیه ایران معین شده و در آن وقت از جزیره فلی بین که در آنجا رئیس گمرک بندر آلائی لوی بوده مستقیماً بطهران آمده و معاون بزرگ من هم بود \*

بیست و سوم ژون (بیست و پنجم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) شهرت کرد که سپهدار از رشت تلگرافی بوالا حضرت نایب السلطنه نموده که اگر چند ماده قانون مالیه سیزدهم ژون اصلاح و مرمت شود (که باعث از دیاد اختیار و نفوز او در تعیین خرج و مصارف مالیات ملت گردد) مراجعت نموده و بکارهای خود مشغول خواهد گشت وقتی که وکلای مجلس این خبر را شنیدند متمسخرانه قاه قاه خندیدند \*

(۱) يك فوت دوازده اینج و سه فوت معادل با يك ذرع میباشد \*

این خبر هم شهرت نمود که ما بین مردم خصوصاً بین طبقه مستوفیانی که علاقه و ارتباط باینه ایالات داشتند برخلاف امریکائیها تشکیل انجمن و مجالس سرّی شده \*  
مقارن همین اوقات مستخدمین و اعضاء وزارتخانههای مختلفه در صدد پنهان و مستهسکی بودند که عموماً کارها را تعطیل کنند من باشاعه اعلانی بفراد ذیل مجبور شدم که هر يك از مستخدمینی که از خدمت خود کاره جوئی اختیار کرده و از شغل دولتی دست بکشد اسم او از دفتر مستخدمین تا ابد خارج خواهد شد در این موقع مسئولیت و زحمات تمام دفاتر (شعب) وزارت مالیه را بعهده خود گرفته و وزیر مالیه و معاون وی و مدیر کل و رئیس کابینه را از خود ممنون نموده و آنها را بحال خودشان وا گذارده و از هر گونه زحمات لازمه و اجراء احکام و امضاء بروات دولتی خلاص گردانیدم \*

از ابتدای تاریخ سیزدهم ژون مسیومر نارد و مسیو پا کلیوسکی کزیل وزیر مختار روس در ترغیب و تهدید بانک شاهنشاهی ایران کوشش و سعی وافی نمودند که بروات (حوالیاتی) که فقط امضاء مسیومر نارد را دارد قبول نموده و وجه آنرا به پوز دازد بزرگترین بروات مزبوره حواله سیصد و شصت هزار « روبل » (منات) بدهی دولت ایران بود (۱) که از بابت قیمت بار یکجهاز تفنگهای مستعمل « ریفل » که چند ماه قبل در زمان وزارت مالیه وزیر ماهر جری یعنی سپهدار برای دولت ایران خرید و قرار شده بود که این اسلحه در ایران بداره جنگ تحویل و سپرده شود (۲) ولی تا آزمان بانزلی هم نرسیده بود قیمتی که برای اسلحه مزبوره معین شده سه مقابل قیمت معمولی بازار اروپا بود مناسب که توضیح این اختلاف قیمت از دولت روس و سپهدار سؤال شود \*

نایب رئیس بانک شاهنشاهی انکار نموده و جواب داد که مخالفت قانون مجلس بعینج قسم برای او امکان نخواهد داشت چون به رئیس بانک سپرده بودم که بوزیر مختار روس بگویم که بمجرد ورود و تحویل اسلحه مزبوره تمام بول داده خواهد شد وزیر مختار روس و مسیومر نارد هر دو مجبور شدند که در مخالفت خود اصرار و مبالغه نمایند \*

تا آن وقت مسیومر نارد را ملاقات نکرده بودم بیست و نهم ژون (دوم رجب ۱۳۳۹)

(۱) « روبل » (منات) معادل با بیج قران و نیم تا شش قران و یک رویه و نه آنه

تا دوازده آنه کورنمنت باختلاف اوقات می باشد \*

(۲) « ریفل » تفنگهای خان دار است \*

کابینه برای ختم و اتمام این مسئله حکمی به مسیومر نارد نوشت که باید قانون سیزدهم ژون را (که تا آن زمان اطاعت نکرده بود) بعهده شناخته و متابعت نماید من رفعه به محشتم السلطنه وزیر مالیه و معاون رئیس الوزرا نوشتم که دیگر نمی توانم به بینم کار بانفعال باقی باشد اگر برای قبول و اطاعت نمودن مسیومر نارد تفوذ و اقتدار مجلس و قانونش را اقدامات فوری نشود مجبور خواهم بود که مستقیماً بمجلس راهبورت نمایم \*

دوم ژویه ۱۹۱۰ (بفجم رجب ۱۳۳۹) کابینه « مستعفی شد » ولی زود ملتفت شدم که علت غائی و غرض اصلی اعضاء کابینه از این استعفا تعطیل و التوائی جریان امور بود و مایل بودند که امور کابینه موافق دخواه خودشان باقی بماند « استعفا » کابینه در ایران صرف لفظ است و حقیقت صحیحی ندارد فقط دلالت بر این امر میکند که چند نفر از اعضاء کابینه از امری رنجیده و مکدر شده اند \*

در این موقع وزیر مختار انگلیس اظهار کرد که من در این مناقشه با مسیومر نارد شریکی نداشته و این تشکیل و اختیارات راجعه بامور مالیه که در تنقید و اجرائش کوشش می نمائید موافق میل و دخواه منست \*

ولی قشون بلجیکی گمرک تهدید میکنند که اگر بنا شود در تحت تفوذ و اقتدار خزانه دار کل در آیند در آن واحد همه مستعفی خواهد شد این تهدید بلجیکیها و رنجش و تهدیدات دولت روس کابینه دولت ایرانرا بسیار متزلزل و پریشان نمود علاوه بر این چند نفر از اعضاء کابینه که بطور یقین محشتم السلطنه وزیر خارجه و معاون رئیس الوزرا هم جزو ایشان بوده بواسطه تهدیدات یا چون از تغییر و تصرف در طریق سابقه مالیه چندان خوش نبودند بقسمی پریشان و مشوش خاطر شده که تغییری در مسلکشان (که در امور مالیه بکار می بردند) راه نمی یافت این صاحب منصب محترم کابینه چهارده هزار تومان برای حقوق خدمات دوره سابقه اش که موجب نگرفته مطالبه می نمود که چند سال قبل یکی از اعضاء کمسیون تصفیه سرحد بندی ایران و عثمانی بوده است خلاصه کتری از ایرانیان بودند که چندی بخدمات دولتی مأمور شده و مطالبه حقوق خدمات ماضیه خود را نمایند زیرا که ملت حق ناشناس قدرمدان قدر خدمات و زحمات ایشانرا نشناخته و حقوقشان را نبرداخته بلکه اقلاً تشکری هم از ایشان نموده است \*

آخر الامر هشتم ژویه (یازدهم رجب ۱۳۳۹) از مجلس هیئت وزرا حکمی صادر

شد که مسیو مرنارد باید خود را حاضر نموده و صراحتاً بگوید که آیا برای اطاعت و تمکین از قانون سیزدهم ژون که نفوذ و اقتدار خزانه دار کل را بر تمام شعب مالیه و گمرک اعلان میکند ( یعنی قانونیکه مفادش اقتدار خزانه دار است در تمام دوائر مالیه و گمرک ) آماده است ؟ مسیو مرنارد ساعت ده صبح حاضر شد بعد از گفتگوی بسیار شرحی از خدمات مأمورین بلجیکی گمرک و مشکلات عارضه بفرانسه بیان نمود و گفت « هرگونه تغییری در طریقه حاضره باعث پیشرفت امور گمرکی او خواهد بود و اظهار کرد که حقیقتاً ما خود مان هم هیچ وقت غرضی غیر از متابعت قانون نداشته ایم » معاون رئیس الوزراء بن گفت « آیا شما هم میل دارید گفتگوئی بکنید ؟ » جواب دادم که بجهت این کار لغو بیجا بیعت وزراء نیامده که از کسی برسم آبا مستخدم دولتی قانون آندولت را اطاعت میکند؟ ولی در صورتیکه چنانچه همه شنیدید خود مسیو مرنارد برای اطاعت و تسلیم قانون حاضر است دیگر احتیاج باین مذاکرات نخواهد بود بجز اینکه مشارالیه قانون را اطاعت نماید مسیوی موصوف فوراً با حسن خلقتی تمام بطرف من توجه و شروع به تشریح حالت حاضره امور گمرکی و طریقه مداخله و تصرف در وجوه عایدی آن کرد من خیلی میل داشتم با مشارالیه در آن باب گفتگو نمایم و عده نمود که صورت تمام پولهای ذخیره شده دولتی را که بیانگهای مختلفه سرده برای من خواهد فرستاد و تمام وظائف و تکالیفی را که از طرف اداره خزانه برایش معین و نوشته شده با سر و جان قبول خواهد داشت \*

در این موقع با ماژور استوکس ( Major Stokes ) « میلیتر آتسه » ( مأمور نظامی ) دولت انگلیس ملاقات کرده و معرفی شدم دوره خدمت چهار ساله مأموریت نظامیش در ایران فریب الاختتام بود بسیاری از مردم مرا از معاشرت با ماژور موصوف منع نموده و آگاهانیدند که مشارالیه جاسوس دولتی روس و انگلیس و دشمن صحتی برای پیشرفت خیالات عالیه ملت ایران میباشد ماژور استوکس صاحب منصب فوج هندی انگلیس بود و زبان فارسی را می توانست بسهولة تمام بخواند و بنویسد و گفتگو نماید و چند مرتبه هم در داخله ایران مسافرت کرده و از عادات و اخلاق مردم ایران و نیز از عناصر بلجیکی مختلفه ولایات بصیرت و اطلاع کاملی داشت چون از مدت مدیدی بود که در صدد تشکیل یکدسته ژاندارمه مخصوصی بودم که مستقیماً در تحت اطاعت او آمر من بوده و مأمورین خزانه را در وصول اقسام عایدات مختلفه مالیه عالمک محروسه معاونت نمایند زیرا که ژاندارمهای موجوده دولت ایران همان قسمی که

دولت را در وصول مالیات امداد می نمودند همین قسم هم در خارج از طهران در صدد حیف و میل و تقربط مالیه بودند و علاوه بر این آنها هم مثل سایر طبقات افواج منظم ایران موهومی و فرضی و در تحت نظارت و سرپرستی وزارت داخله ایران منتها در تحت فرمان صاحب منصبان نظامی طهران بوده و با کسانی که شایق و راجع بودند که بنیاد مالیات مملکت را بر اساس رزین و محکی قرار دهند هیچ علاقه و ارتباطی نداشتند پس خیلی لازم بود که دولت برای وصول مالیات در امرکته و نقاط خارج از پایتخت در چهار نقطه مهم بررک مثل تبریز و قزوین و اصفهان و شیراز دسته افواج منظمی بطرز جدید تشکیل دهد من مناسب دانستم یک دسته موسوم بژاندار مری خزانه تأسیس نمایم که در تحت فرمان خزانه دار بوده و جزء لا ینفک اداره مرکزی خزانه باشند امید بود که باین رویه در ظرف مدت یکسال چند هزار قشون منظمی فراهم و برور ایام در ظرف چند سال این هیئت نظامی از ده بدوازده هزار و بیشتر رسیده و باین تدبیر وصول و جمع آوری تمام مالیاتهای دولتی سهل و آسان گشته و دولت بدانند چه مقدار وجه را باید وصول نماید و رعایا هم تکلیف فرضی مالیاتی خودشان را بدانند که چه مبلغ باید بدهند دهاقین و فلاچین اهالی ریجیر و کسبه و ملاکین جزه هیچگونه فرد و سرکشی از تأدیبه مالیات متعلقه بخود نداشتند لکن حالات و پیش آمدهای عجیب و مخصوص آن مملکت مقتضی بود که قبل از آنکه دولت بمطالبه و دیانت مأمورین مالیه قانع و مطمئن شود قوای لازمه خود را برای وصول مالیه جلوه دهد بعد از گفتگوی بسیار با ماژور استوکس یقین نمودم که مشارالیه بر حسب قاعده برای تعلیم و تربیت افسران و تا بینهای ژاندار مری خزانه بهتر و مناسبتر از سایرین میباشد و نیز مطلع شدم که مشارالیه مایل برفتن از ایران نیست زیرا که برای مستقبل ایران و زندگی جدیدش ذوق ساده خالصی داشت بدون رسمیت بطور ساده از او خواهش نمودم که ریاست ژاندار مری آینده خزانه را در تحت نگرانی و سرپرستی من قبول نماید بعد از آن مکتوبی بسر جارج بار کلی وزیر مختار انگلیس نوشتم که چنانچه سابقاً اظهار کرده بودم بسیار خوشوقت و مایلیم که پس از اختتام مدت خدمت میلیتر آتسه گی ماژور استوکس را بوسایل ( عناوین ) ممکنه برای تشکیل فوج ژاندار مری خزانه بکار دارم بعد از قدری مراسله و مکاتبه با سفارت بیست و دوم ژوئیه ۱۹۱۱ ( بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹ ) وزیر مختار انگلیس کتباً اطلاع داد که بر حسب امر دول متبوعه اش « بر ماژور موصوف لازمست قبل از آنکه شغل

ریاست ژاندارمری خزانه را قبول کند از خدمت نظامی دولت هند انگلیس خود مستعفی شود. چون در مذاکرات اولیه و قرارداد اصلیه اش هیچ اشاره باین نکته نشده بود که برای خدمت ژاندارمری خزانه باید اول از خدمت و منصبی که در فوج هندی انگلیس دارد استعفا نماید و چون ملازمت مشارالیه باین قسم (یعنی با داشتن خدمت نظامی هندی) آنهم سه ساله در انتظار ایرانهائیان غیر مطبوع واقع می شد بقین نمودم که چنانچه بر حسب اظهار دولت متبوعه اش مستعفی شود استعفای او قبول خواهد شد مازور مشارالیه تلگرافاً مستعفی شد دو هفته بعد که ما گمان میکردیم عملاً و معنای این معامله تصفیه یافته بسیار متعجب شدم که هشتم اوت (دوازدهم شعبان ۱۳۲۹) سفارت انگلیس صراحتاً بدولت ایران اطلاع داد که «اصرار در مستخدمی مازور استوکس در صورتی قبول خواهد شد که در نقاط شمالی ایران مأمور نشود» و باین اطلاع حیرت انگیز فقره دیگری هم ضمیمه شده بود که «اگر دولت ایران برخلاف این صورت اصرار کند دولت انگلیس حقوق و دعاوی دولت روس را در باب اقداماتی که برای محافظت منافع (موهومه) خود در شمال ایران مناسب دانسته قبول و تسلیم خواهد نمود»

نوزدهم اوت (بیست و سوم شعبان ۱۳۲۹) «لوتیس» (اعلان) دیگری فرستاده شد که تهدید و تشویه هشتم (یعنی روز قبل) را تجدید و تأکید مینمود \*

دولت انگلیس در موقعی که برای مستخدمی سه ساله يك نفر از رعایایش آنهم در یکی از شعب یکی از دوائر دولتی ایران اظهار شده بود با کمال صحت و استقرار مشاعر غیر رسماً رضایت خود را اظهار نمود مشروط و معلق باین شرط که باید مشارالیه از خدمت سابقه فوج هندی انگلیس مستعفی شود ولی پس از وقوع مذاکرات مزبوره با کمال صداقت و بدون اینکه در مواقع قانونی دولتهن اختلافی ظاهر شود و با ملاحظه تقصاتی وارد آمد دفعه از گفته خود تخاصی و امتناع ورزیده و وعده خود را بکلی فراموش نمود دولت انگلیس نه فقط از وعده و قرارداد اولیه خود استنکاف نموده بلکه با کمال اطمینان قلب و طیب خاطر با دولت اجنبی دیگری در این امر شرکت نمود که دولت ایران را تهدید و تخویف نماید که از حفظ حقوق حقه شاهنشاهی و استقلال خود صرف نظر نماید \*

غرض من از انتخاب مازور استوکس نه باین ملاحظه بود که مشارالیه رعیت انگلیس است بلکه برعکس نکته را که بکلی در نظر نداشتم همین مسئله بود فقط مقصود اصلی من این بود که در آن امر معظمی که در نظر داشتم مشارالیه لایق و سزاوارتر از سایر

کسانی بود که برای انجام آن خدمت حاضر شده بودند و نیز در تسریع و تکمیل نظم جدید امور مالیه ایران اهمیت نامی داشت این ژاندارمری خزانه که ما در صد تشکیل آن بودیم نه فقط برای نمایش «فرم» لباس بلکه جزء لازم و مهم نظم امور مالیه بود زیرا که بدون داشتن افواج مشق آموخته ماهر کامل السلاح بجهت معاونت مأمورین مالیه و ابقاء نظم و انتظام شایسته سزاواری در ولایات و اقطار بعیده هیچگونه امید وصول مالیاتی نبود برای من بخوبی امکان داشت از آشنایان خود که از صاحب منصبان «پاش» شده و موظف افواج ممالک انازونی امریکا بودند جناب و مستخدم نمایم و هر کاری که میخواستم می توانستم با ایشان رجوع نمایم ولی مازور استوکس نمیتوانست بخوبی از عهده این امر بر آید و تجربیات و لیاقتها بیارادار بود که اشخاص دیگر دارا نبوده و از عهده بیرون نمی آمدند اگر چه بهر درجه هم هوشیار و زبرک بوده باشند باین مناسبت خیال استخدام مشارالیه را داشتم تا امروز هم مطلقاً نتوانستم انکشاف نمایم که در شمال ایران چه فوائد غیر معینه بود که دولتهن انگلیس و روس محافظت آن اصرار داشتند بروضیح و آشکار است که انگلیس و روس تشریح و توضیحی از منافع خود در معاهده ۱۹۰۷ نه نموده و دولت ایران هم از آن اطلاعی نداشت حتی خود دولت انگلیس هم تا بیست و دوم ژویه ۱۹۱۱ (بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹) از آن منافع مطلع نبوده و الا چگونه می شد دولت انگلیس استعفای مازور استوکس را از ملازمت فوج هندی قبول نماید تا مشارالیه بتواند معاهده و قرارداد خود را امضاء نموده و من هم شغل ریاست ژاندارمری فوج خزانه را باو بسپارم \*

این مسئله را هم بجهت تکمیل تاریخ باید ذکر نمود نوزدهم اوت ۱۹۱۱ (بیست و سوم شعبان ۱۳۲۹) سفارت روس یادداشتی مطابق شرح ذیل بوزارت خارجه ایران نوشت \*

«بواسطه حال و موامعیکه از چندی قبل برای دولت امپراطوری روس واضح و مسلم شده مأموریت مازور استوکس را بر ریاست فوج مسلحی که موسوم به ژاندارمری و برای وصول مالیات است با منافع خود مناسب نمی داند من مأمورم که نسبت باین انتخاب «پروتست» نمایم که اگر دولت ایران باین اظهار اعتنا ننماید دولت امپراطوری روس حق خواهد داشت که در شمال ایران مسلک و تدابیری که بنظر خود برای محافظت حقوق خویش لازم بداند اختیار کند \*

همین که از اولین مراسله سفارت انگلیس بدولت ایران اطلاع یافتیم خیالات خود

را بر حسب تفصیل ذیل کتباً بوزیر مختار انگلیس اظهار داشتم \*

من اجازه میخواهم که در این امر مهم بدون رسمیت کتباً اطلاع دهم از مضمون انتباه نامه که از طرف دولت متبوعه شما بوزیر خارجه ایران امروز عصر رسیده بسیار متعجب گردیدم که مفاد آن برخلاف انتخاب مازور استوکس به سمت مستخدمی خزانه بود بعین دارم که تا کنون از حقیقت مجاری این مقدمه کاملاً مستحضر شده اند و لازم باظهار و تکرار نخواهد بود نظر بمفاد مراسله که حسب الامر دولت متبوعه خود در بیست و دوم ژوئیه گذشته بن نوشته بودند بدین مضمون که مازور استوکس در صورتی می تواند این خدمت را قبول نماید که از خدمت فوج هندوستانش استعفا نماید علت اختلاف بین و آشکاری که از این مراسله امروزه ظاهر می شود تصور و تعقل نمی توان نمود \*

دولت شما از شرکت آبی و بی مقدمه خود با دولت دیگر برای منع دولت ایران از مراعات حقوق مسلمه خود می تواند موقعبراً که در انظار اهالی ایران برای من حاصل شده بخوبی تصور و مقایسه نماید در صورتیکه خود آندو دولت با کمال احترام حفظ آزادی و استقلال دولت ایران را متفقاً و منفرداً اعتراف و تصدیق (ضمانت) نموده اند \* خیالات و احساسات شخصی من چندان اهمیتی ندارد ولی موفق شدن یا نا کامیابی من در این شغل مهم برای خود ایرانیان که امور مالیاتی خود را بدست من سپرده اند و هم در انظار هموطنانم بسیار اهمیت خواهد داشت که طبعاً دلچسپی و میل مغربی بموفق شدنم اظهار می نمایند \*

قبل از آنیکه این شغل را قبول کنم یقین قطعی صریح داشتم که هیچ يك از دولتین معظمین که در این مملکت منافع و اغراض مخصوصه دارند اعتراضی به قبول من نخواهند داشت و بی شبهه همچو اظهاری (اگر هم میکردند) بکلی بی معنی و بی اصل نبوده \*

من مطمئنم که هیچ کس بهتر از خود شما از این امر مطلع نخواهد بود که انتخاب مازور استوکس ابتدا تعلق بمقاصد پلتیکی نداشته و هیچگونه غرضی در بین نمیباشد و هیچ شخص عاقل مال اندیشی نسبت بین گان نخواهد کرد که بوسیله خدمه های پلتیکی او آده نفوذ در امور این مملکت داشته باشم زیرا که در انظار مردم همچو آور آده مرا تمسخر نموده و نتیجه اش خلل و فساد کلی در امور من خواهد بود \*

در اینصورت این را حمل بچه میتوان کرد وقتی اولین قدمیکه که در این امر مهم

برای نظم و اصلاح این بریشانی و بی نظمیها بر میدارم می بینم آندو دولتی که کراراً « برای ترقی و ترفیه حال این مملکت و اهالی ستمدیده اش که من میخواهم خدمتی بایشان نمایم اظهار خواهش صادقانه نموده اند هاندو دولت ممانعت و مخالفت از وعده های خود مینمایند \*

آیا وزارت خارجه شما بخوبی میتواند تصور نماید درجه و میزان مخالفتی را که در این معامله اختیار نموده و از این سبک و مسلک بسیار جدید که فقط برای نا کامیابی من اختیار شده در اذهان ایرانیان چه می نشیند علاوه بر این مجبور میباشم که در این امر مهم از هر گونه معاونت دوستانه اخلاقی دولت شما مأیوس شده و متوقع هیچ قسم همراهی نباشم \*

اگر در این مملکت هم مانند سایر ممالک متحدنه سرد مان عالم تربیت شده تجربه آموخته قابل بسیار می بود نتیجه این اعتراض شما اگر چه اصولش صحیح نیست ولی چندان بد نبود و لکن چنانچه خود شما میدانید در این مملکت که اشخاص کار دان کیاب و نادر است اختیار این مسلک ماحی مساعی و مواقع کامیابی من میباشد \*

امیدوار و مطمئن میباشم که دولت متبوعه شما بوضعی در این امر رفتار نموده و مسئله فوق را باین نظر ملاحظه نماید قطع نظر از اینکه صراحة بگویم اینگونه مداخلات در معاملات داخلی ایران و امور معموله مالیه اش که من برای نظم و اصلاح آن کوشش میکنم بکلی مداخله غیر مطلوبه است \*

احساس میکنم مجبوریت این امر را که بواسطه مکاتبات عمومی و توضیحات رسمی راجع باین معاملات از بدو ورودم بطهران هموطنان عزیز خود را کاملاً مطلع گردانم مناسب نیست که اظهار ناسف از اینگونه اقدامات نمایم ولی بین دول و افراد مردم معاملات منصفانه هم وجود خارجی داشته و معمول به میباشد در این معامله احساس مینمایم که بی شبهه تجربیات خود بدرجه کافی و ظاهر است که بهیچ قسم سزاوار تجربه و آزمایش نیست \*

از مشاهده این حالات واضح و آشکار میشود که معاهده ۱۹۰۷ از حیث عبارت علاقه و ارتباطی باستخدام مازور استوکس در معاونت خزانه دار نداشته مگر اینکه حقیقه تیاتر مسخره آمیز مردم فریبی باشد \*

زیرا که اولاً در تمهید معاهده مزبوره چنانچه روز نامه ورلد (World) منطبعه

لندن نگاشته و تصدیق میکند که دولتین روس و انگلیس متفقاً احترام استقلال و آزادی شهنشاهی ایران را معاهده میکنند و خواهشهای صادفانه امضاء کنندگان را که روس و انگلیس باشند برای حفظ و بقاء نظم در تمام مملکت و تکمیل سراتب دوستی و صلح طلبی اظهار میکنند آیا یکی از اصول استقلال و شهنشاهی این نیست که اگر بخواند امور داخلی خود را مطابق قانون بین المللی نظم دهد حق داشته باشد که افسران بیگانه و خودی را در مملکت خود مقرر کند؟ آیا این حق را از این حدود خارج میتوان تصور نمود؟ و آیا باعث سلب اقتدار امپراطوریش در آن ملک نخواهد بود؟ ثانیاً مفاد ساده آن عهدنامه این است که هیچیک از آندو دولت امضا کننده نباید امتیاز پستیکی یا تجارتی، مثل امتیاز راه آهن و بانک و الکراف و شوارع و حمل و نقل (شوسه) و بیمه و غیره برای خود یا بحایت رعایای خود در منطقه نفوذ دولت دیگر بخواند ولی این معامله معامله امتیازی نبود و مازور استوکس هم نه عنوان بانک داشت و نه امتیاز راه آهنهای پستیکی یا تجارتی و قبول نمودن مشارالیه بخوشی خود و طیب خاطر خدمت دولت ایران را هم تعبیر و تفسیر بخوانش یا حمایت دولت انگلیس نمیتوان نمود \*

مغالطه دوم آن بود دولت این بود که خود وزارت خارجه انگلیس هیچگاه تقرر مازور استوکس را تا وقتی که روسها او را باین خیال متوجه ساختند مخالف با اصول عهد نامه خود تصور نکرد شهادت صحت و واقعیت این امر همان است که فوق ذکر شد \* دولت ایران می توانست بقبولی اظهار نماید در صورتی که عبارت آن عهد نامه علاوه بر مفادش صاف و واضح می باشد مفهوم آن محتاج به تفسیر نخواهد بود \*

معامله و رفتار بیکه دولت انگلیس نسبت بدولت ایران و خزانه دارش نمود اگر بین مردم واقع می شد دور از صداقت و دیانت بشمار میرفت سر ادوارد گری وزیر خارجه انگلیس چند مرتبه کوشش نمود که مسلك خود را توضیح نماید که اجازه دادن بدولت ایران در خصوص استخدام مازور استوکس مبادا مخالف با مفاد یا مقصد عهدنامه ۱۹۰۷ انگلیس و روس باشد از استعمال کلمه مفاد یا مقصد صراحتاً ثابت میشود که در عبارات عهد نامه مزبوره کلمه نبوده که مستلزم این تعبیر بوده باشد علاوه بر این آیا این سوال سزاوار نخواهد بود که اگر استخدام مازور استوکس منافی با آن عهد نامه بود چرا وزارت خارجه انگلیس این نفاضت و منافات را در ابتداء این معامله تصور نمود؟ آیا وزارت خارجه انگلیس چگونه این معامله را مشروط باستعفاء مازور موصوف

از خدمت نظامی فوج هند قبول نمود حقیقت واقع این است که چون روز نامه های نیم رسمی روس خصوصاً نوپور میا در خصوص تقرر مازور مزبور بنای هیاهو و داد و فزاید را گذارده در صورتی که بدون شبهه آن آوازه ها با اشاره وزارت خارجه سنت بطرسبرگ بلند شده بود خصوصاً که در اروپا در آنوقت کشمکش مسئله مراکو در میان بوده و خیلی شدت داشت سر ادوارد گری ظاهراً خود را مجبور یافت که بهانه اتخاذ و اختیار کند که بتواند از وعده خود درباره اجازه دادن ملازمت مازور استوکس طفره بزند باین احتمال که مبادا مرتکب امری شده باشد که باعث رنجش دولت روس شود زیرا که بی شبهه در صورت وقوع پیش آمده های ناگوار با آلمان مشارالیه توقع حمایت از دولت روس داشت در این موقع بود که مفاد و مفهوم عجیب و نوظهور آن عهد نامه کشف شد که دولتین متعاهدین بتوانند بدان وسیله اصلاحاتی را که دولت ایران در نظر دارد تعبیر بسلب منافع از خود در آورده خود بنمایند در صورتیکه قطعاً بیان و تشریح آن منافع در عهد نامه نشده بود \*

روز یکشنبه نهم ژوئیه (دوازدهم رجب ۱۳۲۹) سپهدار بی سر و صدا وارد طهران شده و در خانه خود نشست و در را بروی اغیار بسته و بیخ چند نفر از دوستان صمیمی محترم خود از مردم رو پنهان نمود شهرت یافت که مقصود او این بود که اقدام سختی بر خلاف مجلس و خزانه دار نماید سپهدار اظهار کرد تمام حقوق و اقتداراتی را که در سنه ۱۹۰۹ بزور شمشیر سه سالاری افواج ملی تحصیل نموده خزانه دار کل آنها را سلب کرده است در خلال انفعال شاهزاده سالار الدوله برادر شاه مخلوع از قسمت آسیای عثمانی از حوالی بغداد داخل ایران گردیده و عشایر اکراد را دور خود جمع می نمود که حمله دیگر برای استقرار خود به سلطنت ایران بنماید افواج دولتی در حدود همدان کلیه تاب مقاومت نیاورده و در آن موقع کار بقسمی خطرناک شد که مجبور شدم که بوالا حضرت نایب السلطنه اظهار نمایم که اگر تدارک کافی برای جلوگیری از آن حرکت راه زنانه دیده نشود منتهج به نتائج وخیمه خواهد شد \*

چون مسبو مرناورد تا اول ژوئیه (چهارم رجب ۱۳۲۹) وعده خود را وفا ننموده و بقایای وجوه فاضله گمرگیرا که بیانک سپرده بود بن رد نکرد مراسله بجل بیلابیش که در خارج طهران واقع بود نوشته و تلفونی نیز نمودم که اگر تا ساعت چهار بعد از ظهر همان روز بقایای وجوه تقدی گمرکی را با ستم من منتقل نمایند مجبور خواهم شد

که انکار او را ب مجلس را بورت کرده و سلوک و رفتارش را برخلاف وعده حمل گم قدری بعد از تلفون و قبل از آنکه مکتوبی که بتوسط یکنفر سواره ژاندارمه فرستاده بودم باو برسد تلفون کرد که وجوه گمریکه در بانک است بوجب همین صورت تلفون دریافت نموده و بقضه تصرف خود بگیریید \*

سیزدهم ژویه ( شانزدهم رجب ۱۳۲۹ ) با احتمال اینکه مبدا بانک استراضی روس اقدامات خزانه دار را مسلم نداشته و مبلغ معتدبه عایدات گمرکی را که در تصرف خود دارد تحویل نماید و از این رو تأدیة قسط فرض روس و سود آن بعهده تأخیر افتد مسیودایه متنوپولس ( M. Deamantopoulos ) رئیس موقتی بانک را ملاقات کردم معلوم شد آن انتقال وجوه در دفاتر بانک هم ثبت شده و از آن مبلغ قسط طلب خود را برداشته و باقی را بر حسب قرارداد سابق باسم خزانه دار کل بجمع دولت آورده بود \*

تا آن زمان مجلس بیشتری از پیشنهاد های مرا تصویب نموده بود خصوصاً استخدام جمع کثیری امریکائی برای معاونت در امور خزانه مطابق معاهده که بعد از آن تاریخ قرارداد می شد من سعی و کوشش میکردم که اشخاص درستی را برای این کار انتخاب و جلب نمایم چند روز بعد مراسلات متعدده از سفارت انگلیس رسیده و استفسار از رضایت من در خصوص استخدام یکنفر صاحب منصب سویدی برای ریاست ژاندارمری خزانه و با استخدام مائور استوکس فقط در منطقه جنوبی ایران شده بود قبول هیچیک از آن دورای چندان قیمت صحیحی نداشته و بحال خزانه نافع نبود زیرا که اولاً صاحب منصب سویدی نه از زبان مملکت واقف بوده و نه از جغرافیای آن ثانیاً قبول شق ثانی بکلی منافی با امتناع دولت ایران از شناختن تقسیم مملکت بمنطقه های نفوذ بود بدون شبهه یکی از اشکالات بزرگ که مانع از کوشش و پیشرفت های من شده بود همان پیروی و اطاعت حکم مجلس بود که بوجب آن این قرارداد مائور استوکس را مشروط بدین شرط قبول نمایم و اگر بهمان قسمی که دولت انگلیس خواهش کرده اقدام بدان امر مینمودم یعنی بمأموریت استوکس فقط در منطقه جنوبی راضی می شدم خوف این میرفت که رسماً منطقه های نفوذ مفروضه را که دولتین روس و انگلیس سعی می کردند که دولت ایران را مجبور بقبول آن گردانند اعتراف و قبول کرده باشم \*

هفدهم ژویه ( بیستم رجب ۱۳۲۹ ) مراسله را دیدم که وزیر مختار انگلیس مقیم

طهران یکی از صاحب منصبان دیگر دیپلماتی ایران نوشته و متضمن مضمون تلگرافی بود که وزارت خارجه انگلیس طهران بخابره نموده بود که در معاملات راجعه به عایدات گمرکی با دولت روس موافقت نماید و از مجرای موثقی اطلاع حاصل نمودم که سرادوار گری مکتوبی بوزیر مختار انگلیس نوشته که موقع و حالات عمومی اروپا ( مسئله مراکش ) بنوعی واقعه شده که خود را مجبور به آن اقدام دیده بود شنیدم که سفیر انگلیس از مراسله مزبوره خیلی پریشان شده و خود را مجبور دید که مضمون آن نوشته را بسفیر دیگری ( یعنی وزیر مختار روس اطلاع دهد ) \*

هیجدهم ژویه ( بیست و یکم رجب ۱۳۲۹ ) در موقعیکه به تحصیل اطلاع از منبع و مأخذ های مالیات دولتی شروع نموده بودم دفعه یک پیچیدگی جدید پربشان کنی نمودار گشت دیری از شب گذشته بود تلگرافی بن رسید که در همان روز محمد علی با چند تن از متابعینش که در ادما تحت حمایت و نگرانی روسها بوده از قمش تبه که نزدیک بسرحد روسیه و در ساحل بحر خزر واقع است وارد ایران گردیده (۱) این خبر ناگهانی

(۱) وقایع نگار تمس و رود محمد علی میرزا را تاریخ هیجدهم ژویه ( بیست و یکم رجب ۱۳۲۹ ) چنین می نگارد: «محمد علی شاه مخلوع یا شش نفر از همراهانش به قمش تبه فرود آمده است و منجمله از همراهان او برادرش شعاع السلطنه و آن شخص معروف بامیر بهادر جنک میباشد احتمال میرود که تا روز پنجشنبه بجانب استرآباد که حاکم ندارد رهسپار شود از وقتیکه شاه مخلوع علی الظاهر بعزم وینه و کارلز باو حرکت نموده در این جا افواهاات بی دری شیوع یافته که بهمین نزدیکی مراجعت با ایران خواهد نمود \*

دولت ایران توجه دولت روس را بجانب این امر منعطف نموده و هم ورود ارشدالدوله «آگنت» (وکیل) شاه را که در این اوقات چنانچه شهرت دارد با تذکره جعلی و مقدار زیادی نفتک و نفتک از باد کویه عبور کرده بدولت روس اظهار داشته اند دولت روس از دادن هر قسم کمک و معاونت دولت ایران انکار و امتناع نموده ارشدالدوله هم بخودد ترکمانیه رهسپار شده \*

منجاوز از یک سال است آنتریک و سازش شاه مخلوع با آنرا که جاری میباشد دولت روس بواسطه «پروتوگال» (صورت مجلس ۱۹۰۹) با دولت ایران راجع به تأدیة قسط سه ماهه محمد علی مجبور و ملزم شده که از آن آنتریکها ممانعت نماید و فرار شد که در صورت وقوع چنین امری ( یعنی مداخله شاه مخلوع در امور ایران و سازش با ایالات

مثل شهاب ثاقبی بود که مؤمن حیرت و استعجاب فوق العاده گردید زیرا از وقتی که سالار الدوله برادر شاه مخلوع از طرف حدود غربی وارد ایران شده و شهرهای بی اصل و رود محمد علی از حد تجاوز نموده بود اهل طهران تصور و باور نمی کردند که دولت روس همچو جرأتی بنماید که با معاهده محکمی که دو سال قبل با دولت انگلیس و ایران نموده علناً تقاضت و مخالفت کند \*

وظیفه وی توفیق و بکلی قطع شود با این حال شاه مخلوع با کشتی روسی وارد ایران شده و شبوع کامل دارد که حرکات او در روسیه از ماورین دولتی آنجا مخفی نبوده است \* در دوائر روسی آنجا علناً از مراجعت شاه مخلوع اظهار مسرت نموده و ورود او را با کمال اطمینان اظهار میدارند \*

علی الظاهر همچو پنداشته اند که اهالی ایران از مجلس بکلی متغیر و بیزار شده و گماشتگان و پوکلاء شاه حمایت شاه سوندها و ترا که ترا برای خود تحصیل نموده اند و برادرش سالار الدوله از کردستان بجمایت او برخوانسته و سپهدار هم در طهران از عود تریبیات استبداد بی میل نمی باشد و مسافرت جدید برشت نیز شاهد اثبات همین مدعا است از این خیالات معلوم میشود که ایشان از این اتحاد حیرت انگیزی که مجلس و مطابع بواسطه استقامت رایحه این خطر بتازکی اظهار داشته غفلت نموده اند و در وفاداری و صداقت هزار و دو بیست نفر بختیاری که در طهران می باشند نسبت ب مجلس نیز شکمی نیست اگر این امر دوامی پیدا کرده و کار به همین پایه بنماید احتمال می رود که شاه مخلوع مقصود خود نائل شود علاوه دو چار صعوبت و مشکلات بسیار خواهد شد و تخطی ترا که و شاه سوندها نیز از نقاط مسکونی خود مشکل بنظری آید: و علاوه بر این معلوم نیست کمک پولی از کجا ب محمد علی و اتبا عش خواهد رسید \*

— «باب چهارم» —

اقدام و کوشش محمد علی میرزا شاه مخلوع برای استرداد و بدست آوردن سلطنت ایران آتاریک و سازشها و اغراض روس اقدامات نظامی بر خلاف شاه مخلوع و برادرانش فتوحات و کامیابی افواج ملی مغلوب و مقتول شدن ارشد الدوله \* سابقاً راجع بر ورود محمد علی در قمش تپه ذکر شد که تا پنجشنبه (یعنی دو روز بعد) وارد استر آباد خواهد گردید \*

نوزدهم ژوئیه ۱۹۱۱ (بیست و دوم رجب ۱۳۲۹) یعنی روز بعد از وصول آن خبر جمیع پارتیها و احزاب سیاسی مجتمع شده و یک کابینه متفق علییه مشتمل بر اشخاص ذیل ب مجلس معرفی شده و تصویب گردید \*

سپهبدار: رئیس الوزراء (بدون دفتر و قلمدان وزارت) مصصام السلطنه: (بزرگ بختیارها) وزیر جنگ و ثوق الدوله: وزیر داخله قوام السلطنه: (برادر و ثوق الدوله) وزیر عدلیه مشیر الدوله: وزیر وزیر هست و تلگراف حکیم الملک: وزیر علوم و معارف معاون الدوله: وزیر مالیه محشم السلطنه: وزیر خارجه \*

مجلس از همان شب قانون نظامی سختی تصویب و مجرا داشت که از حالت محاصره خبر میداد و اجراء آن قانون را بعهده و اختیار مثبت وزراء و وزیر جنگ موکول نمود \* با وجود آن اظهار جرأت آمیز دلیرانه نمایندگان اضطراب و وحشت فوق العاده در تمام نقاط طهران مشاهده میشد ملتبان خائف بودند که مبادا روسها باز میخواهند شاه مخلوع را معاودت داده و دوباره او را بروی کار آورده و شهر را بدست طوائف ترکان که همراه او میباشند بیاد غارت دهند طرفداران شاه یعنی آن عنصرهای ارتجاعی نیز خائف بودند که مبادا ملتبان از ایشان انتقام کشیده و هر وقت که موقعی بدست یاب و رند آنها را حبس و زجر نمایند \*

در این موقع در ایران هیچ قشون و افواجی موجود نبود مگر در دفتر وزارت جنگ ژاندارمه و پولیس پانصحت هم بیشتر از هزار و هشتصد نفر نبوده و آنها هم کامل السلاح

نبودند فی الحقیقه تمام آن پولیس و ژاندارمه برای نگاهداشتن نظم داخله طهران لازم بود \*

اخبار متواتری رسید که ترکانه دسته دسته در حدود شمال شرقی ایران در تحت بیرق شاه مخلوع جمع میشوند و عموماً خوف آن میرفت که در ظرف چند هفته بدروازه شهر برسند \*

سالار الدوله برادر شاه هم از حدود همدان شروع به پیش آمدن گنارده بود و همچو شهرت داشت که چندین هزار نفر عشایر اکراد را دور خود جمع نموده است کابینه جدید ایران هم در مقابل آن خطرهای دوپهلوی متزلزل بود \*

دولت ایران تا آن وقت با آن فشارهای مترانده متوالیه تا يك درجه با استقامت و استقلال کار میکرد ولی ماشین و دستگاه کارخانه‌های دولتی شروع بکند شدن گنارده و در ظرف چند روز حکومتی باقی نماند بجز عده قبلی از مردم که پیش آمده و خود را بجهت محافظت و نگاهداری مشروطه و اقدامات لازمه فوری برای دفع بلوائیانیکه دولت را تهدید کرده ظاهر میدانستند \*

رئیس همه آنها یفرم خان رئیس پلیس و ژاندارمه طهران که ذکرش سابقاً گذشت بود یفرم خان ارمنی و از اهل آن قسمت از ارمنستان که در تحت تصرف عثمانی است بوده و چند سال قبل از آن برشت آمده و در آنجا رشته تجارت مختصری داشت از سابقه حالات او بسیار کم مطلع می باشم ولی اعتقاد عموم این بود که آن کسیکه با اسم یفرم خان موسوم است بمنزله سر و کردن مهم عساکر ملی که از سمت رشت روانه شدند بوده و سپه‌دار اعظم برای آنها فقط صورت ترسکی بود \*

بعد از آنکه در سنه ۱۹۰۹ طهران را بقبضه تصرف خود در آورده و دولت مشروطه را معاودت دادند یفرم بر ریاست اداره نظمی و پلیس پایتخت مأمور شد مسئولیت و عظمت این منصب در ایران خیلی بیشتر از آن اهمیتی است که مابین ملل متمدنه معمول میباشد \*

یفرم خان در خلال مدت خدمتش یکدسته فوج مسلح منظمی که در هیچ زمان دولت مشروطه مثل آنها دارا نبود تشکیل داده و نگاه داشت و معاودت فوج و ظهور توانست که نظم عمومی را در شهر برقرار بدارد و این قابلیت را هم داشت که مردم را بطرف خود جذب و جلب نموده رضایت و وفاداری آنها را باقی و پایدار بدارد با وجود

تعلیم و تحصیل محدودش بسیار صاحب تدبیر و بدون شبهه باعلی درجه داری جریزه و ایاق نظامی و بی اندازه متهور و بی باک بود \*

در این بحرانیکه ایرانیان به آن دوچار شده بودند یفرم خیلی زود ترقی کرده و از طراز اول بشمار میرفت \*

اگرچه در نظر مسلمانان مسیحی و کافر بود ولی با این نقص بزرگ و حسادت‌هاییکه اکثر مردم نسبت باو داشتند اقتدار و نفوذ بزرگی برای خود جلب کرده و این هم مسلم بود که علاوه بر محافظت شهر دولت مشروطه را نیز از خطرات قشون شاه مخلوع نجات و خلاصی داد \*

اثر و نتیجه آن اعلان قانون نظامی این شد که نوزدهم ژوئیه (بیست و دوم رجب ۱۳۲۹) صمصام السلطنه بمناسبت اینکه وزیر جنگ بود حاکم نظامی طهران گردیده و باین وسیله حیات و نجات تمام هموطنان را بقبضه اختیار خود در آورد \*

اولین اقدامیکه اظهار نمود این بود که عده کثیری از ارتجاعیون و سازشیان معروف که بعد از شاه مخلوع باقی مانده و بواسطه مخالفت و ضدیتی که با اساس و پیشرفت دولت مشروطه نموده اند باید دستگیر شوند کابینه فرستی که مشتمل بر اسامی سی با چهل نفر از همان طبقه اشخاص بود مرتب نمود و بنایب السلطنه اراده و به یفرم داده شد که آنها را دستگیر نماید \*

بیستم ژوئیه (بیست و سوم رجب ۱۳۲۹) نایب السلطنه مرا طلییده و تا دیر زمانی در آن باب مذاکره و صحبت میکردیم من رأی دادم که باید فوراً قشون از طهران بمقابله شاه مخلوع فرستاده شود تا اشخاصیکه در طهران و سایر نقاط مایل باین ترتیبات جدید نبوده و مطمئن میباشند که هیچ دفاعی از طرف دولت نخواهد شد سر جای خود نشسته و در ایشان تأثیر کند نایب السلطنه این رأی مرا پسندیده و امر نمود که بین صمصام السلطنه و یفرم و من در این باب شور شود این نکته را هم بنایب السلطنه خاطر نشان کردم که مجلس را و ادار نماید که قانونی در خصوص اعدام یا دستگیر نمودن شاه مطرود و برادرانش که برای مخالفت با دولت مسلح شده اند نافذ و مجرا داشته و برای هرگس که آنها را معدوم یا زنده دستگیر کند جایزه و انعام بزرگی معین نماید والا حضرت این خیال را هم خیلی پسندیده و وعده نمود که بکابینه و مجلس سفارش آکیدی نماید که آنها را معمول بدارند نایب السلطنه این مطلب را نیز بیان نمود که عده از

ارتجاعیون بسیار بد نام را در همین یکی دو روزه یفرم گرفتار خواهد نمود من رأی دادم که این کار باید فوراً صورت بگیرد چرا که هر روز شك و خوف و پریشانی خاطر عموم زیادتر میشود \*

آن روز صبح بطریق بسیار محرمانه مطلع شدم که مکتوبی از طرف دولت انگلیس بسفارت دولت مزبوره در طهران باین مضمون رسیده بود که دولت انگلیس در باره اجازه دادن دولت روس شاه مخلوع را برای تحصیل و استرداد سلطنت بواسطه نقص معاهده و خلف وعده های شاه و تخلف از شرایط رساله صورت مجلسی که بین دولت مشروطه و آندو دولت در سپتامبر ۱۹۰۹ امضاء شده بود معارضه و پروتست خواهد کرد لهذا با کمال اطمینان بنایب السلطنه اظهار نمودم که دولت انگلیس نمی تواند از این عهد شکنی علنی محمد علی اغراض کند و گفتم که شما می توانید مطمئن بشوید که دولت انگلیس هم این اقدام ناپسند را بطریقی اطلاع خواهد داد حضرت ایشان از تقریر من خیلی مطمئن شدند \*

همان شب تلگرافی از محمد علی برای سپهدار رسید و باو حکم نموده بود که حکومت طهران را بقضه تصرف گرفته و تنظیم امور آنجا را تا ورود وی برقرار دارد سپهدار ما بین مردم انتشار داد که بشاه مخلوع تلگراف ذیل را جواباً بخارده نموده است :-  
« ملت هیچگاه زیر بار حکمرانی شما نخواهد رفت » ولی این مسئله بسیار محل تردید بود که آیا سپهدار همچو تلگرافی کرده است یا نه ؟ \*

در آن موقع آشکار شد که بعضی از اعضاء کابینه با شمولیت سپهدار و محشم السلطنه و معاون الدوله هم خود را برای مدافعه شاه مصروف نموده بودند سپهدار ساکنانه در عمارت بیلافی خود در شمیران که خارج از شهر بود مقیم شده و روز بروز اجراء احکام یفرم را راجع بدستگیری مسأله بن تاخیر می انداخت اهل طهران فوراً از مخالفت سپهدار ظنن شده و کابینه هم حقیقه باقی نمانده بود \*

بیست و یکم ژوئیه ( بیست و چهارم رجب ۱۳۲۹ ) با صمصام السلطنه در آن باب صحبت داشتم اینهمان اظهار نمودند که دو هزار نفر از ایل بخنیااری ما مور شده که فوراً در اصفهان جمع و حاضر حرکت بسمت طهران شوند برای حرکت همچو فوجی و رسید نشان بطهران تقریباً ده روز وقت لازم بود من برای خان بخنیااری که حاکم اصفهان بود بجهت مصارف ابتدائی حرکت بخنیااریها تلگرافاً پولی برات نمودم صمصام السلطنه

نیز وعده کرد که بکابینه و مجلس اصرار نماید که مبلغ صد هزار تومان برای قیامت جان محمد علی و بیست و پنج هزار تومان برای هر یکی از برادرانش شاهزاده سالار الدوله و شاهزاده شعاع السلطنه معین نمایند و وزیر جنگ باندازه مایل و شایق باجرا این امر بود که اظهار داشت در صورتیکه مجلس تردید با تأملی در تصویب و تأدیه این میزان داشته باشد از املاک شخصی خود فراهم خواهد نمود \*

صمصام السلطنه سنّاً بین شصت و هفتاد و شخص بلند و مستقیم القامه و مختصر تحصیل هم نموده بود لکن نخوت و رعوفت شخصی زیادی داشت در صورتیکه قلب او بسیار ساده و بیچگانه بود ولی نیت خوبی داشت و با این حال بسیار زود از آن ترسکهای برادران و خویشان خود فریب خورده و در تحت اثر سازشهای ایشان میرفت در آن موقع احساس سختی از مسئولیتهای فوق العاده که بدمه او قعلق گرفته بود نموده و بسیار مایل بود که فرائض خود را بطریقه پسندیده انجام دهد برادر او سردار اسعد چند وقت قبل از آن بارو با رفته و بدین جهت صمصام السلطنه در ایران رئیس ایل بخنیااری بشار میرفت \*

در بین صحبت بن گفت که بدرجه دلپسندی و میل بشروطیت دارم که امروز صبح بنایب السلطنه گفتم که خوبست مرا علی الظاهر بسمت سفارت نزد محمد علی روانه بکنید که بعد از ملاقات طیانچه بسینه او گذارده و او را بکشم و نیز اظهار نمود که « من مرد پیری هستم و بسیار مایل که جان خود را برای پیشرفت اساس مشروطیت تقدیم نمایم در صورتیکه بتوانم وطن خود را از وجود آن ظالم بیباک ناپاک پاک کنم بقدا نمودن جان خود حاضرم » ولی نایب السلطنه این نقشه را رد نموده و نه پسندیدند \* بعد از آن صمصام السلطنه از من سوال نمود که آیا بناسبت حکومت نظامیش حق و اقتدار دارد که وجهی برای مصارف دفاع و جلوگیری از مفاسد عمومی بمصرف برساند ؟ وقتیکه باو گفتم قانون اینگونه اقتدار را بشما داده خواهش نمود که صد هزار تومان بین اشخاصیکه برای اعدام محمد علی و برادرانش فرستاده می شوند تقسیم نماید جواب دادم که بعقیده من اینگونه اقدامات وظیفه اداره نظام و پابس میباشد مشار الیه نسبت بسپهدار و محشم السلطنه و معاون الدوله عدم اطمینان خود را اظهار داشت و متقبل شد که از آن بعد مواجب افواج مرکزی را در طهران از خودش شخصاً ادا نماید یعنی بعد از دیدن سان حقیقی نه فقط بصورت حساب و فرد هائی که

مستوفیان نظام و وزارت جنگ می نوشتند. بعبارة اخري این چهل و دو هزار تومان  
موجب افواج موجوده تنزل نموده و بدوازده هزار تومان تبدیل میشد \*

تا آن زمان هنوز عده از ارتجاعیون در فریه زرگنده که محل ییلاقی سفارت  
روس است متحصن بودند آنحصه از مملکت بکلی در قبضه و تصرف روسها و از  
مداخله دولت ایران مستثنی میباشند ارتجاعیون از آنخل امن نسبت بدولت مشروطه  
شروع به تقصیر و افساد (موشک دوانی) را گذارده و در تمام طول مدت آن مناظر  
جنگی مستعد بلوی بودند \*

در آنوقت در طهران یکدسته بختیاری موجود بود که عددشان تقریباً بشش صد  
تقریباً بالغ میشد و خوانین بختیاری آنها را بطور گارد اعزازی برای خود نگاهداشته ولی  
حقیقه از دولت موجب میگردند ایشان برای مهات بمخاطبه آینده بطور نقطه  
مرکزی واقع شده بودند \*

یفرم نقشه و تدبیر خود را برای حمله بشاه مخلوع بجهت من شرح و توضیح داد ولی  
گفت نمیتوانم هیچ يك از وزراء را در این کار مداخله داده و محرم بدانم زیرا که بایشان  
اطمینانی ندارم اجزاء و تابعین خود را واداشته بود که فتنك و گلوله های توپ  
شانیدری که از طرف برینگاد فزاق به آنها داده شده دومرتبه پر کنند زیرا که جرئت  
نی کرد آنها را بهمان حال بکار برد و گفت که سپهدار سزاور دار زدن با گلوله ریز  
نمودن است یفرم از مجلسیان بسیار غضب ناک بود بواسطه اینکه مجلس مختصر وظیفه  
مازور هاز آلمانی را که صاحب منصب ماهر توپ «مگرم» بود قبول و منظور نه  
نموده و مشار الیه در سال قبل در موقعیکه تحت فرمان یفرم در جنگ بوده زخم برداشته  
بود وجود و خدمات مسبوهار در آن مهمیکه بطرف استرآباد در پیش بود بسیار  
لازم ولی از آن سلوکی که در باره مشار الیه شده خوشدل نبود مشار الیه چون فقط  
مستخدمی دولت ایرانرا بسمت معلمی توپخانه دشت شرکتش در جنگ حقیقه موکول  
بقبول و رأی خودش بود پس از چندی که توانستم وظیفه او را برقرار نمایم مقبل  
شد که همراه یفرم برود \*

شاید در التوقع حسینقلیخان نواب از هر کس محبوب تر و پیشوای حقیقی ملیین  
ایران بود مشار الیه شخصی بود که بواسطه لیاقت ذاتی و خصائص شخصی در هر مملکت  
و در هر حال می توانست بر اینخود مقام منبع و مرتبه بلندی تحصیل کند نواب از چندی

قبل وزیر خارجه و مشغول کار بوده تا وقتیکه در دسامبر ۱۹۱۰ (ذی حجه ۱۳۲۸)  
بواسطه سلوک توهین آمیز سفارتین روس و انگلیس مجبور باستعفاء و ترک خدمت  
بالتیکی خود گردیده و از آن روز به بعد آن راد مرد در صورتیکه صراحة از قبول  
مشاغل رسمی انکار داشت همواره بدون موقع رسمیت برای سعادت و بهبودی حالات  
ایران مشغول با اقدامات بود \*

سن معزی الیه شجاع و بیخ ولی با بشره و ظاهر بسیار ممتازی بود تحصیل و تربیت  
کامل اروپائیرا نیز دارا و زبان انگلیسی و فرانسه و فارسی را در نهایت خوبی و سهولت  
علی السواء مکالمه می نمود چیزیکه از همه بیشتر باعث خصوصیت و لیاقت و تمجید معزی  
الیه گردیده این بود که به تدین کامل در امور دولتی و شخصی معروف و شخصاً از حزب  
سیاسی دیوکرات بوده و حقیقه رئیس معنوی حزب مزبور شناخته میشد اگرچه  
بسیاری از مردمان دیگر چه در مجلس و چه خارج از مجلس خود را بیشتر از مشار  
الیه جلوه و نمایش میدادند در تمام مدت آشنائی من با مشار الیه تا روزی که از طهران  
خارج شده او را شخص محترم بلند همت با حوصله وطن دوستی دیدم که برای خدمت  
کردن و فایده رسانیدن بوطن خویش همواره خود را وقف نموده بود \*

در بین مذاکراتیکه در منزل نواب واقع شد یفرم اظهار نمود که همان روز صبح  
حکمی از طرف هیئت وزراء باورسیده که باید تقریباً بیست نفر از ارتجاعیون معروف که  
صورت اسامی ایشان را معین نموده اند دستگیر نماید ولی يك ساعت قبل از آنکه  
حکم مزبور بوقع اجرا گذارده شود سپهدار (که نا آنوقت برای صرف نام رئیس  
الوزراء بود) یفرم را بای تلفون طلبیده و امر کرد که حکم مزبور موقوف و مانع  
در آن اثنا یکی از صاحب منصبان یفرم آمده و راپورت داد که پلیس شخصی را  
موسوم بنظام السلطنه بانضمام عده دیگری از ارتجاعیون دستگیری نموده ولی خود  
شان اظهار نمودند که حسب الامر سپهدار مشغول مرتب نمودن قشون دلوطلبی بوده  
اند یفرم گفت سپهدار بن شبهه حکم باستخلاص اشخاص مزبوره خواهد نمود و در  
صورتیکه امر او را مخالفت نموده و حکمش را امتثال نکنم چون سپهدار با بعضی از ملاها  
روابط دوستانه دارد شاید مرا باین عنوان که کافر میباشم بدنام و لکه دار نموده و  
باین وسیله خود را در نظر صنفی از مسلمانان فخرمان و شخص اول قلم دهد عقیده  
یفرم این بود که باید خود سپهدار را دستگیر نمود ولی بملاحظه اتهام در آن امر

تردید داشت \*

در خصوص طرح و نقشه تشکیل ژاندارمری خزانہ با یفرم گفتگو نمودم مشار الیه بواسطه صداقت و ساده دلی که داشت از آن مذاکره بدگان شده که شاید در ضمن این تشکیل خیال تقسیم ایران مرکوز خاطر روس و انگلیس باشد خصوصاً باین مناسبت که بنا بود مازور استوکس بصاحب منصبی فوج مزبور معین و مأمور شود در آن ملاقات مذاکره و قرارداد فراهم نمودن و مرتب کردن فوج سواره مخصوصی از داوطلبان که در تحت حکم و فرمان یفرم باشد بعمل آمد \*

صبح روز بعد که بیست و سوم ژولیه ( بیست و ششم رجب ۱۳۲۹ ) بود صحمام السلطنه و ارباب کبخسرو برای مشورت و اظهار نقشه خیالات خود ببارک اتابک آمدند شخص اول شکایت مفصلی از سپهدار کرد که شخص عدل مکاری است و نایب السلطنه هم که ضعیف و متلون المزاج میباشند و گفت که نقشه برای اعلان اعدام یا دستگیری شاه مخلوع و برادرانش بکابینه اظهار کرده ولی وزراء متعذر شده که می ترسند رأی او را به مجلس پیشنهاد کنند زیرا که آنگونه امور امور خلاف عادی بود و نیز کابینه به پیشنهاد کردن مسوده اظهاریه من مجلس راجع به برقرار داشتن وظیفه مازور استوکس که مجبور شده بود پس از اختتام دوره خدمت در ایران از خدمت فوج انگلیس هند مستعفی شده و از آن شغل دست بردار شود و ارضی گردید صحمام السلطنه اظهار نمود که باصفهان تلگراف نموده سه هزار نفر بختیاری دیگر بنسبت طهران حرکت نمایند \*

در این موقع اوضاع و حالات طهران آهسته آهسته روبه بدی گذارده و خیال حمایت شاه مخلوع روبه ازدیاد بود و کابینه جدید متفق علیهی هم که اعضاء آن نیز باهم متفق بوده و خیلی توقعات و امید واریها به آن میرفت شکسته و در زدار شد یعنی آن سه نفر اعتدالی که سپهدار و محتشم السلطنه و معاون الدوله باشند با چهار نفر همکار دیگر خود که دیوکرات بودند علناً بنای مخالفترا گذاردند از طرف آن سه نفر در خصوص دستگیری و مجازات مفسدین معروفیکه آشکار و علی روس الاشهاد برخلاف پیشرفت دولت مشروطه اقدامات میکردند تصور کلی واقع شد چیزیکه کارها را از همه بدتر و خراب تر نمود این بود که سپهدار عده معتد بهی از وکلاء مجلس را با خود هم رأی و هم عقیده گردانیده بود که از اقداماتیکه برخلاف میل و رأی او کرده میشد

منع و جلوگیری نمایند \*

چون امر کرده بودم که بانصد نفر ژاندارم خزانہ فوراً گرفته شود تا دو روز بعد بفراهم نمودن ملبوس و تهیه اسلحه آنها صرف شد در این اثنا باروسای هر دو حزب مجلس مشورتهای متعدده نمودم معلوم شد آنها هم کم کم ملتفت شده اند که باید اقدام قطعی برای حفظ موقع بعمل بیاید \*

بیست و پنجم ژولیه ( بیست و هشتم رجب ۱۳۲۹ ) و کلاء مجلس با اکثریت تمامه رأی باخراج و تبعید سپهدار و محتشم السلطنه داده و فوراً هیئتی را نزد نایب السلطنه فرستادند که از او استعفاى آن دو وزیر را خواش کند و قبول شد آن اقدام قدری هوای کدر اغتشاشات را صاف نمود از جمله اقداماتیکه کرده شد این بود که کابینه جدیدی تشکیل بدهند که حقیقه برای استقلال دولت مشروطه کار بکنند \*

مجدالدوله که دو روز قبل بنوسط مأمورین یفرم گرفتار شده بود بواسطه اینکه برخلاف نظم و امنیت عمومی تقنین و افساد نموده بموجب حکم نظامی محکوم بدار زدن و روز بیست و پنجم حکم قتلش صادر شد قدری بوقت معین اجراء حکم مجبور باقی بود که مراسله از سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس بدولت ایران رسید که باید شخص توفیق شده را قبل از مجازات استنطاق رسانه بنمایند و صراحتاً اظهار داشته که سفارت انگلیس قتل مشارالیه را نمی پسندد علت آن اقدام این بود که مجدالدوله از طرف دولت انگلیس نشان ( K. S. M. J. ) را دارا و آن نشان متعلق بطبقه مخصوصی بود و خود وزیر مختار هم آن نشان را دارا بود \*

این مداخله اگر چه بی شبهه برخلاف مقصود اصلی سر جارج بارکلی بود لکن خیلی بد بود زیرا که معدودی از مردمان چپونرا ایقان میداد که دولت انگلیس و روس در باطن از اجراء نقشه های شاه مخلوع حمایت میکنند حتی اینکه یفرم هم همین عقیده را داشت و قتیکه مجدالدوله را دستگیری کردند يك نفر ژاندارم و دو نفر نوکر مجدالدوله کشته شد و یکی از آن دو نفر خدمتگذار مشارالیه بود \*

بیست و ششم ژولیه ( بیست و نهم رجب ۱۳۲۹ ) کابینه جدیدی بر حسب ذیل تشکیل یافت :-

صحمام السلطنه رئیس الوزرا و وزیر جنگ و شوق الدوله : وزیر خارجه حکیم الملك : وزیر مالیه مشیر الدوله : ( برادر موتمن الملك رئیس مجلس ) وزیر عدلیه علاء

السلطنه: وزیر علوم و معارف قوام السلطنه: وزیر داخله دبیر الملک: وزیر پست و تلگراف \*

روز بعد خبر رسید که پیش فراول افواج و اتباع محمد علی به چند میلی شهر شاهرود که واقع در شمال شرقی پایتخت است رسیده اند پیشکار الیه آنجا تلگراف کرد که از طرف شاهزاده شعاع السلطنه حکمی باور رسیده که بدون تأمل و تأخیر تمام مالیاتی را که وصول و جمع نموده است بجا کی که از طرف شاه مخلوع معین شده تسلیم نماید و تهدید نموده که چنانچه تمرد از آن حکم نماید کشته خواهد شد آن مشروطه خواه وفادار خودش تلگراف مزبور را نموده و خواهش کرده بود که جوابش را عفا فرماید زیرا که وصول جواب آن تلگراف سبب قتلش میباشد روز بعد تلگراف نمود که چهار صد نفر ترکمان بقمه وارد شهر شده و تمام دفاتر دولتی و خانهای مردم را غارت نمودند خود او با خانواده و متعلقینش فرار کرده و در خانه دوست از پیش پناه گزین شده است \*

بیست و هشتم ژولیه (غره شعبان ۱۳۲۹) تمام وزراء نوشته فرار داد مستخدمی مائوراستوکس را امضاء کردند و باین ملاحظه توانستیم مقدار کافی از سند های استعراضی (۱۹۱۱) بانگ شاهنشاهی را برای پرداختن وظیفه مائورمذکور بخرم در صورتیکه استعفاي مشار الیه قبول شود \*

در همان روز یکی از وکلای مجلس یک نفر فدائی ایرانی را (که به بعضی ملاحظات از ذکر اسمش صرف نظر نموده ام) باین معرفی نموده و اطلاع داد که مشار الیه بر حسب گفته خودش از ملاقات «ویس فونسل» روس مقیم طهران مراجعت نموده و میگوید که «ویس فونسل» باو اصرار کرده که برای جلب حمایت و خوشنودی دولت روس شما را کشته و یا مسموم نماید زیرا که من «نقشه های روس را در ایران درهم و برهم کرده و خنثی می نمودم» مقصود اصلی از آن ملاقات و مذاکرات این بود که چون «جنرال فونسل» روس میخواست بحرمانه بیغامی برای محمد علی بفرستد فدائی مزبور را میخواست بیغام بر خود فرار دهد این تفصیل حقیقت داشت ولی من او را پنهان نمودم زیرا بجز اینکه حالات و مقاصد مرا پریشان و درهم نماید فایده دیگری نداشت \*

چندی بعد از آن در موقع انعقاد یکی از سلامهای دربار شنیده شد که شخص ایرانی فوج الله خان نام یکی از اعضاء هیئتی که برای کشتن من تشکیل شده بود (همان قسم که صنایع الدوله کشته شد) داوطلب و مأمور الاجراء این امر گردیده است بعضی

از ایرانیها با اتباع پاپس بفرم فوراً اطلاع داده و آن شخص دلاور را پس از زد و کوب بسیار زنجیر و حبس نمودند \*

بیست و نهم ژولیه (دوم شعبان ۱۳۲۹) مجلس قانون ذیل را جاری نموده و اشاعه داد که صد هزار تومان برای اعدام یا دستگیر کردن محمد علی و بیست و پنج هزار تومان برای هر یکی از برادرانش معین شده و قرارداد وظیفه مائوراستوکس را نیز قانوناً تصویب نمود بعد از همان روز وزیر مختار روس بوزارت خارجه آمده و اصرار کرد که معاهده مائوراستوکس را امضاء نکند و تهدید کرد که در صورت امضاء معاهده مزبوره دولت روس معارضه سختی خواهد نمود وزیر خارجه ایران بقسمی نرسیده که فوراً رقعہ بدین مضمون بن نوشت که قانون وظیفه مائوراستوکس تا وقتی که با امضاء نایب السلطنه نرسد بموقع اجراء گذارده نخواهد شد ولی هر دوی ما بخوبی این نکته را میدانستیم که آن عذر حقیقت نداشت بهر حال در ایران این قسم تدابیر را ظاهر داری رسانه میگویند \*

چندی قبل از آن تفنگهای «ریفل» و فشنگهای روسی که سپهدار با سفارت روس فرار داد کرده بود به انزلی رسیده و از راه رشت بطهران می آوردند و ورود آن قور خانه را بنوعی فرار داده بودند که احتمال قوی میرفت که اتباع شاه مخلوع در بین راه آنها را بجا بیاورد ولی از فرار بکه معلوم شد عده معتد بهی از آن صند و قفا که عبارت از هفت هزار قبضه فشنگ و چهار میلیون فشنگ بود بفرورین رسیده و از دستبرد یاغیان محفوظ ماند آن قورخانه برای انبار نظامی طهران بسیار بموقع و لازم بود زیرا که در آن وقت دولت مشروطه تقریباً بی اسلحه مانده بود من هزار و پانصد قبضه «ریفل» و شش صد هزار فشنگ آنها را برداشته و در عمارت تحتانی (زیر زمین) منزل خود در پارک اتابک انبار کردم که محفوظ بماند تا وقتی که برای ژاندارمری خزانه لازم شود در ایران اسلحه و آتش خانه بشکل عجیب حیرت ناکی بدون ملاحظه اینکه حساب تعداد آنها رسماً ثبت و ضبط شده است غیب و نابود میشود و باید همیشه آنها را مقابل چشم خود گذارد \*

تا کنون از وضع سلوک و همراهیهای دولت روس نسبت به پیش رفت مقاصد محمد علی برای استرداد تاج و تخت سلطنت ایران چیزی بیان نشده در هر صورت مأمورین روس نه کاهل بوده و نه ساکت و آرام می نشستند دو سال قبل دولت

روس از جانب خود و از طرف دولت انگلیس مسئولیت ذیل را بعهده گرفت که شاه مخلوع را مجبور و بایبند بایفاء عهد خود کرده یعنی برخلاف دولت مشروطه ایران اقدام به هیچ قسم شورش یا تکیه نه نماید و این مسئولیت مطابق ماده یازدهم صورت مجلس نهم سپتامبر ۱۹۰۹ (بیست و سوم شعبان ۱۳۲۷) است که هر يك از آن دو دولت آن صورت مجلس را امضاء کرده بودند دولت روس از قرار محمد علی از ادسا و عبورش از روسیه و با کشتی روسی از دریای خزر گذشتنش و وارد بخاک ایران شدنش نه فقط برای جلوگیری از تحریکات پلتهکی بلکه برای منع مخالفت حقیقی با دولت مشروطه ایران بکلی از «اقدامات لازمه» کوتاهی کرده بود حقیقت واقع این است که عبور محمد علی از محلی که مأمورین تذکره روس دفت و تفتیش کامل می نمودند با جمعی از همراهان خود ملبس بلباس رسمی با ریشهای مصنوعی با مقداری تفنگ و توپهای سریع الاطلاق (مسلسل) که بر صندوق آنها آب معدنی نوشته بود بانضمام داشتن تذکره جعلی دروغی که خود را مطابق گفته خود روسها «خلیل نام تاجر بغدادی» وانمود کرده بود برای اشتهاب کاری و اغفال صاحب منصبان خالی الذهن تذکره از دفت در تفتیش کافی بود دولت روس میخواست علی الظاهر بر تمام اهل عالم آشکار کرده و بفهماند که از حرکات محمد علی بکلی بی خبر و بی اطلاع بوده \*

(مصنف ترجمه اعلان قانون اعدام و دستگیر کردن محمد علی شاه مخلوع را بانگلیسی ترجمه نموده و ترجمه مزبوره عین همان اعلان و توضیح واضح میباشد باین جهت بدرج صورت اصل آن اعلان اکتفا شد)

ترجمه اعلان مزبور از قرار ذیل است:

چهارم شهر شعبان ۱۳۲۹ بر حسب رأی مجلس مقدس اعلان میشود \*

کسانیکه محمد علی میرزا را اعدام یا دستگیر نمایند يك صد هزار تومان به آنها داده می شود \*

کسانیکه شعاع السلطنه را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنج هزار تومان بانها داده می شود \*

کسانیکه سالار الدوله را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنج هزار تومان بانها داده میشود \*

و نیز اخطار میشود که اگر داو طلبان خدمات مزبوره بعد از انجام خدمت کشته

شدند مبلغهای فوق الذکر بپیمان نسبت بورته آنها داده خواهد شد و این مبلغ در خزانه دولت موجود است و بعد از انجام خدمت نقداً بانها پرداخته میشود \*

محل امضای حضرت رئیس الوزراء

طهران - مطبعه تمدن \*

محمد علی تا چندی در وینه توقف نموده و برای حمله بایران اسلحه میخرید بعضی اقدامات دیگر در وینه اش از بیانات آخری ارشد الدوله جنرال بزرگ شاه مخلوع که بهجراحی مشارالیه بایران مراجعت نموده بود یعنی در استنطاق شب قبل از قتلش پس از آنکه بدست افواج ملی در تحت کاندانی (فرماندهی) بفرم گرفتار و دستگیر و عاقبت بتوسط همان افواج کشته گشت معلوم و آشکار شد: -

مسیومور «کرمپاندان» (وقایع نگار) روز نامه تمس لندن که در مجلس نظامی شب قبل از کشته شدن ارشد الدوله حاضر بود صورت استنطاق و تقریرات مشارالیه را راجع به آن اقدامات مطابق شرح ذیل نوشته است: -

(پس من در وینه با محمد علی ملاقات نموده و سفیر روس هم ملاقات ما آمد (۱))

(۱) چون مسیومور زبان فارسی را خوب می فهمید؟ بیان مشارالیه راجع بمذاکرات سفیر روس در وینه پاشاه مخلوع و جنرالش خلاف واقع نبوده است بعد از آنکه من همان بیانات را در مراسله سر باز «با امضا» خود برای درج در روز نامه بیست و یکم تمس لندن فرستادم دولت روس در لائحہ رسمی خود از اینکه سفیر مقیم وینه اش چنین اظهارات را نموده باشد انکار و نفیید و مدعی شد که این خبر بکلی بی اصل و جعلی است چندی بعد وقتی که صورت آن لائحہ انکاریه در مجلس و کلاه عمومی انگلستان مطرح مذاکره گردید اکثریت آراء لائحہ مزبوره را بچند استقبالی نمودند بعد از آن ملتفت شدم که انکار رسانه روس در آن موقع افلا از حیث عبارات و کلمات صحیح بوده همچو ظاهر میشود شخصی که ملاقات و مذاکرات مزبوره را با شاه مخلوع و جنرالش نموده وزیر مختار دولت روس در وینه نبوده بلکه مسیودیهارت و يك معروف وزیر مختار سابق روس در طهران بوده است مشارالیه هر قدر قدرت که در قوه داشت به فعلیت رسانید که شاید بتواند دوباره محمد علی را به تحت سلطنت ایران بر قرار نماید وقتی که آن ملاقاتها در وینه واقع شده بود مسیودیهارت و يك در بنگرید وزیر مختار بوده و چند مرتبه از آنجا به وینه آمده و ملاقاتهای مزبوره را با شاه مخلوع و ارشد الدوله کرده

ما از او خواهش نمیکند مشارالیه گفت «دوات روس در این موقع نمی تواند بشما امدادی نماید زیرا که دولتین روس و انگلیس در خصوص عهده مداخله در ایران تعهد نموده و با هیچ یک از مواد آن عهد نامه مخالفت نخواهند ورزید دولتین مصمم شده اند که هیچ قسم مداخله در امور داخلی ایران نمایند لکن از طرف خودتان (یعنی سمت ایران) میدان صاف و راه باز است اگر معاونتی در کار شما نتوانیم بکنیم ممانعت و اخلاص نخواهیم نمود دیگر موقوف بر آری خود شما است اگر امید نیل بمقصود دارید خودتان باید اقدام کرده تا کامیاب شوید در صورتیکه امیدوار برسیدن سلطنت میباشید پس باید فوراً شروع با اقدام بکنید ولی این مطلب را بخاطر داشته باشید که ما نمی توانیم مکی بشما بنمائیم و اگر هم کامیاب نشوید ما مسئول نخواهیم بود» ما جواب دادیم «بسیار خوب لکن آیا میتوانید این کار را کرده که مباحثی برای ما قرض کنید؟» جواب داد «خیر این هم بکلی غیر ممکن است» اگر چه ما خیلی خواهش و التماس کرده و ملاقات ثانوییم با او نمودیم ولی مشارالیه خواهش ما را رد نمود فقط ایما و اشاره نازکی باین امر کرد که اگر استاد جواهرات را که محمد علی در بانک استقراضی روس در طهران گرو گذارده همراه داشته باشد می توان باعتبار آن اسناد وجهی فراهم کرد ولی اسناد مزبور همراه شاه نبود و نتیجه از مذاکرات مزبور حاصل نشد \*

شاه مخلوع با همراهان و قورخانه و لوازم جنگی بسیار از بندری که در نقطه شمالی باد کوبه واقع است سوار کشتی کرسٹوفروس (Christoforos) روسی شده و پس از عبور از دریای خزر در قمش تپه پیاده شد اگر ثابت و محقق شود که در دوائر عالیه دولتی روس از خیالات و حمله های شورش انگیز شاه مخلوع برای تحصیل تاج و تخت بود من از حقیقت آن وقایع اطلاع نداشتم تا وقتیکه در ژانویه گذشته در مراجعت از ایران بپرتغال رسیدم چون از محاوره فارسی ترجمه «آمباسادور» (Ambassdor) و مینستر (Minister) فقط يك کلمه است وقتی که ارشد الدوله در حضور مسیو مور و صاحب منصبان افواج ملی ایران شب قبل از فوتش شرح ملاقاتهای مذکوره را با نماینده های دیپلوماسی روس دروینه بیان میکرد (همان لفظ مشترك فارسی را استعمال نموده بود) مسیو مور و دیگران بدهنشان همچو متبادر گردیده بود که مقصود ارشد الدوله از نماینده دیپلوماتی همان وزیر مختار روس در آنجا بوده و حال آنکه اشاره جنرال پهان مسیو دیپارت و یک معروف بوده است \*

سلطنت ایران ذکر می نموده مردم نباید اطلاع و مساعدت در اقدامات مزبوره را نسبت بدولت روس داده و باین احتمال که نمایندگان دیپلوماتی بلگرید و وینه روس اقدامات شاه مزبور را بکابینه دولت متبوعه خود اطلاع و راپورت داده اند از آندولت بدگان شوند و باید قبول و باور نمایند که فرار شاه تا جائیکه روسها دست اندر کار و دخیل بوده اند امر اتفاقی و بدون اطلاع ایشان بوده است لکن وقایع و اقدامات مزبوره در تمام ادارات دولتی آن مملکت بخوبی واضح و معلوم بود ده روز قبل از ورود محمد علی بتهران ایران وزیر مختار روس در طهران در «دتری» (مجلس دعوت شام) که در آن مردمان بسیاری حاضر بودند موقع اظهار یافته و گفت که در ظرف چند هفته دولت مشروطه ایران خاتمه خواهد یافت در آنوقت بیان مزبور تولید حیرت و تعجب زیادی نمود ولی وقتیکه در هجدهم ژولیه (بیست و یکم رجب ۱۳۲۹) خبر ورود محمد علی بطهران رسید کسانی که وعده وزیر مختار را شنیده بودند اشاره و مقصود مشارالیه را بخوبی ملتفت شدند این امر بخوبی ظاهر و معین شد که خبر ورود شاه مخلوع بتهران باعث خوشوقتی و خوشحالی عانی نمایندگان قونسلیخانهای روس در تمام ایران گردیده و توانستند احساسات و همدردیهای خود را با اتباع شاه پنهان نموده و خود داری کنند باینهم قانع نشده بلکه در ده دوازده موقع مختلف متفقاً اقدامات صریح قطعی نمودند که افواج و گماشتگان شاه مخلوع را که برای مغلوب نمودن دولت مشروطه سعی و کوشش می نموده امداد و معاونت نمایند محمد علی بهترین وسیله برای پیشرفت مسلک ظالمانه صاحبمنصبان روس و جلب نمودن قدرت و منافع مملکت بطرف ایشان بود ما مورین روس بخوبی ملتفت شده بودند که دولت مشروطه خصوصاً با بودن هیئت هشاد نفره اعضا منتخبه به آن درجه مطیع نخواهد بود که بکنفر سلطان مستبد را بتهجدات خود رسانیده و او را راضی و مطیع نمایند که خود را با ایشان فروخته و از این راه بمقاصد دولت امپراطوری روس خدمت کرده باشد \*

بیست و سوم ژولیه (بیست و ششم رجب ۱۳۲۹) دولت ایران نوتیسی (اطلاع متحد الممالک) بتمام سفارتخانهای طهران فرستاده و از امضاء قانون نظامی شدن شهر به آنها اطلاع داد اکثر سفراء بطریق متعارف جواب داده و توجه دولت را بطرف بعضی از مواد عهد نامه ترکمان چای معطوف داشتند بر خلاف سفارت روس که از اول با يك لهجه خشن بسیار مخالفانه بنای ضدیت را گذارد از جمله چیزهایی که ادعا نمود این بود که

حق صریح خواهد داشت در هر موقع که بخواهد «رعایای غیر قانونی» خود را که در مسأله سفارت توضیح شده بود دستگیر نموده و ایشان را منع «از مداخله در انقلابات مملکت» که در شرف وقوع بود نماید. غرض اصلی ادعای بین اظهار مزبور این بود که سفارت و قونسلیهای روس در تمام ایران بهانه بدست داشته باشند که مردمان جنگجوی معروف ایران را با احتمال اینکه مبادا برخلاف محمد علی با دولت همراهی کنند باین بهانه که مشار الیه طبقه از رعایای روس میباشند منعم و دستگیر نمایند اگر تهدید مزبور راجع بدستگیر نمودن رعایای روس که «در آن وقایع مداخله و شرکت نموده بودند» مطابق النعل در موقع اجرا گذارده میشد لازم بود که اول اکثر قونسلیها و مستخدمین قونسلیهای روس را چنانچه بعد ظاهر و آشکار شد دستگیر نمایند \*

قونسل روس مقیم رشت ازین درجه هم بیشتر وتند نرفته و صراحتاً از آده خود را بدولت ایران اطلاع داد که دارد کسانی را که گان تبعیت روس در حق آنها میروند توقیف نموده تا بوقت فرصت یعنی تا بعد از اختتام آن شورش و انقلابات تحقیق نماید \*

سی و یکم ژولیه (چهارم شعبان ۱۳۲۹) که هنوز محمد علی درست وارد خاک ایران نگردیده و اقداماتش برای مغلوب و مضمحل نمودن مملکت چندان پیشرفت نکرده بود دولتین روس و انگلیس مسأله ذیل را که راجع با اقدامات جنگی شاه مخلوع بود فرداً فرد بدولت ایران ارسال داشتند. مسأله سفارت انگلیس از قرار ذیل است:—

نظر باینکه شاه مخلوع برخلاف مصلحت و رأی باینکه مکرر دولتین انگلیس و روس در اوقات متعدده بلو داده اند که از هر گونه اقداماتی که باعث شورش و انقلاب ایران شود اجتناب نماید اکنون بخاک ایران وارد شده دولت انگلیس (روس) اظهار میدارد که حق وظیفه شاه مخلوع که مقدارش در صورت مجلس سابق معین شده بود ساقط شده است و چون مشار الیه وارد ایران گردیده دولت انگلیس (روس) نمی تواند در امور راجعه باو مداخله نماید لهذا اظهار میدارد که دولت انگلیس (روس) در این مناقشه که بدبختانه برای ایران پیش آمده بیطرف بوده و به هیچ قسم مداخله نخواهد کرد عین همین مسأله هم از طرف سفارت روس فرستاده شد بواسطه عقبت مجرمانه یعنی (عقبت عمدی) یا اقلاً اغراض یکی از دولتین مشار الیهما که معاهده موثقی برای جلوگیری از پیش آمد چنین واقعه نموده بود دولت ایران دوچار جنگ خانگی گردید \*

در موقعی که اظهار عدم مداخله مذکوره از طرف آن دو دولت پیش نهاد شد اگر حقیقتاً آن بیطرفی مراعات مینمودند ایران میتوانست خود را از مشکلاتیکه باو مصادف شده به آسانی نجات دهد ولی صاحب منصبان و مأمورین روس چقدر خوب رعایت اقلان اسم «بی طرفی» را در ایران نمودند از وضع سلوک و مداخلاتشان در وقایعی که ذیلاً نگاشته میشود میزان بیطرفی آنها بخوبی واضح و ثابت خواهد شد \*

بیست و نهم ژولیه (دوم شعبان ۱۳۲۹) قونسل موثقی روس در اصفهان بمضمون بیطرفی کاملاً عمل نموده و مکتوب ذیل را بوزارت خارجه ایران فرستاد:—

بر حسب اطلاعی که بقونسلیخانه رسیده حکومت اصفهان می خواهد مجلسی از علماء و اعیان و معتبرین و تجار شهر منعقد نموده و مسوده تلگرافی باسم نمایندگان دول اجنبیه ترتیب دهد که آنها یعنی ملت محمد علی را بخواسته و برخلاف ورود او پروتست نمایند قبلاً خواهشمند است که در مواقع مقتضیه رسماً به آنها اطلاع دهند که چون این معامله تعلق بایران و ایرانیان دارد زحمت دادن سفارت و قونسلیهای امپراطوری بی سود خواهد بود \*

مجدداً مکتوب ذیل را بیعت خود ایشان فرستاد:—

شما نباید عبت در معامله محمد علی شاه سفارت و قونسلیهای امپراطوری روس زحمت دهید زیرا که مداخله در اینگونه امور حق نماینده خارجه دولت ایران است و دولت ایران جلوگیری از پیش آمد این وقایع نموده و مانع شود و بر اولیاء دولت لازم است که این گونه امور را تصفیه نمایند \*

شخص رشید الملک نامی که رعیت ایران و حاکم سابق ولایت اردبیل بود بسر کردگی افواج دولتی مأمور شده و خائنانه در مقابله با عدو قلبی از طایفه شاه سوند که همیشه حامی شاه مخلوع بودند فرار نموده و مقصریاتی گردید دولتیان مشار الیه را دستگیر نموده و در تبریز حبس کردند بیست و هفتم ژولیه (سلخ رجب ۱۳۲۹) جنرال قونسل روس مقیم تبریز خواهش استخلاص او را از نایب الحکومه آنجا نمود (۱) و قتیکه مطلع

(۱) در جواب پروتست رسمی که دولت ایران راجع بمعامله مذکوره سفارت روس نموده بود سفارت روس رسماً مسئولیت احکامی را که بجنرال قونسل تبریز که «اقدامات لازمه را عمل نمایند» داده قبول و اعتراف نمود \* احکام مزبوره راجع بمنع مجازاتی بود که نسبت بر رشید الملک تهدید شده بود \*

شد که بموجب حکم دولت مشروطه رشید الملک محبوس شده سیصد نفر سالدات روسی را که تماماً کامل السلاح بودند بعارت حکومتی فرستاد مستغظین ایرانی را زده و خارج کرده و بنایب الحکومه توهین نموده و رشید الملک را خلاص کرده و بردند چندی بعد همین رشید الملک باتباع شجاع الدوله باغی ملحق شده و شهر تبریز را تهدید نمود (۱) اقدامات جنرال فونسل روس دیده شد که چگونه اقداماتی بود که اگر آن اقدامات ما بین دو دولت مساوی واقع شده بود «مجرعینک فوری میشد سفارت روس بعذریکه برای برائت ذمه خود از دادن حکم مزبور توسل نمود این بود که «نمایندگان دولت روس فقط حمایتی از رشید الملک کرده بودند» و حال آنکه حقیقهً هیچ حکم مجازات قطعی درباره رشید الملک صادر نشده بود و اگر هم میشد تفاوتی بحال آن ظلم قبیح نه نموده و باعث رفع آن نمیشد \*

شواهد متعدده دیگر برای اثبات مداخلات مخالفه ما مورین دولت روس در معاملات ایران که دولت شاهنشاهی دوست آنها بود در دست است که اگر یکی از آنها میان دو دولت مساوی القوه واقع شده بود باعث جنک میگردد (۲) دولت ایران در موقع وقوع هر اقدام و مداخله پروتست دیپلوماتی خود را مستقیماً بوزیر مختار روس در طهران و بتوسط سفراء خود به بطر سبرگ ولندن اظهار می نمود ولی دولت روس ابتدا اعتنائی به پروتستهای مزبوره نکرده سهل است که در دفاتر دولتی هم آنها را ثبت و ضبط ننموده و هیچ بک از صاحب منصبان و ما مورین خود را هم برای ارتکاب قبایح مزبوره تنبیه و مجازات نکرد \*

بعد از ظهر سی ام ژولیه (سوم شعبان ۱۳۲۹) شخص محترم نظامی ایرانی در حالیکه اندامش از طپانجهای جنجاق سر خود و فشنگ پوشیده و تقریباً سیصد عدد فشنگ با بیشتر

(۱) شجاع الدوله لقبی بود که رحیم خان (صمد خان) راهزن که ذکرش در مقدمه کتاب گذشت برای خود اختیار کرده بود \* قشون و افواج روس در حوالی تبریز پیوسته مشارالیه را حمایت و محافظت مینمودند و او نیز با صاحب منصب روسی دوستانه و برادرانه سلوک می کرد دولت روس وجود مشارالیه را برای باقی داشتن سالداتیهای خود در آذربایجان بهانه قرار داده بود \*

(۲) شواهد دیگر در مرسله\* است که مصنف بروز نامه تمس لندن نوشته است

رجوع بضمیمه «ج» شود \*

به حمایل و سینه و کمر و شانهای خود آویخته بود بکابینه برای ملاقات من آمد خبلی ظاهر رعب ناکی داشت بین اظهار نمود که از طرف دولت مأمور است که وی اولین حمله را به شاه مخلوع بنماید لقبش سردار محیی و سابق ملقب به معز السلطان بود و در آن پیش قدمی که در سنه ۱۹۰۹ از جانب افواج ملی بسر کردگی سپهدار بعسل آمد شریک بوده و مشارالیه را محارب و جنگجوی بسیار جری میدانستند شخص مزبور اندامی درشت و چکهای زرد دریا داشت و متقبل شده بود که چند صد سوار داوطلب تشکیل داده و با خود ببرد که در شاهرود از ترکانهای باغی جلوگیری نماید ابتداءً برای خواستن بیست و شش هزار تومان برسم علی الحساب و برای مصارف ابتدائی اظهار نامه\* که وزیر جنک آنرا امضا کرده ارائه نموده و مبلغ مزبور از بابت صاحب منصبی نظامی و موجب حکومت شهر اسرآبادش بود (اسرآباد محلی بود که هرگز احتمال رسیدن سردار محیی به آنجا نمیرفت) و نیز برای بعضی مخارج متفرقه که خود مشارالیه اختیار و اقتدار در تعیین آن مصارف داشت سابقاً هم مبلغ شش هزار تومان از طرف دولت بهمین شخص از بابت موجب پیشگی حکومت کرمان رسیده و هیچگاه به آن سمت نرفته بود بعد از مراسلات بسیار تند با کابینه مبلغ مزبور را بمشارالیه پرداختم ولی زود مطلع شدم که مطالبه وجه مزبور اولین سلسله از حملاتی بود که از جانب کابینه بمخزانه عامه کرده شده و تا پنج ماه بعد که از طهران خارج شدم آن سلسله جاری بود کمتر کسی بود که بهانه برای گرفتن پول داشته و تصویب کابینه یا وزارت جنگ را در دست نداشته و ادعای خود را بمخزانه اظهار نماید آن سلسله و در حقیقت رودخانه مطالبات متوالیاً جاری بوده و هیچگاه منقطع و مسدود نمیگردید باید گفت که آن سعبای کابینه فی الواقع سخاوت و بخششی بدوستان خود بود منتها ملون بلون شکست دادن شاه مخلوع \* در المنوقع بود که طوائف بختیاری بهمراهی خوانین خود از طرف جنوب بنای ورود بطهران گذارده و اکثر آنها قسمی بیجا و بيموقع و الحق و الانصاف خطر ناک و بیعوض مطالبه می نمودند که چندین مرتبه در ماههای بعد به تهدید مجبور شدم که در صورتیکه کابینه آنگونه خیالات غارتگری خزانه را امضا نماید استعفاء خواهم نمود حتی حکیم الملک هم که در آنوقت وزیر مالیه بود اظهار شرمندگی و نفرت از افعال سرداران بختیاری نموده و گفت «اگر کابینه حمایت آنها را جاری ندارد من نیز مستعفی خواهم شد» اول دسته بختیاری که بطهران رسید در تحت سرکردگی معین هایون یکی از خوانین

جوان بختیاری بود که بعد از وطن پرستی حقیقی اظهار و شجاعت بسیار در جنگها نمود \*  
 قریب سوّم اوت ( هفتم شعبان ۱۳۳۹ ) بود که شاهزاده سالار الدوله بشهر کرمانشاه  
 که واقع در جبهه غربی ایران است رسید. بعد از آنکه تجار را از دادن مالیات ( گمرک )  
 منع نمود فوراً مبلغ پنجاه هزار تومان بعنوان قرض از ایشان خواست و مثل آن خواهش  
 را نیز از شعبه بانک شاهنشاهی آنجا نمود ولی ایشان انکار کردند \*

در این موقع کابینه بشمولیت مصمص السلطنه که رئیس الوزرا بود بواسطه  
 اینکه از غارتگری و چپاول رسانه خزانه که از طرف ایشان جاری بود پروتست نموده  
 بود بنای اظهار مخالفت را با من گذارد رئیس الوزرا از وعدههاییکه درباره مساعدت  
 در تشکیل ژاندارمری خزانه نموده از قبیل دادن اجازه برای تعیین محل سربازخانه و  
 لوازم دیگر که در تصرف وزیر جنگ بود تخلف و انکار ورزید \*

در آزمون افواج دولتی مشتمل بود بر عده غیر معینی از بختیاری غیر منظم که در  
 اصفهان و راه طهران و در خود پانخت بودند و هزار و دویست نفر پلیس و پانصد نفر  
 ژاندارام در خود پانخت و پانصد نفر ژاندارام دیگر هم در قزوین در تحت فرمان یکی از  
 « لفتنت » ( وکیل ) های یفرم و بقدر دویست نفر هم داوطلب با بر حسب مشهور  
 مجاهد ارمنی بودند \*

هشتم اوت ( دوازدهم شعبان ۱۳۳۹ ) خبر رسید که ارشد الدوله دسته از افواج  
 دولتی را در دامغان که در شمال شرقی طهران واقع است شکست داده و عده از افواج  
 دولتی هم در آن موقع از اردوی خود فرار نموده و اتباع شاه مخلوع ملحق شدند زمانیکه  
 سپهبدار وزیر جنگ بود آن دسته از افواج را با دو توپ به آن محل مأمور کرده بود  
 توپهای مزبوره هم با قورخانه و لوازم غنیمت قشون شاه مخلوع شده و بدست آنها افتاد  
 عقیده بسیاری از مردم این بود که این واقعه ناگوار نتیجه پیش بینی و اقدامات سپهبدار  
 بوده است و در آن موقع خیانت و مخالفت مشارالیه با دولت مشروطه نزد عموم مسلم گردید  
 در اثناء ماه اوت عده از دسته های افواج ملی برای مقابله و جلوگیری از شاه مخلوع  
 بشمال ایران ( طهران ) فرستاده شد اولین غلبه و فتح نمایانیکه افواج دولتی کردند  
 در فیروز کوه که در بین سلسله کوههای شمال شرقی طهران واقع است بود در تنگه  
 بسیار تنگی آن سردار جوان بختیاری یعنی معین هایون رشید السلطانرا شکست داده و  
 او را دستگیر نمود شصت نفر از اتباع رشید السلطان در آنجنگ مقتول گردید \*

در شب پانزدهم اوت ( نوزدهم شعبان ۱۳۳۹ ) هشتصد نفر سوارهای اتباع  
 شاهزاده سالار الدوله شهر همدان را تصرف نموده و از طرف افواج دولتی مقیم آنجا هیچ  
 مدافعه بعمل نیامد \*

نقل و حرکت و محل توقف شاه مخلوع امر مجهول غیر معینی بود افواها شهرت داشت  
 بعد از آنیکه شنید قیمت سر او صد هزار تومان معین شده مضطربانه فوراً بهمان  
 کشتی که از زمان ورودش در کناره لنگر انداخته بود پناهنده شد در این موقع یفرم  
 خان دسته های کوچکی را از ملتیان انتخاب کرده و برای محافظت طرق تنگه هائیکه  
 بطهران منتهی میشد مأمور نمود و خیال داشت که یکعده قشونی هم از طرف پشت  
 سر افواج محمد علی بفرستد که راه اتصال آنها را بدریا قطع نماید و خود یفرم نظر به  
 اهمیت و حالت نازک طهران مصمم شده بود که در همان جا بماند و بمقابله قسمت عمده  
 افواج شاه مخلوع نرود تا اینکه خود آنها بفاصله نزدیکی پهای تخت برسند \*

پانزدهم اوت ( پانزدهم شعبان ۱۳۳۹ ) بدعوت « دنر » در قلهک مدعو بودم که کرنل  
 اچ آر بدوز ( Colonel H. R. Beddoes ) نماینده کمیته سلیمان ویرادران لندن  
 آن مهمانی را داده بود دعوت شدگان دیگر سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس و  
 همقطار روسیش مسیو پاکلیوسکی کریل و مستر مور وقایع نگار روزنامه تمس لندن  
 بودند در آن مجلس از حالت حاضر آن وقت ایران گفتگو بمیان آمد وزیر مختار روس  
 نتوانست عقیده خود را در باره شاه مخلوع پنهان نموده و از روی بی پروائی گفت شاه  
 عنقریب نیست که مظفر و منصور طهران را فتح خواهد نمود مسئله استخدام مائور استوکس  
 نیز مفصلاً مورد بحث و گفتگو گردید بعد از شام چند دست گنجینه بازی نمودیم  
 « شانس » ( خوش نصیبی ) من در آن بازی و لیاقت امر بکاتبها در نظم امور مالیه بوزیر  
 مختار روس اثر آشکار غربی نمود \*

در شب مزبور با وزیر مختار روس از آن محل بیرون آمده و با هم قدری بر پشت  
 بام راه رفتیم مسیو پاکلیوسکی کریل شخص بسیار خوش معاشرت و خوش صحبتی بود  
 مکرر بطرف بی قابلیتی دوات مشروطه ایران اشاره نمود بقت و بیعقد ما سؤال نمود که  
 آیا میل دارید وقتی که محمد علی دارای اقتدار شود در تحت سلطنت او خزانه دار کل  
 چنانچه اکنون هستید یا وزیر مقتدری بشوید؟ و بن اطمیناندار که اگر به آن امر  
 راضی شوم حمایت کلی دولت روسرا بطرف خود جلب نموده و بمعاوضه و صلح مناسبی

نائل خواهم شد چیزی که برای من در اظهار قبول آن خواهش لازم بود این بود که ساکت نشسته و مداخله در امور ننمایم تا وقتیکه تغییرات مزبوره واقع شود اگر چه اظهار مزبور را بکلمات بسیار با فراکتی بیان نمود ولی در معنی و مفهومش هیچ جای تردید و شبهه نبود من یقین دارم که وزیر مختار آن رای را بسیار مناسب و بیجا تصور کرده و از آن اظهار هم قصد توهینی نداشت اگر آن بیانات را از تزیینات عبارت و شاخ و برگ دیپلماسی عاری کنیم این میشد که معاونت در رای دادن بدولت موجوده ایران را ترك نموده و بگذارم که مشارالیه در مفلوك و مفلوج کردن دولت ایران مبادرت نماید و من در تحت تسلط جانور ظالم سبعی که عبد و عبید کابینه پطرسبرگ بود مستخدم شوم بوزیر مختار گفتم که من متقبل شده و عهد نموده ام که میزان لیاقت و استطاعت خود بدولت ایران به بهترین قسمی خدمت نمایم نتیجه آن هر چه میخواهد بشود ولی میل ماندن در تحت اقتدار و نفوذ محمد علی را ندارم \*

این امر بخوبی سرکوز ذهن من شده است که دیپلوماتهای روس در طهران و وینه بملاحظه اینکه نماینده دولتی بوده اند که وزارت خارجه انگلستان درباره آن دولت رسماً اظهار داشته بود که ایشان نه اطلاع از نقص «پروتگال» (صورت مجلس) و فرار داد سبتامبر (۱۹۰۹) دارند و نه شرکتی باین جهت اظهار میل و اشتیاق نام فوق العاده در کامیابی شاه مخلوع داشتند \*

پانزدهم اوت (نوزدهم شعبان ۱۳۲۹) نایب السلطنه در صحبت طولانی خود تصویر اسفناکی از حالت حاضر ایران کشیده و بهر حال از طریق نظارت و نگرانی که در امور مالیه دولت ایران بعمل آمده اظهار اطمینان نمود و بیان کرد که هر وقت کسی مصمم شد عایدات مالیاتی ایران را در تحت نظارت موثری نگاه دارد شکایتها بود که از هر طرف بلند می شد \*

سه نفر از صاحب منصبان سویدی که مستخدم دولت شده بودند وارد پایتخت شده که خدمات خود را راجع بمشاقی زاندار مرئی در تحت او امر وزارت داخله انجام دهند \* بعد از مذاکرات و مباحثات بسیاری که بین من و کابینه واقع شد قرار بر این شد که مواجب افواجی که موسوم بمرکزی بودند مستقیماً از خزانه داده شود نه بتوسط وزارت جنگ نتیجه قرار داد مزبور این شد که با کمال «اکونومی» (صرفه جوئی) مواجب آنها پرداخته شد یعنی بدون اینکه دیناری تفریط شده یا حقوق کمی لا وصول بماند \*

بیستم اوت (بیست و چهارم شعبان ۱۳۲۹) شهرت یافت که شاهزاده سالار الدوله باده هزار قشون در همدان توقف نموده و تهیه حرکت بطهران را می بیند در آن وقت تمام افواج دولتی چه در خود پای تخت و چه در اطراف بیشتر از سه هزار نفر نبودند این شهرت باعث هیجان دیگری علاوه بر سابق شد \*

سه شنبه بیست و دوم اوت (بیست و ششم شعبان ۱۳۲۹) جشن میلاد سال چهاردهم سن شاه جوان بود و بر عایت احترام آن جشن سلام بزرگی در عمارت بیلاقی خارج طهران منعقد شد من خود نتوانستم در آن سلام حاضر شوم لکن معاون بزرگم مستر کرنر در آنجا رفته بود و یکدانه دندان «نروال» (کرگدن دریائی) که آدمیرال پری (Admiral peary) از سفر سابق خود از قطب آورده و بر آن اسم منکشف معروف نقش شده بود تقدیم نمود آن دندان «نروال» (Narwhal) بتوسط شارژ دافر ایران مقیم و اشنگشون به مستر کرنر سپرده شده بود که آن یادگار قیامت را به شاه تقدیم نماید \*

سلطان احمد شاه تا آن زمان هنوز مستر کرنر را ندیده بود بواسطه سهو مترجمین شاه تا مدتی در این اشتباه باقی بود که خود مستر کرنر منکشف معروف می باشد و آمده است که آن دندان را شخصاً تقدیم نماید آخر الامر توضیحات صحیحی داده شد که مستر کرنر را آسوده نمود \*

در این موسم زندگی و تعبش در طهران آرام و راحت نبوده چرا که هوا خشک و بی درجه حرارتش زیاد بود چیزی که بسیار زحمت میداد آن گرد و غبارهای غلیظی بود که از صبح زود که عبور و مرور در کوچهها و راهها شروع میشد تا دیری از شب فروغی نشست از حسن اتفاقات در پارک اتابک مثل سایر عمارات بزرگ ایران اطاقهای زیر زمینی داشت که تالی حجرات فوقانی بود هوای آن منازل حتی در گرمترین اوقات روز خنک بود من دفتر شخصی خود را در آنجا قرار داده بودم در تمام مدت تا بستن یعنی از وسط ماه ژوئن تا آخر سبتامبر جمیع سفارت خانهای خارجه و اغلب اروپائیهای سکنه طهران و بسبباری از متمدنین ایرانی از شهر خارج شده و به امکته بیلاقی مختلفه خود که هشت میل یا بیشتر از شهر دور و در دامنه کوه واقع است میروند ولی چون در همان اوقات تازه شروع به نظم و ترتیب امور خزانه نموده بودم لازم دانستم که در شهر که ادارات دولتی نیز در آنجا بود توقف نمایم \*

در او آخر ماه اوت مطالبات پول از طرف سرداران بختیاری در طهران بعدی سخت شد که مجبور شدم تا وقتی که خدمت معین نظامی از آنها بوقوع و ظهور نرسد از قبول درخواستهاییکه در باره حقوق آنها داده شده بود انکار و نکول تمام بختیاریها تصور نموده بودند که بواسطه بیکارگی تمام افراج نظامی دولت در تنگنای مشکلات گیر کرده است و ظاهراً اراده داشتند که از موقع حاضر فائده و انتفاع کلی ببرند وضع پول دوستی آنها بعدی آشکار بود که همچنان و احساسات سختی در طهران برخلاف ایشان بروز نمود \*

در اثنا ملاقاتیکه سفرای روس و انگلیس از من نموده بودند صحبت از استعراض چهار میلیون لیره بمیان آمد که از چندی قبل با نمایندگان کپانی سلیمان و برادران لندن مشغول مذاکره و ترتیب آن بودم \*

بعد از آن سر جارج بار کلی عدم اطمینانی که از اغتشاش راههای تجار، جنوب بدولت انگلیس عارض شده اظهار نمود و سؤال کرد آیا ممکنست اقدامی برای تأمین طرق مزبوره نمود؟ من برای مشر الیه توضیح کردم که جلب ایل بختیاری از آن صفحات و طلبید نشان بطهران برای شرکت در محافظت دولت مشروطه برخلاف حمله های شاه مخلوع بی شبهه قطعات بسیاری از آن راهها را غیر مأیون گردانیده است و در چنین موقعی دولت ایران حقیقه هرگز مسئول این اتفاقات نخواهد بود ۱ بعد از آن سر جارج بار کلی رأی داد که خوبست ترتیب فراسوران و مستغظین آن راهها را خود شما بعهده بگیریید یا اقلاً عده کافی از ژاندارمری خزانه که تازه تشکیل یافته است برای عود نظم در خطوط مزبوره بگاریید و گفت که اگر بتوانم بدولت متبوعه خود ننگراف میبایم که شما راضی میباشید که این کار را بعهده خود بگیرید و وزارت خارجه انگلستانهم ازین پریشانی آسوده خواهد شد زیرا که متوالیاً در مجلس و کلاه عمومی از عدم مواضبت کافی در فوائد تجاری انگلیس در آن قسمت از ایران سئوالات و حمله های سخت میشد من جواب دادم که اگر دولت انگلیس کمک کافی در تشکیل فوری ژاندارمری خزانه نماید راضی خواهم بود که با تصویب کابینه ایران مسئولیت این امر را بعهده خود بگیرم ولی جزء اعظم تشکیل ژاندارمری خدمات ماژور استوکس میباشد و تا وقتی که خزانه از خدمات قیمتی ماژور موصوف محروم باشد معلوم نیست که چگونه ممکنست کار دیگر مشکلاتی را بعهده خود بگیرم خصوصاً کاریکه دولت انگلیس خواهش تکمیل آنرا داشته باشد

در بین صحبت باین امر دور از انصاف اشاره نمودم یعنی بوضع سلوک دولت انگلیس در انکار و تخلف از وعده خود راجع با استخدام ماژور استوکس و اتحاد و شرکت علنی با مقاصد روسها حتی در مداخله در حقوق بسیار جزئی سلطنت شاهنشاهی ایران بطور مزاح با تبسم گفتم نظر باینکه سلوک دولین تا ایندرجه برخلاف ترقی ایرانست اگر بعضی امتیازات بدولت آلمان که از چندی قبل ساعی بوده که در قسمت غربی ایران راهی یابد داده شود شاید مناسب باشد وزیر مختار انگلیس بقسمی از این شوخی مرعوب شد که من فوراً حرف خود را تغییر داده و مذاکره مذکوره را مسکوت عنه گذاردم \*

در این زمان بگذشته بختیاری در تحت ریاست امیر منجم در حدود همدان ساخلو بوده که از پیشقدمی اتباع سالار الدوله جلوگیری نمایند (۱) بختیار بهای مزبور موجب خود را گرفته بودند ولی سرداران آنها خصوصاً سردار جنک که یکی از برادران صمصام السلطنه بود در طهران درخواست و اصرار زیادی نمود که مبلغ دیگری موازی شصت هزار تومان بایشان داده شود قبل از اینکه امیر منجم و سوارانش مأمور بر رفتن بمیدان جنک بشوند خیال این لقب زدن بخزانه دولت ورشکسته ایران چنان بی پرده بود که مجبور شدم خیال مزبور را با داره روزنامه داخلی اطلاع بدهم آن خیر بزودی در طهران شهرت یافته و سرداران بختیاری را مضطرب و پریشان نمود \*

یست و هشتم اوت (سوم رمضان ۱۳۲۹) ترکمانانی که در تحت حکم ارشد الدوله بودند هنگامی که بطرف طهران پیش می آمدند در نزدیکی قصبه ایوان کیف با دسته مختصری از افواج غیر منظم دولتی مصادف شده و آنها را شکست دادند قصبه مزبوره بنجاه و شش میل از پای تخت فاصله دارد فوراً کمک مختصر دیگر در تحت ریاست امیر مجاهد برادر کوچک صمصام السلطنه فرستاده شد \*

چهارم سنابتر (دهم رمضان) خبر رسید که ارشد الدوله نزدیک قریه امامزاده جعفر که بفاصله چهل میل طرف جنوب شرقی طهران واقع است رسیده فوراً یفرم سیصد و

(۱) صداقت و درستکاری امیر منجم امر بسیار مشکوکی بود دو سال قبل در سنه ۱۹۰۹ م برخلاف مبین طرفدار شاه مخلوع بود چندی بعد از حرکات جبوتانه اش در جنگی که بین قسمت از اتباع سالار الدوله و بختیار بهای ابواب جمعی مشارالیه واقع شد بدگمانی مردم نسبت باغراض حقیقی اویقین پیوست آن دسته سواران دولتی بدون اینکه مدافعه از خصم کنند شکست خورده و فرار نمودند \*

نیاه سوار انتخاب نموده با تفاق مازور هاز مشاق آلمانی تویخانه با یک عراده توپ ما کریم و سه عراده توپ شنیدر سریع الاطلاق از طهران حرکت کرد شهرت نمود سواران بختیاری که در تحت فرمان امیر مجاهد بوده شکست خورده اند مستر مور واقع نگار روز نامه تمس لندن و مستر مولونی ( m. moloney ) مخبر اداره روفر با مستر مریل ( m. morrill ) معاون امریکائی من که چندی قبل وارد طهران شده و در فوج ژاندارمری خزانه مستخدم بود میدان جنگ روانه شدند باین خیال که با فوج دولتی ملحق شده و آن جنگ را علانیة مشاهده نمایند \*

سه شنبه پنجم سپتامبر ( یازدهم رمضان ۱۳۲۹ ) ساعت یازده صبح ( یک ساعت قبل از ظهر ) افواج ملی در تحت حکم یفرم به اتباع شاه مخلوع که در تحت فرمان ارشدالدوله بودند حمله کردند اتباع ارشدالدوله مشتمل بر دو هزار نفر ترکان و عده از اهالی ایران که هزار و چهار صد نفر آنها سواره و افواج دولتی مشتمل بر پانصد نفر سوار بختیاری و صد و هشتاد نفر از داوطلبان ارمنی و عده قلیل ژاندارم بانضمام سه عراده توپ شنیدر و یک دستگاه توپ ما کریم سوارهای بختیاری در تحت حکم صریح سردار بهادر و سردار محشم بودند و سایر افواج دولتی در تحت فرمان امیر مجاهد و در دو میل امامزاده جعفر با ارشدالدوله مقابل شدند آنها مرکب از چهار صد نفر بختیاری و عده قلیلی ژاندارم بودند ساعت یک قبل از ظهر ارشدالدوله از تپه که بقدر نیم میل مربع فضای آن بود بالا رفته و آنها را سنگر قرار داد و با چهار توپ خود از خصم مدافعه می نمود سیصد نفر ترکمانها را به کسارت و رامین فرستاد که اهالی را مضطرب نمایند و قتیکه افواج دولتی در تحت حکم یفرم آن روز صبح بحوالی محل مزبور رسیدند صدای شلیک توپ و تفنگ شنیده میشد که بین افواج امیر مجاهد و ترکمانها رد بدل میگردد \*

یفرم مازور هاز و سردار بهادر و سوارهای ابواب جمعی مشارالیه را با توپ ما کریم محل مرتفعی سمت بنین افواج ارشدالدوله فرستاد ایشان از راه مخفی و پناهمگاهی که بنظر نمی آمدند به آن محل مرتفع رفته و فوراً با توپ ما کریم شروع به آتش فشانی به ترکمانان نمودند مطابق تقریر خود ارشدالدوله در موقع استعطاق ( بعد از آنکه دستگیر شد ) غرش توپ ما کریم ترکمانها را مرعوب ساخته و زهره خود را باخند سرکردگان آنها هر قدر سعی کردند که آنان را منظم نگاهداشته و از فرارشان مانع شوند نتوانستند و قتیکه سواره بختیاری در تحت سرکردگی سردار بهادر برایشان حمله نموده و آنها را در هم

شکستند ترکمانان با کمال خوف و دهشت فرار را برقرار اختیار نموده و پای ارشدالدوله زخم برداشته و نتوانست فرار نماید دسته از بختیاریها مشارالیه را دستگیر نمودند \* از ترکمانان بین شصت و هفتاد نفر مقتول و سیصد یا چهار صد نفر مجروح و دستگیر شدند باقی آنها از طرف جنوب بسرعت هر چه قناعت فراراً داخل جاده مشهد شده که از آن راه محدود و سامان خود که در سرحد شمال شرقی ایران واقعست مراجعت نمایند جنگ مزبور ساعت یک بعد از ظهر روز سه شنبه ختم شد بختیاریها تعاقب از خصم نفوذ زیرا که اسبهای آنها بواسطه مسافت طولانی شب گذشته و صبح آن روز خسته بودند \*

در نیمه شب بعد ارشدالدوله را بار دوگاه در پرده و چادر خود بفرم بردند سرداران ملی با کمال حسن خلق و خوش سلوکی با لورفتار کرده و زخم مشارالیه را شسته و مرهم نهاده و او را آرام و راحت نموده خوراک و آسامیدی و سیگارت نیز برای او حاضر کردند ارشدالدوله در وسط دایره که مرکب بود از یفرم و مازور هاز و سرداران بختیاری و مستر مور و مستر مولونی و مستر مریل تکیه داده بود \*

از حرکات شاه در وینه و اقدامات بعد از بیرون آمدنش سؤال نمودند جواب داد که با محمد علی میرزا دو مرتبه سفیر وینه روس را ملاقات نمودم سفیر بشاه گفت که « نه دولت روس میتواند در این کشمکش داخلی شرکت و مداخله نموده و شما را امداد دهد و نه دولت انگلیس یعنی در ورود شاه بایران برای استرداد سلطنت لکن اگر شما خودتان بتوانید این کار را انجام دهید راه صاف و بین مانع است » ارشدالدوله گفت که محمد علی قشون و اسلحه و پول از سفیر مزبور خواست ولی سفیر جواب داد ممکن نیست بفر حال سفیر روس قدری اطمینان بآداد که توانستیم سه عراده توپ اطریشی که در صندوقها بسته بودیم همراه خود از وینه بیاد کوبه آورده و از مملکت روسیه بدون هیچ اشکال و مانعی عبور دهیم برای تذکره و اسبابهای ما پرش و دقتی بعمل نیامد وقتی که سؤال نمودند که چگونه آن صندوقهای وزین و قورخانه را از روسیه عبور دادید که حقیقت امر مکشوف نشد ؟ جواب داد که بر آن صندوقها آب معدنی نوشته بود : محمد علی هم یا تذکره جعلی و راحتی سفر میکرد در آن تذکره اسم او خلیل نام ناچ بغدادی نوشته شده بود \*

ارشدالدوله مقداری قورخانه و جبهه خانه همراه داشت و نوکرهای او همه مسلح

بودند به تفنگ های کاربین (Carbines) (لوله کوتاه) اطربشی برای سوار و یک صندوقی همراه داشت که مبلغ بسیاری مسکوک ایران در آن بود \*

در بین گفتگوی با سرداران خواهش و التماس زیادی بر ایشان خود کرد که از کشتنش صرف نظر نمایند لکن با عبارات مختصر و باطلاح تمام خواهش نمود که مجلس را ختم کرده و بگذرانند آرام کنند سرداران با اطمینان دادند که امشب را میتوانی به آرامی و راحت تمام خوابیده و برای فردا مهیا باشی \*

صبح زود روز بعد بیست نفر ژاندارم ما مور شدند که ارشدالدوله را در حالتیکه دستپایش باز بود نزدیک دیواری برده و بر او شلیک کنند بعد از شلیک پرو افتاده و دستهای خود را بلند نموده و حرکتی داد ولی بعد از امتحان معلوم شد که هنوز زنده است و فقط یک گلوله باو خورده چند دقیقه او را بهمان حال گذارده و ژاندارم ها را امر بپایز گشت نموده و بعد از آن دسته از داوطلبان ارمنی را حکم به پیش رفتن دادند زیرا که ژاندارمها نیز اندازی بسیار بد مشکوکی امتحان دادند دراز گوشه را که اتفاقاً ما بین ارشدالدوله و دیوار آمده بود از آنجا راندند در این حال ارشدالدوله برانوبلند شده و به فارسی بصدای بلند گفت «زنده باد محمد علی شاه» و قتیکه شلیک دوم را بردند چند گلوله باو خورده و فوراً افتاد و مرد \*

در هنگام گلوله ریزی بارشدالدوله نه یفرم در آنجا بوده و نه سرداران بختباری ولی مستر مور و مستر مولوف و مستر مریل حاضر بودند \*

ارشدالدوله بدون اظهار خوف و بدون هیچ آثار ندامت و اتعالی از افعال خود که برخلاف دولت اقدام کرده بود جان داد قبل از کشته شدن خواهش کرد که نعش را در طهران پیش عیالش فرستاده و «لاکت» (Locket) (مدال بیضوی شکل کوچکی که از طلا ساخته و تصویر کوچک و یا چیز یادگاری در آن میگنارند) با زنجیر طلا که در گردن داشت یا نعشش دفن نمایند ششم سپتامبر (دوازدهم رمضان ۱۳۲۹) او را بطهران آورده و روز دیگرش در میدان توپخانه برای معاینه عمومی نعشش دادند نعش او را جلو عرابه منعاری و داشته و جمیعت کثیری از مردم آن منظره را مشاهده نمودند مقصود از آن کار غیر عادی لزوم این مسئله بود که دولت خواست مردم واضح و ثابت شود که ان جنرال مشهور واقعا کشته شده و ترکانه شکست خورده اند روز بعد یفرم گفت سبب قتل فوری ارشدالدوله در میدان جنگ این بود که اگر او زنده

بطهران می آورند بی شبهه سفارت روس بهانه برای استخلاصش فراهم می نمود \*

روی هم رفته فتح ضرور ملین آخرین لطمه و ضربتی بود که بامید واریهای شاه مخلوع در گرفتن طهران وارد آمد ارشدالدوله از جبری و ماهرترین جنرالهای شاه مخلوع بشاری آمد و به تردستی و چالاکي عجیب متهورانه خود را بهبل میلی های تخت رسانید اگر فزون یفرم مانع از پیش آمدن مشارالیه نشده و او را شکست نداده بود بی شبهه بدون هیچ مدافعه مؤثری طهران بتصرف او در آمده و برای غارت و بقا بترکانان سپرده می شد تمور نتیجه بیجان شدن هزارها مردم وحش در شهر و جوار خود سرانه و غارت دل بخواه امر بسیار مشکل و هواناکی بود چهار عراده توپ و عده بسیاری تفنگ ریفیل که غنیمت افواج مل شده بود با عده کثیری از ترکانهان اسیر شده را که غالب آنها پیر و بارشهای سفید بودند در چند روز بعد وارد طهران نمودند قسمت عده ترکانها که از جاده خراسان (سرخاقت) معجلاً فرار نموده همچو گمان میکردند که سوارهای بختباری ایشان را تعاقب خواهند نمود با اینکه یک نفر سوار هم عقب آنها نرفت طوری پیشاپیش فرار نمودند که تعداد زیادی اسبهای آنها از خستگی بیکار شده و سقط گردید تلگرافخانههای کرچک بسیاری در ارض آن راه متعلق بشعبه مشهد کهنی هند و اروپا واقع است رئیس تلگرافخانه آجلیس طهران که رئیس کل شعبهای مزبوره بود بجزد اینکه از شکست ترکانهان مطلع شد فوراً تمام تلگرافخانه بین راه تلگرافاً دستور العمل داده و سفارش نمود که در هر جا ترکانها اطلاع دهند که «بختبارها در بی ایشان میباشند» نتیجه آن تدبیر این شد که باغبان بسرعت تمام گریخته و نتوانستند اهالی دهات و قره کوچک بین راه را غارت نمایند چنانکه سابقاً غارت کرده و باو رحتم بازهم غارت میکردند \*

در آن موقع خبر رسید که شجاع الدوله با استعداد زیادی از شاه سوند ها شهر تبریز را تهدید شدیدی می نماید بهر حال بعد از شکست ارشدالدوله بقیه السیف قشوقی که شاه مخلوع و همراهانش امیدواریهای پانینی به آنها داشتند فقط افواج برادرش شاهزاده سالارالدوله در حدود میدان بودند \*

## «باب پنجم»

اقدامات نظامی و لشکری برای جلوگیری و دفع شاهزاده سالارالدوله شکست خوردن مشارالیه از قشون درانی نتایجی که از ضبط نمودن دولت املاک شعاع السلطنه را بعمل آمد سواد مراسله خود که به تمس لندن نوشته بودم \*

در اوائل سبتمبر افواج دولتی که در تحت حکم امیر مخم سردار بختیاری بودند در حدود قصبه ملایر از اتباع شاهزاده سالارالدوله شکست خورده و از بختیاری ها دو بیست نفر اسیر و مقتول بشمار آمد و نیز مقداری تنک و فشک و توپ بغارت رفت سردار غدار شان اظهار نمود که مبلغ بازده هزار تومانی که چند روز قبل از شعبه بانک شاهنشاهی همدان گرفته بود نیز بغارت رفته است بک جنرال دیگر دولتی که معروف بامیر نظام بود چند عراده توپ بزرگی که دولت برای محافظت همدان بمشارالیه سپرده بود بطریق بسیار مشکوکی بسالارالدوله تسلیم نمود \*

یازدهم سبتمبر (هفدهم رمضان ۱۳۲۹) نیز جنگ دیگری مابین افواج دولتی در تحت ریاست معین هایون و اتباع و همراهان شاه مخلوع و برادرش شعاع السلطنه در سوادکوه واقع گردید عساکر شاه مخلوع بکلی شکست خورده و آن دو برادر با کمال تمام در تاریکی مه غلیظی فرار نمودند در آن موقع شهرت یافت که شاه با هفت نفر از همراهانش بقمش تپه فرار نموده است \*

هجدهم سبتمبر (بیست و چهارم رمضان) سالارالدوله بسمت طهران حرکت نمود در صورتیکه علی الظاهر هیچ گونه مانعت و جلوگیری از طرف افواج دولتی بعمل نیامد در اعلانی که بملت نموده بود خود را شاه خوانده و از محلی هم بیست و زرا و مجلس تلگراف نموده و ایشانرا به «مجلس من و وزراء من» خطاب کرده بود بیست و هفتم سبتمبر (سوم شوال ۱۳۲۹) پس از آنکه بفرم و توپخانه اش با سواران داوطلب به بختیارپا ملحق شده و با تمام قوای سالارالدوله مصادف گردید در ده کوچکی معروف به باغ شاه که مابین شهر قم و قصبه نویران در نود مایلی طرف جنوب شرقی طهران واقعست عساکر باغی را شکست دادند از سرداران بختیاری سردار بهادر و سردار محشم و سردار جنگ همراه بفرم خان بودند عساکر سالارالدوله کلاً شش هزار نفر بوده بانصد

نفر از ایشان مقتول و مجروح و دو بیست نفر دستگیر شدند در صورتیکه عدد افواج دولتی در هر صورت کمتر از دو هزار نفر و عدد تلفاتشان حیرت انگیزانه فقط دو نفر مقتول و شش نفر مجروح بشمار آمد شش عراده توپ و مقدار زیادی فشک و جبه خانه بتصرف لشکر ملی آمد و شاهزاده سالارالدوله بسزعت هر چه تمامتر پشت بمیدان جنگ نموده و بطرف جنوب غربی فرار کرد و آرزوی طهران و سلطنت از سرش فوراً محو و نابود گردید اگر افواج ملی مشارالیه را فوراً تعاقب نموده بودند بدون شک دستگیر شده بود زیرا که در محلی بیشتر از چند میل با عساکر ملی فاصله داشت \*

بهر حال در اوائل اکتوبر ملتیان در دو جنگ فاتح و مظفر گردیدند نتیجه این شد که شاه و برادرانش فرار نموده و عساکر و عناصرشان از هم پاشیده و متفرق گردید \*

افتخار دو فتح مزبور بواسطه قدرت و جرأت و اقدامات مدبرانه بفرم خان حاصل گشت مشارالیه پس از مراجعت بطهران مورد اعطاء یک شمشیر مرصع و بکاندانی افواج شالی و ماهی سیصد تومان موجب از طرف مجلس منفر گشت \*

چند دسته کوچک از پیروان شاه مخلوع هنوز در حدود استرآباد باقی بودند که قریب هشتم اکتوبر (چهاردهم شوال) معین هایون با پانصد نفر سوار بمقابله و مذاافه ایشان بدان صوب رهسپار گردید \*

نائب حسین دزد معروف در حوالی شهر کاشان که در نقطه جنوبی طهران بین قم و اصفهان واقع است دو باره بنای مخالفت و سرکشیرا گذارده و اسباب زحمت دولت گردید دولت بر حسب رأی من دو بیست و پنجاه نفر از بریگاد قزاق با چند صاحب منصب روسی برای جلوگیری مشارالیه گسیل داشت که بسبب نقر سواران بختیاری که از سمت اصفهان می آمدند ملحق شده و متفقاً با او مقابله کنند ولی بدون اینکه قزاقها اقدامی نمایند که از آن نتیجه صحیح عملی حاصل شود بطهران مراجعت نمودند \*

چهاردهم اکتوبر (دهم شوال ۱۳۲۹) از هیئت وزراء حکمی صادر شد که از حیث خزانه داری کل باید اموال و املاک شاهزاده شعاع السلطنه و سالارالدوله را توقیف و ضبط نموده و جزء خزانه محسوب دارم \*

بدون شبهه صدور حکم مزبور بقاعده و مطابق قانون بود زیرا که آن اشخاص نه فقط نقض عهد و مخالفت با دولت مشروطه نموده بودند بلکه سر کرده و رئیس یاغیان شده و بزه آنها شرکت علنی در بغی و فساد نمودن \*

وقتی که دولت ایران با اقدام در این امر مصمم شد یکی از اجزای وزارت خارجه را  
بمسافرانهای انگلیس و روس فرستاد نقطه باین قصد که خیال مزبور را دوستانه بایشان  
اطلاع داده و این نکته را هم گوشردشان نماید که چنانچه ایشان نسبت با املاک مشار  
الیهما ادعائی داشته باشند دولت منافع و حقوق اجانب را بحال خوبی حفظ خواهد نمود  
هیچ يك از آن دو سفارت اظهار تعرض و مخالفتی نمودند \*

یکی از مواد فقرات حکم مزبور نیز همین مسئله بود که در فقره فوق گذشت \*  
دوشنبه نهم اکتوبر (پانزدهم شوال ۱۳۲۹) برای اجراء حکم مزبور دستور العملهای  
لازمه دادم چون برای ضبط املاک مزبوره هیچگونه اشکالی متصور نبود شش دسته  
هفت نفری که هر دسته مرکب بود از يك نفر مستوفی (مناسب) خزانه و يك صاحب  
منصب ژاندارمری و پنج ژاندارم خزانه برای توقیف و تصرف آن املاک مأمور نموده  
و بایشان امر کردم که تمام املاک مشارالیهما را چادر خود شهر و چه در خارج شهر از  
طرف دولت در قبضه تصرف خود در آورند \*

بزرگترین آن املاک پارک و عمارت شاهراه شعاع السلطنه بود که در نزدیکی  
پارک اتابک (یعنی در آن محله) واقعست عمارت مزبوره بسیار عالی و از مباهای کیاب  
گران بها از قبیل پده ها و فروش (قالی) و اشیاء متفرقه دیگر بر بود اطراف عمارت  
مزبوره باغ بزرگی بود که بدوایرهای ضخیم محکی تحاطب بود در آن عمارت بعضی از  
زوجات و اطفال و مادر شعاع السلطنه اقامت و سکنی داشتند \*

و قایمیکه در موقع ضبط املاک معهوده اتفاق افتاد از راپورت رسمیکه ذیلآ درج  
شده بخوبی معلوم می شود :- بتاريخ دهم اکتوبر (شانزدهم شوال ۱۳۲۹) سواد این  
راپورت را در جزه راپورت خود برای هیئت وزراء فرستادم ترجمه راپورت مزبور که  
اصلاً بزبان فرانسه نوشته شده بود بر حسب ذیل است :-

طهران: دهم اکتوبر ۱۹۱۱ خدمت هیئت وزراء افتخار حاصل میکنم که راپورت  
ذیل را که بآداریه خزانه رسیده راجع باجاء حکم توقیفی مورخه چهارم اکتوبر ۱۹۱۱  
(شانزدهم شوال ۱۳۲۹) که از طرف آن هیئت محترم در خصوص ضبط تمام املاک  
شعاع السلطنه و سالار الدوله باغبان بنام دولت شاهنشاهی صادر شده بود بعضی برسانم  
بموجب حکم مزبور شش دسته که هر دسته مرکب از يك مأمور محاسب و يك نفر  
صاحب منصب پنج نفر از ژاندارمری بود دستور العملهای لازم و توضیحات راجع بچگونگی

و محل هر یکی از شش ملك مزبور دادم \*  
چهار پارچه از آن املاک متعلق بشعاع السایطنه است يك باغ در شهر و باغ دیگر  
در نزدیکی قلعه معروف به چیز و دو ملك دیگر واقع در خارج طهران معروف به دولت  
آباد و منصور آباد و دو ملك دیگر که یکی در بلوک شهر یار و دیگری مردآباد می باشد  
متعلق بسالار الدوله است \*

به مأمورین دستور العمل داده بودم که املاک مزبوره را باسم دولت با صلح  
و مسالمت قبضه و تصرف نموده و مباشرین و ضباط مراتب مندرجه حکم هیئت وزراء را  
اطلاع دهند و چنانچه آن املاک در اجاره اتباع خارجه باشد بمسئولین اطلاع  
دهند که از طرف دولت شاهنشاهی بحال خوبی رعایت احترام فرار دادشان خواهد  
شد ولی مال الاجاره را تا انقضاء مدت اجاره باید بموجب اقساط مقرر در اجاره نامه  
بخزانه دار کل دولت به پردازند \*

بعبارت صریح و ساده به مأمورین سفارش و تأکید نموده بودم که اگر واقعه غیر  
منتظره رخ نماید در نهایت حزم و احتیاط و با کمال تحمل و بردباری سلوک نمایند و در  
هر صورت باید هیچگونه سختی اگر هم لازم شود بدون اطلاع راجزه من ننمایند \*  
دیروز که نهم اکتوبر (پانزدهم شوال ۱۳۲۹) بود ساعت ده صبح یکی از آندسته  
ها که عبارت بود از يك نفر محاسب و دو نفر مهندس و يك صاحب منصب و چهار تالین  
ژاندارمری خزانه بطرف پارک شعاع السلطنه (که واقع در شهر است) روانه شدند \*  
ترجمه راپورت نهم اکتوبر را که با مضامین علی اصغر صاحب منصب ژاندارمری و  
محمد ناظر افسر اهل قلم خزانه بود ذیلآ مینگارم :-

(خدمت مسر شوستر خزانه دار کل ایران: امروز که پانزدهم شوال است ساعت  
ده صبح (دو ساعت به ظهر مانده) امضا کتنده ذیل بهسراهی میرزا علی اصغر خان و دو  
نفر مأمورین مهندس خزانه و چهار ژاندارم بپارک شعاع السلطنه رفتیم وقتی که بدر  
پارک رسیدیم چند نفر از قزاقهای ایرانی ما را از دخول منع نمودند پس از آنکه حکم  
ضبط تمام املاک شعاع السلطنه را ارائه نمودیم داخل باغ شده و بکنفر ژاندارم را  
نزدیک در باغ گذاردیم سپس بیاز نمودن اطرافها و نوشتن صورت اثاث البیت و مباهای  
شروع نمودیم \*

در این اثناء يك نفر قزاق بتوسط تلفون بقزاق خانه اطلاع داد بفاصله کمی دو نفر

صاحب منصب روسی وارد شده و با نشد تمام گفتند « شما حق داخل شدن باغ را نداشته و باید فوراً خارج شوید » همینکه میرزا علی اصغر خان بزبان روسی اظهار داشت که بموجب حکم دولتی ما مور بتوقف می باشیم ایشان بنای تهدید را گذارده و گفتند « چنانچه فوراً خارج نشوید بقزاقها فرمان خواهیم داد که شما را گلوله ریز کنند » و واقعاً هم دوازده نفر قزاق روس که منتظر ورود شان بودند طلبیده و ایشان را بحمله و بورش با حکم نمودند میرزا علی اصغر خان هر قدر سعی و کوشش نمود که بتوسط تلفون پیش آمد حال را اطلاع دهد بی سود شد چون اجازه و حکم سخت گیری پیش از آن نداشتیم ما مورین خود را طلبیده و از باغ خارج شدیم با اینحال افسران و قزاقهای روسی تا منتهی الیه خیابان بتعاقب ما آمده و تخوف می نمودند که تعجیل در رفتن کنیم \*

( امضاء : محمد نظر \* علی اصغر )

و بموجب راپورت شفاهی که این مامور خزانه داد صاحب منصبان روسی بالباس تمام رسمی نظامی و کامل السلاح بوده و مامورین را تهدید به قتل نموده بودند \* پس از آنکه مامورین از باغ خارج شده و راپورت قضیه را بن دادند ساعت بازده و نیم صبح ( نیم ساعت به ظهر مانده ) تلفون ذیل را بجناب مسیو پاکلیوسی کزیر وزیر مختار روس نمودم :-

( زرگنده : عالیجناب مسیو پاکلیوسی کزیر وزیر مختار روس )<sup>۱</sup> متأسفم از اینکه بیجا باعالی اطلاع دهم که امروز ساعت نه صبح نمایندگان خود را بصحابت حکمی که از طرف دولت شاهنشاهی برای ضبط املاک شعاع السلطنه صادر شده بود فرستادم پس از آنکه نمایندگان مزبور باغ مشایر الیه را تصرف نموده و مشغول به ترتیب فهرست رسمی بودند دو نفر صاحب منصب روسی باده تفرق قزاق روس از قونسلخانه شما به باغ مزبور رفته و مستحفظین و نمایندگان را امر بخروج کرده و ایشان را تهدید نموده اند که چنانچه خارج نشده یا مرتبه دیگر در آن حدود و خیابان بروند بر آنها شلیک نمایند نمایندگان بواسطه این تهدید از آن محل خارج شدند یقین دارم که جنابعالی خواهید دانست که این وضع سلوک و رفتار صاحب منصبان قونسلخانه شما بکلی ناجائز و خارج از قاعده بوده است دوستانه مائمس و خواهش نمودم که به قونسلخانه خودتان فوراً حکم به برداشتن سر باز و مستحفظین باغ مزبور داده و خروج ایشان را بمن اطلاع خواهید داد \*

( امضا : دیلیو مورکان شوستر خزانه دار کلی \* )  
پس از تلفون مزبور مراسله نیز برای تاکید و توثیق آن تلفون به مسیو پاکلیوسی کزیر نوشته و فقره که زیلاً نگاشته میشود بر آن افزودم :- ( چون حکمی که از طرف هیئت وزراء صادر شده فوری الاجراء است تا کزیرم از اینکه حکم مزبور را بتوقع اجراء گذارم باین جهت مناسب دانستم که جنابعالی را مطلع نمایم از اینکه فردا صبح ساعت ده نمایندگان خود را فرستاده که باغ مجروش عنه را تصرف نمایند صمیمانه متوقع و امید وارم که اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد که هیچ واقعه ناگواری واقع نشود و مجدداً اظهار تأسف می کنم از اینکه تجدید رای حاصل شود ( من هستم وزیر عزیزم ) ( ۱ ) \*

ساعت بازده شب جواب تلفون از طرف مسیو پاکلیوسی کزیر بر حسب ذیل رسید :- بحرمانه : طهران : مسیو مورکان شوستر : تلفون و مراسله شمارسید دولت آباد ملکی است که در اجاره دو نفر از رعایای روس می باشد و باید هیچ اقدامی بر خلاف اجاره ایشان کرده نشود مگر در صورتیکه جنرال فونسل مطمئن شود که منافع رعایای روس محفوظ و مداخله و تصرفی در کنترات ( قرارداد ) مستاجرین نخواهد شد با رعایت صریح شرط مزبور از جانب سفارت روس در اقدامات دولت ایران در باره ملک شعاع السلطنه ممانعتی نخواهد شد سفارت روس دولت ایران را مسئول هر گونه دعوی که رعایای روس بر شعاع السلطنه دارند خواهد دانست ( امضا : پاکلیوسی ) \*

توجه مخصوص هیئت وزراء را معظوف بدین مسئله میگردانم که عالیجناب سفیر روس نه فقط جواب خواهشیکه در تلفون خود راجع به برداشتن سر بازان و مستحفظینشان از باغ شعاع السلطنه واقعه در طهران نموده بودم مسکوت عنه گذارده بلکه در جواب تلفون خود اشاره بملک دولت آباد کرده که خارج از شهر و ابتدا ذکر می در هیچ یک از تلفون و مراسله خود از آن نکرده بودم \*

پس از اطلاع ثانوی بیجناب وزیر مختار روس که امروز ساعت ده صبح ما مورین و نمایندگان خود را بباغ شعاع السلطنه برای ضبط و تصرف خواهم فرستاد و ابتدا جوابی شنیده نشد امری بغیر از اجراء اراده قانونی خود باقی نماند \*

( ۱ ) کلمه من هستم کنایه از احترامات دوستانه است \*

امروز صبح ساعت ده مستر کرنز نماینده خود را با پنجاه نفر ژاندارم خزانه و پنج صاحب منصب ایرانی فرستادم بانضمام پنجاه نفر ژاندارم اداره پولیس شهر در تحت فرمان سه نفر از صاحب منصبان خود شان تمام هیئت نظامی مزبور در تحت حکم صریح یکی از معاونین امریکائییم مستر موریل بود \*

مستر موریل و سایر صاحب منصبان سفارش و غدغن اکیدی نمودم که بموجب آن باغ شعاع السلطنه را اگر ممکن باشد بصلح و مسالمت تصرف و ضبط نمایند و چنانچه از طرف مستحفظین سابق اظهار مخالفت و مانعنی شود هیچگاه سبقت در بکار بردن قوه جبری نکرده و تأمل کنند تا از طرف فراولان به آنها حمله شود ولی در هر صورت باید حکم مزبور را اجراء نموده و باغ را تصرف نمایند \*

پس از گرفتن حکم و دستور العمل و رسیدن محازی باغ مستر کرنز و مستر موریل با یکتفر صاحب منصب ژاندارم خزانه که زبان روسی میدانست بقونسلخانه روس که نزدیک بود رفته و مسبوقاً بختیانتف جنرال فونسل روس را ملاقات نمودند مستر کرنز بعاونت صاحب منصب ژاندارم صری غرض خود را بجنرال فونسل روس فہمائید و حکمی که بایشان داده شده بود برای مشار الیه خوانده و اظهار داشت که اداره خزانه رعایت احترام حقوق اتباع خارجه را خواهد نمود سپس مستر کرنز از مشار الیه خواہش نمود که فراولان باغ را از آنجا بردارد \*

پس از مختصر مذاکره جنرال فونسل از برداشتن مستحفظین و مامورین خود صریحاً امتناع نمود این تکتہ را ہم توضیح می نمایم کہ از تقریرات و بیانات جنرال فونسل برای مستر کرنز و مستر موریل یقین قطعی حاصل شد کہ خود مشار الیه مستحفظین را در باغ مزبور از طرف خود گذارده است باز ہم تکرار میکنم کہ فونسل مزبور انکار صریح از خارج نمودن فراولان خود نمود باین واسطه مستر کرنز بشار الیه اطلاع داد کہ امروز باغ مزبور را بقوه جبری تصرف خواهد نمود \*

بعد از آنکہ اقدامات لازمه بعمل آمده و حجتہ تمام شد ژاندارمهای دولتی بطرف در آهن باغ رفتند در آنجا شش ہفت نفر قزاقهای ایرانی را با تفنگهای ریفل دبدہ و بہ آنها امر نمودند کہ در را باز نمایند و چنانچہ از دخول ژاندارمهای دولتی بصلح و مسالمت مانع نمایند قوه جبریہ بکار برده خواهد شد قزاقهای ایرانی جواب دادند کہ کلید پیش ما نیست چون مامورین دولتی نمیخواہند کار بطول بیانجامد بطرف در دیگر باغ

کہ فاصلہ کمی با در آهن داشت رفته و از آن در داخل شدند و بقزاقان ایرانی اطلاع دادند کہ در صورت عدم مخالفت و مانعت و تسلیم اسلحہ میتوانند بہ آرامی و خوشی از آن محل خارج شوند قزاقها ہم قبول کردہ و ہم از تسلیم اسلحہ خود بصلح و مسالمت خارج شدہ و باغ را بتصرف ژاندارمهای خزانه دادند \*

احکام موہکہ سخت در برداشتن صورت صحیحی از میل و اثاثیہ و سایر اموال موجودہ بہ مامورین داده شدہ بود و ہمہ با نظر المانع داده شد کہ زحمنی برای زنہائی کہ در اندرون می باشند نخواہد بود و کس متعرض ایشان نمیشود تا بوقت فرصت خود شان خارج شوند علاوہ بر این بتوسط یکی از منسوبین خانوادہ کہ در اندرون سکونت داشتند پیغام داده و اظهار تاسف از لزوم آن اقدام کہ باعث زحمتشان شدہ بود نمودہ و گفتیم « حضرات مطمئن باشند کہ کسی زحمت و تعرضی بایشان نخواہد داشت و میتواند تا زمانیکہ منزل دیگری برای خود ترتیب دهند درہنجا بمانند» \*

امروز ساعت دو و نیم بعد از ظہر راپورت تلفونی از صاحب منصب ایرانی کہ در باغ گذارده بودم رسید کہ چند دقیقہ قبل سه نفر صاحب منصب کہ دو نفر شان از قونسلخانه روس و دیگری ایوب خان سرہنک بریگد فراق بود بالباس روسی و مسلح بدر باغ آمدند فراولان بادست ایشان اشارہ کردہ کہ کمی اجازہ داخل شدن ندارد صاحب منصب قزاق مزبور از کالسکہ پیادہ شدہ و بطرف در بغ آمد افسران روسی فریاد کردند کہ « اگر بیشتر بروی فراولان ترا با گولہ خواہند زد! » جواب گفت « نہ! » کشیکچیان بایشان گفتند « ما اجازہ شدک نداریم » بر حسب اطلاع صحیحی کہ رسیدہ روسها بتای توهین و تہدید را بصاحب منصبان و مامورین دولتی گذارده و پس از چند دقیقہ بدون وقوع حادثہ سراجعت نمودند \*

دو روز ساعت شش عصر ( قریب بغرب ) راپورت زبانی از مامورینیکہ کہ برای ضبط نمودن دولت آباد و منصور آباد فرستادہ بودم رسید کہ پس از آنکہ بادستہ های خود بدو محل مزبور رسیدہ و حکم ضبط و تصرف آندو ملکہرا برای کسانی کہ حاضر بودند خواندہ و بسہوات تمام ہر دو ملکہرا تصرف نمودند پس مستحفظی برای در معین نمودہ و وارد عمارت دولت آباد شدند پس از اندک زمانی دو نفر افسر قونسلخانہ روس بالباس روسی بہراہی چہارہ ہارڈہ نفر قزاقان روسی بغتہ وارد شدہ و داخل عمارت گردیدند یکی از افسران قونسلخانہ روس بک دست صاحب منصب ژاندارم صری را گرفته

ویک قزاق روس دست دیگرش را و شروع بگردش و تجسس لباس های آن افسر نمودند که مبدا اسلحه با او باشد پس از دستگیر نمودن افسر مزبور ژاندارمه‌ها را هم یک در امکه مختلفه که بودند دستگیر نموده و اسلحه آنها را گرفتند و ایشان را در اطافی در تحت مستحفظی سه نفر قزاق حبس نموده و از آنجا به منصور آباد که فاصله دو کیلومتر است رفته و در آنجا هم همین کار را کردند پس از جمع نمودن مجوسین افسران قونسلخانه روس صاحب منصبان دولت را با خود سوار کالسکه نموده و سایر ژاندارمه‌ها را سوار الاغ نمودند و ایشان را به آنجالت مانند مقصرین و مجرمین در تحت حراست قزاقها بقونسلخانه روس در طهران بردند \*

در قونسلخانه صاحب منصبان روسی با افسران دولتی گفتند که « چون شعاع السلطنه و سالارالدوله رعیت روس میباشند » دو باره نباید مرتکب چنین امری بشوید و پس از تاکید زیاد اسلحه و فشنگهای ژاندارمه‌ها را به آنها داده و ایشان را مرخص نمودند \*

اما نتیجه اقدامات راجعه بملك چيزر که نزدیک قلهك است بموجب راپورتیکه از دسته مأمورین آنجا رسیده این شد که بدون اشکال چيزر را بصلح و مسالمت تصرف نمودند \*

اقدامات راجعه باملاك سالارالدوله چون قدری دور است هنوز اطلاعی نرسیده است \* این راپورتها بدون اینکه عقیده صاف و خالص خود را اظهار نه نمایم نمیتوانم ختم کنم که جنرال فونسل روس و صاحب منصبانش کلیه اقدامات ناچایز بغیر حق و قطعاً بر خلاف قوانین سلطنت و استقلال دولت شاهنشاهی ایران عمل کرده اند اکنون میتوانم بگویم که بعقیده خودم نمایندگان و مأمورینم با اشکالات دقیقیکه در کار بوده در تمام اقداماتشان با کمال صحت و شرافت و با نهایت صداقت رفتار نموده اند \*

پس از حدوث واقعه مزبوره در مقاله بکروزنامه بر حسب اشاره روس درج و طبع شده بود که مستر کرنز مذاکره کانفرانس ( مشورت ) یا جنرال فونسل روس را ناقض گذارده و قطع نمود یعنی در صورتیکه هنوز « کانفرانس باقی و نتیجه آن مجهول بود مستر کرنز حکم ضبط و تصرف املاك مزبوره را ثانیاً بموقع اجرا گذارد » \*

همچو « کانفرانس » به آن قسم که نوشته شده بود واقعاً حقیقت نداشته بلکه مستر کرنز بدون رسمیت دوستانه مسبو یا خبثانف را برای جلوگیری از وقوع هر حادثه

افسوسناکی که احتمال میرفت ملاقات نمود وقتی که مستر کرنز ملتفت شد که هیچ قسم اطمینان و توضیحات لازمه نمیشود که آن صاحب منصب متعذر را از وضع سلوکی که اختیار کرده و سعی در نفوذش دارد منصرف نماید از قونسلخانه خارج شد در حالتیکه اظهار می نمود که در موقع تصرف املاك مزبوره امیدوارم هیچگونه اشکالی پیش نیاید \* دو ساعت بعد از تصرف نمودن مأمورین خزانه بارك شعاع السلطنه را دیده شد که مسیو پتراف ( M. Petroff ) و هاید براند ( M. Hildebrand ) یعنی همان دو ویس فونسل که روز قبل با قزاقهای خود شان حمله اول را بدر باغ نموده و به مستحفظین توهین و فحاشی کرده و ایشان را تهدید بقتل نموده بودند که شاید قراولان نادانرا مشغول نموده و صبر و سکونت را از دست داده مرتکب امری شوند که صاحب منصبان روس بعد ها تعبیر بتوهین دولت روس کنند بعبارة اخری چون دیدند که کوشش شان در گرفتن املاك مزبوره با آنکه خلاف قانون بود بی نتیجه و خنثی ماند عمداً خواستند که دولت خود شان را در معرض معارضه و گرفتاری دوچار نمایند \*

خوش بختانه بطوری دستور العمل های سخت و سفارشات موکده بژاندارمه‌های خزانه شده بود که بکلی خود داری نموده و از فحاشی و توهینات آن دو ویس فونسل دلاور که برای به دام انداختن ایشان بکار برده بودند از جا در نرفته و قافیه را نه باختند ناچار مایوسانه مراجعت نموده و راپورت های بی اصل صرف دادند که بایشان توهین شده و حال آنکه خود شان بسبب فصد رفته بودند که مأمورین را بر انگیزانیده و مستمسکی بدست بیاورند \*

مسیو یا خبثانف از ادانه راپورت های دروغ به بطر سربرگ داده و از وزیر مختار خود شکایت نمود بدلائل قوی یقین دارم وزیر مختار در تمام این موارد افعال جنرال فونسل را انکار نموده است چندی بعد از آن مسلك رسانه که دولت روس اختیار نمود فقدان حقیقی هر قسم نظم و موافقتی در وزارت خارجه روس کشف شد اگرچه تحقیق و تصفیه این گونه امور وظیفه نماینده دیپلماتی طهران بود ولی کاپیتان پتر سربرگ بواسطه عروج و اکثریت حزب اتحاد و ترقی معرونی که یکی از اعضاء آن مسیو کوکوستاف ( M. Kokoutsoff ) بود از عناصر صدق و انصاف صرف نظر نموده و حمایت جنرال فونسل متعذر خود را بر توهین وزیر مختارشان ترجیح داد اهمیت دادن به راپورت های دروغی یا خبثانف فقط باین ملاحظه است که موافق اغراض سر می آن

کابینه می باشد \*

بی اعتنائی ولی احترامیهائیکه وزیر مختار خود شان و وزیر مختار انگلیس نسبت به مسیویا خیتانف سرعی داشتند مشهود هر عارف و عامی کردید سر جارج بارکلی پذیرائی دوستانه هم از او نمی نمود و میگفت که حرکات پاختانف در معامله شعاع السلطنه مانند کارهای میانین است و رابطه ما بین مسیویا کلیوسی کزیل و پاختانف بجندی دقیق و نازک شده بود که در مجلس بال (رقص رسمی سالانه که نوزدهم دسامبر در سفارت روس منعقد شد نه خود جنرال فونسل شرکت در حضور داشت و نه فامیل و اجراء قونسالخانه اش و حال آنکه تقریباً تمام اروپائی های طهران در آنجا حاضر بودند \*

بعد از ظهر همان روزیکه قزاقهای پاختانف ژاندارهای خزانه را از باغ شعاع السلطنه بیرون کرده بودند مسیویا کلیوسی کزیل از زرکنده محل یلاقیش که چند میل خارج از شهر است جنرال فونسل را پای تلفون طلبیده و موعظه نمود که چرا در آن معامله مداخله کرده و مذاکرات سختی بتوسط تلفون ما بینشان واقع شد آخر کار سفیر روس از پاختانف پرسید که آیا عذر موجه معتولی برای آن اقدامات داشته ایدم شخصی ثانی جواب داد که دلالی نرد من موجود است بعد از آن یا کلیوسی گفت اگر عذر موجهی نداشته بهتر است که فوراً مستعفی برای خود تحصیل کنید زیرا که خزانه دار با تلفون از این اقدامات شکایت نموده است پاختانف جواب داد که عنقریب « بعضی نوشتجات را خواهم فرستاد » (۱) پاختانف فوراً رافعی به بانک استعراضی روس فرستاد که فرار داد نامه تور به را که شعاع السلطنه در چند سطل قیل در موقع ترتیب و تقبیح شروط قرار داد خلع محمد علی بآنک مزبور سپرده بود بگیرد شعاع السلطنه نوشته مزبوره را باین امید به بانک روس سپرده بود بآنک بتواند بعاونت آن سند دو بیست و بیست و پنج هزار تومان از دولت مشروطه وصول نماید باین بهانه که شعاع السلطنه ( برادر شاه مخلوع ) آن مبلغ را به بانک مقروض است و حال آنکه مشهور بود مشارالیه عوض قرض مقدار کثیری از بانک طلبگار است حقیقت شرح فوق را جندی بعد توانستم بوسیله سواد وصیت نامه که قبل از رفتنش از ایران نوشته بود ثابت و مدلل نمایم قصد

( ) تمام مکالمه وزیر مختار روس و پاختانف در همان شب بتوسط شخص ایرانی که مستخدم تلفون بوده وزیران روس را خوب میدانست بمن رسید خود او این مذاکره را به گوش خود شنیده بود \*

بانک روس که میخواست به مکر و تقلب آن مبلغ هنگفت را از دولت بیچاره ایران وصول نماید بقسمی بر همه مکشوف بود که وزیر مختار انگلیس از دولت ایران طرفداری نموده و آن خیال فاسد بی اصل را خنثی گذارد این کاغذ جعلی بود که پاختانف توانست اقامه ادعای خود را بنماید که باغ شعاع السلطنه در بانک روس رهن میباشد ماخذ صحیح محاسبات شعاع السلطنه با بانک از محل محرمانه موثقی فوراً بمن رسید و همچنین بدست آوردن پاختانف نوشته مزبوره را در همان روز از بانک روس دولت روس هرگز برای اثبات ادعای خود هیچ گونه اظهاری هم نه نموده بود که بانک روس در املاک شعاع السلطنه غرضی یا حقی داشته است (۱) \*

هشتم اوت ( دوازدهم شعبان ) که دولتین روس و انگلیس شروع به تهدید دولت ایران نموده بودند تا از مستخدمی ما ژور استوکس برای تشکیل ژاندارمری خزانه صرف نظر نماید در این موقع شروع باستحکام روابط دوستانه غیر رسمی با مسیویا کلیوسی کزیل و سر جارج بارکلی نموده سعی میکردم که ایشان دولت متبوعه خود شان را از فوائد ترك مخالفت و سلوک بی انصافانه نسبت بایران بپاگاهانند بعقیده من

(۱) ترجمه ماده چهارم و ششم وصیت نامه شعاع السلطنه

ماده چهارم

در این تاریخ مبلغ شانزده هزار تومان بحساب جاری در بانک استعراضی « روس » دارم و قریب بیست هزار تومان هم در بانک شاهنشاهی دارم ولی بواسطه اختلافیکه در بین است وجه مزبور را نداده و بدون عنوان صحیح قانونی آنرا نگاهداشته اند او صباه من سعی و کوشش در وصول آن کرده و حق ورثه صفار مرا تعقب نموده و نگذارند از بین برود \*

ماده ششم

در این تاریخ قروض من فقط منحصر است به يك طغرا سند چهل و شش هزار تومان به مادرم زهت السلطنه که مبلغ سه هزار تومان از آن پرداخته شده و چهل و سه هزار تومان دیگر بر ذمه من باقی است بوجوب سندیکه بان شاه و خط منتخب الدوله می باشد \*

علاوه بر مبلغ مزبور که با درم مدیون میباشم دیگر بوجه من الوجوه دهناری باحدی مقروض نیستم و اگر کسی سندی ایراز نماید بکلی مجعول و از درجه اعتبار ساقط است و هیچ بدهی و قرضی غیر از فقره فوق الذکر بکسی ندارم \*

آن دو شخص محترم هر دو اعتراف داشتند که آن اظهار بسیار مناسب و بجای بوده و معال به هیچ غرضی نباشد مگر امید حصول معاونت کافی برای امر بسیار مشکلی ولی خیالات کابینه پترسبرگ بکلی مخالف با اصلاح سریع امور مالیه ایران بود دولت روس یقین حاصل نموده بود آن توقعی را که از مامورین بلجیکی گمرک داشته از مامورین امریکائی نمیتواند امیدوار باشد اگر چه معلوم نیست ذکر این مطلب هم در اینجا بوقع باشد (یعنی آن مسلکی را که مامورین بلجیکی گمرک در تحصیل رضای دولت روس پیش گرفته بودند احتمال نفیرت که مامورین امریکائی خزانه آن مسلک را پیروی نمایند \* مترجم)

بالاخره یازدهم اکتوبر (بیست و یکم شوال ۱۳۲۹) مسیو پاکلیوسکی مراسله بن نوشت که دولت متبوعه اش مکتوب اعتراض خود را در باب استخدام مازور استوکس پس نخواهد گرفت (یعنی استخدام مازور مزبور را هیچگاه نخواهد پسندید) از اقداماتی که دولت روس برای برهم زدن استقراض چهار میلیون لیره با سود مناسی که با اعضا کپانی سلیمان و برادران لندن مشغول مذاکره و تصفیه شروط آن بودم نمود و از این طرز اظهار مخالفتش در مسئله استخدام مازور و از مسلک جدیدی که در معامله شعاع السلطنه اختیار نموده بود برای وکلاء مجلس و من یقین حاصل گشت که دولت روس مصمم شده است که از حالات و مواقع بسیار بیریشان اروپا و ضعف بسیار آشکار وزارت خارجه انگلیس در روابط با روس راجع بمعاملات ایران مواقع را غنیمت شمرده و فایده برگیرد \*

بواسطه محروم شدن از خدمات مازور استوکس که منتهی ترقی ابدی ایران میشد و از دست رفتن فوایدی که از استقراض چهار میلیون لیره معهوده برای افزونی مالیات و اصلاح امور مالیه متصور بود تمام امید واریهائی که برای اصلاح و تکمیل امور مالیه دولت ایران داشتم مبدل بیأس گردید در این موقع مناسب ندانستم که وقایع مزبوره پیش از این در پرده استتار بماند هفدهم اکتوبر (بیست و سوم شوال ۱۳۲۹) در اثناء گفتگوی با وقایع نگاران تمس لندن و وکیل روزنامه روتر موقع یافتیم که اظهار نمایم که از منصرف شدن روس از اقدامات جایزانه خود و مجبور نمودن دولت ایران را به ترك استخدام مازور استوکس و سکوت تام انگلیسها در این اجبار بخوبی ظاهر میشود که دولتین حقیقه مایل بنظم و اصلاح امور مالیه و ترقی ایران نمیشناسند چون وقایع نگاران مزبور خودشان بوقت و موقع حاضر بودند بتوضیحات لطیفه اقداماتی که برای خنثی و

فاسد نمودن کوششهای من شده بود بخوبی برخوردار و ملتفت شدند ولی چون روزنامه تمس لندن که آله نیم رسمی وزارت خارجه انگلیس شناخته میشود در نمره نوزدهم اکتوبر بیانات مرا به بی انصافی و بی حقیقتی حمل نمود مجبور شدم که از آن حمله و اتهام دفاع نموده و عموم ملت انگلیس را از حقیقت امر بیاگاهانم باین امید که شاید دولت انگلیس کوشش کرده و دولت ایران را بگذارد که آزادی و استقلال خود را محافظت نماید چنانچه آن دو دولت هر دو رسماً رعایت احترام آن آزادی را تعهد نموده اند \*

توضیح مختصری از حقیقت حال حاضره نوشته و پس از مشورت با عده از ایرانیان محترم و امضاء و تصویب غیر رسمی کابینه بیست و یکم اکتوبر مکتوب سر بازی (علنی و با امضاء) به اداره تمس لندن فرستاده و خواهش درج آن را نمودم (۱) \*

مراسله مزبوره در دو نمره دهم و یازدهم نوامبر تمس اشاعه یافت وقتی که نمره اول آن رسید وزیر مختار انگلیس شخصاً پیش من فرستاده و سواد آن مراسله را از من خواست من هم سواد مزبور را برایش فرستادم روزنامهجات انگلیس با توضیحات و تشریحات مختلفه مراسله مرا استقبال نموده و بهمین ملاحظه در مجلس وکلاء عمومی توضیحات و سئوالات متعدده از وزیر خارجه انگلیس شد \*



### — «\*» باب ششم «\*» —

اولتیماتوم اول دولت روس بدولت ایران رأی دادن و نصیحت کردن دولت انگلیس به قبول آن معذرت خواهی دولت ایران اولتیماتوم دوم روس \*

تا او آخر اکتوبر (اوایل ذیقعد ۱۳۲۹) دولت روس عساکر خود را در انزلی پیاده نموده و در باد کوبه نیز قشون فوق العاده حاضر و آماده کرد در این موقع دولت انگلیس هم بدولت ایران اطلاع داد که «دواسکاترن» (دسته) سواره هندی به بوشهر که واقع در ساحل خلیج فارس است خواهد فرستاد این فوج بسمت شیراز برای محافظت قونسلخانه و انگلیس روانه خواهد شد \*

سردار کفش زرد یعنی سردار محیی اول کسی بود که پیشتر از همه برای تهیه قور

(۱) بضمیمه «ج» رجوع شود \*

خانه ولوازم جنگی بول از من گرفته بود در بندر جز از ترا که آن حدود شکست خورد قونسلخانه روس و کشیهای جنگی آن دولت هر دو علناً بصراکری با همعاونت و امداد کردند دوم نوامبر (دهم ذیقعده ۱۳۲۹) مسیو پا کلیوسکی کریل وزیر مختار روس وزارت خارجه ایران آمده و از طرف دولت متبوعه خود شفاهاً مطالبه و پروتست کرد که ژاندارمری خزانه را فوراً از پارک شعاع السلطنه برداشته و آن محل را تسلیم قزاقان ایرانی نماید و نیز مطالبه نمود که باید معذرت رسمی از سفارت روس برای هتک شرف و احترام صاحب منصبان قونسلخانه اش بعمل آید ولی بشکایت و پروتستهای دولت ایران واجعبداً دخالت روسها در معاملات داخلی و امور مملکتی و شکستن صوت سلطنت ایران ابدأ اعتنائی ننموده و مراسله شکوائیه دولت ایران را رد نمود در صورتیکه قبل از آن اتفاقات مراسله مزبوره را گرفته و رسیدنش را هم داده بود \*

وزیر مختار مزبور اظهار نمود که از طرف دولت متبوعه خود ما مورم که جواب صریح فوری لاو نعم از کابینه دولت ایران بگیرم \*

وزیر خارجه دولت ایران جواب داد که در این معامله مهم بدون مشورت با هیئت وزراء هیچ کاری نمیتوان نمود \*

بعد از دو روز بحث و مذاکره کابینه ایران از من رأی خواست که اختیار کدام طریقه برای ایشان انطباق و اولی است در صورتیکه از طرف من بکلی تمناشی و امتناع از مداخله در این گونه امور شده بود رأی خود را بدین طریق اظهار نمودم که اگرچه مطالبات دولت روس بکلی خارج از قانون و ظللانه است ولی اگر کابینه دولت ایران در حفظ حقوق و استقلال خود مجبوراً ثابت قدم باشد انجام این معامله بسیار مشکل و محکم خواهد بود \*

همان روز که اولتیماتوم زبانی داده شد واقعه دیگر پیش آمد \*

بعد از کوششهای بیفایده بسیاری که ملاکین و منمویلین طهران برای عدم تأدیه مالیات املاک خود نمودند عده قلیلی ژاندارمری خزانه را فرستادم که موافق رسوم معموله مملکتی مالیات املاک ایشان را بقوه جبریه وصول نمایند یکی از مشاهیر ایشان پرنس علاءالدوله بود که یکی از ارکان خانواده سلطنتی و حاکم سابق شیراز بوده \*

چون آخر کار علاءالدوله رئیس ما مورین خزانه را که بخانه مشارالیه فرستاده بودم از خانه خود بیرون و هتک شرف ما مور دولتی را نموده بود رئیس مزبور را همراهی

بسی نفر ژاندارمری خزانه فرستادم که بر درب خانه او ایستاده و آنجا را توقیف نموده و به پرنس اطلاع دهند که تا وقتی که مالیات دولتی خود را نپردازد املاک او ضبط خواهد بود علاءالدوله از درد بگر خان خود بیرون رفته و خود را بخانه صمصام السلطنه بختیاری رئیس الوزراء که نزدیک بخانه او بود انداخته و با چشمهای پر آب از وضع رفتار و حشیهانه ما مورین خزانه که نسبت با وسلوک نموده بودند شکایت کرد چنان در دل رئیس الوزراء دوست خود اثر کرده و بطوری دل رئیس بختیارها را برده و فریب داد که امیر مجاهد برادر رئیس مزبور برای راندن افسران ژاندارمریهای ما مورین خزانه ما مور شد امیر مجاهد بواسطه اینکه محاسبات و مطالبات کلی که برای مصارف سواران و اتباع خود مطالبه نموده رد و نکول کرده بودم و بالبعثه هتک شرافت و عزت او شده دشمن جانی من بود مشارالیه با پسر علاءالدوله که سرهنگ رژیم جدید بود بادسته از سواران بختیاری بمنزل علاءالدوله رفته و بنا مورین و ژاندارمریهای خزانه که هیچ همچو گمانی نمیکردند حمله آورده و با چوبهای بزرگ وزین آنها را زده و تفنگهای آنان را گرفتند این واقعه در عصر تنگی واقع شد \*

روز دیگر از طرف صمصام السلطنه رئیس الوزراء رقععه مبنی بر اعتراف با اقدام خود در آن واقعه بمن رسید من جواب دادم که باید فوراً عذر خواهی کامل کتبی از واقعه مزبوره نموده و سر تکبیر را سزا و محازات داده و مالیات معبوره را فوراً اداء نماید روز دیگرش رئیس الوزراء در مجلس هیئت وزراء عذر خواهی مردانه نموده و معذرت نامه جدا گانه کتبی نیز فرستاد و گفت که من مرد معمر تندمراجی میباشم چون پرنس علاءالدوله با چشمهای پر اشک خود را بخانه من انداخت « از حالت طبیعی خارج شدم » \*

صمصام السلطنه تفنگهای ژاندارمری خزانه را علناً و علی رؤس الاشهاد بتوسط معاون نظامیش و سواران بختیاری رد نموده و تمام مالیات مزبور را نیز پرداخت اثر و نتیجه این قضیه بسیار مفید و با اهمیت بوده و با این واسطه درجه عزت و مرتبت خزانه بسیار بلند شد بسیاری از اسراء و شاهزادگان دیگر که خیال مخالفت و سرپیچی از این قانون داشته فوراً مالیات خود را پرداختند اگر باین هتک شرف ژاندارمری خزانه اهمیت داده نشده و قضیه مسکوت عنه می ماند بهتر از همه این بود که اداره خزانه را ترک و تعطیل نمائیم در ایران این گونه واقعات را بسیار اهمیت داده چه حکام بزرگ و چه

ادنی ماموردواتی مجبور و مقید اند که شئونات خود را حفظ نمایند \*

ششم نوامبر (چهاردهم ذی‌قعدة ۱۳۲۹) یعنی بعد از چند روز که کابینه در این باب (راجع مسئله اولتیماتوم) مذاکره و مشورت نمود یکی از صاحب منصبان وزارت خارجه را بسفارت روس فرستاد که شفاهاً جواب اولتیماتوم روس هارا بگوید جواب دولت ایران حاوی اظهار مسلك جلیل القدر (مشروطه) و وعده تحقیق کامل در حقیقت واقعه شعاع السلطنه بدون طرفداری از کسی \*

در این موقع جرائد ایران تهدید و تحویف غریبی بدولت روس برای تصرف کردن ایالت گیلان و بلوک توالش کردند بدون شك دولت روس از ثبات ایرانیان و طرز جواب گفتنششان بسیار متعجب گشت \*

هفتم نوامبر (پانزدهم ذی‌قعدة ۱۳۲۹) مسائله از سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس بمن رسید وی خواهش ملاقات کرده بود برای اینکه تلگرافیرا که دولت متبوعه اش باو بخاریه نموده آراء نماید روز بعد حسب المقرر آمد تلگراف مزبور از طرف سر ادوارد کری سر جارج بارکلی بود که مسامطع نماید از اینکه تعیین مسیولکفر که از رعایای انگلیس بوده بسمت تفتیش و نظارت مالیه تبریز باعث بهانه و اعتراض دولت روس برای حفظ منافع خود در آن حدود خواهد شد و خوف این می باشد که ایالات شمالی ایران را تصرف نماید از طرز گفتگوی وزیر مختار انگلیس پر واضح بود که آن تهدید باشاره روسها بوده منتهی از پرده وزارت خارجه انگلیس جلوه نمود مأموریت مسیو اسکفر به تبریز حقیقه چند هفته قبل از آن تاریخ معین و تصفیة شده بود که خرج تراشی های دو ساله آنجا را که تقریباً يك ملیون تومان میشد تحقیق و تفتیش نماید مسیو لکفر یکی از معاونین معدود اروپائی من بود که زبان فارسی را میدانسته و از اشکالات و پیچیدگیهاییکه در طریق وصول مالیات بود اطلاع کامل داشت و در تبریز هم مدتی اقامت داشته و از معاملات آنجا بخوبی مسیوق بود از اعتراضات دولت روس در باب مأموریت مسیوی مزبور خیلی متحیر شدم و حال آنکه از دو سال قبل در وزارت مالیه در طهران بخدمت بزرگ محترمی مشغول بوده و چنانچه مشهور است طهران هم یکی از بلاد منطفه روس یا شمالی ایران محسوب میشد منتهی فرستادن مسیولکفر برای انجام مأموریت خاصی از طهران که بکنته شمالی است به تبریز تبدیل از نقطه شمالی به نقطه شمالی دیگر بود \*

من بسر جارج بارکلی جواب دادم که همواره مترصد و مائل به این امر بوده و می باشم که حقوق حق قانونی دولت روس و سائردول را در ایران حفظ نمایم اما چنانچه شما میدانید در این معامله نمیتوانم بیشتر از مسئله استوکس تسلط دل بخواه دول اجنبیه را در مملکت ایران اعتراف کنم زیرا که دولت ایران رسماً و قانوناً نفوذ اجانب را انکار نموده است و من اجازه ندارم بیشتر از يك مرتبه این گونه معاملات را رعایت نمایم و نیز این مسئله را ضمیمه جواب خود فرار دادم که اگر دولت روس در امور راجعه بمن اظهار دوستی نماید تعهد و ضمانت کمال مراعات را در صرفه و صلاح دولت مزبوره خواهم نمود \*

چون سر جارج جوابهای مرا شنید مانند مرتضی که دار و خورده باشد متغیر گشته و بدون هیچ حجتی مراجعت نمود \*

یازدهم نوامبر (نوزدهم ذی‌قعدة ۱۳۲۹) مجلس با اتفاق آراء قانونی وضع نموده و بمن اختیار داده بود که ده نفر امریکائی را بعنوان معاونت مالیه کنترات و جلب نمایم \* همان روز وقت ظهر مسیو ژایرس (M. Giers) منشی امور شرقیه فونسلخانه روس کتباً مطالبات قدیمی روس را از دولت ایران تجدید نمود مسیوی مزبور اظهار نموده بود که اگر چهل و هشت ساعت این مطالبات قبول نشود روابط پلٹینی دولتین قطع خواهد شد \*

روز نامه تمس لندن در «آرتیکلی» بر جواب من تنقید کرده و در آخر مرا منهم کرده بود که طرفداری وطن پرستان ایران را نموده ام من نمی توانم تصور بکنم که مقصود تمس طرفداری کدام کس و کدام فرقه بود که تکرار بودم در صورتیکه مشغول بخدمت دولت مشروطه بودم \*

همین وقت بود که کاغذ من در ایران بفارسی ترجمه شده و بعنوان رساله طبع و انتشار کامل یافت بواسطه این اتهام روز نامه داخلی «تمدن» فوراً و علناً اقدام طبع و انتشار مسائله مزبوره نمود اگرچه من به هیچ قسم طرفداری و مداخله ننموده بودم \* تا یازدهم نوامبر (نوزدهم ذی‌قعدة ۱۳۲۹) بواسطه اسبابی که روسها ظاهراً برای تصرف حدود شمالی ایران فراهم نموده بودند کابینه ایران در خوف و هراس افتاده و با دولت انگلیس مشورت نمود که چه مسلكی را اختیار کند سر ادوارد کری فوراً تلگراف نصیحت آمیزی کرده و رأی داد که اولتیماتوم روس را فوراً قبول کرده و معذرتی بقتضای

میل و رضایت دولت روس نیز بخواهید \*

صمصام السلطنه رئیس الوزراء امر نمود که تمام ژندارمه خراشه را از باغ شعاع السلطنه بردارم \* چو ظاهر میشد که این سردار معمر ساده لوح از چند روز قبل در تحت تسلط و اقتدار دولت روس در آمده بود و کلاه مجلس قدری در صداقت و خلوص مشارالیه سو ظن پیدا کرده بودند \*

بعد از آنکه حکم مزبور بمن رسید در صورتیکه بر خلاف حکم سابق که در خصوص ضبط و توقیف املاک شعاع السلطنه صادر شده بود تنها امضاء وزیر اعظم را به عوض امضاء هیئت وزراء داشت چاره غیر از جواب ذیل نداشتم که بگویم: - نامادامیکه این حکم امضاء هیئت وزراء را نداشته باشد حکم اولی را نسخ و باطل نخواهد نمود و آنها را مجبور نمودم که با املاک مزبوره را در تحت محافظت و سرپرستی فرستادگان من باقی گذارده و با مسئولیت کلیه امور را به دیگری رجوع نمایند \*

در این موقع پیچیدگی و انقلابات بجران کابینه شروع شده و بطوری کارها مفسوش شد که وزیر مالیه در معاینه هر کسی که میرسید می گفت «استعفی شده ام» در صورتیکه روز بعد در کابینه مالیه مشغول بکار خود بود \*

مجدد هم نوامیر (بیست و هشتم ذی قعدة ۱۳۲۹) مفارقت روس بدولت ایران رسماً اطلاع داد که چون مواد اولتیماتوم قبول نشده روابط پلتیکی بین دولتین منقطع است ولی معاملات تجاری کافی السابق بتوسط فونسل خانه روس جاری و باقی خواهد بود شهرت کرد که چهار هزار نفر قشون روس از قفقاز به بطرف ایران حرکت نموده \*

اعضاء کابینه ایران پس از دفت و شور بسیار در عمل کردن به نصیحتهای سر ادوارد گری که مشعر بر قبول خواهشهای روسها بود متفق الرأی شده و برای من حکم کتبی فرستادند که املاک شعاع السلطنه را بآمورین روس تسلیم ورد نموده و ژندارمه را بکلی از آنجا بردارم پس املاک مزبوره را رد نموده و رسید کامل میل و سائر اشیا را گرفتم \*

ظاهر است که تا آن وقت وزارت خارجه انگلیس از این مسلك و حرکات وحشت انگیز روسها ترسیده و بهمین جهت دولت ایران را بقبول فوری اولتیماتوم روس نصیحت نمود که شاید قشون روس را از آن پیش قدمی باز دارد و از این رویارمان انگلیس به شکستن روسها مواد عهد نامه ۱۹۰۷ را نتواند اعتراض کند \*

در این اثنا هیئت کابینه جدیدی تشکیل و معین شده و در معذرت خواستن از روسها متفق الرأی شدند \*

باین جهت بیست و چهارم نوامیر (دوم ذیحجه ۱۳۲۹) وثوق الدوله وزیر خارجه ایران بالباس و هیئت تمام رسمی بقونسلیخانه روس رفت و دست وزیر مختار روس را گرفته و گفت «جنابعالی !! از طرف دولت خود ما مور میباشم که بواسطه بد سلوکی که نسبت بفرستادگان جنابعالی در خصوص املاک شعاع السلطنه شده از شما معذرت بخواهم» بعد از آن يك مضحکه دیپلماتی واقع شد که فقط کابینه روس که تمدن را پشت سر نهاده و پس یازده مرتب آن شد \*

وزراء ایران ظاهراً یقین کرده بودند که ذلت خود و تحویل املاک مزبوره غضب روس هارا تسکین داده و معامله را بکلی خاتمه خواهد داد ولی آن وزراء جاهل نادان ایران حقیقت اراده پلتیکی روسها را بخاطر نیاورده و ملتفت نشدند راضی گشتن کابینه بمطالبات روسها آخرین آرزوی روس نبود اگر روس ها حقیقه و فی الواقع فقط عزت و شرافت ما مورین متمدن خود را طالب بودند معذرت و وثوق الدوله معامله را بکلی ختم مینمود ولی خواهش اصلی روسها این بود که میخواستند بهانه بدست آورده که قشونشان نقاط شمالی ایران را اشغال و تصرف نماید زیرا که حقیقه قبل از فرستادن اولتیماتوم شروع بکار نموده بودند سر ادوارد گری بتوسط سفارت انگلیس مقیم طهران کابینه ایران را اطمینان داد که اگر معذرتی از روسها خواسته شود ولو قشون روسهم داخل ایران شوند خارج خواهند شد ولی معلوم نیست که سر ادوارد گری بکدام وثیقه و اطمینان و بموجب کدام حکم دولت ایران را بقبول خواهشهای روس رأی و اطمینان داد \*

وزیر مختار روس در موقع عذر خواهی و وثوق الدوله و اظهار رضایت ایران بقبول مطالبات اولتیماتوم اولی روس ظاهراً راضی گشت ولی به او حکم شده بود که وثوق الدوله را از اولتیماتوم دیگر که در شرف طلوع است اطلاع دهد \*

تجیری که بواسطه این تمسخر و حشیانه از صورت آن نماینده ایران ظاهر گشت تصورش بسیار مشکل است وزیر مختار انگلیس آن ملاقات معذرترا معین نموده بود چون اتفاق تازه در آن اوقات واقع نشده بود که از او احتمال این گونه حرکات برود بر واضح بود که اراده روس وارد کردن فزاق بشالی ایران بوده و لو دولت انگلیس هر چه

بگویند و یا دولت ایران هر چه بکند انتظار و امیدواری که روسها از دیر زمانی داشتند که از يك طرف بهندوستان و از طرف دیگر بخلیج فارس برسند وقت آن رسید شعنه آتش سیاسی سراگو بدرجه مشتعل بود که روسها یقین نموده بودند که از طرف انگلیسها هیچ گونه اعتراضی در اقداماتشان بعمل نخواهد آمد \*

دولت روس بر حسب وعده خود ظهر بیست و نهم نوامبر ( هفتم ذیحجه ۱۳۲۹ ) اولتیا توم ثانی خود را اظهار نموده و مطالبه کرد که در ظرف چهل و هشت ساعت باید قبول شود \*

مضمون مراسله اولتیا تومی روس بدرجه مهم بود که مناسب است سواد آنرا در اینجا نقل نمایم \*

ترجمه سواد اولتیا توم ثانی روس :-

چنانچه روز جمعه بیست و چهارم نوامبر ( هفتم ذیحجه ۱۳۲۹ ) افتخار اظهار حاصل نموده بودم متناظر حکم دولت متبوعه خود بودم که اسبابی که دولت روسرا مجبور با اولتیا توم دیگر نموده اظهار تمام احکام مزبوره اکنون بن رسیده و از اینجا از جانب دولت روس افتخار اظهار مطالب ذیل را بجناب عالی حاصل میکنم \*

انفصال مستر شوستر و مسبول کفر از خدمات مرجوعه شان تکلیف سایر مامورین امریکائی که مستر شوستر ایشان را انتخاب نموده ثانیاً معین میشود \* اطمینان و وعده صریح دولت ایران که بدون رضایت سفرای انگلیس و روس مامورین اجنبیه برای خدمات خود انتخاب نکند \*

اداء مضارفیکه جبران خسارت دولت روسرا در این لشکر کشی و سوق عسکر بنماید \* تعیین مقدار و طریقه تأدیه خسارت مزبوره بعد از رسیدن جواب دولت ایران معین خواهد شد \*

فقرات ذیل توضیحی است از طرف وزیر مختار روس بر این اولتیا توم :-

من از فرائض خود می شمارم که اسبابی که باعث این حرکت روس شده بیان نمایم \* اولاً دولت روس برای جبران حرکات مستر شوستر که باعث هتک شرف مامورین دولت مشارالیها شده بود مجبور گردید که بایران سوق عسکر نماید \*

ثانیاً خواهش اصلی دولت امیر اطوری این است که موجبات حقیقی مخالفت بین دولتین رفع شده و در آیه پناهنائی نماید که عمارت دوستی و روابط مودت محکم بین

دولتین برقرار بدارد و حل جمیع مشکلات روسرا چنانچه هنوز باقی است باطمینان و زودی بکند \*

ثالثاً با وجود اسباب مذکوره فوق لازم است که بگویم: دولت امیر اطوری روس بیشتر از چهل و هشت ساعت انتظار اجراء خواهش های سابق الذکر خود را نخواهد کشید و در این مدت قشون روس در رشت خواهد ماند و اگر جواب اطمینان بخشی نرسد بعد از انقضاء مدت مزبوره قشون روس پیشقدمی خواهد نمود و بدیهی است که در این صورت وجه خساره روس زیادتر خواهد بود \*

اثری که این « مطالبات » محترانه بکابینه و مجلس و رعایای ایران نمود در تصور بهتری کجند تا در تحریر \*

عبارت آن اولتیا توم که بفارسی نوشته شده بود بطوری موهم بود که معنی آن واضح نمیشد خصوصاً در مقامیکه مطالبه « جبران و جریمه » نموده و در ذکر « حل مشکلات روس بزودی و اطمینان که هنوز باقی است » اشاره شده بود \*

هانوقت که آن اولتیا توم داده شد رفعه از وزیر مختار روس رسید که بدولت ایران اطلاع داده بود « بواسطه تلگرافی که زهه السلطنه مادر شعاع السلطنه به امپراتور و امپراتریس دولت روس نموده مشارالیه و تمام املاک شعاع السلطنه در تحت حفاظت درات روس درآمده » خانم مشارالیه از رعایای ایران بوده و دولت روس بواسطه تلگرافی که باو نموده او را از این قید آزاد نمود \*



— \* باب هفتم \* —

بلوهای راجع بامرنان رد نمودن مجلس اولتیا توم روس را حمله نمودن و داخل شدن قشون روس بایران نقشه مستعد شدن ایرانیان برای مقابله و مدافعه اقدامات زنان ایرانیان در آن امر انفصال مجلس بواسطه تردستی و چالاکي بیست و چهارم دسامبر \* در اولتیا توم بیست و نهم نوامبر ( هفتم ذیحجه ۱۳۲۹ ) روس از دولت انگلیسهم اسبی برده شده بود اگر چه وزیر مختار انگلیس علی الظاهر مداخلتی در آن امر نداشت قبول نمودن ایرانیان فقرات اولتیا توم روس را مانند تسلیم نمودن سلطنت خودشان بود بروس و انگلیس بعد از اندک مدتی از وصول آن اولتیا توم در بالمان انگلیس از سر

ادوارد گری توضیح خواستند که چرا اسم دولت انگلیس نیز در آن اولتیماتوم شریک شده جواب داد که با تمام مطالبات و اظهارات روسها هم عقیده می باشم مگر فقط شرط ادا خساره روس ها را که ممکن است استثنا نمود زیرا که تأدیه این مبلغ برای افواج ایرانی که مسافرت راههای تجاری انگلیس در جنوب میباشند احتمال ضرر دارد و ممکن است از این راه نقصان کلی به تجارت انگلیس وارد شود گویا فقط همین يك مسئله بود که وزارت خارجه انگلیس بتواند با اولتیماتوم روس مخالفت نماید سر ادوارد گری در اثناء اظهار خیالات خود مرا بچرمی متهم نموده بود که «ساعت سیاحت ایران را بدکوک کرده و عقربك آن را برگردانیده» و بهمین جهت نا کامیاب شده و باید از ایران بروم \*  
نائب السلطنه بعد از ظهر بیست و نهم نوامبر بعد از گذشتن دو ساعت از وصول اولتیماتوم روس سرا نزد خود طلبیدند دوست قدیمی من هم محتشم السلطنه که محرمانه با صعصاع السلطنه رئیس الوزراء متحد شده نیز در کابینه والا حضرت بود \*  
نائب السلطنه گفتند که دولت ایران در «مسئله نان» خیلی مضطرب و پریشان می باشد \*

در ایران کمی وزیادی نان سبب آزمایشی است برای بقایای تغییر کابینه و حکومت امثرین ما کولات و قوت غالب مردم ایران نان گندم است بختن نان خصوصاً در شهرهای بزرگ در خانهها معمول نیست بلکه در صدها دکانهای بازاری نان بقطع و پارچه های بزرگ بخته میشود که تقریباً فطر و ضخامت آن نیم المچ است مردم آن نانها را مثل کاغذ لافافه قرار میدهند در راهها دیده شده که قطعهای پنیر یا بعضی میوهها را در آن می پیچند \*

در موسم درویدن گندم در وقت تابستان دولت يك قسم مالباقي از محصول آن میکبرد در حوالی پای تخت و شهرهای بزرگ گندمهای دولتی را در انبارهای دولتی جمع میکنند که مردم در موسم زمستان و مسدود شدن راهها دسترسی بگندم خوب ارزان و قراوان داشته باشند از زمانه درازی که ابتدا آن معلوم نیست این تدبیر معمول به دولت ایران است و اگر این مال اندیشی را نکرده و گندمها را پس از جمع شدن بفروشند اعیان و متمواین نقاط حاصلخیز متفق شده و مقدار گندمیکه روزانه برای نانواهای بازاری لازم میشود بپیل خود بهر نرخ و قیمتیکه بتوانند گران کرده و بفروشند از نتیجه فوراً نان گران و کمیاب شده و «شلوغی» بلواهای سخت شروع

میشود برای جاوگیری از اینگونه اتفاقات عادت دولت بر این میباشد که از ابتداء پائیز مقداری گندم بقیمت عادله بنانواها میفروشد و باین تدبیر توجه و خیال عموم را که دولت گندم دارد جلب نموده و قیمت گندمها معندل نگاه داشته و خیالات «سوسبانی» (مجامع) ملاکین را در هم میشکند \*

همین فقره نان و گندم بود که نائب السلطنه و کابینه را بزحمت و تشویش انداخته بود در شمالی ایران خصوصاً حوالی طهران حاصل زراعت گندم بسیار کم عمل آمده بود این کمی گندم بیشتر بواسطه خشک سالی و کم آبی و علت دیگرش بی نظمی و پایمال شدن و غارت زراعت که از ابتداء ورود محمد علی به ایران شروع شده و جاری بود سپس جنگهای کوچک تابستان و طول اقامت و توقف عده بسیاری بختیاری و سایر فشنون و افواج غیر منظم در حوالی پایتخت قاطرجیان و شتر داران و سایر مکاریان را ترسانیده و فرارانیده بود در صورتیکه مکاریان مزبور محل اعتماد مردم بوده و ملاکین همیشه بتوسط همین مکاریان گندمهای خود شانرا حمل بشهر می نمودند \*

وظیفه و تکالیف خزانه دار فقط همین قدر بود که مالیات و حقوق دیوانی گندم را مثل مالیات جو و برنج و کاه و پنبه وصول کرده و گندمها را حمل بشهر نموده و تقسیم نماید در موقعیکه کابینه امر نمود که گندمهای انبارهای دولتی و مقدار و محل حمل آن را که برای عمال و مباشرین آن انبارها بسیار پرفائده و بار آور بود در تحت حفاظت و نظارت خود در آورم به آئینده خطرناکی مصادف شدم \*

به همین مناسبت کوششهای بی اندازه و سعیهای فوق العاده نمودم برای جمع آوری گندم از نقاط هیده و رسانیدن بمرکز قبل از آنکه راهها (بواسطه سردی و بارندگی) مسدود شود و نیز کوشش کردم که اعضا بلدیه طهران را از جمع کردن مال و ثروت بواسطه فشار و تنگی دادن ب مردم از مجرای نان چنانچه معمولشان بود باز دارم متمولین ارتجاعی متعددی که برخلاف طرز حکومت حاضر آن زمان بودند دائره «انحصاری» تشکیل داده که از آن جلب منافع شخصی و نیز پریشان نمودن حکومت مشروطه حاصل می شد \*

به نائب السلطنه و کابینه گفتم اگر بخواهند در این امر مهم اقدام نموده و مرا حاکم با دیانت طهران قرار دهند در قبول و انجام آن حاضر خواهم بود ایشان وعده نمودند که تغییر و تبدیلات لازمه خواهند داد ولی بر حسب معمول باندازه تأخیر افتاد که اوضاع

بدر شده و بی بلوهای کوچک و مختصر واقع شده و سهولت رفع میشد \*  
 راجع بهمین امر نان قضیه نا کواری پیش آمد يك نانواي معروف بدنامی بود که  
 از اعضاء عمده اداره « انحصار نان بلديه » و بزرگترین متقلب و مضر بحال خزانه و  
 مشهور بود که چند مرتبه در زمان ریاست خود چند نفر را بواسطه مختصر جرمی در  
 تنور نانوائی خود سوزانیده است در اثناء ذکر آن شخص و آن تریک و خیانتهای او یکی  
 از مشاورین ملی گفتم این شخص بسیار سبب بی نظمی امر نان طهران شده و نان بسیار  
 پست و مغشوشی مردم میخوراند باید « مردم را از وجودش آسوده نمود » دو روز بعد  
 که قدری دیر تر بداره خود رفته بودم یکی از معاونین ایرانیم اطلاع داد که « آن نانوائی  
 معروف بر حسب آرزوی شما کشته شد » قیاس میزان تحیر و احساس تالم از این خیر  
 و باقارین و امیدوارم اصلاً شخص مزبور بتوسط دیگری کشته شده بود اگر چه در  
 علت و سبب کشته شدن آن شخص رای من هیچ مدخلیتی نداشت ولی مصمم شدم که  
 آینده در اظهار خیالات خود با تامل و احتیاط سخن رانم چون آن مرد بد قسمت  
 شخص سقا کی بود که خون مردم را ریخته و بواسطه دزدیدن و غارت نمودن مال فقرا و  
 غربا مأمول شده و اکثر اوقات مردم را بی نان و یقوت کردانیده بود شاید با نتیجه  
 درباره مشارالیه ظلم و بی انصافی نشده باشد ولی تأثیری که کشته شدن غیر منتظره  
 آن شخص بدوست ایرانی من کرده بود تالم و زحمت زیادی بمن میداد از آن وقت به  
 بعد نظم مسئله نان سهل تر گردید \*

عصر بیست و نهم نوامبر در مجلس واقعه غریب فوق العاده اتفاق افتاد صمصام  
 السلطنه رئیس الوزراء از منزل نایب السلطنه بمجلس رفت تا کابینه جدیدی را که  
 تشکیل داده معرفی نماید جزء اسامی وزراء اسم محشم السلطنه هم بود که نامزد وزارت  
 عدلیه شده بود اعضا مجلس که از دیر زمانی بانتخاب وزراء غیر معروف از طبقه وسطی  
 عادت کرده بودند برخلاف آن کابینه شدند رئیس الوزراء برخلاف رای دوستانش  
 بشرکت محشم السلطنه در کابینه باین جهت اصرار داشت که مشارالیه با مشاهیر اعضاء  
 قونسلخانه روس تعلقات عمیقہ دارا بود \*

آن رئیس الوزراء ساخوردی شروع بخواندن فهرست اسامی وزراء نمود چون باسم  
 وزیر عدلیه رسید مابین هیئت مقدسه و کلا در باره رد و قبول مشارالیه بحث و  
 مذاکره شد \*

شاهزاده سلیمان میرزا « لیدر » ( نماینده ) حزب دیوکرات بمجلس مخصوص نطق  
 رفته و اظهار کرد اگر چه رئیس الوزراء طرف اطمینان کامل و کلا میباشند ولی حزب  
 دیوکرات نمیتواند یکی از اعضاء کابینه سپه دار را بسمت وزارت بشناسند در حالتیکه  
 صدا های غضبناک و خشم آلوده اعتماد لیون بلند بود رئیس الوزراء بمجلس مخصوص نطق  
 رفته و تقریر سختی برخلاف حزب دیوکرات نمود مؤمن الملك رئیس مجلس رئیس الوزراء  
 را متنبه نمود که بر حسب قوانین داخله مجلس قدری ملامت و نرم باید گفتگو نماید باین  
 جهت رئیس الوزراء تعرض نموده و از مجلس خارج گشت در حالتیکه با خود میگفت  
 بخیار بهای خود را آورده و تمام دیوکراتها را بقتل خواهم رسانید رئیس روحانین طهران  
 بر رئیس مجلس و حزب دیوکرات حمله و تعرض نمود رئیس مجلس آن شخص را قسم داده  
 و سه مرتبه امر بسکوت نمود در مرتبه سوم بواسطه مخالفت با قانون داخلی مجلس شخص  
 مزبور مقصر و مستوجب حبس گردید وقتیکه کار بانجا رسید هیئت مجلس با آواز و  
 همهمه متفرق شده و ذات و حقارت آن جلسه پارلمان ایران ثبت اوراق تاریخ گردید \*  
 آن پیش آمد و منظره هولناک اولتیماتوم روس پای تخت را بهرج و مرج و اهالیش  
 را بچوش و خروش در آورد هیچ چیز جلوگیری از عناصر آن بلوای غیر منظم نمی نمود  
 مگر ریاست نظمیه مسیویفم در این زمان عدد ژاندارمری خزانه هشتصد نفر بود که  
 تقریباً همه آنها در طهران حاضر و مشق آموخته و بالوازم جنگ و اسلحه کامل در تحت  
 فرماندهی چهار نفر امریکائی بودند که سه نفر شان تازه وارد طهران شده بودند \*

از این سعی و کوشش رئیس الوزراء بداخل نمودن محشم السلطنه در جز کابینه و  
 تخویف و تهدید بکار بردن بختیاری برخلاف دیوکراتها برای ایشان بقین حاصل شد  
 که سازش روسها بوزراء نیز تأثیر نموده و دولت مشروطه در معرض خطر است پرنس  
 علاوالدوله که تماشائی و انکار از تأدیبه مالیات ملکش نمود تا وقتیکه قوه جبریه ژاندارمه  
 بکار رفت آشکار شد که با چند نفر از مشاهیر ارتجاعیین و مخالفین سلطنت جدید ایران  
 محرمانه سازش نموده بود که از دولت روس خواهش کنند تا ثانیاً محمد علی را بسطنت  
 ایران برقرار نمایند پلیس نوشته اظهاریه ایشان را که بدولت روس نوشته بودند گرفت  
 در صورتیکه امضاء « امیر » و چند نفر دیگر را داشت \*

روز بعد از اظهار آن دو اولتیماتوم حسین قلی خان نواب و مسیویفم بملاقات من  
 آمده و در آن باب مشورت نمودند من گفتم خوبست ایشان بمجلس و کابینه اطلاع

دهند تا بهر تدبیریکه بحال ایران مفید تر بوده و صلاح بدانند بدون ملاحظه حال من و معاونین امریکائیم عمل کنند از بعد از ظهر تا عصر ها روز و کلاه پیش من آمده و مشورت نمودند بهمه ایشان همین جواب را گفته و توضیح نمودم که هر اقدامی که دولت در نصفیة اصلاح این امر بکنند برای نیکامی آینده من مفید و منتج اثر مهمی خواهد بود و از انجیث هیجباک و پروائی ندارم زیرا که بوعده خود وفا نموده و بهر اقدامیکه مجلس در الخصوص بکند حاضر و راضی خواهم بود \*

صبح روز بعد یعنی اول دسمبر (نهم ذیحجه ۱۳۳۹) وقتیکه اداره خود داخل شدم شنیدم که پرنس علاءالدوله را در موقع بیرون آمدن از خانه خود سه نفر از بالا خانه مجاور با چند کلوله کشته و بعد از اندک زمانی مرد \*

سعی دیگر برای کشتن مشیرالسلطنه صدر اعظم محمد علی بود در حالتیکه سواره عبور میکرد پایش مجروح شده و برادرزاده اش که با وی بود کشته شد \*

این اقدامات بدون شبهه نتیجه خیالات اعضاء انجمنهای سری طهران بود برای اینکه تصور نموده بودند که مجمع منظمی برای خفه کردن مشروطه ایران و رجوع باستبداد و انتقام بتوسط محمد علی دائر شده باین جهت اقدام بقتل ایشان نمودند و روختن این دسته از مخالفین مشهور دولت و مملکت خود را بروسها خصومت و غضب احزاب ملی را زیاد تر نمود اعضاء انجمنهایی که در سنوات سابقه آتقدیر نمایشهای با اهمیت مردانه داده و برای آزادی ایران اقدامات کافی مینمودند تا هنوز هم بکلی معدوم نشده و باقی بودند اگرچه بنظر ایشان دیگر خطری برای مشروطه نبود ولی بکلی متفرق و پراکنده نشده بودند ولی وقتیکه مشروطه دوچار خطر شد فوراً از جای خود جسته و بحرکت آمدند بیشتر اعضاء آن مجامع را فدائی مینامیدند و در هر حال و هر موقع برای دفاع و مقابله با خصم خود که مانع از پیشرفت خیالاتشان بود آماده بودند \*

نتیجه قتل پرنس علاءالدوله خیلی بزرگ بود قبل از آنکه اثر وحشتناک آن قتل آرام بگیرد وحشت و اضطراب قلمی در دلهای اعیان و مأمورین دولتی پیدا شده که هم بر ایشان و هم بر سایرین بخوبی واضح میشد زیرا که نفس لوامه شان در اداء وظیفه و حقوق وطن خود پاک نبود \*

وقتیکه صمصام السلطنه خبر قتل دوست خود پرنس را شنید بی اختیار اشکش جاری شده و بچودانه قسم خورد که ریشه اشخاصی که یقین بارتکابشان داشت از اینج

وین بر کند و گفت که « بیست نفر دیوکرات را بقتل خواهم رسانید » \* علت و سبب اولتیماتوم دوم روس را بعضی هامبئی بر دو بهانه تصور نموده بودند اگر فرضاً صحیح هم باشد بیچگانه بوده است یکی این بود که مسیولانکفر را که از رعایای دولت انگلیس بود بریاست مالیات تقاطی که منطقه نفوذ روس بود معین و تازمرد کرده بودم دیگر آنکه مراسله و آرنیکلی که بروزمانه تمس لندن نوشته ترجه آن را به فارسی طبع و توزیع نموده بودم اتفاقاً هر دوی آنها برخلاف راستی بود \*

اگرچه مطالبات و کوشش های منافقانه روسها که میخواستند حقانیت خود شان را ثابت نمایند ایرانیان را پریشان وی حس نمود و دولت مشروطه ایران هم در این سنوات اخیره بحرکات فریب دهنده جا برانه بلکه سبانه کابینه پطر سبرگ عادی شده ولی چنین لطمه و فشاری را منتظر و امیدوار نبود \*

کابینه ایران تصور نموده بود که خصومت علنی انگلس و آلمان سبب از دیاد مخاطره امنیت اروپا خواهد شد اگرچه رنجش معامله مرا کو آرام گرفت ولی اثرات آن هنوز بکلی محو نشده و ظاهر بود و نیز احساس نموده بودند که سرگرم بودن سرداوردگری بمعاللات و بحران خطرناک اروپا نقشه و خیالات او را که در آسیا برای توسیع منافع دولت انگلیس کشیده بود از خاطرش محو نموده بنا بر این ظاهر میشد که روسها برای اجراء مقاصد دیرینه و رسیدن به آرزوهای قدیم خود برای تصرف نمودن ایران و بنا نمودن استحکامات جنگی دریائی در خلیج فارس آزادانه مستعد بودند روسها وقتی میتوانستند مقاصد خود شان را در ایران اجراء نمایند که اقل مخالفت و مناقضت ظاهری بامواد عهد نامه ۱۹۰۷ نکرده باشند بواسطه این تدبیر و اتخاذ این مسلك پلیکی وزارت خارجه انگلیس را بحیلانه از پریشانی هائی جواب توضیحات پارلمان رهائی میدادند که چو روسها پای بند بواد عهد نامه نمیشدند \*

ایرانیان با این حال چنانچه از واقعات و اقداماتشان ظاهر میشد حسن عقیده کامل در باره بزرگترین ملل مسیحیه عالم داشتند که با احترام عهد نامه و ایفاء وعد های مقدس خود پای بند خواهد بود و گمان نکردند که تمام حیات ملی و آزادیشان بواسطه مختصر بهانه موهوم بی احلی ممکن است در ظرف یکشب بهعرض خطر بیفتد \* دیر ملتفت شدند که فریب خورده اند اگرچه فهمیدن این نکته هم بسیار مشکلسست که اگر فرضاً هم از حقیقت امر زود مطلع میشدند چه میتوانستند بکنند و اگر

روسها بهانه که جسته بودند مسدود و رفع میشد حلیه های دیگر تراشیده و برای تعدیات خود مستمسک قرار میدادند دایمی که اطراف ایرانرا محاصره کرده و در آن سرزمین گسترده شده بود بتوسط آتدستها و از آن قسمت کره بود که حرکت غیر منتظر و غیر متوقعی بصحنه شطرنج اروپا در تابستان ۱۹۱۱ داده بود خرس بقدری ماهر و چالاک بود که قبل از آنکه وقت و موقع بگذرد در بسمان یا قزاق دام را حرکت داده و صید خود را گرفتار نمود \*

این بحران و بلبلیاتی که برای دولت ایران پیش آمد سبب این شد که هر کس درباره همسایه خود بد کمان کردید رؤساء و مصادر امور مملکت هم دو فرقه شده بودند کابینه در تحت ریاست صمصام السلطنه یک طریقه و مسلک اختیار کرده و کما بیش نایب السلطنه را هم با خود متفق نموده بودند و کلاهی مجلس هم بواسطه اینکه خود را وطن پرست و حافظ حقوق ملت و مسئول استقرار مملکت دانسته و دو مقابل آن مسئولیت بقا سلطنت را طالب بودند بر خلاف رأی و عقیده کابینه مشی می نمودند - حکام و رؤسای ایران که ارکان کابینه آنوقت بودند بامسئولیتی که داشتند بواسطه اولتیماتوم و مظالم روسها و سختی هائیکه در ضمن آن اولتیماتوم با ایرانیان مصادف میگشت و با ازیس پرده تهدیدات متوالیه روس هموطنان قانونی خود را با شمشیر برهنه روسها مقابل میدیدند و یا بسبب سستی که بعد از باختن نزد پاتریک با چالاکتر از خود برایشان حاصل شده بود ناخوش و ناراحت بودند با وجودیکه احتمال خیانت و عهدشکنی در آن امر میرفت اولتیماتوم را قبول کردند \*

با این جهت روز اول دسمبر قندری قبل از آنکه موعد چهل و هشت ساعت اولتیماتوم روس که برای قبول اظهارات و مطالبات خود معین کرده بود منقضی شود کابینه رای خود را در مجلس علنی اظهار نمود که رضایت قانونی مجلس را بر طبق مسلكی که قصد و اختیار کرده بود جلب نماید \*

یک ساعت قبل از ظهر محوطه و عمارت پارلمان از انبوه مردم منتظر و مضطرب بر بود و نیز امکانی که برای تماشاگران در مجلس معین شده بود از مشاهیر ایران و وکلاء عدلیه و اعضاء سفارتخانه های اجانب پر شده بود زیرا که ظهر همان روز سرنوشت ایران از حیث ملیت معلوم میشد \*

کابینه بقبول مطالبات روس مصمم شده و رعایت هر نکته را که احتمال رضایت مجلس در آن میرفت ترك نمود صمصام السلطنه رئیس الوزرا در موقعیکه بقین نمود که برای بحث و مذاکره و کلاهی در باب اولتیماتوم روس وقت کافی باقی نمانده قریب بظهر هنگامیکه موعد در شرف انقضاء بود اظهار کرد که « و کلاهی اختیارات تامه بکابینه بدهند تا اولتیماتوم روس را قبول نماید » \*

این رأی و اظهار در حالت سکوت تام خوانده شد بعد از ختم آن بطوری سکوت و بهت بر تمام مردم طاری شد که هفتاد و شش نفر و کلاهی موجوده پارلمان از بیرون جوان و علماء و پیشوایان مذهبی و وکلاء عدلیه و اطباء و شاهزادگان در جای خود مثل اشخاص سکنه کرده بی حس و بی حرکت ماندند \*

یک عالم محترم اسلامی ایستاده و در موقعیکه وقت بسرعت و بیخبر میگدشت و ظهر آن روز آن امر از اختیار ایشان خارج میگشت و هیچ رأی نمیتوانستند بدهند آن بنده خدا نطق مختصر مناسب حال و بهوقعی نموده و گفت « شاید مشیت خداوند بر این امر قرار گرفته باشد که آزادی و استقلال ما بزور از ما سلب شود ولی سزاوار نیست که ما خود مان بامضا خود از دست داده و ترك کنیم » و دستهای مرازش خود را برای داد خواهی و تظلم بسمت مردم حرکتی داده و در جای خود نشست \*

الفاظ و عبارات آن شخص بسیار ساده و مختصر بود ولی مثل اینکه پروبال داشت پر معنی بود اینگونه مکالمه کردن در مباحثه فلسفی آسان ولی در پیش نظر یک شخص ظالم قهار ستم پیشه بسیار مشکل و دشوار است و حال آنکه طرفدارانش از « گاری » ( غرقه ) ها خیره خیره باو نگر بسته و در دل های خود او را برای حبس و شکجه و تنفی بلد نمودن یا بدتر از آن نشان مینمودند \*

وکلاهی دیگر نیز بهان مسلک مشارالیه را متابعت در نطق نموده و بواسطه تنگی وقت نطقهای مختصر داده و از عزت و شرافت موکلین خود حمایت نموده و حقوق زندگی و استقلال آنان را که باشکال زیاد بدست آورده بودند اعلان کرده و داد خواهی شایانی از طرف ملت خود نمودند \*

چند دقیقه قبل از ظهر رأی عمومی گرفته شد یکی دو نفر که بسیار جیون و کم جرات و مثل زاغ و از اشخاص پست فطرت بودند خود را پنهان نموده و کناره گیری اختیار کرده و بی خبر از مجلس خارج شدند چون اسامی و کلاهی خوانده شد هر یک در

جای خود ایستاده و رای خود را علناً اظهار نمود \*

و قتی که فهرست اسامی تمام وکلا خوانده شد تماماً از پیشوایان روحانی و سایر طبقات از جوان تا پیر هشتاد ساله کعبتین تقدیر خود را بر صفحه اظهار انداخته و از طرف ملت از جان گذشته پامال شده خود که آینده ظلمانی خطرناکی در پیش داشتند بپیشت اجتماع جواب داده و اولتیماتوم روس را رد نمودند بخطر انداختن جان خود و خانواده و کسان خویش و گرفتار شدن بیگال و دزدان خرس بزرگ شالیرا بر فدا کردن عزت و شرافت و حقوق آزادی و استقلال موکلین خود که تازه تحصیل نموده بودند ترجیح دادند \* در موقعیکه اشکهای ناشائیان جاری و نعره های خوشحالی آنها برای تمجید و تحسین بلند بود اعضا کابینه شرمنده و بیمناک بیرون رفتند وکلا هم برای چاره جویی و تدبیری برای جلوگیری از آن واقعه که برای ملت پیش آمده بود منتشر و مشغول شدند \*

بواسطه این اتفاق و اکثریت آراء وکلا مجلس مطابق قانون اساسی کابینه مشغول و منحل گردید \*

بسیاری از مردم در خیابان لاله زار که خیابان معروف طهرانست جمع شده و نرها بلند بود که مرده پادشائین ملت و خدا را گواه طلبیده که برای محافظت وطن خود بجان دادن حاضر خواهند بود \*

چند روز بعد مابین وکلا و کابینه معزول شده در یک جلسه سری در رد و انکار اولتیماتوم روس اتفاق آراء شد در خلال این حال هزارها عساکر و فزاقان روس با نوچانه پی در پی در شمال ایران وارد میشدند از قلمس و جافا از راه خشکی و از باد کوبه و بحر خزر گذشته و در بندر ازیلی ایران پیاده شده و بطی مسافت جاده دو بیست و بیست میلی از کوههای البرز بطرف قزوین و طهران شروع نمودند \*

در حکومت طهران مشورت بعد از مشورت بود که واقع میشد و سازشها که بر خلاف وکلا می شد ولی بواسطه ترس ساکت و آرام گردیدند ارکان مجلس با این مخاطرات که یقین بضرر خود داشتند روز بروز در رای خود مستقل تر و ثابت قدم تر بودند \*

ممکن نیست که حالت شبها و روزهای مشوشانه ماه ظلمانی دسمبر را در پانخت شرح دهم مثل اینکه در هوا هم قسمی خوف و هراس پنهان و پوشیده بود گویا کوههای

بر از برف هم از منظره های المتناك مملکت که بر آنها گذشتی بود متألم و متأثر بودند \* از طرف علماء و پیشوایان روحانی حکم به تحریم و بایکوت امتعه روس و انگلیس شد ایرانیان سواری تراموه طهران را که به سبک قدیم بود بگمان اینکه متعلق بروسهاست نیز ترك کردند و زیر مختار بلجیک از این مقدمه بر افروخته شده و اعتراضات بسیار بوزارت خارجه ایران نمود بجهت اینکه اداره تراموه متعلق به یکی از ابناء وطن مشارالیه بود تمام آن روز تراموهای مزبور خالی و بدون مسافر میگردیدند جوانان و شاگردان مدارس و زنان دسته دسته فضای خیابانها را پر نموده و مسافری نیکه از روی بی اطلاعی اتفاقاً سوار شده پیاده می نمودند در پیچه و شیشهای مغازهاییکه در آن امتعه روسی نمایش داده و فروخته میشد شکستند سعی و مواضبت نامی نمودند که کسی جنای نخورد اگر چه چای هندوستان هم باشد زیرا که اغلب چایهای طهران از روسیه می آمد و بپیشت اجتماع بسفارتخانهای دول خارجه میرفتند که از نمایندگان دول عالم برای ملت ما یوس خود داد خواهی کنند \*

بکروز شهرت میکرد که مشاهیر ملاحای نجف اعلان جهاد و جنگ مذهبی برخلاف روسها نموده اند (۱) روز دیگر خبر میرسید که قشون روس در قزوین شروع بگلوله ریزی و قتل عام نموده است \*

بایکوت امتعه انگلیس در جنوب ایران بقدری اهمیت پیدا کرد که فوج هندی انگلیس در شیراز به اشکال تمام برای خود آذوقه تحصیل میکردند ملاحای معروف آنجا اسکناس بانك شاهنشاهی را که انحصار بانگیشها داشت حکم نجاست آن نموده و بیانك رد کرده و در عوض مسکوکات دولتی میگرفتند تقریباً هر روز بیست هزار تومان اسکناس مبادله پول میشد \*

بکروز بتوسط بلیس مخفی دو نفر از اعضاء هیئتی که برای کشتن خزانه دار سازش

(۱) سیزدهم دسمبر (بیست و یکم ذیحجه ۱۳۲۹) ملا محمد کاظم خراسانی مجتهد معروف نجف در موقعیکه در شرف حرکت بطهران بود برای اعلان جهاد مذهبی برخلاف روسها بهتناً بواسطه علت مخفی فوت نموده در طهران یقین شده بود که بتوسط حامیان و معاونین روسها مسموم گردیده است آن ملای معروف و دو نفر از همکاران و دوستانش حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل و ملا عبدالله مازندرانی در امداد و معاونت ملیین و مشروطه طلبان ایران بیشتر و بیشتر از سایر پیشوایان اسلام مجاهدات نمودند \*

نموده بودند گرفتار شدند پلیس بمنزل ایشان حمله و یورش برده و در آنجا دستگاه مختصری که برای ساختن «بب» فراهم شده بود بعلاوه چند «بب» که از شوره و گلیسیرین ساخته شده بود پیدا کردند در ضمن استنطاقات در اداره پلیس اقرار نمودند که چند نفر از ایرانیان که برخلاف سلطنت جدید بوده بایشان پول داده اند تا در موقعیکه با کالسکه از خیابانها میگذرم با «بب» مرا تلف کنند \*

دیگر در همچو صورتی زندگانی در طهران برای من مناسب و صلاحیت نداشت در موقعیکه در اداره خودنشسته بودم آوازهای کلوله ها بود که از خیابانهای اطراف باغ می آمد بواسطه جنگمائیکه مجاور پارک واقع میشد اینگونه اتفاقات امر خلاف معمولی نبود و در شبها تقریباً آوازه خوانی طپانچه «موزر» واقع میشد ما مورین روس که پاره از دستجات قشون و قزاقهای ساخلوی روس در فزوین جدا شده و پیش آمده بودند هر روز صبح زود با قزاقان برای معاینه نقشه پارک می آمده و بمستحفظین پارک صورتهای مهیب و هولناک خود را نشان داده و گردش می نمودند بدون شبهه ان قشون بسیاری که روسها بایران وارد نموده بودند فقط برای اخراج من بود نتیجه حمله های زهر آلود خصومت امیزی که روزنامه های نیم رسمی روس برخلاف من میکردند حقیقه باعث تشویق و ترغیب بلکه دعوتی بود برای اشرار و بدسگالان و فراریان بلژیکی قفقاز که (صدها در طهران بودند) برای ضرر رسانیدن بن باین امید که حقیقه یا صرف خیال از دولت روس دوباره تأمین برای خود حاصل کنند چنانچه قاتلین صنیع الدوله (مرحوم) هم همین تأمین و خاطر جمعی را برای خود تحصیل نمودند \*

یکروز عصر تنگی در موقعیکه بازن خود مستعد رفتن بهائی مختصری بودم خبر رسید که سه نفر قفقازی در خیابان مجاور پارک منتظر من میباشند ان خبر صحیح بوده و صحت ان هم به ثبوت بیوست باین ملاحظه خیال نمودم که ماندن در منزل انسب و اولی است در این موقع چند نفر از احزاب ملی و وطن پرستان از من خواهش نمودند که بایشان اذن یدهم ناهیتی بر ایملوگیری از کوششهاییکه برخلاف جان من شده بود مرا محافظت نمایند من هم راضی گشتم (۱) از ان وقت به بعد مستحفظین داوطلب روز و شب

(۱) بسیار متأسف شده از شنیدن این خبر که یکی از ان «والنتیر» یعنی داوطلبان را چند هفته بعد از حرکت من از طهران بواسطه این که فدائی خطرناکی بود با او زدند \*

مواظب من بوده و هیچ وقت غفلت نه نموده و از من منفک نمیشدند مگر وقت خواب \* چهاردهم دسمبر (بیست و دوم ذیحجه ۱۳۲۹) ژوراستوکس از طهران حرکت نمود که بدسته خود در هندوستان ملحق شود \*

روز دیگر سفارت روس بدولت ایران اطلاع داد که اگر در ظرف شش روز تمام مواد اولیاتیوم قبول نشود چهار هزار نفر قشون ساخلوی قزوین بسمت طهران حرکت خواهد نمود چند روز بعد از ان از اثر پردهای نیائری و در حمایت اقدامات روس دوهزار نفر ترا که از حدود ما زندران حرکت نموده و حقیقه تا دامغان هم رسیده و از انجا پانخت را تهدید می نمودند در ان زمان طهران بیشتر از ششصد نفر نمیتوانست قشون برای جلوگیری ایشان بفرستد يك همچو قشون بزرگی در تحت فرماندهی یکی از (لغنت) های مسیویفرم فرستاده شد که انها را از پیشقدمی ممانعت نماید \*

پیغامات و تلگرافات اطمینان بخش و اظهار همدردی از جانب تمام مسلمانان عالم بطهران هجوم آورد چند فقره از ان تلگرافات دماغ کابینه ایران را که از جندی قبل به تسلیم کردن خود و ملت خویش بروسها راضی گشته بودند مثل توده آتش سوزانید \* انجمن دفاع ایرانیان از کلکته تلگراف ذیل را بکابینه مخابره نمود: «هرگز بقبول مطالبات جدید راضی نشوید بلکه از انتریکمائی که در منجستر و مسلمانان عالم ظاهر شده فایده بگیریید حتی زنان هندوستان هم بسیار بر انکجه شده اند فشار شالی برای تحصیل اجازه و تسهیل کشیدن راه اهانت بنصیحتهای جنوب اعتماد نکنید تعلقات و روابط امریکائیها را زیاد کنید (۱) \*

وقتی وزیر خارجه عثمانی در جواب پارلمان اسلامبول توضیحی داده و نقشه حالت حاضره ایران را رنگ تمسخر امیز نوی داد ان ظریف عثمانی جواب داد که ازادی و استقلال ایران هیچ در خطر نیست زیرا که معاهده روس و انگلیس ضامن حفظ ان (۱) این تلگراف نیم مخفی حالت اصلی محصور شدن انگلستان و طهران و سایر ممالک دیگر را واضح می نمود \*

اطلاع کامل حاصل نمودم که ایرانیان بقین کرده بودند در صورتیکه مجلس سهولت کشیدن راه امن را بروسها تفویض نماید روسها قشون خود را از ایران معاودت خواهند داد و اشکال تراشیهای اولیاتیوم بخوبی رفع خواهد شد جمله اخر تلگراف مزبور اشاره بمصنف می باشد \*

میباشد در صورتیکه در آنوقت دوازده هزار نفر قشون روس تمام نقاط قلمرو شمالی ایران را تصرف نموده بود \*

مجلس برای خلاصی از این مسلکهای مختلفه و رهائی از این محصره های تازه بسیار کوشش و سعیهای غریب نمود یکی از انجیالات تازه که بنظرشان جلوه نمود این بود که ممالک متحدۀ آنازوفی امریکارا بهانه دهند که در معاملات ایران مداخله نمایند شبی چند نفر از لیدران احزاب و ارکان معروف مجلس بملاقات من آمده و خواهش نمودند که مسوده قانونی مختصری ترتیب دهم تا کشیدن راه آهنهای لازمه را که محل بحث است رعایت کنند و جای اسم را خالی گذارده تا آن قانون را فوراً امضاء و اجراء نمایند و اسم شخص منموم یا جماعتی از متمومین امریکارا بنویسم و تاگرافاً از نیویورک اجازه تحصیل کنم تا آن متمومین از دولت متبوعه خود اجازه و اطمینان تحصیل نموده و شروع بکار کنند و سعت این خیال عمیق را تحسین نموده و اظهار کردم که متأسفانه نمی توانم در این کار مداخله و اقدام نمایم \*

مشیرالدوله که فقط اسماً وزیر عدلیه بود اگر چه در موقع وصول و اشاعه او انبیا نوم از اقدامات کابینه بکلی خارج بود کسی را پیش من فرستاد که سؤال کند اگر مجلس اختیارات نامه بمن بدهد آیا میتوانم با روس و انگلیس تصفیه آن شروط را بکنم و نیز گفت برادرش که رئیس مجلس است منتهای میل و ارزو را بانجام کار بدین قسم دارد و گفته است که اغلب و کلاً نیز طرفدار این رأی میباشد من تشکر نموده و گفتم بنظرم میرسد که مداخله در این گونه امور وظیفه و تکلیف کابینه است نه خزانه دار خصوصاً در صورتیکه اشاره یکی از اصول مقاصد آن اولتیموم راجع بمن می باشد بعضی از وکلاء هم رأی دادند که دولت باید بمطالبه روس در انفصال من از شغل خزانه داری راضی شود ولی بعنوان مستشاری مجلس مرا در ایران نگاه بدارند \*

وقتیکه مجلس در کمال باس هیئت دوازده نفره را نزد نایب السلطنه فرستاد که باو اطلاع دهند که چون مجلس هیچ اعتماد و وثوقی باعضاء کابینه ندارد در شرف اختیار مسلك جدیدی است که به نایب السلطنه اختیارات نامه بدهند تا با روس و انگلیس شروع بمذاکرات نموده و از جانب دولت ایران بشرائط مناسبی با آن دو دولت صلح نماید رنگ والا حضرت مثل میت سفید شده و از بسبباری حزن و اندوه بر ایشان گردیده و وکلاء را تهدید نمود که اگر سرنه دیگر این خواهش را تکرار نمایند بفاصله نیم ساعت

بسعت انزلی حرکت خواهم نمود و حکم داد که کالسکه اش را حاضر نمایند \*

وقتی هر چهار فرقه سیاسی ایران یعنی حزب دیموکرات و اعتدالیون و اتحاد و ترقی و حزب داشناک سیون (Dashnaktiyoan) (جماعت ارامنه) بتوسط وکلاء خود جمع شده و قرار دادند که از اقدامات آینده قشون روس و پیشقدمی بجانب پایتخت جلوگیری نمایند تمام قشون طهران که در آنوقت مینوانست حاضر شود منصرف بود بدو هزار سوار بختیاری و سیصد نفر مجاهد ارمنی با چند توپ مسلسل مکرم و تقریباً سه هزار نفر فدائی «والانتیر» وطنی که قسم خورده بودند که دولت مشروطه ایران را محافظت و حمایت نمایند تمام این قشون فدائی هیئتی بودند بینظم و بی اسلحه ولی شجاع و متهور بشهادت شجاعت و رشادتها یکم چند هفته بعد از برادران تبریزیشان از آنان بظهور رسید که تا شش روز با قشون و دو باطری توپخانه روس که عددشان پنج مقابل مجاهدین بود مقاومت نمودند در صورتیکه هیچ توپ و توپخانه همراه نداشتند اگر راههای کوههای طهرانرا تصرف و قبضه می نمودند بدون شبهه بر پانزده هزار قشون روس غالب می آمدند بجهت اینکه آن فدائیان آرزوی فوق العاده برای مقابله با قشون روس داشتند \*

علاوه بر قشون مزبور هزار و یکصد نفر ژاندارم خزانه نیز در آن زمان بود که به تربیت چهار نفر صاحب منصب ماهر و شجاع امریکائی تربیت یافته بودند این فوج ژاندارمری از سردمان وطن پرست ایران که حقیقۀ میخواستند خدمت بوطن خود شان نمایند انتخاب شده بود و من تعهد کرده بودم که آنها را با اسلحه و مشق نظامی نگاه دارم و بعد از چندی سی و پنج نفر صاحب منصب ایرانی که فرماتده آنها بودند چون مغلوب شدن مجلس را شنیدند پیش من آمده و بجز تمام خواهش کردند که برای دفاع وطنشان به آنها اذن جنک داده شود من قرائن بسیاری داشتم بجهت ثبوت اشتیاق فوق العاده آنها برای مقابله با روسها \*

در موقعیکه لیدران و پیشوایان فرق سیاسی برای مقابله کردن با روسها مصمم شده بودند وقت تنگ شبی اعضاء کیتی حفاظت (محافظ) مرا ملاقات نموده و رأی و صلاح مرا بطریقی برای اجراء مقاصد خود سؤال و پرسش کردند خوب بخاطر دارم بی اصلی و موهوم بودن آن ملاقات را که دوازده نفر لیدران منتخب شده طبقات مختلفه عجیب و اجنبی با مسلکهای مختلفه در زندگانی مشورت کردن از شخصی که باعتقاد آنها کافر و

بی ایمان بود در امری که ایا ایشان باید اقدام شجاعانه موثری بکنند و ایا این اقدام از هزارها نفوس خوف و سرگرافع خواهد نمود و بالاخره ایا ضررهای جسمانی خارج از قیاس را باید از مردم دور بکنند \*

سه ساعت در این باب مذاکره نمودیم اخرا الامر مجبور شدم که برخلاف مسلک و رضای خود اظهار این رأی را بکنم که اگر قشون ایران مختصر قدمی در شمال طهران برخلاف قشون روس بردارد بعد از آب شدن برفها یعنی بهار آینده پنجاه هزار نفر قزاق روس داخل ایران شده و شراره آخری آزادی و استقلال ایران را پامال خواهند نمود نه يك پوه زن و نه يك طفل یتیم را باقی خواهند گذاشت که بر قبرهای سر بازان فدائی ایران ماتم سرائی کنند \*

اگرچه آن مذاکرات بسیار المناك و عجیب بود و شاید هم حق نداشتند که مسئولیت آن کار را بعهده شخص اجنبی وا گذارند اما از یاد آوردن آن قضیه خیلی خوشحال میشوم که وقوع و پیش آمد مصیبت خطرناکی را بایشان اطلاع داده که مفری از آن نداشته و خواه بخواه آن مصیبت وقوع می پذیرفت \*

باری علی الظاهر بخالفت محرمانه با مطالبات روسها راضی گشته و نوشجانشان را برجیده و رفتند باب مختصری علاوه بر ابواب مقرره نوشته شد که در نظر بیشتر اهل عالم معنی درست صحیحی ندارد ولی نزد اشخاصی که آن واقعه بر ایشان گذشته ملو از معانی و فوائد است \*

در این وقت در اطراف طهران شهرت داشت که بواسطه تهدید و رشوتهایی که مامورین معروف روس با اکثر و کلا ایران بکار برده مجلس بقبول آن شروط راضی و مطیع خواهد گشت در این هنگام زنان ایران اقدامات معرزانه وطن پرستانه نمودند که سر آمد همه کارهایی بود که از ابتداء تجدید حیات ایران نموده بودند \*

زنان ایران از سنه ۱۹۰۷ يك جنبش بسیار ترقی نموده بودند اگرچه از حزب «رادیکل» بشمار نیامده و ترقی آنان ذاتی و اصلی نبود ولی با این حال از ترقی یافتگان عالم محسوب میشدند آن اقدامات زنان خیالات مندرسه قرنهارا خراب و فاسد نمود و هیچ خلیفیم بصحت اینقول وارد نمیشود که آنوقایع طبیعی و حقیقی بود \*

اگر بگویم که این قوه قویه اخلاق که مردان مشرفی آنها را سر آمد متاع و اثاث مشرق زمین بنامیده و بواسطه اهالی ایران خوب منظم گردیده و بجهت مخالفت بد قسمت

کم عمری بزودی بزمرد شده بود شاید بیان واقع باشد ان زنان برای زنده نگاهداشتن روح آزادی کوششهای بسیاری نمودند در حالتیکه ایشان در تحت دو قسم فشار و مظالم بودند یکی پلٹیکی و دیگری تمدنی و معاشرتی و در اتخاذ طرق حکومت مشروطه و اموختن قوانین پلٹیکی و معاشرتی و اخلاقی و تجارقی از اهالی مغرب زمین بیشتر از مردها مایل بحركات خوشنمائی ملیانه بودند نظیر این امر غریب این است که بسیاری از علماء نیز این ارزوی مردم را امداد و معاونت می نمودند استمداد ملت از فرقه که همیشه در موقع تغییرات و انقلابات فوائد قدمی خود را طالب بوده بیشتر مورث تعجب مینگردد در صورتیکه نقصان کلی از ان تغییرات پلٹیکی بمنافع تاریخی ایشان میرسید \*

در ظرف مدت پنجسال یعنی پس از ان انقلابی که بدون خون ریزی در سنه ۱۹۰۶ به ارزوهای خود مشعشعانه کامیاب شدند هنوز از اثر مظالم مظفرالدین شاه شراره و شعلهای غضب الوده از چشمهای مستوره زنان ایران اشکار بود و در جد و جهد تحصیل آزادی جدید و علامات ان با کمال سعی بعضی رسوم مخصوصه را که از قرون پیش در ایران معمول بود ترك نمودند \*

موقع بسیار بافتم که ظهور اثرات و اراده های عالیه زنان اسلامی که پی در پی واقع می شد به بینیم \*

ماها که اروپائی و امریکائی هستیم از زبانه درازی بشرکت دادن زنان مغرب زمین در معاملات و پیشها و علم و ادب و فزیک و پلٹیک عادی شده ایم اما چه میتوان گفت در باره زنان پرده نشین و محبوب مشرق فریب که بفاصله کمی استناد و مدبر جرائد و بانئ کلوب زنانه و نطق مضامین پلٹیکی شده و با کمال قوت مشغول بترویج و ترقی خیالات مهمه مغرب زمین می باشند معلوم نیست مملکتی که از قرون عدیده باین طرف در تاریکی و خاموشی استبداد پیچیده شده خیال اشتراک مملکتشان در تجدید زندگانی پلٹیکی و تمدنی از چه وقت طلوع نموده و این اعتقاد را سخ آنها در قوانین پلٹیکی و تمدنی از کجا پیدا شده! هیچ محل تردید و شبهه نیست که این گونه خیالات در ایشان حادث شده و حال هم هنوز باقی است و عقل و ادراکی که بواسطه تجربه عملیات سالهای دراز عموماً تحصیل نموده اند بر آن خیالات افزوده شده \*

زنان ایران نمونه مشعشی از لیاقت و دلهای پاکیزه خود در قبول خیالات جدید اظهار نموده و با تهور و مجاهدت بتکمیل خیالات خویش مشغول گشتند \*

بس از چند روز از ورود بایران در تحصیل عقائد ملی یعنی مجلس و جماعتی که وکیل و محل امیدواری و خیالات بیشتر اهالی ایران بودند نائل شدم پس از حصول امر مزبور فوراً بیک اثر بزرگ دیگری اگر چه مخفی بود منتقل کردیم که آن اثر سرا از چشمان مهربانی که از روی حسد و رشک بجرکات من بود محافظت نمود در طهران شهرت داشت که دو جبین ها و دسته ها از اعضاء انجمنهای سری زنان هستند که تنگی و کتنام و در تحت او امر سر کر معینی که زمام نظم ایشان را در دست داشت میباشند تا امروز هم نه اسم هیچیک از آنها را دانسته و نه لیدران آن فرقه را می شناسم ولی از طرق عدیده مطلع شدم که هزارها از جنس ان زنان ضعیف در پیشرفت کارهای من مساعدت می نمایند \*

ذکر نظائر چندی برای اثبات این مطلب کفایت میکند در تابستان گذشته یکروز صبح در موقعیکه در اداره خود نشسته بودم گفتند یکی از منشیان ایرانی دفتر خزانه برای مذاکره امر لازمی خواهش ملاقات دارد در مشرق زمین اخبار و اتفاقات عجیبه بی مقدمه و بی سابقه با انسان میرسد که ان خواهش را نمی شود بهیچ قسم بسهولت رد نمود ان فرد جوان داخل شد تا از زمان او را ندیده بودم بزبان فرانسه با هم گفتگو کردیم بعد از اظهار معذرت و اجازه مکالمه از ادانه گفت مادرش طرفدار ما بوده و بمشارایه تاکید نموده که بن بگویند که زن من باید بماند فلان امیر ایرانیکه خانواده او مهانش کرده بودند نرود زیرا که امیر دشمن حکومت مشروطه است و رفتن زن من بخانه مشایله باعث بدگمانی ایرانیان از من خواهد شد از او تشکر نموده و تا انوقت خود منهم از ان مقدمه دعوت اطلاع نداشته و زود ملتفت شدم که همان قسم تدبیر شده و پیروی نمودن انهم نصیحت کرده شده بود ثانیاً ان جوانرا طلبیده و سؤال نمودم که مادرش از چه راه از این معامله مخفی شخصی زن من اطلاع یافته است جواب داد که مادرش در انجمن سری زنان عضویت دارد و در اینجا این مسئله مطرح مذاکره و بحث گردیده و فرار شده است که این امر را بن اطلاع دهند \*

در یک معامله دیگر تازه تری جماعت بسیاری از زنان فقیر و پریشان ایرانی بپارگ اتابک آمده که بن اظهار نمایند که چون اداره خزانه نمیتواند وظائف و مستمریهای دولتی مرد مرا برساند و بیش از یکلیون دالر قرض دارد و مثل این وجه برای مصارف فشنون داوطلب که پاشاه مخلوع جنک میکنند لازم دارد مخالف و بر ضد من میباشند

یکی از معاونین ایرانی خود را فرستادم که آنها را ملاقات نموده و سؤال نماید که کدام کس آن اعتراضات را بایشان تعلیم نموده است آن شخص مراجعت نموده و اسم یکی از مشاهیر مخالفین را که آنوقت در امداد و طرفداری معامله محمد علی بود ذکر نمود جواب دادم که اگر به آراهی و سکونت تمام متفرق و منتشر شوند فردا جواب به آنها داده خواهد شد و آنها نیز متفرق شدند \*

بعد از آن یکی از انجمنهای زنان توضیح مشکلات مالییه و ممکن نبودن تأدیه اونوظائف را بسبب حواجی مهمه دولت مشروطه فرستادم بانضمام این خواهش که در آینده از این گونه شورش و هیاهو برخلاف خزانه منع و جلوگیری نمایند اگر چه بعد از آن تاریخ تأدیه وظایف ممکن نشد ولی از جانب زنان هم دیگر اجماع و شورش در آن باب بعمل نیامد \*

در طهران معروف بود که هر وقت زنها برخلاف کابینه یا دولت بلوا و شورش میکنند حالت کابینه و دولت بسیار خطرناک و سخت خواهد شد \*

در موقع ضبط و توقیف املاک و اموال شعاع السلطنه چون دولتروس ملتفت شد که قونسل جنرال هیچ بمانه قانونی برای جلوگیری و منع از آن اقدام ندارد متوسل باین تدبیر شده و این حیل را اظهار نمود که پارگ شعاع السلطنه واقعه در طهران در بانک استقراضی روس کرو میباشد و مالکشر بیانک مزبور دوپست و پست پنجهاز دالر مقروض است همه میدانستند که ان ادعا لغو و آن مطالبه بیجا است و لکن چون آن طریقته همراهه طریقته مختار و مرضی عمومی نبوده و شاهزاده یاغی برای حفظ املاک خود از ضبط شدن آن مکر و توریه را نموده بود من نتوانستم بطلان ان ادعا را اثبات و خلاف آن را مدلل بنام بانک روس هم در عوض آراء نمودن دفاتر و اقامه شهود برای اثبات ان قرض مانند کرها بی اعتنائی می نمود \*

در اینموقع دلیل بینی برای شجاعت و وطن پرستی یکزن ایرانی بدست آورده و درجه میزان همراهی او را با خزانه دولت مشروطه احساس نمودم \*

یکی از مشاهیر معاونین ایرانیم که شخص وطن پرست تربیت یافته عالی بود بملاقات من آمده و اظهار داشت که خواهرش که یکی از زوجات شعاع السلطنه است سوادی از وصیت نامه اخیری ان شاهزاده که همان سال قدری قبل از حرکتش از ایران مطابق رسوم معموله مذهبی و اسلام بطوریکه سزاوار یک نفر شخص ابرو مند پست بدست آورده \*

در آن زمان به برادر خود اطلاع داده که آن سند را که در واقع فهرست و صورت تمام اراضی و املاک آن شاهزاده را چنانچه باید و شاید حاوی بود بمن نشان دهد سواد مزبور متضمن بیان مشروحات بود از تمام محاسباتی که شاهزاده مشارالیه بمردم بده کار و طلبکار بود در حقیقت زاپورت کاملی از دارائیش بود با اینکه در اراره سند احتمال خطر جان خود و فرزندانش بسیار میرفت با ابطال چون مشارالیه یقین کرده بود که اراره آن سند از وظائف بلکه فرائض وطنی او میباشد سواد آنرا پیش من فرستاد به امداد سند مزبور توانستم از کذب اخیری دفاع کنم که دولت روس برای دروغ و اقدامات قانون شکنانه و خاصانه ما مورین قونسلخانه خود در آن معامله اعتقاد کرده بود \*

در آن ایام تارظلمانی که اوهام مردم در تردید بود که آیا مجلس باقی خواهد ماند یا منفصل میشود؟ زنان ایران با هیجان و حرارت قلبی برای محافظت آزادی و محبت فوق العاده وطن خود آخرین اقدامی که آنان را بر مردان تفوق و برتری داده و دلیل شجاعت و وطنیشان بود بعرضه ظهور رسانیدند شهرت داشت که وکلا و نمایندگان در چند جلسه سرئی مجلس قرار داده بودند که مطالبات روسها را تسلیم نموده و راضی شوند بازاریان و اهالی پایتخت فرقه فرقه شده بودند در اینصورت مدین و کلا را چگونه به اداء وظایف خودشان مجبور می توانستند بکنند ؟

در این موقع زنان ایران جوانی مهیا نموده و سبب نقر از آن جنس ضعیف از خانه و حره سراهای محصور با فروختگی بشره که از عزم ثابتشان خبر میداد بیرون آمده در حالیکه در چادرهای سیاه و نقابهای مشک سفید مستور بوده و حرکت نظمی می نمودند بسیاری از ایشان در زیر لباس با استینهای خود طپانها پنهان داشتند یکسره مجلس رفته و در آنجا جمع شده و از رئیس مجلس خواهش نمودند که تمام آنها را اجازه دخول دهد رئیس مجلس بملاقات نمایندگان ایشان راضی شده در اطاق ملاقات با رئیس مقابله کرده و طرف مذاکره شدند با این خیال که میاد خود یا همراهانش مطلب و مقصود شانرا درست ملتفت نشوند آن هیئت مادران و زوجات و دختران محبوب ایرانی طپانجهای خود را برای تهدید نمایش داده و نقابها را پاره کرده و دور انداخته و اراده و عزم آخری خود را اظهار و اعتراف کردند که اگر وکلا مجلس در انجام فرائض خود و محافظت و برقرار داشتن شرف ملت ایران تردید نمایند مردان و فرزندانش و خودمان را کشته و اجسادمان را همین جامی اندازیم \*

اگر چه مجلس از يك شوق دست فغله های روسی در یکی دو هفته بعد از پادار آمد ولی از آلابش فروختن حقوق وطنی ملت خود میرا گشت \*

آیا با این حال سزاوار نیست که به آواز بلند فاش و برهلا گفته شود که « عزت زنان نقاب پوش ایران پابنده باد »<sup>۲</sup> بواسطه اطمینان و اتکال با اوهام مردان که همیشه در مقابل نظرشان مجسم بود فرصت تعلیم خود را بروفق خیالات جدیده از دست داده و محروم گردیدند و نتوانستند از آن اقدامات خود فائده صحیحی ببرند با ابطال و با مراغبت و ممانعت مردان از پیمانته آزادی سیراب شدند همه روزه بولهای خود را برای اعانه مملکت خود میدادند و خدام وطن را تشویق نموده و هر لحظه بچشم حسرت مادرانه بر آنها می نگریستند در آن موقع و آن ساعت دهشت ناک حزن افزا که دلهای مردان ضعیف شده و خوف حبس و زجر و دار و گلوله ریز شدن بر شجاع ترین اهل مملکت راه یافته و باعث خفقان قلبشان شده زنها کوتاهی نکرده و از دیگران عقب نماندند \*

چون روسها از تهدید و دادن رشوه برخلاف مجلس فائده نبردند مجبوراً بخواب کردن آن حکم دادند \*

بعد از ظهر بیست و چهارم دسمبر (دوم محرم ۱۳۳۰) کابینه که از طرق عدیده معزول شده بود مجبور بکار بردن يك ضرب دست برخلاف مجلس شد بتوسط عده ژاندارمه و دسته از اهل بختیاری بخارج کردن تمام وکلا و مستخدمین و اجزاء جز داخله مجلس کامیاب و کامران شدند و بعد از آن درها را بسته و مقفل نموده وعده کثیری از گارد هایون که معروف به رژیم شاهی بود برای محافظت مجلس گذارده و بوکلا تهدید نمودند که اگر در مراجعت به آنجا یا جمع شدن در جای دیگر سعی نمایند کشته خواهند شد شهر طهران فوراً بطرز حکومت اولیه یعنی استبدادی و نظمی گردید آن هفت نفر مدیر که از پیش خود بطور دل بخواه تشکیل شده بودند به آن امر مهم خوفناک اقدام نمودند باطمینان آنکه قشون زیاد بختیاری که تقریباً دو هزار نفر و بعد از شکست دادن قشون شاه مخلوع در سبتمبر گذشته دریای تخت جمع شده بودند دو مرتبه بحکم و تصدیق نواب و ما مورین بمحافظت دولت جدید و حمایت ایشان مقرر خواهند شد نواب روس بترغیب و مطمئن کردن اعضاء کابینه معزول شده که مقاصد و اغراضشان طرفداری روسها بود نائل شده و بمقصد خود رسیدند ممکن نیست دانستن این امر که چه مقدار طمع و خوف آن کابینه معزول شده را در ظل حمایت

اغیار بمخالفت و خرابی مملکت خود حاضر و راضی گردانید ولی بدون شبهه از هر دو مهلکه حصه و سهم کافی داشتند رئیس الوزرا یکی از مشاهیر سرداران بختیاری و وزیر جنگ بود سردار محترم سردار دیگر بختیاری بود که فقط از پیش خود وزیر جنگ شده بود آن سرداران هیتی بودند مرکب از وطن پرستان کوهی و صحرائی یا باغیهای شهری که همیشه فشنون وفادار و راهزن طماع ایران بودند صفت و خصالت طماعی آنها شاید فطری و جبلی بوده که در مقابل قزاق و توپ خانه روس زندگانی با شرف و موقع عزیز خود را به ثمن بختی نقد بعلاوه وعده فریب آمیزی فروخته و خاتمه دادند یعنی امتداد وزارت عظمائی مثل وزارت مالیه که ابدالدهر در خانواده و طایفه ایشان باقی باشد چون بر خلاف رأی مجلس که هیچ اطمینانی بایشان نداشت بمصلحت اسلحه مصمم شدند آتش فشنون دیگر با اسلحه دولت مشروطه یعنی ژاندارمه طهران بسرکردگی آن سرد شجاع ارنی یعنی بفرم خان که ظاهراً از سازش کابینه با روسها دل خود را باخته و بیوفت با ایشان تن در داده بود برده آخری دولت مشروطه را بچیده و آخرین اثر او را محو نموده و خاتمه داده و سرانجام حیات مملکت و استقلال خود را برحم و وجدان آن هفت نفر مأمورین یا حکام مشرقی که مملکت خود را بروسها فروخته تقویض نمودند این اقدام خاتمه افسوسناکی بود برای جد و جهد شجاعانه ازادی و نور علم \*

عصر هائروز بسیاری از وکلا و منفصل شده به اداره من آمدند من ایشانرا خوب میشناختم که تربیت یافته و تحصیل نموده اروپا و باجرات و دیانت بوده و بوطن پرستی ایشان اعتماد کلی داشتم تحمل انحرکت خارج از فانون هموطنانشان بنظر آنها صعب تر از يك بلای پلنیک یا توهین مذهبی بوده و حرکت و حشیه و جرم بزرگی بود با اشکها و آواز سرنمش و دلپای پریشان مردم بودند که ایا وزرا سابقه و کسانیرا که خرابی دولت و مملکت را بنهایت درجه رسانیده بودند بکشند یا بر حسب خیالات مشرقی ها مسلک خود کشی را اختیار کنند از من مشورت نموده و رأی خواستند من در پریشانی و تحیر واقع شدم که ایا در باره محافظت جانهای غداران مشهوری که ملت خود را بی پناه کرده بودند حق خواهم داشت اخرا لامر ایشان را مجبور کردم که از آن هر دو خیال منصرف شوند یعنی نه خود را بکشند و نه وزرا را زیرا که از کشتن هموطنان باغی هیچ نتیجه صحیحی عاید شان نمیشد بجز اینکه حیل و بهانه های روس و انگلیس را رنگ آمیزی نوی بدهند که بگویند ایرانیان قابل نظم دادن و مرتب نمودن امور مملکت خود

نی باشند \*

چون عنصر آخری و کلای دولت مشروطه که برای تحصیل آن چندین هزار نفر جنگها نموده و خون خود را فدا کرده و دوچار انواع مصیبتها و گرفتار اقسام بلاها شده بودند در یکساعت بدون ریخته شدن بیکطرفه خون محو و نابود شد مردم ایران بر تمام اهل عالم اعتماد و ممانت خود را نمایشی دادند که شاید سایر ملل متمدنه نظیر آنرا نتوانستند بعرضه ظهور رسانند \*

کراراً از من سؤال کرده شد که آیا ایرانیان قابل نظم امور مملکت خود میباشد ، ایا ایشان بی اطلاع صرف نمی باشند و ایا روح ملیت و قوه ملیت و علم بمقوق خود دارند ؟ همه میدانند گفتن عبارات وطن پرستانه و اظهار احساسات ملی نمودن در مواقع صلح آنها مابین مردمان مطیع فرمان بردار و وقتیکه هیچ احتمال خوف مقابله سخت با فوج وحشی و تصادف به آفات و بلاها نباشد چقدر سهل و آسانست ولی وقتیکه بك هیئت هفتاد نفره و کلاه مسلمان در حالت خوف عاجل و جیس یا سرنوشتی بدر از آن از قشون قوی ترواز حیث عدد نفوس بیشتر از خود بارشوه و سازشها و تهدیداتی که بوما فیوم به آنها میشد مقاومت نمودن و در فرگمنامی و خوف اعدام رفتن و با این حال انکار از ترک عرت و شرافت ملت خود نه نمودن کار بسیار مشکلی است تصور میکنم از این بیانات پایه احساس و درجه ملیت بخوبی واضح و مسلم شده و همینقدر کافیست \* هر کس حال آن وکلا ملت ستم دیده بلا کشیده را در آن روزهای سیاه ظلمانی میدید نمیتوانست که ایرانیان را دوست نداشته و بارز وهای عالی و منصفانه ایشان اظهار همدردی نکنند قصور آنها معروف است ولی انقصور تقصیر اطرافیان یا کسانیکه افعال و اقوال ایشان را اشتهاء می دادند بود \*

انکار لیاقت ایرانیان در نظم و تمشیت امور خود در امکنه که بر آنها حمله کرده شد سبقت بر سؤال گرفته است ( یعنی این انکار جواب قبل از سؤال و از درجه اعتبار ساقط است مترجم ) این اسر را که ایرانیان در پلتهک عملی و در « نیکینک » اصول تشکیل و نظم دولت مشروطه و کالتی خود اطلاع کامل ندارند شاید کسی نتواند انکار نماید ولی در اینکه ایشان بطریقه مخصوصی استعداد کاملی برای ترقی دادن تربیت و اخلاق و لیاقت خود داشتند هیچ محل تردید نخواهد بود بلجسال زندگانی ملی بسیار کم است و چیزی نیست این مدت برای اصلاح امور شخصی بکفر کافی نمیشد یا این

حال ایرانیان بواسطه مساعی و کوششهای نجساله خود و حال آنکه در غم آن مدت گرفتار بریشانهای امور داخلی خویش و دوجار مشکلات دول دوست نمای اسمی بودند تا درجه معتد بهی بقاصد خود نائل شدند سعی و کوششی را که ملت ایران برای قلع و قمع بکفر مستبد خود خواه کرده بواسطه اینکه از ادبیکه تازه بر حمت زیاد و جدیت بسیار بدست آورده بودند سلب کرده بود آن دو دولت اروپائی در تمام عالم منتشر نمودند که اهل ایران مردمان ناچیز و بی کفایتی بوده ولایق و شایسته تشکیل دولت مستقل محکی نبستند و نمیتوانند امور داخلی مملکت خود را منظم نمایند \*

کسانیکه از حقیقت امور ایران اطلاع کامل ندارند اگر از موانع و اشکالاتی که باعث زوال آن دولت شده مستحضر شوند تصدیق خواهند نمود که اندولت بیچاره و بی پشت و پناه صید کجیفه بازهای منحوس دولی شده که از چند قرن باین طرف مشغول ازمایش و امتحان بودند و جان و عزت و استقلال بلکه هستی رعایای آن دولت بیچاره را تاوان قمار با شرط و سبق دولتی قرار داده بودند که بر سائرین پیشی بگیرد \*



— «\*» باب هشتم «\*» —

در میزان روابط و تعلقات من با دولت حقیقی ایران قتل عام تبریز و ورشت و انزلی بتوسط فئون روس حرکت و خارج شدنم از طهران \*

از اول دسمبر (نهم ذیحجه ۱۳۲۹) که کابینه مصمص السلطنه بقبول کردن اولتیماتوم روس مجلس رأی داد علناً روابط وزراء با من تغییر نموده و ظاهرأ مصمص شده بودند که بهشیج قسم با مطالبات روسها مخالفت نمایند و متوقع بودند که بواسطه مستعفی شدن فوری بدون تحصیل اجازه مجلس راه آنها را سهل و آسان نمایم \*

اگر چه بالطبع میل مفرطی باستعفا داشته ولی هیچگاه خیال عدم تصویب مجلس هم در دل من نگذشته بود در صورتیکه مجلس دو مرتبه قانوناً رأی و پیش نهاد کابینه را در قبول آن اولتیماتوم رد نموده بود استعفا من بدینقسم یعنی بدون اطلاع و رضایت و کلاسه شاید غضب یا سلب حقوق مجلس میشد با اینحال مکرر با مشاهیر و کلاسه و ما مورین معزز دولتی مذاکرات نموده و با کمال صداقت بایشان گفتم که من برای نصرت و معاونت دولت ایران آمده ام اگر پس از مستعفی شدن بتوانم خدمت لا بقدر

و مناسب تری بدولت بکسم با کمال شغف قلب و طیب خاطر حاضر و راضی میشام جواب متفق علیه آنها این بود که چون تعیین خدمت و ما موریت شما از اول بتصویب مجلس بوده اگر بدون اجازه مجلس مستعفی شوید حقیقه مخالفت با مجلس نموده و حتماً و کلاسه نسبت مخالفت و عهد شکنی بشما خواهند داد بسیاری از ایرانیان چه از طبقه اعیان و ما مورین دولتی با عموم اهالی مرا ملاقات نموده و تماماً خواهش نمودند که در هیچ حال استعفا ندهم زیرا که آن استعفا خاتمه کاملی بامید وار پهای دولت مشروطه و مشروطه طلبان خواهد داد \*

از ظهر روز اول دسمبر کابینه مصمص السلطنه بهشیج سمت قانونیت نداشت بواسطه عدم اطمینانی که و کلاسه از آن کابینه داشتند و هم باین جهت که سرداران بختیاری چون نازه مزه حکومت و ریاست را بواسطه رئیس الوزراء بودن یکی از سرداران ایشان چشیده و مایل بانزوا و راغب بگوشه نشینی و کناره گیری مثل زمان سابقشان نبودند علاوه بر این ما بین سرداران بختیاری و قونسلخانه روس اتحاد جدید محکی شده بود بکلی واضح بود که دولت روس ایشانرا ترغیب بدانعامله کرده بر حسب رأی آن دولت اقدام نمودند \*

بعد از آنکه مطالبات روسرا مجلس رسماً رد نمود و حال آنکه دولت روس هرگز همچو گمانی نمیکرد ما مورین و کماشتگان روس در طهران از راههای دیگر سعی و کوشش نمودند که اولتیماتوم روس افلاً در ظاهر قبول شود یعنی باین امر قناعت نمودند که آن اولتیماتوم را علی الظاهر قبول بکنند در آن هنگام که امور مملکتی پریشان و اهالی مضطرب و مشوش بودند تقود بسیاری به اسم دولت روس ما بین فقراء و مساکین تقسیم کرده شد در مساجد عدیده که عده کثیری از مردم جمع شده و بر حسب عادتشان برای کمی و تنگی نان دعا مینمودند از طرف دولت روس غذا بهزارها فقراء ایرانی باین عنوان که خصومت و ضدیت مجلس با روسها سبب کمی و تنگی نان شده است تقسیم کردند با اینکه معلوم بود که پول آنها را روسها داده اند شنیدم کمتر از صد هزار روبل در این راه خرج نشد \*

عصر اول دسمبر بعد از گذشته شدن پرنس علاء الدوله ورد شدن کابینه از طرف مجلس خیر رسید که بسیاری از خوانین بختیاری که بیشتر از سایرین با من عداوت و خصومت داشتند با اشاره امیر مخم غدار بر انگیزته شده و اتفاق نموده اند که بنزل من در پارک اتابک حمله نموده و خزانه دولتی را تصرف کرده و دفاتر را آتش زده و امر بکائینها را از

خدمتشان منفضل بنایند امیر مجاهد و بسیاری از بختیارها مقدار زیادی پول برای مصارف و مقاصد اتباع خود در تابستان گذشته از من گرفته و من بگرفتن صورت حساب و مخارج آن وجوه مصر بودم \*

چون این خبر بمن رسید یکی از دوستان ایرانی خود را بر مرکز مخصوص بختیارها فرستادم که بخوابین اطلاع بدهد که اگر خیال چنین اقدام بیهوده دارند لازمست که تائیداً فکر و تأمل نمایند مقصود من بی شبهه اطلاع دادن به آنها بود که از طرز خیالات و رفتار ایشان مطلع میباشم گارد ژاندارمه خزانه پارک اتابک را از پنجاه نفر سابق بیشتر نمودم که مجموعاً یکصد و پنجاه نفر همیشه انجا بر سر خدمت بودند بختیارها هیچ نیامدند \*

قدری بعد از این واقعه ما بین یفرم خان و سرداران بختیاری تقاضت و عداوت سختی واقع شد و تا مدت مدیدی هر ساعت احتمال مصادمه سخت با اسلحه بین بختیارها و پلیس و ژاندارمه یفرم خان میرفت یفرم از ریاست نظمی و پلیس شهر مستعفی شد شهرت نمود که بختیارها با بریگاد قزاق در تحت حمایت روس و فرمان کرنل زاپاسکی در گرفتن اسلحه از پلیس طهران و متابعین یفرم خان سازش و اتفاق نموده اند این سوئمن محسوس بینظمی و پریشانی شهر را زیاد تر نموده و هر ساعت احتمال بغاوت و خونریزی شدید میرفت و فدائیان که عددشان دو هزار نفر بود اعلان کردند که برای مقابله حاضر و مهیا میباشند \*

منازعه بین یفرم و بختیارها رفته رفته باصلاح انجامیده و خاتمه یافت و شخص مذکور یعنی یفرم مسئولیت نظم اداره پلیس را بعهده گرفت \*

عزت و شئون ما بواسطه جاسوسان نظامی روس در پارک اتابک روز بروز زیادتر میگردد مخصوصاً چهارم دسمبر (دوازدهم ذیحجه ۱۳۲۹) یکی از آنها سعی نمود که نسبت مستخفین و قراولان توهین نماید \*

از وضع سلوک و رفتار و ثوق الدوله وزیر امور خارجه و برادرش قوام السلطنه وزیر داخله احساس مهر سردی اشکاری نمودم اگر چه آندو نفر از سابق با من دوست بوده ولی ان تغییر مسلك و رویه جدید از زمانی شروع شد که ملتفت شدند که مسیو لکفر را برای تفتیش و تحقیق حیل و تقلباتی که از يك سال قبل از آمدن من بطهران و بعد از ان در امور مالیه انجا جاری بود میخواهم به تبریز روانه کنم مالیات ایالت اذربایجان

تقریباً یک میلیون تومان بشمار می آمد اما از چندی قبل از آنکه شغل خزانه را بعهده بگیرم و همچنین در تمام تابستان که خزانه دار کل بودم بر حسب اظهار خود پیشکار ایرانی مالیه انجا يك « ساتیم » ( پنج يك پکشاھی پول ایران ) برای دولت وصول و جمع نشده بود باین جهت لازم بود که بیشتر از پیشتر تحقیق و رسیدگی نمایم زیرا که فصل تابستان برای پیشکار وقت و موسم خوبی است برای وصول مالیات عمرانه خیر رسید که پیشکار قسمت و نصیب خود را گرفته و بار خود را بسنه و حکومت مرکزی یعنی طهران و خزانه دار را تسخر میکند آن بی پروائی و بی اعتنائی پیشکار مالیه اذربایجان شاید باین واسطه و باین اطمینان بوده که مشارالیه بدر آن دو وزیر سابق الذکر یعنی وثوق الدوله و قوام السلطنه بوده سبب عداوت و مخالفت بی مقدمه و آبی ایشان پس از اطلاع از ما موریت مسیو لکفر به تبریز بظهور پیوسته و از این تقریب سبب نیز بخوبی واضح و آشکار میشود \* سازش و آتزیبکهای عمیق و جلب منافع شخصی بقدری در ایران رایج و معمول است که بسهرت تمام میتوان فهمید که ان دو وزیر بر اینکه به ان سرعت بقبول اولتیماتوم روس حاضر و به ان اسافی راضی شدند در صورتیکه بخاطر بیاوریم یکی از فقرات ان مطالبات را که « عزل فوری مسیو لکفر از خدمت دولت ایران » باشد \*

امور مذکوره فوق و اقداماتی که کابینه بتردستی در بیست و چهارم دسمبر (دوم محرم ۱۳۳۰) برخلاف مجلس نمود روابط و تعلقات بین من و کابینه را بخوبی تشریح می نماید \* وقتیکه ملازمت و شغل مرا هیئت و کلاه مجلس تعیین و اختیارات نامه مرا در امور راجعه بمالیه تصویب نمودند سیزدهم ژون ( یازدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ) قانونی را جاری و معمول داشتند که یکی از مواد مهم ان اقتدار کلی خزانه دار در تکالیف و فرائض مالیه بود در زمان حکومت و اقتدار هر کابینه که باشد این اقدام همان درجه و مرتبه صاحب منصبان فرضه عثمانی را اظهار می نمود \*

وقتیکه مجلس با جبار منفضل و تیاه شد امریکائیا بدون هیچ عنوان و بی معاونت کسانی مانند که آنها را ما مور کرده بودند تا وقتیکه ان کابینه که آن وزراء حقیقه بزور پلیس و ادعای باطل تشکیل داده و در قبضه خود در آورده بودند بر سر کار بود امریکائیا بی معاون و بی حامی میمانند نه اختیار و اقتدار قبول و تصویب آنهاست را داشته و نه میل آنرا دارا بودم بواسطه انفصال مجلس ان امیدواری آخری که بتوانم خدمت صحیحی بکنم که بحال ایرانیان نافع و مفید باشد مبتدل یاس گردیده و مجبور

شدم که کار خود مان را خاتمه پذیرفته تصور تمام \*

از قبل از بیست و چهارم دسمبر کابینه بتوسط صاحب‌منصبان و مامورین مکرر رای میداد که مستعفی شوم برای ترغیب و تحریم باین کار و قبول اظهارات خویش وعده نمودند که علاوه بر تمام حقوق و مواجبه‌یکه دولت ایران بموجب قرارداد دادنی بود يك نشان شیر و خورشید درجه اول یعنی همان نشانیکه تا آنوقت باسراء و صاحب منصبان طبقه اعلی داده میشد بانضمام يك رضا نامه قانونی در عوض خدماتیکه ملت ایران کرده بودم با حق تعیین هر کسرا که بچای خود بخواهم باضافه اعزازات و احترامات فوق العاده دیگر بن بدهند من جواب دادم مادامیکه رضا نامه اطمینان بخشی از وکلاء تحصیل نکنم و تا مطمئن نشوم که ایشان آن استعفا می مرا حمل بر عهدشکنی و عدم مراعات حقوق و غبطه مجلس نخواهند نمود مستعفی نخواهم شد اگرچه آن رضا نامه یا اظهار نامه شخصی و غیر رسمی هم باشد همین اطمینان برای من از نشان مرصع و پارچه کاغذ و انعامات دیگر کافی و اولی تر خواهد بود وقتی باین ترغیب و تحریمها فایده و راضی میشوم که از طرف کسانیکه نمایندگی قانونی و وکالت داشته و خدمت مرا تسلیم و تصویب کرده اند داده شود شنیدم اعضا کابینه این جواب مرا بچشم نا پسندیدگی نظر نمودند \*

چند روز قبل از شروع انقلابات و تردستی بیست و چهارم دسمبر کابینه مسلك مخالفت بلکه خصومت بینی با من اختیار کرد و خوانین بختیاری نیز تهدیدات خود شان را بجمعه کردن بمجلس سکای من و غارت خزانه دولتی تهدید نمودند \*

انفصال و معدوم شدن مجلس خاتمه بود برای دولت مشروطه ایران \*

بعد از ظهر روز بعد که روز عید « کرسمس » ( Christmas ) ( مولود مسیح ) بود بشرف ملاقات رئیس کابینه وزارت خارجه نائل شدم کاغذی بفارسی بمن داد که ترجمه آن ذیلاً درج می شود ( مراسله مزبوره در نسخه اصل از فارسی با انگلیسی ترجمه شده و اکنون در اینجا از انگلیسی بفارسی ) :- جناب مستر شوستر معزز محترم! چنانچه جناب عالی مسبق و مطلع می باشید کسبونیکه مغرب بیست و نهم ذیحجه ۱۳۲۹ از جانب مجلس با اختیارات نامه منتخب شد برای اقدام در تصفیه و اصلاح مواد اولیاتوم دولت روس که روز اول همان ماه هیئت وزراء بقبول آن رای

داده بودند خلاصه و نتیجه آن اقدامات بسفارت روس رسماً اطلاع داده شد (۱) نظر باینکه یکی از فقرات اولیاتوم مذکور راجع بمعادوت و انفصال وجود محترم جنابعالی از خدمت دولت ایران و قطع تعلقات جناب از امور مالبه می باشد بوسیله این مراسله از بجاری حالات جنابعالی را مطلع می نماید امور راجعه بشغل خزانه داری و تکالیف کسیرا که جنابعالی دفاتر و شغل خزانه را باومی سپارید و مرتبه و مشاغل سایر مامورین امریکائی را که برای مستخدمین دولت ایران طلبیده شده اند در قرارداد دولتی که بعد برای جنابعالی فرستاده میشود معین خواهد شد \*

نوشته مزبور امضاء هفت نفر وزیر سابق را داشت که صمصام السلطنه و وثوق الدوله هم در امضاء آن شریک بودند \*

در موقع وصول آن حکم عزل که بکلی برخلاف قانون بود قبول نمودن یکی از سه مسلك بنظر آمد که در اختیار هیچ يك مانعی نداشتیم قبول یارد نمودن آنحکم را بقوه جبری و یا آنکه هیچ جواب نداده و انجام آنرا بعهده کابینه حقیقی که بعد تشکیل میشود موکول نمایم اگر مسلك آخری را اختیار میکردم تا حال به بهانه در ایران مانده بودم لکن رد نمودن آنحکم خارج از قانون منجر به بلوی و خونریزی شدیدی در طهران میشد زیرا که مردم هم از بسته شدن مجلس متاثر و منتظر بهانه بودند در صورتیکه مسلك مختصانه با کابینه و رئیس آن که بجهله و مکر برای خود اقتدارات دولتی را فراهم نموده بودند اختیار میکردم ممکن نیست بگویم که نتیجه چه میشد \*

اغلب وکلاء و معزول شده برای اجماع نقشه کشیده و بجهت انفصال مجلس برخلاف اصول مشروطیت و مخالفت نایب السلطنه با قسم خود و یاغی و غدار قرار دادن وزراء تدارک بلوی میدیدند چیزی از آن اجماع و بلوی جلوگیری نمی نمود مگر نظم و نسق بسیار سختی که بپس بفرم داده بود و همچنین حاضر بودن دو هزار بختیاری در طهران که دستجات کوچک آنها در معایر گردیده و مردم را از ارتکاب برخلاف نظم باز میداشتند

(۱) آن کسبون هیچ گاه قانوناً منتخب نشد و نه همچو اظهار و اقدامی از طرف هیئت مردم که اعضا کسبون نامیده شده اند اختیار و تصویب کرده شد مصنف مستند و دلیل صحیح آن واقعه را دارد دلیلی که از همه ادله در دلها بیشتر اثر کرده و نقش بی بند و این است که آن قسم افتد و اختیار از طرف مجلس داده نشد چیزی که حقیقت دارد و واقع شده این است که وزراء قبل از سعی به برطرف نمودن من اقدام بانفصال مجلس نمودند \*

و نرس از بر بگارد فزاق و خوف زیاد شدن قشون روس مستحفظین سفارتخانه روس در طهران در صورتیکه قشون روس بفاصله هشتاد میلی طهران یعنی در فز وین بود که ملترا از جمله بوزراء و کسانیکه احساس خیانت و تقلب از آنها نموده بودند باز میداشت بفرم ووزراء مخصوصاً وثوق الدوله در اطراف خانهای خود گارد و مستحفظ بسیاری ساختار نموده بودند \*

بعد از تفکر بسیار مصمم بخارج شدن از ایران گردیدم زیرا که تکلیف فرضی من همان بود و از ماندن امریکائیها در ایران از آن به بعد فائده مقرب نمیشد باین جهت بیست و هشتم دسمبر (چهارم محرم ۱۳۳۰) جواب ذیل را بهیئت کابینه نوشتم :-

جواباً افتخار اظهار این مطلب را حاصل میکنم: که در خصوص اختتام مدت قرارداد انعجاب با دولت ایران و انفصال از شغل خزانه داریم اطلاع داده بودید بعد از تعیین شخصیکه مسئولیت دولتی خود را باو منتقل و تسلیم تمام و بعد از تعیین مراتبه و مشاغل چهارده نفر امریکائی مددکار و معاونینم که در انخصوص اظهار شده بود که در مراسله دیگر از طرف هیئت محترم معین خواهد گردید به بهترین قسمی قبول داشته و بطرز صحت عمل خواهد شد بالفعل شغل آینده معاونین امریکائیم بزرگترین خیال لازم و مهم من است (۱) \*

(۱) علاوه بر مستر شارل مکاسی و مستر بروس دکی که بهمراهی هم بطهران آمده بودیم و مستر کرنز که در نوزدهم ژون وارد شد امریکائیهاییکه بر حسب اجازه قانونی و امر مجلس در اوقات مختلفه تعیین ملازمت و قرارداد آنها را نموده بودم وارد شده بودند مستر لورین پی جور دان (M. Loring P. Jordan) و رابرت آریات (Brott) (M. Robert R. سکرتر (منشی) و مستر فرنک جی ویلی (M. Frank G. Whilney) و مستر پی جی فیتس منس (M. P. J. Fitzsimmons) محاسب خزانه و مستر جی ان مریل (M. J. N. Merrill) و مستر اسکار پرنس (M. Oscar Prens) و مستر جون ايف کربن (M. John F. Green) و مستر ای پی لوری (Lowry) (M. E. P. مشافان و صاحب منصبان خزانه و مستر دلیویجی ادانون (O'Donovan) (M. w. J. و مستر تیورن پی بون (M. Turin B. Boone) و مستر دی جی واترز (M. D. J. Waters) معاونین اداره اغلب این اشخاص تا اواخر ماه نوامبر و اوایل ماه دسمبر وارد طهران شده بودند \*

چند روز قبل از عید « کر بسمس » مطلع شدم که مشافان نظامی امریکائی و صاحب منصبان ایرانی ژاندارمری خواهش ملاقات مرا دارند آن خواهش قبل از زمانی بود که آن اقدامات کابینه که در بیست و چهارم دسمبر بر خلاف مجلس نمود احتمال برود \*

بعد از ظهر روز عید صاحبمنصبان مزبور را حسب المقرر ملاقات نمودم چون میدانستم که اهل طهران چهقدر مایل بشنیدن اخبار واهی و بی اصل میباشند شورش روز قبل را که بر خلاف کابینه شده بود بخاطر خود داشته و مواظب بودم نطق مختصری نموده و بمشار الیهم گفتم: شما فقط صاحب منصبان اداره مالیه میباشید و باید از هرگونه اقدامات و مذاکرات عمومی پلتنی اجتناب و پرهیز نمائید با آنکه آن ملاقات و مذاکرات بر ملا و در حضور جمعی از پیشخدمتان و تماشاچیان بوده و نهایت احتیاط و مآل اندیشی را مراعات نموده بودم در شهر منتشر شده و شهرت کرد که ژاندارمه خزانه را طلبیده بودم که ایشانرا مسلح نموده و برای افتتاح مجلس مأمور گردانم بعد از ملاقات مزبوره مراسله راجع بان افواه از جانب وزراء رسید \*

بیست و چهارم دسمبر (دوم محرم ۱۳۳۰) از جانب حاکم موقتی (نایب الحکومه) تبریز خبر رسید که افواج روسیکه در انجا ساخلو بودند شروع بقتل عام سکنه نموده اند قدری بعد از آن خط سیم مخایره تلگرافی هند و اروپا قطع گردیده و باب مخایره مسدود گشت بعد از تحقیق معلوم شد که از اثر کلوله قطع شده بود علاوه بر قشون موجوده روس در تبریز افواج دیگر نیز در بین راه جلفا و تبریز بودند علت اصلی قتل عام یا قتل تبریز معلوم نیست مشهور بود وقتی که چند نفر سالدات روسی تقریباً ساعت ده شب بیستم دسمبر (بیست و هشتم ذیحجه ۱۳۲۹) به بهانه کشیدن رشته سیم تلفون پیام عمارت مرکز پلیس (اداره نظمی) بالا رفته و از طرف مستحفظین ایرانی از آنها پرسش و ممانعت شده بود سالداتها با شلیک تفنگ جواب دادند صبح بهدش در بازارها قتل عام شروع شده و تا چند روز همان قسم جاری بود نایب الحکومه راپورت داد که قشون روس مشغول بقصای و کشتار شده اند زنان و اطفال و مردم بی طرفرا نیز در معایر میکشند تقریباً چهار هزار نفر قشون و دو باطری توپخانه روس اطراف شهر تبریز حاضر و موجود اند تقریباً هزار نفر فدائی تبریزی در قلعه قدیم که معروف به ارگ است پناهنده شده ولی با اسلحه و توراخانه کمی و توپهم هیچ ندارند روسها

اشجارا تا چند ساعت گلوله ریز نموده و بسیاری از فدائیان را کشتند چون قشون روس عدداً زیادتر و با توپخانه بودند عاقبت غالب شده و فتح نمودند در آن موقع حالت دهشتناکی با اهالی تبریز طاری شده بود که جان و شرف هیتیک از اتباع ایران محفوظ نبوده و امنیت نداشتند در موقعیکه مسیوپا کلیوسی کزبل وزیر مختار روس مقیم طهران بجزایری که قشون روس در تبریز تحت فرمان او بود تلگرافی نموده و او را به ترک جنگ و اسکات امر کرده بود زیرا که در پایتخت در آن موقع آن امور در تحت مذاکره و تصفیه بود جنرال مزبور بوزیر مختار جواب داد که فرمانفرمای فقفا از تفلیس بمن چنین امر نموده محکوم و مطیع حکم طهران نیستم \*

روز سال نومیلادی که مطابق با دهم محرم و روز ماتم بسیار بزرگست در تقویم مذهبی ایران روز مقدس و محترمی بشمار میرود حاکم نظامی روس در عمارت دولتی تبریز که بیرقهای روس بر آن افزاشته شده بود ثقة الاسلام را که رئیس روحانیین تبریز بود با دو نفر ملای دیگر و پنج نفر از صاحبمنصبان بزرگ و ماورین ایالت تبریز بدار کشید چنانچه بمذبح انگلیسی اظهار می نماید ( نتیجه این ستم و ظلمیکه بر ایرانیان وارد آمده مثل آنست که کتاربری (Canterbury) پادری بزرگ را در روز «گود فرایدی» (Good Friday) (که یکی از اعیاد مقدس ملی مسیحیانست) بدار بزنند بر قلوب انگلیسها تا تیرش مانند همان تا تیر است که بدلهای ایرانیان راه یافته) از آن زمان بیعدروسها در تبریز هر ایرانی را که میخواستند بدار زده و بجزیم «مشروطه طلبی» مجرم نموده و میکشند و همه روزه قتل و کشتار چه با دار و چه با تفنگ جاری و معمول بود در آغاز شروع و شهرت قتالهای مزبوره یکی از اجزاء اداره وزارت خارجه سنت پترسبرگ در موقع ملاقات یا مدیر جریده اظهار نموده بود که روسها انتقام خود را بدست خود خواهند گرفت تا وقتیکه درد و آخربین قطره اثر انقلابی (دیموکرات) از بیخ کنده شده و از بن برآید \*

بسیاری از مردم پس از اطلاع از تهدیدات هولناک و بخاطر آوردن انتقامی را که روسها در سال ۱۸۷۱ میلادی (مطابق سنه ۱۲۹۸ هجری) در ترکستان کشیده که اسکوبلف (Skobeloff) هشت هزار نفر ترکمان بی پناه را در دینگتپه (Denghiltepe) بقتل رسانید (فقط باین مناسبت که طول زمان امنیت در آسیا نسبت عدد مقتولین است) و قسمتی از اهل چین را در آبادی «بلاگوس چنک» (Blagosout chenk)

که واقع در کنار رود خانه «آمو» می باشد روسها در سنه ۱۹۰۰ میلادی (مطابق سنه ۱۳۱۷ و ۱۸ هجری) باین خیال که رعب خود را در دل اهالی چین جای دهند که در آینده در جلو معاملات و مقاصدشان اشکال نموده و از مشقت رهائی یابند امر بکوج کردن از آن محل نمودند اهالی آن قریه اظهار داشتند که کشتی با سائر وسایل عبور از آب ندارند ان مسخرهای روسی با اهالی بیچاره حکم بر بیخندن در آب نمودند و باین قسم تمام اهل آن آبادی را در رود خانه مزبوره غرق کردند در اضطراب بودند \*

با تصادف و پیش آمد وقایع مزبوره فهمیدن معنی مقاله نیمرسمی «نویورمیای» روس که می نویسد «در این حال حقیقت انسانیت و مروت مقتضی ظلم است و باید تمام اهل تبریز را مسئول قرار داده و بسزایشان برسانیم برای اعماض و چشم پوشی روسهم حادی خواهد بود» چندان مشکل نیست \*

از تجربه و عادت صریحاً ثابت می شود که دولت روس با داشتن قدرت در اقدامات مزبوره بهیچ قسم از وعده خود کوتاهی و تخلف نخواهد نمود و گفتمن اینکه هولناکی و مدهش بودن حالات تبریز هرگز حقیقتاً معلوم نخواهد شد شاید از تکذیب و تنقید مصون و محفوظ بماند روسها توجه و اهتمام کاملی در توفیق و ضبط اخبار نموده و بلا مانع انواع کشتارها مانند بدار کشیدن یا بتوپ بسنن یا با گلوله تفنگ کشتن کرده و بعد با انواع بیرحمیها مثل داغ و شکنجه و مثله با اجساد مقتولین رفتار می نمودند فصایبهای سبعانه و معاملات بدتر از آنچه ذکر شد با زنان و اطفال در معایر شهر آن بیچارگان ستم خوبی برای اثبات ادعای روس که خود را حامی انسانیت میخواند بوده و دلایل متقنی است برای افسران نظامی ملتی که حاکم مطلق و رئیس کل خود را حامی ترقی مجامع صلح عمومی و طرفدار اینگونه آدمیت میدانند \*

همان اوقات که قتال در بازارهای تبریز رواج و شیوع داشت واقعه مهم دیگری نیز پیش آمد در رشت و انزلی که با تیر زده ها میل فاصله دارد قشون روس بدون مقدمه و بی اطلاع و بی اشتعال بکنفر پلیس ایرانی را با بسیاری از سکه آن حدود با تفنگ گلوله ریز نموده و کشتند بعد از آنکه کابینه ایران اطمینان کامل در قبول تمام فقرات اولتیماتوم بسفارت داد انخونریزی رشت و انزلی واقع شد اطمینانی که دولت انگلیس در رأی خود علناً داده بود (که پس از قبول مطالب و مواد اولتیماتوم قشون روس که بایران حمله نموده و داخل شده مراجعت خواهند نمود) و شرطیکه دولت روس

رسماً کرده این بود: که تا وقتیکه واقعه تازه واقع نشود که باقی داشتن قشون لازم باشد یعنی در اینصورت قشون از ایران خارج خواهد شد \*

در روشنائی و انعکاس واقعات سابقه الذکر بخوبی واضح می شود که ایرانیهای بی پشت و پناه بد بخت که در مقابل قشون روس هیچ بوده و روسها آنها را شکار خود قرار داده بودند آیا ممکنست که در آن واحد در تبریز ورشت و انزلی با فوج روس حمله نمایند و حال آنکه روسها هم از حیث اسلحه قوی تر و مستعد تر و هم از حیث عدد بیشتر از آنها بودند \*

در فاصله بین بیست و پنجم دسامبر و هفتم ژانویه (بن سووم و شانزدهم محرم ۱۳۳۰) رود خاتهای خشم و غضب بوزرا، خائن ملت فروش حمله و تهاجم نموده و بتدریج زیاد شد پروتست و اظهار مخالفتهای تلگرافی از ولایات و ایالات بر ایشان هجوم آور شده و نایب السلطنه و کابینه را برای حمله بوکلا مشروطیت ملامت و توبیخ نمودند مگر بوزرا گفتیم: که من فصل شدن از مشاعلم قبل از آنکه نایبی بجای من معین شود امور خزانه را بحالت فلج خواهد انداخت و اگر اقدام فوری در این باب نشود بموجب قانون سیزدهم ژون مجبورم که مشاغل خود را به اون بزرگ خود مستر کرنز تفویض نموده و برای اصلاحات کلیه امور مالییه مشارالیه را نامزد کرده و طهران را وداع نمایم کابینه و نایب السلطنه وعده نمودند که مستر کرنز بعنوان خزانه دار کل جا نشین من خواهد بود اگر چه خود مشارالیه آرزوی ماندن در ایران را نداشت ولی سفارتین انگلیس و روس تهدیدات سخت نموده بودند که در صورتیکه غیر از مسیومور نارد رئیس باجیکی گهرک دیگر برای آن کار انتخاب کنند بعد از کوشش بی فایده دو هفته کابینه که شاید انتخاب متفق علیهی نمایند و بعد از آنیکه از دو روز قبل بکابینه اطلاع داده بودم که اگر تا چهل و هشت ساعت جا نشین مرا معین نکنند خودم معین خواهم نمود هفتم ژانویه امور مالییه را بمستر کرنز سپردم که طبقه قانونی برای استخلاص خود اختیار کرده باشم \*

عصر آن روز خدمت خود را رسماً بمستر کرنز تفویض نموده و قبض و اقباض هم بعمل آمد و بوزرا و بانگها هم تغییر و تبدیل جدید را اطلاع دادم و اختیارات نامه خود را راجع به توشیحات رسمی و دفاتر خزانه داری دولتی بمستر کاسکی سپردم \* چند ساعت بعد نماینده از طرف کابینه تلفون کرد که با مراسله مهمی عزم ملاقات

مرا دارد بعد از آمدن حکم قانونی از طرف نایب السلطنه آورد تاریخش پیش نوشته شده ولی در اصل الحکم تصریحی نشده بود بانضمام مراسله از جانب وزراء که مسیومور نارد را بسمت خزانه داری موقتی معین نمایم اگر چه مراسله و حکم مزبور در وقت تنگی بن رسید ولی بدون شبهه وزراء میدانستند که در هیچ حال خدمت خود را بمسیومور نارد نخواهم داد زیرا که اخلاق و عاداتش معروف ببدی و بدنام بوده و از رویه بیظمی کارهای او بخوبی مستحضر بودم این نمونه است از مسلک و طریقه ایرانیها باری حکم و مراسله مزبوره را بمستر کرنز که تازه زمام خزانه داری را بدست گرفته بود دادم \* مستر کرنز فوراً بوزرا اطلاع داد که حاضر است که خدمت خزانه داریش را بجانشین معهود خود انتقال دهد مشارالیه و سیزده نفر دوستان امریکائیش بواسطه اینکه دولت ایران بموجب اعتراف خود از قرار دادش تخلف نموده مصمم شدند که آنمملکت را ترک نمایند \*

نهم ژانویه (هیجدهم محرم ۱۳۳۰) نایب السلطنه پیغام فرستاد که روز بعد میل ملاقات و وداع با من دارد و شاه کم سن هم میل دارد که در دربار مرا ملاقات نموده و از زحماتم تشکر نماید \*

روز دیگر در کالاسکه نشسته و مرتبه آخر بدر بار رفتم که اعلیحضرت را ملاقات نمایم چون بهارات سلطنتی رسیدم از مابین صفوف ممتد در باربان معمر افسرده دل و صاحب منصبانی که لباسهایشان میدرخشید و خدام متمای فرمائیدار گذشتم شاه جوان بسیار کم جرأت و جبون بود چنانچه در جاسات خصوصی درباری نیز عادتاً می ترسید بتوسط مترجم مکالمه و گفتگو نموده و خدمتانی که برای اصلاح امور مملکتش کرده بیان نمودم با متانت و سنجیدگی تمام تشکر نمود ادعیه صادقانه خود را برای شادمانی و کامیابی و استقلال شاه تقدیم نمودم اگر چه زندگانی با استقلال شاه مشکل بنظر می آمد \*

اعلیحضرت وعده نمود که يك قطعه عکس خود را در قاب مخصوص گذارده و برسم یادگار برای من بفرستند ولی بسیار کم امید وار بدیدن عکس مزبور می باشم \*

از آنجا بجل مخصوص نایب السلطنه رفتم و چند ساعت وقت خود را در گفتگوی با والا حضرت صرف نمودم ایشان اظهار تأسف بسیار از حرکت من نموده و اظهار اندیشه و خوف سختی از آینده مملکت می کردند \*

در این اثنا مستر کرنز با وزیر مختارهای روس و انگلیس شروع بمراسلات نمود

که آنها را بستند می مددگاران امریکائی حاضر و راضی کند که یکمرتبه بواسطه قبول دولت ایران اولتیماتوم روس را قرار داد های مزبوره شکسته ورشته مراسلات کسبخته شد و آن امریکائیها هم حق مراجعت حاصل نمودند. مستر کرتزنجویی ملتفت شد که وزراء ایران فقط احکام و دستورالعملهای سفارت روس را اجراء می نمایند وقت را غنیمت دانسته و حرکت را بر تصفیه و تسویه سائر امور ترجیح دادیم \*

چون اسباب مسافرت آماده و تکمیل شد صبح پنجشنبه یازدهم ژانویه (بستم محرم ۱۳۳۰) پارک انابک را گذارده و بطرف انزلی رهسپار شدیم نایب السلطنه «اتوموبیل» نوی را که تازه برای سواری شاه و خودش وارد کرده بود بجهت سواری من فرستاد جمعیت همراهان عبارت بود از مسیس شوستر و دو دختر کوچک و معلمه آنها و مستر فدواردیل (M. Fdiard Bell) منشی سفارتخانه امریکا در طهران که تعطیل مختصری گرفته و پاریس میرفت صندوقهای خود مان را پیش فرستاده بودیم چیزی که باقی مانده این خیال بود که آقبل از مسدود شدن راههای کوههای بین طهران و بحر خزر بواسطه برف می توانیم عبور کنیم ? \*

صبح صاف باشکوهی بود که کوههای شمالی طهران از برف پوشیده و سفید شده بود خورشید در آسمان صاف شفاف و درخشان و نسیم با روح جان بخشی وزیده و هوا موافق ولی دلهای ما غمگین و افسرده بود که کارهاییکه بخوشی و شوکت امیدوار بانجامش بودیم بخانه آبی غیر منتظره تبدیل یافت \*

وقتیکه ما بین حلقه دوستان امریکائی و ایرانی ملول و افسرده خود ایستاده و در شرف داخل شدن به «اتوموبیل» بودیم ناچار از عصر ورود خودمان در همانجا در هشت ماه قبل بخاطر آورده و حقیقت آن خیال از خاطر من عبور نمود که امیدواریهای ملت مسلمان با تحملی که از مدت مدیدی برای تجدید عزت و شرافت از دست رفته خود در عالم تحمل انواع مصیبت نموده بودند چگونه از بیرحمی افواج یکی از ملل مسیحی که متحمل نامیده میشوند از بیخ کنده و از بن قطع گردید \*

ساعت نه و نیم صبح از دروازه قزوین طهران خارج شدیم مستر وارنت فرانسوی «شفر» شاه سکان و زمام «اتوموبیل» را در دست داشت \*

هرگز فراموش نخواهم نمود آن احساسات و تألمات خود را در موقعیکه از خیابانهای شلوغ بر جمعیت طهران که همه سردم بکار خود مشغول بودند گذشته و بچاده شوسه

خاموش بی صدا رسیدیم وقایع هشت ماهه گذشته بقلب من هجوم آورد کسی نمیتواند منظره آرزوهای ناقص ناگامی را بجز این خیال که همه آنها گذشت بدون احساس الم ترک و فراموش نماید آرزوی بسیار و میل مفراطی بخدمت باهل ایران داشتم وقتیکه سکنه طهران از حرکت انروز ما مطلع شدند بسیاری از نمایندگان خود را پیش من فرستاده که اطلاع بدهند که جمع کثیر و جم غفیری برای وداع مابل بلاقات من می باشند جواب دادم: میل ندارم همچو جمعی پیش من جمع شده و شایسته هم نیست چون آن خبر بکاپینه رسید بلیس نمایندگان انجمنهای مختلفه اطلاع داد که هیچ جمعی ما ذون نخواهد بود که بدین قسم اجتماع نماید وقتیکه «اتوموبیل» ما از محازات باغ شاه عبور می نمود دسته های ژاندارمه خزانه را دیدیم که در اردوگاه خود مشغول مشق نظامی بودند اگر چه بعضیها ایشان را بچشم حقارت میدیدند ولی هیبتی بودند که اگر نظم و ترقی بانها داده میشد اکثر مسائل مهم و دشوار ایران بواسطه آنها حل و آسان میگردد \*

ساعت سه و نیم بعد از ظهر همان روز وارد قزوین شده و از آن شهر که مملو از قشون روس بود گذشتیم وقتیکه از دروازه اخری عبور میکردیم بکدسته سالدات روسی که فریب پنجاه نفر یا زیاد تر بودند دیدیم چند نفر از ایشان با کمال متانت و وقار خم شده همچومی نمود که میخواهند از زمین سنگ بردارند ولی اگر میخواستند بطرف ماشین ما بیاندازند سنگشان باقی رسید زیرا که بسرعت تمام حرکت می نمودیم غیر از این واقعه هیچ توهینی نسبت بما واقع نشد \*

چون بمهانه «استاسپون» بیوتاک (Bulnak) رسیدیم که محقر و مختصر و دور از کنار جاده شوسه واقع و با قزوین پانزده میل فاصله داشت بوران و برف شروع شد در ظرف ده دقیقه بواسطه برفهای خشکی که باد آنها را مانند ابر غلیظی بسرعت از کوهها می آورد جاده بکلی محوشد در آن که سنگی شب را بسر بردیم صبح بعد شهرت کرد که جاده بکلی مسدود شده است بعضی ها میگفتند ممکن نیست که بتوانید از قله و تنگه های آن کوهها عبور نمائید دو ساعت وقت لازم بود که بتوان برفهای «اتوموبیل» را با حرارت آتش آب و پاک نمود زیرا که نصف «اتوموبیل» مزبور بر از برفهای بوران شده بود ساعت ده و نیم روز بعد سوار شده و حرکت نمودیم چون به بلندترین قله نزدیک شدیم دیدیم که راه بواسطه برفهای چهارفوقی بسته شده است (هر سه فوت

يك كز می باشد) بمعاونت عده کثیری از عملجات راه که اکثر اوقات ما را از میان برفها بیرون کشیده و خلاص می نمودند و بواسطه مهارت و فطانتی که مستر وارنت در راندن آن «اتوموبیل» بکار میبرد توانستیم که از انجا عبور نمائیم «اتوموبیل مزبور بسیار قوی و دارای قوه پنجاه اسب بود ساعت پنج عصر بمیان خانه «مخبل رسیدیم آن راحله سریع السیر بیک حرکت پنج ساعته ظهر روز بعد آن مسافرت پسندیده ما را یازلی خاتمه داد در بین راه از مابین چندین دسته افواج روسی که در کنار راه بودند عبور نمودیم و در «اسکله» (لنگر گاه) يك کشتی جنگی «کروزور» (Crwiser) (زره پوش) روسی نیز لنگر انداخته و شهر در تحت تصرف و اختیار قونسل روس انجا بود روز بعد که چهاردهم ژانویه (بیست و سوم محرم ۱۳۳۰) و عید نوروز (سال نو) روسها بود «کروزور» و سایر کشتیهای جنگی روسی بشلیک توپ سلام مشغول بودند همان روز بعد از ظهر سوار کشتی روس موسوم بطهران شده و بجانب باد کوبه رهسپار شدیم ساعت پنج و نیم عصر آن روز سرد و دریای خزر بسیار منقلب و طوفانی شده ساحل ایران و چرانهای آنزلی از نظر ما غایب شد باب مختصر اسف انگیزی در پاس امریکائیها از نظم مالیه در آن سرزمین نوشته شد \*



— «باب نهم» —

در خصائص و خصائل نایب السلطنه و سایر صاحب منصبان و مأمورین دولتی مسلک مجلس و اختصاصات آن لیاقت و قابلیت ایرانیان \*

نایب السلطنه حالیه ایران ابوالقاسم خان و ملقب بناصر الملك میباشد که اصلاً از اهل همدان و تحصیلات عالییه خود را در دارالعلم «آکسفورد» تکمیل نموده است مشار الیه یکی از هم «کلاس» های سر ادوارد گری وزیر امور خارجه حالیه انگلستان و از دوستان صمیمی لرد کرزن میباشد در زمان سلطنت مظفرالدین شاه و رئیس الوزرائی امین الدوله ناصر الملك بوزارت مالیه مأمور و تا شش ماه دفاتر وزارت خانه مزبوره را در تحت زیاست و نگرانی خود داشت سپس بحکومت ایالت کردستان مأمور شده و تا چهار سال در آن ناحیه حکمران بود یکسال پس از آن یعنی از زمان شروع دوره اول مجلس رئیس هیئت وزراء بوده و قلمدان وزارت مالیه را نیز دارا بود هنوز بعضی از

امور وزارت خانه خود را تصفیه و اصلاح نموده بود که محمد علی شاه پادشاه آنوقت مشارالیه را حبس نموده و خوف قتلش مبرفت که بتوسط سفارت انگلیس نجات یافت هانروز که از جنگال شاه خلاص گردید روانه اروپا شده و تا زمان خلع محمد علی و عود مشروطیت در ژوئیه ۱۹۰۹ در اروپا توقف داشت چندی پس از آن بطهران مراجعت نموده ولی از قبول خدمات دولتی استنکاف ورزیده و بهمین قانع بود که ملیین را معاونت اخلاقی نموده و وزراء و وکلای را در مشورت امداد نماید چندی بعد مجدداً علی الظاهر بعنوان معالجه خود و فرزندش بارو با مراجعت نمود اندک زمانی پس از فوت عضد الملك نایب السلطنه اول مشارالیه را مجلس بنیابت سلطنت انتخاب نمود هشتم فوریه ۱۹۱۱ (هشتم صفر ۱۳۲۹) وارد طهران گردید که زمام مشاغل خود را بدست گیرد \* از اولین وهله که والا حضرت ناصر الملك را ملاقات نمود ایشان را شخصاً با اصلاحات مالیه و هم بجانب مستشاران امریکائی مایل و راغب یافتیم در مدت هشت ماه که در طهران بودم با استفتاء بکاهه دسمبر که در آن مدت فی الواقع ارتباط صریحی با دولت ایران نداشتیم با ایشان ملاقاتهای طولانی میکردم خصوصاً بر حسب خواهش خود شان در مسائل مختلفه مالیه و غیره که دوچار مملکت شده بود آزادانه مذاکره کرده و صحبت می نمودم نایب السلطنه شخص بسیار خوش محضر با وفاری بود انگلیسی را بخوبی تکلم می نمود فرانسه هم میدانست پایه تحصیل و تجربه وسیع کاملی داشت که بتواند مشکلاتی را که بملت ایران در کوشش تشکیل سلطنت مشروطه مصادف گردیده بخوبی شرح دهد ایشان بسیار وضع دلفریبی داشته و می توانستند در تقایص هموطنان خود و ضروریات موقع و لوازم حالات عالمانه صحبت داشته و بخوبی تشریح نمایند از بیانات ابتدائیه ایشان حالتیکه روی هم رفته احساس کردم این بود که با شخص دانای وسیع النظر کاملی صحبت میدارم بهر حال پس از ملاقاتهای عدیده که میخواستم بعضی نوافض و تدابیر مالیه را خاطر نشان ایشان نموده و معاونت شخصی و عملی و اثر قدرت نفوذ اسم ایشانرا بجهت اجراء تدابیر مزبوره جلب تمام خیلی متأسفم که واضح شد که والا حضرت بعضی اینکه اقدامات مجدده در اصلاح موانع مزبوره بکنند رغبتشان در بیان و تشریح آن موانع و اشکالات بیشتر بود بیانات ایشان طوری بظاهر نقش می بست مثل اینکه با طبیب حاذق مرضی که مرض خود را تشخیص داده و در شرف از هلق روح است گفتگوی نماید شخص شنونده مجبور بود که لیاقت آن طبیب را در تشخیص مرضش

تخصیص نموده از تحلیل قوا، تشخیص دهنده قابل که مصروف بیان آن بود اظهار تأسف نماید کراراً پس از ملاقات و مذاکرات دوسه ساعته با ناصر الملک در حالتیکه خاطر از بی اطمینانی موهومی آکنده بود مراجعت نموده ولی نمی توانستم انگشت خود را بالای امر مخصوص گذارده یا اشاره کنم بچیزیکه ایشان گفته و بظاهر معقول و صحیح نباشد یا اشخاص متعدد اروپائی و ایرانی که در این باب صحبت داشتیم معلوم شد که بیانات ناصر الملک بقلوب ایشان نیز همین نقش را منتقش نموده است \*

سواى این جزئی نقص شاید بزرگترین عیب ناصر الملک احاطه خیالی بود که از اول ایشان را محاصره نموده و تا روز آخریکه ایشان را ملاقات نمودم خیال مزبور را ترک ننموده بودند که مردم با نیابت سلطنت ایشان مخالف بوده و از طرف انجمنهای مخفی مرکزی طهران جانشان در معرض خطر میباشد چنانچه خودشان اظهار داشتند که اگر دو باره به «اروپا» بروند دیگر مراجعت نخواهند نمود قبل از آنکه عضد الملک به نیابت سلطنت منتخب بشود با اتفاق آراء ایشان را انتخاب کرده بودند ولی بقصد گوشه گیری از قبول خدمات دولتی انکار نمودند بهر حال پس از فوت عضد الملک در سبتمبر ۱۹۱۰ «اواخر شعبان و اوایل ۱۳۲۸» انتخاب ایشان بسمت نیابت سلطنت صریحاً از آن حزب مجلس شد که بعدها با اسم اعتدالی موسوم شدند و حزبی که پیشتر مایل با اصلاحات بوده و ناصر الملک را ناپسند داشته همان حزب است که بعدها موسوم به «دموکرات» گردیدند ایشان شخص داوطلب بسیار معروف قابل یعنی مستوفی المالک را برای ابتکار در نظر داشتند بهر حال پس از مذاکره مختصری ناصر الملک به نیابت سلطنت منتخب شده و هر دو فریق مجلس در انتخاب ایشان متفق علیه گردیدند مسلم بود که ناصر الملک مقبول اروپائیهها عموماً و سردوآورد کرمی خصوصاً بود و کلاً همچو پنداشتند که انتخاب ایشان ب نیابت سلطنت در جلب حمایت دوستانه دول اروپا برای دولت ایران بسیار مؤثر و مفید خواهد شد ولی قبل از آنکه بطهران مراجعت نمایند مراسلات عديده از طرف اشخاص محبول غیر مسئول با ایشان رسید که در صورت مراجعت ایشانرا بکشتن تهدید نموده بودند این امر علاوه بر اینکه حرکتشان را معوق داشت چنان نا تیری بقلب ایشان نمود که در مراجعت با ایران کلیه مردود بودند از لندن و پاریس و سایر نقاط عرض راه تلگرافات مفصلی مجلس نموده و بعضی شروط پیشنهاد کردند که قبل از آنکه مقام منیع خود نائل شوند باید بوقع اجراء گذارده شود معظمنترین شروط

مذکوره این بود که مجلس باید به «پارتی» ها و احزاب مختلفه منقسم و هر پارتی و فریقی که اکثریت داشته باشد کابینه تشکیل نموده و تا زمانیکه حزب غالب بواسطه اکثریت باقی و مسئول باشد کابینه معهود «پروگرام» و دستور العمل ایشان را اجراء نماید بدون شبهه در ایجاد آن بدعت رأی ناصر الملک اصولاً صحیح بوده و مجلس هم لوازم رأی مذکور را قبول نمود در دولت مشروطه (انتخابی) قاعده اکثریت و مراعات لوازم اتفاق بجهت تناسب حقوق بین اکثریت و اقلیت در شعب قانونی دولتی امر بسیار لازمی است ولی ایرانیان مردمان غربی میباشند چون از اصول مسلک «دیوکراسی» بی تجربه بودند همینکه یکمرتبه خط انفصال سیاسی میانشان مرتسم گردید فوراً رقابت شدید بلکه عناد شخصی بین فرقه اعتدالی که از حیث عدد دارای اکثریت و حزب «دموکرات» که معدودی بودند شروع شد اگر چه قبل از این تقریباً رأی اکثر و کلاً مجلس نسبت بانحاز «پروگرام» (طریقه تمثیل امور) و نظم دولت مشروطه که حکومت مستقلی در ایران تشکیل نماید مختار بود ولی همیشه خود را ملی یا مشروطه خواه دانسته و مقام اقتدارات و قوای خود را با جد و جهد معنوی وطن پرستانه صریحاً در تصفیه و حل مشکلاتی که بمملکتشان مصادف شده بود مصروف میداشتند ولی مناقشه و بد رفتاری و رقابتهای حزبی در عملیاتشان چندان راه نیافته بود ناصر الملک پدر (موجود و مؤسس) این نفرت حزبی پارلمان گردید این بیان را نه بطور شائت می نویسم بلکه مقصودم ذکر وقایع تاریخی است بدون شبهه خیالات ایشان بسیار درست و صحیح بود ولی وقتیکه مجلسیان رأی دادند که بدو فرقه بین و بسار منقسم شوند ملاحظه ضعف و تقایص هموطنان خود را فرمودند اگر چه ترتیب مزبور برای پیشرفت اصلاحات امور دولتی بهترین نقشه عملی بود ولی بارها از ایشان شنیدم که از حسادت و رقابتهای سخت پارتیهائی که در مجلس موجود بودند مذمت بسیار کرده و اصلاح منقصة را یکی از اسباب عمده پیشرفت ترقی امور میدانستند ولی هرگز باین نکته منتقل نشدند که تا چه درجه در احداث و تشکیل آن تناقص خودشان مشول بوده اند \*

در زمانیکه بحیال قبضه کردن زمام مهم نیابت سلطنت با ایران مراجعت می نمودند چون بقروین رسیدند این خیال که شکار قتل سیاسی خواهند شد بحدی فوت گرفت که وقتیکه برای مختصر استراحتی در یکی از منازل و مهیاخانهای بین راه از کالسکه پیاده میشدند طمانجه مسلسل «موزری» با خود داشته و شاید بکلی از طریقه استعمالش

هم واقف نبودند \*

همین که زمام اختیارات شغل خود را بدست آورده لوائح عدیده بمجلس فرستادند که اکثر آنها را خوب فکر کرده و بهارز علما به بیان نموده بودند در لوائح مزبوره صراحة اظهار داشته که اگر چه حکمت این فقره معلومشان نشده که از چه رو اختیارات نایب السلطنه را ابتقدر محدود نموده که کویا فقط برای صرف نام میباشد ولی بحدودیکه قانون مشروطه بر ایشان معین و محدود کرده بود راضی و قانع بوده و هیچگونه افتداری را که مخالف اختیارات مزبوره باشد بکار نمی بردند بطور اطمینان و یقین میتوانم بگویم: در تمام مدتی که ایشان نایب السلطنه بوده معاهدات خود را صادقانه و وفادارانه باختتام رسانیدند هیچ محل شك و شبهه نیست که اگر بجای ایشان شخص دیگری به آن درجه قدرت و با آن احترام نفوذیکه ایشان داشتند می بود بسهولت تمام بیشتر از بکرتبه خود را فرمانفرمای مستقل آن مملکت میساخت در ماههای اوائل قیام در طهران ایشان بهمان و نمود کردند که مانند نشان در ایران مناسب نیست زیرا که مخالفینشان خیال ضدیت و مخالفت با ایشان را دارند و با آن حال ممکن نبود که کار بجا بتوانند انجام دهند و بهتر آن می بود که با ایشان اجازه داده شود تا به «ارویا» رفته و حقیقت معاملات را بدولت بفهاند ولی پرواضح بود که آن حرکتشان اثر بسیار مضر می بحالت آنوقت مملکت داشت اگر چه در هنگام حرکت من ایشان در طهران بودند ولی تا هشت ماه بعد متوالیا اصرار می کردند که اجازه رفتن با ایشان داده شود بعضی اوقات بعدی اصرارشان سخت می شد که چند جلسه افسوسناک و مضحك بین ایشان و بعضی از اعضاء کابینه واقع شد: - عدم از وکلاء را به عمارت خود طلبیده و پس از ساعتها موعظه و نطق در عدم قابلیت و قصور آنها راجع بچهل مسائل غامضه ایران اظهار داشتند که اراده رفتن به «ارویا» دارند \* نایب السلطنه در او آخر سبتمبر (اوایل شوال ۱۳۲۹) قبل از آنکه سالارالدوله از یفرم خان و بختیار بیا شکست بخورد چند نفر از وکلاء را خصوصا از حزب «دموکرات» در عمارت نیلاقی خود در چالبرز که واقع در خارج طهرانست طلبیده و پس از قدری مذاکرات و گفتگوهای «تبار» نما تکهای سینه خود را باز نموده و به آواز بلند اظهار داشتند که «چرا مرا نمی کشید من خود مرا خواهم کشت» حضار چنان پنداشتند که ایشان میخواهند از آن محل خارج شده و طایفه بیاورند ایشان را گرفته و از آن خیال باز داشته تا آنکه آرام گرفتند در موقع دیگر در همان ماه چند نفر از وکلاء را ساعت ده

شب در منزل خود در عمارت ککستان طهران طلبیدند پس از ورود و کلاه شروع بشکایت معنی نمودند از «آرئیکل» (لایحه) که «روسی اسلوو» روزنامه نیم رسمی روس بایشان اعتراض نموده و اشاعه داده بود والا حضرت اظهار داشتند که آن دروغها را «دموکرات» ها بایشان نسبت داده اند سلیمان میرزا «لیدر» (نماینده) دیموکراتهای مجلس که حاضر بود نوشته از جیب خود بیرون آورده و گفت رأی دیموکراتها در باره نایب السلطنه در آن مندرج و آن «آرئیکل» مشکي عنه را آنها نوشته اند نایب السلطنه گفتند «این نوشته کافی نیست باید علماً اعتراف کنید که آنچه در (روسی اسلوو) نوشته شده دروغست» سلیمان میرزا جواب داد «هرگز من این تکذیب را نخواهم کرد این (تکذیب) کاری نیست دیموکراتها بکنند» نایب السلطنه از آن جواب از حال طبیعی خارج شده و با دست سینه خود را کوبیده و میگفتند «شما ها می خواهید مرا بکشید پس چرا نمی کشید من امشب از اینجا خواهم رفت» پس از دو ساعت از اینگونه پریشان کوینها که همه نوکرها و سر بازها از بیرون اطاق مشاهده بکردند نایب السلطنه منشی خود را طلبیده و مسوده استغفای خود را نوشته و در آخر آن زرقه البجمله را اضافه نمودند: - «باین جهت استعفا میکنم که دیموکراتها بر خلاف من بوده و از من نفرت دارند» پس از آن بحضورین فرمودند که «تمام شما ضلالت و امضاء نمائید که کسی متعرض من نشده تا از این مملکت خارج شوم چون وکلاء و وزراء حاضر از آن کار انکار نمودند نایب السلطنه برخواست که از ائحل خارج شوند و کاسکی خود را به آواز بلند طلبیدند ولی مردم ایشان را نگاه داشته و مراجعتشان دادند ساعت سه بعد از نصف شب یعنی پس از پنج ساعت از انگونه حرکات و رفتار جنون آمیز مجمع مزبور منتشر شد \*

بعقیده من انتخاب ناصر الملک برای نیابت سلطنت مناسب نبود حالت ملت ایران شخصی را برای نگاهداری سکان مملکت لازم داشت که تند و با قدرت و نفوذ و عادل باشد اگر چه در کمال لیاقت و قابلیت ایشان حرفی نمی رود ولی چندان قوت قلب و در بعضی موارد انصاف هم نداشتند بواسطه خود پسندی هیچ چیزی را بخاطر نمی آوردند مگر آنچه تعلق بشخص خود یا احتراماتشان داشت شکایت ایشان از مجلس و وزراء این بود که آنها میخواهند والا حضرت را شریک سیاسیات کنند و حال آنکه خیال خودشان این بود که وجود نایب السلطنه مثل پادشاه انگلستان در نزد عموم ملت مقدس و منزّه و محترم میباشد نتیجه خیال مزبور این شد که ایشان بیشتر از همه چیز در فکر سلاطنتی

شخصی و آسایش قلب خود بوده و ابتدا اعتنائی بانجام گرفتن کارهای مشکل و پیچیده که مسئولیت آن را بعهده خود گرفته نداشتند \*

هیئت کابینه و ما مورین طبقه اعلای قوه مجریه که در زمان توقف در ایران با آنها مصادف کردیم باستثنای قلیلی اثر خوبی بر من ظاهر نمودند بسیاری از ایشان مردمان تربیت یافته کامل و بسیار زیرک بودند ولی عموماً دارای عیوب خود پسندی و مغرضی و فقط در فکر جلب منافع شخصی بودند اگر باین میزان بسیاری از ما مورین دول دیگر را بسنجیم ایشانهم عاری از این نقایص نخواهند بود در طبقه حکام پول ذخیره نمودن و خدمات دولتی خود را بهانه قرار دادن بیش از اندازه معمول بوده و شیوع داشت اشخاص مزبوره بیشتر از طبقه امراء انتخاب میشدند الحق طبقه امراء ناخلفی بودند نه خودشان بجلوگیری از بیدیانتی و تقلب در امور دولتی افتداری داشتند و نه راضی میشدند که دیگری بدان امر اقدام نماید باین تصور که مبادا ضرر موهومی بخود یا بدوستانشان وارد بیاید \*

اما و کلاه مجلس ایران از قسم دیگر بودند معدودی از ایشان از طبقه بزرگان و اعیان متمول بوده ولی آنها هم بکلیه و کلاه از حیث جنسیت و سنخیت نزدیک بودند بسیاری از ایشان قانون و طب خوانده و عده قلیلی از منشیان و مستخدمین طبقه ادنی و عده هم ملا بودند بهر حال و هر چه بودند علی الظاهر این امر را احساس نموده بودند که انتخاب و تعیین ایشان بوکالت برای عمومی شده نه فقط بصرف سفارش و توسط باین جهت خود را حافظ حقوق هموطنان خود میدانستند عقیده صریح و صاف ایشان این بود که در کشمکش تشکیل نسبی از دولت مشروطه خود را مسئول خبر و شر و سعادت و شقاوت شرف و افتخار ایرانیان میدانستند \*

اگر چه رایبهای مختلفه در باره مجلس و مجلسیان داده شده و نیز داده خواهد شد و دولتمن روس و انگلیس اظهار می نمایند که آن هیئت بسیار بی تجربه و نا قابل میباشد ولی شك نیست که بعضی اوقات هم دلیل صحیحی راجع بشکایت خود در دست داشته که چشم حقارت نظر مجلس می نمودند نمایندگان بلژیکی ایشان در طهران مکرر این نکته را ملتفت شده و احساس مینمودند که چنانچه در زمان سلاطین سلف چیزی آهسته بگوش یکی از زمامداری متعلق و متقلب در باری گفته و بدان وسیله مقاصد خود را اجراء نموده بدان مثابه آسان نخواهد بود که يك هیئت هشتم نفره نمایندگان منتخبه را تحکم بآنها بد نمایند \*

عقیده شخص من این است که هیچگاه در تواریخ عالم دیده نشده که ملتی مانند ایرانیان دفعه و بی مقدمه طریقه سلطنت استبدادی را بر وجه حکومت مشروطه (حکومت انتخابی) تبدیل کرده و هم باعلی درجه معیار لیاقت سیاسی و علم اجراء قوانین را ابراز نموده باشند هیچ شخص عاقلی امکان هیچ جنبشی را نمیتواند تصور نموده و چنین قابلیت را از آنها توقع داشته باشد اعضا مجلس اول برای بقاء خود از هائوز که « پارلمان » تشکیل گردید مجبور بدفاع شدند کککش بی تناسب ایشان با محمد علی شاه و دول اجنبیه که بزرگترین معاون او بودند وقتی خاتمه یافت که کرنل لیاخف با قزاقهاش مجلس را بمبارد نمود و مجالی برای تصفیه و اصلاح امور معظم قانونی نیافته و هیچ امیدوار نبودند که تدابیرشان بموقع اجراء گذارده شده و نتیجه از اقداماتشان بروز نماید \*

اعضای مجلس ثانی که تمام آنها را شخصاً می شناختم بدون شبهه نسبت بی لیاقتی و ناقابل در صورتی میتوان به آنها داد که معیار علم و تجربه آنان را با لیاقت و کفایت مبعوثان « پارلمان » انگلیس با (کشگره) امریکا بسنجیم این امر خالی از غرابت نخواهد بود که حکومتی که بکلی جدید و بی تجربه بوده آنهم در مملکتی که مملو از خرابی فرنگی باشد باین درجه مقتدر شود که از اول کارهای خود را مانند دول دیگر که تجربه نسلیا بلکه قرنهای عدیده داشتند انجام دهد رعایت فقدان علم فنی را هم باید نمود زیرا که البته يك نکته مهم همین است آنجلس حقیقه انعکاس خیالات و امیدواریهای جدید محققانه عدالتخواهانه ملت ایران بود قابلیت اعضا آن از حیث تربیت و تحصیل از درجه وسطی بیشتر بود بعضی از ایشان لیاقت مخصوص و جرأت قابل تمجیدی ابراز نمودند تقریباً خیال و عقیده همه ایشان این بود که نجات مملکتشان موقوف بکوششهای خودشان بوده و سعی می نمودند که دولت مشروطه را بر بنیاد محکم پایداری استوار نمایند و فقط بهمین وسائل میتوانند امنیت و عمران و ترفیه عمومی را عود داده و از فروش مملکت خود با جانب و مخصوصاً از تعديبات بلژیکی روس و انگلیس جلوگیری نمایند و کلاه مجلس ثانی با استثناء قلیلی صادقانه فریفته همین مقصد بوده و هر تدبیر و نقشه که برای محافظت و وطنشان بایشان تقدم می شد با طیب خاطر تمام آن را استقبال میکردند اگر چه علم صحیحی در باره ترتیب امور مالیاتی نداشتند ولی اهمیت موقع را بخوبی احساس کرده و مائل بودند که اعتماد کلی خود را بمسئولان بیگانه اظهار نموده و ضمناً هم از ایشان خائف بودند مگر در صورتیکه مسئولان برای دفاع (آنتریک) و تقلبات بلژیکی خود را حاضر

نموده و بجهت سعادت و بهبودی ایران کار کنند \*

هر پارلمانبرا که اهل مملکت حامی آن باشند نمیتوان ناقابل گفت بشرطیکه اهالی آن مملکتهم حدود خود را شناخته و اعضاء آن پارلمان هم برای حفظ شرافت و حقوق شاهنشاهی بیخافشاهی راضی باشند \*

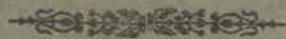
در کارخانه دولتی اگر مانعی برخلاف آمال ارتجاعی جمعی از اسراء و صاحبمنصبان کابینه و بر خرد تفرقاتیکه در اغلب ما مورین دولتی از هر طبقه دیده میشد وجود داشت فقط همانجلس بود تا زمانیکه مجلس باقی و دائر بود این مسئله بر همه کس مکشوف بود که هیتی حاضر می باشند که اهالی ایران را از ارتجاع و تقلبات فاحش و خیانت با حقوق شخصی و بلتیکی که به آنها راه یافته محافظت نمایند مجلس حاضر بود که از اعضاء اداره که متدین و قابل ترقی باشند حمایت کند زمانیکه هبت مزبور بواسطه اغراض دول اجنبیه منتشر و متفرق گردید آخرین امیدواری دولت متدین با مشروطه ایران مفقود شد ملت ایران از آن ضرب دستی که مجلس را خاموش کردانید راضی نبودند زیرا میدانستند که حقوق و ولایت مستقبل ایشان محو خواهد شد \*

مجلس در انجام دادن امور و وظائف تکلیفیه خود کمال جستی و کفایت را بظهور رسانید و اگر هم در بعضی مواقع در امری اظهار طرفداری مینمود چندان بی راه نبود زیرا که مجالس قانونی سابقه هم از این گونه نواقص و آلاشات مبرا و پاک نبودند \*

اگر چه مجلس ایران چنانچه باید و شاید یاتیکی و سیاسی کامل نبود ولی در حقیقت بیشتر از سایر ملل بهترین امیدوار بهای ایرانیان را که در هیچ زمانی در آن مملکت وجود نداشت ابراز نمود مجلس با آن موانع و اشکالاتی که ترقی و پیشرفت حکومت مشروطه را احاطه نموده بود تا درجه امکان مقاومت و دفاع نمود همین دلائل درجه بی تجربگی و ناقابل ایشان را بطور کافی واضح می نماید دولتین روس و انگلیس بی در پی بوزیر مختار های طهران خود تعلیقات و دستور العملها میدادند که فلان امتیاز را مطالبه و درخواست کرده و از دادن فلان انحصار مانع شوید غافل از آنکه زمانیکه اختیار مال و جان و فواید دوازده ملیون نفوس بکلی در قبضه اقتدار یک نفر مستبد بود که بسهولت هر چه تمامتر مشارالیه را تهدید نموده و با بطیب رشوت اورامی قبولانند گذشت و آن درجه سهولت قدیمه نسبت بمعاملات با و کلاه پارلمانیکه از طرف عموم ملت منتخب شده و نظارت راههای آهن و معادن و سایر امتیازات را در قبضه تصرف خود دارند در این زمان در کار

و میسر نخواهد بود بعبارة اخری مجلس برای پیشرفت مقاصد و اغراض مخفیة آن دو دولت ولو هر چه باشد مانع حقیقی واقع شده بود و بهمینجهت بود که دولتین متوالیا اظهار شکایت می نمودند که « منافعشان » در ایران در معرض خطر است \*

بیان کردن خصوصیات اهل ایران چنانچه شاید قدری مشکل است عده کثیری از نفوس اهل آن مملکت که مشتمل بر زراع و دهاقین و ایلات اند بیشترشان از حلیه علم عاری میباشد ولی در مقابل هزارها از اهالی ایران در ممالک متمدنه تربیت یافته و تحصیل نموده و پس از اتمام تحصیلات در مملکت خود نیز سیاحت کامل کرده بودند ایرانیان عموماً مهربان و مهمان دوست بوده و ملل اجنبیه را بسیار احترام میکنند اکثر طبقات متمولین زبان فرانسه را تحصیل کرده و برخی از ایشان بانگلیسی نیز تکلم می نمودند عموماً با اقلای بعضی از آنهائیکه حامی و طرفدار ملت بودند لیاقت و قابلیت خود را در اتخاذ تمدن و خیالات مغرب زمینیان ثابت و مدلل داشتند و با وجود موانع و اشکالات خارج از حد و حصر توانستند سلطنت استبدادی را بحکومت دنیو کراسی تبدیل نمایند موانع مزبوره بدرجه تصفیه و اصلاح شده بود که هر شخص با لیاقتی از هر طبقه که باشد میتواند اعلی ترین خدمات دولتی را اشغال نماید ایرانیان در ظرف مدت این پنجسال از حیث ملیت شوق عذیمه النظری برای تحصیل ابراز کردند در دوره مشروطه صدها مدرسه تشکیل کرده شد گویا مطابع و جرائد بسیار آزاد در ظرف یکشب از هر گوشه و کنار بظهور آمده و مدیران جری و مضمون نویسان بی خوف و بی باک ظاهر شدند که مظالم و بی انصافی و سرزنشهای خارجی و داخلی را از مملکت خود دور نموده و بر اندازند ایرانیان آرزو و تمنای بسیار داشتند که کلیه قوانین سیاسی و اخلاقی و معاملاتی ملل ترقی یافته و تربیت شده عصر حاضر را قبول کنند شراره از همین آتش ناشکیبائی و بی تحملی که در ایرانیان مشتعل شد بهندوستان سرایت کرده و جنبش و اقدامات « ژون ترک » ( عثمانیان ) را بروی کار آورده و در همین اواخر بلیاس جمهوریت در چین جلوه نمود مشرق زمینیان بیدار شده اند ولی افسوس که ایرانیان بدبختانه دیر بیدار شدند بجاهدات و مساعی آنانرا که بطرف نور آزادی و حریت و سعادت ابدی پیش میرفت دولتی مانع شد که قدرت خود آندولت در راه ظلمتست \*



## \* باب دهم \*

(۱)

میدان دیپلوماسی ۱۹۱۱ اروپا مسلک انگلیس و روس معاهده پوتسدام اتحاد سری روس و آلمان ایاق و قابلیت ایران از بحث نوای جنگی اعتراضات سر ادوارد گری بخزانه دار معاهده انگلیس و روس \*

از ابتداء تحریک و انهدام مجلس تدابیر گرفته شمر مرغی (که برای نجات و استخلاص از تعاقب سر خود را در شن و ماسه پنهان میکنند) در ایران شکل تازه نوظهوری پیدا کرد علی الظاهر روس و انگلیس خواستند سلطنت صوری در ایران تشکیل داده تا از اتفاقاتی که در آن مملکت بدبخت واقع میشود در انتظار اهل عالم بری الذمه و بی تقصیر باشند چنانچه بیست و یک مارس ۱۹۱۲ (اول ربیع الثانی ۱۳۳۰) لایحه ذیل از طهران بامضاء نوروژ در روز نامه «نیربست» (مشرق افسی) درج شده بود: - دولتین بواسطه باقی گذاردن فقط اسم سلطنتی در ایران میخواهند خودشان را از هر گونه مسئولیتی رها نموده و بری الذمه گردانند ولی وقتیکه تشکیل همچو سلطنتی نائل و کامیاب شدند آن سلطنت را مغالوج می نمایند \*

عقیده شخصی من این است که دولتین (یعنی انگلیس و روس) مطمئن می باشند که از مسئولیت هر قسم وقایع و انقلابات ایران نجات یافته بحث و تعرضی بر ایشان نخواهد بود ولی اهل عالم زمانه دراز نیست که از طرح این مسلک بخوبی آگاه و مطلع شده اند به آن وقایعیکه راجع بغارت گری بین المللی است آبرنجیه و مکرهای خالص خود هر قسم لباس رسمی بپوشانند در انظار متمدنین مخفی نمانده و مشتبّه نخواهد گردید حقیقت امر اینست که دولتین انگلیس و روس در این قرون وسطی یکدست نزد دیپلوماسی باهم باخند ولی هنوز سرگذشت «لاپرنس» (Le. Prince) (تصنیف

(۱) بیان آرائیکه در این باب ذکر شده متعاقب بحالات سیاسی سی ام اپریل ۱۹۱۲

(دوازدهم جمادی الاولی ۱۳۴۰) می باشد \*

مکیاویلی اطلالیائی (M. Mecal Vellie) مترجم) کتاب درسی ایشان است (۱) لکن ایشان نمیتوانند کسی را فریب دهند حتی آن ایرانیهای را که آله دست خود قرار داده و بمنزله یهودای استریوطی بوده و آن سلطنت را تشکیل کرده و روبل و احکام روسی را قبول می کنند آنها را هم نمیتوانند کول بزنند (۲) \*

این مسئله محل تردید و شبهه است که عموم انگلیسان گول خورده باشند ولی چیزیکه معین و واضح میباشد این است که از سکوت جبرت انگیز سر ادوارد کری قدری خسته شده اند هر وقت یکی از وکلای پارلمان خالی الذهن و بدون مقدمه توضیحی راجع بحركات روس یا مسلک انگلیس در ایران میخواست همیشه جواب ایشان منحصر به من چند کلمه بود «موقع دقیق و خطرناک» یا «اقدامات جاری است» خواه معترض و سائل از حزب «لیبرال» (آزادی خواه) باشد یا از فرقه «یونیونست» (اتحادیون) سر ادوارد کری در این پنج سال اخیر این لباس را بقدری استعمال نموده که تار و پودش نمایان گردیده است (۳) معلوم نیست ملت انگلیس تا کی اجازه داده و راضی میشوند که امور خارجه آنها باین درجه درهم و برهم باشد و اگر مسائل مشکله داخلی با تقدیر و توقعات کابینه «لیبرال» حالبه پیچیده نشده بود شاید جواب آن سئوالات تا بحال بسهولت تمام داده میشد اگر درباره استقلال و افتداری وزارت خارجه سر ادوارد کری یا فتوحات دیپلوماتیش که از دو سال قبل در ظل حمایت مسلک خارجی حکومت «لیبرال» نائل شده رأی عمومی گرفته شود نتیجه بسیار مطلوب و پسندیده بدست

(۱) ذکر سرگذشت لاپرنس در این جا کبابه از این است که هنوز بمسکلهای

فریب دهنده پوسیده و مندرس متصل می باشند - مترجم \*

(۲) یهودای استریوطی یکی از حواریین حضرت عیسی بود که خود را خالصانه از پیروان و ایمان آورندگان به آن حضرت جلوه داده و از همه بیشتر اظهار خلوص و عقیده نسبت بمسیح می نمود ولی چون ورق کار برکشته و بنی اسرائیلیان در صدد ابتداء و قتل الحضر برآمدند اول کسیکه تبرا و اعراض نمود همان یهودا بود - مترجم \*

(۳) یعنی تا حدی این مسلک خود را دنبال نموده و استمرار داد که فساد آن

بر همه کس واضح و روشن گردید - مترجم \*

خواهد آمد (۱) چقدر مناسب خواهد بود که نتیجه آن رأی عمومی از خود حزب « لیبرال » سؤال شود \*

در تابستان گذشته روس سونوشت و مقدرات آتیه ایران را بکلی خاتمه داد بجز آن اروپائی را که از دیر زمانی اهل عالم منتظرش بودند گویا آتموقع رسیده و آن خرس اقتدار کاملی در آسیا حاصل نمود آیا کدام امر بود که آن کشمکش « اروپا » را بدرجه سرعت داده که بکلی « آسیا » از خاطرشان محو گردید ؟ \*

باید این سؤال را از « آدمرال » ( امیر البحر ) می نمود که فرمانده دستجات جهازات المانی در دریای شمال اطراف سواحل « اسکانلند » بود در موقعیکه یکروز صبح در ماه سبتمبر کشتی میراند که جهاز « کروزر » ( کشتی فراول ) انگلیسی « دریدنات » های المانرا غلغله کشف نمود در هنگامی که جهازات مزبور موافق فواید و فنون نظامی صف اترائی نموده و « تریبل » های ( کشتی های کوچک جهاز شکن ) پیش فراول پیشاپیش حرکت و سیر نموده و مستعد مقابله با خصم بودند \*

با از آمدن نفر صاحب منصب طبقه اعلاى بحری انگلیس باید سؤال شود که بواسطه گم نمودن چند ساعت رد و خط سیر جهازات المانرا از خدمت خود منفصل شده و بکلی دستشان از کار کوتاه گردید \*

از امیر اطور روس باید سؤال شود که آیا در « یونسدام » وعده نکرد که معاهده بین خود و انگلیس را نوجیه و تفسیر نموده و در صورت وقوع جنگی بین المان و انگلیس ملزم خواهد بود که هیچگونه اقدامی برخلاف المان ننماید ؟ \*

سئوالات مزبوره اگر مطابق صدق و عدالت جواب داده شود علت غائی حمله ناکهانی که کابینه روس در پائیز گذشته بایران نمود واضح و معلوم خواهد شد ان اقوال و معاذیر بیگانه که ایران نسبت بصاحب منصبان فوئسلخانه روس توهین نموده یا استخدام یکنفر رعیت انگلیس را که انهم از طرف خزانه دار ایران مأمور وصول مالیه تبریز شده بود مستمسک و بهانه بجهت پیش کشیدن مسلك ظالمانه و وحشیانه روس در ایران

(۱) مراد از رأی عمومی این است که هر وقت مسئله متنازع فیه در پارلمان با کثرت نصفیه و تقبیح نشود یعنی هر دو فریق متنازعین از حیث عدد مساوی یا هم باشند بتوسط اوراق از طرفداران و بیروان آن دو حزب رای گرفته و قانون تابع همان اکثریت رای عمومی خواهد بود — مترجم \*

گردید ظاهر و آشکار است بیان واقع و حقیقت اقدامات جا برانه و محیلاته که مأمورین روس برخلاف استقلال سلطنت شاهنشاهی و دولت مشروطه ایران از زمان خلع محمد علی در سال ۱۹۰۹ مرتکب شده اند در چندین مجلد کتاب کذا هوجقه نخواهد گنجید \* فقدان تدبیر صاحب منصب کدام دواتی از کدام زمان باو حق و اجازه داده است که هیجده هزار نفر قشون در مملکت دوستی وارد نموده و رعایای صلح جوی ان مملکت را زجر و قتل عام کرده و اشخاص بی طرف غیر جنگی را چه بدار کشیده و گلوله ریز نموده و چه بتوب بسته و بظلم و جور اصول و اساسه منظم سلطنت شاهنشاهی ملت دوست خود را منهدم و نابود گرداند \* مجلس صلح عمومی « لاهه » که خود اعلیحضرت امیر اطور تمام روسیه علی الظاهر آن را ایجاد و تکمیل نموده و تقویت داده آیا تصدیق خواهد نمود که آتمسلك و وضع رفتار مطابق قوانین بین المللی یا موافق حقیقت عدل و انسانیت است ؟ آیا دیگر هیچ دولتی که فی الجملة شرف خود را دوست داشته باشد با دواتی مثل دولت روس طرف معاهده و معامله واقع شده و یا بشرکت در مجلس دعوت همجو دولتی راضی خواهد شد ؟ \*

زحمات و اشکالاتی که در این پنجسال اخیر بسببسیاسیات انگلیس مصادف شده بواسطه اینست که مدبر سیاسی دانی برای اصلاحات در ان مملکت موجود نبود سر ادوارد گری شخصاً از خانواده خوب و متواضع تربیت یافته و عالم میباشد مشار الیه وزیر خارجه لایق و مناسبست لکن برای مملکت سوئیس بالیک شاید هم برای مملکت ( روری تانیای آنتونی هوب ) ( Anthony hopes ruritania ) مناسب باشد ولی وزارت مملکت انگلستان که منافع و اغراضش از او با تجاوز نموده امر دیگری مافوق آنست و از حدود قوه شخصی ایالتی یعنی کسیکه تربیت یافته ایالات انگلستان باشد خارج است انهم در صورتیکه بزرگترین مسافرت بحریش نا منتهی الیه انبای ( تنگه دریائی ) انگلیس بوده و بهترین افعال و اقداماتش در ان مدت دراز خدمات عمویش صید ماهی انهم از خشکی و کناره می باشد در صورتیکه نصف بیشتر سلطنت و مستملکات انگلیس در « آسیا » واقع است هیچیک از سامیان عالی ایشان هرگز تهمت و افتزای خیالات و تصورات مشرقی را بمشار الیه زده است \*

از زمانیکه اتحاد انگلیس و فرانسه بسعی و کوشش لردانزدان ( Lord Lansdowne ) در سنه ۱۹۰۵ تکمیل یافت در مسلك خارجه دولت انگلیس تغییرات بسیار راه یافت

حقیقت عقیده آن مدیر معروف آن بود که انگلستان باید از آن حالت انفراد مشعش خود خارج شده و در جرگه سیاسیات سائر دول اروپا داخل شود. پروگرام حیرت انگیز المان هم در تعمیر جهازات و تکمیل قوای بحری شاید بهمین نقطه نظر داشته باشد.\*

از زمانی که حکومت لیبرالی در انگلستان اکثریت پیدا نمود دولت انگلیس دو چهار مواقع دیپلوماتی پیچیده خارجی در «اروپا» و «آسیا» کردید در موقعیکه جنگ روس و ژاپون دولت روس را بدون شبهه ضعیف نموده و برای ساختن جهازات جنگی و ترقی دادن صنایع و تعمیر راههای آهن خود پول لازم داشت و فرانسه هم در پیشقدمی (باستقراض) ندری سستی و تردید داشت مدیر روشن ضمیری پیدا شده و رأی داد که اگر دولت انگلیس از روس تقویت نموده و سرمایه های لندن را در پطر سبرگ بریزد مسلك خوبی خواهد بود چرا باین جهت که قوای دولت المان روبه تزیاید گذارده و اتحاد انگلیس و فرانسه هم مانع کافی برای جلوگیری از طمع و مخالفت المان تصور نمیشد قوای روس که بواسطه جنگ ضعیف شده و اتحاد با دولت برای انگلستان در شمال المان همان نتیجه را می بخشید که از اتحاد با فرانسه در جنوب متصور بود این بود نقشه کار و طرح خیالات مدیر مشارالیه و بعضیها گفته اند که اتحاد مزبور برای محدود و محصور ساختن آلمان بوده است ولی شاید خود المان هم این نکته را ملتفت شده و احساس نموده باشد.\*

موقع بهانه برای اجراء آن نقشه رسیده و در آسیا هم معاملات انگلیس و روس تصفیه لازم داشت نتیجه همان معاهده انگلیس و روس شد که در سبتمبر ۱۹۰۷ انعقاد یافت سرادوار گری امیدوار بود که بوسیله انعقاد معاهده مزبوره ناموری و افتخار جانشینی لنزدان را برای خود برقرار بدارد چنانچه رایج و معمول است از بودن اغراض مخفی در مواد آن معاهده انکار نمود شاید هم حقیقه غرضی درین نبوده است.\*

آیا معاهده مزبوره مسائل مختلف فیهی را که در آن قسمت آسیا بین انگلیس و روس محل بحث بود تصفیه نمود؟ بل! ولی نه از برای مدت مدیدی.\*

زمانیکه آن اتفاق مثلث (اتحاد ثلاثه) در شرف تشکیل بود آلمانها بکلی خواب نموده و احساس نمودند که آن هیجان و جوش و خروش حیرت انگیز سیاسی انگلیسها خاصه در «اروپا» ارتباط و مناسبت تامی با ایشان داشته یعنی مرکز خاطر آنها المان بوده است آلمانها میل مفرط و دلچسپی تامی بقسمت استبدادی عثمانی دارند در سنوات

ماضیه يك نفر «دیپلمات» المانی بسیار با هوش و زیرکی در قسطنطنیه بود که اسمش بارون مارشال فان بیبرستین (Baron Marschall Von Bieberstein) بود مشارالیه کوشش بسیاری برای تحصیل امتیاز راه آهن بغداد بجهت المان نمود (۱) اهل عالم عنقریب ملتفت خواهند شد که قصد او تعلق نامی داشته است با تغییراتی که حتماً در «داردائلز» واقع خواهد شد ادмирال شستر (Admiral Chester) و شریکانش سعی بودند که امتیاز راه آهنی در مملکت عثمانی برای امریکا تحصیل کنند و شاید هم با فان بیبرستین مصادف شده باشند نفوذ انگلیس تا چند سال قبل در قسطنطنیه بر سایرین غلبه داشت ولی اکنون چندان قابل اعتنا نمیباشد و نفوذ المان تمام ممالک عثمانی را احاطه نموده است عقیده خود عثمانیها اینست که آلمانها نه در حالت انحطاط و تنزل بوده و نه از دولتی واهمه دارند.\*

بهر حال المان در مشرق وسطی شروع با اقدامات و عملیات نموده بود که در پائیز ۱۹۱۰ امپراطور روس در «پوتسدام» با امپراطور المان ملاقات کرده و معاهده «پوتسدام» نتیجه آن ملاقات گردید معاهده مزبوره بکلی معاهده بی ضرری بود چنانچه از نوشتجاتی که بعنوانین عبارات مختلفه رسماً برای اشاعه بچراغ داده شده بود همه کس میتواند بخوبی نتیجه آن معاهده را ملتفت شده و استنباط نماید آیا نکات و اغراض سری در ضمن معاهده مزبوره یا بعضی مواد آن مستور است؟ خیر! ما میدانیم غرض مخفی در کار نیست زیرا که وزارتهای خارجه روس و آلمان بعموم مردم همین قسم وانمود کرده و سرادوار گری نیز بهمین مضمون بهارلمان انگلیس اطلاع داده است.\*

اگر چه از ابتداء استعمار کلی در مواد آن عهد نامه بکار برده شده ولی چنین احتمال میرود که حقیقت آن قبل از وقت بر همه کس واضح و مکشوف شده باشد.\*

چهاردهم ژانویه ۱۹۱۱ (دوازدهم محرم ۱۳۲۹) بارون مارشال فان بیبرستین بدولت عثمانی اظهار داشت که معاهده و معاملات روس و المان فقط راجع بکشیدن راه آهن ایران و اتصال آن براه آهنهای خود می باشد.\*

موادیکه روی هم رفته و متفق العموم از معاهده مذکور استنباط میشود بر حسب ذیل است :-

(۱) در بعضی از جرائد غیر رسمی شهرت نموده بود که آن دیپلمات معروف در زمانی وزیر مختار (سفیر کبیر) المان در لندن بوده است.\*

اولاً هر يك از دولتین آلمان و روس متعهد میشوند که از اتحاد با هر دولتیکه اراده پیشقدمی و حمله نسبت بدیگری داشته باشد اجتناب نمایند (۱) \*

ثانیاً آلمان اعتراف نموده و تسلیم دارد که ایالات شمالی ایران داخل در منطقه نفوذ روس است و تصدیق میکنند که دولت روس حق دارد جمیع امتیازات راه آهنهایی که دولت ایران در آن حدود بمشمار الیه وعده داده مطالبه نماید \*

ثالثاً سرمایه المانی در شمال ایران بعنوان حمایت از مسلک روس بمصرف خواهد رسید برای کشیدن خط راه آهن از طهران تا خاتقین سرحد ایران و عثمانی سهمی از سرمایه آلمان و قسمتی از سرمایه روس بکار برده خواهد شد ولی در تحت نظارت صاحب امتیاز روسی \*

رابعاً روس اعتراف و تسلیم می نماید فوائد تجاری آلمان را در شمال ایران و ضمانت میکند باقی و برقرار داشتن مسلک « بلا مانع بیطرفانه » در منطقه نفوذ خود \*

خامساً روس تسلیم دارد انحقوق و فوائد آلمان را که در امتیاز راه آهن بغداد بمشمار الیه داده شده است و ملزم میشود معاونت سیاسی خود را بدولت آلمان در آن قبیل کارها \* سادساً آلمان به تنهایی يك خط راه آهن از بغداد تا خاتقین سرحد ایران اجداث خواهد نمود که خط بغداد را بخط خاتقین و طهران روس و آلمان و بخطوط دیگر در شمال ایران که اتباع روس کشیده باشند اتصال خواهد داد \*

و انتظام بعضی مسائل دیگر راجع بتعرفة حمل و نقل مال التجاره از خط راه آهن بغداد و خطوطیکه در شمال ایران بین دولتین متعهدین نقشه کشیده شده و خیال نموده اند آنمعاهد را تکمیل می نمایند و نیز کشیدن خطوط مزبوره بانضمام تعیین نرخ کرایه و تعرفه حمل و نقل صادرات المانی در شمال ایران سهل و آسان خواهد گشت و از آن طرف هم راهی برای حمل و نقل امتعه روسی به آسیای صغیر و « مدیترانه » باز خواهد شد و ضمانت برقرار داشتن ( استاتسمتیک ) حالت حاضره مشرق قریب برای رفع بدگمانی عثمانیها از نتیجه آخری و حقیقت معااهده مزبوره در آن معااهده نیز مندرج است \* غیر از سر ادوارد گری هیچکس باور نخواهد نمود که نکاتیکه در آن عهدنامه مستتر است فقط منحصر بدین شروط باشد \*

(۱) ایهامی که از آنکه پیشقدمی مستفاد میشود موافق مسلک و سابقه پسندیده دیپلوماسی است \*

بهر حال بسیاری از مواد آنعهد نامه دلالت واضح و آشکار دارد بر اینکه روس نمیتواند جزو اعضاء مثبت اتفاق مثلث بشود اگر چه هم بعضی اوقات شده باشد همان اتفاق مثلثی که در انگلستان سبب اصلی برائت ذمه انگلیسها از معااهده ۱۹۰۷ روس و انگلیس شده بود \*

همه میدانند مملکت روسیه خطه بسیار وسیعی است که يك بندر گاه ندارد که در زمستان باز باشد ( یعنی تمام طرق بنادرش در زمستان بواسطه یخ مسدود میشود ) از یکطرف تمام بنادر « بالتیک » وی منجمد است و از طرف دیگر « ولادوستک » که در ساحل دریای ژاپون واقعست بوجه مذکوره بحاصل و مسلوب المنفعه می باشد در وسط مملکت هم بنادریکه در سواحل دریای سیاه واقعست بموجب معااهده راجعه بمنع عبور جہازات جنگی از « داردانلز » محدود و بسته است در موقعیکه روسها « پوت آرتور » را گرفته بودند از این حیث فی الجمله سهواتی در امورشان واقع شده بود ولی بعد از آنکه ژاپونیا بندر مزبور را تسخیر نمودند روسها برای جبران اینکه نمیتوانند کشتیهای خودشان را در دریاهای گرم سیر داده و برای مدت مدیدی در سال کشتیهایشان بواسطه یخ محدود و محصور است دوباره مجبور شدند که بهر وسیله باشد يك یا چند بندر در جاهای دیگر برای خود دست و پا کنند تا در تمام سال بتوانند جہازات جنگی خود را در هر نقطه که بخواهند حرکت داده یا لنگر بیندازند \*

در خلیج فارس بنادر خوب و متعدد میباشد و بعضی از آنها هم در منطقه نفوذ بیطرف واقع شده است و خود خلیج هم هیچگاه یخ نخواهد بست \*

چندین سال است که دولت آلمان بحرمانه روسها را تحریک و اغوا نموده که در مشرق وسطی پیشقدمی نمایند چنانچه اطریشرا به پیشقدمی در مشرق ادنی و فرانسه را هم در ساحل دریای « مدیترانه » به « افریقا » جری ساخت غرض آلمان همیشه این بوده که آنها را در نقاط مختلفه مشغول و سرگرم نماید یعنی هم افواج و قوای نظامی و هم مالیه شان را در حالتیکه خودش بلا مانع و بلا رفیب ترقی نموده و بزرگترین دول « اروپا » گردید \*

عقیده بعضیها این است که هنوز نقشه و مسلک سیاسی بیژمارک یا کمال فوت جاری و در کار است و در هر پیشقدمی که روسها در « آسیا » نموده آلمان حمایت سری به آنها کرده و خواهد کرد \*

اگر فرض شود که در « کانفرانس » (Conference) (مجلس مشورت) « پوتسدام »  
اتفاق دوستانه مختصری مطابق مواد ذیل واقع شده باشد نتیجه چه خواهد بود ؟ :-  
اولاً روس با وجود اثر میلان عام معنوی معاهده ۱۹۰۷ روس و انگلیس تعهد  
کرده باشد که در صورتیکه آلمان دوچار جنگ انگلیس شود هیچگاه اقدامیکه باعث  
پریشانی آلمان شود ننماید \*

ثانیاً آلمان هم نفوذ و غلبه روس را در ایران (نه تنها در شمال ایران) تسلیم نموده  
معنا و حقیقتاً و بطریق دیگر دولت روس را در اقداماتی که بجهت پیشرفت وازد یاد اقدار  
خود می نماید حمایت کند \*

ثالثاً دولتین متعاهدین تعهد و اتفاق نموده باشند در امتداد خط راه آهن بغداد تا  
خانقین سرحد ایران و عثمانی و اتصال آن خط را بخط دیگری که آلمان از خانقین تا همدان  
( در ایران ) خواهد کشید و از آنجا بطرف جنوب تا خرم آباد رفته و از وادی کارون  
گذشته تا اهواز و محمره که معنا خلیج فارس باشد برسد \*

رابعاً روس تعهد کرده باشد که امتیازات لازمه فوق را از ایران بگردد (۱) \*  
در صورتیکه مواد مزبوره فوق جز و فصول قرار داد و معاهده « سرتی » « پوتسدام »  
باشد ابا برای دولت انگلیس مقرون بصرفه خواهد بود در ملاقات بسیار مطبوعی که  
بر حسب خواهش سرادوارد گری در فوریه گذشته در لندن با مشارالیه نمودم همین  
سؤال را از او کرده ولی بدیهی است که نمیتوانم جواب آنرا در اینجا ذکر نمایم بخاطر میسرند  
مسافرت لرد هالدین ( Lord Holdene ) به « برلن » چند روز پس از تلافی  
« پوتسدام » شاید راجع بهمین مذاکرات باشد \*

اکنون مناسب است نتایج مشعشی که از معاهده روس و انگلیس ناشی شده  
بسنجیم امضاء معاهده مزبور بلا فاصله پس از اتحاد انگلیس و فرانسه آلمان را بیدار  
و هوشیار گردانده و سبب معاهده « پوتسدام » شد آنقسمت از معاهده « پوتسدام »  
که راجع به انگلیس است جمیع فوائد معنوی را که سرادوارد گری از معاهده با روس  
در نظر داشت معدوم گردانید و فوائد غیر متساویه و بی تناسب تقسیم ایران را بمنطقه  
های نفوذ برای روس باقی گذارد روس فی الحقیقه قسمت و حصه شیری « یعنی حصه

(۱) پس از خرابی و انفصال مجلس در بیست و چهارم دسامبر ۱۹۱۱ کسی حق پریش

و سؤال از اقدار و نفوذ روس نداشته و این مسئله محل شك و تردید نخواهد بود \*

بیشتر و بسروار « را برد و از همه بدتر این است که روس اتحاد تازه تری با آلمان « که  
همین بنگوات در اروپا باقی بود که روسها از او ملاحظه داشتند » کرده است در  
عوض آلمان هم به آن مناسبت همراعی و مساعدت مخصوص دیگری را با روسها منعهد و  
متقبل شده است که حمایت از مسلك « پیشقدمی روس در آسیا نماید » آبا در این  
حمایت مانعی برای دولت آلمان خواهد بود ؟ دولت انگلیس از این اتحاد نه فقط پریشان  
شده بلکه بیمناک هم خواهد شد معنی اینست که خلیج فارس که لرد کرزن در سنه  
۱۹۰۳ برای تحوید آن زحمات زیاد متحمل شد ازین بعد منحصر و محدود نخواهد بود یعنی  
از انحصار و اختصاص اولیه خارج میشود لرد معزی الیه در بیانات خود چنین میگوید :-  
موقع ما « انگلیس » در خلیج فارس علاوه بر معاهداتی که کرده ایم مربوط بامور بسیاری  
است موقع استقرار نفوذ و بقاء اقدار و نتیجه زحمات صد ساله گذشته و سرمایه که در  
انجا صرف نموده ایم مقتضی بنای تجارت مسلمه و ساخلو داشتن فوج بحری در خلیج فارس  
و نیز نگاه داشتن غلبه سیاسی در آنجا لازم است علاوه بر همه اینها چون خلیج مزبور یکی  
از سرحدات بحری هندوستان بشمار است محافظت استقلال امنیت هندوستان میباشد \*  
معنی معاهده « پوتسدام » باین جرئت این است که تکمیل راه آهن بغداد و امتدادش  
بداخله ایران راه آهن کوتاه یا راه مختصری خواهد بود از مشرق بالمان از این اقدامات  
واضح میشود که چگونه آدمیزاد « یعنی خرسی که مثل آدم راه میرود » هنوز هم بکشیدن  
دائرة اطراف هند و بالاخره بکشیدن ریسان و حرکت دادن فنر اندام متوسل است \*  
یکی از نتایج تسخیر پیچیده و در هم ان « اتتریک » این شد که روس دولتیرا برای  
اتحاد با خود انتخاب نمود که انگلیس نتواند جلوگیری از باز شدن راه خلیج فارس نموده و یا  
اینکه در این معامله اقدام بیچکی کند اگر تنها روس بجهت تحصیل بندرگاهی در این خلیج  
( باین منطقه بحری انگلیس ) حمله کرده بود شاید منجر بیچکی میشد ولی نقشه شرکت  
آلمان به پنهان امتیاز راه آهن ایران انگلیس را بی پشت و پناه گذارده و او را عاجز نمود  
مگر اینکه انگلیس بتواند در يك زمان با روس و « این خطر طیبوطانی » ( Tutanie )  
یعنی آلمان آماده جنگ شود همین خیال است که عموم انگلستان را بمرض حمله و ارتعاش  
اعصاب مبتلا نموده در این صورت « جان بول » ( Gohn Bull ) یعنی انگلیس جا  
دارد که از ناچارى ناله و فریاد کند : که ای برادر بی شرف !! \*

بواسطه دلچسبی و پسندیدگی عامه فقرات ذیل را از تحریرات دولت هند که بوزیر

هند در بیست و یکم سپتامبر ۱۸۹۹ «پانزدهم جمادی الاولی ۱۳۱۷» راجع بملک انگلیس در ایران نوشته منتخب کرده و درج می نمایم \*

«شمله»: بیست و یکم سپتامبر ۱۸۹۹ خواهشمندم که جنابعالی را بمخاطب ساخته و بتوسط جنابعالی دولت ملکه معظمه را از میزان روابط دولت بریتانیه با ایران ۰۰۰۰ \* فقره پنجم: اغراض اقدامات نظامی بریتانیه اعظم در ایران بواسطه روابط و مناسباتیست که ایران با هندوستان دارد چندی قبل از آنکه حدود و ثغور هندوستان بدرجه حالیه توسعه یابد یا قبل از آنکه دولت روس در آسیای وسطی دولت بزرگ مقتدری شده و بنقاط عدیده سرحدی هندوستان نزدیک یا متصل گردد قسمتی از ایران «اگر چه در آنوقت ایران بهندوستان متصل نبود» باعث اشکال بزرگی برای دولت انگلیس در هند شده بود اوایل قرن حالیه «یعنی قرن نوزدهم» در زمانیکه طمع مملکت کبری فرانسه سبب اصلی خوف شده و میخواست بتوسط ایران رخنه بافتد انگلیس پیدا کند طرح تسخیر هند را ریخته بود این خیال از آنوقت متدرجاً و مکرراً بظهور پیوست اکنون که دولت بریتانیه اعظم حدود افغانستان تا صد ها میل با حدود ایران پهلو به پهلو می رود و باین ملاحظه که مملکت ایران تا صد ها میل به بلوچستان که در تحت محافظت انگلیس و تا درجه وسیعی نظم اموراتش بدست صاحب منصبان دولت هند است متصل می باشد و باین جهت که در بایئیکه سواحل جنوبی ایران را می شوید در بانی است که هم بسبب نزدیکیش بدریای هند و هم بواسطه نتیجه کوششهای قرن گذشته اغراض و اثرات هند اهمیت و عظمت حاصل نموده است ظاهر میشود که ایران بملاحظه هند اهمیت نظامی حاصل کرده است این اهمیت در صورتی خطرناک نخواهد بود که فقط تصور منافع آن ملک را بکنیم لکن بدون شبهه هرگاه بمخاطری اوریم که ایران و افغانستان متصل می باشند به فشار روز افزون دولتیکه همیشه اغراضش در آسیا مخالف با اغراض ما بوده بمخاطره سخت و بزرگی در پیش خواهد بود و بهمین ملاحظه خلیج فارس دارد توجه ملی دیگر و باعتبار دیگر ملل همچشم و رقیب را جلب میکند \*

آن فاتحین و ماهرین جنگ هندوستان که اکنون رسماً «یعنی عقیده و پیش بینها شان» مرده اند این پیش بینی و پیش گوئی را کرده و دولت خود را باین درجه متنبه ساخته اند ای کاش در قبرهای خود شان از تعبیراتی که سر ادوارد کری در ماه اوت گذشته بحسن خالق تمام از مقام معاهده روس و انگلیس کرده منتزاع نشوند در زمانیکه

مقدمه مراکش پیش آمده و اولین مرتبه بود که مذاکره استخدام مازور استوکس میان آمده و مطرح مذاکره شده بود وزارت خارجه انگلیس متأسفانه ملتفت شد که نمی تواند در آن واحد بیشتر از یک خیال را بمخاطر بگذارد ان خیال سر و ش غیبی یا حکم رسمی قطعی لاریبی بود که بموقع اجرا گذارده شد که «از ایران منصرف شوید و او را بحال خود گذارده و قوای خود را بطرف دریای آلمان معطوف و مصروف دارید» روس اهمیت موقع را بزودی ملتفت شده و روزنامه های نیمرسعی پتر سبرگ به لاف و گراف شروع و آن آله حساسه دیپلوماسی حرام و مقصود خود را در لندن بموقع تحصیل نمود \* یکی از نتایج آن مقصود این شد که از این بیعد مملکت حاجزی میان ففقا زیه و جنوب غربی هندوستان باقی نماند و دیگر آنکه بعد از این مانع و مخالفی در راه خشکی روس بهندوستان باقی نخواهد ماند و همچنین نظارت انگلیس در خلیج فارس در معرض خطر بسیار واقع خواهد شد \*

نتیجه دیگر این شد که هفتاد و دو مایون مسلمانان هندوستان که همیشه بین دولت هند انگلیس و هندوها بیطرف بوده بواسطه حمله های روس و سایر ملل عیشوی اروپا بسلطنتهای اسلامی مراکش و طرابلس «عثنانی» و ایران و سکوت انگلیس که موجب رضایش دانسته اند در جوشش صادقانه و وفاداری ایشان نسبت بحکومت هند انگلیس نقصان فاحشی راه یافت یکی از علماء بزرگ هند در مراسله که یکی از صاحب منصبان محترم و مأمورین سابق انگلیس در هندوستان نوشته اظهار میدارد که بعد از معامله ایران مسلمانان هند مستعد شده اند که نمایندگان خود را در کنکره هنود بفرستند و این اقدامی بود که تا کنون انکار از آن نموده بودند ولی امور پلیسی انگلیس در هندوستان از نتیجه مغلوبیت ایران ابداً مخفی نمانده است (۱) \*

در تمام عالم بشرف دولت انگلیس نقصان زیادی راه یافته و ملت انگلیس علناً اظهار بی اطمینانی می نمایند زیرا که بعد از این دولت انگلیس نمیتواند خود را حامی و طرفدار

(۱) کنکره هنود: کانفرنس بانجمنی است که سالی یکبار تبه در یکی از شهرهای بزرگ و معروف هندوستان که بالنسبه مرکزیت داشته باشد تشکیل می نمود نمایندگان و «لیدر» های هنود یا هزارها نفوس دیگر جمع شده افعال و اقدامات دولت انگلیس که برخلاف مصالح عامه مسلمه نموده تنقید و بمظالم دولت مشارالیها پروتست می کنند تا اینکه بترافت و ملائمت مجبور شود. مترجم \*

ضعفا بخواهد \*

در ترکی « عثمانی » هم نقصان اثرات اقدامات انگلیس ظاهر و واضح شده است و بواسطه اقداماتی که در این اواخر در معامله ایران کرده معاملات و تجارتش که عملاً بازار های ایران را تا اصفهان فرا گرفته بود نیز خسارت فاحشی وارد آمد \*

اثرات این خسارات و نقصانات باصول جنگی دولت انگلیس بیشتر و بدتر خواهد بود اکنون خصم موروثی انگلیس ( یعنی کسیکه خصومت انگلیس ارتقا باورسیده ) با اطمینان تمام بطرف خلیج فارس پیش می رود و تا چند سال دیگر به آنجا خواهد رسید دولت هند انگلیس برای اثبات لیاقت خود در محافظت خطه که جز و منطقه نفوذ انگلیس است موقع و فرصت خواهد داشت همان قسمتی که لرد کچنر ( Lord Kitchener ) تمام قطعات و حدودش را معین کرده بود و میتوان با قوای نظامی هندوستان محافظت آن خطه کامیاب و نائل شد محافظت دولت هند جنوب ایران را از حمله فزاینده بسیار صعب و مشکل خواهد بود و شاید برای این کار مجبور بساخلو داشتن حقیقه نیم میلیون ( بانصد هزار ) قشون انگلیسی در هند باشد بعوض خمس آن که الان موجود است و عبارت دیگر که چندان وقع و اهمیتی « بنظر امور بین المللی » ندارد این است که معاونت و امداد دولت انگلیس از روس برای پیشرفت مقاصد ناجایز و غیر قانونیش نسبت بازادی و استقلال ایران کاریست که از حیث اخلاق و انصابت دور و بکلی خارج از تمدن می باشد دولت انگلیس بکلی ترك کرده است عادات و مسلکهای را که تاریخ باهل عالم نشان داده و همه از او متوقع بودند اگر چه عموم ملت انگلیس از خطایا و بی پروائی های دولت خودشان بری الذمه میباشند ولی این لکه نا ابد الدهر بنمندن ایشان باقی خواهد ماند \*

شاید خود سر ادوارد کری هم اکنون معترف باشد که در سیاسیات مسلک مخصوصی اختیار کرده که نه بالذات پسندیده و مدوح است و نه از حیث نتیجه اگر فرضاً حالت حالیه آلمان را بسنجیم خواهیم دبه که اگر یکسال قبل شك در خوف دولت انگلیس از خود داشت اکنون آن شك بکلی رفع شده « یعنی شكش مبدل یقین شده است » اگر چه باعث سبب بختی سر ادوارد کری آلمان بوده ولی با وجود اثرات و نتایج خطرناك مسلک مضر دیپلوماسیش همین خصومت هم باعث دوام و استقرار مشارالیه شده است \* آیا ممکن است سؤال شود که دولت انگلیس بجه تدبیر می توانست دست روس را

از ایران کوتاه کرده باشد چون بر بنایه اعظم دولت بحری است جهازات جنگی او بر خلاف روس چه میتوانند کرد و در کجا میتوانند باو حمله نمایند مگر وقتیکه روس بخلیج فارس برسد انگلیس نمیتواند مقابله مظفرانه کامیابانه با قشون روس در شمالی ایران بکند دولت انگلیس به آن اعتباریکه اکثر دول بزرگ اروپا نظامی می باشند نظامی نیست تمام قشون انگلیس نمیتوانند دفاع یا حمله بقشون زیادیکه روس میتوانند از قفقازیه بفرستند بنابراین \*

بهر حال از مانحن فیه بر دور و خارج نشویم دولت انگلیس با اینکه هنوز هم یکی از دول درجه اول دنیا « چنانچه همین قسم معروف و دولت روس هم چنین پنداشته است » بشاراست در موقعیکه در ژویه گذشته آشکار شد که روس بواسطه مداخله در آزادی ایران که « انگلیس و روس هر دو متفقاً و منفرداً تعهد احترام آنرا نموده اند » عملاً نقض عهد و مخالفت آشکار با معاهده ذات البین میکند حق بین و تکلیف فرضی انگلیس این بود که بر خلاف آن اقدامات اعتراض و پروتست کرده و روس را متنبه نماید که معنی حقیقی آن اقدامات ناسخ معاهده انگلیس و روس شناخته میشود نتیجه آن اعتراض این میشد که افلا وفاداری انگلیس را نسبت با ایران بتمام اهل عالم ثابت و برقرار میداشت و شاید هم مانع از پیشروی بیشتر از این روس میشد ملتی که بخوشی خود و طیب خاطر معاهده را امضاء میکند لازم است که احترام آن معاهده را رعایت نماید و در صورت ضرورت و لزوم با هر دولتی که عتماً در صدد مخالفت و نقض آن عهد می باشد مخالفت و دفاع نماید انصاف و مصلحت وقت در این بود که دولت انگلیس فی الجمله اظهار شرف و احساسات ملی خود را نموده باشد سر ادوارد کری برای رفع مسئولیت صریح و ساده خود در معامله استوکس و چندی بعد در قضیه شعاع السلطنه عتماً افعال و اقدامات روس را مدهانه کرده و عقیده خود را اظهار نمود که بشاهنشاهی و استقلال ایران هیچ نقصی نرسیده است چندی بعد مسلک عجیب تری اختیار کرد که انگلستان آزادی و استقلال ایران را ضمانت نموده است بهر حال مناسبست مضمون مسلم ذیل را که یکی از اهالی با اطلاع انگلستان که از مسائل و سیاسیات « آسیا » اطلاع کامل دارد « یعنی لرد کوزن » ( Lord Curzon ) در بیست و دوم مارس ۱۹۱۱ ( بیستم ربیع الاول ۱۳۲۹ ) در مجلس اعیان در مباحثه راجعه با ایران اظهار داشت درج تمام :- من یقین دارم که استقلال و آزادی ایران که دولت علیحضرت در مقدمه معاهده ۱۹۰۷ انگلیس

و روس ضمانت کرده است هیچ حامی محکم و ثابتی غیر از دولت اعلیحضرت نخواهد داشت\*  
 لرد مارلی ( Lord Morley ) نماینده حزب « لیبرال » در اینجا حاضر بوده و هیچ ایراد و اعتراضی بصحت بیان مشارالیه نکرد. اعتدال و تعییری که سر ادوارد کری در تابستان گذشته از افعال و اقدامات روس نموده بحدی ضعیف و بی معنی بود که باعث خجالت و شرمندگی ملت انگلیس گردیده و بروس و مقام اهل عالم ظاهر و مدلل گشت که حکومت « لیبرال » تا چه درجه از آلمان خائف می باشد. انتمسک عجیبی که دولت انگلیس اختیار نموده سبب می شود که بتوان سنوال ذیل را نمود که ملنیکه تا چند روز قبل ادعای حکمت مسلمه در اکثر امور سیاسی « آسیا » و « اروپا » مینمود ایا بواسطه چه امری تغییر عینی در عقیده و وضع سلوکش راه یافت<sup>۲</sup> ایا میتوان گفت جہازات و سربازهای چالاک بحری انگلیس قدرت و دل خود را باخته اند<sup>۳</sup> ایا نواقص فسون انگلیس بعد از فاش شدن اسرار هولناک جنگ « افریقا » ی جنوبی ثانیاً اصلاح و حقیقتاً منظم شده\*<sup>۴</sup>

هنوز هم در بسیاری از نقاط طاعونی کره، عرض « مکروب » و تخمهای انحطاط زمانه وسطی و فور دارد وظیفه حکومت حالیه است که آنها را در امکنه خودشان معدوم سازد و بر انگلستان لازم است که حقوق انسانیت و تمدن عالم را رعایت نموده و فرائض ذمه خود را ادا کند\*<sup>۵</sup>

بدلائل فوق ظاهر و ثابت میشود که علت آن مآل بدبختانه ایران نه از حیث استقلال و آزادیش بوده و نه نتیجه اقدام بامریا مناسبی یا ترك امر لازمی تاریخ عالم علت اصلی انعدام آزادی ایران را در سنه ۱۹۱۱ در « بوتسدام » ثبت و ضبط نموده است روس هم در صورتیکه از حمایت آلمان مطلع و مطمئن بود میتواند قدری صبر نموده و آهسته تر پیشرفته منتظر موقع و وقت مناسبی باشد. معاهده انگلیس و روس تا جائیکه تعلق بتکالیف و وظائف روس داشت معنی و حقیقتاً باطل شده و لاشه سند کهنه بیکاری گردید روس مصمم بود که مسلک و مقاصد خود را که کرارا اظهار نموده یعنی نظارت و فرمانرمانیش را در ایران و در « آبهائیکه سواحل ایران را می شوید » بموقع اجرا گذارد فقط منتظر موقع مناسبی بود که اقدامات عملی و جدی خود را بکار برد کشمکش که در ژویه گذشته راجع بعهامله مراکش در اروپا واقع شد او را فرصتی داد که اقدامات و مقاصد ( دیرینه ) خود را بموقع اجرا گذارد دولت روس گاهل

نبود که از آن انقلابات فایده نگیرد. از اینرو سر ادوارد کری مضطرب شده و علی الظاهر دفعه همه چیز را فراموش کرد. مگر چیزیکه بخاطر داشت فقط « دریت نات » های امیر اطورالمان بود چون روس از حقیقت امر ( یعنی خوف انگلیس از آلمان ) مطلع شد بازی « ورق » را بر کردانید و نایبی که بعد از آن بین روس و ایران پیش آمد و منجر بخرانی دولت مشروطه در بیست و چهارم دسمبر ۱۹۱۱ « دوم محرم ۱۳۳۰ » شد فقط بهانه بود که خود روس خلق و ایجاد کرده بود و شاید هم حکمت جعل آن بهانه ها برای « رفع خجالت سر ادوارد کری از عموم اهالی انگلستان بود »\*<sup>۶</sup>

روس اکنون ( یعنی از سی ام اپریل ۱۹۱۱ سلخ ربیع الاخر ۱۳۲۹ در ایران دولت و حکمران مقتدر و متممندی است امروز ایران بمنزله يك امارت است بهر درجه و حشیشگری که باهل ایران سلوک کرده شود. ذریعه تعرض و وسیله پرسشی نیست بیم روزانه حبس و حلق آویز و شکنجه شدن قوه است که روس بوسیله آن در ایران حکومت میکنند از حوادثی که بمملکت کسری دوچار و مصادف شده سکوت و بهت غم افزائی رخداد و وجود مستشاران و مستخدمین مالیه امریکائی در طهران قضیه تصادفی و اتفاقی بوده خرس قسمت دیگر حلوی لذت آسپا را بلعید\*<sup>۷</sup>

در اوقات مختلفه سر ادوارد کری قصور و الزامات چندی بمن نسبت داد مثل عدم حسن انتظام و تدبیر کوشش در تبدیل استخدام ایرانی به « انگلیسی » عدم تمکین از شناختن ( استعمال لفظ ) دوایر نفوذ روس و انگلیس\*<sup>۸</sup>

اگرچه مضامین مراسلات نیمرسمی که فی مابین من و وزیر مخنار های روس و انگلیس در باره قضیه اسنوکس و استقراض چهار میلیون لیره و نادیه قیمت اسلحه که روس بایران فرخته بود و مواجب و حقوق بریکاد فزاق رد و بدل شده مابیل بافشاء آن نبودم ولی بهترین جوابها از ایراد اولی همین فقره است « در ضمیمه به ردیف ( د ) رجوع شود »\*<sup>۹</sup>

جواب فقره دوم مبنی است بذکر تفصیل ذیل: در از منته مختلفه سه نفر از رعابای دولت انگلیس را در خزانه دولت ایران در طهران و اصفهان و شیراز مستخدم گردانیده بودم این نکته مسلم است که من در داد جلب و تحصیل مستخدمینی بودم که از طرق محاسبه جدید و از زبان و رسوم ایران مسبق و مطلع باشند. سه نفر از اتباع انگلیس را پیدا کردم که میتوانستم ایشانرا برای مستخدمی خزانه قبول نمایم و بهمین ملاحظه دو نفر

بلجیکی را هم مستخدم نمودم اگر از رعایای روس هم کسانی که دارای صفات و اطلاعات لازمه بوده پیش می آمدند آنها را هم بخوبی نیز قبول میکردم انهام بی بنیاد سرادوارد کوری که فقط برای مراعات نکات بلجیکی بود سرا مجبور کرد که بلا حظه صرفه و صلاح وقت ایران آن دوسه نفر رعایای انگلیس را بانضمام مسیول کفر از خدمت خزانه ایران منفصل نموده و فقط مستر جار جینو ( M. Georgenew ) را که بر حسب معاهده مصوبه مجلس مستخدم شده بود باقی گذاردم \*

فقره سوم هم از همه مهمل تر و ناجایز و بیجا تر میباشد دولت ایران بعد از اعلان معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس بدولتین اطلاع داد که معاهده مزبوره را به هیچ سستی نخواهد شناخت و خود را پای بند آن نمیداند مجلس از ابتدا اصرار داشت که نباید کاری بکنم که صراحتاً یا کتایه « منطقیهای » نفوذ را بقسمی که مشهور است در باره ایران بشناسم \*

من هم از همان ابتداء تعهد نموده بودم که این امر را تسلیم نکنم ارتکاب همو امری ( قبول نمودن استعمال لفظ منطقیهای نفوذ ) نقض عهد با دولتی میباشد که مرا مستخدم نموده و خیانت و بیوفائی بود نسبت باطمینانی که بن اظهار کرده بودند سبب اصلی خصومت و مخالفت روس در پیشرفت مشاغل من همین ارتکار از آن کار بود در صورتیکه در ترغیب بلجیکیها به آن امر کامیاب شده بود \*

با وجود همه آن مخالفتها بطرق ممکنه کوشش مینمودم که احترام جمیع حقوق حقه و منافع جایز اتباع اجانب را در ایران رعایت تمام سعی نمودم که از آندو سفارت تحقیق کرده و بدانم که « فوائد و اغراض مخصوصه ایشان » در ایران که خود شان خیال میکردند چه می باشد یعنی معنی عبارت معاهده انگلیس و روس را چه قسم استنباط کرده و فهمیده اند \*

چنانچه آن مضمون نگار نکته چین و نفاذ معروف بلجیکی یعنی دکتر ویلسن ( Doctor Wilson ) عبارت لطیفی در یکی از « ارتیکل » ها بخود درباره معاهده « یونسدام » مضمون ذیل را می نویسد :-

اگر کسی بخواید عقیده اش نسبت بحکومتهاى اجنبیه ثابت و برقرار بماند باید همیشه درباره ایشان بدگان باشد زیرا که زبان سیاسی که آنها استعمال میکنند برای این ایجاد شده که خیالات مستعملین را کشف نماید و هیچ گیاهی هم در فهمیدن معانی عبارات

آن بما کمک نخواهد نمود \*

گویا این تاویل نا پسندید که سر ادوارد کوری بر حسب خواهش روس در تابستان ۱۹۱۱ از عبارت بسیار ساده و مواد واضح معاهده انگلیس و روس نمود قبل از وقت در خاطر آن چیز نویس خطور کرده بود \*

و اما حصه راجعه بخودم : در موقعیکه معاهده مزبوره بین انگلیس و روس مرتب و مضاه شده بود من هیچ يك از وسائل ممکنه را ترك و فرو گذار نکردم که حقیقت « معنی و مقصود ایشان را بفهمم که چه بوده است » \*

در نطقی که در بیست و نهم ژانویه ۱۹۱۲ ( هشتم صفر ۱۳۳۰ ) در تحت حمایت « کینی » ( انجمن ) ایرانیان در لندن نمودم فقرات ذیل را بیان کردم :- اگر چه در این موقع قصد نداشتم که در این موضوع بحث و گفتگو عمایم لکن برای دفاع از انهام بقصور بکه نسبت بمن داده شده میگویم اعم از اینکه نسبتهای مزبوره بجا یا صرف انهام بوده و یا اینکه در مباحثات راجعه ایران من بحق یا باطل بوده ام از همه اینها گذشته این مسلم است که از آن زیرکی مخصوصیکه ملتفت بشوم که مقصود از عبارات آن معاهده بر خلاف معانی است که از آنها استنباط میشود من عاری بوده و نمیدانستم که معاهدات دیپلماتی بعضی اوقات دستور العملهای سری ( مفتاح رمز ) دارد که باید بدان وسیله کشف و معلوم شود پس اگر این فرض صحیح باشد باید در این معامله به بیعلمی خود اعتراف کنم دولتی که توقع داشتند که از معاهدات موثقه آنان معانی استنباط کنم که از عبارات مستعمله آن مستفاد نمیشد پس بر آنها لازم بود که از رموز معبوره بین خود نشان و از طرز تعبیراتی که کرده اند مرا مطلع نمایند ولی چنین نکردند پس از زمان کی مابین من و وزیر مختاران انگلیس و روس طرح دوستی واقع شد و بلا حظه اینکه سردمان باشرف و وجدان و دارای خیالات عالیه عدالت خواهی بودند رعایت احترام ایشان را مینمودم در این معامله چیزی بیش از این نمیتوانم بگویم که از زمان ورود بایران تا وقتیکه از اینجا خارج شدم يك کلمه نامتناسب یا مباحثه نامطبوعی بین من و ایشان واقع نشده و هیچگاه مخالفت سخنی هم بینمان پیش نیامده غیر از این هیچ امری بین ما واقع نشد ایشان در طهران و وزراء مختار بودند در مباحثه با وزیر مختارها و اخذ نتیجه اگر اقدام با امری خارج از مال اندیشی کرده بودم باید خود را مقصر بدانم و اگر در پیش آمد اموریکه در آن زمان در ایران شده و یا واقع شدنی بود از طرف من بی

احتیاطی سرزده بود تمام اهل عالم با اقلای اتباع همان دولی که در آن پیش آمدها شریک بودند مطلع شده و در اینصورت هم خود را مقصر بدانم پس از آنکه با نمایندگان منتخبه ایران مشورت نمودم که کشته شدن خود را در معبر تنگ تاریکی بر وقوع آن امر در ملاء عام ترجیح میدهند و ایشان هم شق ثانی را پسندیده و اختیار نمودند کردم آنچه را که کردم \*

آن روز نامه مشهور که زبان و آله معروف اجراء مقاصد وزارت خارجه انگلیس است یعنی تمس لندن در لوائح متعدده از من تنقید نمود مخصوصاً در یکی از آن لوائح که دو روز بعد از آن نطق درج کرده و نوشته بود که من متوقع بوده ام تدابیری که برای نظم و ترتیب مالیه ایران وضع و مجرا داشته بودم انگلیس و روس بطور یقین و اطمینان قبول کرده و به یزیرند « بدون ملاحظه صرفه و رعایت فوائد خود » \*

معنی ساده این تنقید اینست که در تدابیر و قانون مالیه که وضع نموده و اجراء داشته بودم چیزی بوده که ضرری بمنافع انگلیس یا باغراض روس در ایران داشته و یا خواهد داشت یکی دو روز بعد از آن روز نامه نامی توانستم خواهش تمام که توضیح دهد که کدام یکی از تدابیر مالیه که تقدیم نموده بودم بکدام صرفه و اغراض انگلیس و روس ضرر رسانیده و یا خواهد رسانید تا عموم مردم از روی تحقیق بدانند ولی تاکنون هیچیک از آن اغراض را معین نکرده است از سکوت تمس یکی از ذو شقی را میتوان تصور نمود: یکی آنکه هیچ اغراض و منافی در بین نبوده که از قانون و تدابیر من متضرر شده باشد دیگر آنکه اگر بالفرض اغراضی در بین بوده از آن قبیل است که افشایش ممکن نیست حقیقت واقع اینست که هیچ عبارت با کلمه در قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ مالیه ایران نبوده که ضرر و نقصانی باغراض جائزه و حقه هیچ یک از دول اجنبیه رسانیده و یا برساند بلکه بالعکس از وضع و اجراء آن قانون بدون شبهه فوائد و اغراض حقه دولتین انگلیس و روس یا دولت خارجه دیگر که با سلطنت ایران رابطه داشتند محفوظ شده و بصرفه و صلاح حال آنان منوط و مربوط بود \*

بهر حال روز نامه مزبور فقط پرتو و انعکاس خیالات مدیر آنست چنانچه اثبات اینست از جمله مندرجه ذیل که از « آرتیکل » های آن روز نامه است بخوبی ثابت و واضح میشود: « این امر هرگز بخاطر او ( یعنی من ) خطوط نکرد تا وقتی که ملتفت شد که نظارت دلخواه سختش در امور مالیه شاید نا پسند و غیر مطلوب دولی باشد که در

ایران اغراض مخصوصه دارند » مکرر این مسئله در پیش چشم من مجسم شده و بنظر من جلوه نمود که ای این اغراض مخصوصه که مکرر ذکر شده و هرگز مشخص نخواهد شد کدام است؟ و در غیر از عبارت معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس در کجا توضیح شده است؟ این ( ابهام و عدم وضوح و سکوت تمس ) ما را به نکته اصلی که محل بحث میباشد موصل است و آن این است که آیا حقیقه مفاد قانونیکه از طرف من مجرا شده بود و یا شرایط و جزئیاتش با معاهده مزبوره منافاتی داشته و با باصطلاح طبقه مخصوصی از دیپلماتها منشاء اصلی عهدنامه را نقض کرده است؟ و اگر هم مسلم بدانیم که هیچ مقاصد و اغراضی از معنی صریح و عبارت ساده آن عهد نامه مستنبط نمیشود پس دولت ایران و یا هر یک از صاحب منصبان و مامور بنش چه یومی و چه بیگانه بهدایت کدام روشنائی میتوانند آنرا استنباط نمایند ولی تا حدیکه خودم میتوانم تصور تمام همین قدر میتوانم بگویم که پس از چندین مرتبه که آن عهد نامه را با احتیاط و دقت تمام خوانده و کتابهای آبی عصر حاضر آنزمان وزارت خارجه را راجع باین بحث مطالعه نمودم فقط يك ماخذ اطلاعاتی راجع بمعنی حقیقی آن عهد نامه بدست آوردم که برای آئینه ملت ایران خیلی اهمیت دارد و آن سواد مراسله است که پروفیسر برون در صفحه ۱۹۰ کتاب با شکوه خود که در شرح وقایع « رولسیون » ایران از سنه ۱۹۰۵ تا سنه ۱۹۰۹ نوشته درج است سواد مزبور سواد مراسله است که سرسی سیل اسپرینک رییس وزیر مختار انگلیس مقیم طهران پنجم سبتمبر ۱۹۰۷ ( بیست و هشتم رجب ۱۳۲۵ ) بوزار خارجه ایران نوشته بود \*

تا درجه که من فهمیدم این مراسله مراسله بسیار مهم و مطلوبی است که در آن زمان نوشته شده و تا کنون هم یگانه توضیح رسمی مشروحو از غرض و مقصد اصلی معاهده انگلیس و روس میباشد ( ترجمه مراسله مزبوره در مقدمه گذشت ) چون این مراسله در کتاب معتبری مثل کتاب پروفیسر برون درج شده عموم مردم اثر عمل اعتقاد دانسته و شاید هم فرض بکنند که مقصود حقیقی دولتین از انعقاد آن معاهده راجعه باینست که چند روز قبل از آن امضاء شده بود همان « اغراضی » است که از ظاهر آن مستفاد میشود ولی چیزی که صحیح است این است که سواد آن مراسله را در کتاب آبی وزارت خارجه انگلیس نیافتم و چیزی که محل شبهه و تردید نیست این است که پس از آنکه مراسله سرسی سیل اسپرینک رییس را بدقت و احتیاط تمام ملاحظه نمودم حقیقه تا حد

وسعی بن اطمینان و ابقان داد که اغراض حقیقی آندو دولت در ایران همان مفاد است که طبعاً و بالضراحت از عبارات خود آن معاهده ظاهر میشود نه اغراض بعیده غیر مکشوفه (نیش غولی) دیگر \*

در ژانویه ۱۹۱۱ یعنی قبل از آنکه از ممالک متحده امریکا بایران مسافرت تمام همین قدر بدرجه لیاقت خود توانستم بواسطه آن توضیح مفصل رسانه از مقصد و غرض اصلی عهد نامه ۱۹۰۷ انگلیس و روس و متعاهدین مشهور آن اطلاع حاصل تمام با وجود سعی و کوششهاییکه با نیت و قلب صاف خود نمودم که از کلیه اوضاع پلتیکی ایران مطلع شوم چندین مرتبه مرا ملزم و مقصر نمودند که بواسطه خطای در عجله خود را دو چار موقع نازک و مشکلات گردانیده سعی نکردم که کماهی اهمیت موقع را بشناسم و یا اینکه از مقصد اصلی معاهده انگلیس و روس مطلع نبوده و عمداً تجاهل نموده ام باری باین نمونه و از این قبیل بیانات بسیار معتبر در مجلس عمومی انگلستان بن نسبت داده بودند \*

با وجود همه این اعتراضات چهاردهم دسمبر ۱۹۱۱ (بیست و دوم ذیحجه ۱۳۲۹) وزیر خارجه انگلستان در جواب سئوالیکه یکی از وکلاء پارلمنت نموده بود اظهار داشت که از مراسله مذکوره که سر سیسل اسپرنک رئیس بدولت ایران نوشته بکلی بی اطلاع بوده و ابتدا ندیده است در صورتیکه چند دقیقه قبلاًش همان وکیل قسمتی از عبارت آن را خواند بود روز بعد یکی از وکلاء «پارلمنت» مکتوبی بوزیر خارجه فرستاد بانضمام بکقطعه عکس اصل آن مراسله که سر سیسل اسپرنک رئیس بقارسی نوشته و در پنجم سبتمبر ۱۹۰۷ (بیست و هشتم رجب ۱۳۲۵) بوزارت خارجه ایران فرستاده بود وزارت خارجه تقریباً بدین مضمون جواب داد که وزارت خارجه انگلیس ابتدا از این مراسله اطلاع نداشته و ندارد شش هفته بعد از آن تاریخ یعنی اول فوریه ۱۹۱۲ (یازدهم صفر ۱۳۳۰) همان وزارت خارجه بهمان وکیل نوشته و اظهار داشت که مضمون انگلیسی مراسله سر سیسل اسپرنک رئیس اکنون بوزارت خارجه رسیده و ترجمه آن را که پروفیسر بروک بانگلیسی نوشته و در کتابش درج است بکلی صحیح و مطابق با اصل میباشد (۱) \*

و تیکه اعضاء وزارت خارجه انگلیس مشغول بترتیب اتهام من بودند که از مقصد اصلی

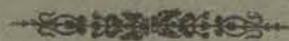
(۱) نظیر این بی پروائی و بی احتیاطی آشکار با غفلت عمدی رسانه وزارت خارجه

انگلیس در معامله استوکس هم واقع شد \*

معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس بی خبری باشم از چند ماه قبلش از خیال آن اظهار رسانه مهم دولتمند انگلیس و روس که وزیر مختار دولت انگلیس مشغول بترتیب مقدمانش بود مسبوق و مطلع بودم در موقعیکه صاحب منصبان وزارت خارجه انگلیس مرا به بی علمی و غفلت منم نموده بودند در همانوقت خودشان از وجود همچو مراسله معتبریکه حال بنظرشان رسیده غافل بودند اعضاء اداره دولتی که در امور مهم و سیاسیات دقیق خود بدین قسم سهو و خطا نسبت بخود روا دانسته و باین نمونه اقدام بامور معظم نمایند آیا ممکنست که بهمیندرجه از حقیقت وقابلیکه در زمان اشتغال من بنظم و ترتیب امور مالیه ایران اتفاق افتاد بی اطلاع باشند حقیقه این اداره دولت انگلیس در مساعدت و اتعاق فوری با خواهشهای دولتروس در عزل و انفصال من از شغل خزانه داری کل هیچ نکته را پس و پیش نموده و از خود تصرفی نکرد \*

انگلیس و روس راضی نبوده و تاکنون هم راضی نمیشوند که مقصد و اغراض متناسبه خود را در ایران معین نمایند آیا ان اغراض چه میباشد که بایشان حق و اجازه داده است که نظم دولت ایران با یکی از مامورینش را در امور داخلی حقیقی مملکتشان تصویب و یا بقوه جبری از امری که مخالف با خیالانشان باشد منع نمایند هرگز ممکن نخواهد بود که اینگونه تصرفات و مداخلات را بغیر از حکومت و فرمانروائی ایشان یا امارت فرض کردن سلطنت ایران بپذیرد بجز تعبیر و حمل نمود و الا این اقدامات چگونه با مقدمه عهد نامه انگلیس و روس با توضیح رسمیکه سر سیسل اسپرنک رئیس از آن عهد نامه نموده است موافقت خواهد داشت \*

در بیان اقدامات وطن پرستانه مامورین دولت انگلیس راجع بامور جدید ایران همین قدر کافی است که هیچ خیالی واضح تر و بیشتر از چند آرنیکل روزنامه «نشن» (Nation) ملی دیده نشد این روزنامه اگر چه تمام عظمت و اعتبار نیم رسمی من را دارا نیست ولی بملاحظه اینکه روزنامه «لیبرال» است از حیث عبارت دارای مقام رفیعی است (دو فقره از آن آرنیکل ها در ضمیمه ردیف حرف (و) مندرج است) \*



— «\*» باب یازدهم «\*» —

طریقه وصول مالیات در ایران نقشه خود برای اصلاح و نظم امور مالیه ترقیات ممکنه و تکمیل راه آهن ثروت طبیعی و منبع اصلی ثروت \*

امروزه طریقه وصول مالیات در ایران بهمان سبک و تیره از منته سالقه انجلی میباشد اصل مأخذ و بنیاد مالیات اراضی مزروعی عشر حاصل آن میباشد تمام مالیات نقدی نیست بلکه قسمت عمده آن جنسی است یعنی دولت در عوض عشر مالیاتی خود از رعایا و ملاکین اجناس را از قبیل گندم و جو و کاه و پنجه و برنج و سایر محصولات زراعتی قبول میکند از این طریقه مندرسه اشکال بزرگی در ضبط محاسبات مالیات بلوکات و قصبات و دهات تولید گردیده و دولت بکلی از مأخذ کل صحیح مالیات هر محل که در عرض سال چه باید وصول شود بی اطلاع صرف میشود علاوه بر این وقتیکه دولت مالیات جنسی محلی را بتوسط صد ها پیشکاران مالیه و محصلین دیوانی وصول نمود رسم است که باید خود دولت وسائل حمل و نقل آن اجناس را به ابارهای مراکز مخصوصه فراهم بیاورد و بعد از آنکه آن اجناس را ذخیره نمود تبدیل بنقد کرده (یعنی بفروشد) و یا بمصرف مخارج جنسی دولتی بپردازد \*

در ایران هیچگاه دفتر محاسبات مالیاتی وجود نداشت که بشود اطلاع کاملی و لو غیر صحیح هم باشد از مأخذ کل عایدات داخلی حاصل نموده و دولت بتواند بر آن اعتماد نماید ایران برای سهولت وصول مالیات بهفده یا هیجده ولایت و ایالت منقسم است و در هر یکی از آن حصص شهر یا قصبه بزرگ است که مرکز حکومتی آن ولایت بشمار است مثلاً ایالت آذربایجان که خطه بسیار معظم و زرخیزترین قطعات آن مملکت است معروف بود که مالیات نقدی و جنسی سالانه آن صفا که بحکومت مرکزی یعنی باداره مالیه طهران می پردازد موازی يك ملیون تومان که معادل باهمصد هزار «دار» است میباشد در زمان استخدام در ایران در آن ایالت یعنی در شهر تبریز که مقر حکومت ایالت مزبور و دوم شهر معظم مملکت بشمار است یک نفر پیشکار مالیه بود آن ایالت بقسمت و قطعات کوچکی منقسم میشود که در هر يك از آنها يك نایب پیشکار (مامور مالیه جزیه) میباشد

و هر یکی باز آن قطعات هم اسبت بوسعتش بقسمتهای کوچکتر منقسم و در هر یک نفر مأمور مالیه میباشد مالیات آن حصص و قطعات کوچک صنف سوم بتوسط کدخدایان محلی آن قصبات و دهات وصول میشد مثلاً وظیفه پیشکار یا رئیس مالیه تبریز منحصر باین بود که همه ساله مبلغ معینی نقد و مقدار مشخصی جنس از قبیل گندم و جو و کاه و سایر اجناس مالیاتی جمع کرده و بطور امانت برای ریاست مالیه طهران نگاهدارد ریاست مرکزی از مأخذ و محلها اینکه باید مالیات وصول شود اطلاع کاملی نداشت بجز تصور موهومی که در اذهان مستوفیان یعنی محاسبین دولتی طهران بود ایشان مسبق بودند که مثلاً چه مبلغ از کدام حصه از فلان ایالت باید وصول شود روابط رئیس مرکزی در طهران با مالیات دهندگان آذربایجان بتوسط همان پیشکار مالیه تبریز بود و پیشکار میدانست که از مأمور مالیه هر قسمتی چه قدر نقد و جنس باید وصول شود ولی خود آن پیشکار هم از مأخذ و محلها اینکه مأمورین جزیه مالیات وصول میکردند اطلاع کامل تحقیقی نداشت مثلاً پیشکار مالیه تبریز دفتری برای خود داشت که آن را کتابچه یا دستور العمل می نامیدند و هر مأمور جزئی هم ناوقتیکه مأمور بود کتابچه مخصوصی راجع بیزان مالیات ابواب جمعی خود داشت آن کتابچه بوضع مخصوص ایران بر پارچه های کاغذ کوچک و بدون جلد نوشته شده بود که بسهولت آنها را میتوان در جیب حمل نمود آن کتابچه (فرد) ها را بشکل مخصوصی نوشته که مشکل بلکه محال بود که هر ایرانی هم آن را بفهمد \*

از نسلا و از منته سالفه مردمانی در ایران میباشد که آنها را مستوفی میخوانند پیشه و شغل اکثر آنها ارثی است که از پدر به پسر رسیده است آنها از وضع این کتابچه مسبق و از طریقه پیچیده و درهمی که مالیات هر محل بتوسط آن حساب یا وصول میشد مطلع بودند هر یکی از پیشکاران یا مأمورین جزیه کتابچه های مالیاتی نقاط ابواب جمعی خود شان را ملك طلق خود میدانست نه متعلق بدولت اگر کسی میخواست از تفصیل آن کتابچه مسبق شود یا بداند که مالیات هر محل چقدر وصول شده و چقدر آن را برای خود ذخیره و پس نهاد نموده اند مستوفیان مزبور متغیر و غصبناك میشدند وقتیکه وارد طهران شدم در وزارت مالیه شعبه دینم موسوم بدفتر استیفای بزرگ (محاسبی کل) در اینجا هفت یا هشت نفر مستخدمین محترم بودند که هر یکی از ایشان محاسبات مالیه يك بادو ولایت و ایالت سپرده شده بود شغل ایشان منحصر بود باینکه مواظب پیشکاران و

مامورین مالیه قسمت ابوابی جمعی خودشان باشند که ایشان از فرائض خود غفلت نورزیده و نقود را که ریاست مرکزی متناظر و متوقع وصول بود وصول نموده و بحساب ریاست کل بیاورند. انصاحب منصبان محترم بواسطه اطلاع مخصوصیکه از طریق پیچیده مالیات مملکت دارا بودند بالنسبه بسایرین در خدمت مرجوعه شان دوامی داشتند از اول و هله و زود مارا که راههای مداخل بیغل و غششانرا تهدید میکرد مغل با تقلبات و حیل های خودی پنداشتند. مواجب ایشان بالنسبه به مسئولینشان بسیار کم بود مستوفی که در طهران بیشتر از همه مواجب داشت ماهی یکصد و سی و پنج «دالر» ( صد و پنجاه تومان ) میگرفت اگر بگویم ثروت و دولتی که هر يك از ایشان در ظرف چند سال جمع و ذخیره کرده بودند پس انداز مواجبشان نبوده از حقیقت پر دور نخواهیم بود سلوکشان با من گستاخانه و جسورانه بوده و از دادن هر قسم اطلاعی از خدمات خود بکلی نداشتی و امتناع داشتند از همانوزیکه قانون سیزدهم ژون امضاء و تصویب شد ایشانرا از آن نظارت اسی که در افعال و اعمال پیشکاران مالیه تمام مملکت داشتند خلع و منفصل نمودم و به پیشکاران ولایات بتوسط تلگرافهای متحد المال که بامضاء رئیس الوزراء و کاتبیه بود عزل ان مدیرها را اطلاع داده و مستقیماً برایشان دستور العمل فرستادم که کاتبیه پیشکاران باید طرف راپورت و محاسبه و مسئولیت خود را اداره خزانه تازه تشکیل شده شناخته و از مرکز کسب تکلیف نمایند. ائستوفی و مدیران محترم را باین قسم بحال خودشان واگذاردم که با کاتبیه و فرد های خویش بازی کرده و در خطایای خود دقت و تأمل نمایند اگر چه بسیاری از شعب و دوائر مالیه بواسطه خلع ایشان معطل و بیکار شده بود ولی مدیران مشارالیه را بکلی از مالیه خارج نموده و به آنها اجازه داده بودم که در همانجا بمانند تا براه راست مایل شده و از خیالات کج و معوج خود منصرف شوند نقشه عمومی برای تجدید و ترتیب عاجل مالیات حصص و قطعات در نظر داشتم که ماخذ یعنی بدست آورده و قانون ساده مالیاتی داخلی ترتیب داده بچلیس تقدیم نمایم هنوز در این رشته اقدام صحیحی نموده بودم که ورود شاه مخلوع و تدارکات نظامی چهار ماهه و پریشانی اموریکه از نتیجه ان مسلسلاً بظهور پیوست و وقوع وقایع سیاسی که منتهی بمراجعتم از ایران شد بعرض وقوع آمد \*

مسلم است که ریاست مرکزی مالیه ایران از مالیاتی که باید وصول شود و مقدار متناسبه و تقسیم معتدلانه بین رعایا اطلاع درستی نداشت برای پیشکاران مالیه هیچ

چیز اسانتر از این نبود که بگویند ( چنانچه پیشکار مالیه تیریز در تمام مدت اقامتم در طهران همیشه میگفت ) که بسبب اغتشاش و اضطراب حالت ولایات و ابالات غیر ممکن است که مالیات وصول شود و بواسطه این بند از نادیه مبلغ مالیات تسامح میوزر بدند ریاست مرکزیهم با اینکه بی حقیقی ان بهانه ها را بخوبی ملتفت شده و میدانست که قسمتی از مالیات اقلأ وصول شده چاره بغير از این نداشت که ایشان را عزل یا حبس نموده و یا معاذیر شان را بپذیرد \*

خیال من این بود که بتدریج از ولایات معظم شروع نموده و در مرکز هر يك خزانه جزئی در تحت ریاست یک نفر مامور امریکائی یا اروپائی تشکیل نمایم و در هر ولایتی یک نفر ناظر ( مفتش ) سیار اروپائی بصحابت چند نفر اجزاء ایرانی و يك صاحب منصب اروپائی بسر کردگی عده ژاندارمه خزانه معین کنم که خزانه دار جز ان ولایت را در وصول مالیات امداد و معاونت نمایند و خزانه داران جزء علاوه بر وصول مالیات از محل و نادیه ان بجزانته دار کل از ماخذ و مرهای مختلفه مالیات ولایات و نقاط ابوابی همیشگان و تخمین کلیه نفوس و محصولات و صنایع بالفعلی و بالقوه ان محل اطلاع کامل حاصل نمایند و در صورت امکان کتابچه و دستور العملهاییکه در ضبط و تصرف مامورین جزء بوده برای پایه و بنیاد نظم عمومی کلی بجهت تعیین میزان لازمه مالیه بدست بیاورند شاید برای این کاریکی دو سال وقت لازم بود ولی تا درجه که متعلق بایران بود هیچ مانع مشکلی در تکمیل این نقشه بخاطرم نمیرسد \*

یکی از نواقص بزرگی که در طریق وصول مالیات بود این بود که غالب ان کتابچهها کهنه و قدیمی و از يك نسل قبل مرئب شده بود ( یعنی متناسبی با حالت حاضر نداشت ) و نمیشد آنها را ماخذ و بنیاد صحیحی برای وصول مالیات قرار داد در زمان ترتیب کتابچههای مربوطه بسیاری از قراه و دهات بوده که معمور و دارای عده نفوس بسیاری بوده اند ولی اکنون بکلی ویران و رعایای ان بخصص و قطعات دیگر متفرق و پراکنده شده اند \*

و همچنین از بعضی از دهات که سابقاً هزار نفر یا بیشتر عده نفوس داشته ولی حالیه دو بیست یا سیصد نفر رعیت بیشتر ندارد همان مالیات رعایای سابقاً که سه چهار برابر جمعیت حالیه بوده میگرفتند و بالعکس آبادی که در زمان ترتیب کتابچهها دارای قلیل نفوسی سکنه بوده و اکنون ترقی و وسعت فوق العاده یافته همان مالیات سابق را بجزانته

مرکزی می پرداختند. بملاحظه اینکه در کتایب و ریاست مرکزی همان قدر ثبت و منظور شده بود و حال آنکه مأمورین جزء از فرد فرد رعایا مالیات لازمه کامل را وصول می نمودند ولی با این حال کتایبها بهمان حال سابق مانده و تغییری نیافته بود \*

یکی از قوانین اولیه که در زمان تشکیل خزانه حجرا داشتیم این بود که قرار دادم تمام معاملات نقدی مالیه و قبض و اقباض آن توسط بانک شاهنشاهی ایران یا بانک معتبر دیگر انجام گیرد و چون بانک شاهنشاهی در هر یکی از شهرهای بزرگ شعبه داشت با رئیس کل آن قرار دادم که پیشکاران کلیه مالیات نقدی که وصول میکنند تحویل بانک محلی داده و بتوسط همان شعب تلگرافاً برات بزرگ نموده و بجمع حساب خزانه دار کل آورده شود و همچنین جمیع مخارج دولتی بر عنوان که باشد بتوسط چک حواله بانک پرداخته شود. معاملات نقدی با خزانه چه دادن و چه گرفتن بکلی ممنوع و متروک شود و بدین طریق محاسبات تصفیه و واضح و جمع و خرج خزانه ایران در خارج مرتب و برقرار گردد ادارات دیگر مانند وزارت پست و تلگراف و اداره تذکره و وزارت خارجه و گمرکاتهم با اینکه در تحت نظارت مطلقه خزانه دار بودند مقرر داشتیم که عایدات خودشان را مستقیماً تحویل بانک نموده و قبض رسید آنرا عوض نقدی بخرج خزانه بیاورند \*

ولی بزودی ملتفت شدم که غالب پیشکاران مالیه ایالات با اینکه اظهار کمال اتفاق و مساعدت با قوانین خزانه داری کردند مالیات ابوابجمعی خودشان را بطوریکه مقرر داشته بودم بیآنکه تغییر مستنادند بملاحظه همان مثل عمومی که (بول را نباید از دست داد) یا (هرچه بادا باد) تقود موجوده خودشانرا تا مجبور بتأدیه نمیشدند نمی پرداختند معزول کردن یکی دو نفر مشهور و متنفذ از متعزذین و اطلاع سایرین از عزل و نتیجه تخلف ایشان اثر بسیار مطلوبی بخشید با وجود بی نظمی و اغتشاشیکه بواسطه شهرت خیر مراجعت شاه مخلوع تمام ملکاترا فرا گرفته و اضطرابهای محلی که از یکسال قبل از ورود ما در غالب نقاط ایران خاصه در ایالات بزرگ فارس که واقع در جنوبست شیوع داشت مالیات شروع به آمدن گذارد در تمام مدتی که من خزانه دار بودم ایالت اذربایجان بواسطه ورود بی در بی قشون روس و بسبب طغیان و یانگی گری شاهسوندها نظر باطمینان و پشت گرمی رئیسشان بروحها دوچار همین انقلابات بوده و بقدر يك «دالر» (معادل با یازده قران و کسری بول ایران) از مالیات محل عاید خزانه طهران نشد بلکه بعکس خزانه مرکزی برای عود امنیت مبلغ گرانی برای افواج

نظامی و پلیس آن محل داد \*

پس از تشکیل خزانه ملتفت شدم که با کثرت مأمورین وصول مالیات مبلغ نا قابلی موجب میدهند. آنهم برای اسم راضی بودن مأمورین بچنین حقوق غیر معنایی در مقابل مجموع مسئولیت بزرگی دلیل قاطع و واضحی بود بر اینکه از طرق دیگر معاوضه کافی زحماتشان بایشان میرسید. برای هر يك از آنها مواجب و حقوق کافی بتناسب عظمت و اهمیت عملهای ابوابجمعیشان معین نموده و صراحتاً آنها را آگاهانیدم که باقی بودن بر خدمت و رسیدن باخافه مواجب آینده موقوف بصحت عملشان میباشد که در وصول و ایصال مالیات بعارض ظهور رسانند. اگر چه بواسطه علل و اسباب خارجی نتیجه مطلوبه بدست نیامد ولی با اینکه تمام مملکت گرفتار خانه جنگی بود خزانه در ظرف پنج ماه بیشتر از سال پیشش یعنی قبل از ورود ما مالیات وصول نمود \*

مسئله وصول و نگاهداری اجناس مالیاتی مثل گندم و جو و کاه و پنبه و بعضی زراعتی دیگر که دولت وصول میکرد اشکالش بیشتر بود. سابق اینگونه مالیات از قصبات کوچک و نقاطیکه از مراکز ولایتی یا ایالتی کما بیش دور دست واقع شده بودند اصلاً وصول نشده و از قبضه چیزهای عاید خزانه نمیگردید بواسطه اینکه محصولات مزبوره بچند دست میکشت تا بخرانه مرکزی یا ولایتی و ایالتی برسد در صورتیکه در چنین حالت اغتشاشی پیشرفت کار (حمل و نقل و فروختن آن اجناس) محال بود مگر در همان امکه که صدها میل با طهران فاصله داشت و اگر هم چند «تن» گندم یا کاه و غیر آن بالاخره بمرکز ولایتی میرسید حمل و نقل عینش مثل بول بتوسط تلگراف بپهران ممکن نبود (۱) و اگر هم بطور مزایده (حراج) فروخته میشد بجزء از قیمت اصلیش عاید نمیکشت بدون شبهه یکی از تقلبات حکام یا مأمورین مالیه در ازمنه سالفه وصول و مبادله این قبیل اجناس بلوکات بوده. نظائر این امر را بن نشان داده بودند که مأمورین مالیه از فروش متقلباته مالیات جنسی در یکر و ز یا يك معامله بیشتر از چند هزار «دالر» منتفع شده بودند \*

وقتیکه در اواخر پائیز ۱۹۱۱ (تقریباً برج عقرب و قوس ۱۸۳۳ شمسی ۱۳۲۹ قمری) شروع بجمع آوری غلات و تحویل گرفتن سایر اجناس مالیاتی نمودم که در زستان نوبت نان را تا درجه منظم نگاهدارم ملتفت شدم که دست زدن به انکار چقدر مشکل میباشد

(۱) «تن» ما دل با سیصد و هجده من و سه چارک بوزن تبریز است - مترجم \*

فقط بتدابیر عملی فوق العاده توانستم پنج شش هزار «تن» (معادل با پانزده هزار ونهصد و سی هفت خروار و پنجاه من یا نوزده هزار و یکصد و بیست و پنج خروار) بگدم و جو جمع کنم \*

تمام عایدات داخلی مثل مالیات اراضی و عوارض بلدیة محلی و عایدات اراضی خالصه دولتی و صنایع و معادن و حرف و غیره جزء مالیات محسوب میشد این قسم مالیه شبیه مالیات «نولفاکس» (سرشاری) بود علاوه بر این عوارضی از عمل آوردن و فروختن تریاک و پوست بره و زرده گوسفند میگرفتند و خراج بسیاری از مشروبات و مسکرات عاید دولت ایران میگردد اگر چه بدون شبهه استعمال مسکرات در مذهب اسلام حرام و ممنوع بوده و تعیین آن از طرف دولت مستقیماً و با بامتنان و رضی آن نبود ولی واقع و حقیقت امر ایست که اداره مرکزی این قبیل عوارض را نظر بدو حکمت تعیین و وصول مینمود یکی محدود نمودن استعمال آن و دیگر ایصال عایدات غیر مستقیمه بدولت \* علاوه بر مالیاتهای مذکوره فوق بلك انتفاع دیگر دولت ایران از مجرای عایدات گمرکی بود و مقدار قابلی از اداره پست و تلگراف و مبلغ مختصری هم از اداره تذکره و وزارت خارجه عاید خزانه دولت میگردد \*

ادارت گمرکی ایران در تحت ریاست تقریباً بیست و هفت نفر صاحب و هیجان بلجیکی است که رئیس کل آنها مشیو مورارد بود و در طهران اقامت داشت بمقتضای معاونتین متعدد دیگرش این اداره قسمتی از عایدات تذکره را بتوسط اجزاء خود در سرحدات نیز وصول مینمود عایدات گمرکی در سنه ایت اهل غمرکی که تقریباً مطابق سنه ۱۹۲۰ بود قریب سه میلیون و چهار صد هزار تومان بود (قیمت تومان اگر چه بواسطه نرنجهای مختلفه با زار تغییر پذیر ولی غالباً مساوی با نود سانت یعنی نه عشر «دالر» امریکایی بود) و در دو سال قبل یعنی سنه ۱۹۰۹ و ۱۹۰۸ (تقریباً دو سال ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷) سه میلیون و یکصد و هشتاد و پنج هزار و سال دیگرش دو میلیون و هفتصد و سی و سه هزار تومان بود بهر حال تمام محل عایدات مزبوره بموجب فراداد استقراض از دولتن پیش آنها بسخت وثیقه کرو بود تا بعد از اختتام و تادیه اقساط استهلاك انقضه (بک میلیون و دو بیست و پنجاه هزار لیره بانک شاهنشاهی) کترین وجهی که لازم بود سالانه بمصرف تادیه سود و قسط استهلاك طلب دولتن برسد معادل دو میلیون و هشتصد و سی و دو هزار تومان بود \*

چون اقساط استهلاك قرض بانک شاهنشاهی تا پنج سال شروع نشد در عرض این مدت سالی سی و یک هزار تومان از سود و اقساط استهلاك قرض دولتن کتر پرداخته شد اگر بزرگترین عایدات کمرکات را که در این سنوات اخیر وصول میشده بنیاد و مأخذ عایدات سنوات بعد قرار دهیم دولت ایران از این عمر مهم و مجرای معظم اید سالانه متوقع بیشتر از پانصد و شصت و هشت هزار تومان عایدی نباشد و بر حسب شروط استقراضیکه در سنه ۱۹۱۰ از دولت روس نموده بودند این مبلغ فاضل تا مدت ششماه باید در بانک «دیسکونت» استقراضی که شعبه بانک دولتی روس در طهرانست بنامد بانک مزبور فقط سالی دو مرتبه برای تادیه مطالبات دولت ایران حاضر بود \*

علاوه بر این باید تادیه سود و قسط استهلاك قرض روس هم بنات بشود و اختیار تعیین نرخ منات هم برای تنزیل هر ماه با بانک بود که هر ماهه نرخ تبدیل تومانیهای ایران را که از محل کمرکات وصول نموده بنات تعیین نماید (۱) اگر بگوئیم بانک روس بموجب استحقاقیکه بموجب فراداد آن استقراض برای خود معین نموده سعی و کوشش میکرد که از آن تبدیل و محاسبه تنزیل ضرر و نقصان نبرده باشد شاید غلط نگفته باشیم \* یکی از مصارف و مخارج معینه دیگر که باید از محل فوق یعنی از عایدات گمرکی در

ایران پرداخته شود مخارج برقرار داشتن بریگاد و مواجب قزاقها بود زمانیکه در طهران بودم کلیه مخارج قزاق خانه معادل با سی هزار تومان ماهانه میشد علاوه بر مبلغ غیر معینی که کرنل آن بریگاد یا سفارت روس باسم مخارج فوق العاده یا برای تجهیز قشون و لشکر کشی از دولت ایران مطالبه مینمودند مطالبات فوق العاده مزبوره در ظرف یکسال بیشتر از هفتاد هزار تومان شده بود آن هیئت نظامی مشهور از سنه ۱۸۸۲ (تقریباً از سنه ۱۲۹۹ هجری) در عهد سلطنت ناصرالدین شاه در تحت مشاقتی کرنل چار کوسکی روسی تشکیل شده بود کرنل مزبور را اداره نظامی قفقاز باین خدمت مأمور و معین کرده و چند نفر صاحب منصب «کیشن» و «نان کیشن» روسی هم معاونت کرنل موصوف معین شده بودند غرض ناصرالدین شاه با مستشاران و مصلحت بینان روسیست از تشکیل اینطرز قشون خارجه بدون شبهه این بود که او را از حرکات و اقدامات متفرانه و عمقانه رعایای بسیار مظلومش که حقاً واقع شدنی بود حفظ نماید بریگادیکه

(۱) «منات» روسی یا «روبل» باختلاف نرخ اوقات مختلفه بین پنجاهتومان و نیم تا تقریباً شش تمان ایران و معادل با یک و نیم و نه الی دوازده آنه کورننت می باشد مترجم \*

باین نیت و قصد مبشوم تشکیل شده بود چند مرتبه لیاقت خود را بهمین معیار بمعرض ظهور رسانید و همیشه بزرگترین «آنتریک» کننده و مجری مظالم روسها در ایران بوده چنانچه اکنون هم میباشد معروف بود که «بریگاد» مزبور مشتمل بر هزار و ششصد با هفتصد نفر میباشد و مابقی هم که برای بقای این «بریگاد» بمصرف می رسید بهترین دلیلی بر کثرت عددشان بود ولی تازه آنیکه من در ایران بودم با مبلغ گرافیکه از خزانه مفلس دولت ایران مطالبه و وصول مینمودند و مبلغ بسیار بکه پی در پی بگرفتند و صاحب منصبان دیگر داده میشد حقیقه عدد کاملش کمتر از چند صد نفر بود هیچ حساب یا صورت خرجی در کار نبود در زمان لشکر کشی و تجهیز فئون برای جلوگیری از محمد علی و اتباعش مصمم السلطنه رئیس الوزراء از من خواهش نمود که بعضی از پولهاییکه کرنل بریگاد مزبور بعنوان مصارف فوق العاده مطالبه مینماید بپردازم من هم قبول کرده و پرداختم و کاغذی هم بگرنل نوشتم و از او خواهش نمودم که صورت حسابی برای مدت مزبوره بفرستد تا مطمئن شوم که پولیکه داده ام برای مصرف نباشد که دولت سابقاً آن وجه را پرداخته باشد ولی کرنل از دادن همچو توضیحیکه مبلغ مزبور کونه و بجه محل و بجه عنوان صرف شده امتناع نموده و پروتستهای پی در پی در باب اداء نشدن مطالبه اش بسفارت روس فرستاد و مرا متهم نمود که از نادیده پول انکار نموده ام \*

یکی از موانع بزرگی که در وصول مالیات دوچار شده بودیم نبودن هیچگونه قانون جنایات که عبارت از خدعه و تقلب و خیانت و مانند این جرائم میباشد بود ما مورین مالیه با سایر صاحب منصبان دولتی که نقد و جنس یا سایر متعلقات دولت در تصرف آنان بود بکمال سهولت و آسانی و بدون تصور اینکه شاید وقتی از ایشان تحقیق یا مواخذة شود مالیه و متعلقات دولتی را برای خود جایجا و تصرف می نمودند فقدان وسائل مجازات هر گونه جنایتی بیشه باعث وسعت آنگونه تقلبات و خیانتهای عمومی شده و کم کم با ادارات دولتی هم سرایت کرده بود نظیر حالت حاضر ایران حالت ممالک متمدنه خواهد بود اگر قوانین جنایات یا مجازات خیانت در امور دولتی از آن ممالک برداشته شود ادارات عدلیه بالنسبه بسایر ادارات در هر نقطه ایران که بود عوض اینکه در مقابل کسانیکه مایل بارتکاب جرائم بودند مائعی باشد بیشتر در کمال بینظمی بود در صورتیکه دوائر مزبوره عدلیه جزء عمده نظم عمومی بود برای جلوگیری از تقلبات صاحب منصبان و

ما مورین دولتی که از نتیجه دسترنج مایون ها رعایا و ایلات بی علم بهره مند و بسیار فربه (متمول) شده بودند آن ادارات مختصری بود برای سیاست و تنبیه ما مورین غیر متدین و خائن مانند تدابیر پلیس در صورتیکه حالت سیاسی محلی مقتضی میشد با رأی عمومی تصویب مینمود دولت امر بحبس ما مورین خائن نموده و استنطاق ظاهری (سرسی) نیز از آنها میکرد بحسب عدلیه عموماً در مراکز اداره پلیس بود این فقط حالت طهران است که بیان میکنم ولی در سایر ولایات حکومتهای محلی عدالت را بقوه جبری بکار می بردند نتیجه صحیح همچو بحسب و استنطاق کسیکه مرتکب جرم و بالنسبت جنایتی باو داده شده بود این میشد که شخص جانی و مجرم یا کسان و دوستان او مجبور میشدند که مبلغ معتد بهی که کفایت خواهش و چشمداشت حکومت را بکنند فراهم نمایند زیرا که حکومت مزبور گویا هم ناظر و مفتش عدلیه و هم حکم و مجری احکام آن بود \*

این وضع حالت مملکت و ضرورت بکار بردن اثرات معنوی (قوه جبری) نسبت بمستخدمین دوائر دولتی و مالیات بده های متعزذ سرکش که نمیتوانستند از عهده نادیده مالیات املاک خود برآمده و تعال و تسامح میورزیدند مرا مجبور نمود که بحسب مخصوصی در طهران ترتیب دهم که پس از تحقیق و استنطاق در حضور ما مورین محترم خزانه و ثبوت تعزذ و مخالفتشان با قوانین مالیه موقتاً در آن بحسب نوقیف شوند \*

پس از شروع باصلاح امور خزانه بوزراء مختلفه اطلاع دادم که هیچ وجهی از خزانه پرداخته نخواهد شد مگر بعد از اظهار کتبی که بر اوراق چاپی مخصوص خزانه (که خودم ترتیب داده بودم) نوشته شود اوراق مزبوره بفرانسه و فارسی باسم و عنوان خزانه دار کل طبع شده و لازم بود که توضیح مفصلی از بابت و تاریخ و مبلغ مطلوبه و غیره با امضای دریافت کنندگان در آن اوراق درج شود غالب صاحب منتهیان کابینه طریقه مزبوره را بطیب خاطر استقبال نمودند زیرا که علی الظاهر همچو تصور نموده بودند که بجزرد اینکه خانهای آن اوراق را بر کرده (خانه بندی نموده) و توضیح هر فقره را در ستون مخصوصش نوشتند دیگر کارشان با تمام و مقصودشان بانجام رسیده است و برای خزانه دار عذری غیر تأدیه وجه مطلوبه باقی نخواهد ماند بهمین ملاحظه از طرف تمام ادارات و دوائر دولتی برای گرفتن نمونهای چاپی با اداره خزانه حمله نموده و در ظرف چند هفته دفتر مرا بمبارد (غارت) کردند بجهت مطالبه میانگیکه مبنی بود بر دعاوی و دلائل

بسیار عجیب لازم نیست بیان نمایم که در ظرف مدت خیلی بر مطالبه کنندگان معلوم و مکشوف شد که بصری این که وزیر مطالبه خود را بتوسط اوراق ساده خزانة ( که هیچ دخلیتی در ثبوت دعاویشان نداشت ) اظهار نماید سبب بقین خزانة دار نخواهد شد که تمام مطالباتش صحیح و واجب التادیه می باشد بعضی از آن مطالبات بجدی تعجب انگیز و مضحك بود که ذکرش بی مناسبت نمی باشد مثلاً دو نفر سیاح فرانسوی که در اثنای سیاحتشان بطهران رسیده و با والا حضرت نایب السلطنه هم ملاقات نموده بودند روز دوم ورودشان ورقه مطالبه از وزیر خارجه رسید که بسیار مورث تعجب گردید خواهش نموده بود که حسب الامر والا حضرت مبلغ صد تومان به آن دو نفر سیاح محترم بعنوان عنایت شاهانه و مراحم خسروانه داده شود چون در آن موقع مناسب نمیدانستم که با دولت جمهوری فرانسه بحث و مذاکره مسئله بین المللی پیش بیاید وجه مزبور را پرداختم ولی وزیر مذکور را متنبه نموده که بر حسب قوانین جدید خزانة عنوان موجه قانونی برای تادیه وجوه دولتی لازم است در موقع دیگر مستوفی متین و موقر وزیر داخله بدیدن من آمده و بعد از اداء تعارفات بسیار صورت مطالبه اراده نمود که با مضاعف جناب وزیر مذکور بود ترجمه اش بر حسب ذیل است :- « مطالبه صد تومان باید به سید فتح الله داده شود چرا که از الاغ ( دراز گوش ) خود افتاده و پایش شکسته است » شخص بدبخت خزانة دار مزبور که به آن صدمه افسوسناک دچار شده بود پس از دانستن اینکه اجنبی نمیتواند مطالبه اش را تسلیم نموده و به پرداخت بسیار متعجب و دلگیر شد \* در موقع دیگر وزیر دربار با دو فقره مطالبه پیش من آمد يك فقره مطالبه بعنوان « قیمة روغن شتر های شاهی » و دیگر برای فراهم نمودن « گاه بجهت » اتوموبیل « اعلیحضرت » آن خواهش باندازه احمیل و بدرجه بی معنی بود که مرتبه و شئون رسمی من تاب تحمل آن را نداشت این رسم فقط در ایران معمول است که روغن برای شتر و گاه برای « اتوموبیل » باید فراهم شود این دو فقره مطالبه جدی و حقیقی بود زیرا که يك قسم روغن مخصوص است که بدن شتر می ماند که جلد او نرم ( یا از مرض خارش و ریختن پشم محفوظ ) بماند و با جزاء و مستخدمین « گراژ » کالسکه خانه شاهی هم مقداری گاه بعنوان عایق داده می شد من این هر دو فقره را تسلیم نموده و پرداختم \* در او آخر سبتمبر که معلوم شد محمد علی میرزا نمیتواند خود را بطهران برساند نقشه (مسودة) که برای اصلاحات امور مالیه بسیار لازم و مهم بود بکابینه تقدیم نمود \*

در آنوقت که تمام هم و کلاه مصروف با اصلاحات مالیه و سرگرم به آنکار بودند اگر به تحصیل تصویب مجلس نائل نمیشدیم بی شبهه احتمال دوچار شدن بخطر عدم تصویب آن نقشه میرفت در آن موقع باختیار یکی از دو شق مجبور بودیم یا صبر کردن تا شش ماه و يك سال برای تحقیق حالت اصلی و تفصیلی مالیه ایران تا قوانین مفصله که حاوی طریقه تحصیل عوارض و ایجاد مالیات جدید و جمع و خرج پولهای عمومی ملتی باشد بنویسیم و یا اینکه قانون عام کلی ساده نوشته و پس از تصویب مجلس فوراً بوضع اجرا بگذاریم قوانینی که اختیارات تمامه در تمویل گرفتن مالیات ایران بخزانة دار بدهد اختیارات شقی نالی طبعاً مشکل تر بود زیرا که در قبول همجو مسئولیتی و دو پائی جستن در وسط ادارات عدیبه عبر منظم بی دیانت خوف این بود که یکرتبه غرق بشویم ولی چون از اول یکی دو فقره تجربه راجع باین گونه امور ذخیره داشتم اختیار شقی اخیر را مطابق حزم و مال اندیشی دانستم \*

بعبارت اخیری رملهای حیات مالیه ایران بسرعتی خارج میشد که اگر تدابیر عملی فوری برای جلوگیری آن کرده نمیشد یا س و ورشکستگی و پریشانی و غارتگری سر یکی هم در طهران و هم در سایر ولایات واقع میگردد (۱) \*

لهذا لازم و مناسب بود که در اولین وهله نظارت متدینانه مرکزیه نقود را تحصیل کرده و آن نظارت را رکن و بنیاد اصلاحات آتیه قرار دهیم و سپس شروع با اصلاح ادارات و دفاتر دیگر نموده و برای منبع از تغلب و غفلت سعی تمام و میزان دخل و خرج متدینانه مقرون بصرفه و عقلی بجهت مالیات موجوده معین کنیم و باین رویه موقتاً کار بکنیم تا قانون و طریقه جدیدی برای تصفیه و تنقیح کلیه محاسبات مالیه وضع شود \*

پس از آنکه قانون سیزدهم ژوئن بتصویب مجلس رسید سعی و کوشش بسیاری

(۱) در ارمنه سالفه که هنوز اختراع این ساعت حالیه نشده بود مقیاس الوقت یا آلت وقت شناسی ترتیب داده بودند که وقت بتوسط آن معلوم میشد و آن عبارت بود از دو کوی میان تپه متصل بهم که در نقطه انصالشان سوراخ بسیار کوچکی قرار داده و در یکی از آن دو مقدار معینی « شن » بسیار نرمی « رمل » ریخته که هر وقت کوی شندار را بسعت بالا قرار دادندی در امتداد زمان معینی آن شن ها در کوی دیگر میریخت چنانچه هنوز هم در بعضی از صنایع زمان حال دیده میشود مقصود مصنف از رمل همان شن های « سند واج » (Sand Watch) مالیه و کتیبه از گذشته وقت است - مترجم \*

نمودم که «احترام» آن را بین اهالی داخله و اجانب عوض احترام معتد بهی که از پول و اقتدار و نفوذ و مراتب جرئت در کار بود معمول دارم هیچ وضع و اهمیتی نسبت به قانون که حقیقتاً مجسمه حقوق عمومی بود وجود نداشت در ایران قوانین خصوصاً قوانین مالیه هیچ قابل اعتنا نبود بعد از مدتی مطلع شدم که چند ماه قبل از آنکه اصلاح امور خزانة با محول شود مجلس قانون «کتابالیه» (Contabilite) مقتضی و مناسب وقتی اجراء داشته که مأخذ اصلیش از چند فقره قانون مالیه فرانسه گرفته شده بود اگرچه قانون مزبور اسماً از چند ماه قبل جاری بود ولی بکنفر صاحب منصب را نتوانستم پیدا کنم که معنی آن قانون را دانسته یا اقلاً مختصر کوششی در اجراء آن کرده باشد در صورتیکه بوجود آن قانون فخر به و مباحث کرده و با کمال متانت و آرامی خاطر بغارت گری خود مشغول بودند \*

برای تعلیم و تلقین احترام قانون همین که در تابستان گذشته پربشانی و انقلابات خانه جنگی (جنگ های داخلی) شروع به تسکین گذارد مشغول مالیات املاک اعیان دولت و بزرگان بسیار خائن معروف مثل علاءالدوله و شاهزاده فرمانفرما و سپهسالار گردیدم \* فارغین از معامله علاءالدوله مسبوق می باشند شاهزاده فرمانفرما هم چون آخر کار دیدم در باره وصول مالیات املاکش مجتهد و مصر می باشم نزد هیئت وزراء رفته و خدمات دلبرانه خود را که هم از حیث جنرالی (سرداری) قشون و هم از حیث وزارت جنگ نسبت بدولت مشروطه مبذول داشته ندکار نمود و پس از اختتام اظهارات خود بگریستن برشانه رئیس الوزراء شروع کرد هیئت وزراء بطوری متالم و متأثر شدند که فوراً مراسله متواضعانه بن نوشته و ایما نمودند که شاهزاده فرمانفرما از نادیده مالیات خود معذور خواهد بود تا از طرف هیئت وزراء تحقیق کاملی در این معامله بعمل آید خود فرمانفرما مراسله مزبور را آورد جواب کفتم یکی از دو شقی را باید قبول کنید یا خدمات دلبرانه خود تان را بدولت مشروطه بتادیه بقایای مالیاتی املاک خود تان در روز بعد ثابت و مجرا بدارید و با اینکه مرا بضبط غله انبارهای خود مجبور نموده که شمارا از زحمت حفظ آن آسوده تمام بهیئت وزراء جواب نوشتم که اگر التفات فرموده توجه و هم خود تان را بتصفیه و اصلاح امور سایر ادارات مصروف دارید من خود سعی در جمع آوری و وصول مالیات خواهم نمود شاهزاده قسمت عمده مالیات بدمی خود را در روز بعد پرداخت اگرچه بضبط مقداری کندم در یکی از املاکش مجبور شدم

مشارالیه از زمان حکومت و سرداری قشون و عضویت کابینه اش چندین میلیون (دالر) ذخیره و اندوخته نموده بود \*

مطلع شدم که سپهسالار يك فقره هفتاد و دو هزار تومان از بابت مالیات سال گذشته اش بجزانه دادنی میباشد و در مقابل آن ادعای يك میلیون تومان اظهار مینماید که برای خدمات وطن پرستانه و مصارف تجویز «مجاهدین رشت» که يك قسمت از افواج ملی بوده که در سنه ۱۹۰۹ (بیست و هفتم جمادی الاخر ۱۳۲۷) طهران را از محمد علی انزاع نمودند بمصرف رسانیده گفته بود که باید دولت از خدمات او ممنون بوده مشار الیه و اولاد و اسفادش را تادیه نسل (پشت) بعد از تادیه هر قسم مالیاتی معاف بدارد که شاید بتواند املاک وسیعه خود را که در شمال ایران واقع است و همین خانواده و متسین و بسنگانش را از پراکندهگی حفظ نموده تا آن سلسله قدیمه باقی و پایدار بماند در این صورت ممکن بود تا دو بیست و پنج سال بعد اولاد سپهسالار مالک بیشتر املاک مالیات بده ایران بشوند عاقبه الامر راضی شد که بقایای مالیاتی خود را به بردارد یکی از فرزندان خود را هم حقیقتاً فرستاده بود که غله املاکش را برای تادیه مالیات حمل و نقل نموده و با بفرود شد که اوتیا توههای روس شروع شده و تقویت تازه در مدافعه از خزانة دار سپهسالار بخشید \*

در صورتیکه اختیار و اقتدارات قانون سیزدهم ژون بکلی مسلوب و معدوم شده بود هیچ کاری پیشرفت نمیکرد اگر بگویم بوسیله نتایج همین قانون بود که دولت در تابستان گذشته توانست برای سواران بختیاری و افواج دیگر بجهت جلوگیری از محمد علی و سالارالدوله پول فراهم نماید بی جا نخواهد بود و بواسطه نتیجه همین قانون بود که تا درجه قادر بمانعت از حملات بجزانه شدم و الا در ظرف دو هفته تمام مالیه بغارت میرفت (تمام میشد) نایب السلطنه کراراً گفتند که جنگ و کشمکش های من با مسلك بی باکانه کابینه و طریقه خائنانه خوانین بختیاری بود که در ماههای تابستان بیشتر از دو میلیون تومان خزانة دولت را از دست بردوغارت محفوظ داشت علاوه بر معاونت رأی که بدولت نموده بودم در باقی داشتن افواج در میدان جنگ تا زمانیکه باغیان منگردین مقلوب شوند \*

در مراجعت از ایران در فوریه گذشته که وارد لندن شدم تمس لندن دقیقه از تنقید اعمال و افعال من فروگذار نکرده و اعتراضات خود را باین ایراد ختم نمود - که نیابستی

متوقع بوده باشم که دول نظارت مالیه سرا در تحت قانون سیزدهم ژون تسلیم نموده باشند زیرا که ممکن بود قانون مزبور منافی با «اغراض و منافع مخصوصه» ایشان بوده باشد این احتمال در صورتی منصوص است که در قانون مزبور نکته یا ابهامی بوده باشد که مضر باغراض مالیاتی یا غیر مالیاتی دول اجنبیه بوده و یا بتواند بود آن نقیض بکلی برخلاف واقع بود زیرا که فروض دولت ایران بدول اجنبیه بواسطه معاهدات و قرار دادهای رسمی که فیابین قرض دهندگان منعقد شده که الا محفوظ بود و هیچ قانونی بهیچ طریقه و عنوانی نمیتوانست اعتبارات آنقروض را ضعیف نموده و یا نقیضی برساند \*

مقصود اصلی از تعیین نظارت فوق العاده مالیه در ایران این نبود که تغییری در ضمانت با وثیقه های استقرضات اجانب بدهد بلکه برای قدرت و تقویت دادن خزانه داری بود که بتواند تقلبات عمومی را که ما بین خود صاحب منصبان ایرانی بود جلوگیری نموده و قلع و قمع نماید تا بتواند عایدات داخلی دولت را وصول کند فی الحقیقه قانون مزبور بهترین وسیله بود برای ازدیاد اعتبار آن استقرضات که اگر وقتی اعتبار و ضمانت آنقروض کافی نباشد از مالیات عمومی و منافع عایدات دولتی تأدیه شود \*

بعبارت اخری تعیین نظارت متنفذ مالیه راجع بامور مخصوص داخلی بود و هیچ علاقه و ارتباطی با استقرضات خارجه نداشت مگر اینکه اعتبارات و محافظت مراتب آن قروض را زیادتیر میگردانید اگر همچوقانونی وضع و مجرا نمیشد بدون شبهه هیچ قسم اصلاح و ترقی در امور مالیه ممکن نبود و همچنین خزانه دار کل و معاونین امر بکایش نمیتوانستند دفاع بی نتیجه از خیانتهای «پارتی» صاحب منصبان دولتی بکنند همان صاحب منصبانیکه بجز استمرار هرج و مرج و بریشانی امور سابقه مالیه غرض دیگر مرکز خاطرشان نبود \*

در اقتدار نظارت مالیه ایران ولو بهر درجه هم که کامل بود راهی نبود که بدان وسیله بتوان اثر با نفوذی در قروض خارجه نمود مگر اینکه سبب زیادتی اعتبار عموم مطالبانشان میگردد \*

از تجربه هائیکه صاحب منصبان و اعضاء اجنبیه مالیه سابقاً تحصیل نموده بودند بخوبی واضح و آشکار بود که در صورت فقدان قدرت و سلب اختیارات و واقع شدن در تحت نظارت یکی از صاحب منصبان طبقه اعلائی که بی در پی بعنوان عضویت کابینه یا ادارات دیگر خود را مالک خزانه دانسته و بسرعت تغییری می یافتند چقدر غیر ممکن خواهد بود که بتواند نقشه و تدابیر عملی خود را ترقی دهند \*

اگر چه هیچگاه بودجه به ترتیب جدید در ایران معمول نبود ولی پس از اندک زمانی از شروع بکار تلفت شدم که در صورتیکه تمام عوارض و مالیات داخلی وصول شود خزانه سالانه شش میلیون تومان کسر خرج خواهد داشت چون از سال قبل چیزی (صورت حسابداری) موجود نبود که از او معلوم شود که بیشتر از خمس مالیات که روی هم رفته نقداً و جنساً سالانه پنج میلیون تومان میشد بجهت حکومت (ریاست) مرکزی نرسیده پس بزودی میزان کسر خرج سالانه از شش به یازده میلیون میرسید (یعنی اعضاء خائن مالیه بدون صورت حساب صحیحی در بین نبود این پنج میلیون عایدی خزانه را هم جزء کسر خرج قرار داده و بمصارف دیگر میرسانیدند و یا اینکه بی ترتیبی امور و اهمال کاریها شان کار را بیخانی میرسانید که این مبالغ فلیل وصولی خزانه هم جزء لا وصول و در ردیف کسر خرج بشمار می آمد در این صورت کسر خرجهای سابق و لاحق جمعاً به یازده میلیون میرسید مگر اینکه بتوانیم قسمت عمده مالیات را وصول نمائیم \*

از طرف دیگر مبلغهائیکه (حقوق و مواجب ماهانه) وزارتخانههای مختلفه پیشنهاد و مطالبه میکردند مبالغ بزرگ و تأدیه اش فوق الطاقه بود یعنی نه اینکه برای ریاست مقتدری زیاد بود بلکه از این حیث که از اکثر شعب ادارات موهومی فرضی که فقط اسمی از آنها باقی بود فایده برای ملت متصور نبود پس تدابیر منقنی لازم بود برای مسدود کردن و التیام دادن آن شکاف و سببی که مابین مالیات حقیقی که از هر مأخذ بدولت عاید میگشت و مخارج عمومی واقع شده بود (یعنی تناسب صحیحی بین جمع و خرج رعایت شود) مخرج \*

بهمین ملاحظه از اول «پروگرام» مؤکد مقرون بصرفه برای جمیع شعب مرکز و ولایات پیشنهاد مجلس نمودم که متناسب با خدمات مؤثره باشد چندین ماه زحمت کشیده سعی نمودم که وزراء مختلفه را مجبور نمایم تا بودجه ساده برای ضروریات خودشان ترتیب دهند که در رد و قبول مطالباتیکه بخزانه اظهار مینمودند بمنزله دلیل و راهنا (ماخذی) برای من باشد ولی عموداً به بهانه های چندی متمسک شده و اهمال میورزیدند تا اینکه من عاجز و متفر شده و از این خیال منصرف گردیدم و در اداره خود میزان مخارج ماهانه فرضی بجهت احتیاجات و ضروریات لازمه هر یکی از وزارت خانههای مختلفه معین نمودم و بدون هیچ اعتنائی بوقع و عظمت شکایات یا فشارهائیکه برای مطالبه وجه داده میشد از میزان مقروضه تجاوز نمی نمودم آخر کار نمونه بودجه

برای وزارت جنگ که بیشتر از همه شکایت و تهدید بشورش نموده و مقصر بود ترتیب دادم و ثابت نمودم که ممکن است با دو میلیون تومان سالانه قشون و افواج کامل منظمی که عبارت از پانزده هزار نفر باشد مرکب از پیاده و سواره و توپخانه ترتیب داده در صورتیکه مواجب و حقوق تأمین و صاحب منصبان آن بیش از آنچه که حالیه به آنها میرسد بوده باشد ولی میزان سالانه که وزارت جنگ مطالبه مینمود هفت میلیون تومان بود آنهم در حالیکه در تمام ممالک نمیتوانست پنج هزار نفر افواج غیر منظم کرسنه و برهنه را نگاهدارد اذله و شواهدیکه در اثبات افراط و تفریط و تقلب وزارت جنگ اقامه نموده بودم بحدی کافی و مسکت بود که هیئت وزراء مجبور شدند میزان بودجه تخمیناً سرا نصیب نمایند صحیحاً السلطنه که در آن زمان بمسند جلیل وزارت جنگ متعین و کراماً وعده مجرا داشتن بودجه مرا نموده بود چون در انظار ایل و طایفه بول دوست خود و همچنین بیش دوست قدیم ما امیر اعظم که معاونت وزارت مزبوره را داشت متاثر و خجل بود از صدور احکام لازمه بجهت اجراء و معمول داشتن آن بودجه ابا و امتناع و ترسید نتیجه آن حرکات این شد که من هم از تأدیه وجوه بروات اداره مرکزی وزارت جنگ محاشی نموده و فرار دادم افواجی که در سربازخانههای طهران حاضر بودند مواجب خودشان را بدون مداخله وزارت جنگ مستقیماً از مستوفی خزانه دریافت دارند در فهرست حقوق اداره نظام اسامی هیئت پست فطرتانیرا دیدم که تقریباً بقدر صد نفر میشدند بعنوان مختلفه مثل «جنرال آجودان صاحب منصبان طبقه اعلی مستشاران مشافان ماهر مدعی العموم معلمین پروفیسر های نظامی» ایشان نه فقط کوشش و جدو جهد مینمودند که ماهانه معادل چندین ده هزار «دالر» بعنوان مواجب بگیرند بلکه بزرگترین موجد تقلب بودند تمام آنها در اداره نظام قسم خورده بودند که مرا تلف نمایند و افواج را ترغیب بشورش مینمودند ولی چون این اولین مرتبه بود که افواج مواجب تمام و کمال خودشان را بدون اینکه دیناری از آن کسر شود از خزانه میگردفتند شورش واقع نشد \*

طریقه ثانویه که برای تناسب بین مداخل و مخارج لازمه سالانه بهیئت وزراء تقدیم نمودم مالیات و عوارض در تعیین و اخذ اختیار قوانین جدید ذیل بود \*

اولاً اضافه مالیاتی بر تریاک بود اگر چه وضع و اجراء این قانون در ایران علی الظاهر تحمیل و بسیار سنگین مینمود ولی در معنی و حقیقت ابداً شاق نبود و از اجراء این

قانون مقدار زیادی بر مالیه دولت افزوده میشد و تا حد وسیعی هم جایز و بسزا بود و بدون هیچ گونه مخارجی بتوسط همان اداره گران خرجی که برای نظارت تجارت تریاک (اداره جدید) تشکیل شده بود مبلغ خطیری وصول میشد \*

ثانیاً اضافه مالیاتی بجهت مسکرات بود که در تحت نظارت اداره بعنوان وظایف پلیس وصول شود زیرا که تعیین هنجار مالیاتی عتاً و رسماً از طرف مجلس (۱) ممکن نبود \* ثالثاً مالیات جدیدی بدخانیاات قرار داده شود یعنی از هر يك من (۲) تریز تمباکوئی (۳) که در داخل ممالک بعمل آید يك قران (معادل پانزده سانت امریکا) خراج گرفته شود بعلاوه اضافه مالیاتی بر تمام سیگار و سیگارنما و اقسام مختلفه توتون افزوده شود \* رابعاً نسخ قانون عوارض روده و گرفتن يك قران باج از لاشه ذبیحه های کوچک مثل گوسفند و بیره و غیره (۴) و باج بیشتری برای ذبایج بزرگتر مثل گاو \*

خامساً ترمیم قانون عدلیه راجع به قمر های اسناد بقسمی که مشتمل و جامع جمیع اسناد و بروات تجاری و معاهدات و قراردادها و قبوض و غیره باشد \* سادساً تحصیل رضایت دول خارجه برای ترمیم تعرفه گمرکات بزیاد کردن آن و تغییر دادن قانون گمرکی را راجع بمنع گرفتن گمرک در داخله \*

سابعاً نقشه و تدبیری برای خریدن و قطع نمودن وظایف و مستعمری هائیکه تقریباً سالی سه میلیون دولت بطبقات مختلفه میداد یعنی دولت وظایف مزبوره را بوسیله اسناد خزانه بوعده چهل سال بخرد و منافع سالانه آن سهام را به نرخ صدی بیخ قرار دعد و سهام بتوسط چک باسم حامل باشد و مقدار ربع قیمت اسناد در هر صد تومانی باید به نسبت بیانه تحریکی (۵) یعنی میزان مختلفی باختلاف مقدار اصل وظایف هر صاحب وظیفه باشد \*

(۱) چون مذهب رسمی ایران اسلام و بموجب آن استعمال هر قسم مشروبات حرام و ممنوع بود مجلس بوسیله هیچ قانونی نمیتوانست عوارضی برای استعمال مسکرات تسلیم نماید (۲) من تریز معادل با شش بوند انگلیسی و يك خمس بوند می باشد \* مترجم (۳) از این تا کس «خراج» جدید ممکن بود سالانه معادل يك میلیون و دو سست هزار تومان عاید خزانه شود \*

(۴) عوارض روده بعد از تحمل مخارج و خسارات و زحمات فوق العاده جنساً عاید دولت میگردد \*

(۵) توضیح این جمله در چند صفحه بعد ذکر خواهد شد — مترجم \*

ثانیاً يك استقراض چهار ملیون لیره برای دولت لازم بود که قسمتی از آن باید بصرف تأدیه طلب بانك روس « که تقریباً معادل يك ملیون و يك صد هزار لیره است » برسد و باقی آن برای بناء و اصلاح امور عام النفع مالیات افزا بصرف برسد و هیچ مقداری از آن وجه نباید بصرف مخارج جاریه (۱) دولت بکار برده شود \*

بمعاونت وجه استقراض فوق اصلاحات عمومی مالیات آور « مولد مالیه » ذیل انجام میگرفت « کدستر » ( Cadastre ) مساحت اراضی سر شاری سر سرانه « تقریبی » از نفوس ولایات و ایالات برای تعیین میزان متناسبی بجهت مأخذ مالیات تعیین مساحتی از جنگلها و معادن و اراضی و خالصه و تعمیر سر باز خانه و خریدن اسلحه برای ژاندارمری خزانه ترمیم و اصلاح جاده های موجوده احداث بعضی شوارع و طرق مهمه جدید ترتیب و سائل آب رسانیدن بنقاط مختلفه ولی ضمناً این نکته را هم باید در نظر داشت که معمول داشتن تدابیر سابق الذکر باعث ایراد و اعتراض مردم میشد که دولت مشروطه خدمت عام المنفعه مفیدی بملت نکرده است \*

(۱) اگر دولت ایران اسناد این استقراض چهار ملیون لیره را بنرخ هشتاد و هفت و نیم در هر صدی تحصیل مینمود چنانچه استقراض يك ملیون و دو بیست و پنجاه هزار تومان هم بهمین نرخ بود معادل سه ملیون و پانصد هزار لیره عاید دولت میگردد در صورتیکه قیمت هر لیره را بیخ تومان و خمس تومان دو « قران » قرض کنیم هیجده ملیون و دو بیست هزار تومان میشود بیخ ملیون و شش صد و هفتاد هزار تومان برای تبدیل « تأدیه » استقراض بانك روس لازم بود و دوازده ملیون و پانصد و سی هزار تومان باقی می ماند من فصد کرده بودم که مبلغ باقی را بصارف ذیل برسانم \*

برای « کدستر » مساحت اراضی زراعتی بانضمام سر شاری سر سري و تعیین مساحت اراضی جنگلیات و معادن و اراضی خالصه سه ملیون و پانصد هزار تومان برای تدابیر آبرسانی و آب یاری اراضی لم یزرع دو ملیون تومان بجهت تعمیر و ترمیم شوارع و جاده های شوسه چهار ملیون تومان بصارف تعمیر سر باز خانه و اسلحه بجهت ژاندارمری خزانه يك ملیون و پانصد هزار تومان که جمعاً معادل یا یازده ملیون تومان میشود و يك ملیون و پانصد و سی هزار تومان هم برای مخارج متفرقه باقی می ماند در عرض مدت سه سال از اجرای تدابیر مزبور مستقیماً یا مع الواسطه بین شش و هشت ملیون تومان سالانه عاید دولت میگشت \*

و نیز این فقره را هم سفارش نمودم که دولت باید قانونی برای تسهیل کشیدن راه آهنهای ذیل در اوقات مقتضیه « و یا دادن امتیازات مناسبه برای کشیدن آن خطوط » ترتیب دهد که بتدریج یا بکرتبه شروع شود \*

اول خطی از محمره به خرم آباد و از آنجا تا همدان دوم خطی از خانقین بکرمانشاهان و از آنجا نیز تا همدان سوم خطی از همدان قزوین چهارم خطی از بندر عباس بکرمان و برد و از آنجا تا طهران و شعبه از آن به اصفهان خط پنجم از بوشهر تا شیراز و اصفهان خط ششم از جلفا و تبریز تا زنجان و قزوین و طهران و شعبه از قزوین به بنا در بحر خزر هفتم خطی از زنجان بهمدان خط هشتم از بندر عباس تا شیراز \*

و همچنین تاکید نمودم بجهت وضع « و اجرای » قانونی برای منع و جلوگیری عمومی از احتکار غله و سایر ما محتاج معاشیه مردم \*

بطور تخمین معین کرده بودم که از اجراء قوانین مالیات و عوارض فوق ممکن بود سالانه مستقیماً و حتماً پنج ملیون تومان اضافه مالیات بدولت برسد در صورتیکه هیچ گونه تحمیل و تکلیف شاقی هم بملت وارد نمیشد \*

علاوه بر این سالی دو ملیون تومان هم بواسطه خریداری و قطع و وظایف منفعت و پس انداز دولت میگشت \*

سی ام سپتامبر « ششم شوال ۱۳۲۹ » هیئت وزراء جمیع تدابیر و نقشه اصلاحات مرا تصویب نموده و خودم هم مشغول بترتیب دادن مواد قانونی لازمی بجهت تقدیم مجلس بودم که اولیایا توام های دولت روس شروع شد \*

مسئله وظایف یکی از ادله غریبه برین نظری مالیه ایران می باشد که دولت بموجب دفاتر غیر منظم از منته مختلفه وزارت مالیه مسئول و مجبور بود هر ساله تقریباً بصد هزار نفر اشخاص مختلف الحال تقداً و جنساً معادل سه ملیون تومان بدهد \*

قسمت عمده آن وظایف بسیار غریب از ازمینه سلاطین سالقه ارأ بدولت مشروطه منتقل شده بود و بعضی وظایف را هم مجلس بعلماء و سائیرین اعطاء نموده بود یعنی بکسانیکه نسبت به تحریکات ملی خدمت نموده و یا بپورته کسانیکه در راه پیشرفت مشروطه جنگیده و کشته شده بودند \*

در ازمینه سابقه اگر کسی سلطانرا در موقع مقتضی بواسطه اشعار یا لطیفه های نغز خود مسرور میساخت و یا یکی از درباریان ستایش و تجییدی از پادشاه مینمود فوراً

مالیات يك يابلک (در جن ده) در باره ماح بعنوان عطیات خسروانه اعطاء و مبدول میشد و یا اینکه اسم اشخص را در فهرست اسامی در بار بیان داخل نموده و فلان قدر صد یا هزار تومان یا فلان مقدار خرور کندم یا جو یا گاه بعنوان وظیفه سالانه در حق او برقرار میگشت و بعض اوقات هم کسانیکه مصدر خدمات حقیقی عمومی بوده وظیفه می یافتند تمام پیشخدمتان شاه دارای وظایف موروثی بودند که از آباء و اجدادشان بارش به آنها رسیده بود تمام اعیان و ارکان دولت موظف بودند هیچ ولایت یا ایالتی نبود که فهرست و دفتر مخصوص وظایفی از خود نداشته باشد بی شبهه طهران از همه ولایات بیشتر وظیفه خور داشت و نه عشر (نه دهم) کامل وظایف مزبوره تقاب خالص بود \*

دولت مشروطه بهیچ قسم نمی توانست همه یا قسمت عمده از آن وظایف را مضاء و مسلم بدارد ولی وزراء مالیه از منته مختلفه برای جلب خاطر مردم و حصول مقبولیت عامه یا بملاحظه منافع شخصی خود آن وظایف را فوراً مضاء و قبول مینمودند چون بروات وظایف سالانه با احتیاط و دقت تمام صدور می یافت و بعد از تحمل زحمت و مشقت بسیار ممکن میشد که در خزانه تبدیل به نقد (یعنی وجه آن وصول شود) صاحبان وظیفه برایگان همیشه برای کسر و تخفیف وظیفه خود حاضر و راضی بودند اکثر اتفاق افتاده است که مقدار اصلی وظیفه خودشان را از قرار صدی یازده (تومانی سی شاهی) می فروختند عده از صرافان جزه و بعضی اوقات هم تجار معتبر بودند که بروات وظایف را تقریباً بهیچ خریده و برای وصول و محصلین «وصول کنندگان» کار آرموده وظایف می سپردند محصلین موصوف پس از آنکه مقدار معتد بهی از آن بروات را جمع میکردند عده از زنان و مردان بریشان بسیار فقیر بینوا را اجبر می نمودند که اطراف تحویل خانه خزانه استاده و آه و ناله و فریاد بکنند و بسینه های خود کوبیده و موهای شانرا کنده و بر خاک بغلطند مثل اینکه (از گرسنگی) ضعف نموده اند در آن حال قبوض و بروات را بجانب آسمان بلند نموده دعا و التماس میکردند که خداوند خود و اطفاکشان را از فاقه نجات بخشد بعضی از زنها هم اطفاک کوچک را با خود آورده مادر طفل خود را بر زمین می انداختند مثل اینکه از شدت فاقه و گرسنگی در شرف موت اند در صورتیکه آن «آکترها و آکتر بسها» روزی بچند پول اجیر شده بودند که آن منظره را نمایش دهند \*

ولی وزراء مالیه بی پروا بتشای آن کونه مناظر عادی شده و ابتدا اعتناء و توجهی به ایشان نمی نمودند مگر در صورتیکه احتمال (شلوقی) شورش سختی میرفت \*

نأذیه آن بروات وظایف و مستمریات بابت همان سنه جاریه و سنوات ماضیه از جمله وظایف و تکالیف مخصوصه و افتدارات لطیفی بود که از حبث خزانه داری کل قسمت و نصیبه من شده بود \*

چند نفر وزیر مالیه از منته مختلفه بودند که با کمال سهولت بروات مزبوره را بقیمت هر «دالری» بیست سانت (تومانی دو قران) خریدند و منتظر موقع مناسب بودند که هر وقت از حسن اتفاق چند هزار تومانی در خزانه جمع شود مقدار اصلی آن بروات را محسوب و دریافت دارند ارتکاب آنگونه قبایح و تقلبات سبب بدنامیشان شده بود حتی در خود ایران (که آن قسم کارها را باعث بدنامی نمیدانستند) اسباب بصدا آمدن سایر وزراء و صاحب منصبان دیگر که در آن کار شریک نبودند میشد \*

هیچ امیدی نبود که آنقدر پول فراهم شود که بتوان آن وظایف را پرداخت بقدری ما بین مردم اغراض و مخالفت با نسخ وظایف بود که مجلس نتوانست اقدامی نماید \*

چون نسخ و قطع وظایف یکمرتبه ممکن نبود من ان نقشه استخلاص وظایف و مسوده قانونی که حاوی خیالاتم بود مرتب نموده و بدولت تقدیم داشتم ولی هیئت وزراء نقشه مزبوره را مدعوی و موقتاً اجراء آن را بتأخیر انداختند در حالتیکه جزه جزء ان نقشه را بنظر و کلاً رسانیده و مشغول مذاکرات موافقانه بودیم که طوفان سیاسی شروع بحرکت نمود «استانسیک» کالی لازم بود که پایه ان نقشه را بر بنیاد صحیحی بگذارد \*

مختصر اینست که باید دولت وظایف را پس از امتحان صحت باسناد خزانه بخرد معادل مبلغی که منفعت سالانه اش از قرار صدی پنج معادل با نصف مبلغ وظیفه اصلی باشد در صورتیکه مقدار وظیفه جزئی باشد که پس از انقضای چهل سال اصل آن مبلغ پرداخته شود ولی در صورتی که مقدار وظیفه زیاد باشد باید بمقداری خریدند شود که سود سالانه آن باختلاف موارد (یعنی نسبت بکم و زیادای مقدار وظایف) تا با ربع میزان اصلی مطابق شود «مثلاً کسیکه سالانه صد تومان وظیفه یا مستمری داشته باشد دولت وظیفه او را بمقداری از اسناد خزانه بخرد که منفعت سالانه اش از قرار صدی پنج معادل با نصف مبلغ اصلی باشد یعنی معادل وظیفه ده سالش که هزار تومان باشد بخرد که سودش بنرخ صدی پنج پنجاه تومان که نصف اصل وظیفه میباشد و وظایف بانصد تومانی را بنرخ صدی چهار بخرد که سود سالانه اش دو بیست تومان و معادل با دو خمس وظیفه اصلی میشود مقررهای هزار تومانی را ده هزار تومان خریداری نماید که ربع صدی سه سالانه اش سیصد تومان

و معادل با کمتر از نشت وظیفه اصلی باشد و مستمریهای دو هزار تومان را به بیست هزار تومان بخرد که سود سالانه اش از قرار صدی دو و نیم یا صد تومان که معادل با ربع وظیفه اصلی شود و در صورت زیاده و تقیصه مقدار وظایف از مقدار مفروضه فوق به همین نسبت مقدار نرخ و مبلغ تغییر پذیر خواهد بود از بیگانه شیبه راه حربت مرحوم صانع الدوله رئیس دوره اولیه دارا آشورای ملی که روانش شاد باد کرارا همین خیالات عالییه و نقشه های استخلاص دولت از نکت و حصول امنیت و آسایش عمومی و از زیاد ثروت و رواج تجارت و تکبیل زراعت و توسعه صناعت و اشاعه معارف شنیده شد و در مجالس عدیده باذیه محسوسه نتایج و صحت بنیاد فقرات مزبوره را هم مدلل و ثابت داشته بایه هوش و ذکاوت و علم و فضل و دیانت و اخلاق و وطن پرستی آن راد مرد مسلم خودی و بیگانه و برتر از حد بیان و تحریر است نهایت آنکه ایشان مستر شوستر ایرانی بودند بعضی از مواد فوق را هم برای مزید اطلاع عموم طبع و مجاناً اشاعه دادند ولی ۱۱۱ « گوش اگر گوش من و ناله اگر ناله ... » - مترجم \*

لازم بود دولت معادل بیست و یک میلیون و پانصد هزار تومان اسناد خزانه شایع نماید که ربع سالانه اش ( به نرخ صدی پنج ) یک میلیون و هفتاد و پنج هزار تومان باشد در عوض سه ملیونی که باید سالانه بموظفین بدهد دولت بحال سهولت میتواندست مسئولیت این ترتیب جدید را بعهده گرفته اهمیت و قیمتی با اسناد خزانه بدهد که هیچ گونه بی انصافی و ظلمی هم در حق صاحبان وظایف نشده باشد زیرا که به استثنای اشخاص منفذ و مقتدر و کسانی که قمار مجبول نتیجه ( که پول نقد خود را به امید نفع موهوم صرف مینمودند ) در تحصیل و وصول وظایف به هیچ وظیفه خواری بیشتر از نشت با ربع وظیفه اش نمی رسید و باقی بچیب اشخاص واسطه و محصلین میرفت \*

یک فایده دیگر که در اجرا نقشه فوق تصور بودی این بود که مقدار کتیری اسناد دولتی در معاملات ایران رواج می یافت چه که اسکاس ( نوت های بانک ) و مسکوکات نقره کلیه برای معاملات و احتیاجات داد و ستد کافی نبود \*

و در بعضی صور خرج حمل و نقلی پول های ایرانی از طهران بشهرها و مراکز ایالات و ولایات داخله از صدی هشت تا صدی یک کمتر نمیشد و علاوه بر این دولت مجبور بود که خسارت ( تاوان ) ضرر اسکاس هائیکه با بست حمل و نقل و مفقود می شد تحمل نماید و « همچنین پول هائیکه بانکها از جای بجای حمل و نقل می نمودند در صورت مفقود

شدن دولت مسئول نادیده خسارتش بود \* مترجم »  
رواج آزادانه آن قسم اسناد خزانه باعث اعتماد و اطمینان مردم و جاری شدن اسناد دیگر میشد و به بعضی اعتبارات در مواقع بلتیمی هم کما بیش در بازارهای خارجه بفروش می رسید \*

تعرفه موجوده گمرکات یادگار پسندیده است از صداقت و خلوص همسایه شمالی ایران چون نرخ و مقادیر گمرکی آن بین دولت ایران و دول اروپا معین شده بود بدون رضایت ایشان تغییر پذیر نبود فهرست های تعرفه مزبوره در زمان مسیونوز صاحب منصب و رئیس بلجیکی گمرک ترتیب یافت مسیونوز با اینکه مستخدم ایران بود در تحت حمایت دولت روس بلکه یکی از مأمورین و کاشنگان آن دولت بشمار میرفت چنانچه سایر هموطنانش مستخدم در ایران هم دارای همین شرافت می باشند یک شاهد میلان روس دوستی مسیونوز اینست که تعرفه جاریه را بقسمی ترتیب داده بود که بکلی برخلاف صرغه و صلاح و مضر بفواید ایران است و بجدی بمنافع و اغراض روس مفید می باشد که در نظر کسانی که « ایرانیان » برای آنها ترتیب داده شده بود از مخوس ترین و بی حاصل ترین تعرفه های عالم بشمار میرفت \*

نقص بزرگ آن تعرفه « و حال آنکه حاوی منافع روس و ضرر و خسارت ایران بود » این است که بجدی از اندازه اعتدال خارج است که بخارجی که برای محافظت از قباچاق سرحدات با اداره گمرک تحمیل شده خیلی بیشتر است از گمرکی که از آن امکه بدولت و اصل میشد (۱) در صورتیکه نرخ گمرکات بالمضاعف شود موافق و اعتدال انصاف

(۱) وقتیکه استاتسبک واردات و صادرات سنه ۱۹۰۹ مراجعه شود میزان اعتدال تعرفه بخوبی مکشوف خواهد شد کلیه واردات و صادرات در آن دو سال با هشتاد و یک میلیون و سیصد و نود و پنج هزار و چهار صد و هفتاد تومان « ۸۱۳۹۵۴۷۰ »

و گمرکی که از آن عاید دولت گردیده بود سه میلیون و شش صد و سی و چهار هزار و سی و دو تومان « ۳۶۳۴۰۳۳ » بود که کمتر از صدی چهار و نیم باشد \* صادرات و واردات امتعه روسی و ایرانی « یعنی امتعه که از ایران بروسیه و از روسیه به ایران حمل و نقل میشد » در آن دو سال موازی چهل و هشت میلیون و نهصد و ده هزار و چهار تومان « ۴۸۹۱۰۴۰۴ » بود که بیشتر از نصف کل است \* نرخ گمرکی امتعه و مال اتجاره روسی بشمار کم و نا قابل است \* « بزرگترین امتعه روس که با ایران وارد میشود شکر است که گمرکش صدی سه می باشد و همچنین « نفت تصفیه شده » که گمرکش صدی نیم می باشد » \*

کامل و صرفه حقه تجارت چه داخله و چه خارجه بوده و بکمال سهولت عایدات منظم ثابته بدولت تواند رسید بلی این تعرفه که مانند آوارس ملت بی تجربه و خوش باور ایران فرود آمد نتیجه مشورت با مستشاران اجنبیه مالیه بود اعتراض شخصی آن مستشاران عوض اینکه صرفه و صلاح ملتیکه آنها را مستخدم کرده بود بکار برده شود توجه ملت را بطرف دیگر معطوف داشت (کردند هر چه را که خواستند) ترتیب تعرفه مزبوره در تحت ریاست مشیونوز شاهد خوب و دلیل متقنی است برای اثبات «جوهر خد وصیت و روح حقیقت» دوسنی که حکومت بطر سبرگ از یازده سال قبل به این طرف بچالاکو بعنوان موجبات از دیاد تعلقات و روابط با ضعیف ترین خواهر خود ایران اظهار مینمود ان تعرفه که فقط برای از دیاد منافع و صرفه دولت روس ترتیب داده شد کویا دولت انگلیس را با اینکه چشمهایش برای جلب فواید تجاری باز و کشاده بود و از هر طرف مواظب حفظ صرفه و صلاح خود بود بغفلت انداخت یعنی چشمهایش را بست چون انگلیس ها مسبب نوزی از خود شان نداشته و یا بمرض کمی اقتدار و نفوذ مبتلا بودند مجبور شدند که آن قبح دواي جوشانیده تعرفه را که روسها مراب و بدست آنها داده تا در دو فطره آخر طر کشیده و نوش جان فرمایند نتیجه این شد با اینکه همه اعتراف و تسلیم دارند که تمام اقسام امتعه و مال آنجاره روسی با استثنای خاویار «نخم ماهی» بست تر و ناقابل ترین امتعه ها است با این حال تجار روسی کلیه تجارت نصف تمام نقاط شمالی ایران را به تصرف خود در آورند این تفوق و غلبه تجارت روس بر تجارت سایر ملل بواسطه پیروی نمودن از آن مسلك پوسیده و طریقه مندرسه فدیوی روس است که امتعه که از اروپا به ایران حمل و نقل میشود سر بسته «بدون گمرک» اجازه عبور ندهد \* تقریباً هیچ يك از دول متمدنه همچو مسلكی را در باب عبور مال التجاره از مملکت خود منصفانه رعایت نموده اند وجود چنین مسلك در روسیه مستلزم این شده که مال التجاره را از راههای دور و دراز و طرق صعب العبور و خطرناك کاروانی از بنادر خلیج فارس حمل و نقل نمایند تجار امتعه انگلیسی و اتباع خارجه اگر بخواهند مال التجاره خود را از روسیه عبور داده بشمال ایران وارد نمایند چاره برای ایشان جز این نیست که بار گران گمرک روس و تأخیر و تعللات مأمورین گمرکی روس را تحمل نمایند \*

بسیار جای تعجب است که دولت روس از اختیار همچو مسلك ظالمانه جا برانه و خود

خواهانه خطای خود را ملتفت نشده است یکسال با چندی قبل دولت روس دفعه ملتفت شد که یکی از امضاء کنندگان معاهده بست بین المللی خود اوسمی باشد بموجب معاهده مزبوره بسته های پستی «کلی پستال» که از روسیه «یا سایر ممالک چنانچه همه جا معمول است» عبور می نماید باید سر بسته گذشته و از حقوق گمرکی معاف باشد نتیجه این سهو نظر و خطائیکه از روسها سر زد این شد که امروز مقدار عمده مال التجاره «اروپ» بصورت «کلی پستال» از روسیه عبور نموده و روز افزون وارد ایران میشود این مسئله بیشتر اسباب تغییر و شرمندگی مأمورین و تجار روسی شده است \*

از سی سال قبل باین طرف بقدری خسارت و نقصان بتوسط اجانب به ایران وارد آمده که امروز در های معاهدات و اختیار تعیین شروط آن و استقرض یا حق اعطای امتیازات و اتحاد بکلی برویشان مسدود و اختیار ایشان مسلوب گردیده است همه آن حقوق به امضاء سلاطین و وزرای متقلب خود خواه از ایشان ساقط شده است برای اینکه در ضرر و نقصان ملت پسرزکارهای خود شان نائل شده باشند روسها همیشه دلال هر زکیهای سلاطین ایران بوده و همیشه به آن سیاه مستان «بد مستان» مدهوش شرابهای «رم» می بینموده تا حقوق موروثی خود شان را بر اینگان بفروشند اثرات از دیاد نفوذ اجانب از این رو شد که امتیازات بی دربی از دولت گرفته تا حدیکه تمام منابع و سرچشمه های منافع و عایدات دولتی را به قسمی بروی ایرانیان بستند که امروز دولت ایران قدرت بجلب منفعت قلیلی هم از ملک خود ندارد \*

شروع مملکت فروشی از زمان انحصار معروف دخانیات در سنه ۱۸۹۱ میلادی «مطابق ۱۳۰۸ هجری» شد از آن به بعد امتیازات راههای آهن و معادن و نفت و غیره و استقرضات متوالی بود که واقع میشد اگر ایران بخواهد یکی از ابواب ترقی را بروی خود مفتوح سازد فوراً فرامین سلاطین سالفه را بیرون آورده و دولت را از مداخله در حقوق حقه خود محروم و ممنوع ساخته و دعاوی ملیونها که از حد احصاء خارج باشد بر خلاف اقدامات دولتی اظهار می نمایند رعایا و اتباع دولت روس هرگونه ادعائی بکنند حق خواهند داشت زیرا که دولت روس حمایت آشکار و کک های رسانه از دعاوی اتباع خود میکند یکی از معاذیر و شروطیکه دولت روس برای منع از وقوع استقرض چهار میلیون «لیره» اظهار نمود و من راضی نشدم این بود که بانک استقرضی روس در

طهران که شعبه بانک دولتی روس است باید حق نظارت در مصارف آن وجه استقراض داشته باشد تصویب نمودن دولت ایران ان رای را مثل این بود که روس را به سلطنت و حکمرانی ایران دعوت کرده باشد \*

وقتیکه شروع باصلاح امور مالیّه نمودم علاوه بر چهار صد و چهل هزار تومانی که خودشان بعنوان مساعدت استقراض پیشگی گرفته بودند مأمورین ادارات بزرگ سرکری و ولایتی هم چند ماه بود که حقوق نگرفته بودند و نمایندگان (۱) «دیپلوماتی» ایران هم که در ممالک خارجه بودند سالها بود که مواجب به آنها نرسیده بود و از ایشان متوالیا مکتوبات جانگداز و اظهارات دلخراش میرسید که در «اروپا» گرفتار پرسیانی شده و کبر کرده بواسطه الود که پایشان نمیتوانند خود را به ایران برسانند و فقط جنبه و حیثیت «دیپلوماتی» شان آنها را از حبس و توقیف شدن محفوظ میداشت \*

اگر چه برای معاودت دادن اعتبار از دست رفته ایران بین اجانب سالها لازم بود ولی با این حال نهایت کوشش و اهتمام را نمودم که در تمام مدتی که رتق و فتق امور مالیّه

(۱) وقتی که شروع بکار نمودم بانک دینار نقد در خزانه دولتی موجود نبود و مبلغ غیر معینی هم برای نادیه حکمها و حواله جات دولتی و پروات خزانه و غیره که وزرای سابق و لاحق صادر کرده بودند لازم بود \* با وجود جنگ داخلی که از ابتدای سنه ۱۹۱۱ میلادی «مطابق سنه ۱۳۲۹ هجری» در کار بود در صورتیکه فقط برای مصارف لوازم جنگ یک میلیون و نیم تومان لازم بود و با وجودیکه مالیات هم بواسطه اغتشاشات از ولایات بسیار که وصول شد مبلغ چهار صد و چهل هزار تومان که پیشگی از بانک گرفته «و تفریط نموده بودند» داده شد \* و وجوه لازمه که برای گردانیدن دوایر دولتی اهمیت داشت فراهم شد و حقوق سفرای ایران تمام و داخه شد و جمیع مسئولیت های خارجی «یعنی نادیه اقساط قروض و منافع آن که برای رفع مسئولیت ایران لازم بود» ادا شد و فقط منفعتی که عاید دولت کشت این بود که پس از نادیه قروض متبدله «یعنی قروضی که از عناوین و اسامی مختلفه با استقراض اخیر تبدیل شده بود» و پیشگی هائیکه به اعتبار ان قرضه گرفته شده بود بانضمام نادیه اصل طلب بانک شاهنشاهی بعد از همه این مصارف تقریباً دو میلیون تومان از ان قرضه باقی بود وقتی که در ژانویه ۱۹۱۲ تمام امور خزانه و محاسبات را تحویل و رد نمودم بیشتر از شش صد هزار تومان جزء جمع نقدی دولت آمد به علاوه فاضل عایدات کرکی ناسیزدهم ژانویه ۱۹۱۲ بیست و دوم محرم ۱۳۳۰ \*

را در دست دارم يك حواله یا چك یا براتی را امضاء نکنم مگر آنکه اول محل نادیه اش را معین و یا برجا نموده که در راس موعده به پردازم هیچوقت هیچ چکی که خزانه دار ممضا و قبول نموده بود نکول نشد وقتی که اهالی استعکام اعتبار امضاء و قبولی خزانه دار را ملتفت شدند بدرجه اطمینان نمودند که اسناد و چکهای خزانه را بجای اسکناس قبول و ضبط مینمودند و حال آنکه حواله جات و پروات سابقه مالیّه را آنی نگاه نداشته و فوراً بقیمت نازل می فروختند در خزانه که در تحت نظارت ما بود فقط معدودی دفاتر بود که دولت در تمام مدت عمر خود آنها را ترتیب داده بود میزان دفاتر مزبوره با صورت حساب بانک های مختلف که با خزانه طرف حساب بودند مطابق بود يك دفتری هم مرتب و معین شده بود که کابینه عایدات و مخارج دولتی را بنماید ولی دولت هیچ گاه همچو صورت کل یا میزان دخل و خرجی نداشته و مایل بداشتن آن هم نبود \*

زمان کمی پس از شروع بکار دایره تفتیش سرری تشکیل داده بودم مرکب از اعضاء ایرانی که مکر و حيله و خیالات تقلب آمیز مستخدمین خزانه را تفتیش نماید ذایره مزبوره همیشه از نقشه خیالات محرمانه اعضاء ادارات مختلفه دولتی سرامی آگاهانید \*

طریقه مسکوکات ایران بسیار ساده است مسکوکات طلا چندان در معاملات رایج نبوده و مسکوک شایع عمومی همان قران است که موازی با نه «سانت» امریکا یا چیزی کمتر است هر ده قران يك تومان است ولی سکه تومانی رایج نیست بزرگترین سکه رایجه دو قرانی (و پنج قرانی نقره) است \*

بانک شاهنشاهی ایران که مرکب از هیئت کمپانی انگلیس است بموجب امتیاز ترویج و اشاعه اسکناس را بنمود انحصار داده و با قران مبادله میکرد \*

تا چندی قبل حکام ولایات ایران يك قسم قران بسیار بد صورتی سکه میزدند که مثل گلوله پهن شده و نقره تر باری بود «سیستم» (ساخت) ماشین و کارخانه ضراب خانه دولتی واقع در «خارج» طهران بسیار کهنه و فرسوده گردیده و مقرون بصره نبود کارخانه مذکور وقتیکه اسبابش از همه حث کاملاً جمع و مهیا بوده و منظم کاری نمود ماهی هفتصد هزار تومان میتوانست سکه بکند \*

مسئله امتداد و پیشرفت خط آهن در ایران مسئله بسیار غامض و پیچیده است روس و انگلیس خطوطی را طالب می باشند که مناسب با صرفه جنگی و اغراض نظامی شان بوده و با باعث تسهیل تجارت مخصوص خودشان باشد بدون تصور ترقی منافع

اقتصادی ایران با توجه بهیئت جامعه آن عقیده اشخاص بی طرف در باره ایجاد خطوط ابتدائیه مهمه این است که باید خطی تقریباً از جلفای (۱) روسیه شروع شده و از تبریز و زنجان و قزوین و همدان و خرم آباد گذشته به محمره که در ساحل خلیج فارس است منتهی شود این بزرگترین راهی خواهد بود از شمال بجنوب که از نقاط پر حاصل و زرخیز مملکت عبور می نماید و باعث از دیداد منافع اقتصادی فوری تواند شد و مکتسبت شعبه های کوچک مثل از قزوین به طهران و غیره به آن اتصال داد من مصمم بودم که از دولت ایران استدعا نمایم که قصد خود را برای کشیدن قطعات کوچک خط آهن اعلان نماید و اجازه استقراضی بدهد به سندیکتی (Syndicate) یعنی هیئت شرکائی که سرمایه آنها شخصی باشد همچو خطی بدون شبهه و تردید بسیار نافع بود در سورتیکه خود دولت مباشر تعمیر آن باشد خطوط دیگر که ذکرش سابق گذشت بتدریج در مواقع مناسبه ساخته می شد و اهمیت فوری نداشت \*



— «\*» باب دوازدهم «\*» —



— «\*» خاتمه (وقایعی که پس از حرکت مستر شوستر «\*» —

( و معاونیش از ایران بظهور پیوست بانضمام بعضی وقایع متفرقه دیگر )

وقایعی که پس از حرکت خود و معاونین امریکائییم از طهران بوقوع پیوست طوری افسوسناک است که نمیشد غیر از آن را از دولتی که مرکب از هیئت اشخاص وطن فروش

(۱) ناحیه که موسوم به جلفا است از توابع آذربایجان هنوز جزء مملکت ایران بشمار است مگر اینکه گفته شود جلفای روسیه قسمتی از توابع جلفای ایران بوده که دولت روس جزو مملکت خود گردانیده است \* مترجم

باشد متوقع بود مسیو مورنارد (۱) صاحب منصب بلجیجی گمرک که بر حسب خواهش سفارتین روس و انگلیس از طرف کابینه مأمور به تحویل گرفتن محاسبات و دفاتر خزانه شده بود روز بعد از حرکت من از پای تخت نزد مستر گرنز معاون خزانه دار آمده و حکمی از هیئت کابینه اراء نمود که بقیه السیف صاحب منصبان امریکائی را تهدید به عزل و جرمانه می نمود در صورتیکه دفاتر را فوراً تحویل ندهند و حال آنکه خودم از

(۱) مسیو مورنارد در تمام آن معاملات برای اظهار خصومت و بد نفسی خود و برای انیل مسئولیت امور خزانه نکته را فرو گذار نکرده و موقع را از دست نداده تا عاقبت بسمت خزانه دار موقتی معین شد \* اگر چه خود او به الحاق کلمه اخیره این منصب راضی نبوده و نن نمیداد ولی عاقبت الامراضی شد که برای رسیدن باسم خزانه داری بگردد هر چه را که برسد و بهر عنوان که باشد \* مسیو مورنارد پس از تحویل گرفتن خزانه ظاهراً برای غنائی و خوشامد حکومت سن بطرسبرگ مکتوبی به بلجیک فرستاد که در یکی از جزایب درج شود \* در مکتوب مزبور نکته چینی و تنقید نموده بود از وضع اداره کردن امریکائی ها امور مالییه ایران را و ایمائی «ر بزه خوانی» هم کرده بود که دو میلیون فرانک در محاسبات جاریه خزانه با بانک های مختلفه طهران مفقود شده و محل خرجش غیر معین است \* نظیر همین اظهارات را هم بوقایع نگاران روزنامه های پای تخت روسیه نموده و بایشان نوشته بود که امریکائی هائی را که در ایران باقی مانده اند توقیف خواهد نمود تا توضیح ان مسئله داده شود \* وقتیکه خبر آن اتمام در لندن بمن رسید فوراً بیانات او را تردید نموده و این جرء را هم بر آن افزودم که مشارالیه فقط آلت دست روسها است و هیچ ربط و اطلاعی از طریق اداره نمودن مالییه ندارد \*

روزیکه از طهران حرکت نمودم از حقیقت محاسبات جاریه خزانه با بانک ها کاملاً مطلع بودم \* نمی توانم تصور کنم که چه چیز مسیو مورنارد را وا داشت که مرا بچنین تمهیتی متهم نماید نه اینکه فقط مهمل و دروغ بلکه خلاف اخلاق هم بود \* چندی بعد ملتفت شدم که سبب اصلی ان خطای مضحک مشارالیه آنکه گذاردن و بدنام کردن امریکائی ها در ایران و جلوه دادن درست کاری خود در انظار روسها و جزایب بطرسبرگ بوده است وقتی که مسیو مورنارد و کابینه ایران امریکائی ها را از مسئولیت امور خزانه سبکدوش گردانیدند از محاسبات جاریه دولت ایران یا بانک شاهنشاهی معادل چندین هزار تومان که بانک مزبور بعنوان مساعدت بموجب صورت حساب جداگانه داده باقی مانده بود \* مقابل

چندین هفته قبل از حرکت کوشش وجد وجه کرده بودم که کابینه را مجبور نمایم تا طریقه و دستوری برای تحویل دفاتر و محاسبات خزانه معین کند و چند روز قبل از حرکت هم انتقال مشاغل خود را بمسئولین رسانا به کابینه اطلاع داده بودم و مشارالیه هم حاضر و مستعد شده بود که تحویل بدهد دیگر در هیچ صورتی استعمال آن تهدید غیر متوقعی که امریکائیها اظهار نفرو عدم رضایت از آن میکردند بسیار بی موقع بود و قتیکه مراسله مذکوره در حضور مسیومورنارد خوانده شد تمام ما مورین امریکائی بهیئت اجتماع از دفتر خزانه خارج شده و اظهار نمودند که دیگر هیچ گونه کاری با مسیومورنارد با کابینه نخواهند داشت مستر کرنز بعد از آن واقعه پروتست کتبی بر دو سفارت و وزراء ایران که آن طریقه جسورانه را اختیار نموده بودند فرستاد و قتیکه سفراء ملتفت شدند که رفتار وزراء از حد تجاوز نموده فوراً به کابینه اطلاع دادند که آن گونه حرکت صحیح نبوده هیئت اخیره الذکر یعنی کابینه بوضع معمول با ایران فوراً مراسله مثل همان مراسله اولیه جعل کرده و برای مستر کرنز فرستادند اظهار داشته بودند که اصل مراسله که بتوسط مسیومورنارد فرستاده شده آن بوده است در عبارات مراسله ثانویه نه تهدیدی و نه عبارت خشن ناملائی بود \*

باری مستر کرنز بلا حفظه آن مسلك صلح جوابانه وزراء مسئله پروتست را مسکوت عنه گذارده و با سفارتین روس و انگلیس که امور کابینه ایران را علانیه و آشکار در تحت نظارت خود در آورده بودند مذاکره حرکت و مراجعت بقیه ما مورین مالیه امریکائی این مبلغ اسمی « که صرف اسم و حقیقت آن معلوم نبود » سیصد هزار تومان طلب خزانه از بانک استقراضی روس بود آن مبلغ از بابت فاضل عایدات شش ماهه گمرک بود که بر حسب شرایط استقراض روس بوعده شش ماهه یعنی تا آخر سال روسی مطابق سیزدهم ژانویه ۱۹۱۲ ختم میشد \* مبلغ مذکور معنای حقیقتاً تا دو روز بعد از حرکت من از طهران بجمع دولت نیامده بود و این مبلغ حاصل عایدات گمرکی بود از شش ماه قبل از حرکت \* و در مقابل آن بانک شاهنشاهی هم آن وجه مساعد و پیشگی مذکور را داده بود مسیومورنارد پس از آنکه زمانی از تحویل گرفتن خزانه صورت حسابی که مابین خزانه دار و آن بانک شاهنشاهی هم بعضی مطالبات غیر مودی را که از زمانه درازی مطالبه میکرد و معادل سیصد و پنجاه هزار تومان میشد مطالبه « و جزو صورت حساب » نمود و دعای مطالبات سابق الذکر از چندی قبل از شروع من بشغل خزانه جاری بوده و چندین مرتبه

را در میان آورد بر حسب خواهش وزیر مختار روس امریکائیها راضی شده که توقف نموده و بلجیکائیها را در تحویل گرفتن و تفویض امور خزانه معاونت نمایند ولی بشرطیکه رعایت کاملی از مواد معاهده که بین دولت ایران و امریکائیها شده بود بعمل آید چون هیئت وزراء سرگرم و تمام همشان مصروف بتراضیه سفارتین بود مرتکب آن اشتباه نشده بودند از آن به بعد سعی نمودند که از نقشه و طرح سلوکی که وزیر مختار روس برایشان هم رئیس کان بانک مقدار مزبور را مطالبه نموده ولی وقتی که حالت حاضر آن زمان خزانه را برای او شرح داده و ملتفتش گردانیدم که خزانه در این موقع نمی تواند این گونه مطالبات را ادا نماید راضی شد که چندی مطالبه نکرده و معامله را مسکوت عنه گذارد ولی بجزدیکه امریکائیها از مسئولیت امور خزانه خارج شده و مسیومورنارد اختیارات را بدست گرفت چون بانک شاهنشاهی اطاعتی نداشت و به طریقه اداره مالیاتیش نداشت تمام دعای مطالبات مذکوره را در جزو محاسبات دولت ایران محسوب و بخرج دولت آورد \* اگر چه در بانک دیگر این گونه رفتار بی قاعده بشمار است ولی از طرف دیگر بانک هم برای وصول دعای خود چاره جز آن نداشت وقتی که مسیومورنارد صورت حساب خزانه را از بانک خواست بانک در جزو صورتیکه فرستاده بود مبلغ سیصد و پنجاه هزار تومان مساعد و پیشگی را هم محسوب داشت تصور این امر چندان مشکل نیست که وقتیکه مسیومورنارد و شرکا بلجیککش صورت حساب بانک را با دفاتر خزانه موازنه و مقابله نمودند ملتفت شدند که اختلاف حساب بیش از چند هزار تومان نبوده (همان چند هزار تومانیکه بانک از سابق ادعای نمود) صرف نظر از اشخاصی که گاردان و در امور مانیه با بصیرت می باشند اشخاص معامله دان معارفی هم می توانند بانک تا ملی ملتفت شوند که ایا ممکن است برای این تفاوت عمل توضیح و توجیهی فرار داد ولی برخلاف این مسیومورنارد بجزدایتکه علی الظاهر اختلافی در صورت حساب دید برای پیشرفت اغراض کافی یافته فوراً مصمم شد اعلان نماید که صاحب منصبان امریکائی خزانه دو میلیون فرانک را از میان برده اند شاید دیری نگذشت که برخورد او هم مکشوف شد که اشتباه جاهلانه بی هوته نموده است از آن تاریخ به بعد دیگر چیزی علی الظاهر راجع بان مسئله از مسیومورنارد تراوش ننمود پس از چندی که بتوسط جراید اروپا صورت حساب اصلی اشاعه یافت وزیر مالیه بلجیک در موقع ملاقات با وقایع نگاران جراید اظهار نموده بود که « هیچ مراسله که نسبت بمسیومورنارد می دهند که به بلجیک فرستاده بکلی بی اصل و خلاف واقع است \*

معین نموده بقدر سرسوزنی تخطی نه نمایند چند روز بعد مستر کرنز و عده از معاونین امریکائی خزانه از طهران حرکت نمودند. مستر مکاسکی که معاون دوم من و رئیس شعبه محاسبات و معاملات نقدی خزانه بود عقب مانده و همه اسم معاونت در تحویل دفاتر و محاسبات تحویل خانه خزانه بصاحب منصبان بلژیکی نمود. مستر دکلی هم با امور ضراب خانه دولتی مشغول بود تا وقتی که عوض و جانشینش از بلژیک وارد شد. خلاصه تا ماه مارس تمام امریکائیها از ایران خارج شدند بجز کرنل سیریل که بر حسب خواهش سفارتها راضی شد که بسمت و عنوان مشاق ژاندارمری در ایران بماند \*

روز بعد از حرکت از طهران در موقعیکه ماژور پرایس مشاق امریکائی ژاندارمری سواره از مسکیر وارد و گاه «باغ شاه» به پارک اتابک میرفت از در پیچ بی از خانهها گلوله باو زدند از سابق هم شهرت داشت که باید یکی از صاحب منصبان امریکائی کشته شود پس از تحقیق معلوم شد مرتکب آن حرکت و تهدید از اعضاء انجمن «تروریست» سری ارامنه روسی بوده که میخواستند به آن وسیله فواید و اغراض بلژیکی خود شان را حاصل نمایند. حمله کنندگان که چهار نفر بودند فوراً از طهران فرار نمودند بعد از چندی معلوم شد در کرده و رئیس آنها یکی از صاحب منصبان سابق ژاندارمری بوده است يك هفته پس از این واقعه آن صاحب منصب به طهران مراجعت نموده و خود را تسلیم کرد و اظهار مفصلی از نقشه آن سازش نموده و گفت که خود من در حمله بر ماژور پرایس شرکت نداشته ولی آن چهار نفر ارکان این کار که بر حسب فرقه انتخاب شده اند می شناسم و آن خانه خالی را هم که از انجا تفنگ خالی شده بود نشان داد و گفت که یا های هر چهار نفر مرتکبین را خصوصاً شخصی که حقیقاً به ماژور گلوله زده بود بسته بودند که فرار نکنند (یعنی فرار و طفره از اجراء وظایفشان) و اگر تعاقب از آنان می شد نمیتوانستند فرار بکنند و این فرقه مؤثر و دجسب را هم بیان نمود که هیچ يك از آنها خصومت و عداوتی با ماژور موصوف یا سایر امریکائیها نداشتند بلکه مصمم شده بودند پای نحوکان یکی از امریکائیها را کشته تا نقشه بلژیکی تازه بر روی کار آید (۱) یعنی دولت امریکا را

(۱) نظر به شهرتی که در این باب نمود محرك مرتکبین غرضش قلع ریشه امریکائیها از ایران بود ولی پس از وقوع آن جنایت از ترس اینکه مبادا اغراض میشود به شان از فراین مکتوف شود ان لباس بلژیکی معمول را بر آن حرکت پوشانیدند \* رعیت روس بودن مرتکبین و استخلاص محرمانه صاحب منصب مجوس و تبعیدش دلیل ثابتی باین امر است \* مترجم

مجبور بمداخله در امور ایران نموده شاید مفید بحال مملکت شود کابینه آنصاحب منصب را فوراً حبس نموده و عاقبت کار و سرانجامش معلوم نشد حقیقاً در آن قضیه که بعد از حرکت امریکائیها برای ماژور اتفاق افتاد از خوش بختی و خوش نصیبی مشار الیه بود که آن گلوله کارگر و مؤثر نیامد \*

چندی بعد از واقعه انفصال و انهدام مجلس روسها مسئله تعمیر راه آهن (ترانس روسیا) سر تا سر ایران را که از چندی قبل محل بحث و مذاکره بود دوباره پیش کشیدند این خیال و اقدام از طرف روسها چندان محل تعجب نبوده ولی همراهی دولت انگلیس با آن نقشه اگر چه بقدر يك طرفهالعین هم باشد بسیار مورد تعجب است با این حال جمعی از معمولین انگلستان شخصاً به پترسبرگ رفته که در ضمن مذاکرات منافع و اغراض دیگر خود مسئله راه آهن و طریقه سرمایه فراهم نمودن و چگونه خطوط آن را مذاکره نمایند وزارت خارجه انگلستان هم به حمایتهای پسندیده خود از ایشان تقویت و نقشه آن خطر را برای آنها کشید از شمال غربی ایران تا جنوب شرقی یعنی از بکطرف بخطوط آهن روس در جلفا متصل شود و از طرف دیگر بسرخد هندوستان الحقی برای دولت انگلیس نقشه بسیار مخوس خطرناکی بود در صورتیکه افواج روس و انگلیس سر تا سر مملکت ایرانرا فرا گرفته و بیرقهای روسی در بزرگترین و زر خیزترین ایالات ایران در حرکت و اهتزاز بوده و زمانیکه شمشیر ورشته های ابریشمی و زه حلق آویز روسی در شهر ستم دیده و بلا کشیده تبریز در کار بود دولت هند هم مسلک قدیمی خود را برای محافظت هندوستان از تعیین لرد هاردینگ (۱) بسمت فرمانفرمانی هندوستان تغییر داده و معتدل نمود دولت انگلیس اقلماً باقتضای مناسبات ظاهری و ملاحظات متعارفی باید «از گفتگوی تعمیر همچو خطی در ایران» مانع نموده باشد از امور مذکوره معلوم میشود که دولت انگلیس از هر تدبیر و اقدام بکلی مأیوس گشته و تن در داده است که همچو خط آهنی از اردوگاه و سر باز خانه و مخزن و قورخانه «استیون» های روسی بکسره و مستقیماً به سرحد مملکت هندوستان امتداد یافته و متصل شود دولت هند برای امضاء و تصویب نقشه این خط اظهار رائی که نمود فقط این بود که با کمال متانت و مال اندیشی خواهش نمود که مقدار عرض این خط در سرحد ایران با راه آهنهای هندوستان اختلاف داشته باشد

(۱) لرد هاردینگ در موقعیکه نماینده دیپلماتی و سفیر بلژیکی انگلیس در پترسبرگ بود بجدی نواقص خود را تکمیل نمود که (رسولیل) روس دوست محکم ثابتی گردید \*

ولی غافل از این که فنون جنگی و قواعد نظامی امروزه بدرجه تکمیل یافته که ممکن است قشون و فوجخانه و سایر لوازم عسکری را بکمال سهولت و آسانی به سرعت هرچه تمامتر از قطاری به قطار دیگر حمل و نقل نمود و همین که افواج روسی بخیال جنگ بکرتبه به سرحد هند برسند شاید اختلاف عرض راه باعث جلوگیری از پیشرفتشان نشود \*

یکی از اغراض دولتین روس و انگلیس که علی الظاهر از این نقشه مستنبط میشود مفلوج ساختن ابدی ایران و به گرورفتن تمام منابع مالیاتی آن بود مسیومورنارد در آنوقت رای داده بود ( ولی نه از طرف خود ) که ضامن یعنی مسئول نفع و ضرر و خیر و شر این خط باید دولت ایران شناخته شود این رای باندازه بی شرمانه و جسورانه بوده که نظیر آن دیده نشده و دولت ایران هم هیچگاه همچو راه آهنی لازم نداشته چه فقط همچو خطی حاوی اغراض نظامی است و ابتدا نظری بصره و صلاح تجارت ندارد اگر دولت ایران مجبور بضات اسناد تعمیر همچو خطی شود تمام مجاری و منابع مالیاتیش اقلأ تا صد سال بمصرف مخارج این ضیات خواهد رسید علاوه بر این اگر مضار دیگر این معامله ملاحظه شود دیده خواهد شد که ملزومات روسی فسمتی از این راه که بین جلفاء و اصفهان واقع است بجه قیمتهای گراف فوق الطاقه ( مثل نمنگهای ریفل ) برای ایرانیان بی چاره تحمیل خواهد شد بهر حال اگر خط مزبور فقط تا نقطه آخری یعنی اصفهان منتهی و ختم شود فواید صرف ننوژی و اغراض دل بخوانانه بسیاری برای روس حاصل خواهد شد و چنانچه تا سرحد هندوستان امتداد یابد فواید نظامی و نتایج جنگیش نیز برای دولت روس از حد حصر خارج خواهد بود در همچو راه آهن سر تا سر ایران تا چند نسل بعد فواید تجارتي متصور نمیشد بلکه فقط نقطه نظرش بمنافع پلنیک و اغراض سیاسی خواهد بود و هیچگونه صرفه اقتصادی که تناسب باخرج باشد برای دولت ایران نخواهد داشت \*

( پروگرام ) تعمیر « راه آهن بزرگی » هم که تا سه ماه قبل دولت انگلیس بدان اشاره مینمود که باید در ظل حمایت دوستانه دولتین بوقع اجراء گذارده شود از همین قبیل بود سرادوارد کری این مسلک جدید را برای فریب دادن عموم ساده لوحان انگلیس اختیار کرد چنانچه آزمایش شود مکشوف خواهد شد که نتیجه آن تدبیر سیاسی فقط این شد که معادل دو بیست هزار لیره سفارتین روس و انگلیس در طهران به آن « عروسک » باز بچپانیکه « دولت شاهنشاهی ایران » را تشکیل نموده بدهند آن هم بسود فیاضانه و حاتم بخشانه صدها هفت در واقع کوه

وا (۱) از هم پاشیده و از مابین شگاف هایش موش کوچکی بیرون آورند شروط مخوس پلنیک که عبارات موهومه در ضمن آن بکابینه قبولانیدند نمونه اغراض بی حقیقت و بی اصلی بود از مراسله متفق که سفارتین در هیجدهم مارس ( ۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۰ ) بدولت ایران نوشتند بی مناسبت نیست که در اینجا درج شود تا نشانی که از معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس در آزادی و ترقی و آبادی مملکت ایران بروز و ظهور نموده بخوبی واضح شود \*

مراسله سفارتین ... نظر به استحکام روابط دوستی و عوالم یکجتهی بین دولت انگلیس و دولت امپراطوری روس و دولت شاهنشاهی ایران و استقرار آن بر اساس و بنیاد رزین اطمینان بخش و تا درجه که ممکن باشد معاونت دولت ایران در اعاده دادن سر بلندی و نظم و امنیت مملکت خود سفارتین روس و انگلیس بر حسب ایماه دولتین متدوعتین خود شرف اظهار دارند که اراء ذیل را بدولت ایران پیش نهاد نمایند \*

اول اینکه دولتین متفقاً حاضر می باشند که برای مصارف لازمه دولت ایران هر یک صد هزار لیره ( بعنوان مساعده پیشگی ) کار سازی دارند در صورتیکه جواب مطلوب و مناسب این مراسله سفارتین داده شود بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی حاضر می باشند که هر یک سلسله حساب جاری برای دولت ایران افتتاح نمایند این مسئله مسلم است و جوهی که بانک استقراضی از بابت این حساب جاری بدولت ایران می پردازد به « روبل » ( منات ) خواهد بود که معادل نصد و چهل و پنج هزار و هفتصد و پنجاه « روبل » باشد \*

(۲) مبلغ مذکور بنرخ سود صدی هفت سالانه داده خواهد شد محل تأدیبه اش از وجه استقراض آینده دولت ایران خواهد بود و تمام اضافه عایدات گمرک شالی و جنوبی که تا حال در این دو بانک امانت دولت بوده به تناسب سهام روس و انگلیس ( یعنی بالمناصفه ) بمصرف تأدیبه اقساط استهلاك و سود این مساعده خواهد رسید \*

(۳) وجه این استقراض مساعده بموجب « پروگرامی » که بین کابینه و سفارتین ترتیب یافته در تحت نظارت خزانه دار کل بمصرف خواهد رسید و این هم مسلم است که قسمت عمده اینوجه بمصرف انتظامات ژاندارمری دولت معاونت صاحبمنصبان سویدی

(۱) این جمله ضرب المثل و کبابه از ویران نمودن مملکت ایران است برای منفعت کم خود نظیر این مثل که ( برای يك دستمال قبصر به را آتش میرند ) \* مترجم

باید برسد سفارتین در تقدیم این پیش نهاد بجهت حصول و از دیاد میانه که سابقاً اشاره بدان شده امیدوار اند دولت ایران خود را ملتزم بشناسد که اولاً مسلك خود را ازین تاریخ به بعد مطابق اصول معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس فرار دهد (یعنی منطقه های نفوذ را اعتراف و تسلیم نماید \* مترجم) ثانیاً بجزدیکه محمد علی شاه و سالارالدوله از ایران خارج شوند افواج غیر منظم فدائی را مرخص نماید ثالثاً سفارتین نقشه برای تشکیل و نظم مختصر فوج منظم با اثری مرتب خواهند نمود \* رابعاً معاهده در باب خارج شدن محمد علی شاه از ایران (۱) و تعیین وظیفه و تأمین عموم اتباعش برقرار خواهد شد امید داریم جواب مطلوب مناسبی بیاورد \* ج \*

« سر جارج بارکلی » « یا کلیوسکی کزبیل »

آخر کار امید و آرزوهای سفارتین بعمل آمده و در بیستم مارس ۱۹۱۲ (۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۰) یعنی دو روز بعد از وصول مراسله متفقہ مزبورہ بکابینه وزیر خارجه بحرب یا کباز یعنی دوست قدیمی ما و ثوق الدوله « چون مقاصد پسندیده دولتین مجاورتین را با کمال شغف معترف بوده مواد آن مراسله را قبول نمود و امضاء کرد » قبول شروط مزبورہ حلقه زنجیر دیگری که ساخته شده بود برای اینکه مملکت ایران را تا ابد الی دهر به یکی از دو همسایه مهربان الحاق نماید (یا رسن تازه تری بود که ایران را تا ابد اسیر دام

(۱) در ماه اوت ۱۹۱۰ مطابق شعبان ۱۳۲۹ همین دو دولت بدولت ایران اظهار نموده بودند که چون محمد علیشاه مخلوع بقصد استرداد تاج و تخت داخل مملکت شده مطابق مواد قرار دادی که در سبتمبر ۱۹۰۹ (۲ رمضان ۱۳۲۸) بین دولتین و دولت ایران به امضا رسیده تمام حقوق و وظیفه صد هزار تومانی مشارالیه ساقط شده است \* با وجود ان اظهاریکه در ماه اوت شده بود دیده میشود که همین دو دولت در هیجدهم فوریه ۱۹۱۲ (۲۹ صفر ۱۳۳۰) دولت ایران را ملتزم و مجبور می نمایند که دوباره وظیفه محمد علی را برقرار نموده و تأمین کامل بهسراهران و اتباع غارت گرش عطا نماید از یرتونور این اقدامات نا حقا نه حقیقت پرواستهای مکرره روس و صدق اظهارات عدیده سر ادوارد کری در مجلس وکلای عمومی که دولت روس همدردی باشاه مخلوع نداشته و در ازاده مضمحل نمودن دولت مشروطه و بچنگ آوردن سلطنت ایران با او شرکتی ندارد بخوبی واضح و روشن میگردد حقیقت واقع این است که منشاء اصلی و علت العلیل کامل فراهم شدن بول برای ان حمله جباولانه و غارت کرانه بواسطه اغراض کابینه پطرسبرگ بوده است \*

یکی از ان دولتین متعاقبتین دارد \* )

اگرچه به نظر تاریخی محویت و اصطلاحال ملت ایران بتوسط روس و انگلیس چندان تازگی و غرات ندارد ولی باعث رفع تألم و تحسر این واقعه هم نتواند شد وقتی هم که آزادی ملتی محو و بیکلی رفته شده باشد ممکن بود برای ارتکاب آن افعال شنیعشان اولاً محمل و معاذیر نیم موجبی قرار دهند مثل ترقی ثروت و تجارت یا تشکیل ادارات پانیکتی بهتر و منظم تری ولی در حال دولت ایران هیچ يك ازین معاذیر و نواقص وجود نداشت و جدا هیچ جای این هم نبود که ادعا یا اطمینان کرده شود که روس تمدن و ترقی ایران را تأیید خواهد نمود \*

دولتین در مقام اقدامات و مذاکراتشان با دولت ایران هیچگاه متعذر و متمسک بعذر و بهانه مختصر بهم نشدند که مثلاً این اقدامات برای بهبودی حال ملت با آسایش عمومی است افعال و اقوالشان که حس انصاف تمام اهل عالم را مشمئز و متنفر می نماید منی بر اغراض جابراه و جلب منافع خودشان بود که فقط بعنوان محافظت منافع روس با تجارت انگلیس ملت بی گناه مظلوم را قتل عام می نمودند هیچگاه کلمه هم گفته نشد که مناسبت ظاهری داشته باشد با حقوق ملیونها ملتی که حیاتشان در معرض خطر و مهلکه و حقوق شان پایمال اغراض اجاب شده است \*

جدیدترین مطبوعات راجعه بمعاملات ایران (۱) دو کتاب آبی انگلیسی است که با وجود اداری نمودن عنوانات آن و خارج و القاء کردن مطالبی که باعث سوءظن نسبت بدولتین می شد بعموم مردم آشکار تواند کرد که چه گونه حمله های خون خوارانه بدولت شاهنشاهی ایران نموده اند \* در آن مکاتیب و مراسلات يك سطر هم نوشته نشده بود که از او استنباط شود که ایران ملت دوستانه بود که همین دو دولت آزادی شاهنشاهی را اعلان وضانت کرده و با این حال در (۲) دسمبر ۱۹۱۱ همان آزادی و شاهنشاهی را محو و نابود ساختند \*

(۱) « مطبوعات دیگر راجع بامور ایران » مراسلات نمرة ۳ و ۴ است که در مارس

۱۹۱۲ به پارلمان تقدیم شده است \*

(۲) از مراسله متفقہ یازدهم سپتامبر ۱۹۰۷ سفارتین بدولت ایران برای اثبات اینستله فقره رسمی ذیل (در تحت عنوان ایران نمرة ۱ - ۱۹۱۲) قابل توجه است نظر باینکه دولتین روس و انگلیس خواستار اجتناب از موجبات تصادم بین اغراض متناسبه (علی السویه)

اکنون دیده می شود حکومت نوام انگلیس و روس در ایران برخلاف معمول تمام ادوار و از منته این اولین دفعه است که سلطنت دو پادشاه در يك اقلیم دیده می شود ولی حقیقت امر این است که آثار و شخصانیت روسی این سلطنت بیشتر از انگلیسیتش می باشد و این امر از ضعف دولت انگلیس است از اثرات همین ضعف است که ایرانیان در حالت اعدام سیاسی و عبودیت اقتصادی افتاده و هیچ کس اعتنائی بتاله و نظایات خود در نقاط و حصصی از ایران میباشند که از یکطرف متصل یا در قرب و جوار حدود افغانستان و بلوچستان؛ و از طرف دیگر بسرحد روس وصل می باشد باین جهت معاهده دوستانه مطابق مواد ذیل ما بین شان بامضا رسیده است :- \*

« بوجوب این معاهده دولتین متفق و متعهد می باشند که استقلال و آزادی ایران را کاملاً تصدیق نموده و باقی و برقرار دارند و صادقانه طالب ترقی سلامت روانه آن مملکت و حافظ فوائد متساویه تجارت و صناعت هر يك از ملل دیگر می باشند و نیز تعهد می نمایند در صورتیکه دولت ایران امتیازی بدول اجنبیه عطا نماید دولتین در نقاط متصله یا در قرب و جوار سرحد مملکت خواهش تحصیل امتیازی دیگر ننمایند \* و بجهت رفع هر گونه اختلاف و سوء تفاهم آینده و احترام از پیش آمد اموری که باعث تولید اشکال و پریشانی امور داخله ایران شود خط های مزبوره در این قرار داد تعدید شده است \* اثر و فائده هم که از عایدات دولتی ایران باستقراض آن دو دولت بتوسط بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی مترتب می شد کما فی السابق به همان حال باقی خواهد بود \* و نیز دولتین تعهد می نمایند در صورت وقوع بی نظمی ( تأخیر ) در تادیه اقساط استهلاك و سود آقرضه دوستانه با هم تبادل افکار نمایند \* و برای محافظت فواید و منافع طلب کران و منع از هر گونه مداخلات که مطابق اصول این قرار داد نباشد با اتفاق يك دیگر تدابیری نمایند که موافق قوانین بین المللی باشد \*

دولتین بوجوب این معاهده امضا شده بقدر طرفه العینی هم اصول و مبنای رعایت و احترام استقلال و آزادی ایران را از نظر خود فراموش و محو نخواهند نمود \* از انعقاد این معاهده هیچ مقصودی ملحوظ خاطر دولتین متعهدین نیست بجز اجتناب و احترام از سوء تفاهم هر يك در امور راجعه به ایران دولت شاهنشاهی ایران می تواند بکمال خوبی مطمئن شود که استقرار این معاهده بین دولتین بطریق موثری موید امنیت و آبادی و ترقی ایران خواهد بود \*

اخلاقی آنها نمی نماید باین جهت که ضعیف و از اهل آسیا و در ظل قفقاز می باشند در ظرف مدت یکسال مراکو و طرابلس و ایران یعنی سه دولت اسلامبراهمسایگان مسیحی متمدن خراب و ویران نمودند در هر صورت منظره خوشنمایی بنظر نمی آید آیا کسی خواهد توانست که صدها میلیون مسلمانان غضبتانك را ملزم نموده و نسبت تقصیر به آنان دهد آیا مسلمانان عالم میتوانند جز این تصور نمایند که واقعات سنه ۱۹۱۱ امری غیر از نتیجه اتفاق دول مسیحیه اروپا می باشد که بنیاد اسلام را از صفحه عالم برانداخته و بکنفر مسلمان را هم باقی نگذارند \*

مابین مسلمانان اهل ایران تازه احترام زیادی از مذهب نصرانیت و علوم آن شروع نموده و متداول گشته و کسب و اتخان قوانین اخلاقی مغرب زمینیان مایل و تازه تقلید و پیروی از روتبه و مسلکهای تجارقی و فنون سیاسی آنان نموده و از مفاد احکام عشره دین مسیح مطلع شده بودند با این حال اگر از مسیحیت سؤال نمایند که چه قدر و مرتبه برای ان احکام عشره باقی خواهد ماند در صورتیکه حکم « تو نباید دزدی بکنی » را بحالت مراکو و طرابلس و ایران مقایسه نمایند ابا جواب چه خواهد بود \*

مصنف درباره ایشار نفس در معاملات بین المللی فریب نخورده و بهانه هم برای گول خوردنش موجود نیست ولی از مغلوب شدن ایران می توان سر مشقی حاصل نمود که دنیای متمدن لازم است مدت مدهدی مسافرت نماید تا بتواند قامت مردانگی را علم نموده و خود را بختیار به بند اهلای ایران که در عوض بندگی حکام ظالم متقلب برای حیات و استقلال خود می جنگند مستوجب تحجید و سزاوار تحسین و سرافرازی بهتر ازین بودند ولی اکنون متأسفانه بنده وار اسیر شده و بعنوان دزد ارتجاعی و پستترین یانگی کشته میشوند شاید مدبرین و کار پردازان روس و انگلیس باین اقدامات خود در ایران فخریه و مباحات نمایند ولی بسیار مشکل است که دیگر آن ارتکاب این قبایح و شنیاع را مایه شرافت خود شناسد \*

کپلنگ ( Kipling ) گفته است که مشرق زمینیان را ممکن نیست بعجله و سرعت بزور راند و این کار مستلزم وقت و تأمل است اهلای مغرب زمین و خیالاتشان می توانند مشرق زمینیان را بطرف مقاصد خود جلب نموده و ایشان را مطیع خود سازند در صورتیکه اهلای مشرق مطمئن شوند که آنان را بطریقه سوق میدهند که نافع بحالشان باشد حقیقت واقع این است که دعاوی اخلاقی و مفاخر و شئون ملی و حب وطنی بهمان درجه که

مابین مغربیان شایع و ضایع است بهمان پایه مابین مشرقیان جاری و ساری می باشد نهایت باندازه خیالات مغربی سطحی (آشکار) نیست و طبیعتاً متنفر می باشند از تمکین و اطاعت اجانب خصوصاً در صورتیکه تصور نفع خود را نمایند \*

امیدواری نجات ایران فقط منحصر بودی باصلاحات مالیه که در حالت پریستانی و بی نظمی بود درازمنه سالقه شاید ممکن می شد که با نبودن ترتیبات صحیحه مالیاتی حکومت مقتدره مرکزیه تشکیل و منفذ شود اکثر سلاطین سابقه در برقرار نمودن حکومت مستقله با اقتداری در تمام مملکت کامیاب و نایل میشدند ولی در این زمان ممکن نیست زیرا که آن اساس سابقه که بتوان بدان وسیله امور را منظم نمود بر چیده شده است مگر در صورتیکه اصول موثره مالیاتی و امور متعلقه به آن را کاملاً اداره نمایند ایرانیان هم خودشان این نکته را بخوبی ملاحظه شده اند بااستنهای امراء و اعیان متقلب و مستخدمین خائن دولتی سائر طبقات نهایت میل و آرزو را بتقابل شدن ما داشتند روسها این احساسات ملیه را ملاحظه شده و هیچگاه راضی باقتدار ما نبودند و همین خوفشان این بود که مبادا ما موفق باصلاح مالیه بشویم بهترین دلیلی است بر تحسین و تمجید افعال ما زیاده بر این بحث و تطویل لا طویل است \*



«ضمیمه»

قانون اساسی که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه وضع و درسی و یکم دسامبر ۱۹۰۶ (مطابق چهاردهم ذیقعده ۱۳۲۴) مضا و مجرا گردید \*

مقام قانون اساسی که در هشتم اکتوبر ۱۹۰۷ (مطابق بیست و نهم شعبان ۱۳۲۶) بامضا و لیعهد و جانشین شاهنشاه سعید رسید \*

قانون مصوبه سی ام ۱۹۱۱ (مطابق غره جمادی الثانیه ۱۳۲۹) مجلس راجع به تفویض نظارت و تفتیش به خزانه دار کل در باب استقراضیکه در سنه ۱۹۱۱ از بانک شاهنشاهی شده بود \*

قانون سیزدهم ژون که مجلس در دوازدهم ژون ۱۹۱۱ (مطابق چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) بیعت نظم و تنقیح امور مالیه ایران تصویب نموده بود \*

مکتوب (سرباز) با امضاء مسز مورگان شوستر بروز نامه تمس لندن مورخه بیست و یکم اکتوبر ۱۹۱۱ (مطابق بیست و هفتم شوال ۱۳۲۹) \*

مراسلات مابین سر جارج بار کلی وزیر مختار انگلیس و پاکلیوسکی کریل وزیر مختار روس در طهران و مسز مورگان شوستر \*

معاهده بین مسز مورگان شوستر و مازور استوکس صاحب منصب فوج هند انگلیس در باب استخدام سه ساله بعنوان ریاست ژاندار مری خزانه مورخه بیست و چهارم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق بیست و هفتم رجب ۱۳۲۹) \*

سواد معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس \*

تعلق مسز لاج در «سوی هتل» لندن بتاريخ بیست و نهم ژانویه ۱۹۱۲ (هشتم صفر ۱۳۳۰) \*

سواد دو «آرتیکل» روزنامه «نیش» ملی مطبوعه لندن که مصنف از مدیر جریده مرپوره اظهار تشکر مینماید برای مجاز شدن در درج آن (۱) آزادی مفقود شده ایران «۲» ایران در حالت التجا است \*



قانون اساسی

\* مورخه ۱۴ ذیقعده ۱۳۲۴ و ۲۹ رمضان ۱۳۲۵ \*

— «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» —

آنکه مطابق فرمان معدلت بنیان همایونی مورخه ۵ اوت ۱۹۰۶ «مطابق ۱۴ جمادی الاخری ۱۳۲۴» از برای ترقی و سعادت ملک و ملت و تشدید مبانی دولت و اجرای قوانین شرع حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله امر بتأسیس شورای ملی فرمودیم و نظر بدان اصل اصیل که هر يك از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عموم علی قدر مراتبهم محق و سهیمند تشخیص و تعیین اجزاء مجلس را با انتخاب ملت محول داشتیم اینک که مجلس شورای ملی بر طبق نیات مقدسه ما افتتاح شده است اصول و مواد نظامنامه اساسی شورای ملی را که مشتمل بوظایف و تکالیف مجلس مزبور و حدود و روابط آن نسبت بادارات دولت است از قرار اصول ذیل مقرر میفرمائیم \*

— «در تشکیل مجلس» —

\* اصل اول \*

مجلس شورای ملی بموجب فرمان معدلت بنیان مورخه چهاردهم جمادی الاخری ۱۳۲۴ مؤسس و مقرر است \*

\* اصل دوم \*

مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایرانست که در امور معاشی و سیاسی و وطن خود مشارکت دارند \*

\* اصل سیم \*

مجلس شورای ملی مرکب است از اعضای که در طهران و ایالات انتخاب میشوند و

محل انعقاد آن در طهران است \*

\* اصل چهارم \*

عده انتخاب شوندگان بموجب انتخابنامه علیحده از برای طهران و ایالات فعلاً یکصد و شصت و دو نفر معین شده است و بر حسب ضرورت عده مزبوره تزیاید تواند یافت الی دو بیست نفر \*

\* اصل پنجم \*

منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب میشوند و ابتداء این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد پس از انقضاء مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر يك از منتخبین سابق را که بخواهند و از آنها راضی باشند دوباره انتخاب کنند \*

\* اصل ششم \*

منتخبین طهران لدی الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه و مذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات با اکثریت منات اعتبار و اجراء است \*

\* اصل هفتم \*

در موقع شروع مذاکرات باید اقلأ دو نالت از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه ربع از اعضاء باید حاضر بوده و اکثریت اراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند \*

\* اصل هشتم \*

مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی بر طبق نظامنامه داخلی مجلس بشخصیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح ازل مجلس است مفتوح و مشغول کار شود \*

\* اصل نهم \*

مجلس شورای ملی در مواقع تعطیل فوق العاده منعقد تواند شد \*

\* اصل دهم \*

در موقع افتتاح مجلس خطابه بحضور همایونی عرض کرده بجواب خطابه از طرف فرین الشرف ملوکانه سرافراز و مباهی میشود \*

\* اصل یازدهم \*

اعضاء مجلس بدو که داخل مجلس میشوند باید بترتیب ذیل قسم خورده و قسم نامه را امضاء نمایند \*

✽ صورت قسم نامه ✽

ما اشخاصی که در ذیل امضاء کرده ایم خداوند را بشهادت میطلبیم و بقرآن قسم یاد میکنیم ما دام که حقوق مجلس و مجامع این نظامنامه محفوظ و بحری است تکالیفی را که بمارجوع شده است مهیا نمائیم با کمال راستی و درستی وجد و جهد انجام بدهیم و نسبت باعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل منعم خود مان صدیق و راستگو باشیم و با اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران \*

✽ اصل دوازدهم ✽

هیچ عنوان و هیچ دست آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض امضاء آن بشود اگر احیاناً یکی از اعضا علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد باز باید اجراء سیاست در باره او با استحضار مجلس باشد

✽ اصل سیزدهم ✽

مذاکرات مجلس شورای ملی از برای اینکه نتیجه آنها بوقع اجراء گذارده تواند شد باید علنی باشد روزنامه نویس و قلمشاهی مطابق نظامنامه داخلی مجلس حق حضور و استماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند تمام مذاکرات مجلس را روزنامهچیان میتوانند بطبع برسانند بدون تعریف و تغییر معنی تا عامه ناس از مباحث مذاکره و تفصیل گذارشات مطلع شوند هر کس صلاح اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی برنگارد تا هیچ امری از امور در برده و بر هیچ کس مستور نماند لهذا عموم روزنامهچیان مادامیکه مندرجات آنها منحل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و معتادند که مطالب مفیده عام المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس و صلاح اندیشی خلق را بر آن مذاکرات بطبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامهچیان و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و با اعتراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افتراء بزند قانوناً مورد استنطاق و مجازات خواهد شد \*

✽ اصل چهاردهم ✽

مجلس شورای ملی بوجوب نظامنامه علیحده موسوم بنظامنامه داخلی امور شخصی خود را

از قبیل انتخاب رئیس و منشیان و سایر اجراء و ترتیب مذاکرات و شعب و غیره منظم و مرتب خواهد کرد \*

✽ در وظائف مجلس و حدود و حقوق آن ✽

✽ اصل پانزدهم ✽

مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل آنچه را صلاح ملک و ملت میدانند پس از مذاکره و مذاقه از روی راستی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و اطمینان با تصویب مجلس سنا بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصره هایونی موثع و بوقع اجراء گذارده شود \*

✽ اصل شانزدهم ✽

کلیه قوانینی که برای تشدید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانهها لازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد \*

✽ اصل هفدهم ✽

لوائح لازمه را در ایجاد قانونی با تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم حاضر مینماید که با تصویب مجلس سنا بصره هایونی رساننده بوقع اجراء گذارده شود \*

✽ اصل هیجدهم ✽

تسویه امور مالییه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها و رد و قبول درعوض و قروضات همچنان همیزهایی جدیده که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهند بود \*

✽ اصل نوزدهم ✽

مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات و ممالک ایران و تجدید حکومتها پس از تصویب مجلس سنا اجری آرای مصوبه را از اولیای دولت بخواهد \*

✽ اصل بیستم ✽

بودجه هر يك از وزارتخانهها باید در نیمه آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد \*

✽ اصل بیست و یکم ✽

هر گاه در قوانین اساسی وزارتخانهها قانونی جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقرر لازم شود با تصویب مجلس شورای ملی صورت خواهد گرفت اعم از این که لزوم آن امور از مجلس عنوان یا از طرف وزراء مسؤل اظهار شده باشد \*

✽ اصل بیست و دوم ✽

مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا میکند بنصوب مجلس شورای ملی خواهد بود \*

✽ اصل بیست و سوم ✽

بدون تصویب شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکتهای عمومی از هر قبیل و بهر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد \*

✽ اصل بیست و چهارم ✽

بستن عهد نامه ها و مقاوله نامها اعطای امتیازات « انحصار » تجار تجارنی و صنعتی و فلاحی و غیره اعم از این که ظرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهد نامهایی که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد \*

✽ اصل بیست و پنجم ✽

استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد \*

✽ اصل بیست و ششم ✽

ساختن راههای آهن یا شوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کمپانی اعم از داخله و خارجه منوط بتصویب مجلس شورای ملی است \*

✽ اصل بیست و هفتم ✽

مجلس در هر جا نقضی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسؤل در آن کار اخطار خواهد کرد وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد \*

✽ اصل بیست و هشتم ✽

هر گاه وزیری برخلاف یکی از قوانین موضوعه که بصدقه های یونی رسیده اند یا تشبیهکاری احکام کتبی یا شفاهی از پیشگاه مقدس ملوکانه صادر نماید و مستمسک مسأله و عدم مواظبت خود قرار دهد بحکم قانون مسؤل ذات مقدس هابون خواهد بود \*

✽ اصل بیست و نهم ✽

هر وزیری که در امری از امور مطابق قوانینی که بصدقه های یونی رسیده است از عهده جواب بر نیاید و معلوم شود که نقض قانون و تخلف از حدود مقرر کرده است مجلس عزل او را از پیشگاه های یونی مستدعی خواهد شد و بعد از وضوح خیانت در محکمه عدلیه دیگر بخدمت دولتی منصوب نخواهد شد \*

✽ اصل سی ام ✽

مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه بتوسط هیئتی که مرکب از رئیس و شش نفر از اعضاء که طبقات شش گانه انتخاب کنند بعرض پیشگاه مقدس ملوکانه برساند وقت شرفیابی را باید بتوسط وزیر دربار از حضور مبارک استیذان نمود \*

✽ اصل سی و یکم ✽

وزراء حق دارند در اجلاسات مجلس شورای ملی حاضر شده و در جایی که برای آنها مقررات نشسته مذاکرات مجلس را بشوند و اگر لازم دانستند از رئیس مجلس اجازه نطق خواسته توضیحات لازمه را از برای مذاکره و مذاقعه امور بدهند \*

— « ✽ در اظهار مطالب مجلس شورای ملی ✽ » —

✽ اصل سی و دوم ✽

هر کس از افراد ناس میتواند عرض حال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً بدفتر خانه عریض مجلس عرضه بدارد اگر مطلب راجع بخود مجلس باشد جواب کافی باو خواهد داد و چنانکه مطلب راجع یکی از وزارت خانها است بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نماید و جواب مکفی بدهند \*

✽ اصل سی و سوم ✽

قوانین جدیدی که محل حاجت باشد در وزارتخانه های مسؤل انشاء و تنفیج یافته بتوسط وزراء مسؤل یا از طرف صدر اعظم مجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب مجلس بصدقه های یونی موشع کشته بموقع اجرا گذاشته میشود \*

✽ اصل سی و چهارم ✽

رئیس مجلس میتواند بر حسب لزوم شخصاً یا بخواهش ده نفر از اعضاء مجلس یا وزیر اجلاسی مجرمانه بدون حضور روز نامه نویس و تماشاچی یا انجمن مجرمانه مرکب از عدده منتخبین از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور در آن نداشته باشند لکن نتیجه مذاکرات انجمن مجرمانه وقتی مجری تواند شد که در مجلس

محرمانه با حضور سه ربع از منتخبین مطرح مذاکره شده یا کثرت آراء قبول شود اگر مطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد ماند \*

❖ اصل سی و پنجم ❖

اگر مجلس محرمانه بتقاضای رئیس مجلس بوده است حق دارد هر مقدار از مذاکرات را که صلاح بداند با اطلاع عموم برساند لکن اگر مجلس محرمانه بتقاضای وزیر بوده است افشای مذاکرات موقوف با اجازه آن وزیر است \*

❖ اصل سی و ششم ❖

هر یک از وزرا میتواند مطلبی را که مجلس اظهار کرده در هر درجه از مباحثه که باشد استرداد کند مگر اینکه اظهار ایشان بتقاضای مجلس بوده باشد در این صورت استرداد مطلب موقوف بموافقت مجلس است \*

❖ اصل سی و هفتم ❖

هرگاه لایحه وزیر در مجلس موقف قبول نیافت منضم بملاحظات مجلس عودت داده میشود وزیر مسئول پس از رد یا قبول ایرادات مجلس میتواند لایحه مزبوره را در ثانی مجلس اظهار بدارد \*

❖ اصل سی و هشتم ❖

اعضای مجلس شورای ملی باید رد یا قبول مطلب را صریح و واضح اظهار بدارند و احدی حق ندارد ایشان را تحریص یا تهدیدی در دادن رأی خود نماید اظهار رد و قبول اعضای مجلس باید بقسمی باشد که روزنامه نویس و قاضی هم بتوانند ادراک کنند یعنی باید آن اظهار بعلامات ظاهری باشد از قبیل اوراق کبود و سفید و امثال آن \*

— ❖ عنوان مطالب از طرف مجلس ❖ —

❖ اصل سی و نهم ❖

هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که افلاً یا نازده نفر از اعضای مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند در این صورت آن عنوان کتیباً بر رئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو در انجمن تحقیق مطرح مدافعه قرار بدهد \*

❖ اصل چهل ❖

در موقع مذاکره و مدافعه لایحه مذکوره در اصل سی و نهم چه در مجلس و چه در انجمن تحقیق اگر لایحه مزبوره راجع بیکی از وزراء مسئول باشد مجلس باید بوزیر مسئول اطلاع داده که اگر بشود شخصاً والا معاون او بمجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود \*

شود لایحه و منضات آن را باید قبل از وقت از ده روز الی یکماه باستثناء مطالب فوری از برای وزیر مسئول فرستاده باشند همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم باشد پس از مدافعه مطلب یا حضور وزیر مسئول در صورت تصویب مجلس با کثرت آراء رسماً لایحه نگاشته بوزیر مسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد \*

❖ اصل چهل و یکم ❖

هرگاه وزیر مسئول در مطلب معنون از طرف مجلس بمصلحتی همراه نشد باید معاذیر خود را توجیه و مجلس را متقاعد کند \*

❖ اصل چهل و دوم ❖

در هر اسری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر از جواب است و این جواب نباید بدون عذر موجه بیرون از اندازه اقتضاء بعهده تأخیر بیفتد مگر مطالب محرمانه که مستور بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد ولی بعد از انقضاء مدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس ابراز نماید \*

— ❖ در شرایط تشکیل مجلس سنا ❖ —

❖ اصل چهل و سوم ❖

مجلس دیگری بعنوان «سنا» مرکب از شصت نفر اعضاء تشکیل می یابد که اجلاسات آن بعد از تشکیل مقارن اجلاسات مجلس شورای ملی خواهد بود \*

❖ اصل چهل و چهارم ❖

نظامنامه های مجلس سنا باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد \*

❖ اصل چهل و پنجم ❖

اعضای این مجلس از اشخاص خبیر و بصیر و متدین و محترم مملکت منتخب میشوند سی نفر از طرف قرین الشرف اعلیحضرت هایونی استقرار می یابند یازده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت یازده نفر بانتخاب اهالی طهران و یازده نفر بانتخاب اهالی ولایات \*

## \* اصل چهل و هشتم \*

پس از انعقاد «سنا» امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا یا از طرف هیئت وزراء عنوان شده باشد باید اول در مجلس سنا تفریح و تصحیح شده با اکثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی برسند ولی امور بکه در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص مجلس شورای ملی خواهد بود و قرار داد مجلس در امور مذکوره باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظاتی را باین مجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است که ملاحظاتی مجلس سنا را بعد از مدافعه لازمه قبول یا رد نماید \*

## \* اصل چهل و نهم \*

ما دام که مجلس سنا انعقاد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بصحده هایونی موثق و بوقع اجراء گذارده خواهد شد \*

## \* اصل چهل و دهم \*

هر گاه مطلبی که از طرف وزیری پس از تفریح و تصحیح در مجلس «سنا» مجلس شورای ملی رجوع میشود قبول نیافت در صورت اجماع مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضای دو مجلس بالسویه تشکیل یافته در ماده متنازع فیها رسیدگی میکنند رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت میکنند اگر موافقت دست داد فیها والاشرح مطلبها بعرض حضور ملوکانه میسرانند هر گاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند مجری میشود و اگر تصدیق فرمودند امر تجدید مذاکره و مدافعه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیئت وزراء هم جداگانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان هایونی بانفصال مجلس شورای ملی صادر میشود و اعلیحضرت هایونی در همان فرمان حکم تجدید انتخاب میفرمایند و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق را مجدداً انتخاب کنند \*

## \* اصل چهل و یازدهم \*

منتخبین جدید طهران باید بفاصله یکماه و منتخبین ولایات بفاصله سه ماه حاضر شوند و چون منتخبین دارالخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهند شد لیکن در ماده متنازع فیها گفتگو نمیکند تا منتخبین ولایات برسند هر گاه مجلس جدید پس

از حضور تمام اعضاء اکثریت نام همان رأی سابق را امضا کرد ذات مقدس هایونی آن رأی مجلس شورای ملی را تصویب فرموده امر با اجرا میفرمایند \*

## \* اصل پنجاهم \*

در هر دوره انتخابیه که عبارت از دو سال است يك نوبت بیشتر امر بتجدید منتخبین نخواهد شد \*

## \* اصل پنجاه و یکم \*

مقرر آنکه سلاطین اعقاب و اخلاف ما حفظ این حدود و اصول را که برای تشیید مبانی دولت و تاکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه عدالت و آسایش ملت برقرار و مجری فرمودیم وظیفه سلطنت خود دانسته در عهد شاسند فی شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۲۴ \*





این قوانین اساسی مجلس شورای ملی و مجلس سنا که حاوی پنجاه و یک اصل است صحیح است

فی چهاردهم شهر ذی قعدة ۱۳۲۴  
عجل صحه مبارکه هابونی  
روحنا فداء

در ظهر همین ورقة امضاء و امضاء  
مشیرالدوله

«ترجمه پروفیسر برون»

متعم قانون اساسی

— «مورخه ۲۹ شعبان ۱۳۲۵» —

— «—» —

— «بسم الله الرحمن الرحيم» —

اصولیکه برای تکمیل قوانین اساسیه مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴ بصره مرحوم مغفور شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار نورالله مضجعه موشخ شده اضافه میشود از قرار ذیل است \*

— «کلیات» —

— «اصل اول» —

مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا و سروج این مذهب باشد \*

— «اصل دوم» —

مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثر الله امثالهم و عامه ملت ایران تاسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفت با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشند از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند باین طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علماء که دارای صفات مذکور باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را با بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه در مجلس عنوان میشود بدقت مذاکره و غور رسی نموده هر يك از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رای این هیئت علماء در این باب مطلع و متبع خواهد بود و

این ماده تا زمان ظهور حضرت حجه عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود \*

✽ اصل سیم ✽

حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون \*

✽ اصل چهارم ✽

بای تخت ایران طهران است \*

✽ اصل پنجم ✽

الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است \*

✽ اصل ششم ✽

جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأیون و محفوظ است مگر در مواردیکه

فوائین مملکتی استثناء میکند \*

✽ اصل هفتم ✽

اساس مشروطیت جز وکلاء تعطیل بردار نیست \*

— «حقوق ملت ایران» —

✽ اصل هشتم ✽

اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی مساوی الحقوق خواهند بود \*

✽ اصل نهم ✽

افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض

هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبیکه فوائین مملکت معین می نماید \*

✽ اصل دهم ✽

غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچکس را نمیتوان فوراً دستگیر

نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر

فوراً با منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت یا و اعلام و اشعار شود \*

✽ اصل یازدهم ✽

هیچکس را نمیتوان از محکمه که باید در باره او حکم کند منصرف کرده مجبوراً بحکمه

دیگر رجوع دهند \*

✽ اصل دوازدهم ✽

حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون \*

✽ اصل سیزدهم ✽

منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ سکنی قهرماً نمیتوان داخل شد

مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده \*

✽ اصل چهاردهم ✽

هیچیک از ایرانیان را نمیتوان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور با قامت محل

ممنوع نمود مگر در مواردیکه قانون تصریح میکنند \*

✽ اصل پانزدهم ✽

هیچ مالکی را از تصرف صاحب ملک نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن

نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است \*

✽ اصل شانزدهم ✽

ضبط املاک و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون \*

✽ اصل هفدهم ✽

سلب تسلط مالکین و منصرفین از املاک و اموال منصرفه ایشان بغير عنوان که باشد

ممنوع است مگر بحکم قانون \*

✽ اصل هیجدهم ✽

تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنکه شرعاً ممنوع باشد \*

✽ اصل نوزدهم ✽

تأسیس مدارس بخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت

علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالییه و مراقبت

وزارت علوم و معارف باشد \*

✽ اصل بیستم ✽

عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال مواد مضره بدین مبین آزاد و مبری در آنها

ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده بشود نشر دهند

یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران

باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند \*

✽ اصل بیست و یکم ✽

انجمنها و اجتماعاتیکه مولد فتنه دینی و دنیوی و مخال بنظم نباشند در مملکت آزاد

است ولی مجتبعین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در آن مخصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشد \*

❖ اصل بیست و دوم ❖

مراسلات پستی کلیه محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردیکه قانون استثناء میکند \*

❖ اصل بیست و سیم ❖

افشاء یا توقیف مخاریات تلگرافی بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردیکه قانون معین میکند \*

❖ اصل بیست و چهارم ❖

اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایران را بنمایند قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون جدا گانه است \*

❖ اصل بیست و پنجم ❖

تعرض با مورین دیوانی در تقصیرات راجعه بمشاعل آنها محتاج تحصیل اجازه نیست مگر در حق وزراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود \*

❖ «قوای مملکت» ❖

❖ اصل بیست و ششم ❖

قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال آن قوای را قانون اساسی معین می نماید \*

❖ اصل بیست و هفتم ❖

قوای مملکت سه شعبه تجزیه میشود \*

اول - قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصحه همایونی لیکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است \*

دوم - قوه قضائیه و حکمیه که عبارات است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است

نحاکم شرعیه در شرعیات و بحاکم عدلیه در عرفیات \*

سیم - قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مامورین دولت بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجراء می شود بترتیبی که قانون معین می کند \*

❖ اصل بیست و هشتم ❖

قوای نلثه مزبور همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود \*

❖ اصل بیست و نهم ❖

منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک بتصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مراتب و تصویب میشود \*

❖ «حقوق اعضای مجلس» ❖

❖ اصل سی ام ❖

وکلاهی مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده اند \*

❖ اصل سی و یکم ❖

بکنفر نمیتواند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد \*

❖ اصل سی و دوم ❖

چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود \*

❖ اصل سی و سیم ❖

هر یک از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند \*

❖ اصل سی و چهارم ❖

مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملی بی نتیجه است \*

❖ «حقوق سلطنت ایران» ❖

❖ اصل سی و پنجم ❖

سلطنت و دیعه هست که (بوهبت الهی) از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده \*

❖ اصل سی و ششم ❖

سلطنت مشروطه ایران در شخص اعلیحضرت شاهنشاهی السلطان محمد علی شاه قاجار

ادام الله سلطنته و اعقاب ایشان نسل بعد نسل برقرار خواهد بود \*

✽ اصل سی و هفتم ✽

ولایت عهد در صورت تعدد اولاد به پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل و شاهزاده باشد میرسد و در صورتیکه برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان سلطنت با رعایت الاقرب فالاقرب بر تبه ولایت عهد نائل میشود و هر گاه در صورت مفروضه فوق اولاد ذکوری برای پادشاه بوجود آید حقا ولایت عهد با او خواهد رسید \*

✽ اصل سی و هشتم ✽

در موقع انتقال سلطنت و لبعهد وقتی میتواند شخصا امور سلطنت را متصدی شود که سن او بهیچده سال بالغ باشد چنانچه باین سن نرسیده باشد با تصویب هیئت مجتعه مجلس شورای ملی و مجلس سنا نایب السلطنه برای او انتخاب خواهد شد تا هیچده سالگی را بالغ شود \*

✽ اصل سی و نهم ✽

هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمی تواند جلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضاء مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید \*

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام الله مجید و به آنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ به استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عز شانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت برفی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد میکنم \*

✽ اصل چهل ✽

همین طور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمی تواند متصدی بن امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد \*

✽ اصل چهل و یکم ✽

در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوما منعقد خواهد شد و

انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید تعویق یفتند \*

✽ اصل چهل و دوم ✽

هر گاه دوره وکالت وکلای هر دو یا یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد و وکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منعقد می شود \*

✽ اصل چهل و سیم ✽

شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگر شود \*

✽ اصل چهل و چهارم ✽

شخص پادشاه از مسئولیت مبری است وزراء دولت در هر گونه امور مسئول مجلس هستند \*

✽ اصل چهل و پنجم ✽

کلیه قوانین و دستخطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجراء میشود که با امضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان دستخط همان وزیر است \*

✽ اصل چهل و ششم ✽

عزل و نصب وزراء بوجب فرمان هایون پادشاه است \*

✽ اصل چهل و هفتم ✽

اعطای درجات نظامی و نشان امتیازات افتخاری با مراعات قانون مخصوص شخص پادشاه است \*

✽ اصل چهل و هشتم ✽

انتخاب مأمورین رئیس دوائر دولتی از داخله و خارجه با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در مواقعیکه قانون استثنا نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع پادشاه نیست مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند \*

✽ اصل چهل و نهم ✽

صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید \*

✽ اصل پنجاهم ✽

فرمانفرمانی کل قشون بری و بحری با شخص پادشاه است \*

✽ اصل پنجاه و یکم ✽

اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است \*

✽ اصل پنجاه و دوم ✽

عهد نامه هائیکه مطابق با اصل ۳۴ قانون اساسی مورخه چهاردهم ذی القعدة ۱۳۲۴ است  
استار آنها لازم باشد بعد از رفع محظور همینکه منافع و امنیت مملکتی اقتضا نمود با  
نوضیحات لازمه باید از طرف پادشاه مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود \*

✽ اصل پنجاه و سیم ✽

فصول مخفیة هیچ عهد نامه + مبطل فصول آشکار آن عهد نامه نخواهد بود \*

✽ اصل پنجاه و چهارم ✽

پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق العاده امر بانعقاد فرماید \*

✽ اصل پنجاه و پنجم ✽

ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است \*

✽ اصل پنجاه و ششم ✽

مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد \*

✽ اصل پنجاه و هفتم ✽

اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حائز  
نصیح شده \*

— ✽ راجع بوزراء ✽ —

✽ اصل پنجاه و هشتم ✽

هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه ایران باشد \*

✽ اصل پنجاه و نهم ✽

شاهزادگان طبقه اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمیتوانند بوزارت  
منتخب شوند \*

✽ اصل شصتم ✽

وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر موردیکه از طرف یکی از مجلسین احضار شوند  
باید حاضر گردند و نسبت باموریکه محول به آنها است حدود مسئولیت خود را منظور دارند

✽ اصل شصت و یکم ✽

وزراء علاوه بر اینکه بنهایی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند بیست  
اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند \*

✽ اصل شصت و دوم ✽

عده وزراء را بر حسب اقتضاء قانون معین خواهد کرد \*

✽ اصل شصت و سیم ✽

لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است \*

✽ اصل شصت و چهارم ✽

وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت  
از خود شان بنمایند \*

✽ اصل شصت و پنجم ✽

مجلس شورای ملی یا سنا می تواند وزراء را در تحت مواخذه و محاکمه در آورند \*

✽ اصل شصت و ششم ✽

مسئولیت وزراء و سیاستی را که راجع به آنها میشود قانون معین خواهد نمود \*

✽ اصل شصت و هفتم ✽

در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با کثرت تمامه عدم رضایت خود را از  
هیئت وزراء یا وزیرى اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل میشود \*

✽ اصل شصت و هشتم ✽

وزراء موظفاً نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خود شان در عهده گیرند \*

✽ اصل شصت و نهم ✽

مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانه تمیز عنوان  
خواهند نمود و دیوانخانه مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائره خود محاکمه  
خواهد کرد مگر وقتیکه بموجب قانون اتمام و اقامه دعوی از دائره ادارات دولتی مرجوعه  
بشخص وزیر خارج و راجع بخود وزیر باشد \*

✽ نهم ✽

مادامیکه محکمه تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین بعده مساوی  
نائب مناب محکمه تمیز خواهند شد \*

❖ اصل هفتادم ❖

تعیین تقصیر و مجازات وارده بوزراء در موقیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور اداره خود دو چار اتهامات شخصی مدعیان کردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود \*

— ❖ افتدارات محاکمات ❖ —

❖ اصل هفتاد و یکم ❖

دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است \*

❖ اصل هفتاد و دوم ❖

منازعات راجعه بحقوق سیاسیه مربوط بحاکم عدلیه است مگر در موافقیکه قانون استثناء نماید \*

❖ اصل هفتاد و سیم ❖

تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است و کسی نمیتواند بهیچ اسم و رسم محکمه برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید \*

❖ اصل هفتاد و چهارم ❖

هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر بحکم قانون \*

❖ اصل هفتاد و پنجم ❖

در تمام مملکت فقط یک دیوانخانه تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود و آن هم در شهر پایتخت و این دیوانخانه تمیز در هیچ محاکمه ابتداء رسیدگی نمیکند مگر در محاکماتیکه راجع بوزراء باشد \*

❖ اصل هفتاد و ششم ❖

انقضاء کلیه محاکمات علی است مگر آنکه علی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد در اینصورت لزوم اخفای محکمه اعلام می نماید \*

❖ اصل هفتاد و هفتم ❖

در ماده تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید با اتفاق جمیع اعضاء محکمه بشود \*

❖ اصل هفتاد و هشتم ❖

احکام صادره از محاکم باید متادل و موجه و محتوی فصول قانونیه که بر طبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود \*

❖ اصل هفتاد و نهم ❖

در مواد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود \*

❖ اصل هشتادم ❖

روساء و اعضاء محاکم عدلیه بترتیبی که قانون عدلیه معین میکند منتخب و بموجب فرمان همبونی منصوب میشوند \*

❖ اصل هشتاد و یکم ❖

هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمی توان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفا نماید \*

❖ اصل هشتاد و دوم ❖

تبدیل ماموریت حاکم محکمه عدلیه نمیشود مگر برضای خود او \*

❖ اصل هشتاد و سیم ❖

تعیین شخص مدعی العموم یا تصویب حاکم شرع در عهده پادشاه است \*

❖ اصل هشتاد و چهارم ❖

مقرری اعضاء محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد \*

❖ اصل هشتاد و پنجم ❖

روسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظفانه دولتی را نمایند مگر اینکه آن خدمت را مجاناً بر عهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد \*

❖ اصل هشتاد و ششم ❖

در هر کرسی ایالتی یک محکمه استیفاف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است \*

❖ اصل هشتاد و هفتم ❖

محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تاسیس خواهد شد \*

❖ اصل هشتاد و هشتم ❖

حکمت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون محکمه تمیز راجع است \*

## \* اصل هشاد و نهم \*

دیوان خانه عدلیه و محکمه ها وقتی احکام و نظامنامه های عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدیرا مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند \*

— «در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی» —

## \* اصل نودم \*

در تمام ممالک معروفه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود و قوانین اساسیه آن انجمنها از این قرار است \*

## \* اصل نود و یکم \*

اعضای انجمنهای ایالتی و ولایتی بلا واسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی \*

## \* اصل نود و دوم \*

انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت نامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرره \*

## \* اصل نود و سیم \*

صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بنوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود \*

## — «در خصوص مالیه» —

## \* اصل نود و چهارم \*

هیچ قسم مالیات بر قرار نمیشود مگر بحکم قانون \*

## \* اصل نود و پنجم \*

مواردی را که از دادن مالیات معاف نوانند شد قانون مشخص خواهد نمود \*

## \* اصل نود و ششم \*

میران مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با اکثریت تصویب و معین خواهد نمود \*

## \* اصل نود و هفتم \*

در مواد مالیات، هیچ تفاوت و امتیازی فیابین افراد ملت گذارده نخواهد شد \*

## \* اصل نود و هشتم \*

تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است \*

## \* اصل نود و نهم \*

غیر از موافقیکه قانون صراحتاً مستثنی میدارد هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی \*

## \* اصل صدم \*

هیچ مرسوم و انعامی بجزینته دولت حواله نمیشود مگر بموجب قانون \*

## \* اصل صد و یکم \*

اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتیکه بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود \*

## \* اصل صد و دوم \*

دیوان محاسبات مأمور به معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریح حساب کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچ یک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز نموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبه مختلفه کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید \*

## \* اصل صد و سیم \*

ترتیب و تنظیم اداره این دیوان بموجب قانون است \*

## — «قشون» —

## \* اصل صد و چهارم \*

ترتیب گرفتن قشون را قانون معین مینماید تکالیف و حقوق اهل نظام و ترقی در مناصب بموجب قانون است \*

## \* اصل صد و پنجم \*

مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود \*

## \* اصل صد و ششم \*

هیچ قشون نظامی خارجه بخدمت دولت قبول نمیشود و در نقطه از نقاط مملکت نمیتواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون \*

## \* اصل صد و هفتم \*

حقوق و مناصب و شئون اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون \*

— «سواد دستخط مبارک هایون» —

( بسمه تبارک و تعالی )

متعم نظامنامه اساسی ملاحظه شد تماماً صحیح است و شخص هایون ما انشاء الله حافظ و ناظر کلیه آن خواهیم بود اعقاب و اولاد ما هم انشاء الله مقوی این اصول و اساس مقدس خواهند بود ۲۹ شعبان قوی ثیل ۱۳۲۵

( در قصر سلطنتی طهران )

( با )

—:O:—

— « ( ۱ ) قانون مصوبه سیم مه ۱۹۱۱ » —

✽ مطابق چهارشنبه غره جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ✽

✽ مجلس راجع به تفتیش فرضه که از بانک ✽

( شاهنشاهی شده بود )

( ماده اول ) تفتیش عالی و واقعی يك ملیون و دو بیست و پنجاه هزار لیره استقراضی که از بانک شاهنشاهی موافق قانون پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹ شده و تفتیش مخارجیکه برای این کار مطابق مواد اول و دوم و سوم و پنجم قانون نوزدهم جمادی الاولی ۱۳۲۹ تخصیص شده در تحت نظارت خزانه دار کل بوزارت مالیه سپرده میشود \*

( ماده دوم ) تا موقعیکه تشکیلات جدید وزارت مالیه ایجاد نشود تفتیش اعمال و مخارج فوق الذکر موقتاً به يك شعبه که مخصوصاً تشکیل میشود سپرده خواهد شد شعبه مذکوره در تحت نظارت خزانه دار کل خواهد بود \*

( ماده سوم ) در آخر هر ماه وزارت مالیه صورت اوضاع مالیاتی راجعه به استقراض را در ضمن راپورت تقدیم دولت مینماید \*

( ماده چهارم ) شعبه که در ماده دوم این قانون ذکر شده قائم مقام کبسیونی خواهد بود که در قانون جمادی الاولی ۱۳۲۹ مندرج است \*



— « ( ۲ ) قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ » —

— « پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹ » —

روز شنبه دهم و يك شنبه یازدهم با حضور وزیر مالیه و وزیر عدلیه و معاون وزیر مالیه و دوشنبه دوازدهم با حضور معاون وزیر مالیه و مستر شوستر خزانه دار کل راپورتیکه کبسیون قوانین راجع بنظم و ترتیب امور مالیه پیشنهاد نموده بود مورد بحث و مطابق دوازده ماده ذیل ترمیم و جرح و تعدیل و مجلس شورای ملی پیشنهاد گردید \*

( ماده اول ) خزانه دار کل مالک محروسه ایران ما مور نظارت مستقیم و واقعی

تمام معاملات مالیاتی و یولی دولت ایران است و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تفتیش محاسبات و مخارج دولتی میباشد \*

(ماده دوم) خزانه دار کل (هر قدر که زودتر ممکن باشد) تشکیلات ذیل را در وزارت مالیه برقرار خواهد نمود \*

(۱) دفتر عالی برای دریافت و وصول مالیات و عوارض و عایدات دولتی از هر قبیل اعم از مالیاتها و عوارض موجوده یا مالیاتها نیکه من بعد برقرار خواهد شد \*

(۲) دفتر عالی تفتیش و نظارت محاسبات کلیه عایدات و مخارج مصوبه و نگاهداری دفاتر راجعه به آنها \*

(۳) دفتر عالی معاملات نقدی که معاملات دولتی با بانک و اعمال راجعه بضرر سکه و صرفی و استقراض و مرابحه و استملاک و استعمال و امتیازات و قرارداد های مالیاتی و قراردادهای و اختیاراتیکه عایدات برای دولت حاصل مینماید و تعهدات پولیکه برای دولت متضمن باشد راجع به آن اداره خواهد بود \*

(ماده سوم) خزانه دار در هر یکی از دفاتر سه گانه مذکوره در ماده دوم دوایر و شعبی را که برای جریان امور آنها لازم بداند دایر خواهد نمود \*

(ماده چهارم) بعد از دایر نمودن تشکیلات مرکزی بجز داینکه وضع مملکت اجازه بدهد خزانه دار کل تشکیلاتی را که برای اداره کردن مالیات در هر یکی از ولایات لازم بداند برقرار خواهد نمود \*

(ماده پنجم) خزانه دار کل مأمور نگاهداری محاسبات خزانه مملکت است و هیچ يك از مخارج دولتی بدون امضا یا حواله اعتباری بر داخته نخواهد شد \*

(ماده ششم) خزانه دار کل نظام نامه هیئتی را که برای اجرای اصلاحات مالیاتی مواد مذکوره در مواد فوق لازم است تدارک نموده پس از آنکه بامضای وزیر مالیه رسیده (و حیثیت قانونی پیدا کرد) لازم الاجراء خواهد بود \*

(ماده هفتم) برای تشکیل هیئت تفتیشیه و نظارت مخصوص اعم از مستخدمین جدید در صورتیکه مستخدمین جدیدی لازم و قرار داد ایشان بر حسب معمول به تصویب مجلس شورای برسد و یا مستخدمیتیکه فعلاً در خدمت دولت ایران میباشدند (ایرانی باشند یا خارجه) مبلغ شصت هزار تومان بجز خزانه دار کل اعتبار داده میشود \*

(ماده هشتم) خزانه دار کل (به فوریت ممکنه بودجه دولت علیه را برای پیشنهاد

مجلس شورای ملی بابت تهیه نماید و تمام وزارتخانه ها و مستخدمین دولتی مکلفند که بدون تاخیر با مشارالیه مساعدت نمایند \*

(ماده نهم) خزانه دار کل مکلف است هر نوع صرفه جوئی که مقتضی باشد در (مصارف دولتی) و ادارات رسمی بعمل آورد و این یکی از تکالیف حتمیه مشارالیه است (ماده دهم) خزانه دار کل مکلف است که هر سه ماه بگمرانیه راپورت مفهلی در خصوص وضع مالیاتی مملکت تهیه و بدولت پیشنهاد نماید \*

(ماده یازدهم) خزانه دار کل تفتیش و تحقیقات لازمه در اصلاح قوانین موجوده مالیه و ایجاد منابع جدید عایدات که مقتضی و صلاح و مناسب دولت باشد خواهد نمود که بتوسط هیئت دولت مجلس شورای ملی پیشنهاد شود \*

(ماده دوازدهم) اختیار اجزای اداراتی که بوجب مواد فوق در تحت ریاست خزانه دار کل دایر میشود با خود مشارالیه است \*

معزز الملك رئیس افتخاری کبسیون

لایحه قانونی فوق (در جلسه ۲۴۷ مجلس شورا یکشنبه ۱۵ جمادی الثانیه ۱۳۲۹)

سیزدهم ژوئن ۱۹۱۱ به اکثریت ۶۱ رأی تصویب شد \*



( جیم )

مکتوب مستر شوستر

— «خرانه دار کل ایران» —

\* بعنوان روزنامه «تمس» راجع بمناسبات دولت ایران \*

( با دولتین روس و انگلیس )

( طهران )

\* ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ شوال ۱۳۲۹ \*

\* آقای مدیر روزنامه تمس \*

\* بموجب تلگراف روتر لندن مورخه ۱۷ اکتوبر ( ۲۴ شوال ۱۳۲۹ ) \*

روزنامه «تمس» در يك مقاله اساسی اظهار میدارد که اظهارات اخیر این جانب راجع  
بضدیت دولت روس در موضوع اصلاحات مالیه ایران و موافقت دولت انگلیس با روس  
در این مسلك خارج از انصاف و عاری از صحت است \*

اگر چه مایل نیستم در این منازعات داخل شوم ولی اهمیت موضوع و اعتقادیکه  
بانصاف ملت انگلیس و تمایلات حق خواهانه روزنامه «تمس» و مختصر نظریکه به نیکامی  
خود دارم مرا تشویق بنگارش این مکتوب داشته تقاضا مینمایم در ستونهای روزنامه  
خود درج نمایند در واقع این مکتوب حکایتی است از شمه از وقایع و حقایق که در  
این بنجماهه اقامت من در طهران چه مستقیماً در تحت نظر خودم آمده و چه در سائر دوائر  
دولتی بوقوع پیوسته است \*

پس از مذاقه بیطرفانه در این حقایق و گذشته از اثراتیکه در بسیاری از معاملات  
که شخصاً طرف بوده در خاطر من نقش بسته ولی در محکمه ثبوت پذیر نیست در عقیده  
مذکوره فوق راسخ اگر دیده ام و بدیهی است حقیقت امر را به تشخیص مردمان با فکر  
حواله کرده مطیع فتوای آنان خواهم بود \*

در دوازدهم ماه مه ( ۱۳ جمادی الاولی ) بمصاحبت سه نفر معاون امریکائی به يك

منظور واحد که ایجاد اساس مبتنی جبهه مالیه ایران باشد وارد طهران شدم در سیزدهم  
ژون ( ۱۵ جمادی الاخری ) مجلس لایحه قانونی را که خودم مسوده کرده بودم از آراء  
گذرانیده بموجب آن اختیارات نامه در امور مالیه بخزانه دار کل داده شد مقصود از  
این قانون مملکتی که پس از مذاکرات جامعه از آراء نمایندگان مات گذشت در واقع  
این بود که حالت اسفناک معشوش مالیه ایران را در تحت نظم و ترتیب در آورد هیئت  
وزراء و مجلس شورای ملی تقریباً باتفاق آراء آنرا تصویب نمودند. جای این بود ولی  
که دارای مصالح در ایران هستند با میل به آنها باسی نمایند متأسفانه قضیه بر عکس شد  
اگر چه بدیهی است دلایل محکمه پذیر در دست نیست مع هذا جدا اظهار میدارم که  
براهین کتبی کافی موجود که روی هم رفته مینمایند که مابین عده از سفارتخانههای خارجه  
در اینجا بریاست سفارت روس به و بستنی مخصوص بوده که مرا از اجراء قانون مزبور باز  
داشته و نگذارند ترتیبات عمومی جمع و خرج و محاسبات مندرجه در قانون مزبور سرکرت  
حاصل نماید بهانه های مضره آنان بر علیه این ترتیبات بسیار سست و بی اساس بوده  
صریحاً مقصود آنها این بود که جلوگیری از هر گونه تغییر عمده در اوضاع قدیم مالیه ایران  
نمایند این نهاجم تهدیدات و مزاحمت و کویه مخالفتهای آنان که حتی بمقام رزالت و  
حملات شخصی نسبت بمن و کوششهای خام در تحویف دولت ایران تزلزل نمود اگر چه  
اسباب تأخیر کار و اغتشاش بعضی اصلاحات مقدماتی مالیه گردید ولی بکلی بی اثر ماند  
از جمله تهدیدات آنها یکی این بود که سفارتخانه مخصوص گمرکات شمالی را ضبط و برای  
وصول عایدات گمرکی مأمورین از جانب خود بگیرند \*

در ماه ژویه گذشته در نقض ماده ۱۱ مقاله نامه « پروتکل » ۷ سپتمبر ۱۹۰۷  
روس و انگلیس و خصوصاً روس محمد علی پادشاه مخلوع را مجاز داشت که از خاک روس  
فرار نماید بدین معنی که روس از ( تهیه ترتیبات و افیه ) بر حق منع محمد علی از تحریکات  
سیاسی بر ضد ایران کاملاً مضایقه نمود بدرجه که بموجب اظهارات ارشد الدوله که قبل  
از قتل داشته است محمد علی با همراهان خود بارش مصنوعی و صندوقهای تفنگ و توپ  
باسم پار آب معدن از خاک روسیه عبور نمود از یکی از بنادر روسیه در یکی از جهازات  
روسی موسوم به « کریستفورس » با همراهان حرکت نموده و تقریباً مقارن ۱۸ ژویه  
( ۲۱ رجب ) بحالت يك ناراجکر مکمل مسلحی ( در کش تپه ) خاک ایران ورود نمود  
گویم که این فرار از روسیه حادثه غیر مترقبه بود و مأمورین تذکره روس در مدت

ما موریت خود بکار بحالت غفلت بوده اند باید دید که روس واقعاً ازین حادثه متأسف گردید یا خیر. بر خلاف آن همه در اینجا میدانند که نمایندگان رسمی روس در ایران خبر ورود او را بمحاکم ایران با یک مسرت علنی تلقی نمودند در ضمن این مکتوب مدال خواهی داشت که نمایندگان مزبور حتی در طی مراسلات رسمی خود بمایمورین ایران این مسرت را مستور نداشتند \*

در تاریخ ۲۳ ژوئیه (۲۶ رجب) دولت ایران مراسله مشعر با اعلان قانون نظامی بمعموم سفارتخانهها ارسال داشت. اغلبی از سفارتخانهها بترتیب معمول جواب نوشته و فقط خاطر اولیاء دولت را بمعضی از مواد عهد نامه ترک انجای جاب نمودند ولی سفارت روس از همان اول يك مسلك دیگر مخالفت آمیز را برآورد در ضمن بعضی ایرادات دعوی نمود که دولت روس حق دارد در هر وقت که بخواهد بعضی (از رعایای غیر قانونی خود را در حوادثی که فعلاً در شرف وقوع است شرکت نمایند) مستقیماً دستگیر نماید و در مراسله مزبوره معلوم بود چه اشخاصی را در نظر دارند مقصود اصلی دعوی مزبور در این موقع این بود که دست آویزی بسفارت روس و قونسلهایشان در تمام ایران بدهند که بخص نسبت نیامت روس هر ایرانی جنگجوی مشهوری را که بمساعدت دولت بر ضد محمد علی قیام نماید دستگیر نمایند. هر گاه این تمهید دستگیری به تمام تبعه روس (که در این حوادث شرکت کنند) کاملاً مراعات میشد لازم می آمد بطوریکه در این مکتوب مشاهده خواهد شد اغلبی از خود قونسلهای روس و مستخدمین قونسلگریها را دستگیر کنند \*

قونسل روس در رشت ازین هم تجاوز کرده و بدولت ایران اعلام نمود که عازم است هر کس را که تصور نیامت روس در حق او برود دستگیر و در سرفرصت تحقیق کرده و تا آخر مدت این اغتشاشات نگاه بدارد \*

در ۳۱ ژوئیه (۵ شعبان) که از تاریخ ورود او بمحاکم ایران زمانی نگذشته و هنوز بشرف محسوس بدر تسخیر مملکت نموده بود روس و انگلیس مراسله متحد المال ذیل را که حاکی تصدیق حق مبارزت شاه مخلوع میباشد بدولت ایران ارسال داشتند \*

« چون شاه سابق بر خلاف نصیحتی که کرازا دولتین انگلیس و روس بابشان کرده اند که از هر گونه فساد در ایران اجتناب نمایند مراجعت بایران نموده اند لهذا دولت انگلیس و روس تصدیق دارند که شاه سابق حق خود را از بابت مستمری که موافق « پروتکل » معین شده بود باطل نموده اند لکن از طرف دیگر دولت انگلیس و روس

چنین تصور مینمایند که چون شاه سابق در خاک ایران میباشند دولت انگلیس و روس نمیتوانند دخالت کنند بنا بر این دولت انگلیس و روس اظهار میدارند که در منازعه که بدبختانه در ایران روی داده هیچگونه دخالتی نخواهند نمود \*

این مراسله از طرف دوستان بکدولتی که بواسطه غفلت یا چیزهای دیگر ناشی از آنان دچار جنک داخلی شده در حالتیکه خود آنها صریحاً تمهید منع این گونه حوادث را باو نموده بودند تسلط و دلداری غریبی بنظر می آید ولی اگر باز همین اعلان بیطرفی را رعایت کرده بودند حرفی نبود در اینجا به بینیم بموجب اظهارات قبل از قتل ارشدالدوله نصیحتی که دولت روس بتوسط سفیر کبیر خود مقیم « وینه » بشاه مخلوع داده بچه مضمون بوده است ؟ عین مضمون شرحیکه مفر روز نامه « تمس » مقیم طهران که زبان فارسی را میداند و از زبان خود ارشدالدوله چند ساعت قبل از قتل شنیده او در روزنامه « تمس » مورخه ۱۱ اکتوبر درج است از قرار ذیل است :-

آنوقت محمد علی شاه و من در « وینه » ملاقات کردیم سفیر کبیر روس بملاقات ما آمد از او مساعدت خواستیم بما گفت که روس نمیتواند مساعدت نماید روس و انگلیس قرار دادی راجع بایران بسته اند که نمیتوانند از آن تغلف نمایند و مصمم اند در امور داخله ایران هیچوجه دخالت نکنند ولی از طرف دیگر میدان شما باز است اگر برای شما کاری نمیتوانیم بکنیم بر علیه شما هم کاری نخواهیم کرد خود شما باید بدانید که چه از پستان میروند اگر میدانید به تخت و تاج ایران میتوانید خودتان را برسانید اقدام کنید ولی بدانید که نمیتوانیم شما را کمک کنیم و اگر از عهده بر نیائید ما مسئول نخواهیم بود آنوقت ما بسفیر کبیر گفتیم چیزی که میتوانید بکنید اینست که قرضی بما بدهید جواب داد خیر ممکن نیست هر چه کردیم و مجدداً او را ملاقات نمودیم تکلیف ما را نپذیرفت همینقدر بما راهنمایی کرد که اگر شما سندی از بابت جواهراتی که در بانک استقراری در طهران موجود است در دست دارید از آن بابت میتوانید پول دریافت دارید ولی ما چون سندی نداشتیم کاری از پیش نرفت \*

ممکن است ( نصیحت دادن بشاه مخلوع که از تمریکات بر ضد ایران برهیز نماید ) بدین رویه باشد و ممکن است رویه دیگری داشته باشد و ممکن است سفیر کبیر روس که تاکنون متکرر این ملاقات با محمد علی نشده است از عزم پادشاه مخلوع که باسم خلیل قصد عبور از روسیه را داشته و نیز از زیات او بدولت خود خبر داده باشد اما عموم مردمان

بیطرف هر عقیده که در این موضوع دارند تغییر نخواهند داد \*

حال به بینیم ما مورین روسی روس در ایران مورد جدال داخلی که باین ترتیب فراهم گردیده چگونه مراعات بیطرفی را نموده اند در روز ۲۹ ژوئیه (۳ شعبان) قونسول موقتی روس در اصفهان بطوریکه معنی (عدم مداخله) را فهمیده بود صریحاً در صدد جلوگیری برونز حسیات مات راجع بحفظ مشروطیت برآمده بکارگزار مهم خارجه ایران در آنجا اینطور مینویسد \*

موافق اطلاعی که بقونسلگری رسیده است حکومت جلیله اصفهان میخواهد جمعی از علماء و اعیان و کسبه تشکیل دهند که بسفره معظم دول خارجه در خوانین محمد علی شاه تلگراف نمایند و آمدن او را بایران برونست نمایند دوستدار قبلاً زحمت اظهار میدارد بهر جا و بهر که لازم است مقرر فرمایند اعلام شود چون عمل ایران و ایرانیان است بدون جهت زحمت بسفارت سنیه و قونسولهای دولت بیه روسیه ندهند \*

وبعد از آنهم مجدداً مینویسند \*

« بدون جهت در مسئله محمد علی شاه سفارت سنیه دولت روسیه را تصدیق و قونسله را زحمت ندهید تکلیف کار گذاری در اخطار و تکلیف حکومت در جلوگیری و امتناع از این قبیل اتفاقات است و باید بمقام منع برآید » اظهارات فوق حاجت بتقسیر ندارد \*

رشید الملک تبعه ایران حاکم سابق اردبیل در موقعیکه بریاست اردوی دولتی مأمور بود خائنه از جلو عده قلیلی از شاهسون که همیشه طرفدار شاه مغلوع بوده اند فرار مینماید و برای این خیانت دستگیر و در تبریز محبوس گردید در ۲۷ ژوئیه (عقره شعبان) قونسول ژنرال روس در تبریز از نایب الا ایاله خلاصی او را مطالبه نموده و بعد از آنکه باو جواب داده می شود که رشید الملک بر حسب حکم دولت محبوس است سبب نفر سوار و سرباز مسلح روشیرا بداز الا ایاله فرستاده مستحفظین ایرانی را زده و بنائب الا ایاله هتای کی کرده رشید الملک را از محبس کشیده با خود بردند و چندی نگذشت که همین رشید الملک بیایان شجاع الدوله که تبریز را تهدید می نمودند ملحق گردیده در جواب اعتراض روسی دولت ایران راجع باین مسئله سفارت روس رسماً بتسولیت خود در صدور حکم بقونسول ژنرال تبریز اذعان نموده که برای جلوگیری از سیاست که میگفتند نسبت برشید الملک بعمل خواهد آمد اقدامات لازمه بناید دیدیم چه اقدامی قونسول ژنرال مشارالیه بعمل آورده اقدامی که در مورد دولت متساوی القوه قطعاً مفسر بچنگ

میگردند فقط عذری که سفارت روس در مقابل این تخطی آورده این بود که نمایندگان دولت بکنوع همبانی برشید الملک اعطای نموده اند حقیقت واقع این است که اصلاً حکم سیاستی در باره رشید الملک صادر نشده بود و حال آنکه اگر هم صادر شده بود روسها حق این تخطی را بهیچوجه نداشتند پس از مذاقه تامه باستاد راجعه باین حادثه بدون هیچ تردیدی میگویم که کثر رفتار استقلال شکنانه باین صراحت ممکن است تصور درآید \* در موقعی که شجاع الدوله برای حمله به تبریز تدارکات می دید و باخلویان تبریز حاضر برای دفاع میشدند قونسول ژنرال روس سراسله بحکومت محلی نوشته مشعر براینکه ابداً نباید هیچ قسم تدارکات دفاعیه نمایند در هیچ صورت در شهر نباید مبادرت بچنگ شود در صورتیکه در همان موقع یکفر از تبعه روس بریاست پیش قراولان اردوی شجاع الدوله منسوب بود \*

شجاع نظام حکومت مرند نیز بواسطه خیانت که دولت دستگیر کرده بود مأمورین روس او را از حبس بیرون بردند شجاع نظام بعد از آن خود را در مرند برقرار داشته حاکم را دستگیر نمود مأمورین روس بعد از آنکه مشارالیه در کفائی راه جلفای تبریز مستخدم است در حمایت او مداومت دارند \*

اهالی تبریز تلفات زیادی باشرار شجاع الدوله یعنی رساننده فرمانده عساکر روس در تبریز داشته از فزاق روس را بمیدان جنگ فرستاده و در آنجا بعد از اینکه زخم جرنجی به پیشانی رئیس یکی از منازل خط راه وارد آمده (در حالیکه خود این شخص بمیل خود بجوالی جنگ رفته بود) هفت نفر از ژاندارمهای ایرانی را دستگیر نموده بسر باز خانه روس باسیری بردند \*

وقتیکه محل السلطان نزدست اشراخ میخواست وارد شهر اردبیل بشود اهالی در سبب مخالفت برآمدند و بسقونسول روس فوراً مأمور خود را موسوم باسماعیل بک نزد نایب الحکومه و رئیس نظمیه آنجا فرستاده که این خبر دروغ را به آنها بدهد که محمد علی با دوازده هزار قشون بیک منزلی طهران رسیده و اعلان صفو عموم داده است و پایتخت را بمحضرت اشرف سپهدار سپرده و معری الیه هم قبول نموده است و اینکه نظمیه اردبیل منع کرده است که کسی اسم محمد علی میرزا را نبرد غلط است دوستانه بشما پیغام دادم که مستبوق باشید بخود قونسولگری هم تعلیمات داده اند که مواظب نظم شهر باشد \*

از همین قبیل اعلانات هم بتوسط جارجی در شهر انتشار دادند و باهالی آنجا اخطار

کردند که شهر را برای فتح محمد علی چراغان کرده و تدارک پذیرائی برای حاکم که از طرف او معین شده است بنمایند. بعد از این مقدمات مجال السلطان در تحت حفاظت قناتخانه وارد ردیبل شده مرتکب اعمال وحشیانه گردید پس از مختصر اقامتی در اردبیل بمجال السلطان بشجاع الدوله ملحق گردیده و قوام السلطان را بسمت حکومت در انجا گذارد نیل (فمشلو) که از اطاعت محمد علی استنکاف نمودند و بسفونسول روس برای سرکونی انها قزاق فرستاد \* فرمانده یکی از جهازات جنگی روس که مدتی در بندرگاه انزلی لنگر انداخته بود باتفاق وکیل فونسلگری روس تمام جهازات تجارتنی را که وارد بندرگاه میشد تجسس کرده مسافرین را تفتیش و بعضی را دستگیر و ابروسیه معاودت میداد \*

و فتنیکه محمد علی شکست خورده متفرق شدند عده کثیری از رؤساء آنها از فونسلگری روس در استر آباد پناه خواستند فونسول هم آنها را پذیرفته و جدتاً از استرداد آنها بمحکومت ایران برای سیاست استنکاف نمود \*

رئیس کسپون روس در کنبد قابوس به (فمش تبه) رفته با محمد علی کشاکش نمود و پس از آن بمجل مأموریت خود عودت نموده ترکانهای تبعه ایران را با تهدیدات مجبور بمساعدت با محمد علی مینمود رئیس کسپون مزبور بعد به استر آباد آمده و خود را حاکم معنوی آنجا نموده است در حالیکه قشون محمد علی بیرون شهر اقامت دارند در بندر (جز) وکیل فونسلگری روس با عده قزاق روس مأمور سرحدی ایران را دستگیر کرده محبوساً او را با استر آباد فرستاد و به انواع وحشیگری با او رفتار کردند \* در رشت یکمده از رعایای روس مسلح و بسردستگی پسریکی از مستخدمین فونسلگری روس در آنجا بک نفر تبعه ایران را دستگیر کرده و او را تا شرف بموت زدند و اعلام داشتند که هر کس بکک بکنفر از صاحبمنصبان معین ایرانی که در انجا بود بیاید گلوله خواهند زد \*

یکی از مستخدمین فونسلگری روس در رشت در این اواخر عده زیادی از اتباع روس را در خانه خود دعوت نموده و از عدم امنیت شهر صحبت میان آورد چون این اقدام اثری نبخشید و مقصود او علنی شد فراریهای روس را بعبابر فرستاده اغتشاش برپا کنند \* تمام برای اینکه اغتشاش پیدا کرده بعد دفع اغتشاش قشون روس وارد کنند \* پس از حرکت محمد علی از سواد کوه بکنفر صاحبمنصب روسی بزم دیدن اردوی او به بار فروش آمده شش ساعت در اردو مانده با شش هزار تومان (ساری) مراجعت نمود \*

در موقعیکه دولت ایران در طهران یکی از مشاهیر ارتجاعیون مجدالدوله را در ۲۳ ژویه گرفت سفرای انگلیس و روس فوراً بحمايت او دخالت کرده استخلاص او را حاصل و فوراً مشارالیه را در سفارت منحصر کردند اثریکه این اقدام در این موقع در قلب برهمنیان ایرانیان بخشید این بود که تصور نمودند که دولتین روس و انگلیس از محمد علی و ارتجاعیون حمایت دارند و بنا بر این پیشرفت دولت مشروطه را مشکلترا نمودند \*

تقریباً در ۳۱ ژویه (۵ شعبان) وکیل فونسلگری روس در انزلی چند نفر را بعد از فراری دستگیر کرده و در همان زمان فونسول روس در رشت قزاق روس با اداره نظمیه فرستاده بکنفر از اتباع ایران را که توقیف بود بعد از آنکه چراغی قرائنخانه است مستخلص نماید بموجب قرارداد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس که مفاد آنرا دولتین غالباً پیش چشم ایرانیان می آورند استقلال و آزادی ایران حاجت باین اعتراف ندارد. معیناً با وجود این قرار داد روس غریب ترین عقیده و در تناسبات بین المللی با اسم (حق حمایت) در ایران تعقیب کرده و مینماید سفارت و فونسلگری های روس نه فقط دعوی حق مطلق نسبت بتام رعایای (قانونی و غیر قانونی) روس در تمام ایران میکنند بلکه نسبت بیک طبقه دیگری از مردم خصوصاً ارتجاعیون و خائنین معروف که تبعه مسلمة ایرانند دعوی حق حمایت داشته نیکدارد خفیفترین اقدامی از طرف دولت ایران نسبت به آنها بی این که غضب و حس انتقام روس بچینش آید بشود این حمایت روس نیز آنها را از ادای مالیات بدولت ایران محفوظ میدارد و چون اغلبی از آنها بوسیله ترتیبات معلومه حکومت سابقه کسب ثمن نموده اند نه فقط باعث خسارت عمده مالیه ایران میشود بلکه اسباب ضعف دولت شده و مورت تشویق سایرین در استنکاف از ادای مالیات حقه میگردد در بسیاری از موارد کار گذاران روس اشخاصی را که حمایت میکنند خود اقرار دارند که تبعه ایران هستند در موارد دیگر بهانه که در مورد تبعیت آنها می آورند بقدری غریب است که بتصور نمی آید مثلاً اگر کسی از سفارت روس بپرسد جدتاً توضیح نمائید که چرا بانوی عظمی شاهزاده خاتم اصفهانی هزارها تومان مالیاتی را که چندین سال بدولت مقرر است نمی پردازد \* همچنین در مورد کامران میرزای معروف عموی شاه مخلوع و همچنین سئوال نماید در موقعی که در این اواخر تمصبیلدار مالیات طهران اسب شاهزاده عزالدوله را برای نپرداختن مالیات توقیف کرد چرا سفارت روس دخالت نمود؟ از جوابی که میشنود شخص سائل نمیتواند از خنده خود داری نماید گذشته از همه اینها حرف در

این است که حتی رعایای خارجه هم در ایران از ادا مالیات محلی مستثنی نیستند اگرچه بعضی دعاوی بی اصل در تفسیر ماده چهارم قرار داد گمرکی میانه ایران و روس عنوان شده است تغییر تابعیت بموجب قانون ایران موکول با اجازه پادشاه است که بایستی از بحرای رسمی بتزئیات معینه صادر شود معیناً دعاوی غربی روسها بیان آورده تعقیب می نمایند فرضاً فلان تبعه ایران که بکوفتی در فونسلگری روس منحصر بوده حالا او را برعیتی روس می شناسند یا اینکه فلان شخص بموجب حکم امیر اطور روس که بیخوفت ابراز نداشته دعوی تبعیت روس میکند قواعد و قوانین تابعیت معمولاً از طریق مذاکرات و قرارداد های دوستانه ما بین دول متعابه صورت میگیرد نه اینکه این موضوع را دولت قوی آلت دست کرده شدیداً تضییع حقوق دولت ضعیف تری را فراهم آورده است \*

بهترین نمونه از خصومت علنی روس نسبت بدولت ایران اقدامی است که اخیراً (تغ ای ناقف) فونسل جنرال روس در طهران کرده که خود من از جزئیات آن کاملاً متسوقم حفاقی آن هنوز در خاطر های مردم نازده است باید دانست که گرفتن و وحشیانه رفتار نمودن عده کثیری از فریقان روس پس گردی دو نفر صاحب منصب فونسلگری روس با لباس تمام رسمی نسبت بچند نفر ژندارم مالیه ایران و حبس آنها در جنرال فونسلگری روس نمونه ساده است از رفتار واقعی روس نسبت با ایران وقتی که ملاحظه میکنیم علی رغم قرارداد ۱۹۰۷ که بموجب آن انگلیس و روس متفقاً تمامیت و استقلال ایران را متعهد شده اند دولت روس سرنکب این عمل شده با اعتراض دولت ایران در این باب هیچ وقتی نکذاشته و دولت انگلیس هم که یکی از امضاء کنندگان قرارداد بوده در حال سکوت باین رفتار نظاره نموده است قدر و قیمت این قرارداد مشهور برای ایران فوراً معلوم می شود در مورد اعتراض دولت ایران و مطالبه عزل این سه نفر صاحب منصب فونسلگری سفارت روس این جواب مضحک را داده که در بعضی موارد در مازندران و ورامین بدولت روس توهین شده باین معنی که بعضی از اشرار مسلح در جنگ که بیرق روس بالای سر خود افراشته بودند بایستی متعرض شده باشند گویا از این اظهار مقصود آنست که بایستی آنها را گذارده باشند که آنها بطرف عساکر دولت حمله برند \*

پیش از اینها میتوانیم بشمارم از قبیل اقدامات روس در جلوگیری هر قسم از تبعیاتی که ایران بتواند خود را از قید اسارت روسیه از حیث مالیه برهاند و دعاوی انگلیس در

باب اینکه بموجب دستخط سنه ۱۸۸۸ ناصرالدین شاه دولت ایران خود حق ندارد که راه آهن در جنوب احداث نماید و این حق منحصر بدولت انگلیس است ولی اگر بخواهیم شرح این مطالب را بنویسم مطلب بطول می انجامد \*

خوب است مخصوصاً ذکر می هم از مسئله «استوکس» بشود نه از حیث اینکه این مسئله فی حد ذاته اهمیت فوق العاده را داراست بلکه بواسطه اصول مضرتی که انگلیس و روس با زحمت و بموافقت ایران برقرار داشته اند وزیر مختار انگلیس در اینجا در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۲۵ رجب رفته بن نوشت مبنی بر این که دولت انگلیس با ایشان اجازه داده است که بن اظهار دارد که «قبل از آنکه ما ژورن استوکس قبول فرمماندهی ژندار مری بخوانه را بنیاید باید از منصب خود در قشون هند استعفاء بدهد» چون در پیشنهادی که ابتیاه بآژر استوکس کرده بودم ذکر می از لزوم استعفاء او از خدمت انگلیس نشده بود حالا هم که این مطلب مطرح شده برای دولت ایران در مساعدت سه ساله با ماژور استوکس تفاوتی نمیکند لهذا طبعاً خیال کردم همین که استعفاء بدهد قبول خواهند نمود و او هم تکراراً استعفا داد با کمال تعجب معلوم شد که اقدام انگلیس در این موقع ارسال يك یاد دشتی مورخه ۸ اوت «۱۳ شعبان» بوزارت خارجه ایران بود باین مضمون: «دولت ایران را آگاهی داده میشود که در استخدام ماژور استوکس نباید اصرار نمایند مگر آنکه او را در شمال ایران بکار نکارند و اگر دولت ایران اصرار نماید دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حق دولت روس را در هر اقدامی که در حفظ منافع خود در شمال ایران لازم بدانند تصدیق خواهد نمود» عجب تهدید مختصری است ما بین دوستان ۱۱

این یاد داشت را در ۱۹ اوت «۲۴ شعبان» تجدید کرده باین مضمون اظهار داشتند: «اخطاری را که در تاریخ ۸ اوت «مطابق ۱۳ شعبان» نموده است باین مضمون که بجز اینکه استخدام ماژور استوکس برای شمال ایران نباشد دولت ایران بایستی در استخدام مشارالیه اصرار نمایند و اگر در این مسئله جد نمایند دولت پادشاه انگلستان حق دولت امیر اطوری روس را تصدیق خواهند نمود که هر اقدامی را که برای محافظت مصالح خود شان در شمال ایران لازم بدانند بنمایند» اگر جسارت نباشد خوب است بهر سیم که این منافع نامحدود در شمال ایران چیست که اینهمه اهمیت به آن میدهند مسلماً در قرارداد ۱۹۰۷ تصریحی از آن نشده است و دولت ایران هم که از آنها خبری ندارد دولت انگلیس هم تا تاریخ ۲۳ ژوئیه «۲۵ رجب» معلوم میشود بی اطلاع بوده است

والاجطور میشد در فکر قبول استعفاء مازور استوکس از خدمت قشون هند بوده باشد تا مشار الیه «کثرات» با دولت ایران را امضاء نماید از برای تکمیل این حکایت باید ذکر نمود که سفارت روس در ۱۹ اوت ۲۴ شعبان یادداشتی بوزارتخارجیه ایران بدین مضمون نوشت: «دولت امپراطوری بنابر ملاحظاتی که در مواقع خود بدولت علیه ایران بیان داشته است استخدام دولت علیه مازور استوکس را بسمت ریاست قوای مسلحه بعنوان ژاندارمری جهت وصول مالیات مخالف منافع خود میدانند و بدو ستدار امر شده است که این استخدام را بروتست نماید و اگر امر این طور باشد دولت امپراطوری برای خود اخذ حق خواهد نمود که اقداماتی که جهت حفظ منافع خود در شمال ایران لازم بدانند بعمل آورد \*»

پس از اطلاع از یادداشت اولی سفارت انگلیس بدولت ایران عقاید ذیل را بوزیر مختار دولت انگلیس اظهار داشتیم:-

با کمال توفیر من غیر رسم در خصوص مسئله بسیار مهمی راجع بکار خودم این شرح را مینویسم:- \* با کمال تعجب امشب شنیدم که دولت شما بک یادداشتی مبنی بر تعرض و تنبیه بر علیه پیشنهاد من برای استخدام مازور استوکس در ژاندارمری مالیه بوزیر امور خارجه ایران فرستاده است بدون شک از جریان این مسئله تا بحال اطلاع دارید ضرور نیست اظهار دارم که نظر بنفاد مکتوبیکه بر حسب دستور العمل دولت خود در تاریخ ۲۲ ژوئیه «۲۵ رجب» بن نوشتید مبنی بر اینکه مازور استوکس میتواند بعد از استعفاء از خدمت قشون هند قبول خدمت نماید این تغییر رأی که در یادداشت امروز ابراد داشتند از دایره تفکر خارجست آیا دولت انگلیس مانفت هست مرا در نزد اهل این مملکت و دولت ایران بجه حالتی دچار میکند که غفلتاً با یک دولت دیگری متفق میشوند که نگذارند ایران را در مختصر مسئله راجع بحق استقلال خود اقدامی نماید در صورتیکه مراعات استقلال و تمامیت او را دولتین متحداً و مفروضاً تعهد نموده اند حساب شخصی من اهمیتی ندارد ولی موفقیت ما موریت من در این مملکت با عدم آن برای ایران که امور مالیه خود را بن تفویض داشته و برای هموطنان من که طبعاً مایل موفقیت من در این کار مهم هستند اهمیت زیادی را داراست قبل از تقبل من باین خدمت صراحتاً فهمانیدند بن که هیچیک از این دو دولت عمده که دارای منافع در ایران هستند ابرادی در کار من نخواهند داشت و یقین است این اظهار پیش از یک تعهد بیخیزی قدر

داد هیچکس بهتر از شما نمیداند که در انتخاب مازور استوکس ابدأ مقصود سیاسی منظور نبوده و هیچ عاقلی نسبت بن سوء ظن نمینماید که بخواهم داخل تقلبات سیاسی که یقیناً مورث تمسخر خود من و خرابی کار من خواهد بود بشوم باید چه تصور کنم که من بینم اول قدم مهمی که برای رفع هرج و مرج بر میدارم همان دو مملکتی که گوارا آرزوی صحیحی خود را در ترقی و سعادت این مملکت بیچاره که بخواهم خدمت کنم اظهار داشته بیرحمانه جلوگیری مینمایند آیا وزارتخارجیه انگلیس درست ملتفت است که از اتخاذ مسلك اخیره در این موضوع مسلماً ایرانیان چنین خیال خواهند کرد که انگلیس حقیقه مانع موفقیت کار من است گذشته از اینکه بجز خود من هم تصور خواهم کرد که نباید هیچگونه مساعدت دوستانه اخلاقی از دولت انگلیس در یک چنین مسئله خطیری مترصد بود اگر اینجا یک مملکت معارفی بود و اشخاص مجرب کافی نسبتاً زیاد بودند نتیجه این مانعت اگر چه اساساً غلط است اهمیتی نداشت و لکن چنانچه میدانید آدمهای کافی در اینجا خیلی کم است اتخاذ این مسلك در حقیقت مانع کوشش و ناسخ موفقیت محتمله من است رجا و اتق دارم بیکطوری دولت انگلیس متوجه این نکته بشود صرف نظر از اینکه بعقیده من این مداخله در جریان کار خصوصی اداری و امور داخلی تنظیمات مالیه که در دست دارم بدون پرده پوئی بی موقع است شخصاً بقدری این مسئله حسابات مرا برانگیخته است که عمقاً ب فکر این افتاده ام که لا اقل بوسیله یک لایحه رسمی عمومی متضمن کلیه تجزیات در این موضوع از زمان ورود بطهران افکار هموطنان خودم را تصحیح نمایم بدیهی است اقدام باین کار از روی نهایت تأسف خواهد بود ولی در مراودات بین دول و اشخاص هم افلا یک مراعات انصافی لازم است و در این موضوع بخصوص تصور می کنم که اعمال من بطوری صاف و بی عیب است که ذره بین تجسس در آن غل و غش نخواهد یافت \*

— «انتهای مکتوب» —

از مطالعه جزئیات این واقعه معلوم خواهد شد که قرار داد ۱۹۰۷ بهیچوجه موضوع استخدام مازور استوکس بسمت معاونت مالیه خزانه دار کل ارتباطی ندارد مگر اینکه قرار داد مزبور را یک نمایشی از مکر و حیله تصور کنیم زیرا که اولاً در مقدمه این قرار داد چنانچه طبع و در تمام عالم منتشر شده است مصرح است که انگلیس و روس متفقاً متعهدند که تمامیت و استقلال ایران را در عهده شناسد و هر دو امضاء کنندگان آن

قرار داد در همان مقدمه آرزوی صمیمی خود را برای حفظ نظم و رفاهیت و آبادی ایران اعلام داشته اند. یکی از مواد اولیه استقلال که اقل حدود قانون بین الملل است حق فیصله امور داخلی است و مسلماً تعیین ماورین هر مملکتی از این حق خارج نیست\* ثانیاً مقصود واضح قرار داد مزبور این بوده است که هیچک از این دودوات امتیازات سیاسی یا تجارتی از قبیل راه آهن و بانک و تلگراف و راه حمل و نقل و پسته و غیره بقول خودشان در منطقه نفوذ یکدیگر از برای خود درخواست نکرده و از رعایای خود نیز در این موضوع مساعدت نایابند ولی مسئله ماژور استوکس مسئله امتیاز نیست ماژور استوکس نه راه آهن است و نه امتیاز سیاسی و یا تجارتی از هیچ قبیل و بدون هیچ ملاحظه خارجی تکلیف نمودن شغلی را با او نمیتوان بدرخواست و با مساعدت تحصیل امتیازی از طرف دولت انگلیس از روی هیچ اصول تعبیر نمود خطای دیگری که در نظر این دو دولت میتوان گرفت این است که تا دولت روس این ایراد را بیان نیاورده بود وزارت امور خارجه انگلیس هیچ وقت مسئله استخدام ماژور استوکس را مخالف روح آن قرار داد که برای خودشان سر مشق قرار داده اند نمیدانست کاغذ خود وزیر مختار انگلیس بن که در این مشروحه درج شده دلیل صحت این اظهار است\* :-

دولت ایران بجا آنکه صحت و مرجعیت این قرارداد را نسبت بخود تصدیق نماید میتواند اظهار دارد چون مضامین يك سندی واضح و روشن باشد روح آن تعبیر پذیر نیست اکنون که قشون محمد علی و سالارالدوله قاع و قمع و متفرق گردیده اند و قبل از آنکه دولت ایران بتواند بعد از آنهمه اضطراب و مخارج و زحمات که در صورت رعایت مقاله نامه «بر و تکیل» و فراهم آوردن سایل کافی در جلوگیری از دستاوس محمد علی لازم میکردید نفسی تازه نماید اعلام میشود که دولت انگلیس برای تقویت مستحفظین قونسول خانهای مختلفه خود خیال دارد دو فوج سواره هندی بجنوب ایران اعزام دارد دلیلی که برای اعزام قشون می آورند نا امنی طرق جنوب و اغتشاش شیراز است در باب اغتشاش شیراز باید گفت بناه طولانی که تا همین اواخر بقوام الملک دشمن صلی قشقائی در قونسول خانه انگلیس در شیراز دادند اشکال حکومت مرکزی ایران را در استرداد امنیت آنجا بسر حد کمال رسانید خصوصاً اینکه پسر قوام در این مدت در بر انگلیسین ایل عرب یرضد حکمران سابق نظام السلطنه کوششهای پیاپی مینمود نتیجه منتظره عمومی این تخطی قشون هندی انگلیس در این موقع بجنوب ایران اسباب این

خواهد شد که عده زیادتری از قشون اجنبی به بهانه های کوچکتری بشمال ایران وارد شوند \*

تا به اینجا اظهارات خود را بوفایبی که در مدت توقف پنجاهه خودم در طهران اتفاق افتاده محدود داشته ام و لکن این وقایع بهیچوجه رفتار غیر دوستانه روس و انگلیس را در ایران تکمیل نمینماید مثلاً نمایشی که زمستان گذشته به تمام عالم داده شد در موقعیکه قارت انگلیس و روس خود را بتوهینات شخصی تنزل داده و بعدر تأخیر تأدیه مستحقری شاه مخلوع نوکرهای مجلس بلباس رسمی خود را بعقب سر و زیر امور خارجه انداختند دلیلی است کافی برای مسلک این دو دولت و نمایندگان آنها در طهران نسبت بدوات ایران در تمام این مواقع وزیر امور خارجه ایران در مورد نقض صریح استقلال و هتک شئونات ایران اعتراضات رسمی نموده و کثرتوفتی بلکه هیچ وقت اقل بر سهیل ظاهر سازی هم جبران یا استرضائی بعمل نیامده است شاید بسیاری از این وقایع دلیل کافی برای اعلان محاربه نباشد و شاید بعضی از آنها را بگویند بدون اجازه ناشی از ماورین جزء بوده است و حال آنکه در کثرت موقعی دولت مقصر تکذیب عمل آنها را کرده است و اگر هم اتفاقاً کرده باشد گمان نمیکنم هیچ آدم با فکری آنرا دلیل دوستی حقیقی روس و انگلیس نسبت با ایران بشمارد \*

شاید کسی سؤال کند که این فقرات چه مدخلیتی بمالیه و اصلاحات آن در ایران دارد جواب اینست که هر کس در ایران يك هفته توقف کرده میداند که کلیه احتمالات اصلاح مالیه ایران کاملاً منوط به اعاده فوری نظم در تمام مملکت و ایجاد و حفظ يك حکومت قوی مرکزی است که بتواند قوای خود را در اقصی نقاط مملکت محسوس داشته احکام خود را اجراء دارد مادامیکه مسلک متخذه حالیه در جلوگیری ایجاد چنین حکومتی مداومت دارد مادامیکه رفتار صریح دول در تخریب کوششهای جدی بمعاذیر مختلفه خود خواهانه در جریان است تا اینکه عظم دولت را در نظر خود ایرانیان برده و ضمناً مملکت را بیک حالت ورشکستگی نگاه دارند همیشه کوششهای مصروفه در اصلاح مالیه مانند نقشی است بر آب یا وعده بیطرفی است که هیچوقت رعایت نشود اشکالات داخل ایران تا آخرین درجه استنطاعت موجود است این اشکالات بخودی خود تا چندین سال ترقیات آن را عقب خواهد انداخت اگر باین اشکالات زور گوئیهای فاحش خارجه و مسلک رسانیدن و لال و خموش گردانیدن ایران را که پیوسته تعقیب می

نابند یغزائیم کار ایران خیلی خرابست اگر پولی برای اصلاحات مدامی لازم باشد باید با شرایط غیر ممکنه سیاسی تحصیل شود و اگر راه آهن بسازند باپستی بر فقاء قدیمی ما « یعنی منطقه های نفوذ » متصل شود اگر خرید اسلحه بمیان آید باید از يك دولت دست متحول خارجه بسه برابر قیمت خریداری نمود اگر صاحب منصبان مجرب جبهه خدمت دولت ایران برای تسریع ترقی بخواهند باید از يك دولت كوچك و با از آن قبیل اشخاصی كه بمرضگی و بیرکی خود را به ثبوت رسانیده برای آلت شدن دست خارجی حاضر باشند و اگر هم از يك دولت كوچك باشند باید عده آنها بقدری نباشد كه علامت يك اقدام جدی طرف اصلاح ظاهر گردد در این ایام نوع پرستی و استعجاب بین المللی باید ملك كینسرو و دچار اینگونه بدبختیها باشد هر چند مسكین مفلوك تسلیم تقدیرات خود باشد هر چند كدا در فقر و فلاكت و تن بقضاء در داده باشد ما را نرسد كه عامداً او را لگد كوب كنیم \*

حقایق و دقایق كه در این مشرحه مندرج است يك نكث از آنچه اطلاع دارم نیست آنچه ذكر شد فقط نمونه است كه هر كس در صحت آن شكی داشته باشد اسناد كتبی آن حاضر است كه صحت آنها و خبلی از امثال آنها را ثابت نماید \*

لهذا امیدوارم كه روز نامه نس با كسب اطلاعات فوق و حسن عدالت خواهی كه بدان معروفست اظهارات مندرجه در مقاله اساسی ۱۷ اکتوبر « ۲۴ شوال » خود را در اینکه بیانات من راجع برفتار بعضی از دول نسبت با ایران خارج از انصاف و عاری از صحت است تكذیب خواهد نمود \*

« امضاء - ماركن شوستر خزانه دار كل ایران »

دال

— « مراسلات ما بین مستر شوستر و سر جارج باركلي » —  
\* و پا كلیوسکی كزیل و ماژور استوكس \*

( اول )

سواد مراسلات بین مستر مورگان شوستر خزانه دار كل ایران و سر جارج باركلي وزیر مختار انگلیس ( و ماژور استوكس مأمور نظامی سفارت انگلیس ) مقیم طهران مشتمل بر سی فقره \*

— « ( ۱ ) مراسله مستر شوستر به ماژور استوكس » —

طهران خزانه داری كل مملكت ایران

ششم ژویه ۱۹۱۱ ( مطابق نهم رجب ۱۳۲۹ )

ماژور س ب استوكس « میلری آتسه » مأمور نظامی سفارت انگلیس مقیم

طهران

آقای من : از قرار مسموع دوره ماژور بت و خدمت سفارت شما خاتمه یافته و عنقریب از طهران رفتنی میباشید اطلاع كامل شما از امور ایران و عموم اوضاع آن بعلاوه اطلاعات نظامی شما همچنین اطلاعاتی كه از زبان فارسی دارید قدر و اهمیت شما را در نظر دولت ( امپراطوری ) شهنشاهی ایران بسیار خواهد افزود برای دخول و شركت در یکی از شعب مهمه مالیه كه نظم و تمشیش این اوقات بمن محول شده است مقصود از تصویب و تشكيل ژاندارمری خزانه تأسیس مختصر هیئت نظامی با نفوذی است كه وظیفه اش امداد و معاونت مامورین مالیه است كه مباشر وصول مالیه و تحدید تریاك و « بویوز » و مالیاتهای مستقیمه دیگر میباشد خصوصاً در ولایات جنوبی \*

نظر به اجازه و اختیار بکه از طرف مجلس در باره فرار داد با شخص مناسبی داده شده که بعنوان معاونت در این شعبه مخصوصه، مالیه مستلخدم کردام بسیار خوش وقت میشود که قرار داد سه ساله مطابق مواد جوف (۱) در این باب بشما اظهار نمایم \*

بسیار ممنون خواهم بود که بفرودت ممکه بدام چنانچه در قبول خدمات مزبوره حاضر و راضی میباشد اقدامات فوری کرده و رسماً در این باب بسفارت انگلیس اظهار نمایم با ادای مراسم دوستی \*

دوست صادق شما و مورگان شوستر خزانہ دار کل ایران \* (تنبیه) - مکتوب فوق اولین اظهار در باره استخدام مازور استوکس بود و مراسلات ما بعدی از همین بنا شروع شد \*

— ﴿ (۲) مراسله سر جارج بارکلی به مسر شوستر ﴾ —

طهران: سفارت انگلیس \*

چهاردهم ژوئیه ۱۹۱۱ (هفدهم رجب ۱۳۲۹)

دوست عزیزم مسر شوستر: مسئله تصویب استخدام مازور استوکس را بعنوان ریاست ژاندارمری خزانہ بدوات متبوعه خود اطلاع داده ام چون علی الظاهر همچو تصور می شود که این انتخاب باعث تولید رقابت بین المللی خواهد شد استفسار نموده اند که انتخاب و تعیین یک نفر صاحب منصب سویدی یا یکی از اتباع دول دیگر بجای مازور استوکس آیا باعث رفع این محذور نخواهد شد \*

بسیار مایل قبل از آنکه بدوات متبوعه خود جواب بدهم از رای دولت ایران مطلع شوم که بدان مبادله راضی خواهد بود \*

عزیزم مسر شوستر: دوست صادق شما ج. بارکلی \*

— ﴿ (۳) مراسله مسر شوستر به سر جارج بارکلی ﴾ —

طهران: خزانہ داری کل دولت امپراطوری ایران \*

چهاردهم ژوئیه ۱۹۱۱ (مطابق هفدهم رجب ۱۳۲۹)

سر جارج عزیزم: مکتوب امروزه شما رسید در باب رقابت بین المللی که از دولت متبوعه شما تقرر مازور استوکس تصور نموده و استفسار فرموده اند که «از تعیین یک نفر صاحب منصب سویدی یا یکی از اتباع دول دیگر بر ریاست ژاندارمری خزانہ

(۱) سواد معاهده مزبوره و مواد آن در آخر همین ضمیمه ذکر خواهد شد \*

آیا رفع این اشکال و محذور نخواهد شد»

جواباً عرض میکنم که چون به نازگی از طرف مجلس اجازه و اختیار بن داده شده است در تعیین و انتخاب اشخاص مناسبی بجهت نظم و ترتیب فوج ژاندارمری خزانہ در تحت نظارت و حکم خودم اظهار این خدمت مازور استوکس فقط باین ملاحظه میباشد که مشارالیه را در انجام امر بکه در نظر دارم بهتر و مناسب تر از سایر اشخاص میدانم و اطلاعات شخصی از لیاقت و قابلیت مشارالیه دارم از قبیل اطلاعات نظامی و توقف چهار ساله اش در ایران و استحضارش از امور داخلی مملکت و دانستن زبان فارسی و فرانسه (که عموماً در این مملکت به آن تکلم میکنند) و روی هم رفته بواسطه اهمیت و احترام بکه عموماً بملاحظه صاحب منصبی و جنبه شخصیش میدنند \*

هیچ تردیدی در دادن اطمینان بشما ندارم در اینکه در انتخاب معاون مقتدری برای این شعبه از کار خود ملاحظه ملت و رعایت رعیتی دولت مخصوصی در رای من راه نیافته و نخواهد یافت اگر چنین می بود طبیعی است که نظر بااختیارات تامه که در این باب با اینجانب تفویض شده بخوبی میتوانستم همچو معاون را از وطن و مملکت خود جاب نمایم \*

در این موقع تکراراً تذکار و اعاده مطلب مینمایم که در اصلاح امور مالیه که مسئولیت آنرا به عهده گرفته و نیک نامی خود را در انجام این امر صعب تعرض امتحان گذارده ام ابداً رعایت حیثیت پانسی در کار نیست و ملاحظات پانسی و شخصی یا عمومی و بین المللی در افعال من راه نیافته بالطبع احسان میکنم که در اظهار صاف دلانه و بیغرضانه این شغل به مازور استوکس هیچ قسم رعایت و طرف داری پانسی در خاطر من بر توفیق کننده است \*

با کمال احترام نسبت بر رعایای دول کوچک و بدون بی احترامی نسبت به هموطنان خود که ایشان را در خدمت فوج ژاندارمری بهر امانی مازور استوکس ما مور گردانیده عرض میکنم عقیده شخصی من اینست که مازور موصوف قابل ترین شخصی است برای انجام خدمات نافذ، مؤثره مقیده به این دولت در امور راجعه مالیه در هیچ صورت راضی نخواهم بود یکی از اتباع هر دولتی را در این شعبه یا شعب دیگر کار خود ما مور و منتخب کردام تا اینکه اطلاع و احراز اطمینان شخصی از لیاقتهای مخصوصه اش نکرده باشم \*

همه میدانند یکی از علل بسیار مشکله که در این مملکت اجانب را چنانکه از حال خود استنباط نموده ام معطل داشته نماندن زبان و عدم اطلاع از عادات و رسوم و

( عقاید ) خیالات ایرانیان است این نقایص صعب تر و بزرگ تر خواهد بود برای کسیکه سرو کارش با عده کثیری بیفتد برای تشکیل فوج مسلحی صاحب منصب سویدی هر قدر هم که با لیاقت و کفایت باشد شاید پس از یکسال یا بیشتر نتواند معاونت صحیحی به این شعبه بکند و حال آنکه اهمیت تشکیل و لزوم بکار انداختن قوای نظامی ژاندارمری بی نهایت فوری میباشد \*

آخر کار اجازه می طلبم در عرض و اظهار این مطلب که چون عموماً از مسئله اظهار این خدمت به مائزور استوکس مطاع گردیده اند پس گرفتن این اظهار نامه از طرف من شاید حمل بر رعایت نکات پلتیکی صرف بشود و حال آنکه هیچگاه راضی باین اتهام نخواهم شد \*

امید وارم که این عرایضم برای مطمین ساختن دولت متبوعه شما کافی بوده و بتوانم از طرف دولت شما رعایت مناسب فوری جلب نمایم برای قبول مائزور استوکس این خدمت را \*

سر جارج عزیزم : دوست صمیمی شما \*  
و . مورگان شوستر

— ( ۴ ) — مراسمله مستر شوستر به سر جارج بار کلی \* —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

شانزدهم ژوئیه ۱۹۱۱ ( مطابق نوزدهم رجب ۱۳۲۹ )

سر جارج عزیزم : دو طغرا قبض ملفوفه جوف را وزیر خارجه نزد من فرستاده است تصور میکنم از بابت دوازده هزار و پانصد فرانک است که دولت امپراطوری بر حسب معمول از بابت قرارداد تعمیر خط تلگراف هند و اروپای بلوچستان از سفارت شما وصول مینموده وزیر مغزی ایه خواهش نموده که مبلغ مزبور را در صورتیکه سفارت شما بکلی صلاح بدانند خود وصول نموده و قبضی به امضای خود بدهم اگر چه رأی داده بودم که خود شانهم این تغییر را بشا اطلاع بدهند ولی این اطلاع را هم بخود این جانب محول داشته اند چنانچه مانعی از طرف شما نباشد اکنون مبلغ مزبور را ( و در آینده نیز ) وصول نموده و قبض رسید آرا به امضای خزانه دار کل ارسال دارم در این صورت خواهشمند است قبوض جوفی وزارت خارجه را مسترد فرمایند \*

با احترامات دوستانه سر جارج عزیزم : دوست صادق شما \*  
و \* مورگان شوستر خزانه دار کلی \*  
( دو طغرا قبض ملفوف )

قلهك جناب سر جارج بار کلی \* \* \*

— ( ۵ ) — مراسمله جوانیه سر جارج بار کلی به مستر شوستر \* —

طهران . قلهك . سفارت خانه انگلیس \*

هیجدهم ژوئیه ۱۹۱۱ ( مطابق بیست و یکم رجب ۱۳۲۹ )

مستر شوستر عزیزم : بسیار متأسفم از اینکه در جواب مکتوب شانزدهم شما بنویسم که چون قبض « براتها » دوازده هزار و پانصد فرانک برای تأدیه فسط ششماه بر حسب معمول با اسم وزیر خارجه خرید شده است دو قبض جوفی وزارت خارجه لفاً ایفاد داشتیم که پس از امضای قانونی یعنی امضاء کسیکه رسماً از طرف وزارت خارجه نمایندگی داشته باشد معاونت دهد پس از تأدیه مبلغ فوق و قبض و اقباض در مواقع آتیه در وجه خزانه دار کل پرداخته خواهد شد \*

چون ما مورد که با همان اداره رسماً مراسمله و معامله نمایم از این تغییر اجتناب نموده بروات را بوزارت خارجه فرستادم و قبض رسید را هم از همان مجرا دریافت خواهم نمود \* امید وارم این ترتیب باعث تسهیل امور شما و مناسب باشد

( دوست صادق شما جارج بار کلی )

خدمت آقای مورگان شوستر : مجدداً توجه خواطر شما را بدین مسئله معطوف میدارم که مبلغ بیست و پنج هزار فرانک از بابت اجاره خط سرکزی ایران برای تأدیه به دولت شما نزد من جمع و موجود است بجزد ایتمای قبولشان برای تعمیر خط مزبور پرداخته خواهد شد \* ( به مکتوب بیستم مارس و اول ژوئیه ۱۹۱۱ سفارت رجوع فرمایند \* ) ( ج \* ب )

— ( ۶ ) — مراسمله مستر شوستر به سر جارج بار کلی \* —

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

بیستم ژوئیه ۱۹۱۱ ( مطابق بیست و سوم رجب ۱۳۲۹ )

سر جارج عزیزم : ممکنست زحمت استفسار بدهم در این مسئله که آیا میتواند

زائی بدهید که بدان وسیله امضای معاهده مازور استوکس با دولت ایران بزودی تکمیل یابد \* \*

حقیقت امر اینست که تمام امور ژاندارمری خزانه ملتوی مانده و موقوف بانجام این امر است بدون شبهه و تردید میتوانم بگویم اهمیت و ااروم تشکیل این فوج برای نظم مالیه ایران در نهایت درجه می باشد بواسطه نبودن فوج مزبور حقیقه بیدست و پاشده متخیرم که بانبودن مازور معزی الیه بکدام کس رجوع نمایم که دارای لیاقتهای مشارالیه باشد لذا ملتزم و خواهشمند است که حتی المقدور در انجام این مسئله سعی و کوشش بفرمایند . با احترامات بسیار دوستانه .

( سر جارج عزیزم . و . مورگان شوستر )

خزانه دار کل ایران \*

( فلهك . ك . س . م . ج . سر جارج بارکلی \* )



— « ( ۷ ) مراسله جوابیه سر جارج بارکلی به مستر شوستر \* » —

طهران . سفارت خانه انگلیس \*

بیست و یکم ژوئیه ۱۹۱۱ « مطابق بیست و چهارم رجب ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : روز گذشته بدون رسمیت تلگرافی نمودم بوزارت خارجه دولت خود مبنی بر خواهش فوریت در تصفیه معامله استوکس و اینک هم که مرقومه شما ز بارت تانیا و رسماً تلگراف کردم \*

( دوست صادق شما . جارج بارکلی ) \*



— « ( ۸ ) مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر \* » —

طهران . سفارت خانه انگلیس \*

بیست و دوم ژوئیه ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : از طرف دولت متبوعه خود در اطلاع بشما مأوموم که مازور استوکس قبل از قبول ریاست ژاندارمری باید از خدمت (۱) نظامی فوج هندش استعفا نماید . مستر شوستر عزیزم . ج . بارکلی \*

(۱) بوجوب شرطیکه خود دولت انگلیس اظهار نموده بود مازور استوکس فوراً از خدمت نظامی در فوج هندوستانش مستعفی گشت \*

— « ( ۹ ) مراسله جوابیه مستر شوستر به سر جارج بارکلی \* » —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

بیست و دوم ژوئیه ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹ »

سر جارج عزیزم : اکنون مراسله امروزه شما که حاوی اظهار دولت متبوعه نان بود رسید که مازور استوکس باید قبل از قبول ریاست ژاندارمری از خدمت نظامی هندش مستعفی شود \*

هنوز به همان عقیده باقی می باشم که دولت شاهنشاهی ایران باید خدمات مازور استوکس را بهر قدر و قیمت که باشد برای خود تخصیص نماید امیدوارم بفوریت ممکنه این معامله تصفیه یافته و انجام یزیرد \*

اجازه می خواهم که از مساعی جمیله و اهتمامات دوستانه که در پیشرفت این امر مبذول داشته اند تشکرات خود را تقدیم نمایم . بعلاوه اظهار این عقیده خود که در اصلاح امور مالیه این ملت سلوک مهربانانه فرموده اند که مطبوع خیر خواهان ایران میباشد با احترامات صادقانه \*

سر جارج محترم من . و . مورگان شوستر \*

( ك . س . م . ج . سر جارج بارکلی )



— « ( ۱۰ ) مراسله مستر شوستر به سر جارج بارکلی \* » —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

هشتم اوت ۱۹۱۱ « مطابق دوازدهم شعبان ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم من : اجازه میخواهم که من عبر رسم شما را مخاطب ساخته از امریکه اهمیت و ارتباط نامی با شغل من دارد استفسار نمایم « امشب » شب گذشته با ذال تعجب شنیدم که دولت متبوعه شما (۱) انتباه نامه بوزارت خارجه ایران اظهار داشته است برخلاف استخدام مازور استوکس در اداره ژاندارمری خزانه بدون شبهه تا بحال از جریان این امر بخوبی مطلع و مسبوق میباشد آیا میتوانم عرض بکنم : نظر بقاد مکتوب بیست و دوم ژوئیه شما که حسب الامر دولت متبوعه خود اطلاع داده بودند که «مازور

(۱) مازور استوکس در فاصله بین این مکتوب و مکتوب سابق تلگرافاً مستعفی شد دولتین انگلیس و روس فقط عذر بسیار مختصری در این باب بدولت ایران اظهار داشتند \*

استوکس بمجرد استعفای از خدمت قشوقی هند میتواند این خدمت را قبول نماید « ثبات این تبدیل رخ و انحراف مسالکی که از مراسله امر زوه\* شاید دیده میشود بصورتی آید\* این قدر میدانم که حق ندارم اینگونه مطالب را در مراسلات رسمی اظهار نمایم و قصد توهمین هیچ کس از متخیله منم عبور ننموده از شرکت آتی و بی مقدمه با دولت خود نان با دولت دیگر برای منع دولت ایران از حقوق مسلحه خود آبا میتوان بخونی تصور و مقایسه نمود موقعی را که در انتظار عموم اهالی ایران برای این جانب حاصل شده در صورتیکه خود آن دو دولت محافظت آزادی و استقلال دولت ایران را با کمال احترام متفقاً و منفرداً اعتراف و تصدیق (ضمانت) نموده اند

خیالات و احساسات شخصی خودم چندان قابل اهمیت نیست ولی موفق شدن یا ناکامیایم در این شغل مهم برای خود ایرانیان که امور مالیاتی خود را بدست من سرده اند و همچنین در انظار هموطنانم بسیار اهمیت خواهد داشت که طبعاً دلچسپی و میل مغربی بوفیق شدنم دارند \*

قبل از آنکه این شغل را قبول نمایم یقین قطعی داشتم که هیچ يك از دولتین معظمین که منافع و اغراض مخصوصه در این مملکت دارند اعتراضی به قبول من نخواهند داشت و بی شبهه اگر هم همچو اعتراضی بپگردند بکلی بی اصل نبود \*

با کمال اطمینان عرض میکنم هیچکس بهتر از خود شما حقیقت این امر مطلع نخواهد بود که انتخاب ماژور استوکس ابتدا تعاقب بقاصد پلیدی نداشته و هیچ گونه غرضی هم در بین نمیباشد هیچ شخص عاقل مال اندیشی نسبت به من گمان نخواهد نمود که بوسایل پلیدی اراده\* نفوذ در این مملکت داشته باشم زیرا که همچو اراده در انظار مردم مرا تسخر نموده و خلل کلی در امور و مشاغل راه خواهد یافت \*

در این صورت این را حمل به چه میتوان نمود که وقتی که اولین قدمی که در این امر مهم برای نظم و اصلاح این پریشانی و بی نظمیها بر میدارم می بینم همان دو دولتی که گرازا اظهار خواهشهای صادفانه میکردند برای ترقی و ترفیه حال این مملکت و امالی ستم دیده اش که میخواهم خدمتی بدیشان نمایم همان دو دولت ممانعت و تخلف از وعده های خود مینمایند \*

آبا وزارت خارجه شما میتواند بخونی احساس نماید درجه و میزان مخالفتی را که « نسبت بمن » در این معامله اختیار نموده و از این مسلک و سبک بسیار جدیدیکه فقط

برای منع از نیل بقصودم اختیار شده در اذهان ایرانیان چه می نشیند؟ علاوه بر این مجبور نیباشم که در این امر مهم از هر گونه معاونت اخلاقی دولت شما مأیوس شده متوقع هیچگونه همراهی نباشم \*

اگر در این مملکت هم مثل سایر ممالک متحدنه مردمان عالم تربیت شده تجربه آموخته بسیار میبود نتیجه اعتراض شما اگر چه اصولش صحیح نیست چندان بد نبود ولی چنانچه خود شما میدانید در این مملکت که اشخاص کاردان کیاب و نادر است اختیار این مسلک ماحی مسلحی و موافق کامیابی من میباشد \*

امیدوارم دولت متبوعه\* شما موضعی در این امر رفتار خواهد نمود که « ما نحن فیه » را باین نظر ملاحظه و رعایت نماید قطع نظر از اینکه صراحتاً بگویم که این گونه مداخلات در معاملات داخلی ایران و امور معمولی مالیه که برای نظم و اصلاحش کوشش میکنم بکلی مداخله غیر مطلوب و ناپسند نیست \*

احساس میکنم مجبوریت در این امر را که بتوسط مکاتبات عمومی و توضیحات رسمی راجع به این معاملات از بدو ورودم بطهران هموطنان عزیز خود را کاملاً مطلع گردانم اگر چه اظهار تأسف از اینگونه اقدامات مناسب نیست ولی مابین دول و افراد مردم معاملات منصفانه هم وجود خارجی داشته و معمول به میباشد احساس میکنم که بی شبهه تجربهاتم در این معامله بدرجه کافی و ظاهر است که بهیچ قسم محتاج به تجربه و آزمایش نخواهد بود \*

مستعدی است التفات فرموده از این طرز و رویه آزادانه که عرایض خود را اظهار مینمایم عفو فرمایند \*

با احترامات دوستانه و انتظار و استدعای اقدامیکه هنوز هم ممکنست

سر جارج مخرمم \* دوست صادق شما و  
مورگان شوستر . خزانه دار کل ایران  
( ک . س . م . ج . ۰۰۰ سر جارج بارکلی )



— ( ۱۱ ) — مراسله جوابیه سر جارج بارکلی به مستر شوستر \*

طهران . قلهک . سفارتخانه انگلیس \*

دوازدهم اوت ۱۹۱۱ « مطابق شانزدهم شعبان ۱۳۲۹ »

مستر شوستر محترم: در اطلاع و انعطاف توجه دولت متبوعه خود بحقیقت و مادیت بضمون سراسله هیجدهم اوت از طرف من قصوری ناشی نشده \*

دولت اعلیحضرت اجازه داده است که جواباً اطمینان بشما بدهم که درجه خاصیت شما و میزانه کار را بخوبی تلفت شده و اظهار تأسف می نمایند از عدم امکان قبول خواهشی که اظهار نموده بودید. دولت اعلیحضرت اظهار میدارد که شاید در تقرر متلاً صاحب منصب روسی بریاست این اداره در سرحد هند برای ما نیز مجال اعتراض می بود منتقل شدن به این نکته لازم است در صورتیکه دولت روس به استخدام ماژور استوکس تعرض بکند برای دولت اعلیحضرت تحقیر و عدم اعتنا به آن اعتراض ممکن نخواهد بود و لازم است دولت ایران را از مشکلاتی که از این انتخاب تولید میشود مطلع و متنبه سازند \*

از چندی قبل مقوله (۱) با دولت ایران در میان بود که باید فقط از اتباع دول کوچک در خدماتش انتخاب نماید فقط استثنائیکه شده بود درباره رعایای دولت اتانزونی بود نتیجه رأی دادن دولت اعلیحضرت بود که دولت روس در این استثناء اتفاق کرده و نتوانست هیچگونه اعتراضی بدولت ایران نسبت به استخدام رعایای « اتانزونی » ممالک متحده امریکا نماید دولت متبوعه من اظهار تأسف مینماید از اینکه دولت ایران در انحراف از مقوله مزبوره از اول رأی و رضا دولت روس را « در این انتخاب » جاب نمود \*

به عقیده سر ادوارد گری در باب خلاصی از این اشکال چاره منحصر خواهد بود به انتخاب یکی از اتباع دول کوچک بجای ماژور استوکس \*

در ابلاغ این پیغام غیر رسمی اجازه میخواهم که احترامات خود را نسبت بشخص شما بیفزایم. یقیناً این جانب را دوست صادق خود بشناسید \* « بار کلی ج »

عالیجناب و . مورمان شوستر خزانه دار کل دولت امیر اطوری ایران

— « ۱۲ » سراسله سر جارج بار کلی به مستر شوستر \* —

(۱) دولت ایران ابتدا از « مقوله اطلاع نداشت \* چندی بعد هم یکی از رعایای دولت انگلیس بر طبق معاهده برای استخدام در وزارت پست و تلگراف با تصویب رسمی دولت انگلیس انتخاب و معین نمودم \* « چون رعایت تصویب دولت انگلیس بلا حظه استخدام در تلگراف خانه هند و اروپای هند لازم بود » و از طرف دولت روس هیچ اعتراضی رسماً یا غیر رسم در آن انتخاب اظهار نشد \*

طهران : سفارت خانه انگلیس \*

بیست و یکم اوت ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم شعبان ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : چنانچه اسباب زحمت نباشد روز جمعه ساعت پنج عصر برای ملاقات شما بیایم والا لطف فرموده ساعت دیگر را در همان روز یا روز دیگر بغیر از روز چهارشنبه معین بفرمائید یا تعیین اینکه باید بخزانه داری بیایم یا بمنزل شخصی شما دوست صادق شما \* جارج بار کلی \*

مجدداً تصدیق میدهد مخصوصاً میخواهم در باره راه آهن باشما گفتگو نمایم بسیار مایلم که چیزی در باب قرارداد « باهارت » قبل از آنکه دولت ایران خود را گرفتار پارتیش کند بشنوم

— « ۱۳ » سراسله مستر شوستر به سر جارج بار کلی \* —

طهران : خزانه داری کل دولت امیر اطوری ایران \*

سیزدهم ستمبر ۱۹۱۱ « نوزدهم رمضان ۱۳۲۹ »

جناب ک . س . م . ج . سر جارج بار کلی وزیر مختار دولت انگلیس مقیم طهران جناب وزیر محترم بسیار خوش وقتم که بشما اطلاع دهم خواهشی را که « کتباً » در یازدهم ماه گذشته از کرال بدوز نماینده کمپانی « مسرز » سلیمان و برادران لندن نموده ام در باب استعراض چهار مایون لیره انگلیسی سواد سراسله مزبوره در جوف است \*

اکنون از دولت متبوعه و نفوذ شخصی جناب عالی امید معاونت در انجام این معامله دارم تا به خوشی و اطمینان تصفیه پذیرد \* بانضمام تقدیم احترامات کامله جناب وزیر مختار محترم و مورکان شوستر خزانه دار کل ایران \*

— « ۱۴ » سراسله مستر شوستر به سر جارج بار کلی \* —

طهران : خزانه داری کل دولت امیر اطوری ایران \*

هیجدهم سبتمبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و چهارم رمضان ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم : تعویق در تحصیل اطلاع از وضع سلوک دولت متبوعه جناب عالی و دولت روس در باره معامله مصوبه استعراض از کمپانی سلیمان و برادران لندن قدری باعث پریشانی کار گردیده است و بی شبهه بعد از اینکه این معامله بکلی انجام گیرد تعویقات چند دیگری در کار خواهد بود اگر اشکال و مخالفتی در این امر بروز

کردنی است بهتر است که بقوریت ممکنه از آن مطلع شوم تا به تدابیر دیگر مثل آن که اظهار نموده ام مشغول شوم \*

بسیار مایلیم که بدون تعویق و تاخیر پیش از این بدانم که رأی دولت شما در معامله مزبور چیست و هر اقدامی هم که در تحصیل اطلاع از رأی دولت روس در باب این معامله بفرمایند از صمیم \*

صداقت و صاف دلی که در طریقه این استقراضی بسیار با اهمیت قلب راضی و متشکر خواهم بود \*

در اظهار به سفارتین اتحاد شده بقیته در تحصیل توضیح رأی سریع و صریح دولتین بما اجازت خواهد داد با تقدیم احترامات صمیمانه سر جارج محترم: دوست بسیار صادق شما و مورگان شوستر خزانه دار کل ایران \*

طهران سفارتخانه اعلیحضرت پادشاه انگلیس ك . س . م . ج . سر جارج بارکلی

— « ( ۱۵ ) مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر » —

طهران : سفارت انگلیس \*

بیست و سوم سبتمبر ۱۹۱۱ ( مطابق بیست و نهم رمضان ۱۳۲۹ )

شوستر عزیزم : کوشش خواهم نمود که رأی در بابت معامله کبابی سلیمان تحصیل نمایم دوست صادق شما جارج بارکلی

طهران سفارتخانه اعلیحضرت پادشاه انگلیس \* جناب

ك . س . م . ج . سر جارج بارکلی

— « ( ۱۶ ) مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر » —

طهران : سفارت خانه انگلیس \*

سوم اکتوبر ۱۹۱۱ « مطابق نهم شوال ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : از قرار بکه خبر رسیده در خصوص تشکیل و نظم ژاندارمری اگر بتوسط صاحب منصبان سویدی ممکن نباشد ممکن است ماژور استوکس به ریاست هیئت نظامی در اصفهان یا فریب به آن ولایت معین شود بدیهی است که يك شرط عمده اش این خواهد بود که قسمتی از آن هیئت که بحدود شمالی ما مور میشوند باید در تحت ریاست افسران ایرانی یا یکی از رعایای دولت کوچکی باشند \*

آیا ممکن است رأی خودتان را در این باب اطلاع دهند \*

دوست صادق شما \* جارج بارکلی \*

— « ( ۱۷ ) مراسله جوایبه مستر شوستر به سر جارج بارکلی » —

طهران : خزانه داری کل دولت امیر اطوری ایران \*

پنجم اکتوبر ۱۹۱۱ ( مطابق یازدهم شوال ۱۳۲۹ )

سر جارج محترم : در جواب مرقومیه سیزدهم اکتوبر شما میخواهم عرض نمایم که مسئله تخصیص محل ما موریت استوکس به اصفهان هم از حیث اصول معموله و هم بوجوب قوانین معاملاتی خارج از بحث و موضوع است \*

امید وارم وزیرای خارجه روس و انگلیس در موقعی متقاعد شده و باور خواهند نمود که وقتی که بگویم استوکس را بجهت مشورت و معلومات خاصه که دارد میخواهم در تشکیل ژاندارمری خزانه در اینجا یعنی در طهران مرا معاونت نماید عرض منم مخفی یا حیلات نظامی و « آنتریکی » در بین نبوده است \*

بعضی اوقات بیان وقایع آشکار و مقاصد ظاهره شخصیه بطوری مشکل بلکه غیر ممکن می شود که نمیتوان حقیقت امر را باور نمود ولی این مطلب کلیه صدق و مطابق واقع است که نه از ظاهر و نه از نحوای عریض من هیچ مطلب مهمی مستفاد نمیگشت که ما موریت استوکس را به اصفهان یا جای دیگر اختصاص داده او را پای بند نمایم که از آن محل رأی داده در این جا مرا معاونت نماید \*

سر جارج محترم من : آیا موعن نرسیده که دو دولت بزرگ باز بهای خودشان را در این موضوع ترك کرده واضح و آشکار بگویند که در خصوص استخدام استوکس بقسمیکه عرض کرده بودم هنوز هم مایل بجاری داشتن مخالفت خود بوده و تا این درجه کافی نیست ؟ با احترامات مهر بانانه سر جارج محترم و

مورگان شوستر . خزانه دار کل ایران \*

( ك . س . م . ج . سر جارج بارکلی )

— « ( ۱۸ ) مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر » —

طهران : سفارت انگلیس \*

( پنجم اکتوبر ۱۹۱۱ یازدهم شوال ۱۳۲۹ )

شوستر عزیزم : چون رأی اختصاص محل ماموریت استوکس به اصفهان رسماً یعنی بنوسط وزارت خارجه اظهار شده باید امروز جواب آنرا بنویسم \*

اگرچه بخاطر مبرسد سابقاً هم در باره عدم تخصیص محل ماموریت مشار الیه اظهاری نموده بودند ولی نخواستم بدون توضیح این نکته جواب وزارت خارجه را داده باشم که اختصاص محل ماموریت استوکس به اصفهان منطقه نفوذ منفوره (۱) را بدرجه تخصیص بشیراز ثابت نخواهد گرداند \* دوست صادق شما . جارج بارکلی

— « (۱۹) مراسمه جوایه سر جارج بارکلی به مستر شوستر » —

طهران سفارت انگلیس \*

دهم اکتوبر ۱۹۱۱ ( مطابق شانزدهم شوال )

شوستر محترم من : پس از تقدیم منتها درجه تشکرات خود از مراسمه شما عرض میبایم که بعد از ظهر امروز منظر ملاقات شما خواهم بود \*

گان نمیکنم دیگر در مسئله پارك شعاع السلطنه مشکلی در پیش باشد ولی یقین دارم بفرستادگان خود سفارش و غدقن آکید در اجتناب از ارتکاب امور غیر مهمه خواهند نمود زیرا که در صورت معارضه به نتیجه بسیار وخیمی مصادف خواهند شد \*

دوست صادق شما \* جارج بارکلی

— « (۲۰) مراسمه جوایه مستر شوستر به سر جارج بارکلی » —

طهران : خزانه داری کل دولت امیر اطوری ایران \*

دوم نومبر ۱۹۱۱ ( مطابق دهم ذیقعدہ ۱۳۲۹ )  
شخصی است  
سر جارج محترم من : رقعہ دعوت محبت آمیزانه و مهر بانانه شما و « لیدی » خانم بارکلی را (۲) « مسز » خانم شوستر و بنده زیارت نمودیم میزان فرح و انبساطیکه از دعوت شام

(۱) یعنی منطقه نفوذ منفوره در صورتی تصدیق و اعتراف میشد که اختصاص محل ماموریت ماژور استوکس به شیراز شده باشد ولی تعینش در اصفهان از این تصورات خارج است \* مترجم

(۲) لیدی به خانمهای خطاب میکنند که شوهر شان دارای لقبی باشد \* مثل جارج بارکلی که به لقب « سر » مفتخر بود ولی مسز به زن هائی میگویند که شوهر شان دارای این مقام نباشد \* مترجم

روز سیزدهم ماه جاری به همراهی شما حاصل شد به تقرر در آید ولی تصور میکنم روی هم رفته قبول این دعوت سفارت انگلیس بدون اینکه شما را از قضیه ذیل مطلع گردانم مناسب نباشد زیرا که مکتوب سر باز با امضائی به « تمس » لندن نوشته و عبارات صریح از سبک سلوکی که دولت متبوعه شما نسبت بامور راجعه بین و ملتی که مشغول خدمت گردنشان میباشد تنقید نموده ام . اگرچه در آن بیانات اظهاریه مطالب شخصی راه نیافته و خود شما مسبوقید که همیشه نسبت بشخص جنابعالی اعزازات و احترامات کامله منظور نموده ام ولی تصور میکنم عدم حضور مسز شوستر و من در این مهمانی رسمی سفارت باعث رهائی شما از پریشانیهای محتمله گشته و خاطر تان از بعضی ملاحظات راحت بشود فقط برای رعایت همین نکته این کاغذ را مینویسم \*

یقین دارم بخوبی ملتفت میشاید که بغیر از این ملاحظه هیچ امری مرا از درک شرافت میزبانی شما مانع نخواهد بود \*

برای رفع هر قسم توهمات نا موافقی ممکن است عرض کنم که در صورتیکه صلاح بدانید مسز شوستر و من با نهایت خوشوقتی حاضریم که با شما و لیدی بارکلی من غیر رسم شام یا چیزی مثل میوه صرف نمائیم \*

اگرچه عقیده شخصی خودم این است معاملات شخصی را با امور ارتباطی و تباينات بائینکی را با روابط دوستانه نباید آمیخت ولی شاید دیگری در این عقیده با من شریک نباشد . و شاید هم در موقعی تحدید این دو حالت و افتراقشان از یکدیگر ممکن بشود \*  
با این حال اگر بحضور مان مایل باشید حاضریم ولی بعد از رسید جواب این مکتوب از طرف شما آن هم در صورتیکه احتمال تنقید و نکته چینی از طرف هم بطاران شما در طهران نسبت بشما نرود

دوست صمیمی شما . و مورگان شوستر

طهران سفارت انگلیس . خدمت . ک . س . م . ج

سر . جارج بارکلی

— « (۲۱) مراسمه جوایه سر جارج بارکلی به مستر شوستر » —

طهران سفارت انگلیس \*

دوم نومبر ۱۹۱۱ ( مطابق دهم ذیقعدہ ۱۳۲۹ )

شوستر عزیزم : نهایت تشکر فوق العاده از مرفوعه دوستانه امروز شما حاصل و احترامات لایقه نسبت به مبداءش تقدیم مینمایم در هر صورت اگر ماهم دعوت خود را ملتوی داشته و تا آخر انداخته تا در جریان امور بهبودی حاصل شود مناسبتر باشد این طرز سلوکی را که با کمال صداقت و یکرنگی نسبت بن مبدول داشته اند، حاکی از فرط مراحم و الطاف شما نسبت بخود میدانند \*

التفات فرموده سلام و احترامات فایده مرا به سر شوستر ابلاغ کنید و بطور یقین این جانب را دوست صادق خود بدانید \*

جارج بار کلی

— « ۲۲ » مراسله سر جارج بار کلی به مستر شوستر \* —

طهران سفارت انگلیس \*

هفتم نومبر ۱۹۱۱ ( مطابق با نهم ذی قعدة ۱۳۲۹ )

شوستر عزیزم : آیا میتوانم فردا بقدر چند دقیقه شما را ملاقات بکنم ؟ \*  
میخواهم تکراری که از طرف دولت متبوعه ام در باب استخدام مسئول کفر رسیده بشما ارائه نمایم و نیز ما مورم بعض ملاحظاتی را که البته خود شاهم ملتفت میشاید توضیح دهم \*  
اگر چه تا درجه میتوانم بگویم هر وقت فردا را که میل داشته باشند حاضر خواهم بود ولی چون از نایب السلطنه نیز خواهش ملاقات نموده ام نمیدانم چه وقت را ایشان معین خواهند فرمود \*

دوست بسیار صادق شما جارج بار کلی

— « ۲۳ » مراسله سر جارج بار کلی به مستر شوستر \* —

طهران سفارت انگلیس \*

دوم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق هجدهم ذی قعدة ۱۳۲۹ »

شوستر عزیزم : اگر چه یقین دارم تا کون مکتوب سر باز شما اشاعه یافته ولی بسیار مایل و ممنون خواهم بود اگر ممکن باشد سواد آن مراسله را به بینم \*

دوست بسیار صادق شما جارج بار کلی \*

— « ۲۴ » ایضا مراسله سر جارج بار کلی به مستر شوستر \* —

طهران سفارت انگلیس \*

چهار دهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و دوم ذی قعدة ۱۳۲۹ »  
شوستر عزیزم : سابقاً وعده کرده بودند که معاهده و فرار داد خود را يك مرتبه ارائه خواهند فرمود . آیا بهمان وعده خود باقی میباشند ؟ بنا بر این فرض آیا ممکن خواهد بود معاهده مزبوره را به بینم ؟ سواد مکتوب شما را با نهایت شوق و دلچسپی تمام دیده ولی تصور میکنم نسبت بهر دو دولت قدری سختی نموده اید \*

دوست صادق شما جارج بار کلی \*

— « ۲۵ » ایضا مراسله سر جارج بار کلی به مستر شوستر \* —

طهران سفارت انگلیس \*

پانزدهم نومبر ۱۹۱۱ « بیست و سوم ذی قعدة ۱۳۲۹ »

شوستر عزیزم : آیا برای شما ممکن است از صحت رأی که بدولت متبوعه خود داده ام مرا مطلع گردانید ؟ که رئیس الوزراء خواهش برداشتن ژاندارم و مستخف ظین پارك شعاع السلطنه را از شما نموده و شما در جواب آن اظهار نموده اید که چون حکم ضبط و توقیف ملك مزبور به امضای هیئت کابینه و تمام وزراء بوده برداشتن ژاندارم موقوف به حکمی مثل حکم اولی خواهد بود \*

دوست بسیار صادق شما جارج بار کلی \*

— « ۲۶ » مراسله جوابیه مستر شوستر به سر جارج بار کلی \* —

طهران خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

پانزدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و سوم ذی قعدة ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم : مراسله شما که راجع به استفسار از صحت حکم مشهور صمصام السلطنه و جوابی که داده ام بود واصل گردید . اگر چه خود بالطبع مایل و خوشوقتیم که جمیع وقایع را شخصاً بشما اطلاع بدهم ولی چون علی الظاهر میخواهید که وقایع مزبوره را بدولت خود اطلاع بدهید نظر بموقع دقیق حالیه قدری مردد میباشم \*

اجازت میطلبم نظیری برای این امر ذکر نمایم مثلاً اگر کسی از حقیقت قضیه استوکس و قبول حکومت هند استعفایش را از شما سوال و خواهش اطلاع نماید آیا در انجام همه خواهش مختار و آزاد خواهید بود ؟ آن هم در صورتیکه نتیجه صحیح آخری آن قضیه را ندانسته باشید چنانچه مایل باطلاع از این مسئله باشید با کمال خوشی و طیب

خواطر حاضریم بعنوان دوستانه آنجا آمده حقیقت قضیه شعاع السلطنه را شفاهاً بشایکوم \*  
این فقره را عرض نمایم تا جائیکه خودم اطلاع دارم دو روز است که رئیس الوزراء  
و کابینه وجود ندارد \*

با احترامات دوستانه . دوست صادق شما . مورگان شوستر

« خدمت ك . س . م . ج . سر جارج بار کلی



— « ۲۷ » مراسله جوابیه سر جارج بار کلی به مستر شوستر \* —

طهران : سفارت انگلیس \*

پانزدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و سوم ذی‌عده ۱۳۲۹ »

شوستر عزیزم : نقطه نظر و مقصود را که ما هوقه ملتفت شده و تا کراف نخواهم کرد \*  
در مکتوبیکه دیروز نوشته و ارسال آن را تا امروز فراموش نموده بودم اشاره بدین  
امر کرده بودم که مقصودم چیزی دیگر بوده است البته در رد مسئول من مختار و بکلی  
آزاد میباشید زیرا دیده می شود مطالبی را که تا چند هفته قبل مستعد اطلاع بودید  
شاید اکنون ممکن نباشد \*

دوست بسیار صادق شما . جارج بار کلی \*



— « ۲۸ » مراسله جوابیه مستر شوستر به سر جارج بار کلی \* —

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

هفدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم ذی‌عده ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم من : دو مراسله مورخه چهاردهم شما و اصل و از نقطه نظر بکه  
دوستانه نسبت بمفاد کاغذ این جانب مبذول فرموده اند کمال تشکر حاصل گردید \*

در ارائه نمودن سواد معاهده خود به شما ابتدا عذری نداشته و هم چنین از اطلاع  
دولت شما نیز مضایقه نخواهم داشت در صورتیکه مطمئن بشوم از آنجا بجای دیگر  
« سفارت روس » نخواهد رفت ولی چون قرارداد مبرود مطابق نیست که بجز من و  
دوستانم و بغیر از دولت ایران بدیگری مربوط باشد اگر دولتی خواهش آن را بکنند  
نتیجه نیکی تصور نمیتوان نمود با این حال اگر مایل بدیدنش باشید بطیب خواطر حاضریم  
که سواد آن را برای شما بفرستیم \*

با تقدیم احترامات دوستانه سر جارج محترم \*

دوست صادق شما . مورگان شوستر

خدمت ك . ج . سر جارج بار کلی \*

— « ۲۹ » مراسله مستر شوستر به سر جارج بار کلی \* —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

نوزدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و هفتم ذی‌عده ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم من : کرنل بدوز فردا از راه بطرسبرگ عازم انگلستان است \*  
تصور میکنم اگر مشارالیه بتواند ملاقات شخصی با مسیو کوکوستف بکند از نقطه  
نظر دولتمندان انگلیس و روس بحال ایران نافع خواهد بود خیالات شخصی خود را راجع به  
امور مالی و همچنین نقشه هائیکه میتوان بتدابیر عملی نظم صحیحی بروی کار آورد که  
باعث اطمینان دولت ایران و انگلیس و روس بشود کاملاً بایشان توضیح داده و فهمانیده ام  
اگر شما هم این رأی را به پسندید بسیار ممنون خواهم شد اگر بتوانید معرفی کتبی از  
کرنل مزبور به سفیر انگلیس مقیم بطرسبرگ بفرمائید و در مکتوب خود از سفیر خواهش  
بفرمائید مشارالیه را با رئیس الوزرای روس ملاقات بدهد و اگر هم در مراسله خود  
اظهار بفرمائید که خواهش مزبور را بر حسب خواهش این جانب اظهار فرموده اند  
ضروری نخواهد داشت \*

با تقدیم احترامات مهربانه \* سر جارج محترم \*

دوست صمیم شما . مورگان شوستر \*

خدمت جناب ك . س . م . ج . سر جارج بار کلی وزیر مختار انگلیس \*

— « ۳۰ » مراسله شخصی سر جارج بار کلی به مستر شوستر \* —

طهران : سفارت انگلیس \*

دهم ژوئیه ۱۹۱۲ ( مطابق نوزدهم محرم ۱۳۳۰ )

مستر شوستر عزیزم : از یاد آوری و عبارات محبت آمیز شما نهایت درجه متشکر  
می باشم \*

و بسیار متأسفم از اینکه چرا بیش از این از ملاقات شما محظوظ نشدم امیدوارم  
روزی با هم ملاقات نمائیم که وضع جریان امور بهتر و مسئولیت و مجبوری در آن کمتر  
باشد راحتی و آرامی مسافرت شما را طالب و تفرجهای مطبوع پاریس را اگر در آنجا  
نوقف بفرمائید برای شما آرزو مندیم \* دوست بسیار صادق شما . جارج بار کلی \*

( دوم )

:0:

\* «سواد مراسلات بین مستر مورگان شوستر خزانه دار» \*

\* کل دولت امپراطوری ایران و عالی جناب \*

\* س باکلیوسکی کریل وزیر مختار روس مقیم طهران \*

\* «(۱) مراسله مستر شوستر بسینو باکلیوسکی کریل وزیر مختار روس» \*

طهران خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

دهم اوت ۱۹۱۱ (مطابق چهاردهم شعبان ۱۳۲۹)

توسط وزیر امور خارجه ایران خدمت عالی جناب س . باکلیوسکی کریل وزیر مختار روس در طهران جنابعالی بر حسب سیم نمبر ۲۰۵ وزارت جنگ دولت امپراطوری شرف اظهار دارم که یک طفره حواله سیصد و شصت هزار و سیصد و نود و پنج روبل بانک شاهنشاهی ایران را که برای تأدیه قیمت هفت هزار قبضه تفنگ ریفل و سه میلیون و پانصد هزار عدد فشنگی میباشد که سابقاً بر حسب تصویب مجلس خرید شده تقدیم نمایم \*

امید وارم رسید مبلغ مزبور را که در جوف است امضا فرموده در موقع فرصت مسترد دارند \*

دوست صادق جناب عالی \* و مورگان شوستر خزانه دار کل ایران \*

( طهران \* سفارت روس )

\* «(۲) مراسله جوابیه موسیو باکلیوسکی کریل مستر شوستر» \*

طهران : سفارت روس \*

توسط وزیر امور خارجه ایران \* خدمت جناب س . و مورگان شوستر خزانه دار کل ایران طهران دوازدهم اوت ۱۹۱۱ (مطابق شانزدهم شعبان ۱۳۲۹)

مستر مورگان شوستر محترم : بسیار متشکرم از مراسله دم اوت شما و حواله سیصد و شصت هزار و سیصد و نود و پنج «روبل» منات به بانک شاهنشاهی ایران از بابت قیمت تفنگهای ریفل و فشنگهاییکه بجهت ایران از روسیه خرید شده است \*

رسید مبلغ مزبور در جوف است دریافت فرمائید \*

مستر مورگان شوستر عزیزم : دوست صادق شما س . باکلیوسکی کریل \*

\* «(۳) مراسله مستر شوستر به مسیو باکلیوسکی» \*

\* کریل وزیر مختار روس \*

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

نوزدهم اوت ۱۹۱۱ (مطابق بیست و سوم شعبان ۱۳۲۹)

وزیر محترم من : اکنون بتوسط وزارت خارجه مطلع شده ام که تأدیه حقوق و مواجب بریگاد فراق قدری تعویق افتاده است چون از اینجانب خواهش شده است که محلاً این امر را با جنابعالی انجام دهم لهذا برای تصفیه آن حاضر بمباشم \*

تاکنون مطمئن بودم که بانک استقراضی در مواقع لازم تأدیه مواجب بریگاد فراق را اطلاع خواهد داد چنانکه در فقره شانزده هزار و سیصد و چهار تومان و نه قران بابت بعضی مخارج که در هیجدهم ژوئیه ۱۹۱۱ «بیست و یکم رجب ۱۳۲۹» بانک مزبور اطلاع داد فوراً حواله آنرا فرستادم اینک معلوم شده که بدون اطلاع من تأخیری در مواجب بریگاد واقع شده است اگرچه از وقوع این تعویق بسیار متأسفم ولی این نکته را هم عرض میکنم که در این باب خود را مقصر و مسئول نخواهم دانست یا این حال در هر موقع و در هر وقت سعی و مستعد در تأدیه حقوق بریگاد بوده تا احترام ضامت دولت ایران را در قزاز داد دسمبر ۱۹۱۰ «ذیحجه ۱۳۲۸» برقرار دارم \*

پس بعفیده این جانب برای جلوگیری از وقوع تعویق در آتیه مناسب است که در صورت وقوع تأخیر بانک استقراضی یا کریل بریگاد فوراً مقدار وجه پرداختی را اطلاع دهند تا منم بتوانم مقدار آن وجه را به دفتر بانک حواله داده و باسم کریل یا صاحب منصبی که برای قبض و اقباض آن مبلغ معین میشود تبدیل نمایم به همان ترتیب که انتقال قروض سالانه بعمل می آید تصور میکنم این ترتیب از حیث عبارت و مفاد و موافق با قرار داد مذکور و باعث تأمین کامل برای تأدیه این گونه مخارج از گمرکات شالی خواهد بود \*

تصور میکنم در این معامله و برای منع از وقوع تعویق در آتیه چنانچه مرضی جنابعالی باشد مبلغی که باقی است فوراً پرداخته شود بشرط اینکه در آتیه نظیر این

واقعه دیده نشود. فقط بلا حظه ضیق وقت این ترتیب رعایت شده است \*

این راه هم عرض کنم چون فردا که یکشنبه است نهار در قلهک خواهم خورد امیدوارم بعد از ظهر خدمت شما رسیده شاید چند دقیقه بتوانیم در این موضوع باهم گفتگو نمایم \*  
با تقدیم احترامات دوستانه : وزیر محترم من :

دوست بسیار صادق شما . و . مورگان شوستر  
( زرگنده خدمت جناب . س . یا کلیوسکی کریل وزیر مختار روس )

— « ( ۴ ) مراسله جوابیه مسیو یا کلیوسکی کریل به مستر شوستر » —

تهران . زرگنده . سفارت روس \*

بیستم اوت ۱۹۱۱ ( مطابق بیست و چهارم شعبان ۱۳۲۱ )

مستر مورگان شوستر محترم : بسیار متشکرم از مراسله و خواهش شما در باب نصفیه وجه پرداختنی به بریگاد قزاق \*

بهر حال متأسفم از دستور العماهای مؤکدیکه از طرف دولت متبوعه ام در این باب رسیده و تخطی از آن برای من ممکن نیست دولت متبوعه ام همیشه سعی است که دول مشرقیه را قویاً مجبور و مقید به تعمیم و اجرای ظاهر عبارات معاهداتشان نماید زیرا وقوع هر گونه تخلف در معاهدات سموات تمام باعث نقض احترام آنها میشود معاهده دهم دسمبر ۱۹۱۰ « مطابق هفتم ذیحجه الحرام ۱۳۲۸ » متعلق به این شرط است که باید بعضی مخارج دولت ایران بتوسط بانک خودمان با مداخله و تصویب فقط اداره کمرک پرداخته شود از طرف دولت متبوعه ام تا تجد شده است که مواظبت تمام تا انقضای مدت معاهده تغییر در مواد آن بظهور نرسد باین جهت امیدوارم تفویض اختیارات را بجهت همیشه یا برای چند سال به مسیو مورنارد مناسب خواهید دانست که احکام خود را برای تأدیبه هر مبلغیکه در معاهده فوق الذکر مندرج است به بانک ما بفرستد \* چون مصارف بریگاد در هجدهم ژویه گذشته فوق العاده و خارج از بودجه سالانه و مفاد معاهده مزبوره بود نادیده اش بدون تصویب صریح شما ممکن نبود \*

از ملاقات امروز عصر با شما بسیار خوشوقت و امیدوارم این ملاقات دوستانه سهو تقهات را در آینده بمنفع الوقوع ساخته یک جبهتی قلبی را که همیشه خواستار آن بوده ام تسهیل بگذرد با احترامات مهرانانه مستر مورگان شوستر عزیزم \*

دوست صادق شما . س . یا کلیوسکی کریل \*

— « ( ۵ ) مراسله . س . یا کلیوسکی کریل به مستر شوستر » —

تهران . سفارت روس \*

دوم سبتمبر ۱۹۱۱ ( مطابق هشتم رمضان ۱۳۲۹ )

مستر مورگان شوستر عزیزم : اکنون تلگرافی از طرف دولت متبوعه ام رسیده که سه روز قبل مخابره شده بود \*

قبل از آنکه جوابی از مذاکرات شفاهی دو هفته قبل بدهم عرض میکنم که دولت متبوعه ام استفسار مشروحنی از تشکیل و تعداد و محل اقامت و تأمین و تأیید از خریدن خزانه نموده و هم چگونگی وظایف و مشاغل هیئت مزبوره و اینکه آیا ژاندارمری دیگری هم بجهت اصلاح سایر امور لازم خواهد شد یا فقط منحصراً بر همین دسته ژاندارمری خزانه می باشد که امور متعارفی ژاندارمری را بانضمام جمع آوری مالیات انجام دهد \* نکته دیگر که توضیحش نیز لازم است اینست که در صورتیکه ما موریت ماژور استوکس پس از ششاه بجنوب ایران تبدیل شود ریاست ژاندارمری نقاط شمالی هم با مشارالیه خواهد بود آیا این امر ممکن است که پس از انقضای ششاه یکی از افسران سویدی رئیس کل ژاندارمری معین بشود و ماژور استوکس فقط بصرف اسم در وقت ریاست افسر سویدی آنهام خارج از منطقه تفویض روس خدمت نماید و آیا ممکن است که این دو شرط جزء قرارداد مشارالیه ذکر شود \*

اختیار این شق آیا از سایر شقوق انطباق خواهد بود که از اول یکمفتر صاحب منصب درجه اعلائی سویدی بز ریاست ژاندارمری خزانه ماژور شده و ماژور استوکس برای ششاه در طهران باند تا انسر سویدی را معاونت نماید بانضمام این شرط که پس از انقضاء مدت مزبوره محل ماژوریش بتطقه تفویض انگلیس یا بی طرف تبدیل شود بدون شبهه دولت ایران لازم است توضیح و اطمینانات کامله در چگونگی و « حدود اراضی » محل ماژوریت و فعالیتهای ماژور استوکس بدهد بنظر شما آیا دولت ایران در این کار مستعد میباشد \*

بسیار ممنون و متشکر خواهم بود اگر در توضیح روشن و جامع فقرات مذکور مرا معاونت نمایند تا بتوانم بدولت متبوعه خود اطلاع دهم باین دارم اصلاح و نصفیه

امور تا درجه وسیعی منوط به نوعیت جواب شما خواهد بود \*

مستر شوستر عزیزم مرا دوست صادق خود بدانید . س . پاکلیوسکی کزیل \*



« ( ۶ ) - مراسله جوابیه مستر شوستر به » -

\* س . پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس \*

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

سوم سبتمبر ۱۹۱۱ ( مطابق نهم رمضان ۱۳۲۹ )

وزیر محترم من : مکتوب دوم ماه جاری شما راجع به بعضی سئوالات دولت متبوعه تان متعلق به اقدامات و ترتیبات ژاندارمری خزانه قبل از آنکه جواب مذاکرات دوستانه تقریباً دو هفته قبل ما را بدهد واصل گردید \*

جواباً عرض میشود با نهایت خوشوقتی تمام اطلاعات خود را راجع به امور مذکوره تا درجه که بنظرم میرسد اظهار میکنم \*

اما در فقره تشکیل و تعداد و وظایف ژاندارمری خزانه عرض عمده از این تشکیل چنانکه از ظاهر اسمش مستفاد میشود جمع آوری مالیات است با مداخلات صریحه ولی در تحت احکام نمایندگان خزانه دار کار و هم برای برقرار داشتن امنیت عمومی که از فقدان اقل و وصول مالیات در این مملکت ممتنع میگردد تشکیل این هیئت را هم ایرانیان خواهند داد به استثناء چند نفر صاحب منصب مفتش اروپائی و امریکائی و از حیث عدد هم تصور میکنم از هر جهت تخمیناً از دوازده تا پانزده هزار نفر لازم خواهد شد که با کمال درستی و صداقت وظایف خودشان را در تمام مملکت انجام دهند اگر چه یقین دارم تا هیجده ماه دیگر یا بیشتر به تشکیل عدد کامل محتاج و نائل نخواهیم شد \*

و اما در این فقره که تشکیل ژاندارمری دیگری هم محل احتیاج واقع خواهد شد را ای مستقیم خودم اینستکه با وجود این هیئت نظامی دو فوج دیگر هم لازم و مقرون بصرفه نخواهد بود عقیده خودم اینستکه در اکثر مواقع فقط یک هیئت نظامی « بادسیبلین » منطقی برای برقرار داشتن امنیت و نظم عمومی کافی خواهد بود و برای اسکات جنبش شورشیان هر محل فوجی که دارای اقتدارات پولیس باشد نیز کافی است مگر در صورتیکه شورش بدرجه سخت شود که توجه قوای نظامی را بطرف خود معطف سازد \*

اما در فقره سئوال شخصی خود شما در باب ماموریت ماژور استوکس عرض میکنم

که چون مشار الیه را برای ریاست کل ژاندارمری در تمام مملکت انتخاب نموده و قرار داد سه ساله هم با او بسته ام قصد مقرر داشتن هیئت صاحبمنصبی را فوق ماژور موصوف ندارم تا اینکه بتواند با کمال اطمینان خدمات خود را انجام دهد امور و مناسباتیکه باعث انتخاب او شده همان مناسبات باعث برقراریش به این خدمت میباشد تا آنکه خدماتش را با کمال اطمینان انجام دهد \*

محدود نمودن محل استخدام ماژور استوکس هم به خارج از منطقه نفوذ روس چه در فرار دادش و چه بعنوان دیگر نظر بدلائلی که سابقاً اظهار نموده و یقین دارم دولت شما هم بخوبی آن را ملتفت است قابل تأمل و مذاکره نیست \*

قصد ندارم دیگر را بجای ماژور استوکس برای معاونت اول در انتظامات ژاندارمری خزانه انتخاب نمایم زیرا که لیاقتهای مشار الیه با دلایل متقنه بقسمی مشهور است که محتاج به تکرار نیست ماژور موصوف در تحت او امر شخصی من بوده هیچ مسلک و طریقه را بجز اجرای دستور العملهای شخصی من پیروی نخواهد نمود \*

اما در باب فقره ما قبل آخر مکتوب شما عقیده صاف و صریح من در این باب اینست که دولت ایران هیچگاه حاضر نمیشد اطمینانی در تحدید حدود ارضی و تعیین محل عملیات ماژور استوکس بدهد در این صورت منم در این باب حاضر نخواهم بود قصد خودم اینست که خدمات مشار الیه را در تمام مملکت بقسمی جاری و سازی بشارم که در زمان مسئولینم برای اصلاحات مالیه بهترین طرق اصلاح باشد \*

وزیر محترم من : همیشه سعی میباشم که تمام خیالات خود را راجع به این معامله با کمال صداقت و پاک دلی اظهار نمایم و امید وارم از بیان فوق دولت شما ملاحظه خواهد نمود که عرض اصلی و منظور حقیقی در این امر فقط تشکیل هیئت موثره صحیحی است برای تکمیل شغل مشکلی که با ست گرفته ام لازم نیست عرض بکنم که از اصلاح جدید مالیه و عایدات داخلی ایران چه منفعت کلی به تمام فواید و اغراض رعایای داخله و خارجه هائیکه با دولت ایران مربوطند خواهد رسید \*

با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم . و . مورگان شوستر خزانه دار کل ایران \*

( زر کده . خدمت . س . پاکلیوسکی کزیل وزیر مختار روس )



« ( ۷ ) - مراسله مستر شوستر به س . پاکلیوسکی » -

✽ کزیل وزیر مختار روس ✽

تهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

پنجم سبتمبر ۱۹۱۱ (مطابق بازدهم رمضان ۱۳۲۹)

وزیر محترم من : از قراریکه مطلع شده ام مفاد مکتوب دوروز قبل صراحتاً بوضع غریبی تأویل فرموده و آنرا اختتام عملی بحث در معامله مازور استوکس تصور نموده اند اگر این قسم است اجازت می طلبم عرض کنم که همچو خیالی ابداً در مخیله منم خطوط نموده و از مراسله دوم ماه جاری شا هجگاه استنباط بحث در معامله مذکوره نموده ام بلکه همان قسمیکه از ظاهر عبارتش مستفاد میشد تصور نمودم که فقط خواهش توضیح مفصل جامعی است که شما و دولت شما مایل به اطلاع از آن بوده تا بتوانند عملیات آینده خود را بر طبق آن منظم گردانند و بهمین جهت بود که سعی کردم در جواب مراسله شما بیان جامع و واضح مسایل مصوبه دولت ایران را تشریح نمایم بسیار متأسف خواهم بود اگر در مضمون مکتوب جوابیه این جانب تصور ضروری فرموده یا آنکه نسبت بمن بدگمان شوید از ابتدای مذاکرات اصلیه در این باب ملتفت بودم که شاید بتوانم دولت شما را از مشکلات امور این دولت و همچنین مشکلات امور خودم خصوصاً در همین فقره مطلع گردانم تا آنکه مایل بسلوک مهربانانه و رفتار دوستانه شده اعتراضاتی را که در باب معاهده مازور استوکس تا بحال جاری داشته ترک نماید اگر چه مقصود اصلی از ملاقات دیروز با شما این بود که رأی جدید دولتتان را در این معامله استنباط نمایم ولی بعد چنانکه از مضمون مراسله شما ظاهر شد تصور می نمایم شاید قبل از آنکه اطلاعات صحیحیه و مفصلا پیش از آنکه اظهار شده و امیدوار بودم از جواب این جانب استنباط کرده تحصیل نمایند راضی به اظهار و مسلك حاضر در تشریح مقاصد آئینه دولت خود نباشید \* بسیار مایل که بزودی شما را ملاقات کنم خصوصاً در صورتیکه از مضمون کاغذ من شبهه و تردیدی در خیال شما راه یافته باشد کوشش میکنم که فردا ساعت سه بعد از ظهر چنانچه برای شما زحمت نباشد بزرگکنده بیاوم خواهش مندم مناسبت و مساعدت وقت مزبور را التفات فرموده به کرنل بدوز اطلاع دهید مشارالیه هر قسم و بهر وسیله که باشد به اینجانب اطلاع خواهد داد با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم من \*

دوست بسیار صادق شما و مورگان شوستر خزانه دار کل ایران \*  
(زرگنده خدمت عالیجناب س . یا کلیوسکی کزیل وزیر مختار روس) \*

✽ (۸) مراسله جوابیه مستر شوستر به س . یا کلیوسکی کزیل ✽

تهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

سوم سبتمبر ۱۹۱۱ (نهم رمضان ۱۳۲۹)

وزیر محترم من : (۱) مکتوب دوم ماه جاری شما راجع به بعضی سئوالات دولت متبوعه تان متعلق به اقدامات و ترتیبات ژاندارمری خزانه قبل از آنکه جواب مذاکرات دوستانه تقریباً دو هفته قبل ما را بدهید واصل گردید \*

جواباً عرض می شود با نهایت خوشوقتی تمام اطلاعات خود را راجع بامور مذکوره تا درجه که بنظرم میسرند اظهار میکنم \*

اما در فقره تشکیل و تعداد و وظائف ژاندارمری خزانه غرض عمده از این تشکیل چنانکه از ظاهر اسمش مستفاد میشود جمع آوری مالیات است با مداخلات صریحه ولی در تحت احکام نمایندگان خزانه دار کل و هم برای برقرار داشتن امنیت عمومی که از فقدانش اقلأ وصول مالیات در این مملکت ممتنع میگردد تشکیل این هیئت را هم ایرانیان خواهند داد به استثناء چند نفر صاحب منصب مفتش اروپائی و امریکائی و از حیث عدد هم تصور میکنم از هر جهت تخمیناً از دوازده تا پانزده هزار لازم خواهد شد که با کمال درستی و صداقت وظایف خودشان را در تمام مملکت انجام دهند اگر چه یقین دارم تا هجده ماه دیگر با پیشتر به تشکیل عدد کامل محتاج و نایل نخواهیم شد \*

و اما در این فقره که تشکیل ژاندارمری دیگری هم محل احتیاج واقع خواهد شد رأی مستقیم خودم اینست که با وجود این هیئت نظامی دو فوج دیگر هم لازم و مقرون بصرفه نخواهد بود عقیده خودم این است که در اکثر مواقع فقط يك هیئت نظامی با «دسپلین» منظمی برای برقرار داشتن امنیت و نظم عمومی کافی خواهد بود و برای اسكات جنبش شورشیان هر محل فوجی که دارای اقتدارات پلیس باشد نیز کافی است مگر در صورتیکه شورش بدرجه سخت شود که توجه قوای نظامی را بطرف خود منعطف سازد \*

و در خصوص سئوالات شخص خود تان همین قدر عرض میکنم که امیدوارم بزودی شما را ملاقات نموده سعی خواهم کرد در آن ملاقات تا اندازه که مطلع میباشم توضیح دهم \*

وزیر محترم من : همیشه سعی میباشم که تمام خیالات خود را راجع به این معامله

(۱) این کاغذ عوض کاغذ سوم سبتمبر فرستاده شد تا بجای آن بگذارند \*

یعنی در دفتر رسمی سفارت ثبت و ضبط نمایند \*

با کمال صداقت و پاک دلی اظهار نمایم و امیدوارم از بیان فوق دولت شما ملاحظه خواهد نمود که غرض اصلی و منظور حقیقی در این امر فقط تشکیل هیئت مؤثره صحیحی است برای تکمیل شغل مشکلی که بدست گرفته ام. لازم نیست عرض کنم که از اصلاح جدید مالیه و عایدات داخلی ایران چه منفعت کثلی به تمام نواید و اغراض رعایای داخله و خارجه هائیکه با دولت ایران مربوطند خواهد رسید \*

با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم من

و . مورگان شوستر . خزانه دار کل ایران \*

زر کتمده . خدمت جناب س . پاکلیوسکی کریل وزیر مختار روس \*

— « ( ۹ ) مراسله مسر شوستر به س . پاکلیوسکی کریل —

\* وزیر مختار روس \*

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

سیزدهم سبتمبر ۱۹۱۱ ( مطابق نوزدهم رمضان ۱۳۲۹ )

وزیر مختار بسیار محترم من : با کمال مسرت و خوشوقتی اطلاع میدهم که در پانزدهم ماه قبل از کرنل بدوز نماینده ( کمپانی ) مسرز سایمن و برادران درخواست قرضه چهار میلیون لیبره انگلیسی نموده ام سواد آن در جوف است اکنون محبت و همراهی دولت متبوعه و نفوذ شخصی خود شما را امیدوار و طالبیم تا باطمینان تمام تصفیه پذیرد \*

با تقدیم احترامات کامله دوست صادق شما

و . مورگان شوستر خزانه دار کل ایران \*

( خدمت جناب س . پاکلیوسکی کریل وزیر مختار )

— « ( ۱۰ ) مراسله مسر شوستر به وزیر مختار روس —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران \*

سیزدهم سبتمبر ۱۹۱۱ « نوزدهم رمضان ۱۳۲۹ »

وزیر محترم من : ممکنست استفسار نمایم که آیا از طرف دولت خود مختار میبایست در دادن اطلاع نتیجه مذاکرات سابقه راجع به استخدام ماژور استوکس چون از تعویق هر روز در امر بار سنگینی بر یکی از شعب کارم افزوده می شود زحمت دادم \* با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم من : دوست بسیار صادق شما

و . مورگان شوستر خزانه دار کل ایران \*

( طهران . خدمت جناب س . پاکلیوسکی کریل وزیر مختار روس )

— « ( ۱۱ ) مراسله جوابیه سفارت روس به مسر شوستر \* —

طهران . سفارت خانه روس \*

شانزدهم سبتمبر ۱۹۱۱ ( بیست و دوم رمضان ۱۳۲۹ )

مسر مورگان شوستر محترم من : هنوز از دولت متبوعه خود چیزی در فتره استخدام ماژور استوکس نشنیده و منتظر جواب آن میباشم شاید علت تاخیر جواب خارج شدن امپراطور از پطر سبرگ بوده باشد \*

بجزرد اینکه تلگراف برسد دقیقه در اطلاع شما تاخیر و تضییع وقت نخواهم نمود \*

با تقدیم احترامات دوستانه . دوست صادق شما

س . پاکلیوسکی کریل \*

— « ( ۱۲ ) مراسله سفارت روس به مسر شوستر \* —

طهران . سفارتخانه روس \*

پانزدهم اکتوبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و یکم شوال ۱۳۲۹ »

مسر شوستر عزیزم : ترتیب جدیدیکه در مسئله استخدام ماژور استوکس در مذاکرات سابقه اظهار نموده بودید بدولت متبوعه خود پیشنهاد نمودم اکنون جواب آن بمضمون ( ۱ ) ذیل رسیده است که چون متأسفانه از سوء اتفاق معلوم میشود که تجدید محل شغل ماژور استوکس بجنوب ممکن نیست لذا دولت من مجبور است که برخلاف ما موربت صاحب منصب مذکور بریاست ژاندارمری مالیه ایران « پرواست » تعرض نماید \* مرا دوست صادق خود بدائید س . پاکلیوسکی کریل \*

— « ( ۱۳ ) مراسله وزیر مختار روس مسر شوستر \* —

( ۱ ) این آخرین انکار روس بود از پس گرفتن اعتراض خود در باره استخدام ماژور استوکس \* تا آن زمان با سفارتین روس و انگلیس مشغول مراسله بودم که بشروط مخصوصه آنها از خدمات بسیار مهم ماژور استوکس بسمیکه متانی با شناختن مطقه های نفوذ هم نباشد راضی تمام \*

دهم ژانویه ۱۹۱۲ (مطابق نوزدهم محرم ۱۳۳۰) شخصی است مستر شوستر عزیزم: از مراسله مهر بانانه که خیلی موثر واقع شد کمال تشکر حاصل گشت . . . . .  
همواره از تجدید یاد ملاقات شخصی بسیار پسنندیده و دلنشین شما در آینده مسرور خواهم بود . . . . .  
با تقدیم بهترین آرزوی خوشی سفر شما مستر شوستر عزیزم:

دوست بسیار صادق شما . س . پاکلیوسکی کزیل \*



( سوم )

— « سواد قرار داد بین خزانه دار کل ایران » —

\* و مازور س . ب . استوکس \*

بیست و چهارم ژوئیه ۱۹۱۱ (مطابق بیست و نهم رجب ۱۳۲۹)

ما بین . و . مورگان شوستر نماینده با افتداری و خزانه دار کل دولت ایران و مازور س . ب . استوکس رعیت انگلیس و مستخدم سابق فوج هند ساکن شهر طهران قرار دادی مطابق فصول ذیل منعقد و با امضاء رسید \*

« ۱ » بوجب اختیاراتیکه که از طرف دولت شاهنشاهی ایران بوجب قانون مصوبه بیست و سوم جوزای ۱۳۲۹ مجلس به خزانه دار کل ایران تفویض شده مجاز و مختار میباشد در تشکیل هیئت نظامی مخصوصی برای نظارت « و امداد در وصول » مالیه و همچنین در بستن معاهدات با معاونین مالیه که جزو هیئت مخصوصه ناظره باشند با تصویب مجلس و نیز بوجب اختیاراتیکه بر حسب قوانین بعد از طرف مجلس بخرانه دار کل داده شده مجاز خواهد بود در قرار داد با شخص اروپائی که مفیم ایرانست بجهت استخدام مشارالیه بعنوان معاونت خزانه دار کل در شعبه تنظیم ژاندارمری خزانه شروط این قرارداد کلیه مطابق شروط قرار داد های با سایر معاونین مالیه و خزانه دار کل میباشد \*

« ۲ » دولت امپراطوری ایران بوجب این قرار داد مازور س . ب . استوکس را مأمور و مستخدم میکرداند بشغل معاونت خزانه دار کل خصوصاً در نظم و ترتیب اداره ژاندارمری خزانه بمدت سه سال کامل از ابتدای تاریخ این قرار داد \*

« ۳ » دولت شاهنشاهی ایران بوجب این قرار داد متعهد و متقبل می شود تأدیه مبلغ پنجهزار « دالر » سکه رایجه ممالک متحده امریکا یا معادل قیمت آن را به لیره انگلیسی که سالانه بدوازده قسط در آخر هر ماه بعنوان معاونت مالیه مازور استوکس موصوف بدهد

« ۴ » مازور استوکس تمام فصول این قرار داد را که ذکر شده و میشود متقبل و متعهد است که در تمام امتداد مدت این قرار داد عموم فرایض خود را بعنوان معاونت مالیه خزانه دار کل یا کمال صداقت و درستی و داشتن اقتدارات بواجب مزبور انجام دهد \*

« ۵ » مازور مزبور در انجام فرایض مستخدم میش از احکام و قوانین خزانه دار کل ایران تمکین و اطاعت خواهد نمود \*

« ۶ » در صورتیکه از مازور مشارالیه در ادای تکالیف و وظایفش راجع به تمکین و انقیاد از دستور العمل و قوانین مزبوره تمعل و مساعجه بروز نماید دولت شاهنشاهی ایران حق خواهد داشت پس از اظهار خزانه دار کل مشارالیه را از خدمتش منفصل و این قرار داد را بدون تأدیه حقوق شش ماه نسخ نماید \*

« ۷ » در صورتیکه مازور استوکس قبل از انقضای مدت این قرار داد بطیب خاطر مستعفی شود حقوق و اجرتش بقدر ایام خدمتش خواهد بود \*

« ۸ » بوجب این قرار داد مازور استوکس متعهد است که در امور مذهبی و سیاسی سلطنتی ایران به هیچ وجه مداخله نکند مگر تا درجه که اجرای وظایف حقه اش او را مجاز بدارد \*

« ۹ » بر حسب این قرار داد مازور استوکس متعهد میشود که در تمام مدت استخدامش بهترین مساعی و مجدترین کوششهای خود را در تعمیر مالیات و از دیاد عایدات دولت شاهنشاهی ایران بکار برده آبادی و ترقی مملکت و بهبودی و ترفیه حال ملت و شرف و احترام دولت ایران را در دایره فعالیت خود مطابق قانون کاملاً پیشهاد و وجه مهمت خود سازد \*



هـ.ا.

—:—

«نطقی مستر ۰۵ ف ۰ ب لیج عضو کمیته»

\*( انجمن ) ایرانیان لندن \*

در دعوت شامیکه از طرف اعضاء انجمن مزبور به اعزاز ۰ مورگان شوستر در «شوی هوئل» لندن بتاريخ بیست و نهم ژانویه ۱۹۱۴ (مطابق هشتم صفر ۱۳۳۰) داده شد \* معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس قابل توجه دولت انگلیس است \*

رئیس مجلس : مستر لیج مزبور خاتم ها آقایان اکنون جام سلامتی مهان امشب خود مستر مورگان شوستر را بجه تکلیف میکنم کمیته ایران در استقبال مستر شوستر و دعوت از این هیئت محترمه برای ملاقات ایشان مسلکی اختیار کرده که بکلی مطابق عقاید سابقه اش میباشد از همان ابتدا که این کار دقیق بسیار مشکل بسنر مورگان شوستر سپرده شد نظر بوائیکه در راه پیشرفت ما موریب و انجام وظایفش انداخته میشد مشارالیه همواره طرف حمایت و توجه ما بوده است همچونصور مینام در تابستان گذشته بود که خدمت وزیر خارجه رفته و ماهیت موانع مزبوره را به ایشان اظهار و حقیقتشرا تشریح و توضیح نمودیم و از جناب ایشان رفع آن موانع را تا درجه که ممکن است استدعا کردیم بسیار مایل رأی را که در هفتم نومبر گذشته در مجلس وکلای عمومی در موقعیکه عدد نمایندگان کامل بود متفقاً اعضاء نموده خدمت وزیر خارجه فرستادیم برای شما بخواهم زیرا رأی مزبور تشریح و مدال میکند نقطه نظر و مسلك مطابق قانون و معمولی اعضاء کمیته ایران را که در نظر داشتیم . . . ( نظر با اهمیت و فواید این مملکت ) باید مالیات ایران بر بنیاد صحیحی گذارده شود تا بدان وسيله بتواند قادر بر اصلاحات لازمه ادارات به انضمام تسهیل و سایل و تأمین عبور و مرور در آن مملکت بشود \* « نظر به اینکه مستر مورگان شوستر از حیث خزانه دار کل با کفایت و با تجربه بودن خود را در نظم و اصلاح امور مالیه ثابت گردانیده این «میتینگ» (مجمع) اعضاء کمیته توجه کامل دولت اعلیحضرت انگلیس را بطرف مشکلاتی که دولت روس در راه پیشرفت مساعی مستر شوستر در اصلاح امور مالیه ایران انگنده است معظوف ساخته حمایت خود را از مشارالیه در هر اقدامیکه دولت اعلیحضرت به نام یکی از اعضاء

کنندگان معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس مناسب بدانند تقدیم مینماییم \* این بود رأی مزبور و من بسیار متأسفم از بند برائی بسیار خنکی که در ماه نومبر از آن رأی کرده شد البته کسانیکه مواظب جریان امور ایران بوده خواهند دانست که پس از پیشنهاد این رأی به اندک فاصله روس اولتیماتومهای خود را به ایران فرستاده و در اولتیماتوم دوم عزل مستر شوستر را خواستگار شد تا اکنون هنوز نتوانسته ام از ماخذ صحیحیکه دولت روس بموجب آن انفصال مشارالیه را خواست مطلع شوم تصور میکنم باید در پارلمان «انگلیس» بر این نکته پسندیده برآو کاملی «نظر عمیقی» افکنده شود از همه گذشته چیزیکه بسیار نا ملایم و نا پسند است همان مسلکی است که دولت ما نسبت به مستر شوستر اختیار کرده است « بشنوید بشنوید » سر ادوارد گری ماهیت و حقیقت آن مسلك را در مذاکراتیکه در جلسه چهاردهم دسامبر مجلس وکلای عمومی واقع شده بود در ضمن مذاکره حالات جدیده ایران اظهار داشت خیلی مایل اظهار مذاکوره را برای حضار تذکر نمایم ایشان میفرمایند « تقاضای اول دولت روس انفصال مستر شوستر است از مسئله مالیه ایران ما تعرضی به این تقاضا نمیتوانیم نمود علت آن را هم به پارلمان توضیح خواهم داد چندی قبل تلگرافاً مطلع شدم که مستر شوستر سه فقره از رعایای دولت انگلیس را بعنوان صاحب منصبی خزانه به خدمات بزرگی ما مورگردانید اگرچه لیاقت و حسن نیت مستر شوستر محل شبهه نیست ولی این نکته را هم باید در نظر داشت که مقصد و مفاد معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس را بواسطه افعال يك نفر نمیتوان فاسد و درهم و برهم نمود ولو مومتهای آن افعال بر صحت و حسن نیت هم باشد اگرچه هر نصیحت و خیر خواهی که در اجتناب از این امر توانستم به اسرع و سایل نمود ولی در صورتیکه آن آراء مفید واقع نشد البته به حمایت مستر شوستر قادر نبودم اگر از مشارالیه حمایت کرده بودم ( توجه خواطر عموم را به این استدلال منعطف میناسزم ) اگر از مشارالیه حمایت کرده بودم گو یا از انصوب نمودن مستر شوستر اندران انگلیسی را در منطقه نفوذ روس تقویت نموده و در این صورت مفاد و مقصد معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس را نقض کرده بودم \*

خاتم ها آقایان : اکنون باید این نکته را بخاطر داشت که اجتماع این هیئت نه برای حمله بر وزیر خارجه است بلکه بستاری از ما ایشان را محترم میدانیم با کمال اطمینان میگویم که در هیچ صورت همجوابی (حمله بر وزیر مزبور) هم نه در اظهارات

خود و نه در بیانات سایر ناطقین نخواهد بود \*

ابتداءً میخواهم قسمتی از آن بیانات اطمینان بخش ( جناب سر ادورد گری ) را ذکر کنم . وزیر خارجه ما از طرف دولت اعلیحضرت بکفایت و حسن نیت مستر شوستر اعتراف مینمایند پس ملاحظه فرمائید که کار دانی و شخصیت مستر شوستر هیچ محل تأمل نیست . مسئله را که باید امشب بسنجیم یعنی نکته را که سزاوار هست مجامع بزرگتر در خارج از این محوطه بسنجند اینست که آیا مستر شوستر حقیقه مفاد و منشاء معاهده انگلیس و روس را نقض کرده است ؟ زیرا که از نقض ظاهر عبارات آن عهد نامه گفتگویی در بین نیست \*

در هر صورت تاریخی را که وزیر خارجه ما نسبت نقض مفاد و مفهوم این معاهده را به مستر شوستر داده اند درست بخوابانند اگر هم بغلط رفته باشم ایشان میتوانند اصلاح کنند . که وقتیکه مستر شوستر شروع به اصلاحات اداره خزانه ایران نمود بو وزیر مختار مقیم طهران ما منوسل گشت و از وزیر خارجه ما استفسار نمود که آیا در ماموریت ماژور استوکس بریاست ژاندارمری خزانه اعتراضی خواهند داشت ؟ \*

بی شبهه ماژور استوکس رعیت انگلیس است و بنا بود در شمال ایرانهم باجری و ظایف خود به پردازد و آن مسئله چیزی هم نبود که بر کسی پوشیده و پنهان باشد \* جوابی که به مستر شوستر داده شده بدین مضمون بود که وزارت خارجه ما در مأموریت مشار الیه ابتدا عذری تصور نمیکند پس آن تغییر از چه وقت و به کدام سبب در مسلك وزیر خارجه ما راه یافت و کی به این نتیجه آخری منتقل شدند که رعیت بودن انگلیس مانع از استخدام در ادارات کشوری شمالی ایران میباشد . در این موقع سؤال دیگری هست که باید قدری بدان توجه نمود اگر این سؤال از خود من بشود که « مستر شوستر آیا در تعیین مامورین بشمال ایران مخالفتی با مفاد معاهده انگلیس و روس نموده ؟ » نظر باطلاع کاملی که از معاهده مزبوره دارم و چون اظهار آن مسلك از طرف دولت اعلیحضرت بوده با کمال جرات جواب خواهم گفت که در مفاد عهد نامه چیزی نیست که تأیید و حمایتی از این اعتراض نماید ( نمره ) چند روز قبل بیان بسیار مطبوع و پسندیده از مفاد و مفهوم همین معاهده آنهم از شخص مثل سر جارج بوکانن ( Buchanan Sir George ) سفیر کبیر انگلیس در پطر سبرگ شنیده شد که در اثنای نطق بلیغ خود در موضوع اتفاق انگلیس و روس همچو اظهار نمود که « قلباً امید وارم این اتحاد

انگلیس و روس در اعراق قلوب هر دو ملت ریشه خواهد دوآیند اتحادات معنویه بین ما مل مربوط به امور پلتیکی نیست بلکه ناشی از احساسات دوستانه و اعتماد و همدردی ایستکه ملل مختلفه را بطرف یکدیگر جذب و متایل مینماید پس باید اتحاد خود مان را بر این بنیاد استوار بداریم تا هیچ امری باعث نزل آن نشود « بعقیده خودم همه می توانیم با ظاهر عبارت سفیر کبیر خود اتفاق نمائیم ( بشنوید . بشنوید ) و آن را مانند عهد معمولی به بداریم که تمد اجراء و نفوذ معاهده انگلیس و روس باشد پس از خود مان سؤال میکنیم وقتیکه مستر شوستر آن سه نفر رعیت انگلیس را ( بخدمات خزانه ایران ) مامور نمود آیا مفهوم و مفاد آن معاهده را که سفیر کبیر انگلیس تمجید و وزیر اعلیحضرت در پارلمان توضیح و حمایت از آن کرده بود نقض کرده است یعنی مفاد همان اتفاق و اتحادی را که بین بریطانیای کبری و روسیه جانشین رقابت و سوء ظن سابق گردیده بود

مستر شوستر واقعاً چه کرد . سه نفر رعایای انگلیس را به شغل متصرف اداره خزانه ایران در سه شهر مأمور کرد اتید یعنی در تبریز و اصفهان و شیراز اما تبریز که با سرحد روس از نزدیک ترین نقاط و شصت میل فاصله دارد و محل نزول تجارت بزرگ انگلیس است به نقاط شمالی ایران و اصفهان که چند صد میل از سرحد روس دور است نیز در انتها الهه دوشاه راه معتبر تجاری انگلیس به خلیج فارس واقع است و شیراز هم در نقطه واقع است که عموداً جزء خطه خلیج بشار است پس در موقعیکه مستر شوستر آن سه نفر را بسه نقطه مختلفه بخدمات مختصر مأمور کرد انید چه گونه میتوانست بداند که با منشاء و مفاد معاهده انگلیس و روس مخالفت نموده است ؟ ( نمره ) خانمها آقایان باید قدری در این معامله بدقت ملاحظه نمود منطقه روس چنانکه در معاهده انگلیس و روس معین و رسم شده منطقه است برای جلب منافع و اغراض تجاری و هیچ ارتباطی ( منافی ) با تعیین مامورین در ادارات کشوری ندارد تصور فرمائید اگر این قاعده را جاری و مسلم بداریم که دولت ایران حق ندارد هیچک از اتباع انگلیس را در منطقه نفوذ روس مأمور گرداند معینش چه خواهد بود . معینش ایستکه در تمام خطه که وسعتش از فرانسه پیشتر میباشد و پای تخت و تمام شهرهای بزرگ معروف ایران در آن واقع است اگر اتفاقاً در تمام آن خطه وسیعه یکی از رعایای انگلیس باشد فقط جنبیت رعیتی انگلیس مانع کاملی بجهت استخدامش در ادارات کشوری دولت ایران خواهد بود ( شرم ! ) خانمها آقایان فرض فرمائید یکی از ماها به ایران رفته بخواند در یکی از خدمات کشوری دولت

ایران داخل شود و جواب بشنود که « محلی نیست و خواهش شما را نمیتوان پذیرفت » در صورتیکه اصرار بکنند جواب بشنود « با کمال میل که به استخدام شما داویم متأسفانه موانع چندی در پیش است » چنانچه پیش از آن مبالغه کند آیا دولت ایران میتواند « به جوانی بدهد که « بسیار خوب شما را بسفارت روس رجوع خواهیم کرد » ( خنده ) در صورتی هم که بسفارت روس برویم جواب معلوم نیست چه خواهد بود ! یقین دارم بطرز خوشی جواب خواهند گفت که چون دو دولت بزرگ یعنی دو تاتین انگلیس و روس برای اتفاق و اتحاد باهم معاهده را امضا نموده اند به این جهت شما که یکی از رعایای دولت انگلیس میباشد در هیچیک از نقاطیکه به سرحدات روس نزدیک است نمیتوانید مستخدم شوید آنهم در خطه که وسعتش بیشتر از تمام مملکت فرانسه است ! ( خنده ) و لازم است که امید استخدام خود را به روس و آلمان و ایتالیا و بلژیک و سوئد و یکنذاریم همه ایشان یعنی رعایای هر دولتی بخوشی و طیب خاطر پذیرفته میشوند ولی در این عهد بهیچون جدید بواسطه اطمنانیکه انگلیس و روس نسبت به یکدیگر دارند باید رعایای انگلیس از این حق هم محروم و بی بهره شوند ( نعره خنده ) \*

اکنون میخواهم قلوب شما را به طرف نکته دیگر متوجه سازم که چه علل و وسایل باعث جلب مستر شوستر به ایران گردید زیرا که از اصل قضیه بخوبی مطلع و مستخبرم از استعمال این کلمات مختصره که « چه علل و وسایل باعث جلب مستر شوستر به ایران گردید » مذرت نخواهم اوایل سنه ۱۹۰۹ ( میلادی ) اهالی ایران چون دیدند حکومت در دست سلاطینی که از خانواده ترکمانان بوده به بر بشارتی بدی دوچار و بحالت سختی افتاده و بر حسب گفته خود شان بواسطه استغراضهای بسیار سنگین مملکت شائرا به اجانب میفر وختند همه شدند که آن بر بشارتیهارا خاتمه داده و خیالات مغرب زمینیان را پیشرو مقاصد خود ساخته روح تازه در قالب مملکتشان بدمند در ژوئیه ۱۹۰۹ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ بدون خونریزی آن انقلابات خاتمه یافت نتیجه اش این شد که محمد علی شاه آن زمان مجبور به نخصن در سفارت روس و یک سلطنت مشروطه منظمی بجایش حکم فرما کردید یا بعبارت اخری حکومت مشروطه که در سابق بود معاودت نمود \* ولی دولت جدید معاصف با بلیات و بر بشارتیهای چندی کردید ملت ایران از چند صد سال قبل در تحت فشار استبداد مطلق زندگانی کرده بود همان استبدادیکه عناصر حیات ملی را در هم شکسته و جوانان ایرانی را از مسافرت به « اروپا » منع میکرد و اگر

کسی دم از قابلیت و استقلال یا آزادی میزد او را معدوم یا تبعیدش میکردند آن مملکت سر زمینی بود که مدت های متدایه جته اش زیر پاشنه ظلم مستبدین باجمال و نرم شده بود همان مستبدینیکه در هر سرز و بوم قدم گذارند تخم زندگانی ملی بسیار دیر روئیده و بارور میشود در همچو مملکتی بود که ملت ایران میخواست طرز رفتار جدید و منظم مطابق قانونی برای خود اختیار کند چون این نکته را هم ملتفت شده بودند که آنها نمیتوانند نظم کامل و قانون را در مملکت خود جاری و ساری بدارند با یکدیگر میکفتند ( منم بعحت گفتار شان معترفم ) « باید به ممالک مغربی رفته دروس ابتدائیه خود را در نظم و اصلاح ادارات کشوری تکمیل نموده و باید مردمانی را بدست آورد که ادارات را منظم و طبقه جدیدی از صاحبانصان ایرانی را تربیت نمایند » \*

خانمها آقایان ایرانیان در خیالات و جاب منافع خود فقط متابعت از ژاپونیا می نمودند چنانکه ژاپونیان مستشاران اجنبیه یعنی مغرب زمین را جاب نمودند تا در وسط مغرب زمینیان را به ایشان بیاورند در این مجمع آیا کسی هست که بطرف ژاپونیان سنگ بیندازد ( یعنی ایشان را ملامت نماید ) \*

بهر حال اولین امر مهمی که اصلاح آن را در نظر داشتند اصلاح همین مالیه بود نظوری کم اول وهله بجهت اصلاح این امر بزرگ به فرانسه رجوع نمودند در آن زمان مسیو پیتون ( M. Pichon ) وزیر خارجه فرانسه بود مشارالیه بسیار مایل بود که همیشه را برای اصلاح مالیه ایران اعزام نماید ولی از طرف « دیپلوماسی » روس مقیم پاریس بقدری اشکال تراشی شد که کلیه اصل خیال را فاسد نمود بعد از آن بجهت نظم ژاندارمری خود شان از ایتالیا خواهش نمودند آن خواهششان نیز بی نتیجه ماند سپس مدترین ایرانی بدین امید که شاید اشکال تراشیهای مزبوره نسبت به ممالک متحده امریکا مؤثر نشود از رئیس جمهوری آنجا خواهش معاونت نمودند مشارالیه هم مستر مورگان شوستر را انتخاب نمود « نعره » این بود عات اصلیه ما موریت مستر شوستر بایران ایکن چند کلمه هم باید راجع بشخصانیتشان بیان کنیم میگویند مستر شوستر در نقض معاهده انگلیس و روس و ختنی نمودن آن کوشش نموده است ولی تصور میکنم این نسبت بکلی برخلاف حقیقت و واقع است تا بستان گذشته را با اینکه همه میدانند که چه تا بستان گرمی بود بدبختانه مجبور به اقامت در لندن شده تمام دو ماه اوت و سپتمبر را همین جا ماندم و بیوسه توسط تلگراف در باره تعمیر خط آهن ایران با مستر شوستر مشغول

مذاکره و مخایره بودم مشارالیه همواره سعی بود که امتداد راه آهن دولت ایران را با مواد معاهده انگلیس و روس تطبیق نماید بلکه از این درجه هم پیشتر رفته مصمم بود نفوذ خود را نسبت بیخاس و مجلسیان بکار برده تا بتواند ایشان را بقبول شرکت انگلیس و روس در تعمیر راه آهن در منطقه های تجارتي که در معاهده معین شده راغب گرداند مستر شوستر تا حدیکه مدلول آن عهد نامه واضح و مسلم عند العموم بود خود را دوست و حامی بزرگ آن ثابت گردانید \*

پس در این صورت علت اصلی انفصال ایشان چه بوده <sup>۲</sup> میتوان علت اصلی عزل را به يك جمله مختصر اداء نمود ولی این جمله از منشآت خودم نیست بلکه از مکتوب یکی از هموطنانم که در ایران اقامت دارد و چند روز قبل رسیده اخذ نموده ام مشارالیه در صورتیکه نه طرف دار حزب ملی است و نه حامی فرقه دیوکرات علت عزل مستر شوستر را چنین اطلاع داد \*

« شغل مستر شوستر از همان ابتدا خراب شدنی بود زیرا معنی ترفیه و آسایش ایرانیان ضعف حکومت و نگرانی روس است در آن مملکت » \*

خانمها آقایان در خاتمه نطق خود سؤال میکنم که غرض از این دعوت چه و آنچه ما را از حضور در این مجامع منع نماید چیست <sup>۳</sup> این مطلب محتاج باظهار ندارد که محرک اصلی این اجتماع هیچگونه مخالفتی با روس نیست و غالباً ما با بعقیده خودم ملت روس را دوست مبداریم اگر ممکن بود ارواح جلیله تصورات و خیالات ادبیه روس مانند « تولستای ها » ( Tolstays ) و « تورکنیف ها » ( Tourgenieffs ) و دیگران (۱) را کنار این میز حاضر نمایم همه را حامی و طرفدار خود می یافتم (نهره) چراید « لیبرال » روسی در همین زمان حاضر « ارتیکل » هائی راجع بمعاملات ایران مینویسند که اگر ترجمه شود مثل ملاقاتی است که در ستونهای روزنامه های (دیلی نیوز) و «مانچستر گاردن» درج شده نمائندگان حزب رنج بر روس در تفریر ایشان در «دومای» روس راجع بطلوع قوای سیاسی (نه فقط در مملکت روسیه بلکه در تمام اقطار عالم) بجهدی مبالغه کرده که از اتفاق با مهمانان انگلیس از این حیث که در محویت واضح حلال مات قدیمه ایران با دولت روس شرکت نموده انکار ورزیده اند \*

(۱) تولستای فیاسوف معروف روسیه بود که دارای مسلک دیوکراسی و حامی رنج بران بوده و تورکنیف نیز یکی از ادبای نامی قدیمه آن مملکت بشمارست \* مترجم

بعضی اوقات شنیده میشود اعضای کینه ایران مصمم نقض نمودن معاهده انگلیس و روس شده اند این دروغ عمده است که حاکی از بد نفسی گویندگان آن میباشد ما تحریک و نقض معاهده مزبور را طالب و خواستار نمیشیم بلکه عکس آن با کمال صداقت در تکمیل و تقویتش حاضریم (نهره) در صورتیکه مقصود ما هیچگاه مخالفت با روس و نقض مواد آن عهد نامه نبوده چگونه میتوانیم مفاد و مدلول مسلمشرا محدود نمائیم <sup>۲</sup> حضور ما در اینجا اولاً برای ایستکه از خود مستر شوستر تجربیات و بیان واقع اشکالاتیکه راجع به ایران است شنیده و بدانیم که بعقیده ایشان ایرانیان تا چه درجه قابل تکمیل موجبات حیات ملی خود میباشد در صورتیکه دو مسمایه قوی مجال حرکت دادن دست و کشیدن نفس به ایشان بدهند ولی مقصود دوم ما شاید قدری شخصی باشد و آن اظهار مطلوبیت عزم محکم و پسندیدگی همت عالی مستر شوستر است که خدماتش را در ایران ممتاز ساخت و نیز اظهار همدردی با خود ایشان است در پیش آمد های ناگواریکه خدماتش را قبل از انجام یافتن خاتمه داد امیدواریم بوسیله این اظهار همدردی پسندیدمه تردد آتی که در دل هموطنان ساکن ماوراء دریای « اتلانتیکم » راه یافته دور نمائیم نظر بحسن عقاید و خیالات مات انگلیس نسبت به آن شخص محترم اتانزوفی و بناسبت مقاصدیکه در دل داریم خواهشمندم همگی جامهای خود را بلند نموده سلامتی مستر مورگان شوستر را طلب نمائید \*



و او

— «سواد دو» آرتیکل «روزنامه» نیشن «مطبوعه» لندن که در \*

\* نهم دسمبر ۱۹۱۱ (مطابق هفدهم ذیحجه ۱۳۲۹) اشاعه یافت \*

(اول)

— «آزادی مفقود شده» ایران \*

دو هفته قبل شعاع امیدواری مختصری بقدر یکدقیقه بحالات ایران برتوافگنده بود ایران فی الواقع تحت تهدید محاصره روس واقع شده از طرف «لرد کرزن» برای

تبدیل مسلك انگلستان غدوی پیشنهاد شد که علاوه بر وزین و نا هموار بودنش غیر متوقع هر کس بوده ایرانیان خود را برحم و صروت ما حواله نمودند خدمات مستحسنه و مساعدتهای مستندیده سیاسی از طرف ما نظر به مال اندیشی با اظهار همدردی نسبت با ایشان تقدیم شد اگر وزارت خارجه ما مایل بود که در معاملات خود باشر يك افزوده و بدفیتش به جوافردی رفتار کنند و اگر دلهای مدیرین روس مختصر اعتنا و توجیبی به نمون گردانیدن شربك بسیار حلیم شان راه یافته بود این حمله بران مملکت فوراً منع می شد و اقلای ایرانیان خاضع و خاشع مملکت خود را سالم نگاه میداشتند ما میترسیم که این امیدوار پیا خاتمه بیاید روسها خود را بسیار مودبی و بی رحم ثابت نموندند و بعدرتبای ایران و خواهش و توسطهای ما ابتدا کوش نمیدهند افواج ایشان بی دریغی بطرف طهران پیش میروند دیپلوماتی ایشان آخر کار اعتراف می نماید فاسد گردانیدن تا ابدالهر این ادعا را که ایران دولت شاهنشاهی مستقلی بود اگر چه قطعی شدن این امر بی اشکال نخواهد بود ولی سر ادوارد کری در نطق روز دو شنبه مسلك خود را واضح و مشروح تراز سابق بیان نمود يك حمله مختصری هم در عبارات ایشان دیده نمیشود که بتوان توهین خفیفی نسبت به حرکات و اقدامات روس تعبیر نمود و نه يك کلمه که مداخلات کامله روس را محدود سازد و نه اشاره به غیر مطبوع بودن رد کردن روس آرائی را که علی الظاهر معتدلا نه داده شده بود و نه يك فقره که ایرانیان را معاونت نماید در محفوظ داشتن مقدار قلیلی از ثروت ملی خود بلکه از همه بدتر اینست که سر ادوارد کری نه فقط در حمایت مجانی از حرکات جار به روس از مسلك خود خارج شده بلکه عامداً اختیار کرده است توسیع سر فنهای معاهده انگلیس و روس را که بنیاد تمام مظالم روس میباشد مفعولی که از صریح عبارات آن معاهده مترشح است اینست که ایران را تقسیم میکنند به منطقه های اقتصادی (تجارتی) که هر يك از آن دو دولت متممند ترك مخالفت یا جلب امتیازات دولت دیگر را در حدود و منطقه آن دولت ما هیچگاه این قرار داد را با استقلال و آزادی ایران مناسب نخواهیم پنداشت و همیشه در مباحث خود گفته ایم که آن تقسیم را بواسطه جهالت یا بی اعتنائی به فصول عهد نامه به تقسیم بلتیکی توسعه داده و یا خواهند داد . . . . .

آخر کار سر ادوارد کری رای اظهار حقیقت اغراض مخصوصه که هر یکی از آن دو دولت در منطقه خود بخود انحصار داده با نهایت چالاکتی کلمه بلتیکی را در آن عهد نامه

داخل نمود مثل اینکه گویا از پس پشت انداختن شرط آن اطلاع ندارد همینکه يك مرتبه کلمه مزبوره استعمال شد باید استقلال ایران را رفته و تقسیمش را تکمیل انگاریم مناقشه بین مستر شوستر و دولت روس را که منجر بمداخلات دولت مشارالیهها گردید اگر عبارات مختصری بیان کنیم شاید مناسب باشد مناقشه مزبوره از زمان ورود مستر شوستر به آن مملکت جاری شده و بصور و اقسام مختلفه تغییر نمود شروعش از طرف روس شد یعنی از همان وقتی که خواهش مستر شوستر را در تأدیه عایدات کمربکی به مشارالیه که مستشار و مدیر مالیه بود رد نمود اباس دیگر یکی بر این مناقشه پوشانیده شد سعی ثابت کاملی بود در پناه دادن و حمایت نمودن دولت روس از ارکان و اعیان مملکت که تا بحال به تأدیه مالیات املاک خود نن در نداده بودند تا از این راه توسعه و از دیاد مالیات را مانع آمده باشد سپس مخالفت روسیان در فقره استخدام رعایای انگلیس بود که از زبان و رسوم ایرانیان کاملاً واقف و محل اطمینان اهالی بودند بخدمات مختصر خزانه در شمال ایران اگر چه نمیتوان اعتراف نمود که اصرار مستر شوستر در این استخدام با نداشتن اطمینان از طرف مستر نفت و سر ادوارد کری کلیه مطابق صحت و تدبیر بوده ولی از حیثیت ادای وظیفه اش مسلماً حق و درست بوده است این مقدمه راه نما و موصل ما خواهد بود به تعبیر یکی از مفاد معاهده مزبوره شده اگر ایران واقعاً دارای حکومت مستقلی است پس حق خواهد داشت هر کس را که بخواهد به نظارت مالیات خود مأمور گرداند اگر انگلیس و روس حقیقه غرضشان از آن معاهده فقط مقید بودن به احترام از امتیاز و انحصارات اقتصادی یکدیگر میباشد آنهم در منطقه های متناهی خودشان پس مسلم است که در استخدام در شعب مالیه مسئله تبعیت و رعیت امری نیست که منافات با مقاصد ایشان داشته باشد (به هر شان بر بخورد) ولی در صورتیکه غرضشان رقابت یا تفوق بلتیکی است که در دو خطه مفروضه شمال و جنوب ادعا می نمایند پس ارسال و تعیین صاحب منصب انگلیسی را در منطقه نفوذ روس باید مخالف با مفهوم و بلکه با ظاهر مواد آن عهد نامه دانست چنانکه متعاهدین همین قسم تصور نموده اند از این بیان حیثیت بلتیکی آن تقسیم بخوبی ثابت و محقق میشود \*

سپس واقعه شعاع السلطنه پیش آمد و سر ادوارد کری هم بطوری بسهولت از آن اغماض کرد که گویا (نمس) اراده حمایت هم از حرکات روس نموده بود اگر مثلاً دولت ایران نتواند ژاندارم ایرانی را برای تنفیذ احکام خود بر رعایای ایرانی که مدیون اویند

ما مور گرداند پس شاهنشاهی در مملکت خود خاتمه پذیرفته است این مسئله سبب اصلی لشکر کشی روس بدان مملکت گردید اما بهانه جاری داشتن روس پیش قدمی خود را پس از آنکه دولت ایران مطابق رأی و صلاح دید دولت انگلیس معذرت خواست و برای قبول مطالب جدید روس که یقیناً سر ادوارد کری در قبول آن نیز رأی داده بود حاضر شد مستر شوستر در همان اثنا ترجمه مکتوب خود را به (تمس) لندن اشاعه داد و در آن دفاع نموده بود از تفهیمات روسها و مخالفتهای مؤثره مملکت و نسبت به کاشتگان روس ثابت نموده بود بجهت مساعدت‌هایی که پناه مخلوع نموده بودند در این مورد احتمال شبیه و تردید می‌رود که خود مستر شوستر مسئول اشاعه آن مکتوب بوده ؟ اگر دولت بزرگی بتواند بر مملکت کوچکی فقط بدین بهانه قشون و حمله نماید که یک نفر صاحب منصب خارجی آن دولت کوچک جرات کرده است که در رد حملات جراید نیم رسمی انگلیس و روس مکتوب معتدل با استدلالی به (تمس) بنویسد پس باید تمام روابط متصوره بین المللی را تغییر داد مثلاً اگر یک نفر صاحب منصب آلمانی حملات (مکنا) (Mokanna) را در سریع مرمت جهازات در (تمس) رد نموده بود آیا ما میتوانستیم آن تحریر را علت جنگ قرار دهیم حقیقتاً این قضیه همان نغمه کرگ و بره و بجدی ظاهر است که هیچکس تحمل تشریح بیش از اینش را نتواند نمود \*

بیان واقع اینست که دولت روس از اول مصمم بخالفت با مستر شوستر بود زیرا که مشارالیه قدرت و بی باکی امریکاییها را از اول ابراز نموده و ایران را بزودی قابل نظم و تأدیه فروزش ساخت اگر چه مشارالیه شخصی نبود که بدون جد و جهد مغلوب کسی واقع شود ولی عاقبت شمشیر روس بر فل او ظفر یافت و قایم مزبور را یک فقره مطالبه رسمی دولت روس که بسر نیزه تفنگ خود نصب نموده بود خاتمه داد سر ادوارد کری در تقریر سه شبیه خود حقیقت آن مطالبه را ثابت نمود که دولت روس در مخالفت با استخدام رعایای اجانب در ایران محق میباشد حقیقتاً دولتین انگلیس و روس بتوسط این ادعا ضمانت نامه خودشان را در باره آزادی و استقلال ایران چاک کردند (یعنی نسخ و باطل نمودند) و استقرض متعارفی دولت ایران برای تأدیه میزان متعارفی خسارت آن لشکر کشی روس دوم قدم بود تعیین مفتس رسمی اجنبی در تحت نفوذ روس حکمرانی او را در طهران مسلح خواهد گردانید در آن صورت ماناکی تحمل خواهیم نمود که جنوب ایران را در تحت حکومت طبرانی به بینیم که مرکز مملکت روسها شده است عاقبت

چار و ناچار باید مطلق و استدلال تقسیم را پیروی نموده تقسیم سیاسی جدا گانه برای نظم جنوب فراهم نماییم زیرا اداره کردن منطقه نفوذ انگلیس تا مادامیکه تحت حکومت شهری باشد که کلیه در تحت نفوذ فزاینده روس و دیپلوماتهای روسی و ما مور پن مالیه روس و مفتشین اجنبی تحت اقتدار رأی مخالف روس است کار مشکلی بنظر می آید اگر چه سخت گیری و وحشیگری و عجولی سلوک ما بالنسبه خیلی ملائمتر است از وضع سلوک شریکان ولی چون در هر اقدامیکه نموده سکوت کرده ایم ما هم دیر یا زود از تأسی یاونا چاریم و پس از چند سال ما هم منطقه جنوب را قبض خواهیم شد چنانکه الان روس در شمال است کابوسی که خواب چندین صلب افسران نظامی هند انگلیس را بریشان بلکه حرام نموده بود آخر کار بسعایت و طیب خواطر خودمان بحقیقت خواهد پیوست و افواج روس و انگلیس در محل غیر معینی باهم مقابله نموده و ما باید در معنی یک دولت نظامی بزرگ قاره اسپا بشویم و روس و عثمانی را با افواج فرعه بی شمارشان همسایه بی آرام خود خواهیم یافت

اگر ممکن بود مسائل متعلقه به ایران را موافق استحقاقش بیان کنیم پس در تاریخ سنوات جدید تغییرات سترگ مشاهده میشود با داشتن و نداشتن این معاهده میتوانستیم در هر دو صورت روس را پای بند به اجتناب از مداخله امور ایران سازیم خلاصه اینست که ما حس جواتزردی و اصول آزادی و احترام ملی و هر گونه دور اندیشی را جمع بتنافع مشرفی خود را از دست دادیم اگر چه این مسلک را خطرناک و احمقانه می پنداریم ولی ممتنع الوقوع و دور از فهم نمیدانیم این امر یکی از نتایج مسلک بسیار وخیم اروپائی سر ادوارد کری میباشد یک رسوسه ساده سطحی از اول حکم فرما بوده که مبادا این دولت روس با دول دیگر بطرف آنچه دایره دیپلوماسی آلمان میدادند جلب شود در هر سال مظلمه و وبال بی نهایت دیگران را بدمه خود میگیریم برای تحصیل اطمینان در باز داشتن بعضی از دول بمصلحه کامله با آلمان چنانکه از صورت محاسبیه فرانسه در معامله مراکش و نتایج آن تسلیم کردن حصه بزرگتر ایران را با کمال آزادی و اطمینان خواطر روس بخوبی ظاهر میشود آیا این قسمت کفاف مناسبی بود برای وصول به این مقصد و با وجود سطح بست این معاملات منفعت دیپلومانی که تا رسیده چه بوده است؟ اگر چه دولت روس در ابتدای آن معاملات شریک قابل اطمینان فرانسه شناخته شد ولی امروز در مخیله هم بکن هم خطور نمیکند که دولت مشارالیه مداخله بکنند

در صورتیکه جنسی از واقعه (اکادیر) بروز نماید و ما هم نمیتوانیم در این کار او را ملامت نمایم حقیقت واقع اینست که تا کون بدگاهداری دولت مشارالیه در محل اصلیش موفق نگردیده ایم یعنی در داخل دایره فرانسه و انگلیس دولت روس با آلمان شرایط و معاهداتی در (پوتسدام) کرده که نه اقدامات دلخواهانه اش در ایران و نه مجاهدات و باران طلای انگلیس که در معاملات نقدی بر او باریده برای خریداری مداخلت کافی خواهد بود علنش بسیار واضح است زیرا در مشکلات لشکریکه مسلک ما او را هر روز دوچار بسازد و نمیتوانیم او را امداد نماییم کوناهای ما برای بکار بردن عبارات خشن خود در بجران (بوسینا) برای ابدالدهر آن امیدواری را خاتمه داد ما در (اروپا) بازی های در می آوریم (تخریکاتی میکنیم) که استعداد آن را خودمان نداریم و بواسطه حرص و طمع زیادی که ناشی از اموری تناسلی است آخر کار یا باید بجز و تسایم حاضر و یا به خطر معلوبیت تن در دهیم در صورتیکه مجبور شویم که همجو قیامت سنگینی مثل ایران را برای بطرفی روس باو به پردازیم ظاهر است که ستاره ما در عروج نخواهد بود \*

( دوم )

## \* ایران در حالت التجا است \*

در ازمنه سالقه که خصائل غارتگری انسان با نقص و حکایات جوانمردیش مخلوط بهم بود اشخاص مقتدر و متفرد بعبادت و احترام حقوق کسانی که با ایشان منجی شده بودند فخریه و مباحات مینمودند مثلاً در زمانه هومر (۱) (Homer) اگر شخص بیچاره به یکی از رؤسای آن زمان متوسل میگشت فوراً جان و مالش در حفظ و حمایت آن رئیس در امان بود و اگر شخص فراری به یکی از طوایف آبائی پناه هنده میشد بقین داشت که دارائی و صرفه و منافعی مانند منافع خود آن طایفه محفوظ خواهد بود این بود عادات پسندیده ملی که در ظلمت وحشی گری و بربریت مستور بودند ولی دیپلوماسی جدید فواینن تازه برای بقاء شرف و عزت خود ایجاد نموده است دو هفته قبل دولت ایران (۱) هومر یکی از شعرای معروف بونان بود که در عصر او استبداد و بربریت در تمام آن مرز و بوم حکم فرما بود \*

بواسطه نهدیدیکه از لشکر کتی و حمله روس بر او شده بود رسوم معینه را عمل نموده به ما منجی گردید و به زانوهای سنگی (دونینگ استریت) (۲) (Donning Street) آویخت ما آن حالت تلقی آمیز را پذیرفته و مسئولیت این امر را قبول کردیم که اگر دولت ایران به این رأی خرد مندانه ما و حال آنکه هیچ وجه شائبه فتوت در آن نبود عمل نماید یعنی مطالبات روس را (اگر چه که خود دیپلوماتهای ما هم آن رأی را مطابق وجدان خود نمی پذیرفتند) با کسوت مسکنت و فروشی به پذیرد و معذرتی هم از روسها برای توهینیکه بر حسب ظاهر به آنها وارد شده بود بخواهد و حال آنکه حق با خود ایرانیان بود ایرانیان خوش باور بیرونی رای منبور را نموده کمان کردند که اثر نفوذ ما در منع از پیشقدمی روس مفید واقع خواهد شد ممکن بود تصور شود که اگر جنبه نرحم ما جنبشی نکنند شاید عرق عبرت و حمیت ما بحرك امداد به ایشان شود در هر حال ایشان متابعت از رای ما نموده عوض کاملی بروس دادند اگر نتیجه آن متابعتی سبادت ما را لازم بهمراهی با ایشان نمینمود اقلای رعایت اثر و نفوذ مان مقتضی بود که ایشان را از تصادف با مطالبات و مظالم بیشتر از آن محافظت نماییم این قضیه ایرانیان را فہماند که هیچ کس نباید بی درنگ تصور کند که مسلک وزیر خارجه این عصر متممین مطابق خواهد نمود با مسلک ارواح مضار امور زمانه «هومر» یا قطع الطریقان «البانی» «عجب در اینست» که با اینکه ما در امداد و محافظت ایرانیان هیچ جنبشی هم ننمودیم هیچ کس نمیتواند بهمت مستی و بی اعتنائی هم ما بزند همچو معلوم میشود که مطالبات فوق العاده شریک خود را تصویب نموده ایم دولت روس سه امر را درخواست نموده عزل مستر شوستر پذیرفتن ایران رای انگلیس و روس را در مخالفت با حق استخدام دولت ایران مستخدمین اجنبیه را از هر مذهب و ملتی که باشند نادیده خستارنی برای معاوضه مصارف لشکر کتی روس که برای قبولاندن مطالب خود به ایرانیان تحمل زحمت نموده اگر چه در فقره اول آن شروط به رضایت و علی الظاهر به تصویب ما بوده ولی شرط دوم ثابت میکنند حقانیت ما را در امریکه با روس در آن شرکت نموده ایم بر حوصالگی ما در سکوت از مطالبات نقدی روس منسوب بظفر مندی است در هنگامیکه با چشمهای خود مان میدیدیم که جیب های آن منجی را خالی میکند صورت خود را بر گردانیده (۲) دونینگ استریت اسم یکی از کوچه های شهر لندن میباشد که وزارت خارجه در آن واقع است \*

و او را بعنف و جبراً از خود دور ساخته و در تضییع حقوقش باید حفظ شرافت و سیادت خود شرکت نمودیم \*

آراء عمومی اعضای حکومتی را که باسم او کار میکنند اجازه نمیدهد که مسلکی اختیار نمایند که هم بسیار پست و سخیف و هم مثل این اقداماتشان ضعیف میباشد سر ادوارد کری ابتدا اعتنائی بخواهش و اظهارات هموطنان خود ندارد اکنون هم مسلک او را میتوان تغییر داده احساس خطر هر یکی از افراد قاعده دان ملت انگلیس را از عروج بر این مسلک میتوان حمل بر احساسات خردمندانه نمود این مطلب بدرجه مسلم است که محتاج شرح و بیان نیست که اینگونه مطالبات انگلیس و روس مستلزم نقض شاهنشاهی ایران و با یکدیگر آمیخته است شرط عزل مستر شوستر باین مناسبت که در «تمس» از حملات جسورانه جراید روسی فقط ده ایغ شخصی نموده امری نیست که هر ملت شرف دوستی آن را حمل بر اراده مداخله نماید و آخر کار در جواب آن احتمال جنگ برود شرط اول چندان دارای اهمیت نیست و میتوان قومی را باشکر کشی یا تهدید لشکر کشی ظالمانه بقبول خواهشهای دولت مقتدرتری مجبور نمود و ایشانهم استقلال خودشان را حفظ نمایند منتهی باز احتمال تجدید آن مظالم میرود ولی شرط دوم مداخله اجانب را معمول و تا ابدالدهر جاری میکردند حالت ایران بدبخانه طوری واقع شده است که باید اجانب را برای نظم افواج مسلحه و وصول مالیات خود مستخدم کرداند و غیر از این صورت نمیتواند امیدوار به اصلاحات سریع موثره خود باشد و هیچ شرطی ممکن نخواهد بود که بتواند از صرافان بازارهای اجانب استعراض نماید استقلال رأی و قوت آزادی مستر شوستر ضمانت کافی بود برای اطمینان صرافان در صورتیکه ایران مستقل و خود مختار بود میتوانست از دول بیطرف و بیغرض معاونت خواسته آزدیش را تا ابدالدهر برقرار بدارد \*

این شرط نوظهور که از طرف سر ادوارد کری و روسها بدولت ایران تحمیل شده نتیجه اش اینستکه ماهرین خارجه ایران را مجبوراً ما مورین خودشان ساختند انتخاب ملازمین انگلیسی یا روسی برای ایشان فرقی نخواهد کرد بلکه مقصودشان اینست اشخاصی را برای استخدام در ایران تا مزد نمایند که آلت اجرای مسلک خودشان باشد و از کسانی حمایت و استظهار نمایند که ایران مجبور بقبول خواهش هایشان بشود چنانکه مسلک حکومت ما در مصر نیز بهمین طریق است اگرچه ما مورین ما فقط رأی داده و در

امور داخلی بهیچ قسم مداخله نمیکند ولی دولت مصر در اجراء آن مجبور است اگر این شرط هیچ اثری نکند افلاً نقض کاملی از شاهنشاهی ایران کرده و حقیقهٔ منجر بحکمرانی رأی دو حکومتی می شود که برآب سخت تر و شدید تر از حکومت بگانه ما در مصر خواهد بود \*

از سنه ۱۹۰۷ پلتیک خود را باین درجه رسانیده و نفوذ دادیم ما خود داری نمیتوانیم نمود از ذکر شمه از مضمون مراسله که وزیر مختار ما به آن دولت خوف زده نوشته و از مقصد و مفاد عهد نامه انگلیس و روس توضیح نموده بود غرض آن مراسله مطمئن ساختن ایرانیان بود از نتایج آن معاهده که نه منجر بمداخله خواهد شد و نه منتهی به تقسیم مملکت مفاد مراسله مزبور این بود که سر ادوارد کری و مسپو ایسوالسکی متفقند بر اینکه «هیچ يك از دولتین متعاهدین در امور ایران مداخله نخواهند نمود مگر در صورتیکه خطر و نقصانی مال و جان رعایایشان برسد» اگر چه اصول مسلک هیچ دولتی واضح تر از این نمیشود ولی از اول تا به آخر ایامی هم بطرف این مطلب نمودند که چنین موقع و بهانه بجهت مداخله شان رسیده باشد ما ابتدا رعایتی از این مطلب نمی نماییم که مستر شوستر در انتخاب ما مور و معاونین انگلیسی با در اداره وصول مالیات از اعیان و اکابر مملکت با در نوشتن مکتوب به «تمس» بحق رفته باشد یا بفاظ ولی این مسئله را نمیتوان انکار نمود که مشار الیه اقدام باسری نکرد که نتیجه آن خسارت جانی و مالی رعایای روس باشد اگر چه نمیتوان گفت که ما بگمان برادر خود نیستیم و در حقیقت مداخلات روس را تصویب نموده ایم ولی اگر تمکین از مطالبات او هم بنماییم گویا مسئولیتی که در آن معاهده بر حسب تعبیر خود به زمه گرفته نقض نموده ایم مراسله مزبور به اینجا منتهی میشود که دولتین می خواهند «آزادی و استقلال آن مملکت را ضمانت نمایند» بعد از آن چنین مندرج است که «نه برای اینستکه در حدود بهانه جوقی بجهت مداخله باشند بلکه مقصودشان از این معاملات دوستانه است که از مداخلات یکدیگر که به بهانه محافظت حقوق و منافع خود میکنند جلوگیری نمایند» اگر این جمله مفادی داشته باشد جز این معنی نمیتوان تصور نمود که مقصود فهمانیدن ایرانیان است که غرض اصلی از این معاهده حقیقه اتحادیست بجهت محافظت ایران که هر یکی از متعاهدین مانع از مداخلات بجای دیگری بشود امروز ما عهد خود را شکسته و با خیال سرانگب ظلم خواهیم شد و روسهم برخلاف عهد و میثاق خود از هر گونه مداخله

مضايفه ندارد ما مشار اليه را نه فقط اجازت ميدهيم در ان اقدامات بلکه افعال ناپسند  
 او را تصويب مينماييم ابتداء تعهد نموديم که « ايران براي ابدالدهر از خطر مداخلات  
 اجنبيه محفوظ و آزاد باشد » و نیز برای اینکه « بتواند امور داخلي خود را موافق  
 دخواه خود منظم گرداند » ولی چهار سال بعد اصرار ميکنيم در استخدام و نامزد  
 گردانيدن اجانب در آن مملکت تا امور آن کشور را بر وفق ميل و مرضی ما منظم  
 گردانند عليه سر ادوارد کری بر آراء عمومی در این مدت مدید ميشوم خدمتاش به عقیده  
 خود مان بواسطه شخصيات مشار اليه است نه برای ايقاف و کماقبتش همچکس نسبت  
 زيرکی و خردمندی و مهارت و فوق العاده عالم بودن هم مشار اليه زده است بلکه ملت  
 انگليس به استقلال رأي و مال اندیشی و احترام شخصی او اعتماد نموده اين بيوفائی  
 ( مکر ) آخري نسبت بايران هرگز نميتواند مظهر همچو شخصياتی واقع شود \*

همچگه نمیتوان تصور نمود که ان حرکات شنيع چاره یزیر نیست از جوابات پريشان  
 و مختصر وزارت خارجه ميتوان استنباط نمود که خيالاتش راحت نیست و همچنين از  
 جواب لرد مورلی به لرد کرزن با تغيير نهيجه که هنوز هم اوازش از قس شنیده ميشود  
 ابدواريم در ناربيکی ( سرا ) مشغول اصلاح باشد اگر اين امر ( يعني تقسيم ايران )  
 صورت پذيرد نتايجش کشف و بدرين صدمه اش نقصان به اخلاق و شرف ما در  
 مشرق خواهد بود تا کردن همچکس تصور نکرده است که ما عمداً به بی شرفي خود تن در  
 داده باشيم علی الظاهر مثل ما مثل شريك ضعيفی است که نتواند از اقدامات ناپسند  
 شريك قوی و بد نسبت خود جلوگيري نمايد معنی اين حرکات باو سنگين فوق الطاقه است  
 که سر بار گرفتار بهاي ما شده و از اين رو باعث خوشنودی مری دوليکه طالب قریبه  
 لشکری ميشود خواهد شد و حدود هندوستان را تبديل و امتداد به ريگستانها بر وسط  
 ايران داده و نصادف سواران هندی را با قزاقان روس حمی الوقوع خواهد گردانيد  
 انهم در سر حدی موهوم غير محفوظی در اين معاهده مناقشات محتمله سختی با روس  
 مستتر است که ديپاچه چيني ما خواهد بود نلت ايران منطقه بيطرف بشمار است و  
 قسمت بزرگی از بنا در خليج در ان واقع است با اين حال اگر روس در طهران حکمران  
 شود حکومت اين حصه بلا مالک باقی خواهد بود از تمام نتايج خطرناکی که در اين کار  
 پوشيده است شايد سخت تر اين باشد که المان نیز خواهش معاوضه معمولی بنمايد  
 روس در « بوتسدام » آزادی و اختيارات کامله برای خود خريداري نموده است \*

ولی ما تاکنون باج معمولی خود را اداء ننموده ايم مناقشه « آسيای » بعيد شايد  
 در هر آن مبدل بمناقشه اروپا گردد در اين صورت عثمانی را که همسايه مجاور ايران است  
 همچنين مصر را در شرکت و مداخلات بسيار رانج خواهيم بافت ايرانيان في الواقع  
 ناچارند و از اظهار تنفر از شرکت ما در اين امر که باعث خفه گردانيدن حيات ملی شان  
 هنگام تولدش شده است چنانچه دولت ديگر هم اگر با ما اينگونه رفتار و ما را پريشان  
 کرده بود اقدامات او را حمل بر غيرت و محبت نمی نموديم نظر باينکه هر سلطنتی مجبور به  
 تأديه نوان است در عوض نوبين بملت ديگر ممکنست مدهانت باروس ما را نیز  
 مصادات با چنين روزی بنمايد سر ادوارد گری هنوز هم ميتواند از اين مخاطرات مسلسل  
 خود را نجات دهد مثلاً ميتواند پروتست سختی بر خلاف التيمانوم روس بکند و ميتواند  
 خواهش اخراج ( نه فقط قشون تازه ) بلکه تمام افواج ساخوی روس را از تيريز و ساير  
 نقاط ايران بنمايد آنهم در نارنج معيني ايشان ميتواند اظهار نمايد که اين لشکرکشی  
 مخالف با روح تمام مواد آن معاهده است بله فقط حرف اظهار همچو اراده ولو بيکی از  
 وسایل مخفيه ديپلوماتی هم باشد ظن غالب اينستکه بی نتيجه نخواهد ماند اگر اين تدبير  
 هم مؤثر واقع نشود پس وقت آنستکه از فرانسه چیزی در عوض هد به که در سلطنت شالی  
 افریقا بدیشان تقديم نموده مطالبه نمائيم روس از خوف ورود بازار صرافان پاریس و  
 لندن که مبادا درهای خرابانشان را بروی وی به بندند طالب زندگی نخواهد داشت و  
 سايل رهائی از اين منظره خطرناک باقی و کلیدش در دست سر ادوارد گری ميشود  
 بشرط اينکه اقلاً بقدر نصف اين سستی سخت گير باشد نسبت بشريك متقلب خود  
 چنانکه آن شريك با حريف ساده دل و متدین خود رفتار نموده است از درج يك مقاله  
 در « قس » لندن و مقاله ديگر به تائيد آن در « تامپس » پاریس شايد بخوبی بتواند از  
 پيش قدمی روس جلوگيري نمايد ما که اينگونه تدابير را هميشه براي بدم آوردن و

گرفتار کردن مورها ( یعنی دويل ضعيف ) بکار ميبرويم پس چه ضرر دارد بجهت آزادي

ايرانيان بکار بياندازم

\*\*\*

\*\*\*

\*\*\*

بسمی و اهتمام



جناب مستطاب مجد الاجلة و النجار

اقای حاجی شیخ محمد حسین صاحب

ناجر شیرازی دام انجباله العالی

در بیستی در مطبع شرافت \*

زینت طبع یافت

فی شهر صفر المظفر ۱۳۴۰ هجری

